

کتابخانه

۱۰۰۱
فضیلت از



راستی‌المسیرین
علیهم السلام

در کتب اهل سنت

اواخر
محمد رضا دینی



هزار و یک فضیلت از
امیرالمؤمنین علی

محمد رضا دینی اوجدی

فصل اول

آیات قرآن کریم در شأن امام علی علیه السلام در کتب تفسیری اهل سنت

۱. سوره حمد آیه ۱ بسم الله الرحمن الرحيم ۵۱
۲. سوره حمد، آیه ۵ ۵۱
۳. سوره بقره آیه ۲ ۵۱
۴. سوره بقره آیه ۱۴ ۵۲
۵. سوره بقره آیه ۳۷ ۵۳
۶. سوره بقره آیه ۵۸ ۵۳
۷. سوره بقره آیه ۱۴۳ ۵۳
۸. سوره بقره آیه ۲۰۷ ۵۴
۹. شرح کوتاه از حادثه لیلۃ المبيت ۵۷
۱۰. سوره بقره آیه ۲۰۸ ۵۸
۱۱. سوره بقره آیه ۲۵۵ «آیه الكرسي» ۵۸
۱۲. سوره بقره آیه ۲۷۴ ۶۰
۱۳. سوره آل عمران آیه ۳۳ ۶۱
۱۴. سوره آل عمران آیه ۶۱ ۶۱
۱۵. سوره آل عمران آیه ۱۰۳ ۶۲
۱۶. سوره آل عمران آیه ۱۴۴ ۶۲
۱۷. سوره آل عمران آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ ۶۳
۱۸. سوره آل عمران آیات ۱۹۵ و ۱۹۸ ۶۳
۱۹. سوره نساء آیه ۵۹ ۶۴
۲۰. سوره نساء آیه ۶۹ ۶۶
۲۱. سوره نساء آیه ۱۴۲ ۶۸
۲۲. سوره نساء آیه ۱۷۴ ۶۹
۲۳. سوره مائده آیه ۳ ۶۹
۲۴. سوره مائده آیه ۵۵ ۷۰
۲۵. سوره مائده آیه ۶۷ ۷۰





۷۲	۲۶. سوره مائده آیه ۸۷
۷۲	۲۷. سوره اعراف آیه ۱۶
۷۲	۲۸. سوره اعراف آیه ۴۴
۷۳	۲۹. سوره اعراف آیه ۱۷۲
۷۴	۳۰. سوره انفال آیه ۲۵
۷۴	۳۱. سوره انفال آیه ۶۲
۷۵	۳۲. سوره انفال آیه ۶۴
۷۵	۳۳. سوره توبه آیه ۱
۷۵	۳۴. سوره توبه آیه ۱۹
۷۶	۳۵. سوره توبه آیه ۲۶
۷۷	۳۶. سوره توبه آیه ۱۰۰
۷۷	۳۷. سوره توبه آیه ۱۱۹
۷۷	۳۸. سوره یونس آیه ۲
۷۸	۳۹. سوره یونس آیه ۲۵
۷۸	۴۰. سوره یونس آیه ۵۳
۷۸	۴۱. سوره یونس آیه ۵۸
۷۹	۴۲. سوره یونس آیه ۶۲
۸۰	۴۳. سوره هود آیه ۳
۸۰	۴۴. سوره یوسف آیه ۱۰۸
۸۱	۴۵. سوره زمر آیه ۴
۸۱	۴۶. سوره زمر آیه ۷
۸۲	۴۷. سوره زمر آیه ۲۹
۸۲	۴۸. سوره زمر آیه ۴۳
۸۳	۴۹. سوره حجر آیه ۴۱
۸۴	۵۰. سوره حجر آیه ۴۷
۸۵	۵۱. سوره نحل آیه ۱۶
۸۵	۵۲. سوره نحل آیه ۲۴
۸۵	۵۳. سوره نحل آیه ۴۳

۸۶	۵۴. سوره نحل آیه ۷۶
۸۶	۵۵. سوره نحل آیه ۹۰
۸۷	۵۶. سوره اسراء آیه ۴۱
۸۷	۵۷. سوره اسراء آیه ۷۱
۸۷	۵۸. سوره اسراء آیه ۸۱
۸۸	۵۹. سوره اسراء آیه ۸۹
۸۹	۶۰. سوره كهف آیه ۷
۸۹	۶۱. سوره كهف آیه ۴۴
۸۹	۶۲. سوره مريم آیه ۵۰
۹۰	۶۳. سوره مريم آیه ۹۶
۹۲	۶۴. سوره طه آیه ۸۲
۹۳	۶۵. سوره طه آیه ۱۲۴
۹۳	۶۶. سوره حج آیات ۲۳ و ۲۴
۹۴	۶۷. سوره حج آیه ۲۴
۹۴	۶۸. سوره مؤمنون آیه ۷۴
۹۴	۶۹. سوره نور آیه ۳۶
۹۴	۷۰. سوره فرقان آیه ۵۴
۹۵	۷۱. سوره شعرا آیه ۲۱۴
۹۶	۷۲. سوره نمل آیه ۴۰ و سوره رعد آیه ۴۳
۹۶	۷۳. سوره نمل آیه ۸۹ و ۹۰
۹۶	۷۴. سوره قصص آیه ۸۳
۹۷	۷۵. سوره عنكبوت آیه ۲
۹۷	۷۶. سوره سجده آیه ۱۸
۹۸	۷۷. سوره احزاب آیه ۲۳
۹۸	۷۸. سوره احزاب آیه ۲۵
۹۹	۷۹. سوره احزاب آیه ۳۳
۱۰۰	۸۰. سوره احزاب آیه ۵۶
۱۰۱	۸۱. سوره احزاب آیه ۵۷



۸۲. سوره صافات آیه ۲۴ ۱۰۱
۸۳. سوره صافات آیه ۱۳۰ ۱۰۲
۸۴. سوره زمر آیه ۲۲ ۱۰۲
۸۵. سوره شوری آیه ۲۳ ۱۰۳
۸۶. سوره زخرف آیه ۴۱ ۱۰۷
۸۷. سوره فتح آیه ۲ ۱۰۸
۸۸. سوره طور آیه ۲۱ ۱۰۹
۸۹. سوره نجم آیات ۱ و ۲ ۱۰۹
۹۰. سوره الرحمن آیات ۱۹ تا ۲۲ ۱۱۰
۹۱. سوره واقعه آیه ۱۰ و ۱۱ ۱۱۰
۹۲. سوره واقعه آیه ۱۴ ۱۱۱
۹۳. سوره حدید آیه ۲۸ ۱۱۱
۹۴. سوره مجادله آیه ۱۲ ۱۱۱
۹۵. سوره مجادله آیه ۱۳ ۱۱۲
۹۶. سوره حشر آیه ۱۰ ۱۱۲
۹۷. سوره ممتحنه آیه ۱ ۱۱۳
۹۸. سوره صف آیه ۴ ۱۱۳
۹۹. سوره منافقون آیه ۹ ۱۱۳
۱۰۰. سوره تحریم آیه ۴ ۱۱۴
۱۰۱. سوره الحاقه آیه ۱۲ ۱۱۴
۱۰۲. سوره معارج آیه ۱ ۱۱۵
۱۰۳. سوره انسان ۱۱۷
۱۰۴. سوره انسان آیه ۱۳ ۱۱۷
۱۰۵. سوره نباء آیه ۳۸ ۱۱۸
۱۰۶. سوره اعلی آیات ۱۸ و ۱۹ ۱۱۸
۱۰۷. سوره بلد آیه ۱۱ ۱۱۹
۱۰۸. سوره بینه آیه ۵ ۱۱۹
۱۰۹. سوره بینه آیه ۷ ۱۱۹

۱۱۰. سوره عصر آیه ۳ ۱۲۰
۱۱۱. سوره کوثر ۱۲۰
۱۱۲. سوره توحید ۱۲۱
۱۱۳. نکته برجسته ۱۲۱

فصل دوم

فضایل امام علی علیه السلام در کتب حدیثی اهل سنت

۱. ولایت محور بعثت ۱۲۵
۲. ملاک درستی یک روایت چیست؟ ۱۲۵
۳. آیا ما به فکر عاقبت کار خود هستیم؟ ۱۲۶
۴. ثقل اکبر ۱۲۶
۵. علی علیه السلام وارث علم نبی صلی الله علیه و آله ۱۲۷
۶. علی علیه السلام حقیقت آشکار ۱۲۸
۷. انکار نبوت انبیاء گذشته ۱۲۸
۸. حسد عامل گمراهی ۱۲۹
۹. عاقبت انکار ۱۲۹
۱۰. حق روشن ۱۳۰
۱۱. فرشته سرزمین غدیر ۱۳۰
۱۲. دعای پیامبر هنوز جاری است ۱۳۰
۱۳. پیام دوستی ۱۳۱
۱۴. خیرخواه ره یافته ۱۳۱
۱۵. هدایتگر قوم محمد صلی الله علیه و آله ۱۳۱
۱۶. امامت امام مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت ۱۳۱
۱۷. ولی هر مؤمن ۱۳۲
۱۸. هم شأن رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۳۳
۱۹. مظلوم بزرگ ۱۳۳
۲۰. نفرین امام علی علیه السلام ۱۳۳



۲۱. هم شأن رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۳۳
۲۲. وصی مظلوم ۱۳۴
۲۳. حکمیت در جنگ صفین ۱۳۴
۲۴. نهایت مظلومیت ۱۳۴
۲۵. عابد بی نظیر ۱۳۵
۲۶. پیرو واقعی رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۳۵
۲۷. زاهد امت محمد صلی الله علیه و آله ۱۳۶
۲۸. حدیث برادری و برابری (آدرس ۶ حدیث) ۱۳۶
۲۹. اولین قهرمان ایمان ۱۳۶
۳۰. زاهد بزرگ ۱۳۷
۳۱. حدیثی که چراغ راه ماست ۱۳۷
۳۲. مؤمن ممتاز ۱۳۸
۳۳. خلق عظیم ۱۳۸
۳۴. مصداق قلب سلیم ۱۳۸
۳۵. چه حقیقت واضحی (آدرس ۲۷ حدیث) ۱۳۹
۳۶. پاک طینت پاک خوی ۱۴۰
۳۷. از جایگاه خود بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر می دهد ۱۴۰
۳۸. دانای امت محمد صلی الله علیه و آله ۱۴۰
۳۹. حدیث منزلت ۱۴۰
۴۰. فضیلتی ویژه ۱۴۰
۴۱. حسنه پایدار و سودمند در قیامت ۱۴۱
۴۲. حافظ دین خدا ۱۴۱
۴۳. همراهی و حمایت از حق ۱۴۱
۴۴. دلیل محکم ۱۴۲
۴۵. ماجرای بستن درب ها ۱۴۲
۴۶. همراز و همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۴۳
۴۷. نوشته ای از نور ۱۴۳
۴۸. حدیث منزلت در سایر کتب ۱۴۴

۴۹. شجره ای واحد ۱۴۴
۵۰. نشانه منافقین ۱۴۴
۵۱. جنگاوری بی همتا (آدرس ۱۴ حدیث) ۱۴۵
۵۲. فضایل بی نهایت ۱۴۵
۵۳. مؤمنین هر عصر و زمان ۱۴۶
۵۴. عشق برتر ۱۴۶
۵۵. دشمن رسول خدا ﷺ ۱۴۶
۵۶. شباهت های بی نظیر (۶ نکته) ۱۴۷
۵۷. اتحاد وجودی ۱۴۷
۵۸. دوست و عزیز رسول خدا ﷺ ۱۴۸
۵۹. صاحب صفات انبیاء ۱۴۸
۶۰. زاهد بی بدیل ۱۴۸
۶۱. نور نجات بخش ۱۴۸
۶۲. اثر قیامتی پیروی از علی علیه السلام ۱۴۹
۶۳. بهترین ها علیست ۱۴۹
۶۴. یاور رسول خدا ﷺ ۱۴۹
۶۵. نشانه انکار نبوت انبیاء ۱۴۹
۶۶. برترین ها در نزد رسول خدا ﷺ ۱۵۰
۶۷. عظمت عظیم علی علیه السلام ۱۵۰
۶۸. وصی بعد رسول خدا ﷺ ۱۵۰
۶۹. حدیثی بزرگ تر از فتح خیبر ۱۵۱
۷۰. عامل عاقبت بخیری ۱۵۱
۷۱. نشانه راه درست ۱۵۲
۷۲. پدر ربانی امت ۱۵۲
۷۳. داماد پاک رسول الله ﷺ ۱۵۲
۷۴. ستاره هدایت اهل ایمان ۱۵۲
۷۵. معاویه نشانه باطل ۱۵۳
۷۶. علامت ایمان ۱۵۳



۷۷. باب علم نبی الله ﷺ ۱۵۳
۷۸. همه کاره صحرای محشر ۱۵۴
۷۹. روحی واحد و متحد ۱۵۴
۸۰. دوستدار خدا و رسول ۱۵۴
۸۱. وارث و وصی علیست ۱۵۵
۸۲. امام امت رسول الله ﷺ ۱۵۵
۸۳. نشانه دشمن خدا ۱۵۵
۸۴. حکمی ثابت ۱۵۶
۸۵. برگزیده و نظر کرده خداوند متعال ۱۵۶
۸۶. صاحب پرچم حق (آدرس ۷۹ حدیث) ۱۵۶
۸۷. دلیل پاکی روح ۱۵۷
۸۸. برای قبر و قیامت کاری بکنیم ۱۵۸
۸۹. بال پرواز مؤمنین ۱۵۹
۹۰. عبادتی استثنایی ۱۶۰
۹۱. راه رابطه با رسول الله ﷺ ۱۶۰
۹۲. میر میدان مردی ۱۶۰
۹۳. نشانه های راه راست ۱۶۱
۹۴. علی علیه السلام باب الله ۱۶۱
۹۵. آزار نبی الله الاعظم ﷺ ۱۶۲
۹۶. نشانه حق و حقیقت ۱۶۲
۹۷. اولین مؤمن مسلمان ۱۶۲
۹۸. محبتی آتشین ۱۶۲
۹۹. وارث نور مبین ۱۶۳
۱۰۰. نشانه راه ۱۶۳
۱۰۱. پیشوای شریف ۱۶۳
۱۰۲. ۱۲ نور بهشتی ۱۶۴
۱۰۳. نشانه ارتداد و کفر ۱۶۴
۱۰۴. نقش دفتر دل ۱۶۴

۱۰۵. منزلتی رفیع و نورانی	۱۶۴
۱۰۶. حق با علیست	۱۶۵
۱۰۷. قرآن ناطق	۱۶۵
۱۰۸. آقا و بزرگ مسلمین	۱۶۶
۱۰۹. باب الجنّة	۱۶۶
۱۱۰. امام الحکماء	۱۶۶
۱۱۱. فرمان خدا بود	۱۶۷
۱۱۲. مظلوم غریب	۱۶۷
۱۱۳. پاک دست امین	۱۶۷
۱۱۴. پیامی از عرش	۱۶۷
۱۱۵. علم و عملی بی مانند	۱۶۸
۱۱۶. نشانه راه حق	۱۶۸
۱۱۷. پیرو واقعی سنت رسول الله ﷺ	۱۶۸
۱۱۸. محبوب دل رسول الله ﷺ	۱۶۹
۱۱۹. ممتازترین مرد عالم وجود (آدرس ۷ حدیث)	۱۶۹
۱۲۰. قدر ناشناسی	۱۷۰
۱۲۱. خداوند انتقام گرفت	۱۷۰
۱۲۲. نشانه حق و راستی	۱۷۰
۱۲۳. وارسته راه راست	۱۷۱
۱۲۴. وارسته راه پاکی ها	۱۷۱
۱۲۵. وارسته صراط صعود	۱۷۲
۱۲۶. بخشنده ای عجیب	۱۷۲
۱۲۷. بخشنده ای کریم	۱۷۳
۱۲۸. دنیای بی ارزش	۱۷۳
۱۲۹. کوه استوار دینداری	۱۷۴
۱۳۰. عاشق شهادت	۱۷۴
۱۳۱. مددکار ضعیفان	۱۷۴
۱۳۲. زینت زمین و آسمان	۱۷۴



۱۳۳. مردی از جنس فرشتگان ۱۷۵
۱۳۴. راسخ و استوار در دین ۱۷۵
۱۳۵. عیسای امت محمد صلی الله علیه و آله ۱۷۵
۱۳۶. خلیفه امانت دار ۱۷۶
۱۳۷. امین پاک دست ۱۷۶
۱۳۸. زاهد راستین ۱۷۶
۱۳۹. علی والا مولاست ۱۷۷
۱۴۰. صادق امین ۱۷۷
۱۴۱. زیور زبور ۱۷۷
۱۴۲. رئوف بی مثال ۱۷۸
۱۴۳. کمک کار مؤمنین ۱۷۸
۱۴۴. جهادگر ممتاز ۱۷۹
۱۴۵. برادری صادق ۱۷۹
۱۴۶. راه رستگاری ۱۸۰
۱۴۷. علی علیه السلام راه هدایت ۱۸۰
۱۴۸. تو مظلوم خواهی شد ۱۸۱
۱۴۹. مظهر عفو و گذشت ۱۸۱
۱۵۰. پاداش عشق ورزی ۱۸۲
۱۵۱. اول مسلمان در اسلام (آدرس ۱۲ حدیث) ۱۸۲
۱۵۲. چقدر به رسول الله صلی الله علیه و آله محبت کردند ۱۸۳
۱۵۳. دین سعادت ساز ۱۸۳
۱۵۴. موسای امت محمد صلی الله علیه و آله ۱۸۳
۱۵۵. عزیز رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۸۴
۱۵۶. امام راه راست ۱۸۴
۱۵۷. شنوای هستی ۱۸۴
۱۵۸. جانشین نبوت ۱۸۵
۱۵۹. آرزوی دل ابراهیم علیه السلام ۱۸۵
۱۶۰. اسمی عرشی ۱۸۵

۱۸۶	۱۶۱. جایزه عاشقی
۱۸۶	۱۶۲. راهبر امت
۱۸۶	۱۶۳. صاحب علوم قرآن کریم
۱۸۷	۱۶۴. علی <small>علیه السلام</small> صراط راستی و سعادت
۱۸۷	۱۶۵. خیر البریه
۱۸۸	۱۶۶. بوی عطر انبیاء
۱۸۸	۱۶۷. راه نجات
۱۸۸	۱۶۸. مجوز عبور از صراط
۱۸۹	۱۶۹. پنج سعادت‌مندی
۱۸۹	۱۷۰. عبادتی بی مثال
۱۸۹	۱۷۱. برگزیده خدا
۱۹۰	۱۷۲. عامل سعادت‌مندی و عاقبت بخیری
۱۹۰	۱۷۳. چه اقرار عجیبی
۱۹۰	۱۷۴. چه اقرار بزرگی
۱۹۱	۱۷۵. کجا ایستاده‌ایم
۱۹۱	۱۷۶. دعایی مستجاب
۱۹۱	۱۷۷. هارون امت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۹۲	۱۷۸. خلقتی ممتاز
۱۹۲	۱۷۹. سرپرستی ممتاز
۱۹۳	۱۸۰. کافری ممتاز
۱۹۳	۱۸۱. راه کسب خشنودی خدای بزرگ
۱۹۳	۱۸۲. راه کسب سعادت‌مندی
۱۹۴	۱۸۳. نشانه های پاکی در زمین
۱۹۴	۱۸۴. جهادگر بزرگ
۱۹۴	۱۸۵. تو اول آنانی
۱۹۵	۱۸۶. بعثت انبیاء
۱۹۵	۱۸۷. توبه واقعی
۱۹۵	۱۸۸. ید واحد



۱۸۹. صاحب سرّ رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۹۵
۱۹۰. سندی ۱۲۰۰ ساله ۱۹۶
۱۹۱. عبادتی ممتاز ۱۹۶
۱۹۲. ولی خدا علیست ۱۹۷
۱۹۳. اولین نمازگزار (با آدرس ۷ حدیث) ۱۹۷
۱۹۴. دوازده مشعل هدایت ۱۹۷
۱۹۵. رو سیاهان قیامت ۱۹۸
۱۹۶. خردمند بی بدیل ۱۹۸
۱۹۷. ولایت خداوند ۱۹۸
۱۹۸. وارث نبی الله صلی الله علیه و آله ۱۹۸
۱۹۹. پاداش بزرگ برای مردمی بزرگ ۱۹۹
۲۰۰. صاحب اخلاق نبوی ۱۹۹
۲۰۱. لباس صالحان بر تن امام صالحان ۲۰۰
۲۰۲. بهترین ها ۲۰۱
۲۰۳. جبرئیل خدمتکار اوست ۲۰۱
۲۰۴. حجتی مشترک ۲۰۱
۲۰۵. پیشوای متقیان ۲۰۲
۲۰۶. بر سنت رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۰۲
۲۰۷. فدایی حق ۲۰۳
۲۰۸. در دعاها شریک رسول الله صلی الله علیه و آله است ۲۰۳
۲۰۹. شادی بزرگ ۲۰۳
۲۱۰. طغیان و گمراهی ۲۰۴
۲۱۱. راه عبور از صراط ۲۰۴
۲۱۲. اجر نبوت ۲۰۵
۲۱۳. تو به راه علی و دنبال علی باش ۲۰۵
۲۱۴. برترین مرد عالم ۲۰۵
۲۱۵. کریم با صفا ۲۰۵
۲۱۶. کارش را بر دوش دیگران نمی گذاشت ۲۰۶

- ۲۰۶ ۲۱۷. حاکم مؤمن
- ۲۰۶ ۲۱۸. بخشندہ کریم
- ۲۰۶ ۲۱۹. شیر میدان نبرد
- ۲۰۷ ۲۲۰. اصل واحد
- ۲۰۷ ۲۲۱. پیشوای اہل تقوا
- ۲۰۸ ۲۲۲. کشتی سعادت
- ۲۰۸ ۲۲۳. کشتی نجات بخش (با آدرس ۸ حدیث)
- ۲۰۸ ۲۲۴. توسل صراط سلوک
- ۲۰۸ ۲۲۵. زاہد دھر
- ۲۰۹ ۲۲۶. جان معنوی رسول خدا ﷺ
- ۲۰۹ ۲۲۷. اخیار عالم
- ۲۰۹ ۲۲۸. ہمرزمان علیؑ در جنگ ہا
- ۲۱۰ ۲۲۹. نبرد با بی دینی
- ۲۱۰ ۲۳۰. پیرو راستین سنت نبوی
- ۲۱۰ ۲۳۱. خدا دوستدار علیست
- ۲۱۱ ۲۳۲. فرشتگان حامی علیؑ
- ۲۱۱ ۲۳۳. قرآن کریم در چہار بخش
- ۲۱۲ ۲۳۴. برادری راستین
- ۲۱۲ ۲۳۵. بینہ و دلیل روشن
- ۲۱۲ ۲۳۶. دستور رسول اللہ ﷺ
- ۲۱۳ ۲۳۷. حجت بالغہ
- ۲۱۳ ۲۳۸. چہرہ دشمن علیؑ
- ۲۱۴ ۲۳۹. محبوب ترین ہا در نزد خداوند
- ۲۱۴ ۲۴۰. صاحب علم قرآن
- ۲۱۴ ۲۴۱. نشانہ نفاق
- ۲۱۴ ۲۴۲. ہمراز و ہمراہ قرآن
- ۲۱۵ ۲۴۳. جایگاہ قیامت علیؑ
- ۲۱۵ ۲۴۴. حقیقتی استثنایی



۲۴۵. عالم معالم دین ۲۱۶
۲۴۶. آزار نبی الله صلی الله علیه و آله ۲۱۶
۲۴۷. ظلم به رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۱۶
۲۴۸. دوازده خورشید تابان ۲۱۷
۲۴۹. اثر قیامتی حب علی علیه السلام ۲۱۷
۲۵۰. صبور و حلیم بزرگ ۲۱۷
۲۵۱. نشانه انسان سعادت مند ۲۱۷
۲۵۲. اثر ولایت علی علیه السلام در عبور از صراط ۲۱۸
۲۵۳. خانه ای بهشتی ۲۱۸
۲۵۴. درخت طوبی ۲۱۹
۲۵۵. عبادتی بی ارزش ۲۱۹
۲۵۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله از او راضی بود ۲۱۹
۲۵۷. سکوت دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله ۲۲۰
۲۵۸. بزرگ ترین صحابی کیست؟ ۲۲۰
۲۵۹. صاحب راز علیست ۲۲۰
۲۶۰. دستور خدا، وصلتی ربانی ۲۲۱
۲۶۱. اثر دعای رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۲۱
۲۶۲. صاحب اسرار کتاب الله ۲۲۱
۲۶۳. عامل عاقبت بخیری ۲۲۲
۲۶۴. جز علی علیه السلام کسی اینگونه نگفت ۲۲۲
۲۶۵. نسلی از جنس نور ۲۲۲
۲۶۶. برکت ویژه ۲۲۲
۲۶۷. نشانه های ستمگر ۲۲۳
۲۶۸. سعادت مندی روشن رو ۲۲۳
۲۶۹. صراط سعادت ۲۲۳
۲۷۰. اثر دوستی علی علیه السلام در قیامت ۲۲۴
۲۷۱. نشانه حق بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۲۴
۲۷۲. خلیفه را برای مردم معرفی کرد ۲۲۴

۲۷۳. اثر باطنی حب علی علیه السلام ۲۲۴
۲۷۴. نشانه راه حق ۲۲۵
۲۷۵. پیامبر صلی الله علیه و آله راه راست را نشان داد ۲۲۵
۲۷۶. این روایت را چه کسی نقل کرده؟ ۲۲۵
۲۷۷. فاتح بی بدیل میدان ها ۲۲۶
۲۷۸. ممتاز دهر ۲۲۶
۲۷۹. سابقه ای نورانی ۲۲۷
۲۸۰. با روح رسول خدا صلی الله علیه و آله مسح کرد ۲۲۷
۲۸۱. پشیمان شده ۲۲۸
۲۸۲. حکم خدا نازل نشده است ۲۲۸
۲۸۳. تو خلیفه امتی ۲۲۸
۲۸۴. بدا به حال دشمن علی علیه السلام ۲۲۹
۲۸۵. محبوبی آشکار ۲۲۹
۲۸۶. حضرت ابوطالب رضی الله عنه و ایثارگری هایش ۲۳۰
۲۸۷. صفات دشمنان علی علیه السلام ۲۳۰
۲۸۸. پرچم دار اسلام ۲۳۱
۲۸۹. عاقبت کار دشمنان علی علیه السلام ۲۳۱
۲۹۰. صفاتی از جنس انبیاء ۲۳۱
۲۹۱. نشانه عیسای بزرگ ۲۳۱
۲۹۲. ید واحد ۲۳۲
۲۹۳. صفاتی از جنس پاکی ۲۳۲
۲۹۴. اهل بیت علیهم السلام قبل از خلقت ۲۳۲
۲۹۵. چهار جا همراه رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۳۳
۲۹۶. اثر قیامتی پیروی از علی علیه السلام ۲۳۴
۲۹۷. حدیث منزلت در سایر منابع و کتب اهل سنت ۲۳۴
۲۹۸. هیچ پیغمبری بدون وصی نبود ۲۳۴
۲۹۹. شانی شریف ۲۳۵
۳۰۰. هم نام خداوند ۲۳۵



۳۰۱. دشمن رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۳۶
۳۰۲. کدامیک از صحابی اینگونه حرف ها را می زدند ۲۳۶
۳۰۳. خورشید تابنده ۲۳۶
۳۰۴. نشانه های عشق ۲۳۷
۳۰۵. صاحب اسرار کتاب الله ۲۳۷
۳۰۶. واسطه علمی استثنایی ۲۳۷
۳۰۷. مثالی رسا ۲۳۷
۳۰۸. نشانه راه مستقیم ۲۳۸
۳۰۹. پرچم دین خدا ۲۳۸
۳۱۰. مدار نورانی ۲۳۸
۳۱۱. اهل بیت اولی الامر هستند ۲۳۹
۳۱۲. سود و نفع آخرتی ۲۳۹
۳۱۳. نشانه روشن یک کافر ۲۳۹
۳۱۴. اثر روحی انکار اهل بیت علیهم السلام ۲۴۰
۳۱۵. راهبری امین ۲۴۰
۳۱۶. طبری در تفسیرش خلیفه را معرفی کرده است ۲۴۰
۳۱۷. سابقون امت ها ۲۴۰
۳۱۸. خلیفه کیست؟ ۲۴۱
۳۱۹. فضایل خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۴۱
۳۲۰. اخذ شهادت ۲۴۲
۳۲۱. ۱۲ خلیفه بر حق ۲۴۲
۳۲۲. درس سحر ۲۴۳
۳۲۳. ۱۲ نور پاک ۲۴۳
۳۲۴. عبور از صراط ۲۴۳
۳۲۵. منزلتی عرشی (با ۱۲ آدرس حدیث) ۲۴۴
۳۲۶. محبتی واجب ۲۴۴
۳۲۷. توسل نردبان وصل ۲۴۴
۳۲۸. یادی معنوی ۲۴۵

۳۲۹. ایمان بی همتا و بزرگ (با آدرس ۶ حدیث) ۲۴۵
۳۳۰. حقیقتی که واضح است ۲۴۵
۳۳۱. ۱۲ عرش نورانی ۲۴۶
۳۳۲. چراغ راه سعادت‌مندی ۲۴۷
۳۳۳. دانای توانا ۲۴۸
۳۳۴. طوبای بهشتی ۲۴۸
۳۳۵. امام مجاهدان ۲۴۹
۳۳۶. فصل الخطاب امت ۲۵۰
۳۳۷. صاحب کوثر ۲۵۰
۳۳۸. برتری غیر قابل انکار ۲۵۰
۳۳۹. روایات دروغ نقل کردند ۲۵۰
۳۴۰. خلافت از آن اهل بیت علیهم السلام است ۲۵۱
۳۴۱. چهره ابلیس ۲۵۲
۳۴۲. ورود اولین انسان ها به بهشت ۲۵۲
۳۴۳. راه رابطه با رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۲
۳۴۴. اثر حب علی علیه السلام در حین مرگ ۲۵۳
۳۴۵. فضایل علی علیه السلام در قرآن ۲۵۳
۳۴۶. راه اطاعت از رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۳
۳۴۷. نشانه رستگاری ۲۵۳
۳۴۸. علی علیه السلام کنار حوض رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۴
۳۴۹. دوستان خدا ۲۵۴
۳۵۰. سند حدیث ثقلین ۲۵۴
۳۵۱. فضایی بی حد و حصر ۲۵۴
۳۵۲. برائت از مشرکین ۲۵۵
۳۵۳. پاداش محبان علی علیه السلام ۲۵۵
۳۵۴. خلیفه برتر علیست ۲۵۵
۳۵۵. مولای مؤمنین ۲۵۵
۳۵۶. عبادتی بزرگ ۲۵۶



۳۵۷. کسب ولایت خدا ۲۵۶
۳۵۸. علی علیه السلام حجت خدا بر مردم ۲۵۶
۳۵۹. نپذیرفتند ۲۵۶
۳۶۰. اولین گمراهی در اسلام ۲۵۷
۳۶۱. مورد لعن فاطمه زهرا علیه السلام ۲۵۷
۳۶۲. صراط دین ۲۵۷
۳۶۳. حرف های ناحق ۲۵۸
۳۶۴. مردی از جنس انبیاء ۲۵۸
۳۶۵. راه رسیدن به حوض کوثر ۲۵۹
۳۶۶. چهره دشمنان خدا ۲۵۹
۳۶۷. خوار کننده دنیا ۲۵۹
۳۶۸. لقبی شریف و ممتاز ۲۵۹
۳۶۹. اثر دشمنی با علی علیه السلام ۲۶۰
۳۷۰. حب علی علیه السلام راه نجات ۲۶۰
۳۷۱. لایقاس بآل محمد ﷺ ۲۶۰
۳۷۲. عبادتی ویژه ۲۶۱
۳۷۳. جایگاه ولایت علی علیه السلام ۲۶۱
۳۷۴. برادر اسرافیل علیه السلام ۲۶۱
۳۷۵. نوشته شب معراج ۲۶۱
۳۷۶. نسل پاک ۲۶۲
۳۷۷. کسی چنین مظلومی را سراغ ندارد ۲۶۲
۳۷۸. نجیب میدان جنگ ۲۶۲
۳۷۹. پرچمدار دو جهان ۲۶۳
۳۸۰. سید عرب ۲۶۳
۳۸۱. علی علیه السلام قاتل بدکاران ۲۶۳
۳۸۲. امیری مؤمنان ۲۶۴

۳۸۳	صديق اكبر	۲۶۴
۳۸۴	معیار شناخت مؤمن از غیر آن	۲۶۴
۳۸۵	همه بهشت	۲۶۴
۳۸۶	سید اهل تقوا	۲۶۵
۳۸۷	جنگ با اهل بدعت	۲۶۵
۳۸۸	مظلوم بزرگ	۲۶۵
۳۸۹	شیر روز زاهد شب	۲۶۶
۳۹۰	شرافتی متین	۲۶۶
۳۹۱	امام کعبه‌ی اهل ایمان	۲۶۶
۳۹۲	شرط قبولی ایمان	۲۶۸
۳۹۳	راه ورود به فردوس (۱۱ حدیث)	۲۶۸
۳۹۴	اثرات قیامتی حب علی <small>علیه السلام</small>	۲۶۹
۳۹۵	حبی اثر بخش	۲۷۰
۳۹۶	سوالات صحنه قیامت	۲۷۰
۳۹۷	عملی مقبول	۲۷۰
۳۹۸	نشانه های مردن به حال کفر	۲۷۱
۳۹۹	امر خداوند به دوستی علی <small>علیه السلام</small>	۲۷۱
۴۰۰	خدا اینگونه فرموده است	۲۷۲
۴۰۱	راه نجات از آتش جهنم	۲۷۲
۴۰۲	علی <small>علیه السلام</small> نشانه خدا	۲۷۲
۴۰۳	معرفی خلیفه خدا در زمین	۲۷۳
۴۰۴	جایگاهی بی نظیر در نزد رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۷۳
۴۰۵	معرفی جانشین توسط رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۷۳
۴۰۶	شجاع بی مثال	۲۷۳
۴۰۷	حبی سعادت بخش	۲۷۴
۴۰۸	چند نکته مهم	۲۷۴



فصل سوم

فضایل امام علیؑ در کلام صحابی و علماء اهل سنت

- ۲۸۰ نکته ۱ (سخن سعید بن مسیب)
- ۲۸۰ نکته ۲ (سخن آیت الله بهجت (ره))
- ۲۸۰ نکته ۳ (سخن آیت الله بهجت (ره))
- ۲۸۱ نکته ۴ (سخن ابن عباس)
- ۲۸۱ نکته ۵ (سخن فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت)
- ۲۸۲ نکته ۶ (سخن ضرار بن ضمیره کنانی)
- ۲۸۳ نکته ۷ (سخن زمخشری مفسر بزرگ اهل سنت)
- ۲۸۳ نکته ۸ (سخن عایشه همسر پیامبر خدا ﷺ)
- ۲۸۴ نکته ۹ (سخن ابن عباس)
- ۲۸۴ نکته ۱۰ (سخن عمر بن خطاب)
- ۲۸۴ نکته ۱۱ (سخن عمر بن خطاب)
- ۲۸۴ نکته ۱۲ (سخن غزالی)
- ۲۸۵ نکته ۱۳ (سخن حسکانی)
- ۲۸۵ نکته ۱۴ (سخن ابن شبرمه)
- ۲۸۵ نکته ۱۵ (سخن عمرو عاص)
- ۲۸۶ نکته ۱۶ (سخن عطاء بن ابی رباح)
- ۲۸۶ نکته ۱۷ (سخن ابو عبدالرحمان سلمی)
- ۲۸۶ نکته ۱۸ (سخن واقدی)
- ۲۸۷ نکته ۱۹ (سخن ابن عطیه و قرطبی و ثعالبی)
- ۲۸۷ نکته ۲۰ (سخن قثم بن عباس)
- ۲۸۷ نکته ۲۱ (سخن ابوبکر)
- ۲۸۸ نکته ۲۲ (سخن معاویه بن ابی سفیان)
- ۲۸۸ نکته ۲۳ (سخن عمر بن خطاب)
- ۲۸۹ نکته ۲۴ (سخن خطیب خوارزمی)
- ۲۸۹ نکته ۲۵ (سخن خلیل بن احمد)

- نکتہ ۲۶ (سخن سعد ابی وقاص) ۲۸۹
- نکتہ ۲۷ (سخن جاحظ) ۲۹۰
- نکتہ ۲۸ (سخن احمد بن حنبل) ۲۹۰
- نکتہ ۲۹ (سخن حسن بن زید) ۲۹۱
- نکتہ ۳۰ (سخن عایشہ) ۲۹۱
- نکتہ ۳۱ (سخن ابن ابی الحدید) ۲۹۱
- نکتہ ۳۲ (سخن آیت اللہ بہجت (رہ)) ۲۹۲
- نکتہ ۳۳ (سہ نقل از عایشہ) ۲۹۳
- نکتہ ۳۴ (سخنان زیاد بن ابوسفیان و طبرانی) ۲۹۴
- نکتہ ۳۵ (سخن فخر رازی) ۲۹۵
- نکتہ ۳۶ (سخن ابوالقاسم حاکم حسکانی) ۲۹۶
- نکتہ ۳۷ (سخن معاویہ) ۲۹۷
- نکتہ ۳۸ (ابن عباس) ۲۹۷
- نکتہ ۳۹ (نقل حاکم حسکانی) ۲۹۸
- نکتہ ۴۰ (سخن عایشہ) ۲۹۸
- نکتہ ۴۱ (سخن ابن حجر عسقلانی) ۲۹۸
- نکتہ ۴۲ (سخن حسکانی) ۲۹۹
- نکتہ ۴۳ (سخن ابن عباس) ۲۹۹
- نکتہ ۴۴ (سخن ابوالہذیل) ۲۹۹
- نکتہ ۴۵ (سخن شعبی) ۳۰۳
- نکتہ ۴۶ (سخن ابن عباس) ۳۰۴
- نکتہ ۴۷ (سخن عبداللہ فرزند خلیفہ دوم) ۳۰۴
- نکتہ ۴۸ (سخن ثعلبی مفسر اہل سنت) ۳۰۴
- نکتہ ۴۹ (سخن علمای علم تفسیر قرآن) ۳۰۵
- نکتہ ۵۰ (سخن احمد حنبل) ۳۰۵
- نکتہ ۵۱ (سخن ابن مغالزی) ۳۰۵
- نکتہ ۵۲ (سخن مسلم بن حجاج قشیری نیشاپوری) ۳۰۶
- نکتہ ۵۳ (سخن ابن قتیبہ) ۳۰۶



- نکته ۵۴ (سخن احمد حنبل) ۳۰۶
- نکته ۵۵ (سخن عباس عموی پیامبر اسلام ﷺ) ۳۰۷
- نکته ۵۶ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۰۷
- نکته ۵۷ (سخن طبری درباره انفاق علیؑ) ۳۰۸
- نکته ۵۸ (سخن ابن عباس و عمر) ۳۰۸
- نکته ۵۹ (سخن عمر بن خطاب) ۳۰۸
- نکته ۶۰ (سخن عبدالرحمان بن عوف) ۳۰۹
- نکته ۶۱ (سخن امام شافعی) ۳۰۹
- نکته ۶۲ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۰۹
- نکته ۶۳ (سخن ابن ام مکتوم) ۳۱۰
- نکته ۶۴ (سخن عمر بن خطاب و عبدالله بن عباس) ۳۱۰
- نکته ۶۵ (سخن ابن ابجر عجلی و معاویه) ۳۱۱
- نکته ۶۶ (سخن محمد بن منصور طوسی) ۳۱۲
- نکته ۶۷ (سخن جاحظ و استادش نظام) ۳۱۲
- نکته ۶۸ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۱۲
- نکته ۶۹ (سخن المناوی) ۳۱۳
- نکته ۷۰ (سخن ابوبکر هذلی) ۳۱۳
- نکته ۷۱ (سخن جاحظ) ۳۱۴
- نکته ۷۲ (سخن مسعودی) ۳۱۴
- نکته ۷۳ (سخن معاویه) ۳۱۴
- نکته ۷۴ (سخن اعمش) ۳۱۵
- نکته ۷۵ (سخن ام سلمه) ۳۱۵
- نکته ۷۶ (سخن عایشه) ۳۱۶
- نکته ۷۷ (سخن عجیب عبدالله بن عمر بن خطاب) ۳۱۶
- نکته ۷۸ (سخن قثم بن عباس) ۳۱۶
- نکته ۷۹ (سخن عبدالاعلی بن عدی) ۳۱۶
- نکته ۸۰ (سخن ابوهریره) ۳۱۷
- نکته ۸۱ (سخن عمر بن خطاب) ۳۱۷

نکته ۸۲ (سخن عبدالرحمان فرزند خالدبن ولید)	۳۱۸
نکته ۸۳ (سخن عمر بن عبدالعزیز)	۳۱۸
نکته ۸۴ (سخن ابوقیس اودی)	۳۱۸
نکته ۸۵ (سخن جابر بن عبدالله انصاری)	۳۱۹
نکته ۸۶ (سخن عبید بن ابی جعد از جابر)	۳۱۹
نکته ۸۷ (سخن حذیفه)	۳۱۹
نکته ۸۸ (سخن سعد ابی وقاص)	۳۱۹
نکته ۸۹ (سخن عمر بن خطاب)	۳۲۰
نکته ۹۰ (سخن حذیفه)	۳۲۰
نکته ۹۱ (سخن زر بن جیش)	۳۲۱
نکته ۹۲ (سخن ابن ابی الحدید)	۳۲۱
نکته ۹۳ (سخن زمخشری در ربیع الابرار)	۳۲۱
نکته ۹۴ (سخن امّ سعید)	۳۲۲
نکته ۹۵ (سخن عدی بن حاتم طائی)	۳۲۲
نکته ۹۶ (سخن حزیمه بن ثابت صحابی بزرگ رسول خدا ﷺ)	۳۲۲
نکته ۹۷ (سخن شهید حب امام علی رضی الله عنه رشید هجری)	۳۲۳
نکته ۹۸ (سخن ابورجاء)	۳۲۳
نکته ۹۹ (سخن عجیب عمر بن خطاب)	۳۲۴
نکته ۱۰۰ (سخن ابن عباس مفسر بزرگ)	۳۲۴
نکته ۱۰۱ (سخن عمر بن خطاب)	۳۲۵
نکته ۱۰۲ (سخن ابن عساکر)	۳۲۵
نکته ۱۰۳ (سخن ابن اثیر)	۳۲۵
نکته ۱۰۴ (سخن نسائی از علمای بزرگ اهل سنت)	۳۲۶
نکته ۱۰۵ (سخن عایشه)	۳۲۷
نکته ۱۰۶ (سخن ابن ابی الحدید)	۳۲۷
نکته ۱۰۷ (سخن ابن سعد)	۳۲۷
نکته ۱۰۸ (سخن ثعلبی مفسر بزرگ اهل سنت)	۳۲۷
نکته ۱۰۹ (سخن امام بخاری)	۳۲۷



- نکته ۱۱۰ (سخنان عجیب عمر و ابن عباس) ۳۲۸
- نکته ۱۱۱ (سخنان ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری معروف به مسلم) ۳۲۹
- نکته ۱۱۲ (معرفی کتاب عمده) ۳۲۹
- نکته ۱۱۳ (سخنان و نوشتجات بیضاوی) ۳۳۰
- نکته ۱۱۴ (سخن ام سلمه) ۳۳۰
- نکته ۱۱۵ (سخن عایشه) ۳۳۱
- نکته ۱۱۶ (سخن ابوبکر) ۳۳۱
- نکته ۱۱۷ (سخن انس بن مالک غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) ۳۳۱
- نکته ۱۱۸ (سخن ابوسعید خدری) ۳۳۱
- نکته ۱۱۹ (سخن صعصعه) ۳۳۲
- نکته ۱۲۰ (سخن فرزند امام احمد بن حنبل) ۳۳۲
- نکته ۱۲۱ (سخن شعبی) ۳۳۲
- نکته ۱۲۲ (سخن ابن عبدالبر نویسنده استیعاب) ۳۳۲
- نکته ۱۲۳ (نظرات احمد حنبل، نسایی، اسماعیل قاضی) ۳۳۳
- نکته ۱۲۴ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۳۳
- نکته ۱۲۵ (سخن آلوسی مفسر اهل سنت) ۳۳۳
- نکته ۱۲۶ (سخن حذیفه) ۳۳۴
- نکته ۱۲۷ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۳۴
- نکته ۱۲۸ (سخن عبدالله بن زبیر و معاویه) ۳۳۵
- نکته ۱۲۹ (سخن معاویه بن ابی سفیان) ۳۳۵
- نکته ۱۳۰ (سخن عمرو عاص) ۳۳۶
- نکته ۱۳۱ (سخن جاحظ) ۳۳۶
- نکته ۱۳۲ (سخن حسن بصری) ۳۳۷
- نکته ۱۳۳ (سخن ام سلمه) ۳۳۷
- نکته ۱۳۴ (سخن عایشه) ۳۳۷
- نکته ۱۳۵ (سخن ابن عباس) ۳۳۷
- نکته ۱۳۶ (سخن عبدالله بن عمر) ۳۳۸
- نکته ۱۳۷ (سخن عمر بن خطاب) ۳۳۸

۳۳۸ نکته ۱۳۸ (سخن مالک اشتر)
۳۳۹ نکته ۱۳۹ (سخن ابومسلم خولانی)
۳۳۹ نکته ۱۴۰ (سخن معاویه)
۳۳۹ نکته ۱۴۱ (سخن عبدالله فرزند امام احمد حنبل)
۳۳۹ نکته ۱۴۲ (سخن ابوذر غفاری)
۳۴۰ نکته ۱۴۳ (سخن عبدالله بن عیاش)
۳۴۰ نکته ۱۴۴ (سخن عقبه بن عمرو)
۳۴۱ نکته ۱۴۵ (سخن عمر بن خطاب)
۳۴۱ نکته ۱۴۶ (سخن ابونوار کرباس)
۳۴۱ نکته ۱۴۷ (سخن ابوذر و نعیم پسر عمویش)
۳۴۱ نکته ۱۴۸ (سخن ابی ابن الحدید)
۳۴۲ نکته ۱۴۹ (سخن ام الخیر و رقیه)
۳۴۲ نکته ۱۵۰ (سخن ابن ورقاء)
۳۴۳ نکته ۱۵۱ (سخن حذیفه)
۳۴۳ نکته ۱۵۲ (سخن عمر بن خطاب)
۳۴۳ نکته ۱۵۳ (سخن زید بن علی)
۳۴۴ نکته ۱۵۴ (سخن عبدالله پسر عمر بن خطاب)
۳۴۴ نکته ۱۵۵ (سخن اعمش درباره منکران امام علی <small>علیه السلام</small>)
۳۴۴ نکته ۱۵۶ (سخن حذیفه)
۳۴۵ نکته ۱۵۷ (سخن ابن ابی الحدید)
۳۴۵ نکته ۱۵۸ (سخن انس بن مالک)
۳۴۵ نکته ۱۵۹ (سخن شیخ سلیمان حنفی)
۳۴۶ نکته ۱۶۰ (سخن احمد بن حنبل)
۳۴۶ نکته ۱۶۱ (سخن ابن عباس)
۳۴۶ نکته ۱۶۲ (سخن قندوزی عالم بزرگ اهل سنت)
۳۴۷ نکته ۱۶۳ (سخن ابن عباس)
۳۴۷ نکته ۱۶۴ (سخن عمرو عاص و معاویه)
۳۴۷ نکته ۱۶۵ (سخن مروان)



- نکته ۱۶۶ (سخن حسن بن ابی بصری) ۳۴۸
- نکته ۱۶۷ (سخن ابن عباس) ۳۴۸
- نکته ۱۶۸ (سخن ابن عساکر) ۳۴۹
- نکته ۱۶۹ (سخن فخر رازی) ۳۴۹
- نکته ۱۷۰ (سخن ابن سبع مغربی) ۳۴۹
- نکته ۱۷۱ (سخن عجیب احمد حنبل) ۳۵۰
- نکته ۱۷۲ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۵۰
- نکته ۱۷۳ (سخن عمر بن خطاب) ۳۵۰
- نکته ۱۷۴ (سخن عجیب ابونعیم اصفهانی) ۳۵۱
- نکته ۱۷۵ (سخن میمون بن حارث) ۳۵۱
- نکته ۱۷۶ (سخن صعصعہ) ۳۵۲
- نکته ۱۷۷ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۵۲
- نکته ۱۷۸ (سخن ابو جعفر استاد ابن ابی الحدید) ۳۵۳
- نکته ۱۷۹ (سخن احمد حنبل) ۳۵۳
- نکته ۱۸۰ (سخن عجیب شعبی) ۳۵۳
- نکته ۱۸۱ (سخن ابن عبدربه اندلسی) ۳۵۳
- نکته ۱۸۲ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۵۳
- نکته ۱۸۳ (سخن احمد بن حنبل و طبری و حدیث غدیر) ۳۵۴
- نکته ۱۸۴ (سخن ابن سیرین) ۳۵۴
- نکته ۱۸۵ (سخن ابن عباس) ۳۵۴
- نکته ۱۸۶ (سخن انس بن مالک) ۳۵۴
- نکته ۱۸۷ (سخن حاکم نیشابوری) ۳۵۵
- نکته ۱۸۸ (سخن مالک اشتر) ۳۵۵
- نکته ۱۸۹ (سخن ابن عباس) ۳۵۶
- نکته ۱۹۰ (سخن عجیب شهرین حوشب) ۳۵۶
- نکته ۱۹۱ (سخن مغیره بن شعبه) ۳۵۶
- نکته ۱۹۲ (سخن رحمان بن حسان) ۳۵۷
- نکته ۱۹۳ (سخن خزیمه بن ثابت انصاری) ۳۵۷



- نکته ۲۲۲ (سخن ابوسعید خدری، قیس بن سعد) ۳۶۹
- نکته ۲۲۳ (سخن ابن عباس) ۳۶۹
- نکته ۲۲۴ (مناظره شیخ مفید و قاضی عبدالجبار) ۳۶۹
- نکته ۲۲۵ (سخن محمد خوارزمی) ۳۷۱
- نکته ۲۲۶ (نقل حدیث از حاکم حسکانی در شواهد) ۳۷۲
- نکته ۲۲۷ (سخن ابوبکر) ۳۷۲
- نکته ۲۲۸ (سخن عمر بن خطاب) ۳۷۲
- نکته ۲۲۹ (سخن حسکانی حنفی درباره علت تالیف کتابش) ۳۷۲
- نکته ۲۳۰ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۷۳
- نکته ۲۳۱ (سخن سعید بن مسیب) ۳۷۳
- نکته ۲۳۲ (سخن صعصعه) ۳۷۴
- نکته ۲۳۳ (سخن خواهر عمرو بن عبدود) ۳۷۴
- نکته ۲۳۴ (سخن ابو مریم قرشی) ۳۷۴
- نکته ۲۳۵ (سخن ابن عباس) ۳۷۵
- نکته ۲۳۶ (اقرار عمر بن خطاب) ۳۷۵
- نکته ۲۳۷ (سخن لبابه) ۳۷۵
- نکته ۲۳۸ (سخن جعدة بن هبیره) ۳۷۶
- نکته ۲۳۹ (سخن ابن عباس) ۳۷۶
- نکته ۲۴۰ (سخن مسعودی) ۳۷۷
- نکته ۲۴۱ (سخن قبیصه بن جابر) ۳۷۷
- نکته ۲۴۲ (سخن عمران بن حصین) ۳۷۷
- نکته ۲۴۳ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۷۷
- نکته ۲۴۴ (سخن اسود بن یزید) ۳۷۸
- نکته ۲۴۵ (سخن ابن اثیر) ۳۷۸
- نکته ۲۴۶ (سخن صعصعه) ۳۷۸
- نکته ۲۴۷ (سخن قیس بن سعد و معاویه) ۳۷۸
- نکته ۲۴۸ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۷۹
- نکته ۲۴۹ (سخن حدیفه) ۳۷۹

۳۷۹ نکته ۲۵۰ (سخن حسن بن زید)
۳۸۰ نکته ۲۵۱ ک (سخن ابن قتیبه)
۳۸۰ نکته ۲۵۲ (سخن اصحاب مشهور رسول الله ﷺ)
۳۸۰ نکته ۲۵۳ (سخن ابورزین)
۳۸۰ نکته ۲۵۴ (سخن سفیان)
۳۸۱ نکته ۲۵۵ (سخن ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی)
۳۸۱ نکته ۲۵۶ (سخن امام احمد حنبل)
۳۸۱ نکته ۲۵۷ (سخن ابن ابی الحدید)
۳۸۱ نکته ۲۵۸ (سخن عایشه)
۳۸۲ نکته ۲۵۹ (سخن حذیفه)
۳۸۲ نکته ۲۶۰ (سخن عبدالله پسر عمر بن خطاب)
۳۸۲ نکته ۲۶۱ (سخن عمر بن خطاب)
۳۸۲ نکته ۲۶۲ (سخن عایشه)
۳۸۳ نکته ۲۶۳ (سخن ثابت بن قیس)
۳۸۳ نکته ۲۶۴ (سخن حجر بن عدی)
۳۸۳ نکته ۲۶۵ (سخن ابن ابی الحدید)
۳۸۴ نکته ۲۶۶ (سخن ابن عباس)
۳۸۴ نکته ۲۶۷ (سخن خوارزمی)
۳۸۴ نکته ۲۶۸ (سخن ابن عباس)
۳۸۴ نکته ۲۶۹ (سخن ابوجعفر اسکافی)
۳۸۵ نکته ۲۷۰ (سخن عبدالله بن خراش)
۳۸۵ نکته ۲۷۱ (سخن سفیان ثوری)
۳۸۵ نکته ۲۷۲ (سخن عبدالرحمن سلمی)
۳۸۶ نکته ۲۷۳ (سخن نسایی)
۳۸۶ نکته ۲۷۴ (سخن ابن عبدالبر عالم بزرگ اهل سنت)
۳۸۶ نکته ۲۷۵ (سخن ابن ابی الحدید)
۳۸۷ نکته ۲۷۶ (سخن طبری)
۳۸۷ نکته ۲۷۷ (سخن ابن هشام)



- نکته ۲۷۸ (سخن مناوی) ۳۸۷
- نکته ۲۷۹ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۸۸
- نکته ۲۸۰ (سخن ابو جعفر اسکافی) ۳۸۸
- نکته ۲۸۱ (سخن عمر بن خطاب) ۳۸۸
- نکته ۲۸۲ (سخن ابن عباس) ۳۸۹
- نکته ۲۸۳ (سخن قندوزی) ۳۸۹
- نکته ۲۸۴ (مناظره شیخ مفید) ۳۹۰
- نکته ۲۸۵ (سخن عامر جهنی) ۳۹۲
- نکته ۲۸۶ (سخن ابن عباس و ابو سعید خدری) ۳۹۳
- نکته ۲۸۷ (سخن عبدالله پسر خلیفه دوم) ۳۹۴
- نکته ۲۸۸ (سخن امام شافعی) ۳۹۴
- نکته ۲۸۹ (سخن زید بن ثابت) ۳۹۴
- نکته ۲۹۰ (سخن حاکم نیشابوری) ۳۹۴
- نکته ۲۹۱ (سخن سیوطی مفسر بزرگ اهل بیت) ۳۹۵
- نکته ۲۹۲ (حدیث غدیر در کتاب احمد بن حنبل) ۳۹۵
- نکته ۲۹۳ (سخن دارمیه حجونیه) ۳۹۶
- نکته ۲۹۴ (سخن طبری) ۳۹۶
- نکته ۲۹۵ (سخن ابن کثیر) ۳۹۷
- نکته ۲۹۶ (سخن ام سلمه) ۳۹۷
- نکته ۲۹۷ (سخن جابر بن عبدالله انصاری) ۳۹۷
- نکته ۲۹۸ (سخن حذیفه) ۳۹۷
- نکته ۲۹۹ (سخن مالک اشتر) ۳۹۸
- نکته ۳۰۰ (نقل حدیث در تفسیر فخر رازی) ۳۹۸
- نکته ۳۰۱ (سخن شیخ سلیمان قندوزی حنفی) ۳۹۸
- نکته ۳۰۲ (سخن سعدابی وقاص) ۳۹۸
- نکته ۳۰۳ (سخن سلمان فارسی) ۳۹۹
- نکته ۳۰۴ (سخن سعید بن مسیب) ۳۹۹
- نکته ۳۰۵ (سخن یحیی بن عقیل) ۳۹۹

- نکته ۳۰۶ (سخن ابن ابی الحدید) ۳۹۹
- نکته ۳۰۷ (سخن ابوبکر) ۴۰۰
- نکته ۳۰۸ (سخن واقدی) ۴۰۰
- نکته ۳۰۹ (سخن عجیب ابو حفص) ۴۰۰
- نکته ۳۱۰ (سخن صاحب بن عباد) ۴۰۰
- نکته ۳۱۱ (اسامی ۱۴ نفر از علماء اهل سنت که حدیث غدیر را نقل کرده اند) ... ۴۰۱
- نکته ۳۱۲ (سخن عجیب عبدالله بن حسن) ۴۰۲
- نکته ۳۱۳ (سخن سعید بن جبیر) ۴۰۲
- نکته ۳۱۴ (سخن ابوذر غفاری) ۴۰۲
- نکته ۳۱۵ (سخن عبدالله پسر عمر بن خطاب) ۴۰۳
- نکته ۳۱۶ (سخن ابی ربیع) ۴۰۳
- نکته ۳۱۷ (سخن سفیان) ۴۰۳
- نکته ۳۱۸ (سخن عایشه) ۴۰۳
- نکته ۳۱۹ (سخن میمون) ۴۰۴
- نکته ۳۲۰ (سخن عبدالله بن عمر) ۴۰۴
- نکته ۳۲۱ (سخن عمر بن خطاب) ۴۰۴
- نکته ۳۲۲ (سخن ابوقتاده) ۴۰۵
- نکته ۳۲۳ (سخن ابن عباس) ۴۰۵
- نکته ۳۲۴ (سخن عمر بن خطاب) ۴۰۶
- نکته ۳۲۵ (سخن ابوبکر و عمر) ۴۰۶
- نکته ۳۲۶ (سخن نسائی) ۴۰۶
- نکته ۳۲۷ (سخن ابولعینای) ۴۰۸
- نکته ۳۲۸ (سخن مسلم و احمد حنبل) ۴۰۸
- نکته ۳۲۹ (سخن ابن ابی الحدید) ۴۰۸
- نکته ۳۳۰ (سخن ابوذر) ۴۰۸
- نکته ۳۳۱ (سخن محی الدین عربی) ۴۰۹
- نکته ۳۳۲ (سخن قعقاع بن زراره) ۴۰۹
- نکته ۳۳۳ (سخن ابن اسحاق) ۴۰۹



- نکته ۳۳۴ (سخن ابورافع) ۴۰۹
- نکته ۳۳۵ (سخن عبدالله بن عمر) ۴۱۰
- نکته ۳۳۶ (سخن طبری) ۴۱۰
- نکته ۳۳۷ (سخن فخر رازی مفسر اهل سنت) ۴۱۰
- نکته ۳۳۸ (سخن ام سلمه) ۴۱۰
- نکته ۳۳۹ (سخن ابن عباس) ۴۱۱
- نکته ۳۴۰ (سخنان صحابی مشهور) ۴۱۱
- نکته ۳۴۱ (سخن ابن عباس) ۴۱۱
- نکته ۳۴۲ (سخن عایشه) ۴۱۲
- نکته ۳۴۳ (سخن فخر رازی) ۴۱۲
- نکته ۳۴۴ (سخن انس بن مالک) ۴۱۲
- نکته ۳۴۵ (سخن ابن عباس) ۴۱۳
- نکته ۳۴۶ (حاکم حسکانی و نقل روایت) ۴۱۳
- نکته ۳۴۷ (سخن اربلی) ۴۱۴
- نکته ۳۴۸ (سخن ابن عباس) ۴۱۴
- نکته ۳۴۹ (سخن عقبه بن عمرو) ۴۱۵
- نکته ۳۵۰ (سخن عثمان بن عفان) ۴۱۵
- نکته ۳۵۱ (سخن زمخشری مفسر بزرگ اهل سنت) ۴۱۵
- نکته ۳۵۲ (سخن ابن ملجم) ۴۱۶
- نکته ۳۵۳ (سخن ربیع بن خثیم) ۴۱۶
- نکته ۳۵۴ (سخن سعد ابی وقاص) ۴۱۶
- نکته ۳۵۵ (سخن عجیب ابن ابی الحدید) ۴۱۷
- نکته ۳۵۶ (سخن محمد بن طلحه شافعی) ۴۱۷
- نکته ۳۵۷ (سخن صحابی) ۴۱۸
- نکته ۳۵۸ (سخن ابن عباس) ۴۱۸
- نکته ۳۵۹ (سخن احمد حلبی شافعی) ۴۱۸
- نکته ۳۶۰ (سخن ابن سعد عالم بزرگ اهل سنت) ۴۱۹
- نکته ۳۶۱ (سخن ابن عبدالبر) ۴۱۹

.....	نکته ۳۶۲ (سخن جاخط)	۴۲۰
.....	نکته ۳۶۳ (سخن دوشهادتین)	۴۲۰
.....	نکته ۳۶۴ (سخن سهل بن حنیف)	۴۲۱
.....	نکته ۳۶۵ (سخن قیس بن سعد بن عباده انصاری)	۴۲۱
.....	نکته ۳۶۶ (سخن ابو حازم حافظ)	۴۲۱
.....	نکته ۳۶۷ (سخن ابو ثابت غلام ابو ذر)	۴۲۲
.....	نکته ۳۶۸ (سخن ام سلمه)	۴۲۲
.....	نکته ۳۶۹ (سخن ابو سعید خدری)	۴۲۲
.....	نکته ۳۷۰ (سخن سیوطی)	۴۲۳
.....	نکته ۳۷۱ (سخن ابن عساکر)	۴۲۳
.....	نکته ۳۷۲ (سخن فخر رازی)	۴۲۳
.....	نکته ۳۷۳ (سخن جارالله زمخشری صاحب تفسیر کشاف)	۴۲۳
.....	نکته ۳۷۴ (سخن ابن جریر طبری)	۴۲۴
.....	نکته ۳۷۵ (سخن ابوبکر با عایشه)	۴۲۴
.....	نکته ۳۷۶ (سخن عایشه)	۴۲۴
.....	نکته ۳۷۷ (سخن احمد حنبل)	۴۲۵
.....	نکته ۳۷۸ (سخن عمر بن خطاب)	۴۲۵
.....	نکته ۳۷۹ (سخن ابوبکر و عایشه)	۴۲۵

فصل چهارم

حدیث غدیر در کتب اهل سنت

.....	۱. خطبه نورانی غدیر	۴۳۱
.....	۲. حدیث غدیر در کتاب اسنی المطالب	۴۶۵
.....	۳. حدیث غدیر به نقل از احمد بن حنبل	۴۶۶
.....	۴. حدیث غدیر در کتاب مسلم	۴۶۷
.....	۵. حدیث غدیر در سایر کتاب اهل سنت	۴۶۷
.....	۶. حدیث غدیر در کتاب طبری	۴۶۷



۷. حدیث غدیر به نقل از احمد بن حنبل ۴۶۸
۸. حدیث غدیر در کلام صحابی ۴۷۰
۹. حدیث غدیر در کتاب خطیب بغدادی ۴۷۰
۱۰. حدیث غدیر در کتاب موده القربی و تاریخ دمشق ۴۷۱
۱۱. ناله شیطان در روز غدیر خم ۴۷۱
۱۲. حدیث غدیر در کلام طلحه ۴۷۲
۱۳. کینه‌های شیطانی ۴۷۲
۱۴. وقایع بعد از بیان خطبه غدیر ۴۷۳
۱۵. غدیر در کتب اهل سنت (۱۰ مورد) ۴۷۳
۱۶. روایت ابوهریره ۴۷۵
۱۷. روایت زید بن ارقم ۴۷۶
۱۸. روایت ابوسعید خدری ۴۷۶
۱۹. روایت عمر بن خطاب ۴۷۷
۲۰. نقل حاکم حسکانی ۴۷۷
۲۱. روایت براء بن عازب ۴۷۷
۲۲. روایت زید بن ارقم ۴۷۸
۲۳. نقل ابوهریره ۴۷۹
۲۴. روایت ابن ابی لیلی ۴۷۹
۲۵. دلیلی روشن ۴۸۲
۲۶. روایت بریده ۴۸۲
۲۷. حدیث غدیر ۴۸۲
۲۸. برپایی اولین جشن غدیر در ایران ۴۸۳
۲۹. آثار نابود شده غدیر ۴۸۳
۳۰. آثار گم شده غدیر خم ۴۸۴
۳۱. عمامه گذاری رسول خدا ﷺ ۴۸۴
۳۲. کتاب غدیر اثری بی نظیر ۴۸۵
۳۳. دعایی که خلافت و امامت علی علیه السلام را ثابت می کند ۴۸۶
۳۴. غدیر واقعه ای غیر قابل انکار ۴۸۶

۴۸۷	۳۵. غدیر حکمی واجب
۴۸۷	۳۶. اشعار حسان بن ثابت در روز غدیر
۴۸۸	۳۷. وظیفه حاضران در روز غدیر خم چه بود
۴۸۹	۳۸. سخن شهید مطهری
۴۸۹	۳۹. تبریک گویی ابوبکر و عمر به امام علی <small>علیه السلام</small> (۵ نکته)
۴۸۹	۴۰. مدارک نزول آیه ابلاغ (۷ نکته)
۴۹۰	۴۱. مدارک آیه اکمال دین (۹ نکته)
۴۹۱	۴۲. مدارک تاریخی غدیر خم (۱۶ نکته)
۴۹۲	۴۳. سلامی واجب و صحیح
۴۹۲	۴۴. راویان حدیث غدیر از زنان صحابه
۴۹۳	۴۵. بیعت زنان در روز عید غدیر خم با امام علی <small>علیه السلام</small>
۴۹۳	۴۶. سخن ذهبی و ابن عساکر
۴۹۴	۴۷. روایت ابویوب انصاری
۴۹۴	۴۸. نظر ابن کنیر شافعی
۴۹۵	۴۹. نظر ابن حجر عسقلانی
۴۹۵	۵۰. روایت عبدالله پسر عمر بن خطاب از واقعه غدیر
۴۹۵	۵۱. روایت زید بن ارقم از حدیث غدیر
۴۹۶	۵۲. روایت ابوسعید خدری
۴۹۷	۵۳. پیشنهاد یک یهودی به عمر بن خطاب
۴۹۷	۵۴. سخن سیوطی مفسر بزرگ اهل سنت
۴۹۷	۵۵. روایت ابوسعید خدری
۴۹۷	۵۶. سخن ذهبی
۴۹۸	۵۷. روایت ابن عقده کوفی
۴۹۸	۵۸. نکته ای مهم قابل توجه علمای اهل سنت
۴۹۹	۵۹. دو نکته مهم
۴۹۹	۶۰. چند سؤال کوتاه
۵۰۰	۶۱. نتیجه ای تلخ
۵۰۱	۶۲. لطفاً مقایسه کنید





فصل پنجم

معاویه را بشناسیم

۱. جایگاه رفیع و نورانی امام علی علیه السلام در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله ۵۰۶
۲. جایگاه رفیع امام علی علیه السلام در تفسیر اهل سنت ۵۰۶
۳. در کتب اهل سنت راجع به عدالت علی علیه السلام چه آمده است ۵۰۶
۴. به چه علتی عده‌ای از علی علیه السلام جدا شدند ۵۰۸
۵. شروع خلافت امام علی علیه السلام ۵۰۸
۶. معاویه مفسد فی الارض ۵۰۹
۷. معاویه پادشاهی گمراه ۵۰۹
۸. شروع مخالفت‌های معاویه با امام علی علیه السلام ۵۰۹
۹. علت دوری بعضی از صحابه از امام علی علیه السلام ۵۱۰
۱۰. حکومت صالحین ۵۱۱
۱۱. قاسطین گمراه ۵۱۱
۱۲. معاویه را بهتر بشناسید. ۵۱۲
۱۳. معاویه قاتل صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله ۵۱۳
۱۴. چهره معاویه در کتب اهل سنت ۵۱۴
۱۵. فقط پیامبر صلی الله علیه و آله بین آن‌ها نبود ۵۱۶
۱۶. عمار معیار راه راست ۵۱۶
۱۷. راه شناخت منافق ۵۱۷
۱۸. سفارش‌های معاویه به مغیره ۵۱۷
۱۹. معرفی چهره‌ای حيله گر ۵۱۷
۲۰. احوالات دیگر معاویه ۵۱۸
۲۱. چهره معاویه در نزد یارانش ۵۱۸
۲۲. مظلوم بزرگ تاریخ ۵۱۸
۲۳. سعی وسیع منحرفان مرتد ۵۱۹
۲۴. داستانی عجیب تر در ظلم و تعدی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ۵۲۰
۲۵. تلاش هدفدار معاویه ۵۲۱



فصل ششم

پاسخ به شبهات و کتاب راهی دیگر برای کشف حقیقت

- سؤال ۱: قرآن کریم درباره انتخاب خلیفه و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله چه می فرماید؟ ۵۴۷
- سؤال ۲: آیا روایات متعددی که در شأن ابوبکر و عمر در کتب حدیثی...؟ ۵۴۸
- سؤال ۳: آیا قرآن کریم از ما مودت و دوستی و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله...؟! ۵۵۲
- سؤال ۴: آیا بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام جزء برترین افراد محسوب می شود؟ ۵۵۵
- سؤال ۵: آیا اگر کسی جزء صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، از بقیه ی اعمالش...؟ ۵۵۹
- سؤال ۶: آیا روایات متناقض درباره ابوبکر و عمر و عثمان در کتب حدیثی...؟ ۵۶۱
- سؤال ۷: آیا درباره جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در کتب اهل سنت روایات متضاد و...؟ ۵۶۳
- سؤال ۸: چرا نام حضرت علی علیه السلام در قرآن کریم بعنوان امام نیامده است؟ ۵۶۶
- سؤال ۹: آیا بدون وجود ائمه اطهار علیهم السلام کتاب خدا برای ما کافی است؟ ۵۶۸
- سؤال ۱۰: چرا امام علی علیه السلام در مقابل حمله و به آتش کشیدن خانه اش سکوت کرد؟ ۵۷۰
- سؤال ۱۱: علمای اهل سنت در کتاب های خود مطالب بسیار خوبی از امام علی علیه السلام...؟ ۵۷۳
- سؤال ۱۲: پاسخ به شبهات کتاب راهی دیگر برای کشف حقیقت: ۵۷۶

فصل هفتم

شمیمی از گلشن شیدایی

۱. اشاره ای بشار ۵۹۳
۲. شادباش ای دل ۵۹۳
۳. سروده ای از امام شافعی ۵۹۴
۴. سروده ای از سنائی غزنوی ۵۹۵
۵. بی قراری های مولانا در اشعار ستایشی اش ۵۹۷
۶. سروده ای از عبدالرحمن جامی ۶۰۳
۷. قصر جلال ۶۰۴
۸. سروده ای از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری ۶۰۵

۹. علی در مصلى ۶۰۵
۱۰. گوهر و لا ۶۰۶
۱۱. پنجه قدرت نما ۶۰۸
۱۲. كعبه ی شرف ۶۱۰
۱۳. حضور قبل اميرالمؤمنين علی در نماز ۶۱۲
۱۴. فرمان خدا ۶۱۲
۱۵. معنى رآن ۶۱۴
۱۶. عتريت ۶۱۵
۱۷. پاسخ حضرت علی بدم كننده دنیا ۶۱۶



انتشارات سجید نفیس



انتشارات سجد نون



فصل اول

رسول خدا ﷺ:



اساس الاسلام حبی و حب اهل
بیتی

پایه و ستون اسلام دوست داشتن
من و اهل بیتم می باشد.

مسند احمد حنبل، صفحه ۹۴

آیات قرآن کریم در شأن امام علی علیه السلام در کتب
تفسیری اهل سنت





انتشارات سجد نون



بوده است و به همین سبب او و شیعیانش در قیامت بدون حساب داخل بهشت خواهند شد.^۱

۴. سوره بقره آیه ۱۴

محمد بن حنفیه می گوید: روزی پدرم امیر المؤمنین علی علیه السلام با اصحابش سلمان فارسی، مقداد، صهیب... از بیرون شهر وارد مدینه شدند آن گاه با رئیس منافقین مدینه عبدالله بن ابی روبرو شدند.

سپس عبدالله بن ابی با زبان منافقانه شروع به تمجید از حضرت علی کرد و گفت: مرحبا به سید بنی هاشم.

... امام علی علیه السلام فرمود: وای بر تو ای ابن ابی! ولی من گواهی می دهم تو منافقی بی دین هستی.

ابن ابی گفت: یا علی! آیا این سخنان را درباره من می گویی؟ به خدا سوگند من مؤمنی مثل تو و یارانت هستم.

امام علی علیه السلام فرمود: ای ابن ابی! مادرت به عزایت بنشیند به یقین می دانم تو منافق بی دینی هستی.

عبدالله بن ابی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از این وقایع اظهار ناراحتی کرد. در این مجلس آیه «وَإِذَا الْقَوَا أَلَّذِينَ آمَنُوا»^۲ (و چون با مؤمنان رو به رو شوند گویند: ایمان آورده ایم) نازل شد.

یعنی: ابن ابی هرگاه امیر المؤمنین علی علیه السلام را که مؤمن و تصدیق کننده قرآن است ملاقات کند می گوید: «قالوا آمنا» به محمد و قرآن ایمان راستین داریم.

این اشخاص وقتی دوستان منافق و شیاطین خود را می بینند اظهار می دارند ما در کفر و شرک با شما هستیم «أَمَا نَحْنُ مُسْتَهْزُونَ» ما علی علیه السلام و یارانش را استهزاء می کنیم.

خداوند فرمود: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» خدای تعالی در پاسخ استهزاء به علی علیه السلام و یارانش، آن ها را در آخرت عذابی دردناک و مجازاتی سخت می نماید.^۳

۱. شواهد التنزیل، نوشته حاکم حسانی حنفی، ج ۱، ص ۶۷.

۲. بقره / ۱۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸.



۵. سوره بقره آیه ۳۷

ابن مغازلی شافعی یکی از دانشمندان و نویسندگان بزرگ اهل سنت می باشد او از ابن عباس درباره آیه «فتلقى آدم من ربه كلمات...»^۱ روایت کرده که از پیغمبر اسلام (ص) سؤال شد کلماتی که آدم دریافت و در اثر آنها توبه آدم پذیرفته شد چه بود؟ پیغمبر (ص) فرمود: آدم خداوند را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) خواند، آن گاه خداوند متعال نیز توبه اش را قبول کرد.

۶. سوره بقره آیه ۵۸

ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) نقل کرده که: «مثل اهل بیتی فیکم مثل باب حطة من دخل غفر له».
 مثل اهل بیت من در میان شما مثل باب حطة (در بنی اسرائیل) است پس هر کس داخل شود او آمرزیده است.^۲
 ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل نموده که حضرت علی (ع) فرمود: «انا باب حطة»^۳؛ من باب حطة هستم.^۴

۷. سوره بقره آیه ۱۴۳

حجاج بن یوسف ثقفی لعنة الله عليه به بصره آمده بود گروهی پیش او حاضر بودند. شعبی روایت کرده آخرین نفری که به این جمع پیوست حسن بصری بود. حجاج به امام علی (ع) ناسزا می گفت و دیگران هم با او همراهی می کردند ولی حسن بصری در سکوت بود حجاج از او سؤال کرد چرا ساکتی؟ نظر خود را در مورد علی بگو؟ حسن بصری این آیه قرآن را خواند «وما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من

۱. بقره / ۳۷.

۲. جامع الصغير، ص ۶۷ - ینابيع المودة، ص ۲۸۴.

۳. منظور آیه ۵۸ سوره بقره می باشد: «وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفر لكم خطاياكم»، یعنی و از آن در، سجده کنان داخل گردید و بگوئید خدایا از گناه ما در گذر تا از خطای شما در گذریم و بر ثواب نیکوکاران شما بیفزائیم.

۴. ینابيع المودة، ص ۴۹۵.



یتبع الرسول...»^۱؛ ای رسول، ما قبله را تغییر ندادیم جز این که می‌خواستیم پیروان شما از دیگران که بر جاهلیت باقی مانده‌اند معلوم شوند و پذیرفتن این قبله کعبه برای مردم سنگین آمد جز کسانی که خداوند آن‌ها را هدایت نموده بود.

آن‌گاه گفت: علی از کسانی بود که خداوند او را هدایت نموده بود و از اهل ایمان بود او پسرعموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و داماد و محبوب‌ترین مردم نزد او بود علی رضی الله عنه سوابق نیک و مبارکی از ناحیه خداوند داشت که تو هرگز نمی‌توانی، و هیچ یک از مردم نمی‌توانند آن‌ها را انکار کنند.^۲

۸. سوره بقره آیه ۲۰۷

محمدبن عبدالله حاکم نیشابوری از علمای بزرگ اهل سنت متوفی ۴۰۵ هـ ق. در کتاب خود در خصوص آیه شریفه ۲۰۷ بقره «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاته الله والله رثوف بالعباد»^۳؛ از این عباس آورده است که حضرت علی رضی الله عنه جان خویش را در معرض خطر قرار داد و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را به تن پوشید تا مشرکان دست به پیامبر پیدا نکنند او تصریح و تأکید می‌کند که علی رضی الله عنه مصداق آیه شریفه می‌باشد. او از علی بن‌الحسین رضی الله عنه روایت آورده است: نخستین کسی که جان خود را به خاطر رضای خدا در معرض خطر قرار داده است علی بن‌ابیطالب رضی الله عنه بود زیرا در رختخواب پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید. آن‌گاه اشعاری را در تمجید این عمل حضرت علی رضی الله عنه سروده است.^۴

در احادیث متواتر از طریق خاصه و عامه وارد شده است که آیه «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله...»^۵ در شأن حضرت علی رضی الله عنه نازل شده است زیرا در این شب جان خود را سپر بالای رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد.^۶ برای این آیه روایات متعددی نقل شده است، این آیه یکی از بزرگ‌ترین آیاتی است که در شأن پر شمیم عمل بهشتی امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه نازل شده است. علی رضی الله عنه در

۱. بقره / ۱۴۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۵ - ۹۳.

۳. بعضی از مردم جان خود را برای کسب رضایت خداوند می‌فروشدند و خدا نسبت به بندگانش مهربان است.

۴. المستدرک علی الصحیحین، جزء ۳، ص ۴.

۵. بقره / ۲۰۷.

۶. تفسیر فخررازی، ج ۵، ص ۲۲۳ و ۲۲۴ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۹ تا ۱۰۱.



دانسته‌اند. تفسیر نورالثقلین، جلد ۱، ص ۱۷۱، احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۳، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۶ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۱ و تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۷۱، امالی شیخ طوسی، ص ۴۶۵ و تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۰۱ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۶۳، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۷۳ و مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۶۰ و تفسیر وزین المیزان، ج ۲، ص ۹۹.

نتیجه اینکه لیلۃ المبیّت یکی از ممتازترین و شریف ترین فضیلت سیدالاستیفاء علی علیه السلام است.

پاسخ به سؤال بزرگ:

چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر را در لیلۃ المبیّت به غار ثور برد؟

در کتاب احتجاج طبرسی آمده است که:

سعد بن عبدالله قمی اشعری که از دوستان احمد بن اسحاق و کیل امام عسگری علیه السلام در قم بوده در مقابل سؤالی که از او می پرسند جهت دریافت پاسخ به وکیل امام عسگری علیه السلام در قم مراجعه می کند و مشاهده می کند که احمد بن اسحاق و کیل امام عازم شهر سامراء است لذا همراه او به خدمت امام عسگری علیه السلام مشرف می شود تا جواب سؤال خود را بپرسد.

سؤالی که از سعد پرسیدند این بود که:

ابوبکر افتخار همراهی رسول الله را در لیلۃ المبیّت داشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله از خطر جانی ابوبکر نگران بودند؛ لذا چون می خواست او را خلیفه خود کند در آن شب خطرناک با بردن او به غار ثور او را از مرگ نجات داد تا جان جانشین خود را حفظ کند.

سعد بن عبدالله می گوید: وقتی خدمت امام یازدهم رسیدیم سؤالات خود را می خواستم بپرسم که امام فرمود: سؤالات خود را از فرزندم مهدی علیه السلام بپرس! سعد بن عبدالله می گوید: امام مهدی علیه السلام در آن زمان ۳ یا ۴ سال داشتند. سعد بن عبدالله می گوید: سؤالات دیگری داشتم آن‌ها را یک به یک می پرسیدم تا اینکه امام مهدی علیه السلام به یکباره بدون طرح آن سؤال فرمود: «ای سعد! در مورد ادعای دشمن تو راجع به اینکه (رسول خدا صلی الله علیه و آله)، ابوبکر را با خود به غار برد و می دانستند که اگر علی علیه السلام کشته شود امر اسلام مختل نمی گردد.

... و رعایت اختفاء ایجاب می نمود که او (یعنی ابوبکر) را به غار ببرد؛ فرمود: چرا

نگفتی که مگر نه این است که شما در روایاتتان (اینگونه روایات جعلی در کتب آن‌ها وجود دارد) از قول رسول اکرم ﷺ نقل کرده اید که آن حضرت فرمودند: خلافت پس از من سی سال خواهد بود، بقای عمر خلافت بعد از من به وجود این چهار نفر (ابوبکر، عمر، عثمان، علی) بستگی دارد؟ پس این چهار نفر بر اساس مذهب شما جانشینان پیامبرند؟ قطعاً! دشمن تو چاره ای جز این ندارد که بگوید درست است. (یعنی گفته تو را قبول کند). پس از این گفته به دشمن خود می‌گویی: با توجه به این موضوع همان‌گونه که ابوبکر خلیفه پیامبر ﷺ است این سه نفر هم خلیفه بوده‌اند پس چرا پیامبر یکی از این چهار نفر (یعنی ابوبکر) را با خود به غار برد و آن سه نفر دیگر را نبرد؟ (در حالی که از نظر مقام و منزلت هر چهار نفر در یک حد می‌باشند) در این صورت پیامبر اسلام ﷺ نسبت به آن سه نفر دیگر استخفاف (تبعیض) ورزیده و ترک محبت نموده و از شفقتی که نسبت به ابوبکر روا داشته آن ۳ نفر را محروم کرده است.

نتیجه کلام نورانی امام عصر علیه السلام آنست که: یار غار بودن دلیل تقدم ابوبکر به امر خلافت نیست و فضیلت محسوب نمی‌شود.

امام عصر علیه السلام با این فرمایش به سعد فهماند که رسول خدا ﷺ صاحب عصمت است و کوچک ترین خطایی از ایشان سر نمی‌زند این کار یعنی همراه بردن ابوبکر به جهت حفظ جان او (ابوبکر) و بی توجهی پیامبر به سه خلیفه دیگر اشتباه و سهو محض است و تفاوت گذاردن بین آن‌ها خلاف عصمت پیامبر است (به علت یکی بودن مرتبه در مسئله خلافت) پس پیامبر این چنین خطای تبعیض آمیزی را مرتکب نمی‌شود. بنابراین هدف از به همراه بردن ابوبکر فضیلتی برای او ایجاد نمی‌کند و قطعاً دلیلی بر خلیفه بودن او بعد از رسول خدا ﷺ نمی‌باشد.

۹. شرح کوتاه از حادثه لیلة المبيت

امام علی علیه السلام بعد از رفتن رسول خدا ﷺ با خطر جدی مواجه بود. آنگونه که خود آن حضرت اینگونه فرمودند:

«وقیت بنفسی خیر من وطی الحصى ومن طاف بالبيت العتیق وبالجر»



یعنی: با جان خودم بهترین کسی را که پا بر زمین نهاده و به کعبه و حجر اسماعیل طواف نموده است را حفظ کردم.^۱

و در روایت است در آن شب جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علیؑ جهت حفاظت از آن امام قرار گرفتند و جبرئیل گفت: مبارک باد بر مثل تو ای پسر ابوطالب که خداوند به تو بر ملائکه مباحات می‌کند و پیامبر در راه مدینه بود که آیه شریفه «ومن الناس من یشری نفسه...» بر ایشان نازل شد.^۲

در تفسیر همین آیه از امام علیؑ نقل شده که فرمود: «ان المراد بالایة الرجل یقتل علی الامر بالمعروف والنهی عن المنکر؛ مقصود و منظور از این آیه (ومن الناس من یشری نفسه...) مردی است که به سبب امر به معروف و نهی از منکر کشته می‌شود».

❖ ۱۰. سوره بقره آیه ۲۰۸ ❖

«... یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم»؛ و روی فی ینابیع المودة عن ابی‌نعمان اصفهانی انه قال فی هذه الآیة: «السلم» ولایة امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالبؑ؛ یعنی: در کتاب ینابیع المودة از ابونعمان اصفهانی نقل نموده که گوید: مقصود از «سلم» در این آیه ولایت علی بن ابیطالب است (ینابیع المودة نوشته شیخ سلیمانی قندوزی حنفی، ص ۱۱۱) اهل سنت و در روایتی دیگر از امام باقرؑ نقل نموده که فرمود: «سلم؛ ولایت علی بن ابیطالبؑ و ولایت اوصیای بعد از اوست، السلم ولایة علی بن ابی‌طالبؑ والوصیاء من بعده».^۳

❖ ۱۱. سوره بقره آیه ۲۵۵ «آیة الكرسي» ❖

دربارهٔ برکات آیه شریفه «آیة الكرسي» روایات خاص و استثنایی وارد شده است؛ اما در اینجا به رابطه آیه الكرسي با امام علیؑ اشاره می‌نمائیم. امام فخررازی متوفای ۶۰۶ قمری که از مفسرین ممتاز اهل سنت است در تفسیر

۱. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵.

۲. تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص ۵۵۴.

۳. ینابیع المودة، ص ۲۵۰.

۳۲ جلدی خود با بررسی هایی که در سال های متعدد کرده در عظمت و بزرگی مولای مؤمنان علی (ع) اینگونه می نویسد:

«من اتخذ علياً اماماً لدينه استمسك بالعروة الوثقى في دينه ونفسه».

هر که علی (ع) را به عنوان پیشوای دینی خود برگزیند همانا به ریسمان محکم تمسک جسته که خودش و دینش را حفظ می کند.

و نیز آورده که: «ومن اقتدى في دينه بعلي بن ابي طالب فقد اهتدى والدليل عليه قوله (ع) اللهم ادر الحق مع علي حيث دار».

هر کس در دینش به علی بن ابیطالب اقتدا کند هدایت می شود چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: خداوندا! هر جا که علی هست حق را با او قرار بده.^۱ و در کتاب «الفائق في اللفظ البرائق» نوشته ابوالبرکات عبدالمحسن الحنفی از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود:

«من أحب علياً فقد استمسك بالعروة الوثقى».

هر کس علی را دوست بدارد به دستگیره محکم خدا در آویخته است. و در روایتی دیگر آمده است: قال رسول الله (ص): «انت العروة الوثقى التي انفصام لها». رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: تویی عروءة الوثقی و دستگیره محکم. ^۲ رسیدن به خدا که هرگز گسسته نمی شود.

و در روایتی دیگر معنای دقیق تری را از «عروءة الوثقی» فرموده اند: «معاشر الناس من أحب ان تمسك بالعروة الوثقى؛ التي لانفصام لها فليتمسك لولاية علي بن ابي طالب (ع) فان ولاية ولایتی وطاعته طاعتی»؛ ای مردم هر کس که دوست دارد به عروءة الوثقی و دستگیره محکم که هرگز گسسته نخواهد شد چنگ بزند باید به ولایت علی بن ابیطالب (ع) چنگ بزند که همانا ولایت او ولایت من و پیروی از او پیروی از من است.

و در حدیثی امام باقر (ع) می فرماید: فی قوله تعالى: (فقد استمسك بالعروة الوثقى) مودتنا اهل البيت؛ درباره آیه (هر آینه به دستاویز استوار و محکم چنگ زده است) فرمود: آن دستاویز محکم دوستی و محبت ما خاندان است. ^۳

۱. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰۵ و ص ۲۰۷.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۳۵.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳.



در روایتی دیگر امام علیؑ واضح ترین معنا را دربارهٔ این آیه می‌فرماید: «انا جبل الله المتین وانا عروة الله الوثقی؛ منم آن ریسمان محکم خداوند؛ منم آن دستگیره استوار خدا».^۱

متأسفانه بعضی‌ها حب امام علیؑ و اولاد پاک ایشان را صرفاً به زبان می‌گویند و در مرحله عمل، مشاهده می‌شود عمل آن‌ها با عمل امامانؑ متضاد است و این برداشت را نمی‌توان درست دانست.

روایات فوق از کتب شیعه نقل شده است ولیکن روایات زیادی در شأن پر شمیم امام علیؑ در کتب قدیمی اهل سنت و علمای ممتاز آن‌ها وجود دارد که نمونه ای از آن را اشاره می‌نماید.

در روز غدیر خم پیامبرﷺ علی بن ابیطالبؑ را بر پای داشت و به تمام مردم اعلام فرمود: «انت منی وانا منک، تقاتل علی التاویل کما قاتلت علی التنزیل انت منی بمنزلة هارون من موسی، انا سلم لمن سالمت و حرب لمن حاربت. انت العروة الوثقی التي لا انفصام لها، انت تبین لهم ما یشبهه علیهم من بعدی انت امام کل مؤمن ومؤمنة و ولی کل مؤمن ومؤمنة بعدی...».

ای علی! تو از منی و من از توأم، تو بر تأویل قرآن می‌جنگی هم چنان که من بر تنزیل آن در جنگ بودم بین تو و من همان نسبت است که میان هارون و موسی بود من با هر که تو به آن صلح باشی در صلحم و با هر که در جنگ باشی در جنگم. تو همان عروة الوثقی و آن رشته استوار هستی که هرگز نخواهد گسست. تو مسائل مشکل و موارد اشتباه این امت را پس از من حل و فصل خواهی کرد.

تو امام و پیشوای هر مرد و زن با ایمانی و تویی که پس از من ولی و صاحب اختیار همه اهل ایمان از زن و مرد هستی...^۲

❖ ۱۲. سوره بقره آیه ۲۷۴ ❖

ابن جوزی در تذکره الخواص صفحه ۱۷ علت نزول آیه «الذین ینفقون اموالهم باللیل

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۶۲.



بود او به عمرو عاص گفته بود که نعوذ بالله نام محمد صلی الله علیه و آله را دفن خواهیم کرد وی تلاش زیادی در جعل حدیث بر علیه امام علی علیه السلام نمود همچنین در اعتراض به سعد ابی وقاص که چرا سعد امام علی علیه السلام را مورد لعن خود قرار نمی دهد گفت: **ما یمنعک ان تسب اباتراب؟** چرا ابوتراب را لعن نمی کنی؟ سعد در پاسخ به او به ماجرای مشهور منزلت و پرچم دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر به امام علی علیه السلام و آیه مباهله اشاره می کند و تأکید می کند که آیه شریفه: ۶۱ سوره آل عمران: **فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم** در شأن علی علیه السلام و فاطمه و حسین و حسین علیه السلام نازل شد و پیامبر بعد از نزول آیه فوق گفت: **اللهم هولاء اهل بیتی؛** خدایا این ها اهل بیت من هستند. آن گاه به معاویه گفت: اهل بیت پیامبر را مورد سب خود قرار نمی دهم.^۱

❖ ۱۵. سوره آل عمران آیه ۱۰۳ ❖

ابن عباس می گوید: خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که فردی از اعراب بادیه نشین وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله! از شما شنیدم که فرمودید: **«واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا»**؛ پس حبل الله کدام است که ما به آن تمسک جوئیم و به آن چنگ زنیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را بر دست علی علیه السلام زد و فرمود: **«تمسکوا بهذا هو حبل الله المتین»**؛ به این تمسک جوئید که او حبل الله متین و ریسمان محکم خداوند است.^۲ ثعلبی در تفسیر، الکشف والبیان با سند از ابان بن ثعلب و او هم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که مقصود از «حبل الله» در آیه **«واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا»**؛^۳ به ریسمان خدا چنگ بزنیید و متفرق نشوید. ائمه اطهار علیهم السلام هستند.

❖ ۱۶. سوره آل عمران آیه ۱۴۴ ❖

ابن عباس گوید: حضرت علی علیه السلام در زمان حیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این آیه قرآن را تلاوت

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰، باب فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام.

۲. ینابیع الموده نوشته قندوزی حنفی، ص ۱۱۹.

۳. آل عمران / ۱۰۳.

می کرد: «افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقبکم؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود بر می گردید؟». ^۱ و می گفت:

به خدا سوگند، پس از آن که خداوند ما را هدایت کرد، هرگز به گذشته مان بر نمی گردیم، به خدا سوگند، اگر بمیرد و یا کشته شود، هر آینه بر آنچه که او جنگید، خواهیم جنگید تا در گذرم، به خدا سوگند، من برادر او، ولی او، پسر عموی او و میراث بر دانش او هستیم. چه کسی از من به او سزاوارتر است؟». ^۲

❖ ۱۷. سوره آل عمران آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ ❖

ابن عباس می گوید: در آیات «وسیجزی الله الشاکرین؛ خداوند جزای اعمال نیک به شکرگزاران عطا خواهد کرد» ^۳ و «سنجزی الشاکرین؛ خداوند سپاسگزاران را جزای نیک خواهد داد» ^۴ خداوند از اعمال با ارزش علی بن ابیطالب علیه السلام تشکر کرده است. ^۵

❖ ۱۸. سوره آل عمران آیات ۱۹۵ و ۱۹۸ ❖

اصبغ بن نباته به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام گوید که روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستم را گرفت و گفت: ای برادرم! آیا معنی این کلام خداوند متعال را می دانی که فرموده «ثواباً من عندالله والله عنده حسن الثواب» ^۶ و «ما عندالله خیر للابرار». ^۷

عرض کردم: بفرمائید تا بدانم. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «انت الثواب وشيعتك الابرار» تو ثواب هستی و شیعیانت ابرار هستند و همچنین فرمود: یک چهارم قرآن درباره ما (اهل بیت) نازل شده است. ^۸

۱. آل عمران / ۱۴۴.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶، نوشته حاکم نیشابوری شافعی.

۳. آل عمران / ۱۴۴.

۴. آل عمران / ۱۴۵.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۵.

۶. آل عمران / ۱۹۵.

۷. آل عمران / ۱۹۸.

۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۸.



۱۹. سوره نساء آیه ۵۹

نویسنده کتاب تنبیه الغافلین در توضیح کلمه اولی الامر از آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء بعد از نقل قول های مفسران از شیعه نقل می کند که منظور از اولی الامر در آیه مذکور امام علی (ع) است سپس از ابوذر نقل می کند که رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرموده است هر کس تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است.^۱

ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس هلالی نقل کرده که حضرت علی (ع) فرمود: رسول خدا (ص) در مورد اولی الامر که خداوند او را در کنار نام خودش و رسولش در آیه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم»^۲ قرار داده به من فرمود: آیا می دانی آن ها چه کسانی هستند؟ به حضرت عرض کردم: ای رسول خدا آن ها چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) پاسخ فرمود: یا علی! تو اولین نفر از آن ها هستی.^۳

قندوزی در جلد اول کتاب خود از شواهد التنزیل آورده که ابابصیر می گوید: از امام باقر (ع) تفسیر آیه شریفه: «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» را سؤال کردم. حضرت ابو جعفر (ع) فرمود: این آیه برای اطاعت از علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است. گفتم: مردم می گویند چه چیزی سبب شده تا خدای متعال نام علی (ع) و اهل بیت او را به طور واضح در قرآن بیان نکند.

امام باقر (ع) فرمود: به مردم بگوئید خداوند متعال به نماز خواندن دستور فرمود اما بیان تعداد رکعت ها که سه رکعت باشد یا چهار رکعت را به اختیار رسول خدا (ص) گذاشت. خداوند امر به مناسک حج نمود اما توضیح تعداد طواف در خانه خدا به اختیار پیامبر (ص) گذاشته شد، امام باقر (ع) در ادامه تأکید نمودند که خدای متعال فرمود: «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم».^۴

این آیه در شأن علی و حسن و حسین (ع) نازل شده است.

و رسول خدا (ص) نیز فرمود: «اوصیکم بکتاب الله واهل بیتی انی سألت الله ان لایفرق

بینهما حتی یوردهما علی الحوض فاعطانی ذلک».

۱. تنبیه الغافلین من فضائل الطالبین، ص ۴۴.

۲. نساء / ۵۹.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱. ص ۸۲.

۴. نساء / ۵۹.

شما را به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش می‌کنم بین آن‌ها جدایی نیندازید تا در حوض کوثر بر من وارد شوید چون خدای متعال آن دو ثقل را به من عطا فرمود. شیخ الاسلام ابواسحاق ابراهیم بن سعدالدین ابن الحمویہ با اسناد خویش از سلیم بن قیس هلالی روایت می‌کند که:

در عهد عثمان روزی داخل مسجد رسول خدا (ص) حدود ۲۰۰ نفر حضور داشتند از جمله: سعد بن ابی وقاص، زبیر، طلحه، مقداد، ابن عباس، محمد بن ابی بکر، عبدالرحمن بن عوف و حسن و حسین (ع) و... علی بن ابیطالب نیز آنجا بود این افراد افتخارات خود را بیان می‌کردند مثل اینکه قریش بزرگ عرب است، مردم باید از قریش پیروی کند و ائمه از قبیلہ قریش هستند. بعد آن‌ها از حضرت علی (ع) خواستند تا او نیز سخن بگوید... حضرت فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید این آیه درباره چه کسی نازل شده: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم!» ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و از رسول و کاردارانی که از شما هستند فرمان برید» و این آیه «و لم یتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنین ولیجة»^۲؛ از غیر از خدا و رسول و مؤمنین هم رازی نگرفتند...».

بعد از نزول آیه مردم از رسول خدا پرسیدند: ای رسول خدا (ص) آیا این‌ها (مؤمنین در آیه) گروه خاصی از مؤمنان هستند یا عموم مؤمنان؟ آن‌گاه خداوند هم به پیامبر (ص) امر فرمود که «ولایة امر» را به مردم معرفی کند و همان طور که نماز و زکات و حج را برای مردم تفسیر کرده ولایت را هم تفسیر و بیان کند و مرا برای مردم منصوب نماید و بعد از این دستور رسول خدا (ص) در غدیر خم خطبه خواند و گفت: ای مردم! به درستی که خداوند مرا به ابلاغ پیامی مأمور فرمود که سینه‌ام را تنگ نموده و گمان کردم که مردم مرا تکذیب می‌کنند سپس خداوند مرا تهدید نمود که یا آن را ابلاغ کنم یا مرا عذاب می‌نماید.

سپس امر نمود: تا جمعیت را به نماز جماعت فرا خوانند بعد خطبه ای بیان کردو

۱. نساء / ۵۹.

۲. توبه / ۱۶.



گفت: ای مردم! آیا می‌دانید که خداوند مولی و صاحب اختیار من و من مولى و صاحب اختیار مؤمنان هستم و من از نفس مؤمنان بیشتر بر آنها ولایت دارم؟».

همه گفتند: آری ای رسول خدا! بعد گفت: یا علی! برخیز.

آن‌گاه من برخاستم پس پیامبر ﷺ گفت: «من كنت مولاة فعلی مولاة اللهم وآل من

والاه وعاد من عاده».

پیامبر ﷺ در پاسخ سلمان فارسی که پرسید: چگونه ولایتی برای علی است؟ پاسخ داد: ولایتی مثل ولایت من بر کسانی که من از نفس شان بر آنها ولایت بیشتری دارم بعد خداوند این آیه را نازل فرمود:

«اليوم اكملت لكم دينكم...»^۱ آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «الله اكبر» از اتمام نبوت و اتمام دین خدا به ولایت علی بعد از من». سپس عمر و ابوبکر برخاستند و گفتند: ای رسول خدا این آیات مخصوص علی ﷺ است؟ پیامبر ﷺ فرمود: بلی این آیات مخصوص علی و اوصیاء من تا روز قیامت است.

آن‌ها گفتند: ای رسول خدا! آن اوصیاء را برای ما مشخص فرما...

پیغمبر ﷺ فرمود: علی برادر من و وزیر من و وارث من و وصی من و خلیفه من در میان امت من و ولی هر مؤمنی بعد از من است، سپس دو پسر من حسن و حسین بعد نه نفر از اولاد فرزندان حسین یکی پس از دیگری می‌باشند قرآن با آنهاست و آنها با قرآنند از آن جدا نمی‌شوند و قرآن هم از آنها جدا نمی‌شود تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

بعد از اینکه حضرت علی ﷺ این سخنان را در مسجد رسول خدا ﷺ بیان نمود، حاضران گفتند: خدایا! آری همه این صحبت‌ها را از پیغمبر شنیده‌ایم و همان طور که می‌گویید شهادت می‌دهیم.^۲

۲۰. سوره نساء آیه ۶۹

انس بن مالک از صحابی مورد وثوق اهل سنت می‌گوید: روزی از پیامبر اسلام ﷺ در

۱. مائده / ۳.

۲. فراید السمطین، سمط اول، باب ۵۸، نوشته ابراهیم بن محمد بن مؤید حموی جوینی متوفای ۷۲۲ هجری قمری.

مورد آیه شریفه: «**فاولئك مع الذين انعم الله...؛** آنانکه خدا و رسول او را اطاعت کنند البته با کسانی خواهند بود که خدا به آنها لطف و عنایت فرموده...»^۱ سؤال نمودم. پیامبر اسلام (ص) فرمود: مقصود از النَّبیین، من هستم و مقصود از الصّٰدِیقین، برادرم علی بن ابیطالب است و مقصود از الشّهداء، عمویم حمزه و مقصود از الصّٰلِحین دخترم فاطمه و فرزندان او حسن و حسین (ع) هستند.

انس گوید: وقتی این سخنان را عباس عموی پیامبر (ص) شنید از جای برخاست و در مقابل آن حضرت نشست و عرض کرد: یا رسول الله! آیا ما و شما و علی و فاطمه و حسن و حسین از یک منبع نیستیم؟

رسول خدا (ص) فرمود: چطور ای عمو؟

عباس گفت: شما تنها علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را معرفی می کنید و ما را از خودتان نمی دانید؟

پیامبر (ص) تبسمی نمود و فرمود: اما اینکه گفتم ما از یک منبع و ریشه هستیم راست می گویی ولی خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را قبل از آدم خلق نمود که هنوز آسمان و زمین و نور و ظلمت و بهشت و دوزخ و خورشید و ماه... آفریده نشده بود. انس بن مالک، خادم مخصوص پیامبر اکرم (ص) که بعدها منکر ولایت امام علی (ع) شد می گوید:

روزی رسول خدا (ص) بعد از اقامه نماز روی مبارک خود را به ما نمود، عرض کردم: ای پیامبر خدا ممکن است آیه شریفه «**فاولئك مع الذين انعم الله...**» را برایمان تفسیر نمایید؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: مقصود از النَّبیین، من هستم و منظور از الصّٰدِیقین، برادرم علی بن ابیطالب است و مقصود از الشّهداء، عمویم حمزه و مقصود از الصّٰلِحین دخترم فاطمه و فرزندان او حسن و حسین (ع) هستند...^۲

حذیفه گوید: بعد از نزول آیه «**فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النَّبیین و الصّٰدِیقین و الشّهداء و الصّٰلِحین و حسن اولئك رفیقاً**»^۳ نزد پیامبر (ص) آمده و در مورد اسامی افرادی که نامشان در این آیه آمده سؤال کردم؟

۱. نساء / ۶۹

۲. مصباح الهدایه، ص ۱۵۷.

۳. نساء / ۶۹



پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مقصود از نبی من هستم که خداوند می فرماید: «من النبیین الذین انعم الله علیهم» اولین آن‌ها در نبوت و آخرین آن‌ها در بعثت می‌باشم. و منظور از صدیقین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد زیرا زمانی که خداوند مرا به رسالت برگزید او اولین کسی بود که رسالت مرا تصدیق کرد و از بین شهداء، حمزه و جعفر طیار می‌باشد و از صالحین، حسن و حسین علیهما السلام سید جوانان اهل بهشت هستند و مقصود از حسن اولثک رفیقاً، مهدی زمان خویش است.^۱

۲۱. سوره نساء آیه ۱۴۲

«ان المنافقین یخدعون الله وهو خادعهم...».

در تفسیر درالمنثور نوشته سیوطی عالم مفسر اهل سنت در ذیل آیه آورده که ابی سعید خدری و عبدالله بن مسعود می‌گویند ما در زمان پیامبر منافقان را از کینه و عداوتی که به علی علیه السلام می‌داشتند می‌شناختیم. طبرانی نیز در کتاب‌های خود علامت منافق را بعضی علی علیه السلام دانسته و روایات آن را آورده است (نظر النبی صلی الله علیه و آله الی علی علیه السلام فقال: لا یحبک الا مؤمن ولا یبغضک الا منافق...)^۲. نکته:

آیا نباید به فکر بود که خدا ناکرده فردای قیامت در صف منافقان محشور شویم بعضی از ما بر اساس چه دلیلی با امام علی علیه السلام دشمنی می‌نمائیم و حق ولایت و امامت این انسان استثنایی را که در منابع و کتب اهل سنت به مقام رفیعش اشاره شده است را انکار می‌نمائیم!

از بعضی‌ها می‌شنویم که چرا حق امامت علی علیه السلام را نمی‌پذیرید می‌گویند بزرگان و علماء ما نپذیرفتند مگر بزرگان ما مسئول عاقبت بخیری ما هستند ما خود بایستی برای عاقبت بخیری خود فکری کنیم و تا زنده هستیم برای سرنوشت ابدی خود چاره‌ای بیندیشیم.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱. ص ۸۶.

۲. المعجم الاوسط نوشته طبرانی متوفای قرن ۴ هجری قمری، جلد ۳، ح ۲۱۴۶ و ۲۱۷۷ و جلد ۵، ح ۴۱۶۳ و ۴۷۴۸.

۲۲. سوره نساء آیه ۱۷۴

عبدالله بن سلیمان می گوید: از امام صادق (ع) در مورد برهان و نور در این آیه «قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا لیکم نوراً مبیناً؛ ای مردم به راستی شما را برهانی از پروردگارتان آمده و نوری روشنگر به سوی شما نازل کرده ایم»^۱ سؤال کردم. آن حضرت فرمود: مقصود از «برهان» محمد (ص) و منظور از «نور» علی بن ابیطالب می باشد و همچنین منظور از «صراط مستقیم» علی (ع) است.^۲

۲۳. سوره مائده آیه ۳

فخررازی در تفسیر کبیر ذیل آیه «الیوم اکملت لکم...»^۳ ماجرای غدیر را آورده و در آخر می نویسد عمر به امام علی (ع) جانشینی پیامبر (ص) را تبریک گفته است. ابن عباس در مورد آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...» می گوید: پیامبر (ص) در حال انجام طواف کعبه بودند که سؤال کردند علی بن ابیطالب در میان شماست؟

عرض کردیم: بله! یا رسول الله.

آن حضرت، علی (ع) را به خود نزدیک کرد و با دست بر کتف مبارکش زد و فرمود: هم اکنون آیه ای بر من نازل شد که نام من و تو در آن به طور مساوی ذکر شده است – و پیامبر (ص) آیه فوق (سوره مائده / آیه ۳) را تلاوت نمود.

دین را با نبی اکرم (ص) کامل کردم و با علی (ع) نعمت را به پایان رساندم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم.^۴ حافظ ابوالقاسم حسکانی از ابوسعید خدری نقل کرده است:

رسول خدا (ص) هنگامی که آیه «الیوم اکملت لکم دینکم»^۵ نازل شد فرمود: الله اکبر

۱. نساء / ۱۷۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳. مائده / ۳.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۵. مائده / ۳.

بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابیطالب بعد از من...^۱

۲۴. سوره مائده آیه ۵۵

نسائی عالم بزرگ اهل سنت از عبدالله بن سلام در کتاب خود نقل می کند که نزول آیه: «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویؤتون الزکاه وهم راکعون»^۲ درباره امام علی علیه السلام می باشد.

قوشچی از ائمه و بزرگان اشاعره می باشد وی در شرح تجرید خود در بخش امامت آورده که آیه شریفه: «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویؤتون الزکاه وهم راکعون»^۳ در مورد علی علیه السلام نازل شده و علت نزول هم صدقه دادن آن حضرت در رکوع به فقیر می باشد.

سیوطی در تفسیر الدر المنثور و طبری در کتاب جامع البیان فی تفسیر القرآن معروف به تفسیر کبیر ذیل آیه «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویؤتون الزکاه وهم راکعون»^۴ این روایت را آورده اند که پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود: یا علی! تو راهنما و راه نشان ده هستی بعد از من؛ هدایت نشده ها با تو هدایت می شوند و راه راست را در پیش می گیرند.

۲۵. سوره مائده آیه ۶۷

در تفسیر ثعلبی ذیل آیه ۶۷ مائده: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» آمده است: معنای ابلاغ که خداوند دستور فرموده در مورد علی بن ابیطالب است.^۵ ذیل آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل...؛ ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت بر تو

۱. شواهد التنزیل، متن کامل در ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۱۶ - ۲۱۸ - ۲۱۹ می باشد.

۲. مائده / ۵۵. (ولی امر و یا ور شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز به پا داشته و به فقیران در حال رکوع زکات می دهند).

۳. مائده / ۵۵.

۴. مائده / ۵۵.

۵. تفسیر ثعلبی، ذیل آیه شریفه.

نازل شده ابلاغ کن...»، علامه جلال الدین سیوطی مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر الدر المنثور آورده: این ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابوسعید خدری نقل می کنند آیه فوق روز عید غدیر خم در مورد علی بن ابیطالب نازل شده است. سیوطی در حدیث بعد آورده که: «ابن مردویه عن ابن مسعود قال: کنا نقرا علی عهد رسول الله ﷺ یا أيها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک ان علیاً مولی المؤمنین وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس...».

ابن مردویه از ابن مسعود نقل می کند که وی می گفت: در زمان رسول خدا ﷺ آیه فوق را چنین می خواندیم: ای رسول خدا ابلاغ کن، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل گردیده است اینکه علی بن ابیطالب مولا و سرور مؤمنین است و اگر این فرمان را ابلاغ نکنی رسالت خود را انجام نداده ای و خداوند تو را حفظ خواهد کرد. طبری از زید بن ارقم اینگونه نقل می کند:

زمانی که پیامبر ﷺ در بازگشت از حجه الوداع به غدیر خم رسید، توقف نمودند و زمان خواندن نماز را اعلام کردند. بعد حضرت خطبه ای بلیغ خواندند و آن گاه فرمود: خدای متعال این آیه را بر من فرو فرستاده است که «بلغ ما أنزل الیک من ربک...»^۲ و همانا جبرئیل از ناحیه پروردگار به من امر کرده تا در این مکان توقف نمایم و به هر مسلمان سفید و سیاهی اعلام کنم علی بن ابیطالب برادر، وصی، خلیفه و امام بعد از من بر مسلمانان است...

هان ای مردم! آگاه باشید که پروردگار، علی را ولی و امام شما قرار داده و اطاعت از وی را بر همه واجب نموده است... بشنوید و پیروی کنید. خداوند مولای شما و علی امام شماست و بعد از او تا روز قیامت امامت در فرزندان من از صلب علی استمرار خواهد داشت... طبری به روایت دیگر می گوید رسول خدا ﷺ فرمود: پروردگار! دوست بدار هر که وی را دوست دارد و دشمن بدار هر که با وی دشمنی می کند... پروردگار، زمانی که این حقیقت در مورد علی بن ابیطالب بیان گشت آیه «الیوم اکملت لکم دینکم»^۳ را نازل نمود.

۱. مائده / ۶۷

۲. مائده / ۶۷

۳. کتاب الولاية فی طرق الحدیث الغدیر نوشته طبری.



❖ ۲۶. سوره مائده آیه ۸۷ ❖

امام حسن علیه السلام در مجلس معاویه خطبه ای را ایراد نمودند و فرمودند: شما را به خدا آیا می دانید که علی علیه السلام در میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین فردی بود که همه لذت ها و شهوات را بر خودش حرام کرده بود تا خداوند آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم؛ ای کسانی که ایمان آورده اید پاکیزه هایی را که خداوند برای شما حلال فرموده بر خود حرام نکنید» را نازل فرمود.^۲

❖ ۲۷. سوره اعراف آیه ۱۶ ❖

ابوبصیر در مورد آیه «لاقعدن لهم صراطک المستقیم؛ من هم برای آن ها حتماً بر سر راه راست خواهیم نشست»^۳ از امام صادق علیه السلام سؤال نمود صراطی را که ابلیس گفته مقصود چه راهی می باشد؟ آن حضرت پاسخ فرمودند: منظور از صراط مستقیم، صراط علی علیه السلام می باشد.^۴

❖ ۲۸. سوره اعراف آیه ۴۴ ❖

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه ۴۴ سوره اعراف «ونادی اصحاب الجنه اصحاب النار...؛ اهل بهشت، دوزخیان را آواز دهند...» و آیه شریفه «واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله یری من المشرکین ورسوله؛ این اعلائی است از ناحیه خدا و رسول او به مردم در روز حج اکبر که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند...» فرمود: مقصود از مؤذن من هستم.^۵

اصبغ بن نباته گوید: روزی ابن کواء از حضرت علی علیه السلام معنای آیه «وعلی الاعراف

۱. مائده / ۸۷

۲. کنوزالحکم، ص ۶۱

۳. اعراف / ۱۶.

۴. شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۵. توبه / ۳.

۶. بینابیع الموده، ص ۱۰۱.

رجال يعرفون كلا بسيماهم؛ و در اعراف مردانی هستند که مجرمان را به سیمایشان می‌شناسند»^۱ را سؤال کرد.

امام علی (ع) در پاسخ به این سر دسته خوارج فرمود: وای بر تو ای ابن کواء «نحن نوقف يوم القيامة بين الجنة والنار فمن ينصرنا عرفناه...».

آن مردان ما هستیم که در قیامت بین بهشت و جهنم می‌ایستیم هر بنده ای ما را نصرت کرده باشد او را به چهره می‌شناسیم و به بهشت می‌بریم و هر کسی با ما دشمنی داشت او را نیز از سیمایش می‌شناسیم و در جهنم داخل می‌کنیم.^۲

ابن مردویه از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل کرده: در تفسیر آیه «وعلى الاعراف رجال يعرفون كلا بسيماهم» فرمود: اصحاب اعراف ما هستیم که مردم را به سیمایشان می‌شناسیم و آن‌ها را وارد بهشت می‌نماییم.^۳

در تفسیر آیه «وعلى الاعراف رجال يعرفون كلا بسيماهم»^۴. امام باقر (ع) می‌فرماید: روزی ابن کواء رئیس گروه خوارج نزد امام علی (ع) آمد و در مورد این آیه سؤال کرد.

امام علی (ع) فرمود: خداوند جز از ناحیه ما شناخته نمی‌شود و ماییم صاحب اعراف که خداوند ما را در قیامت بر صراط خواهدگماشت و هیچ کس به بهشت نخواهد رفت مگر آنکه ما را بشناسد و ما او را پذیرفته باشیم و احدی به دوزخ نخواهد رفت مگر آنکه منکر مقام ما بوده باشد و ما او را نپذیرفته باشیم.^۵

❖ ۲۹. سوره اعراف آیه ۱۷۲ ❖

پیامبر اسلام (ص) فرمود: خداوند در عالم ذر به تناسب آیه «واذ اخذ ربك من بنى آدم»^۶ از فرزندان آدم و همه ملائکه پیمان اخذ کرد و ملائکه هم به ربوبیت پروردگار معترف

۱. اعراف / ۴۶.

۲. شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۳۷.

۴. اعراف / ۴۶.

۵. مناقب، ص ۱۰۲.

۶. اعراف / ۱۷۲.



شدند و خطاب آمد: من پروردگار شما هستم و محمدﷺ پیامبر شماست و علیؑ امیر شما خواهد بود.^۱

❖ ۳۰. سوره انفال آیه ۲۵ ❖

ابن عباس، شأن نزول آیه «واتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منكم خاصه واعملوا ان الله شدید العقاب»^۲؛ و ترسید از بلایی که وقتی بیاید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است» را در شأن حضرت علیؑ می‌داند.^۳ (از ظلمی که در حق او برای غصب خلافت گردید).

ابن عباس نقل می‌کند که آیه: «واتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منكم خاصه واعملوا ان الله شدید العقاب»^۴ درباره حضرت علیؑ نازل شده است و پیامبر خداﷺ فرمودند: هر کس در حق علی و خلافت او بعد از من ظلم کند و جای او را غصب نماید مانند این می‌باشد که پیامبری من و پیامبران پیش از مرا انکار کرده باشد.^۵

❖ ۳۱. سوره انفال آیه ۶۲ ❖

سیوطی در درالمنثور جلد ۲، صفحه ۱۹۹ شأن نزول آیه «هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین»؛ «اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گردانید»^۶. را اینگونه بیان کرده که وقتی علیؑ قصد میدان جنگ در خندق را نمود رسول خداﷺ عرض کرد: «اللهم احفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمنه وعن شماله ومن فوق رأسه ومن تحت قدمیه»؛ خدایا! علی را از من مگیر و او را از پیش و پشت سر و طرف راست و چپ سر و زیر قدم محافظت فرما. و بعد از کشته شدن عمرو بن عبدود به دست علیؑ آیه فوق نازل شد.^۷

۱. کتاب اللوامع، ج ۹، ص ۲۷۲.
۲. انفال / ۲۵.
۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۶.
۴. انفال / ۲۵.
۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۶.
۶. انفال / ۶۲.
۷. این روایت در بنابیع الموده صفحه ۹۵ هم آمده است.



گفت: من کسی هستم که به حجاج آب می‌دهم، پس علیؑ فرمود: من رو به قبله نماز خواندم به مدت شش ماه قبل از اینکه مردم به آن سمت نماز بخوانند و من صاحب جهاد هستم آن گاه آیه شریفه: «اجعلتم سقایه الحاج...»^۱ نازل شد.

«آیا رتبه سقاییت و آب دادن به حاجیان (یعنی مقام عباس) و تعمیر کردن مسجد الحرام را با مقام آن کس که به خدا و به روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده (چون علیؑ) یکسان شمرید؟ هرگز آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود و خدا ظالمان را هدایت نخواهد کرد. در این آیه خداوند امام علیؑ را برتر و بهتر محسوب فرموده است لذا همه مفسرین شیعه و سنی بر این عقیده‌اند که این آیه در شأن حضرت علیؑ نازل شده است.^۲

شعبی نقل کرده که آیه «اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن امن بالله والیوم الاخر...»^۳؛ آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز باز پسین، ایمان آورده است و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا، بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. درباره علیؑ و عباس نازل شده است.^۴

۳۵. سوره توبه آیه ۲۶

حکم بن عتیبه روایت کرده که بی گمان برای چهار نفر از ثابت قدمان جنگ حنین آیه شریفه «ثم انزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین...؛ آن گاه خدای قادر مطلق وقار و آرامش خود را بر رسول خود و بر مؤمنان نازل فرمود...»^۵ نازل گردید و علی بن ابیطالب مقاوم ترین آن چهارتن می‌باشد.^۶

۱. توبه / ۱۹.

۲. فصول المهمه، ص ۱۲۴ - صاحب کشف، ثعلبی - حسن بصری - حسکانی و تعدادی دیگر از علمای اهل سنت به اسناد خود از ابن بریده از پدرش روایت کرده که آیات ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ این سوره در شأن حضرت علیؑ نازل شده است.

۳. توبه / ۱۹.

۴. تفسیر طبری، ج ۶، جزء ۱۰، ص ۹۶ - الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۴۵.

۵. توبه / ۲۶.

۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۵.

❖ ۳۶. سوره توبه آیه ۱۰۰ ❖

«والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسان رضى الله عنهم رضوا عنه واعدلهم جنات تجرى تحتها النهار خالدين فيها ابداً ذلك الفوز العظيم».

حسکانی در شواهد از اسامه بن زید روایت می کند: «جاء العباس وعلی یستاذنان علی رسول الله ﷺ فقال لی رسول الله ائذن لهما...؛ عباس و علی (ع) اجازه ورود بر رسول خدا ﷺ را خواستند و رسول خدا ﷺ به من فرمود: به آن ها اجازه ورود دادم. و چون وارد شدند علی (ع) عرض کرد: یا رسول الله کدامیک از خویشان شما نزد شما محبوب تر است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: فاطمه.

علی (ع) عرض کرد: مقصود من از مردهاست. (انما اعنى من الرجال).

رسول خدا ﷺ فرمود: کسانی که مورد انعام خدا و من هستند.

علی (ع) عرض کرد: آن ها چه کسانی هستند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو یا علی محبوب

تری نزد من.

عباس عرض کرد: یا رسول الله عموی خود را در آخر قرار دادی؟

رسول خدا ﷺ فرمود: علی در هجرت بر تو سبقت دارد (ان علیاً سبقک بالهجرة).^۱

❖ ۳۷. سوره توبه آیه ۱۱۹ ❖

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین». ای اهل ایمان! خدا ترس باشید و با مردان راستگوی با ایمان پیوندید.

صاحب کتاب ینابیع و جلال الدین سیوطی در تفسیرش از ابن عباس آورده که «الصادقون فی هذه الایه محمد ﷺ و اهل بینه (ع)»؛ مقصود از صادقین از این آیه محمد و اهل بیت او (ع) هستند.^۲

❖ ۳۸. سوره یونس آیه ۲ ❖

مرحوم علامه مظفر در کتاب دلائل الصدق، ج ۲، ص ۲۹۰ در تفسیر آیه «وبشر الذین

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲. ینابیع الهدی، ج ۱، ص ۳۵۸ - تفسیر در المنثور نوشته سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶.



آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم؛ و مؤمنان را به رحمت خدا بشارت ده که مقامشان نزد خدا بسیار رفیع است»^۱ آورده: این آیه مبارکه درباره ولایت علیؑ نازل شده است.^۲

❖ ۳۹. سوره یونس آیه ۲۵ ❖

فضیل بن زبیر از زید بن علیؑ در تفسیر آیه «و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم»^۳ نقل می کند: خداوند بندگان را به ولایت علی بن ابیطالبؑ هدایت و راهنمایی می کند.^۴

❖ ۴۰. سوره یونس آیه ۵۲ ❖

«و یستنبئونک احق هو قل ای و بی انه لحق و ما انتم بمعجزین؛ و از تو خبر می گیرند: آیا آن راست است؟ بگو: آری سوگند به پروردگرم که آن قطعاً راست است و شما نمی توانید (خدا را) درمانده کنید».

عن جعفر الصادق عن ابیه فی قول الله تعالی: (و یستنبئونک احق هو) یستنبئک یا محمد اهل مکه عن علی بن ابی طالب امام؟! قال ای و ربی انه لحق.

امام صادقؑ از امام باقرؑ نقل شده که فرمود: ای محمد! این مردم اهل مکه از تو می پرسند که آیا علی امام و رهبر مردم است؟ به آن ها بگو: بلی به پروردگرم سوگند که او حق است.^۵

❖ ۴۱. سوره یونس آیه ۵۸ ❖

عبداللہ بن عباس نقل کرده در تفسیر این سخن خداوند: «قل بفضل الله وبرحمته...»

۱. یونس / ۲.

۲. این مطلب در ارجح المطلب نوشته الامر تسری ثناء الله و توضیح الدلائل نوشته شهاب الدین شافعی آمده است.

۳. یونس / ۲۵.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶۳.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۱.

بگو: به فضل و رحمت خداست که...^۱؛ فضل خدا پیامبر (ص) است و رحمت خدا علی (ع) است.^۲

محمد بن فضیل نقل کرده: به حضرت امام رضا (ع) عرض کردم: تفسیر و مقصود آیه «قل بفضل الله ورحمته...؛ ای پیامبر به خلق بگو شما باید منحصرأً به فضل و رحمت خدا شادمان شوید...»^۳ چیست؟

امام رضا (ع) فرمود: ولایت محمد و آل محمد (ص) است که ارزشمندتر از نیازهای دنیایی این مردم می باشد.^۴

۴۲. سوره یونس آیه ۶۲

ابوهریره که در نزد اهل سنت از جایگاه ویژه ای برخوردار است به نقل از پیامبر (ص) می گوید که ایشان فرمود: خداوند بندگانی دارد که پیامبران به آن ها غبطه می خورند... هیچ گاه ترس و غم و اندوه به آن ها راه ندارد. سپس فرمود: آیا می دانید آن ها چه کسانی هستند؟ عرض کردیم: نه.

فرمود: آن ها علی بن ابیطالب و حمزه و جعفر و عقیل هستند. آن گاه پیامبر (ص) آیه «الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون»^۵ را قرائت نمود.^۶
«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند».

قال رسول الله (ص): ان من العباد عباداً یغیظهم الانبیاء تحابوا بروح الله علی غیرمال ولا عرض من الدنیا، وجوههم نور، لا یخافون اذا خاف الناس ولا یحزنون اذا حزنوا اتدرون من هم؟ قلنا: لا یا رسول الله قال: «هم علی بی ابی طالب وحمزة بن عبدالمطلب وجعفر، وعقیل» ثم قرأ رسول الله (ص): «الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون».

رسول خدا (ص) فرمود: خداوند بندگانی دارد که پیامبران غبطه و حسرت آن ها را

۱. یونس / ۵۸.

۲. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۵ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶۲.

۳. یونس / ۵۸.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶۸.

۵. یونس / ۶۲.

۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷۰.



می‌خورند آن‌ها با عنایتی که خداوند به آن‌ها دارد بدون رابطه فامیلی و یا به واسطه ثروت و مال به یکدیگر محبت می‌کنند و برای خدا یکدیگر را دوست می‌دارند صورت های آن‌ها نورانی و چون مردم هراس و ترس و یا غم و اندوهی داشته باشند، آن‌ها نه هراسی دارند و نه غم اندوهی!

سپس فرمود: آیا می‌دانید آن‌ها چه کسانی هستند؟ عرض کردیم: نه یا رسول الله! فرمود: آن‌ها علی بن ابیطالب و حمزه بن عبدالمطلب و جعفر و عقیل اند سپس رسول خدا ﷺ این آیه را قرائت نمود: **الا ان اولیاءالله...**^۱

❖ ۴۳. سوره هود آیه ۲ ❖

امام باقرؑ در تفسیر آیه «وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ...»^۲ یعنی: خداوند به هر صاحب فضیلتی فضل او را (به تناسب کمالش) عطا می‌کند. فرمودند: مقصود از این آیه امام علیؑ می‌باشد.^۳

❖ ۴۴. سوره یوسف آیه ۱۰۸ ❖

قندوزی در کتاب شواهدالتنزیل ذیل آیه «ادعوالی الله علی بصیره؛ ای رسول ما، امت را بگو طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنم...»^۴ آورده که امام صادقؑ فرمود: به خدا سوگند منظور از آیه فوق ولایت ما اهل بیت مصطفیؑ می‌باشد که جزء گمراهان کسی ولایت ما را منکر نمی‌شود و کسی جز گمراهان از علیؑ عیب جوئی نمی‌کند.

۱. شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. هود / ۳.

۳. ارجح المطالب، ص ۸۶ - دلائل الصدق، ج ۲، ص ۲۶۰.

۴. یوسف / ۱۰۸.



امتی و هر قومی هدایتگری دارد»^۱ و این سخن رسول خداﷺ است که علیؑ هدایتگر و ولی خداست.^۲

۴۷. سوره رعد آیه ۲۹

قرطبی در ج ۹ تفسیرش از جابر جعفی از امام باقرؑ نقل می کند که: سئل رسول اللهﷺ عن قوله تعالى: «الذين آمنوا و عملوا الصالحات طوبى لهم وحسن مآب؟» فقال: هي شجرة في الجنة اصلها في داري وفرعها على اهل الجنة. فقيل له: يا رسول الله سائناك عنها فقلت: اصلها في دار علي و فرعها على اهل الجنة فقالﷺ: «ان داري و دار علي واحدة غداً في مكان واحد».

جابر جعفی از امام باقرؑ نقل کرده که فرمود: از رسول خداﷺ درباره معنای (کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند خوشا به حالشان و خوش سرانجامی دارند) سؤال شد؛ رسول خداﷺ فرمود: طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه من و شاخه های آن بر سر اهل بهشت می باشد. به آن حضرت عرض شد: قبلاً از شما پرسیدیم فرمودید: اصل آن درخت در خانه علیؑ است و شاخه های آن بر سر اهل بهشت می باشد؟! رسول خداﷺ فرمود: «خانه من و علی فردای قیامت در یک مکان خواهد بود».

۴۸. سوره رعد آیه ۴۳

امام باقرؑ در مورد نزول آیه «ومن عنده علم الكتاب»^۳ فرمودند: «هذه الایه نزلت فی علی علیه السلام انه عالم هذه الامه».

این آیه در شأن والای امام علیؑ نازل شد چرا که اوست عالم این امت.^۴

عبدالله بن عطا در ینابیع الموده از ثعلبی و ابن مغزالی نقل می کند که با امام باقرؑ

۱. رعد / ۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۰۳. (طبرانی محدث بزرگ اهل سنت نیز روایت این آیه را از قول پیامبر اسلامﷺ آورده المعجم الاوسط، ج ۲، ح ۱۳۸۳ و ۷۷۷۶ و در المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۲۶۱).

۳. رعد / ۴۳.

۴. ینابیع الموده، ص ۱۰۴.

در مسجد پیامبر ﷺ بودیم فرزند عبدالله بن سلام را دیدم، عبدالله بن عطا می گوید: «و عنده علم الكتاب»^۱ را خواندم و به امام باقر (ع) عرض کردم این شخص فرزند کسی است که علم الكتاب نزد اوست؟

امام باقر (ع) فرمود: این آیه درباره علی بن ابیطالب (ع) است.^۲

امام باقر (ع) در مورد آیه ۴۳ سوره رعد که خداوند می فرماید: «ومن عنده علم الكتاب» فرمودند: این آیه درباره علی (ع) نازل شده و او عالم این امت است.^۳ در کتاب مناقب علی بن ابیطالب که از تألیفات علی ابن محمد بن محمد مشهور به ابن مغزلی که از علمای قدیمی طراز اول اهل سنت می باشد از ابن عطا و ابومریم روایت شده که بر ابی جعفر (ع) وارد شدیم. عبدالله بن سلام به حضرت عرض کرد خدا مرا فدای تو کند این پسر کسی است که علم کتاب نزد اوست. امام فرمود: نه این آیات در حق صاحب شما علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است.^۴

۱. ومن عنده علم الكتاب.^۵

۲. افمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد من.^۶

۳. انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون.^۷

۴۹. سوره حجر آیه ۴۱

سلام بن مستنیر جعی می گوید:

روزی از امام باقر (ع) در مورد چند سؤال از مسائل قرآن اجازه گرفتیم. حضرت فرمود: از هر چه می خواهی سؤال کن.

پرسیدم معنی آیه شریفه: «هدا صراط علی مستقیم»^۸ چیست؟

۱. رعد / ۴۳.

۲. درالمختار، ج ۴، ص ۶۹، نوشته سیوطی.

۳. منابع الموده، نوشته قندوزی حنفی متوفای ۱۲۹۴ قمری، ص ۱۰۴.

۴. مناقب نوشته ابن مغزلی شافعی متوفی ۴۸۳ هـ ق.، ص ۳۱۳.

۵. رعد / ۴۳.

۶. هود / ۱۷.

۷. مائده / ۵۵.

۸. حجر / ۴۱.



امام فرمود: آن صراط علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد...^۱

❖ ۵۰. سوره حجر آیه ۴۷ ❖

روزی حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای پیامبر خدا از شما چه چیزی به ارث می برم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آنچه که پیامبران پیش از من به ارث گذاشتند».

امام علی علیه السلام پرسید: پیامبران پیش از شما چه چیزی به ارث گذاشتند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: «کتاب خدا و سنت پیامبرانشان و تو در قصری در بهشت با فاطمه دخترم با من هستید و تو برادر و رفیق منی».

آن گاه پیامبر خدا، این آیه را خواند: «**اخوانا علی سرّ متقابلین**»^۲؛ برادرانه بر تخت هایی رو به روی یکدیگر نشسته اند.^۳

در شواهد التنزیل مصداق آیه «**ونزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخوانا علی سرّ متقابلین**»^۴؛ و ما آئینه دل های پاک آن ها را از کدورت کینه و حسد و هر خلق ناپسند به کلی پاک و پاکیزه سازیم تا همه با هم برادر و دوستدار هم شوند و روبروی یکدیگر بر تخت عزّت بنشینند.

را اینگونه بیان کرده که... روزی فرزند طلحه به حضرت علی علیه السلام گفت: تو پدرم را کشتی و اموالم را مصادره کردی؟

علی علیه السلام فرمود: درباره کشتن پدرت چاره ای نبود و اموال تو را به بیت المال دادم برو و دارایی خود را بگیر.

آن گاه حضرت علی علیه السلام فرمود: امیدوارم خداوند من و پدرت را از مصادیق این آیه قرار دهد سپس حضرت آیه فوق را تلاوت کرد... .

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۲. حجر / ۴۷.

۳. المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۲۱.

۴. حجر / ۴۷.

❖ ۵۱. سوره نحل آیه ۱۶ ❖

محمد بن یزید از پدرش نقل کرد که پدرش از ابو جعفر (ع) درباره تفسیر آیه شریفه «وبالنجم هم یهتدون»^۱ سؤال کرد که منظور از نجم چیست؟ امام فرمود: منظور از نجم امیر المؤمنین علی (ع) است زیرا مانند ستاره نجم در میان خلائق می درخشد.^۲

❖ ۵۲. سوره نحل آیه ۲۴ ❖

«واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولین...»
 «و چون به آنان گفته شود: پروردگارتان چه چیز نازل کرده است؟ می گویند: افسانه پیشینیان است...»
 ابوالقاسم حاکم حسکانی در شواهد التنزیل از ابو حمزه ثمالی از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: «جبرئیل این آیه را برای رسول خدا (ص) چنین قرائت نمود: واذا قيل لهم: ماذا انزل ربکم من علی؟ قالوا: اساطیر الاولین؛ یعنی چون به کفار و منافقان گفته شود: پروردگار شما درباره علی چه فرستاد؟ آن‌ها گویند: افسانه های گذشتگان بود.»

❖ ۵۳. سوره نحل آیه ۴۳ ❖

حاکم حسکانی در کتاب خود با سند از حرث نقل می کند که گوید: از علی (ع) در مورد تفسیر آیه «... فاستلوا اهل الذکر...»^۳ سؤال کردم؟ امام علی (ع) فرمود: به خدا سوگند ماییم اهل ذکر و ماییم اهل علم ماییم معدن تأویل و تنزیل قرآن. آن گاه فرمود: از رسول اکرم (ص) شنیدم که می فرمود: من شهر علم و دانش هستم و

۱. نحل / ۱۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳. نحل / ۴۳.



علی در آن شهر است پس هر که طالب علم و دانش است باید از در آن وارد شود^۱ و در همان کتاب نیز از جابر نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل ذکر هستیم. ثعلبی در تفسیر خود به نقل از جابر آورده که بعد از نزول آیه شریفه «فَسئَلُوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون؛ اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید»^۲ علی علیه السلام گفت: ما اهل ذکر هستیم.

۵۴. سوره نحل آیه ۷۶

«وضرب الله مثلاً رجلین احدهما ابکم لایقدر علی شیء وهو کل علی مولاہ اینما یوجههُ لایات بخیر هل یستوی هو ومن یأمر بالعدل وهو علی صراط مستقیم؛ و خدا مثلی می زند: دو مردند که یکی از آن‌ها لال است و هیچ کاری از او بر نمی آید و او سربار خداوندگارش می باشد؛ هر جا که او را می فرستد خیری به همراه نمی آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟»
امام باقر علیه السلام می فرماید: «علی بن ابی طالب یأمر بالعدل وهو علی صراط مستقیم؛ فرمان دهنده به عدل و کسی که در صراط مستقیم است علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد».^۳

۵۵. سوره نحل آیه ۹۰

ابن حجر عسقلانی از مغیره بن سعید نقل کرده که می گوید: مقصود از «بالعدل» در آیه شریفه: «ان الله یامر بالعدل والاحسان...»^۴ علی بن ابیطالب است و مقصود از «الاحسان» فاطمه علیها السلام و مقصود از «وایتاه ذی القربی» حسن و حسین علیهما السلام هستند.^۵
امام باقر علیه السلام فرمودند: «علی بن ابی طالب یامر بالعدل وهو علی صراط مستقیم».

۱. الریاض النضره، ج ۲، ص ۲۰۹ - مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۶ - طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۱۶۷.

۲. نحل / ۴۳ - انبیاء / ۷.

۳. توضیح الدلائل، ص ۱۶۳.

۴. نحل / ۹۰.

۵. لسان المیزان، ج ۶، ص ۷۶.

یعنی: فرمان دهنده به عدل و کسی که در صراط مستقیم است علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۱

❖ ۵۶. سوره اسراء آیه ۴۱ ❖

جابر بن عبدالله انصاری گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ...»^۲ سؤال کردم آن بزرگوار فرمود: خداوند متعال می فرماید: نام علی علیه السلام را در هر آیه ای ذکر کردم اما عده ای از ولایت علی علیه السلام گریزان شدند «وما یزیدهم الا نفورا»^۳ و فایده ای جز فرار برای آنان نداشت.^۴

❖ ۵۷. سوره اسراء آیه ۷۱ ❖

بشیر دهان از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن بزرگوار رو به ما کرد و گفت: «به خدا سوگند! شما بر دین خدا هستید». بعد آیه «یوم ندعوا کل اناس بامامهم»^۵ را تلاوت کرد. (روزی که گروهی را با امامشان فرا می خوانیم). سپس گفت: علی امام ماست و پیامبر خدا امام ماست. بسی امام که روز قیامت می آید، در حالی که او یارانش را نفرین می کند و یارانش او را؛ ولی ما از تبار محمدیم و مادرمان فاطمه است، دروهای خدا بر آنان باد.^۶

❖ ۵۸. سوره اسراء آیه ۸۱ ❖

در شواهد التنزیل علت نزول آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ حَقٌّ اَمَدٌ وَبَاطِلٌ سَرْنُكُونٌ شَدِيدٌ بِي شَكِّ بَاطِلٍ نَابُودٌ شَدِيدٌ اَسْتُ»^۷ را اینگونه بیان کرده

۱. توضیح الدلائل، ص ۱۶۳.

۲. اسراء / ۸۹ (و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال «و بیان روشن» آوردیم «تا مگر هدایت شوند» لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند).

۳. اسراء / ۴۱ (و ما این قرآن را به انواع سخنان فصیح و بلیغ نیکو، بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند ولیکن بدان را به جز نفرت و دشمنان را جز شقاوت حاصلی نیفزود).

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۶.

۵. اسراء / ۷۱.

۶. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲.

۷. اسراء / ۸۱.





که جابر گفت: همراه رسول خداﷺ در فتح مکه حضور داشتم. پیامبرﷺ به امام علیؑ فرمود: بر دوش من بایست یا من بر دوش تو می‌ایستم تا بت بزرگ و طویلی که نام آن هبل می‌باشد را سرنگون کنی. وقتی پیامبرﷺ بر دوش علیؑ ایستاد، علیؑ گفت: یا رسول اللهﷺ سنگینی رسالت و نبوت تاب و تحمل مرا گرفته و دیگر توانایی مقاومت ندارم.

پیامبر اکرمﷺ فرمود: یا علی! پس تو بر دوش من بایست و با خنده از دوش علیؑ فرود آمد.

امام علیؑ گفت: وقتی بر دوش آن حضرت ایستادم آن گونه جایگاه بلندی پیدا کردم به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد اگر اراده می‌کردم که آسمان را لمس کنم می‌توانستم با دستم آن را لمس کنم آن گاه بت هبل را سرنگون کردم و بر پشت کعبه انداختم.

در این زمان بود که آیه فوق نازل گردید و پیامبرﷺ داخل بیت الله الحرام شد و دو رکعت نماز شکر گزارد.^۸

❖ ۵۹. سوره اسراء آیه ۸۹ ❖

امام باقرؑ در تفسیر آیه «ولقد صرفنا للناس فی هذا القرآن»^۹ فرمود: هدف این است که ما علیؑ را در همه جای قرآن یاد کردیم و او نزد ما ذکر است (یاد او یاد خداست) با این وجود مردم از او فاصله گرفتند.^{۱۰}

حاکم حسکانی در کتاب خود از ابو حمزه ثمالی و او از امام باقرؑ نقل کرده که: مقصود از «کفوراً»^{۱۱} در قرآن کفران نعمت ولایت علیؑ است که پیامبرﷺ در غدیر خم ایشان را معرفی نموده است.^{۱۲}

۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۹.

۹. اسراء / ۸۹.

۱۰. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۲.

۱۱. اسراء / ۸۹.

۱۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۲.



بخوان. گفتم: چه بخوانم؟ گفت: این آیه را بخوان. «و وهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق علیاً؛ و آن‌ها را از رحمت خویش بهره مند ساختیم و نام نیک و بلندی [در میان امت‌ها] برایشان قرار دادیم...»^۱

❖ ۶۳. سوره مریم آیه ۹۶ ❖

هیثمی در کتاب صواعق صفحه ۱۷۰ به نقل از پیامبر ﷺ ذیل آیه «ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وداً؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی خدای رحمان برای آن‌ها محبتی قرار خواهد داد»^۲ آورده که این آیه در شأن امام علیؑ نازل شده است.^۳

حاکم حسکانی شأن نزول آیه «ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وداً»^۴ را اینگونه بیان می‌کند: روزی پیامبر خدا ﷺ به علیؑ فرمود: یا علی بگو: «اللهم اجعل لی عندک عهداً واجعل لی فی قلوب المؤمنین مودة». خدایا از نزد خودت عهد و در قلوب مؤمنان مودت و دوستی را برایم قرار بده. این نویسنده بزرگ اهل سنت در ادامه گوید:

بعد از این دعا خداوند متعال آیه فوق را در شأن علیؑ نازل کرد و آنچه امام علیؑ از خدا خواسته بود به آن حضرت عنایت فرمود.^۵ ابن عباس نقل می‌کند:

روزی پیامبر ﷺ من و علیؑ را به ثبیر برده و دو رکعت نماز خواند آن‌گاه دست مبارکش را به سمت آسمان بالا برده و اینگونه دعا کرد: خدایا! موسی بن عمران از تو خواهشی نمود و من محمد که برگزیده توأم از تو می‌خواهم به من شرح صدر عنایت فرمایی و کارهایم را آسان گردانی... خدایا! وزیری مثل علی بن ابیطالبؑ که از اهل بیت و برادر من است برایم قرار ده تا پشتوانه من در گرفتاری‌ها و شریک در کارهایم باشد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲. مریم / ۹۶.

۳. این حدیث را زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۴۷ نیز آورده است.

۴. مریم / ۹۶.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۷ (سوره مریم / ۵۰).



«خدایا! وزیری مثل علی بن ابیطالبؑ که از اهل بیت و برادر من است برایم قرار ده، تا پشتوانه من در ناراحتی‌ها و شریک در کارهایم باشد».

آن‌گاه ابن عباس می‌گوید: در پایان سخنان پیامبر اکرمؐ شنیدم که منادی ندا داده یا محمد! آنچه خواستی به تو عطا کردم، سپس پیامبر اکرمؐ به علیؑ فرمود: یا ابالحسن! دستت را به آسمان بلند کن و از خدا درخواست نما تا آنچه که می‌خواهی به تو عنایت کند. علیؑ دست را به آسمان بالا برد و گفت: اللهم اجعل لی عندک عهداً واجعل لی عندک ودّاً.

و خدای سبحان آیه شریفه «انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودّاً» را نازل کرد، سپس پیامبر خداﷺ آیه را برای یاران خود تلاوت نمود. وقتی اصحاب از این واقعه تعجب کردند، رسول خداﷺ فرمود: ای یاران! از چه چیزی تعجب می‌کنید؟ بدانید آیات قرآن چهار قسمت است یک قسمت مختص ما اهل بیت می‌باشد و یک قسمت اختصاص به مذمت دشمنان ما دارد و یک چهارم آن درباره حلال و حرام و یک چهارم آن نیز درباره واجبات می‌باشد. خدای رحمان درباره علیؑ کرائم قرآن را نازل فرمود.^۱

طبرانی در المعجم الکبیر ج ۱۲، حدیث ۱۲۶۵۵ نزول این آیه را در شأن امام علیؑ دانسته است.

۶۴. سوره طه آیه ۸۲

در تفسیر آیه «وانی لغفار لمن تاب وامن و عمل صالحاً ثم اهتدی».^۲ ترجمه: البته بر آن کس که توبه کند و به خدا ایمان آورد و نیکوکار گردد و درست به راه هدایت رود مغفرت و آمرزش من بسیار است.

ابوذر غفاری می‌گوید: خداوند نسبت به کسی که فرمایشات پیامبر خداﷺ را حق بداند و واجبات خدا را انجام دهد و محبت و ولایت آل محمدﷺ را داشته باشد غفار است.^۳

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۶، فصل ۵.

۲. طه / ۸۲.

۳. توضیح الدلائل نوشته شهاب‌الدین شافعی، ص ۱۶۳ - ابوبکر حضری در کتاب مرشفة الصادی، ص ۸۰ -

شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۵.

ابن حجر هیشمی عسقلانی آیه ۸۲ سوره طه^۱ را مورد بحث خود قرار داده و از قول ثابت بنانی چنین می‌گوید:

منظور از «اهدی» یعنی به ولایت اهل بیت پیامبر (ص) هدایت یافته باشد و نیز ابن حجر می‌گوید: این معنی از امام باقر (ع) هم رسیده است.

آن‌گاه روایاتی در مورد نجات کسی که به ولایت آن‌ها هدایت یافته باشد نقل نموده است. ابن حجر به این روایت اشاره کرده که: امام باقر (ع) به حارث بن یحیی فرمود: ای حارث مگر نمی‌بینی که خداوند شرط قبول نمودن توبه و ایمان و عمل صالح را هدایت به ولایت ما و معرفت به حق ما قرار داده است و بدون آن ایمان و عمل صالح و توبه به حال او سودی ندارد.^۲

۶۵. سوره طه آیه ۱۲۴

صاحب کتاب شواهد التنزیل از ابن عباس نقل می‌کند در تفسیر آیه: «ومن اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکاً ونحشره یوم القیامه اعمی»؛ و هر کس از یاد من اعراض کند همانا (در دنیا) معیشتش تنگ شود و روز قیامت نابینا محسور کنیم.^۳ هر که ولایت علی (ع) را رها کند کر و کنگ وارد قیامت می‌شود.^۴

۶۶. سوره حج آیات ۲۳ و ۲۴

لاحق بن حمید در مورد آیه «ان الله یدخل الذین آمنوا وعملوا الصالحات؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وارد بهشت می‌کند...» تا «...وهذا الی صراط الحمید؛ و به سوی راه [خداوند] ستوده، هدایت می‌گردند»^۵، نقل می‌کند که این آیه درباره علی بن ابیطالب (ع)، حمزه و عبیده بن حارث، نازل شده است.^۶

۱. وانی لغفار لمن تاب وأمن وعمل صالحاً ثم اهدی؛ من غفارم در مورد کسی که باز گشته، ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده و آن‌گاه هدایت یافته باشد.

۲. کتاب صواعق المحرقه فصل اول باب ۱۱ نوشته ابن حجر هیشمی عسقلانی شافعی، متوفی ۹۷۴ هـ ق.

۳. طه / ۱۲۴.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۹.

۵. حج / ۲۳ و ۲۴.

۶. الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۰.



۶۷. سوره حج آیه ۲۴

ابوالقاسم حاکم حسکانی در کتابش، شواهدالتنزیل به نقل از ابی جعفر علیه السلام آورده که آل محمد علیهم السلام «علی، فاطمه، حسن، حسین،...» صراط مستقیم الهی هستند که خداوند بندگان را به این صراط راهنمایی کرده است.^۱

۶۸. سوره مؤمنون آیه ۷۴

سعد اسکاف از اصبح بن نباته روایت کرده که علی علیه السلام در شرح آیه شریفه «وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مِنَ الصَّرَاطِ لَنُكَيِّبُنَهُمْ»^۲ فرمود: کسانی که به ولایت ما ایمان و اعتقاد نداشته باشند از صراط سقوط می کنند.^۳

۶۹. سوره نور آیه ۳۶

سیوطی در تفسیر خود درباره آیه «فِي بُيُوتٍ اِذْنُ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيْ اسْمِهِ» در خانه هایی، خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود...^۴ آورده که آیه مذکور نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله قرائت شد سپس مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا این خانه های مورد اشاره در آیه کدام خانه ها می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانه های انبیاء. آن گاه ابوبکر با اشاره به خانه های حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهما السلام گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله آیا این خانه ها نیز جزء بیوت حساب می شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بلی. بلکه این خانه برتر از آن هاست.^۵

۷۰. سوره فرقان آیه ۵۴

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» و اوست کسی که

۱. شواهدالتنزیل، روایت شماره ۹۴.

۲. مؤمنون / ۷۴.

۳. شواهدالتنزیل، ج ۱. ص ۲۱۵.

۴. نور / ۳۶.

۵. تفسیر درالمختور، ج ۶ ص ۲۰۳ و تفسیر روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۵۷.

از آب بشری آفرید و او را (دارای خویشاوندی) نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست.»

در شواهد التنزیل از سدی نقل شده که گوید: «نزلت هذه الآية فی النبی ﷺ وعلی زوج فاطمة علیاً وهو ابن عمه وزوج ابنته، کان نسباً وکان صهرأ؛ این آیه درباره پیامبر خدا ﷺ و علی (ع) نازل شده است. رسول خدا ﷺ فاطمه را به همسری علی (ع) در آورد و علی پسر عم او بود سپس بین رسول خدا ﷺ و علی (ع) نسبی و سببی برقرار شد.»^۱

۷۱. سوره شعرا آیه ۲۱۴

احمد حنبلی امام فرقه حنبله در کتاب خود در تفسیر آیه ۲۱۴ سوره شعرا «وانذر عشرتک الاقربین» آورده است که پیامبر خدا ﷺ پس از طعام اقوام خود علی (ع) را به عنوان خلیفه بعد از خود به جمع حاضر معرفی فرموده است. همین مطلب را ثعلبی در تفسیرش ذیل آیه فوق آورده است.^۲

از عباد بن عبدالله اسدی از علی (ع) نقل شده که فرمود: چون این آیه «وانذر عشیرتک الاقربین»^۳ نازل شد، رسول خدا ﷺ اهل بیت خود که آن روز سی نفر بودند را دعوت کرد و تا سه روز آن‌ها را اطعام نمود و سپس به آن‌ها فرمود: کدام یک از شما وعده و دیون مرا ضمانت می‌کند که خلیفه من در دنیا و همنشین من در بهشت باشد؟ پس علی (ع) گفت: من ضمانت می‌کنم.^۴

ابن هشام در کتاب خود در مورد این آیه «انذر عشیرتک الاقربین»^۵ و «لیلة المبیة» اینگونه آورده که این ماجرا از نورانی‌ترین بخش زندگی آن حضرت می‌باشد که علمای اهل سنت نیز به آن اشاره کرده‌اند.^۶

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۱ - فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۵۰ ح ۱۱۰۸ - غایب المرام، ص ۳۲۰.

۳. شعرا / ۲۱۴.

۴. ینابیع الہودۃ نوشته قندوزی، ص ۱۰۵ و تفسیر جامع البیان، ج ۱۹، ص ۶۸ - تذکره الخواص نوشته ابن جوزی حنفی، ص ۴۲ و خصائص نوشته الحافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب مشهور به نسائی متوفای ۳۰۳ قمری، ص ۱۸.

۵. شعرا / ۲۱۴.

۶. سیرة ابن هشام، ج ۱، ص ۴۸۳.



❖ ۷۲. سوره نمل آیه ۴۰ و سوره رعد آیه ۴۳ ❖

عطیه کوفی به نقل از ابوسعید خدری می گوید: از پیامبر اکرم ﷺ درباره آیه شریفه «الذی عنده علم من الكتاب»^۱؛ آن کس که به علم الهی دانا بود، سؤال کردم. پیامبر ﷺ فرمود: او وزیر برادرم سلیمان بن داود بود. آن گاه در مورد آیه شریفه «قل کفی بالله شهیدا...»^۲؛ بگو تنها کافی است گواه بین من و شما که خدا و عالمان حقیقی باشد، پرسیدم فرمود: «ذلک اخى علی بن ابی طالب»^۳؛ همانا او برادرم علی بن ابیطالبؑ است.

❖ ۷۳. سوره نمل آیه ۸۹ و ۹۰ ❖

«من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع يومئذ آمنون ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون؛ هر که در قیامت با خود عمل نیک آورده باشد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمنند و هر جمیعی عمل زشت و ناپسند با خود آورده باشند آن ها به رو در آتش سرنگون می شوند (و به آن ها گفته می شود) آیا جز آنچه که می کردید سزا داده می شوید؟»

امام علیؑ به ابوعبدالله جدلی فرمود: «یا ابا عبد الله الا انبک بالحسنة التي من جاء بها ادخله الله الجنة... آیا به تو خبر ندهم از آن حسنه ای که هر کس در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را به بهشت وارد می کند و از سیئه و گناهی که هر کس در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را با صورت به آتش می افکند و از او هیچ عملی را نمی پذیرد؟ عرض کردم: آری! فرمود: «حسنة، محبت ما خانواده و سیئه عداوت و دشمنی با ماست؛ الحسنة حبا والسيئة بغضا»^۴.

❖ ۷۴. سوره قصص آیه ۸۳ ❖

زادان گوید: حضرت علیؑ در حالی که این آیه را می خواند: «تلك الدار الاخرة

۱. نمل / ۴۰.

۲. رعد / ۴۳.

۳. ینابیع المودة، ص ۱۰۳.

۴. ینابیع المودة، ج ۱، ص ۲۹ - تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۲۳۰.

نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین، خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام خوب از آن پرهیزکاران است». ^۱ در بازارها، قدم می‌زد و بند کفش به افرادی که نیاز داشتند می‌داد و راه گم کرده را راهنمایی می‌کرد و باربر را در حمل بار، یاری می‌رساند و بعد از قرائت آیه فوق می‌فرمود: «ثم يقول: هذه الآية انزلت في الولاة و ذوى القدرة من الناس؛ این آیه درباره حاکمان و مردمان صاحب قدرت، نازل شده است». ^۲

۷۵. سوره عنكبوت آیه ۲

امام علی (ع) فرمود: بعد از نزول آیه «احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون» ^۳ از پیامبر (ص) سؤال کردم، فتنه و آزمایشی که در این آیه آمده چه می‌باشد؟ پیامبر (ص) فرمود: «يا علي! انك مبتلى ومبتلى بك» تو مورد آزمایش واقع می‌شوی و مردم هم به سبب تو آزمایش می‌شوند و در فتنه می‌افتند و مفتون می‌شوند. ^۴

۷۶. سوره سجده آیه ۱۸

«افمن كان مومناً كمن كان فاسقاً لا يستونون؛ آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ آن‌ها هرگز یکسان نیستند؟». سیوطی مفسر عالیقدر اهل سنت که اکثر تألیفات او درباره قرآن کریم است در تفسیر خود از عطاء بن یسار نقل کرده که: «نزلت الآية بالمدينة في علي (ع) والوليد بن عقبة كان بين الوليد وبين علي (ع) كلام فقال الوليد: انا بسط منك لساناً واحداً منك سناناً، وارداً منك للكتيبة؛ این آیه درباره علی (ع) و ولید بن عقبه نازل شد و قصه آن این بود که ولید به امام علی (ع) گفت: زبان من از تو گویاتر و نیزه من از تو برنده تر و نیروی من در مقابل دشمن قویتر است. علی (ع) به او فرمود: «اسكت فانك فاسق؛ ساکت باش ای فاسق!» سپس این آیه نازل شد.

۱. قصص / ۸۳.

۲. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۲۱ ح ۱۰۶۴.

۳. عنكبوت / ۲.

۴. شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۱۲.



نتیجه منطقی موضوع واضح است که مؤمن در این آیه امام علیؑ است و منظور از فاسق ولید می‌باشد ولید همان کسی است که در زمان عثمان بن عفان بعنوان استاندار کوفه منصوب شد و در حال مستی در محراب مسجد کوفه نماز صبح را ۴ رکعت خواند!!^۱

۷۷. سوره احزاب آیه ۲۳

امام علیؑ در مورد نزول آیه «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نجه و منهم من ینتظر وما بدلوا تبديلاً؛ برخی از آن مؤمنان؛ بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خداوند بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند»^۲ فرمودند: «ولقد كنت عاهدت الله ورسوله انا وعمى حمزه واخي جعفر و...» من و عمویم حمزه و برادرم جعفر و پسر عمم عبیده از قبل با خدا و رسول او عهد و پیمانی بستیم و به آن وفا نمودیم و خدا خواسته بود که آن‌ها قبل از من به لقای او برسند و به این جهت این آیه در شأن ما نازل شد.

۷۸. سوره احزاب آیه ۲۵

امام صادقؑ فرمود: وقتی در جنگ خندق شرّ عمرو بن عبدود به دست حضرت علیؑ از سر مسلمانان کوتاه شد و دشمن شکست خورد آیه «و كفى الله المؤمنين القتال وكان الله قوياً عزيزاً...» و خدا امر جنگ را از مؤمنان کفایت فرمود که خدا بسیار توانا و مقتدر است»^۳ نازل شد.^۴

۱. مناقب، نوشته ابن مغازلی، ص ۳۲۴ - تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۲۱ و تفسیر الدر المنثور، سیوطی ذیل آیه شریفه.

۲. احزاب / ۲۳.

۳. احزاب / ۲۵.

۴. تفسیر روح المعانی آلوسی، ج ۲۱، ص ۱۵۶ - تفسیر الدر المنثور سیوطی، ج ۶، ص ۵۹۰.



۸۰. سوره احزاب آیه ۵۶ ❖ ❖

«ان الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليماً؛ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و به فرمائش به خوبی گردن نهید».

در بسیاری از متن های چاپ جدید در دوره کنونی بعضی از مؤلفان و ناشران و خطباء اهل سنت از آوردن کلمه «آل وآله» متن مکتوب صلوات خودداری می‌کنند و معلوم نیست این کلمات چه سنگینی برای آن‌ها دارد و این در حالی است که در کتب قدیمی اهل سنت که به آن اشاره می‌شود از آن نهی شده ایم.

«ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: لاتصلوا علی الصلوة التبراء. فقالوا: وما الصلوة التبراء يا رسول الله؟ قال: تقولون: اللهم صل على محمد و تمسكون، بل قالوا: اللهم صل على محمد و آل محمد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات ناقص بر من نفرستید. اصحاب عرض کردند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: اینکه بگویند: اللهم صل على محمد و «آل» مرا نگوئید پس بگویند: «اللهم صل على محمد و آل محمد».^۱

پس معلوم می‌شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله محبت خاندانش یعنی ۱۲ امام را از ما خواسته و طلبیده و محبت با معصیت و نافرمانی قابل جمع نیست نمی‌شود کسی بگوید من به شخصی محبت دارم و در این حال نافرمانی او را نیز انجام دهد این که محبت نمی‌شود پس محبت یعنی اطاعت و گوش به فرمان بودن حال اینکه در طول تاریخ بنی امیه و بنی العباس با همین آل پیامبر که رسول الله محبت و احترام آن‌ها را خواسته چه کردند بماند در دوره کنونی نیز بی محبتی به این آل چقدر فراوان به چشم می‌خورد که یکی از آن‌ها خراب کردن مرقد امام یازدهم از جمله آن‌هاست (یک نکته ات بگفتم گر نکته دانی عشقی). فافهم وتأمل.

۱. تاریخ بغداد ج ۶ ص ۲۱۶ - سنن حافظ دارمی، ج ۱، ص ۳۰۹ - سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۹۰ - مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۳ - مسند، ابن ادریس شافعی ج ۲، ص ۶۷ و صحیح مسلم الصلاة علی آل. طبرانی محدث بزرگ اهل سنت در المعجم الکبیر جلد ۵، ح ۵۱۴۳ و جلد ۱۹، ص ۱۱۶ و ص ۱۲۵، ص ۱۳۲ و ص ۱۵۴ و در المعجم الاوسط جلد ۱، ح ۷۲۵ و جلد ۳ ح ۲۳۸۹ و ۲۶۰۶ و ۲۶۰۸ و ۲۹۷۹ و جلد ۵، ح ۴۴۷۸ و جلد ۷ ح ۶۷۲۴ و در المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۸۶ روایات این آیه را آورده است.

۸۱. سوره احزاب آیه ۵۷

«ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والاخرة واعذ لهم عذاباً مهيناً؛ بسى گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می‌رسانند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده ساخته است.»
در باره این آیه به روایت زیر اشاره می‌نمائیم.

«عن ام سلمة زوجة النبي (ص) قالت: قد سمعت رسول الله (ص) يقول لعلي بن ابي طالب (ع): انت اخي وحببي من اذاك فقد اذاني؛ از ام سلمه همسر رسول خدا (ص) نقل شده که گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که به علی بن ابیطالب (ع) فرمود: تو برادر و حبیب من هستی هر کس تو را اذیت کند مرا آزرده است.»^۱

... رسول خدا (ص) در حالی که محاسن مبارک خود را گرفته بود به امام علی (ع) فرمود: «من آذى شعرة منك فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله ومن آذى الله فعليه لعنة الله؛ هر کس به یک موی تو اذیت کند مرا اذیت نموده و هر که مرا اذیت نماید خدا را اذیت کرده و هر کس خدا را اذیت نماید پس لعنت خدا بر او باد.»^۲
انشاءالله در این کتاب با استفاده از منابع و مستندات قدیمی و متقن از علمای اهل سنت خواهیم آورد که چه کسانی بعد از ارتحال رسول خدا (ص) چه ظلم‌هایی را به خاندان و خانواده ایشان روا داشتند.

۸۲. سوره صافات آیه ۲۴

پیامبر اکرم (ص) در تفسیر آیه ۲۴ سوره صافات^۳ فرمود: چون روز قیامت و رستاخیز فرا رسد من و علی (ع) بر صراط می‌ایستیم و هر کس که از مقابل ما عبور کند در مورد ولایت علی بن ابیطالب (ع) از او سؤال می‌کنیم، اگر با ولایت علی (ع) زندگی کرده باشد، نجات یابد و خندان بگذرد و اگر با ولایت علی (ع) نآشنا و معاند باشد اجازه عبور نخواهد یافت و در آتش جهنم سرنگون خواهد شد.^۴

۱. انساب الاشراف نوشته بلاذری، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۹۷.

۳. «وقفوهم انهم مسؤولون»؛ و در موقف حساب نگاهشان دارید که در کارشان سخت مسئولند.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۹. (اذا كان يوم القيامة اوقف انا و علي علي الصراط...)



دیلمی از ابوسعید خدری روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: آن‌ها (مردم) در مورد ولایت علیؑ بازپرسی می‌شوند و واحدی در مورد آیه «وقفوهم انهم مسئولون» آن‌ها را متوقف سازند تا بازپرسی شوند^۱ نقل کرده: از ولایت علیؑ و اهل بیت ﷺ بازپرسی می‌شوند. هم چنین ادامه می‌دهد خداوند به پیامبر دستور فرمود تا به مردم بفهماند که در تبلیغ رسالت از آن‌ها اجری نمی‌خواهد^۲ جز دوستی اهل بیت و اضافه می‌کند معنی آیه فوق (صافات / ۲۴) این است تا بازپرسی شوند که آیا آن‌ها را چه پیامبر ﷺ توصیه و سفارش کرده است اهل بیت را دوست داشته و رفتار کرده‌اند یا آن‌ها را به دست اهل بیت سپرده‌اند و طبعاً کیفر آن را خواهید دید.

آلوسی در تفسیر خود ذیل آیه شریفه: «وقفوهم انهم مسئولون» نگاه داریدشان که مسئولند^۳. آورده:

درست‌ترین نقل قول‌ها که به درستی نزدیک‌تر است این است که در روز قیامت از آدمی سؤال می‌پرسند و رأس این سؤال‌ها کلمه (توحید) لاله الا الله می‌باشد و از مهم‌ترین آن سؤال‌ها ولایت علی - کرم الله وجهه - است.^۴

۸۳. سوره صافات آیه ۱۳۰

«سلام علی آل یاسین؛ درود بر آل یاسین. از ابن عباس روایت شده که گفت: آل یاسین هم آل محمد ﷺ و اهل بیته ﷺ یعنی؛ آل یاسین همان آل محمد و فرزندان او هستند».^۵

۸۴. سوره زمر آیه ۲۲

«أفمن شرح الله صدره، للاسلام فهو علی نور من ربه فویل للقاسية قلوبهم من ذكر الله اولئك في ضلال مبين؛ پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده و برخوردار

۱. صافات / ۲۴.

۲. شوری / ۲۳.

۳. صافات / ۲۴.

۴. تفسیر ۳۰ جلدی روح المعانی نوشته آلوسی بغدادی متوفی ۱۲۷۰ هـ. ق.، ج ۲۳، ص ۷۴.

۵. تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۱۶۳ و تفسیر روح المعانی، ج ۲۳، ص ۱۲۹ - مجمع الفوائد، ج ۶، ص ۱۷۴ و تفسیر در المنثور، ج ۵، ص ۲۸۶.



تکریم نمایید و با آزار رساندن به آنها مرا نیازارید و از من پیروی کنید و حرمت ذریه مرا حفظ نمائید.^۱

«ومن یقترب حسنة نزدله فيها حسناً انّ الله غفور شکور؛ وهرکس نیکی به جای آرد (و طاعتی اندوزد) بر ثواب او خواهیم افزود قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.»

صاحب تفسیر ثعلبی از ابن عباس نقل کرده که او گفت: «اقتراف الحسنة المودة لآل محمدؑ؛ مقصود از «اقتراف حسنة» محبت آل محمدؑ می باشد.^۲

طبرانی در المعجم الکبیر این روایت را از ابن عباس آورده:

هنگامی که آیه «قل لاسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی»^۳ نازل شد عده ایسؤال کردند: ای پیامبر خدا! طبق این آیه محبت چه کسانی بر ما واجب گشته؟

پیامبرؑ فرمود: علی و فاطمه و پسرانشان.^۴

ثعلبی در تفسیر ۱۰ جلدی الکشف والبیان خود در ذیل آیه شریفه «قل لاسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی» روایت طولانی را نقل کرده که:

«من مات علی حب آل محمد مات شهیداً الا ومن مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له الا ومن مات علی حب آل محمد مات تائباً الا ومن مات...» (در فصل احادیث این کتاب

روایت فوق طولانی و کامل آورده شده است).

یعنی: هرکس با محبت آل محمد بمیرد شهید مرده است و هرکسی با محبت آل محمد بمیرد آمرزیده مرده است و هرکس با محبت آل محمدؑ بمیرد با توبه از دنیا

رفته است...

همین مطلب را قندوزی در ینابیع الموده از حضرت رضایؑ به نحو دیگری نقل کرده که: شتریان امام رضایؑ در سفر به خراسان مردی از اهل سنت بود وقتی می خواست از خراسان باز گردد به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا! مرا به خط مبارکت مشرف گران تا به آن تبریک بجویم.

۱. تفسیر جامع البیان نوشته طبری، ج ۲۵، ص ۱۵ - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲. الفصول المهمة ابن صباغ، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. شوری / ۲۳.

۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد نوشته نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی متوفی ۸۰۷ هـ ق. الجامع لاحکام القرآن نوشته ابو عبدالله محمد بن احمد بن انصاری قرطبی متوفی ۶۷۱ هـ ق.، ج ۱۶، ص ۲۱.

امام برای او نوشت: دوستدار آل محمد علیهم السلام باش اگرچه فاسق باشی و دوستدار دوستان ایشان باش؛ اگرچه آن‌ها فاسق باشند. ^۱

در تفسیر آیه «قل لاسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربى» ^۲ امام احمد حنبل در مسند خود آورده: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردند یا رسول الله! نزدیکان شما چه کسانی هستند که مودت آن‌ها واجب است؟ حضرت فرمود: علی و فاطمه و پسرانشان. ^۳
فخررازی مفسر ۳۲ جلدی تفسیر کبیر از زمخشری مفسر بزرگ تفسیر کشف اینگونه آورده است:

وقتی آیه ۲۳ سوره شوری نازل شد، ^۴ عده‌ای عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندان تو چه کسانی هستند که دوستی آن‌ها بر ما لازم و واجب است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان.

پس ثابت می‌شود که این چهار نفر ذی القربای پیامبرند و وقتی این معنی ثابت شد واجب است ایشان از احترام فوق العاده‌ای برخوردار باشند.

فخررازی ادامه می‌دهد که دلایل گوناگونی بر این قضیه دلالت می‌کند: اول آنکه جمله «الا المودة فی القربى» را استدلال کردیم.

دوم: تردید نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه را دوست می‌داشت و درباره‌ی او فرمود: «فاطمه بضعة منی یؤذینی ما یؤذیها» فاطمه پاره‌ی تن من است، آنچه او را آزار دهد مرا آزار داده است و با احادیث متواتر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ثابت شده که ایشان، علی و حسن و حسین علیهم السلام را دوست می‌داشت و هنگامی که این معنا ثابت شود محبت آن‌ها بر تمام امت واجب است زیرا خداوند فرموده: «واتبعوه لعلکم تهتدون»؛ از او پیروی کنید تا هدایت شوید و نیز فرموده: «فلیحذر الذین یخالفون عن امره»؛ کسانی که او را مخالفت می‌کنند از عذاب الهی بترسند و نیز فرموده: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»؛ بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

۱. ینابیع المودة نوشته قندوزی، ص ۱۱۷.

۲. شوری / ۲۳.

۳. فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۶۹ ح ۱۱۴۱.

۴. قل لاسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربى. (طبرانی محدث اهل سنت حدود ۱۱ قرن پیش در کتاب‌های خود روایات این آیه را آورده است او در المعجم الاوسط ج ۳ ح ۲۱۷۶ و ج ۶ ح ۵۷۵۴ و در المعجم الکبیر ج ۳، ح ۲۶۴۱ و در ج ۱۱، ص ۴۴۴ و در المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۷۶ این احادیث را آورده است).



و نیز فرموده: برای شما در زندگی، رسول خدا الگویی نیکویی است. قندوزی در کتاب خود در خصوص آیه ۲۳ سوره شوری «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربى» روایت ذیل را از امام حسین علیه السلام آورده:

«وانّ القرابه التي امرالله بصلتها وعظم حقها وجعل الخير فيها قرابتنا اهل البيت الذين اوجب حقنا على كل مسلم».

یعنی: خویشاوندی که خداوند دستور رعایت آن را داد و حق آن را بزرگ شمرد و خیر و برکات را در آن قرار داد دوستی و خویشاوندی ما اهل بیت پیامبر است زیرا رعایت حق ما را بر هر مسلمانی واجب کرده است.^۱

اخرج المحب الطبري أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال: إنّ الله جعل اجري عليكم الموده في القربى واني سائلكم غداً عنها.

محب طبری از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کرده که فرمود: خداوند مزد رسالت مرا محبت خویشاوندانم قرار داده و من در قیامت درباره آن‌ها از شما سؤال خواهم نمود.

فخررازی در تفسیر آیه «قل لأستلکم علیه اجراً الا الموده فی القربى»؛ چنین آورده: آل پیامبر کسانی هستند که امر آنان به پیامبر صلى الله عليه وآله برگشت می‌کند و هر کس که بازگشتش به پیامبر شدیدتر و کامل‌تر باشد آل محسوب می‌شود تردیدی وجود ندارد که فاطمه و علی و حسن و حسین شدیدترین تعلق و وابستگی را نسبت به پیامبر صلى الله عليه وآله داشته‌اند پس آنان آل پیامبر صلى الله عليه وآله هستند.^۲ او مطالب خود را اینگونه ادامه می‌دهد:

وقتی این چهار نفر یعنی فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام مصداق اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله باشند پس لازم است که از عظمت ویژه‌ای برخوردار باشند و بر این جایگاه رفیع و ویژه چند مطلب دلالت دارد:

۱. همین آیه مودت... «الا الموده فی القربى».
۲. شکی نیست که رسول خدا صلى الله عليه وآله حضرت فاطمه علیها السلام را دوست می‌داشت و می‌فرمود: «فاطمه بضعه منی یوذینی ما یوذیها».

۱. ینابیع الموده نوشته سلیمان قندوزی، ص ۸۷.

۲. تفسیر کبیر، ص ۲۷، ص ۱۶۶.



به جان یکدیگر بیفتید و گردن همدیگر را بزنید. به خدا سوگند اگر چنین کنید، من نیز شما را با شمشیر می‌رانم.

بعد به پشت سرش نگاه کرد و فرمود: علی یا علی یا علی! چون سه بار نام علی را به زبان آورد، دیدیم جبرئیل بر آن حضرت فرود آمد و گفت:

«فاما نذهبن بك فانا منهم منتقمون...؛ پس اگر ما تو را [از دنیا] ببریم، قطعاً از آن‌ها انتقام می‌گیریم!».

خدای سبحان می‌فرماید: به وسیله علی بن ابیطالب از آنان انتقام می‌گیرم. ای رسول من! آنچه از امر علی بن ابیطالب بر تو وحی می‌کنم به آن تمسک بجوی، که تو بر صراط مستقیم و طریق حقیقت هستی.^۲

۸۷. سوره فتح آیه ۲

در تفسیر ۱۰ جلدی الکشف والبیان مشهور به تفسیر ثعلبی متوفی ۴۲۷ هـ ق. در ذیل تفسیر آیه ۲ سوره فتح «ویهدیک الصراط مستقیماً؛ تو را به راه راست هدایت نماید» آورده که: در جنگ خیبر پیامبر پرچم مسلمانان را ابتدا به عمر خطاب داد، عمر با یارانش به میدان رفت و بدون مقاومت از میدان جنگ فرار کرد بعد رسول خدا پرچم را به دست ابوبکر دارد «واخذ ابوبکر رایه رسول الله ثم نهض یقاتل ثم رجع فاخذها عمر فقاتل، ثم رجع فاخبر بذلك رسول الله فقال: اما والله لاعطین رایه غداً رجلاً، یحب الله ورسوله، ویحبه الله ورسوله...».^۳

ابوبکر نیز پس از آنکه فرار کرد باعث ناراحتی رسول خدا شد، آن‌گاه رسول خدا فرمود: به خدا قسم فردا پرچم را به دست مردی خواهیم داد که خدا و رسول او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست دارد. سپس ثعلبی در تفسیرش به ادامه رخدادهای جنگ خیبر و کشته شدن مرحب خیبری به دست حضرت علی و فتح

۱. زخرف / ۴۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱۶.

۳. ابن مغزلی شافعی در کتاب مناقب صفحه ۱۸۱ این روایت را از ابوهیره و همین ماجرا را به طور مفصل در صفحه ۱۸۲ از ابوسعید خدری نقل کرده است و در صفحه ۱۸۸ این روایت را از سعد ابی وقاص نقل کرده است و ترمذی در کتاب صحیح (جز سه) پس از نقل جنگ خیبر این روایت را آورده است در جلد ۵ صفحه ۶۳۸ و بخاری در صحیح خود در باب غزوه خیبر جلد ۵، ص ۱۳۴ اشاره به این موضوع دارد.



هنگام سوره نجم نازل شد: «والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم وما غوی^۱؛ قسم به ستاره چون فرود آید که صاحب شما (محمد صلی الله علیه و آله) هیچ گاه در ضلالت و گمراهی نبوده است». ^۲

❖ ۹۰. سوره الرحمن آیات ۱۹ تا ۲۲ ❖

از سلمان فارسی در تفسیر آیه شریفه «مرج البحرين يلتقيان - بينهما بزرخ لايبغيان - فباي الا ربكما تكذبان - يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» ^۳ چنین نقل شده که منظور علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است آن گاه می افزاید؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: منظور از «يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» حسن و حسین علیهما السلام می باشد. ^۴

❖ ۹۱. سوره واقعه آیه ۱۰ و ۱۱ ❖

ابن عباس درباره تفسیر آیه کریمه «والسابقون السابقون اولئك المقربون...» ^۵ گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این آیه اشاره به علی علیه السلام و شیعیان او دارد که پیشگام در رفتن به بهشت هستند. ^۶

ابن حجر در صواعق و سبطن جوزی در تذکره ذیل آیه «والسابقون السابقون اولئك المقربون...» ^۷ آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: منظور این آیه امام علی علیه السلام و شیعیان او هستند و «آن‌ها» مقربان درگاه خدایند به خاطر احترامی که خدا برای آن‌ها قائل شده است. ^۸

اِنْشِازَاتُ سَعِيدِ نُونِ

۱. نجم / آیات ۲-۱.
۲. مناقب نوشته ابن مغازلی شافعی متوفای ۴۸۳ قمری، ص ۲۶۶.
۳. الرحمن / ۱۹ تا ۲۲.
۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۹۱۹.
۵. واقعه / ۱۰.
۶. شواهد التنزیل، ص ۲۱۵، ح ۹۲۷.
۷. واقعه / ۱۰.
۸. این روایت را سیوطی در تفسیر الدر المنثور، ج ۶ ص ۱۵۴ نیز آورده است.

❖ ۹۲. سوره واقعه آیه ۱۴ ❖

از امام صادق (ع) نقل شده همچنین در تفسیر آیه شریفه «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ»^۱ آمده، امام صادق (ع) فرمود: منظور از این آیه علی بن ابیطالب (ع) می باشد.^۲

❖ ۹۳. سوره حدید آیه ۲۸ ❖

امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه «يَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ»^۳ می فرماید: «من تمسک بولایه علی فله نور» کسی که به ولایت علی (ع) تمسک جوید نور و روشنایی (دنیا و آخرت) دارد.^۴

حاکم حسکانی صاحب کتاب شریف شواهدالتنزیل در ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وآمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته ویجعل لکم نوراً تمشون به؛ ای کسانی که به حق گرویدید اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند و نوری از پرتو ایمان به قرآن شما را عطا کند که بدان نور راه ببینائید»؛ روایتی آورده است که: هر کسی به ولایت علی بن ابیطالب (ع) تمسک کند برای او نوری حاصل می شود و قلبش نورانی گردد.^۵

❖ ۹۴. سوره مجادله آیه ۱۲ ❖

امام علی (ع) درباره آیه ۱۲ سوره مجادله: «یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقه؛ ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه بخواید با رسول خدا (ص) سخن بگویید یا سؤالی کنید پیش از این کار باید صدقه دهید». فرمود:
ما عمل بهذه الایه غیری... به غیر از من احدی به این آیه عمل نکرده است.^۶

۱. واقعه / ۱۴.

۲. شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۹۳۲ تا ۹۳۵.

۳. حدید / ۲۸.

۴. شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

۵. شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۲۱۴.

۶. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۴۰۶ و تفسیر درالمثنور نوشته سیوطی، ج ۶، ص ۱۸۶.



۹۵. سوره مجادله آیه ۱۳

زمخشری در تفسیر کشاف جلد ۴ صفحه ۴۹۴ حدیث ذیل را روایت کرده که روزی پیامبر ﷺ و علی علیه السلام درباره میزان صدقه قبل از نجوا با پیامبر ﷺ صحبت می کردند. پیامبر ﷺ فرمود: میزان دنیار چگونه است؟ علی علیه السلام عرض کرد: مردم توانایی آن را ندارند. پیامبر ﷺ فرمود: نصف دینار چگونه است؟ امام علی علیه السلام عرض کرد: مردم توانایی آن را هم ندارند. پیامبر ﷺ پس چه اندازه خوب است؟ امام علی علیه السلام: شعیره (به اندازه وزن یک جو طلا). پیامبر ﷺ مقدار آن را کم گفتی. آن گاه آیه شریفه «اشفقتم...»^۱ نازل شد و حکم سابق نسخ گردید. حضرت علی علیه السلام می فرماید: به وسیله من خداوند به این امت تخفیف داد و بار آن ها سبک شد.^۲

۹۶. سوره حشر آیه ۱۰

روزی پیامبر اکرم ﷺ جایگاه جعفر بن ابیطالب را در بهشت برایش بازگو کرد. امام علی علیه السلام که آنجا حضور داشت گفت: ای رسول خدا! این کرامت برای برادرم جعفر است اما برای من چه چیزی رایان می فرمائید؟ رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! خدای عزوجل طایفه ای از امتم را خلق کرده که تا روز قیامت برایت استغفار و طلب رحمت می کنند. امام علی علیه السلام پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر ﷺ فرمود: خدای رحمان در کتاب منزل فرمود: «والذین جاؤا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم؛ و آنان که پس از مهاجرین و انصار آمدند دایم در دعا به درگاه خدا عرض می کنند پروردگارا! بر ما و برادران دینی مان که در ایمان پیش از ما شتافتند ببخش و در

۱. مجادله / ۱۳.

۲. این روایت را قرطبی در تفسیر الجامع لاحکام القرآن در ذیل آیه فوق نیز آورده است.

دل ما هیچ کینه و حسد مؤمنان را قرار مده...»^۱؛ یا علی! آیا احدی در ایمان از تو سبقت گرفته است، نه تنها تو سابق در ایمان و اسلام هستی بلکه مؤمنان تا قیامت برای تو دعا و استغفار می کنند.^۲

۹۷. سوره ممتحنه آیه ۱

رسول خدا (ص) فرمود: «ما فی القرآن فیها یا ایها الذین آمنوا الا علی رأسها وقائدها» هر آیه ای که در قرآن با جمله «یا ایها الذین»^۳؛ «ای اهل ایمان» شروع شود علی (ع) در بالاترین مرتبه و در مقام پیشوایی آنان است.^۴

۹۸. سوره صف آیه ۴

ابن عباس روایت نموده: امام علی (ع) وقتی در میدان جنگ به نبرد می پرداخت چون بنیان مرصوص و سد آهنین بود و خدای سبحان آیه «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کأنهم بنیان مرصوص»؛ همانا خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او صف در صف جهاد می کنند، چنان که گویی بنایی آهنین هستند»^۵ را در تحسین و تمجید او نازل کرد.^۶

۹۹. سوره منافقون آیه ۹

صاحب کتاب ذخائر به نقل از طبری در کتاب خود ۹ آیه از قرآن کریم را در مورد امام علی (ع) ذکر کرده است. آن گاه در کتابش اینگونه آورده که:

۱. حشر / ۱۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱۴.

۳. به عنوان نمونه می توان به آیه ۱ از سوره ممتحنه اشاره نمود.

۴. مناقب خوارزمی، ص ۱۷۹.

۵. صف / ۴.

۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۲.



در آیات قرآن کریم هر کجا کلمه «آمنوا» باشد علی علیه السلام رهبر و پرچمدار و بزرگ ترین نمونه آن است.^۱

❖ ۱۰۰. سوره تحریم آیه ۴ ❖

پیامبر اسلام ﷺ درباره آیه شریفه «فان الله هو مولاہ و جبرئیل و صالح المؤمنین»^۲؛ فرمود: صالح المؤمنین در این آیه علی علیه السلام پسر ابوطالب است.^۳

اسماء بنت عمیس روایت کرده بعد از نزول آیه «ان تتوبا الی الله فقد صغت قلوبکما وان تظاهرا علیه فان الله هو مولاہ و جبرئیل و صالح المؤمنین و الملائکه بعد ذلك ظهیر»^۴؛ پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود: «الآ ابشرک انک قرنت بجبرئیل؟! آیا تو را بشارت بدهم که نام تو با نام جبرئیل قرین شده است آن گاه آیه فوق را تلاوت نمود و فرمود: «تو و مؤمنان از اهل بیت تو صالحان و شایستگان از مؤمنان هستید».^۵

❖ ۱۰۱. سوره الحاقه آیه ۱۲ ❖

امام علی علیه السلام فرمودند: بعد از نزول آیه «وتعیها اذن واعیه؛ ولیکن گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند شنید»^۶ پیامبر ﷺ مرا به حضور طلبید و فرمود: ای علی! از خدای دانا درخواست کرده‌ام تا گوش های تو را «اذن واعیه» قرار دهد.^۷

امام علی علیه السلام علت نزول آیه شریفه «وتعیها اذن واعیه» را اینگونه بیان می کنند: روزی رسول خدا ﷺ مرا در آغوش گرفت و فرمود: «امرئی ربی ان ادنیک ولا اقصیک...» خدای بزرگ مرا فرمان داد تا تو را به خویشتن نزدیک سازم و از خود دور نسازم تو هم

۱. ذخائرالعقبی، ص ۸۹.

۲. تحریم / ۴.

۳. مجمع الزوائد، نوشته هبثمی، ج ۹، ص ۱۹۴ - عسقلانی شافعی در کتاب فتح الباری، ج ۳، ص ۲۷ و تاریخ

دمشق ج ۴۲، ص ۳۶۲.

۴. تحریم / ۴.

۵. بنایع اليهوده، ص ۹۳.

۶. الحاقه / ۱۲.

۷. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۹.



نعمان بن حارث فهری از جایش بلند شده و گفت: این سخن از خودت می‌باشد یا از پروردگار؟

رسول خدا ﷺ پاسخ فرمودند: به امر خداوند آن را گفتم. آن گاه حارث که تحمل این مطلب برایش خیلی سخت بود گفت: خدایا سنگی از آسمان و یا غذایی بر من فرو فرست تا مرا نابود کند.

حذیفه می‌گوید: هنوز حارث به محل خود نرسیده بود که سنگی بر سر او فرود آمد و هلاک شد و سپس آیه فوق نازل شد.^۱

وقتی رسول خدا ﷺ در غدیر خم کار خود را به انجام رساند و پیام خدای بزرگ را به اهل ایمان ابلاغ فرمود در این وقت شخصی به نام حارث به نعمان فهری نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای محمد! از سوی خدا به ما فرمان دادی که به یگانگی خداوند و پیامبری تو گواهی دهیم پس از تو پذیرفتیم و نیز این که پنج نماز بخوانیم از تو پذیرفتیم فرمان دادی که زکات دارایی‌هایمان را بپردازیم که از تو پذیرفتیم و اینکه در هر سال ما رمضان را روزه بگیریم از تو پذیرفتیم. و این که حج بگذاریم از تو پذیرفتیم اما به این راضی شدمی تا آن که پسر عمویت را بر ما برتری بخشیدی آیا این از سوی توست یا از سوی خدا؟

رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست آن از جانب خداست پس حارث بازگشت در حالی که گفت: خدایا اگر آنچه محمد می‌گوید حقیقت دارد بارانی از سنگ بر ما بیار یا غذایی دردناک بر ما فرود آر پس به خدا سوگند به شترش نرسیده بود که خداوند سنگی بر او انداخت که بر سرش افتاد و از زیرش خارج شد و او را کشت سپس آیه‌های «سأل سائل بعذاب واقع* للكافرين ليس له دافع؛ خواهنده ای تقاضای عذاب کرد که بر کافران فرود آید و بازدارنده ای از آن نیست» نازل شد.^۲

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن ۲۰ جلدی متوفای ۶۷۱ قمری) ج ۱۸، ص ۲۷۸ - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۱ نوشته ابوالقاسم حاکم حسکانی از علمای قرن ۵ - سیرة الحلیة (انسان العیون فی سیرة الامین المؤمن)

ج ۳، ص ۲۷۴ نوشته حلبی شافعی متوفای ۱۰۴۴ قمری - فرائد السمطین نوشته حموی جوبنی متوفای ۷۲۲ هجری قمری، ج ۱، ص ۸۲.



فضه را به طور کامل آورده است همه علمای اهل سنت شأن نزول این سوره را درباره خانواده پاکی ها آل رسول الله ﷺ می دانند.

❖ ۱۰۵. سوره نباء آیه ۳۸ ❖

امام باقرؑ در تفسیر آیه شریفه «یوم یقوم الروح والملائکه صفاً لایتکلمون الا من اذن له الرحمن وقال صواباً؛ روزی که آن فرشته بزرگ روح القدس با همه فرشتگان صف زده به نظم برخیزند و هیچ کس سخن نگوید جز آن کسی که خدای مهربان به سخن اذن دهد و او سخن به صواب گوید»^۱ فرمودند: چون روز قیامت فرا رسد شعار «لا اله الا الله و محمد رسول الله» از قلب های همه محو می گردد مگر کسانی که اقرار به ولایت علی بن ابیطالبؑ داشته باشند و این به سبب قول خدای سبحان «الا من اذن له الرحمن» است که خدای رحمان به آن کسانی که به ولایت علیؑ اقرار داشته باشند اجازه دخول به بهشت می دهد.^۲

❖ ۱۰۶. سوره اعلی آیات ۱۸ و ۱۹ ❖

اصبغ بن نباته نقل کرده:

هنگامی که علیؑ به کوفه آمد چهل روز در نماز صبح برای مردم سوره اعلی را خواند. بعضی بر وی خرده گرفتند که [در جواب] فرمودند: «من ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را می دانم. هیچ سخنی از آن نازل نشده، جز آن که می دانم درباره چه کسی، در چه روزی و در چه جایی نازل شده است. آیا نخوانده اید که : ان هذا لفی الصحف الاولى - صحف ابراهیم و موسی؟ قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنا] هست؛ صحیفه های ابراهیم و موسی؟» سوگند به خدا، آن در پیش من است، از دوستم پیامبر خدا و از ابراهیم و موسیؑ به ارث برده ام. سوگند به خدا، من کسی هستم که خداوند، درباره من این آیه را نازل کرده: «و گوشه شنوا، آن را نگه دارد». ما نزد پیامبر خدا بودیم و ما را از وحی، خبردار می ساخت. من آن را می گرفتم و دیگران

۱. نبأ / ۳۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۶.

۳. اعلی / ۱۸ و ۱۹.

فراموش می کردند و وقتی از نزد او بیرون می آمدیم، می گفتند: «ماذا قال انفا؟»^۱ هم اکنون چه گفت؟»^۲

۱۰۷. سوره بلد آیه ۱۱

ابان بن تغلب می گوید: امام باقر (ع) دست خود را به سینه مبارک زد و فرمود: «عقبه»^۳ ما هستیم (اهل بیت) و هر کس ما را بپذیرد و ولایت ما را قبول کند نجات می یابد.^۴

۱۰۸. سوره بینه آیه ۵

پیامبر خدا (ص) درباره این کلام خداوند «اولئك هم خير البریه»^۵ فرمود: ای علی! تو و پیروانت [بهترین آفریدگان] هستید.^۶

۱۰۹. سوره بینه آیه ۷

شراحیل انصاری کاتب امام علی (ع) به نقل از آن حضرت می گوید: وقتی که رسول خدا (ص) بر من تکیه نموده بود و من او را به سینه گرفته بودم به من فرمود: آیا این آیه را شنیدی؟ «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البریه؛ و آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند آن ها به حقیقت بهترین اهل عالمند»؛^۷ آن گاه فرمود: مقصود از این آیه تو و شیعیان هستند و چون در قیامت امت های دیگر برای حساب ها جمع شوند شما با صورت های نورانی در کنار حوض کوثر با من خواهید بود.^۸

جابر بن عبدالله انصاری شأن نزول آیه شریفه «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك

۱. محمد / ۱۶.

۲. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳. بلد / ۱۱ (فلا تقتم العقبه).

۴. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۳۳۲.

۵. بینه / ۵.

۶. تفسیر طبری، ذیل آیه شریفه ص ۲۶۵ - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۵.

۷. بینه / ۷.

۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۵۶.



هم خیر البریه»^۱ را اینگونه بیان می‌کند... پیامبر صلی الله علیه و آله رو به ما کرد و فرمود: ای یاران بدانید علی اولین مؤمن و پایدارترین شما در امر الله و باوفا‌ترین در عهد الله و عالم‌ترین در حکم الله و با انصاف‌ترین در تقسیم بیت‌المال و عادل‌ترین در حفظ حقوق رعیت و با مزایاترین شخص در نزد خداوند می‌باشد. آن‌گاه آیات فوق نازل شد.

آن‌گاه جابر بن عبدالله ادامه داد: هرگاه در جمعی بودیم و علی علیه السلام از راه می‌رسید اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گفتند: ای مردم! بهترین بندگان خدا بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سوی شما می‌آید.^۲

❖ ۱۱۰. سوره عصر آیه ۳ ❖

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه «... وتواصوا بالصبر»^۳ از سوره عصر فرمود: بدانید توصیه کننده به صبر علی بن ابیطالب علیه السلام است و این آیه در شأن آن بزرگوار نازل شده است.^۴

❖ ۱۱۱. سوره کوثر ❖

فخر رازی علت نزول سوره کوثر را اینگونه بیان می‌کند: ابن عباس، مقاتل، کلبی و عامه اهل تفسیر گفته‌اند که عاص بن وائل همواره می‌گفت: «انّ محمداً ابتر لابن له یقوم مقامه بعده فاذا مات انقطع ذکره واسترحم منه».

سده می‌گوید: خداوند (در این سوره) بیان کرده است که دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله ابتر هستند ما که می‌بینیم نسل کفار قطع شده است ولی نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز بیشتر می‌شود و تا روز قیامت اینگونه می‌باشد.

این مفسر قرآن آن‌گاه می‌گوید: کوثر، اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است چون این سوره به عنوان باطل کردن گفتار کسانی نازل شده که ادعا داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند ندارد... پس معنای این سوره آن است که خداوند متعال به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسلی عطا می‌کند که در طول زمان باقی خواهند بود.

۱. بینه / ۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳. عصر / ۳.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰.



انتشارات سجد نون



فصل دوم

رسول خدا ﷺ:

معاشر الناس ان علياً صديق هذه
الامة و فاروقها و محدثها... .

ای مردم! علی صدیق و فاروق و
محدث این امت است او هارون و
یوشع و آصف و شمعون این امت
است او دروازه آمرزش و کشتی
نجات امت است.

بشارة المصطفى،
صفحه ۱۵۲.

فضایل امام علی علیه السلام در کتب حدیثی اهل سنت

تعداد کل احادیث این فصل ۴۵۰ حدیثی باشد که بعضی از آن‌ها شماره گذاری نشده است.





انتشارات سجد نون

۱. ولایت محور بعثت ❖

عبدالله بن مسعود نقل می کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای عبدالله! فرشته ای پیش من آمد و گفت: یا رسول الله! از پیغمبرانی که قبل از تو فرستادیم سؤال کن به چه دلیلی مبعوث شدند؟ گفتیم: به چه علت مبعوث شدند؟

گفت: برای ولایت تو و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام.^۱

۲. ملاک درستی یک روایت چیست؟ ❖

روایتی که جعلی است از حیث محتوا و متن مغایر و ضد کلمات و آیات قرآن خواهد بود این بهترین نشانه فهمیدن روایت جعلی است. برای مثال:

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود در جلد ۱۶، ص ۲۰۸ آورده است که: «کانت فی ایدینا فذک؛ فذک در دست ما (حضرت زهراء علیها السلام) بود و دیگران آن را غصب کردند اما در سایر کتب اهل سنت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت آورده اند که ایشان فرموده: «انا معاشر الانبیاء لانورث؛ ما گروه پیامبران چیزی را به ارث نمی گذاریم؟»^۲

ولی جعلی بودن این روایت را با معیار قرآن کریم می فهمیم (جریان جعل حدیث را در صدر اسلام در بخشی مستقل در این کتاب آورده ایم). حضرت زهراء علیها السلام به ابی بکر فرمود: «اترث اباک ولارث ابی؟ این انت من قوله تعالی: (وورث سلمین داود)^۳ داود علیه السلام از سلیمان ارث برد چه می شود؟»^۴ و جالب تر اینکه علمای اهل سنتی که این روایت جعلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در کتاب خود آوردند و نوشته اند که (ما گروه پیامبران چیزی را به ارث نمی گذاریم کمی فکر می کردند می دانستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان دستور می دادند که بدهی خود به مردم را بدهند و حق الناس را رعایت کنند چطور ممکن است برای حضرت زهراء علیها السلام نگویند که فدک مال تو نیست و فدک مال بیت المال مسلمین است و تو حقی از آن نداری؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خانواده خود را راهنمایی نمی کرده اند؛ لذا برای تشخیص

۱. فوائد السمطین نوشته جوینی خراسانی متوفای ۷۳۰ قمری، ج ۱، ص ۸۱

۲. فیض القدیر، ج ۲، ص ۱۶۶ - فتح الباری، ج ۱۲، ص ۶

۳. نمل / ۱۶

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۵۱ و ۲۵۷



روایت درست از نادرست بهترین عنصر خود قرآن کریم است که می‌توان با درایت و عقل، درستی و نادرستی موضوع را فهمید.

۳. آیا ما به فکر عاقبت کار خود هستیم؟

در بسیاری از کتب اهل سنت این روایت مشهور آمده است که:
 «علیّ قسیم الجنة والنار؛ علی تقسیم کننده بهشت و جهنم است».^۱
 - به راستی سرنوشت ما بعد از مرگ چگونه خواهد بود؟
 - کسانی که پیرو دشمنان علی علیه السلام هستند علی علیه السلام در تقسیم بهشت و جهنم آیا بهشت را به آن‌ها خواهد بخشید؟
 - اگر ما چند درصد بسیار کم هم احتمال بدهیم که روایت فوق صحیح است نیابستی حساب خود را با دشمنان علی علیه السلام جدا کنیم؟
 - دشمنان علی علیه السلام آنانی هستند که فدک را از دست او گرفتند و فرزندان او را شهید کردند...

۴. ثقل اکبر

این حدیث در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت آمده است اما آنچه مهم است این است که با قدری تفکر باید وضعیت خود را در برخورد با آن دو چیزی که پیامبر اکرم علیه السلام برای ما باقی گذاشته روشن کنیم اما در صدر اسلام بعد رسول خدا علیه السلام نیز می‌توان فهمید با اصحاب کساء چه رفتاری شده است با بیان بعضی از جنبه‌هایی که در این کتاب آورده ایم. برای نمونه ولید بایستی استاندار کوفه باشد و با حال مستی نماز جماعت بخواند و معاویه که در جنگ بدر و احد با رسول خدا علیه السلام جنگید باید به مدت ۲۵ سال استاندار دمشق باشد؛ اما صحابی بزرگ رسول خدا علیه السلام مانند علی علیه السلام باید خانه نشین باشد.
 رسول خدا علیه السلام فرمود:

۱. علل الدار قطنی شافعی، ج ۶ ص ۲۷۳ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۱ - منابع الموده، ج ۱، ص ۱۷۳ و ۲۵۱ و ج ۲، ص ۷۸ و...

«انی تارک فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض؛ وعترتی اهل بیتی وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».

من دو چیز سنگین و گرانبها در میان شما (به یادگار می گذارم) که یکی از دیگری بزرگ تر است: یکی کتاب خدا، که ریسمانی است از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و دیگری؛ بستگان و خاندانم. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در (کنار) حوض (کوثر) بر من وارد شوند.^۱

نکته: اگر به این دستور پیامبر ﷺ عمل می کردیم به همه کمالات بشری می رسیدیم ولی کسانی را بعد از رسول خدا ﷺ حاکم کردیم که از قرآن و احکام طبق نقل مستند کتب برادران اهل سنت اطلاعی نداشتند اگر نماینده شهر ما در مجلس کسی باشد که به قوانین آگاه نباشد و در کارهایش کوتاهی کند و حق مردم شهر خود را ضایع کند به او اعتراض نمی کنیم؟ او را عزل نمی کنیم؟!
وای بر ما اگر روزی بیاید و معلوم شود که اهل وفاداری به فرمان پیامبر نبودیم و سبب انحراف دیگران شدیم.

۵. علی علیه السلام وارث علم نبی ﷺ

عامه از رسول خدا ﷺ نقل کرده اند:

«انا سید البشر وعلی سید العرب؛ علی کرم الله وجهه، لانه لم یعبد صنما».^۲

من سید بشر و علی سید عرب است؛ خداوند روی علی را سپید گردانده است، زیرا هرگز بتی را نپرسیده است.

به خلاف بعضی از اصحاب که هر کدام چند سال قبل از بعثت و هم چنین بعد از آن مشرک و بت پرست بودند؛ لذا درباره آن ها می نویسند: «رضی الله عنه» (خداوند از او خشنود گردد) فقط یک صحابی را می توان صد درصد معرفی نمود که از اول؛ اول و تا آخر، آخر در همه جا و هر زمان در خدمت رسول خدا ﷺ بوده و او همان علی است.

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۴ و ج ۴، ص ۲۷ و ۵۹ و در مجمع الزوائد نوشته هیشمی، ج ۹، ص ۱۶۳ و در مسند احمد بن حنبل، ج ۳۹۷ و در منتخب مسند عبد بن حمید، ص ۱۰۸ و در خصایص نوشته نسایی، ص ۹۳ و در معجم الصغیر نوشته طبرانی، ج ۱، ص ۱۳۱ و...

۲. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۸۶.





هر کدام از صحابه تعداد اندکی حدیث از حضرت رسول ﷺ نقل کرده‌اند اگر تمامی روایات صحابه که در کتاب استیعاب تعداد آن‌ها را هفتصد نفر ذکر می‌کند و ظاهراً ابن حجر در کتاب خود به ۴۰۰۰ نفر می‌رساند را روی هم بریزیم با آنچه که ائمه اطهار علیهم السلام توسط علی علیه السلام از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده‌اند اصلاً قابل مقایسه نیست. پس معلوم شد وارث علم نبی چه کسی است؟!۱

۶. علی علیه السلام حقیقت آشکار

عن ابراهیم بن حیان عن ابی جعفر قال:

«امر عمر علیاً ان یقضی بین رجلین فقضی بینهما، فقال الذی قضی علیه: هذا الذی یقضی بیننا؟! وکانه از دری علیناً فاخذ عمر تبلیبه فقال: ویلک وما تدری من هذا؟! هذا علی بن ابی طالب، هذا مولای ومولی کل مؤمن فمن لم یکن مولاه فلیس بمومن!!! ابراهیم بن حیان و او از امام باقر علیهم السلام نقل نموده که فرمود: روزی عمر به علی گفت که بین دو نفر داوری فرماید و چون داوری نمود داوری علی به زبان یکی از آن‌ها بود آن شخص از روی توهین و تحقیر نسبت به علی گفت: تو باید بین ما داوری کنی؟ پس عمر گریبان او را گرفت و با خشم به او گفت: وای بر تو! آیا نمی‌دانی این مرد کیست؟ این علی بن ابیطالب است که مولا و آقای من و آقای هر مؤمنی است و هر که او را مولای خود نداند مؤمن و مسلمان نیست!!^۲ همین روایت با اختلاف چند کلمه بسیار مختصر در کتاب مناقب نوشته خوارزمی، ص ۹۷ آمده است.

۷. انکار نبوت انبیاء گذشته

در کتاب شواهد التنزیل جلد اول آمده که:

رسول خدا ﷺ فرمود: «من ظلم علیاً مقعدی هذا بعد وفاتی فکأنما حجد نبوتی ونبوه الانبیاء قبلی».

۱. همان مدرک.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶۵ نوشته ابوالقاسم حسکانی از علمای قرن ۵ هجری قمری.

هرکس در حق علی (ع) که وصی من است بعد از وفاتم ظلم کند مثل این است که نبوت من و جمیع انبیای قبلی را منکر شده باشد.

۸. حسد عامل گمراهی

روزی امام علی (ع) به خزیمه فرمود:

ای خزیمه! می بینی که مردم نسبت به فضل خداوند بر من و موقعیت من نسبت به رسول خدا (ص) و آنچه خداوند از علم و دانش به من عطا فرموده چگونه حسد می ورزند؟ خزیمه در پاسخ ابیات ذیل را چنین سرود:

راوا نعمه الله لیست علیهم
علیک وفضلاً بارعاً لاتنازعه
من الدین والدنیا جمیعاً لک المنی
وفوق المنی اخلاقه وطبیعه

ترجمه:

- نعمت خدا را بر تو دیدند و این گونه فضل و نعمت به آن ها عطا نشده بود.
- وقتی دیدند که تو از جهت دین و دنیا در نهایت آرزوی هرکسی و بالاتر از آن قرار داری.
- از خشم و حسد انگشت به دهن جویدند و چون از تفضل خدا نسبت به تو راضی نشدند خداوند آن ها را مؤاخذه خواهد نمود.^۱

۹. عاقبت انکار

در کتاب ینابیع المودة صفحه ۱۰۲ از سلمان فارسی روایت نموده که او گفت: بیشتر از ده مرتبه از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که به امام علی (ع) فرمود:
ای علی! تو و اوصیاء از فرزندان در قیامت در اعراف بین بهشت و دوزخ قرار خواهید گرفت و کسی به بهشت نخواهد رفت مگر آنکه شما را شناخته باشد و شما هم او را پذیرفته باشید و کسی به دوزخ نخواهد رفت مگر آن که منکر شما بوده و شما او را نپذیرفته باشید.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۴.



۱۰. حق روشن

پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای علی!... حق بر زبان توست و در قلب تو و همراه تو و در پیش رویت و پیش دیده ات می باشد. ^۱

۱۱. فرشته سرزمین غدیر

حضرت علیؑ فرمود: در روز غدیر خم، پیامبر خدا ﷺ عمامه ای (دستاری) بر سرم نهاد و دنباله آن را از پشتم آویخت. سپس گفت: «خداوند در جنگ بدر و حنین، مرا با فرشتگانی، یاری داد که چنین عمامه هایی داشتند». ^۲

۱۲. دعای پیامبر هنوز جاری است

ابوظیفیل گوید: علیؑ مردم را در رُحبه گرد آورد. سپس به آنان گفت: «من، هر مرد مسلمانی را که شنیده است پیامبر خدا در روز غدیر خم چه گفته، سوگند می دهم که بر خیزد (و سخن رسول خدا ﷺ را درباره من بگوید)». سپس، سی نفر از مردم برخاستند و گواهی دادند که پیامبر خدا دست او را گرفت و به مردم گفت: «آیا می دانید که من به مؤمنان از خود آن ها سزاوارترم؟». گفتند: آری! ای پیامبر خدا. سپس گفت: «هر که من مولای اویم، این مولای اوست. خدایا! دوستدارش را دوست و دشمنش را دشمن بدار». ابوظیفیل در ادامه می گوید: بیرون آمدم و در دلم تردیدی بود. زیدین ارقم را دیدم و به او گفتم: من شنیدم علی این گونه می گوید. گفت: برای چه انکار می کنی؟ من خود شنیدم که پیامبر خدا آن را در حق او می گوید. ^۳

۱. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۳۸ - المناقب، ص ۱۵۹ و ۱۲۹.

۲. فراند السمطین، ج ۱، ص ۷۶ - السنن الکبری نوشته نسائی، متوفای ۳۰۳ هـ ق، ج ۱۰، ص ۲۴.

۳. فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۸۲ - مسند ابن جنبل، ج ۷، ص ۸۲.



در آخر زمان خروج می‌نماید و زمین را عدل و داد پر می‌کند احادیثی آورده است؛ البته در سایر کتب اهل سنت نیز روایات بسیار زیادی درباره امام مهدی علیه السلام به چشم می‌خورد ولی طبرانی در المعجم الکبیر جلد ۱۰ حدیث ۱۰۰۸۸ و ۱۰۲۰۸ و ۱۰۲۱۵ و ۱۰۲۲۵ و ۱۰۲۲۶ و ۱۰۲۲۸ و ۱۰۲۲۹ و ۱۰۲۳۰ و در جلد ۱۸، ص ۵۱ و در جلد ۱۹، ص ۳۲ و در جلد ۲۲، ص ۳۷۴ و در جلد ۲۳، ص ۲۶۷ و در المعجم الاوسط جلد ۱، حدیث ۱۵۷ و ۲۸۷ و ۱۱۷۵ و ۱۲۵۵ و در جلد ۶ حدیث ۵۴۰۲ و ۵۶۹۵ و در جلد ۷، حدیث ۶۸۲۶ و ۶۵۳۶ و ۶۵۵۵ و ۶۶۸۷ و ۶۸۲۶ و ۶۹۲۸ و ۶۹۳۲ و در جلد ۸ حدیث ۷۰۶۹ و ۷۶۷۱ و جلد ۹ حدیث ۸۳۲۱ و جلد ۱۰ حدیث ۹۱۹۹ و در المعجم الصغیر ج ۱، ص ۳۷ و در جلد ۲، ص ۱۴۸ به روایات امام مهدی علیه السلام اشاره کرده است.

۱۷. ولی هر مؤمن

عمران بن حصین گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لشکری را روانه کرد و علی بن ابیطالب علیه السلام را بر آن گمارد. او جنگ را به پایان برد و کنیزی را از میان اسیران برگرفت. پس بر او خرده گرفتند. چهار نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله با هم پیمان بستند و گفتند: هر وقت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را ببینیم، او را از این کار علی با خبر می‌کنیم. مسلمانان چون از سفر باز می‌گشتند، ابتدا نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌رفتند و بر او سلام می‌دادند و سپس به منزل های خود می‌رفتند. پس چون لشکریان آمدند، بر پیامبر خدا سلام دادند.

یکی از چهارتن برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا ندیدی که علی بن ابیطالب چه کرد؟ پس پیامبر صلی الله علیه و آله از او روی گرداند. دومی برخاست و مانند گفته پیشین را گفت. پس پیامبر صلی الله علیه و آله از او نیز روی گرداند. سومی برخاست و همان را گفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم روی گرداند. آن گاه چهارمی برخاست و مانند آن‌ها را گفت. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که خشم در چهره‌اش هویدا بود گفت: «از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ همانا علی از من است و من از علی ام و پس از من، او ولی هر مؤمن است. پس در حکمش با او مخالفت نکنید.»^۱

۱. المستدرک علی الصحیحین نوشته حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۱۹ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۲



دیگری فرا خوانده خواهند شد... آن گاه، فریادگری از زیر عرش، بانگ خواهد زد: بهترین پدر، پدر تو ابراهیم است و بهترین برادر، برادر تو علی است؟ ای علی! به تو بشارت می‌دهم که هرگاه با لباس پوشانده شوم، تو هم پوشانده خواهی شد، و هرگاه فرا خوانده شوم، فرا خوانده خواهی شد و هرگاه سلام داده شوم، سلام داده خواهی شد».^۱

۲۲. وصی مظلوم

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! تو وصی من پس از منی و تو مظلوم پس از منی.^۲

۲۳. حکمیت در جنگ صفین

محمد بن کعب گوید: نویسنده صلح نامه در ماجرای صلح حدیبیه حضرت علی رضی الله عنه بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی رضی الله عنه فرمود: «بنویس! این، چیزی است که محمد بن عبدالله، بر اساس آن با سهیل بن عمرو، صلح می‌کند»... حضرت علی رضی الله عنه اکراه داشت از اینکه در متن صلح نامه جز «محمد، پیامبر خدا» بنویسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بنویس! برای تو هم چنین چیزی پیش خواهد آمد و تو آن را در حالی که مظلوم هستی می‌پذیری».^۳

۲۴. نهایت مظلومیت

امام علی رضی الله عنه فرمود: به اندازه سنگ‌ها و کلوخ‌ها، ستم دیده‌ام.^۴

۱. فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۶۳، نوشته امام احمد بن حنبل.

۲. مائة منقبة، ص ۸۴.

۳. دلائل النبوة، ج ۴، ص ۱۴۷.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۲۸۶.



۲۷. زاهد امت محمد ﷺ

حسین بن علی علیه السلام فرمود: «پدرم بیش از هشتصد و یا هفتصد درهم به جا نگذاشت که از سهمش از بیت‌المال فزون آمده بود و آن را آماده کرده بود تا خدمتکاری برای خانواده‌اش بخرد» و سخت‌گیری او در لباس و خوراکش مشهور است.^۱

۲۸. حدیث برادری و برابری (آدرس ۶ حدیث)

از برخورد رسول خدا ﷺ با امام علی علیه السلام در حدیث مشهور برادری چه معنا و مفهومی به دست می‌آید چرا رسول خدا ﷺ با کس دیگری عقد اخوت نبست؟ چرا رسول خدا ﷺ در ماجرای جنگ تبوک حتی برای چند روز کوتاه که به سفر رفتند کس دیگری را به جای امام علی علیه السلام در مدینه جانشین خود نفرمود.

چرا نمی‌خواهند این حقیقت را بفهمند که رسول خدا ﷺ در هیچ مرحله‌ای کسی را بر علی علیه السلام امیر و سرپرست نکرده است.

آیا این معانی فقط در کتب تاریخی و حدیثی شیعه آمده چرا رسول خدا ﷺ با هیچ یک از یاران خود پیمان و عقد اخوت نبست؟

طبرانی محدث بزرگ اهل سنت آورده است که: در همین ماجرای عقد اخوت رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «اما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسى الا انه ليس بعدي نبی؟ الا من احبک حفّا بالامن والايمان ومن ابغضک اماته الله ميتة جاهلیة، وحو سب بعمله فی الاسلام».^۲

۲۹. اولین قهرمان ایمان

پیامبر خدا ﷺ فرمود: علی در اسلام آوردن، پیشتازترین مردم و در بخشش، دست و دلبازترین آنان است.^۳

۱. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲. المعجم الكبير، ج ۵، ح ۵۱۴۶ و ج ۸، ح ۱۵۷۷ و ج ۱۱، ح ۱۱۰۹۲ و ج ۲۴، ص ۱۳۶ و ص ۱۳۷ و در المعجم الاوسط، ج ۸، ح ۷۸۹۰.

۳. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۵۱ نوشته علی بن محمد بن محمد، مشهور به ابن مغازلی متوفی ۴۸۳ هـ ق.

و در روایتی پیامبر خدا ﷺ فرمود: فرشتگان بر من و علی، هفت سال درود فرستاده‌اند چون ما نماز می‌خواندیم و کسی همراهمان نماز نمی‌گزارد.^۱ در طبقات الکبری از مجاهد نقل کرده: اولین کسی که نماز گزارد، علی ﷺ بود در حالی که ده سال داشت.^۲

❖ ۳۰. زاهد بزرگ ❖

عمر بن قیس گوید: از حضرت علی ﷺ سؤال شد: چرا شما پیراهنت را وصله می‌زنی؟ حضرت فرمود: «چون دل را خاضع و فروتن می‌کند و مؤمن، به آن اقتداء می‌کند».^۳

❖ ۳۱. حدیثی که چراغ راه ماست ❖

پیامبر ﷺ به ام‌سلمه فرمود:... پوست او (علی ﷺ) از پوست من، گوشت او از گوشت من و خون او از خون من است و او ظرف دانش من است. بشنو و گواه باش! او پس از من جنگ کننده با ناکثین، قاسطین و مارقین است. بشنو گواه باش! به خدا سوگند، او زنده کننده روش من است. بشنو و گواه باش! اگر بنده ای هزار سال از پس هزار سال میان رکن و مقام (ابراهیم) خدا را بپرستد، سپس خداوند را ملاقات کند، در حالی که دشمن علی باشد، خداوند او را با بینی در آتش می‌افکند.^۴ در روایتی دیگر پیامبر خدا ﷺ فرمود: چون روز قیامت رسد و پل صراط بر روی جهنم نصب شود، کسی از آن نمی‌گذرد و آن را پشت سر نمی‌نهد، مگر آن که جواز ولایت علی بن ابیطالب را با خود داشته باشد.^۵

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹.

۲. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱.

۳. فضائل الصحابه امام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۵۳۶.

۴. تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۴۷۰.

۵. تاریخ اصبهان، ج ۱، ص ۴۰۰.



۳۲. مؤمن ممتاز

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه نفر به اندازه یک چشم بر هم زدن کفر نورزیدند: مؤمن آل یاسین، علی بن ابیطالب و آسیه، زن فرعون.^۱
 محمد بن کعب نقل کرده، اولین شخصی که مسلمان شد، خدیجه رضی الله عنها بود و دو مردی که اول مسلمان شدند، ابوبکر و علی رضی الله عنهما بودند ولی علی رضی الله عنه قبل از ابوبکر اسلام آورد.^۲ و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! ایمان با گوشت و خون تو آمیخته شده است چنان که با گوشت و خون من عجین شده است.^۳

۳۳. خلق عظیم

حضرت علی رضی الله عنه بی نهایت خوش اخلاق بود، به گونه ای که از خوش خلقی زیاد، به او نسبت شوخ طبع می دادند.
 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی خوش خلق ترین مردم است.^۴

۳۴. مصداق قلب سلیم

در جنگ جمل در حالی که حضرت علی رضی الله عنه به شدت مشغول نبرد بود می گفت: «آب، آب!» و در لحظه ای خود را از میدان جنگ بیرون کشید. مردی ظرفی عسل آورد و گفت: ای امیر مؤمنان! در حال حاضر آب برایتان خوب نیست از این شربت عسل میل فرمائید.
 حضرت جرعه ای نوشید و فرمود: عسل تو عسل طائف است.
 مرد گفت: به خدا در تعجبم که شما در این شرایط جنگی عسل طائفی را از غیر آن تشخیص می دهی!

۱. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

۲. دلائل النبوة، نوشته بیهقی، ج ۲، ص ۱۶۳ - تاریخ ذهبی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳. کفایة الطالب، نوشته علامه گنجی شافعی، ص ۲۶۵.

۴. الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۴۴.



❖ ۳۶. پاک طینت پاک خوی ❖

امام علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! هیچ گاه دروغ نگفته‌ام و به من دروغ گفته نشده است.^۱

❖ ۳۷. از جایگاه خود بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر می دهد ❖

امام علی علیه السلام فرمود:

«... وصرنا سوقه بطمع فینا الضعیف وتیعزّر علینا الذلیل».

موقعیت ما در اجتماع آن گونه گردید که فرودستی برای گرفتن حق ما بر ما طمع می کرد و هر ذلیلی بر ما عزّت می فروخت.^۲

❖ ۳۸. دانای امت محمد صلی الله علیه و آله ❖

سیوطی در تاریخ خلفا آورده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اعلم امتی من بعدی علی بن ابی طالب؛ پس از من داناترین فرد امتم علی بن ابیطالب است».

❖ ۳۹. حدیث منزلت ❖

حدیث مشهور منزلت در منابع متعدد اهل سنت به چشم می خورد، متقی هندی در کنز العمال خود آورده است:

«انت منی بمنزله هارون من موسی علیه السلام».

تو (علی علیه السلام) نسبت به من منزله هارون نسبت به حضرت موسی علیه السلام هستی.^۳

❖ ۴۰. فضیلتی ویژه ❖

انس بن مالک از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما فرزندان

۱. السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۹۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۰۲ - تاریخ احمدی، ص ۱۳۴.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۰۳ - صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۲.

عبدالمطلب سادات اهل بهشت هستیم سپس فرموده من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی سادات اهل بهشت هستیم.^۱

۴۱. حسنه پایدار و سودمند در قیامت

ابوعبدالله جدلی نقل کرده:

علی علیه السلام به من فرمود: آیا به تو خبر ندهم از آن حسنه ای که هر که در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را به بهشت وارد می کند و از سیئه و گناهی که هر کس در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را با صورت به آتش می افکند و از او هیچ عملی را نمی پذیرد؟
گفتم: آری!

فرمود: حسنه محبت ما خانواده و سیئه عداوت و دشمنی با ما می باشد.^۲
انس بن مالک نقل می کند که دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله عرق پیشانی امام علی علیه السلام را به عنوان تبرک به بدن شریف خود می کشید.^۳

۴۲. حافظ دین خدا

جلال الدین سیوطی در الاتقان روایتی را از ابوداود از ابن سیرین به شرح ذیل آورده:
علی علیه السلام فرمود: چون پیامبر صلی الله علیه و آله وفات کرد من سوگند یاد کردم که تا قرآن را جمع نکنم جز برای نماز ردایم را بر دوش نیندازم و این گونه بود که قرآن را جمع کرد.^۴

۴۳. همراهی و حمایت از حق

طبری صاحب کتاب اوسط از ابی لیلی و او نیز از امام حسین علیه السلام و او هم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند:

۱. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۳۴ - مناقب نوشته ابن مغازلی شافعی، ص ۴۸.

۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۴۲۸ و ۴۲۵.

۳. تاریخ مدینه دمشق نوشته ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۸۶.

۴. الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.



«الزموا مودتنا اهل البيت فانه من لقي الله عزوجل وهو يودنا دخل الجنة بشفاعتنا والذي نفسى بيده لاينفع عبداً عمله الا بمعرفته حقنا».

ملازم مودت ما خاندان باشید. هرکس با دوستی ما خدا را ملاقات کند به شفاعت ما وارد بهشت می شود قسم به آن کسی که جانم در دست اوست عمل کسی برایش سودمند نیست مگر با شناخت حق ما.^۱

۴۴. دلیل محکم

عباد بن عبدالله می گوید: از علی بن ابیطالب علیه السلام شنیدم که گفت: من بنده خدا و برادر رسول الله صلی الله علیه و آله صدیق اکبرم که هرکس بعد از من این سخن را بگوید دروغگو باشد زیرا که من هفت سال بیشتر از دیگران با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواندم.^۲

۴۵. ماجرای بستن درب ها

باید به یک نکته اساسی توجه داشت و آن اینکه تقریباً در همه فضایل و ممتازی های امام علی علیه السلام احدی با ایشان شریک نیست مگر در ۲ یا ۳ مورد که بعضی ها همانند حمزه عموی پیامبر و جعفر ابن ابیطالب با ایشان در آن ها شریک هستند اما در بیشتر این ویژگی ها و فضایل اختصاصاً این برتری ها مخصوص وجود مقدس امام علی علیه السلام می باشد از جمله ماجرای بستن در خانه ها به مسجد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جزء خانه علی علیه السلام است که از مسلمات تاریخ شیعه و سنی است و به امر خدای بزرگ این اتفاق افتاد. روایات این فضایل در کتب قدیمی و از علمای ممتاز اهل سنت به چشم می خورد از جمله طبرانی در ۱۱ قرن پیش به این مطلب اشاره کرده است:

عن مصعب عن ابيه قال: أمر رسول الله صلی الله علیه و آله بسدّ الابواب الا باب علی علیه السلام قالوا: يا رسول الله! سددت الابواب كلها الا باب علی؟ ما انا سددت ابوابکم ولكن الله سدها.^۳

یقیناً بستن درها به فرمان الهی بود تا مردم چه چیزی را بفهمند خداوند دستور بستن راه ورود چه کسانی را به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله داد؟

۱. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲ - رشفة الصادي، ص ۴۳.

۲. تاريخ طبري، ج ۱، ص ۵۳۷.

۳. المعجم الكبير، ج ۲، ص ۲۷۴ ح ۲۰۳۱ و المعجم الاوسط ج ۲، ص ۹۷، ح ۱۱۸۸ و ج ۴، ص ۵۵۳، ح ۳۹۴۲.

چرا بایستی فقط در خانه علی (ع) به مسجد رسول خدا (ص) باز باشد؟

۴۶. همراز و همراه رسول خدا (ص)

سیوطی در تفسیر الدر المنثور آورده که پیغمبر (ص) فرمود: «لعلی! ان الله امون ان ادنیک ولا افسیک وان اعلمک ونعی وحق علی الله ان نعی فنزلت وتعبها اذن له واعیه». ای علی! خدا به من فرمان داده که به تو نزدیک گردم و از تو دور نباشم چیزهایی را یادت بدهم تا هشیار گردی خدا هم هشیاری تو را می‌خواهد...^۱

* در صحیح مسلم و صحیح بخاری آمده است که پیامبر (ص) فرمود: «لاینبغی لاحد ان یجنب فی المسجد الا انا وعلی». شایسته نیست برای شخصی که جنب شود در مسجد مگر من و علی.

۴۷. نوشته ای از نور

انس بن مالک به نقل از رسول خدا (ص) می‌گوید: در شب معراج بر ساق عرش مکتوبی دیدم که روی آن نوشته شده است «لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) ایدته بعلی نصرته بعلی»؛ خدایی جز الله نیست محمد (ص) رسول من است او را به علی (ع) تأیید کردم و یاری دادم.^۲

* در کنز العمال حدیث ذیل آورده شده که:

پیامبر خدا (ص) فرمود: خداوند درباره علی بن ابیطالب با سه عنوان به من وحی فرستاد: «سیدالمسلمین، ولی المتقین و قائد الغر المحجلین» و این زمانی بود که خدای متعال شبی مرا به اوج آسمان‌ها بالا برد در مقام معراج، به لقای پروردگارم نائل شدم و این سه عنوان به من وحی شد.

۱. روایت فوق در الصواعق المحرقة، ص ۹۶ و نورالابصار نوشته شبلینجی، ص ۷۰ آمده است.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۱۹.



۴۸. حدیث منزلت در سایر کتب

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که می‌خواستند به سمت تبوک بروند امام علی علیه السلام را جهت سرپرستی خانواده در مدینه گذاردند.

منافقین گفتند: همراهی حضرت علی علیه السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله سنگین بوده علی علیه السلام که این سخنان را شنید سلاح را برداشته به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد تا به ایشان رسید و گفت: ای پیامبر خدا! منافقین می‌گویند همراهی من در این سفر برای شما گران بود و... رسول خدا صلی الله علیه و آله این موضوع را تکذیب کرده و فرمود: من تو را برای رسیدگی به کارهای خود و آنچه به جای نهادم در مدینه گزاردم پس به سوی شهر برگرد و در خانواده خود جانشین من باش.

آیا خشنود نیستی ای علی! که مقام تو نسبت به من مانند مقام هارون نسبت به موسی باشد جز این که پس از من پیامبری نیست.

علی علیه السلام که این سخنان را شنید به مدینه بازگشت و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سفر خود را ادامه داد.^۱

۴۹. شجره ای واحد

در کتاب تاریخ دمشق جابر به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که: به علی علیه السلام فرمود: ای علی! نزدیک من بیا و پنجه ات را در پنجه من قرار ده. ای علی! من و تو از یک درخت آفریده شده ایم.^۲

۵۰. نشانه منافقین

ابوذر غفاری می‌گوید: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ما منافقان را به سه علامت می‌شناختیم.
- تکذیب کردن خدا و رسول او صلی الله علیه و آله
- تخلف از نماز جماعت.

۱. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۵۱۹.

۲. تاریخ دمشق «ترجمه الامام علی علیه السلام»، ج ۱، ص ۱۲۹.



۵۲. مؤمنین هر عصر و زمان

علامه گنجی شافعی صاحب کتاب کفایه الطالب در باب ۲۴ این اثر خود حدیث ذیل را نقل کرده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سباق لامم ثلاثه لم یشرکوا بالله طرفه عین علی بن ابی طالب و صاحب یاسین و مؤمن آل فرعون فهم الصدیقون - حبیب النجار مؤمن آل یاسین و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب و هو افضلهم».

سبقت گیرندگان از جمیع مردم سه نفر بودند که شرک به خداوند نیاوردند. علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن آل فرعون که این ها راست گویان هستند - حبیب نجار مؤمن آل یاسین و حزقیل مؤمن آل فرعون و افضل آن ها علی بن ابیطالب علیه السلام بود.

۵۴. عشق برتر

میرسید علی بن شهاب الهمدانی متوفی ۷۸۲ هـ ق. در کتاب مودة القربی، فصل هفتم این روایت را از ثعلبی به نقل از عمر بن خطاب آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لو ان السموات السبع والارضین السبع وضعن فی کفه میزان و وضع ایمان علی فی کفه میزان لرجح ایمان علی»؛ اگر هفت آسمان و زمین را در یک کفه ترازو قرار دهند و ایمان علی را در کفه دیگر هر آینه ایمان علی برتر و سنگین تر است بر آن ها.^۱

۵۵. دشمن رسول خدا صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الا ان شفاعتی لاهل الكبائر من امتی الا من قتل علی بن ابی طالب علیه السلام». شفاعت من شامل گناهکاران و اهل کبائر از امت من می شود مگر قاتل علی بن ابیطالب علیه السلام که هرگز مورد عفو و شفاعت قرار نمی گیرد.^۲

۱. ذخائر العقبی، ص ۱۷۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۲۲.



۵۸. دوست و عزیز رسول خدا صلی الله علیه و آله

انس بن مالک می گوید: در جنگی پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را برای سرکوبی متجاوزان فرستاد بعد از شکست فرستاده پیامبر صلی الله علیه و آله رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را به جنگ فرستاد امام علی علیه السلام شورشیان را کشت و فرزندانشان را به عنوان اسیر به مدینه آورد پیامبر صلی الله علیه و آله از این خبر خوشحال شد. وقتی امام علی علیه السلام به نزدیکی های مدینه رسید پیامبر صلی الله علیه و آله به استقبال حضرت رفت و او را در آغوش گرفت و پیشانی او را بوسید و فرمود: «یا علی! بابی انت و امی من شد عضدی به کما شد عضد موسی به هارون».

پدر و مادرم فدای آن یار و یآوری که خدای تعالی بازوان مرا به وسیله او تقویت کرد همان طور که بازوی موسی را به وسیله هارون محکم کرد.^۱

۵۹. صاحب صفات انبیاء

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می خواهد به زهد یحیی و هیبت و قدرت موسی نگاه کند به علی بن ابیطالب علیه السلام نگاه کند.^۲

۶۰. زاهد بی بدیل

امام علی علیه السلام فرمود: منم که دنیا را خوار و بی مقدار شمردم.^۳

۶۱. نور نجات بخش

ابوسعید خدری که از روایان مورد وثوق اهل سنت است و علمای اهل سنت به او اعتنا و آفری دارند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که ایشان فرمودند: به خدا سوگند هیچ بنده ای اهل بیت مرا دوست نمی دارد مگر این که خداوند عزوجل در قیامت نوری به او می دهد تا در کنار حوض کوثر نزد من آید.^۴

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۰.

۳. تاریخ دمشق «ترجمه الامام علی علیه السلام»، ج ۳، ص ۲۰۲.

۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

و همه می‌دانند که بعد از ارتحال رسول خدا ﷺ با خانواده و اولاد او چه رفتاری به عمل آمد).

❖ ۶۲. اثر قیامتی پیروی از علی (ع) ❖

امام احمد حنبل در مسند خود جلد ۴ این حدیث را به نقل از امّ سلمه آورده که پیامبر ﷺ فرمود: علی و پیروانش در روز قیامت پیروزند.^۱

❖ ۶۳. بهترین ها علیست ❖

روزی رسول خدا ﷺ درباره علی (ع) از حضرت فاطمه (ع) سؤال کرد آن حضرت فرمود: پدرجان! علی بهترین همسر است.^۲

❖ ۶۴. یاور رسول خدا ﷺ ❖

متقی هندی در کتاب کنز العمال این حدیث را از پیامبر ﷺ نقل کرده که در شب معراج دیدم بر ساق عرش نوشته شده است: «انی انا الله لاله غیری، خلقت جنه عدن...». منم خدای بی همتا، بهشت جاویدان را به دستم آفریدم و محمد ﷺ را از میان مردم برگزیدم و او را به واسطه علی (ع) مدد کردم و به وسیله او یاریش نمودم.

❖ ۶۵. نشانه انکار نبوت انبیاء ❖

ابن عباس روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: هرکس در حق علی و خلافت او بعد از من ظلم کند و جای او را غضب نماید همانند این است که پیامبری من و پیامبران قبل از من را انکار کرده است.^۳

۱. این روایت را قندوزی حنفی مذهب در کتاب *تنبیخ الموده*، ص ۲۸۱ نیز نقل کرده است.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۳، ص ۲۵۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۶.

۶۶. برترین ها در نزد رسول خدا ﷺ

در شواهد التنزیل از عبدالله بن مسعود روایت کرده که روزی پیامبر خدا ﷺ حسن و حسین را بر پشت مبارکش سوار کرده و به طور نشسته به راه افتاد و می گفت: «نعم المطی مطیکما ونعم الراكبان انتما وابوکما خیر منکما»؛ بهترین مرکب برای شما این مرکب است و بهترین سواره، شما دو نفر هستید اما پدرتان از شما دو نفر بهتر است.

۶۷. عظمت عظیم علی

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که در معراج به آسمان هفتم می رفتم جبرئیل به من گفت: ای محمد! پیش از من به حرکت خود ادامه بده به خدا قسم هیچ پیامبر فرستاده شده ای به این جایگاه تو نرسیده اند... هنگام برگشت ندائی به گوشم رسید که ابراهیم برای تو خوب پدری و علی هم برای تو نیکو برادری می باشد. ای محمد! بعد از بازگشت از معراج، عظمت علی را برای مردم یادآوری کن.^۱

* محمد خوارزمی که از علمای اهل تحقیق و صاحب تألیفات متعدد، متوفی ۵۶۸ هـ ق. در کتاب المناقب خود از عبدالله بن عمر این روایت را از رسول خدا ﷺ آورده است که او پرسید: خداوند در شب معراج با چه لحن و صدایی با شما سخن فرمود؟ حضرت فرمود: «خاطبني بلغه علی بن ابی طالب والهمنی ان قلت: یارب اخاطبتنی انت ام علی...». خداوند خطاب کرد با من با صدای علی ﷺ...

۶۸. وصی بعد رسول خدا ﷺ

روزی انس بن مالک به سلمان فارسی می گوید که از رسول خدا ﷺ در مورد وصی خود سؤال کند.

سلمان هم عرض می کند: یا رسول الله وصی شما کیست؟ پیامبر ﷺ می فرماید: ای سلمان! وصی مؤمن (موسی) که بود؟

۱. کنز العمال، ج ۶ ص ۱۶۱.



۷۱. نشانه راه درست

خوارزمی در مناقب خود حدیث ذیل را از پیامبر اکرم ﷺ خطاب به حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که: «انت العروة الوثقی التي لا انضمام لها» تویی عروۃ الوثقی و دستگیره محکم رسیدن به خدا که هرگز گسسته نمی‌شود.^۱

۷۲. پدریانی امت

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «حق علی بن ابی طالب علی هذه الامة كحق الوالد علی ولده».
یعنی: حق علی بن ابیطالب بر این امت مثل حق پدر بر فرزند است.^۲

۷۳. داماد پاک رسول الله

صحابی بزرگ عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که روزی رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: یا علی! ان الله زوجک وجعل صداقها الارض فمن مشی علیها مبغضاً لک مشی حراماً.
یعنی: ای علی! خداوند متعال فاطمه را به تو تزویج کرد و زمین را مهریه او قرار داد و هر کس با دشمنی تو بر روی آن (زمین) راه رود حرام است.^۳

۷۴. ستاره هدایت اهل ایمان

عن انس بن مالک - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله ﷺ: «علی بن ابی طالب یزهر فی الجنة لکوکب الصبح لاهل الدنيا».
انس بن مالک گوید که رسول خدا ﷺ فرمود: علی بن ابیطالب در بهشت مانند ستاره صبحی است که برای مردم دنیا می‌درخشد و روشنی می‌دهد.^۴

۱. مناقب خوارزمی، ص ۳۵.

۲. میزان الاعتدال ۴ جلدی نوشته عالم بزرگ اهل سنت، ذهبی شافعی مذهب متوفای ۷۴۸ هجری قمری، ج ۲، ص ۳۱۳ و لسان المیزان ۷ جلدی نوشته ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری قمری، ج ۴، ص ۳۹۹ و کفایت الطالب، ص ۱۳۴.

۳. ینابیع الموده نوشته قندوزی از علمای بزرگ اهل سنت در قرن ۱۳، ج ۲، ص ۲۴۱.

۴. کنز العمال، ج ۶ ص ۱۵۳ - فیض القدیر شرح الجامع الصغیر نوشته المناوری متوفی ۱۰۳۱، ج ۴، ص ۳۵۸.

۷۵. معاویه نشانه باطل

رسول خدا ﷺ فرمود: «اول من یختصم من هذه الامة بین یدی الرب تعالی علی ومعاویه». اول مخاصمه ای که از این امت در پیشگاه پروردگار متعال مطرح می شود مخاصمه علی علیه السلام با معاویه است.^۱

۷۶. علامت ایمان

شبلنجی مؤمن بن حسن مؤمن متوفی ۱۳۰۸ هـ ق. در صفحه ۷۴ کتاب نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار روایتی از رسول خدا ﷺ نقل کرده که حضرت خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«حبک ایمان و بغضک نفاق و اول من یدخل الجنة محبک و اول من یدخل النار مبغضک». یا علی! دوستی تو ایمان و دشمنی تو نفاق است دوستداران اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و دشمنان نخستین افرادی هستند که به دوزخ وارد می شوند.^۲

۷۷. باب علم نبی الله ﷺ

صحابی بزرگ جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است که روزی رسول الله ﷺ بازوی امام علی علیه السلام را گرفت و فرمود: این امام و پیشوای نیکوکاران و ابرار و قاتل کفار و فجار است خوار و ذلیل است کسی که علی را خوار نماید و پیروز و سر بلند است هر کس که او را یاری کند آن گاه با صدای بلند فرمود:

من شهر علمم و علی دروازه آن است هر کس اراده علم دارد باید از آن درآید.^۳

۱. الفردوس مجثور الخطاب، ج ۱، ص ۵۶ نوشته شیرویه بن شهر دار بن شیرویه همدانی ملقب به «الکلبا» متوفی ۵۰۹ هـ ق.
 ۲. این حدیث را ابن صباغ المالکی علی بن محمد بن احمد متوفی ۸۵۵ هـ ق. در کتاب الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة ﷺ ص ۱۲۷ نیز آورده است.
 ۳. جامع الصغیری احادیث البشیر النذیر نوشته سیوطی متوفی ۹۱۱ هجری قمری، ص ۶۶ و تاریخ بغداد ۱۴ جلدی نوشته خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ هجری قمری، ج ۴، ص ۲۱۹.



۷۸. همه کاره صحرای محشر

ابن حجر عسقلانی در کتاب خویش آورده که علی علیه السلام به شش نفری که عمر امر خلافت را در شورا به آن‌ها واگذارده بود سخنان طولانی فرمود از جمله اینکه شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در میان شما غیر از من کسی هست که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: تو در قیامت تقسیم کننده بهشت و آتشی؟ گفتند: خدا می‌داند که نه!^۱

۷۹. روحی واحد و متحد

در صحیح بخاری که از کتب معتبر اهل سنت می‌باشد و حدود ۱۲۰۰ سال پیش نوشته شده در باب مناقب امیرالمؤمنین این کتاب روایتی از عمر نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «انت متی وانا منک»؛ ای علی! تو از من هستی و من از تو.^۲

۸۰. دوستدار خدا و رسول

بخاری در کتاب صحیح آورده است که در جنگ خیبر بعد از شکست هایی که برای مسلمانان به واسطه عقب نشینی های متعدد، توسط ابوبکر و عمر رخ داد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فردا پرچم جنگ را به مردی خواهیم داد «یحبه الله ورسوله» که خدا و رسولش را دوست دارد و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد و به دست او پیروزی به دست خواهد آمد.^۳ و مسلم در کتاب صحیح آورده است که: عمر بن خطاب نقل می‌نماید در جنگ خیبر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لاعطین الراية رجلاً یحبه الله ورسوله ویحبه الله ورسوله»؛ پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. سپس عمر می‌گوید: علی علیه السلام به میدان جنگ رفت و این رجز را خواند:

انا الذی سَمَتنی امی حیدره

کلیث غابات کریه المنظره

من کسی هستم که مادرم مرا حیدر نامیده است... ..

۱. صواعق محرقة، فصل ۲، باب ۹.

۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۸ (جزء چهارم، باب مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب).

۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۵۳ و ص ۶۰، ج ۵، ص ۱۳۴.

- آن گاه حضرت ضربه ای بر سر بزرگ ترین جنگجوی یهودیان به نام مرحب خیری زد و او را کشت سپس قلعه یهود را فتح نمود.^۱

۸۱. وارث و وصی علیست

نسائی در خصائص خود حدیثی را از ربیع بن ناجذ نقل می کند که: شخصی به حضرت علی (ع) عرض کرد: تو به چه علتی وارث پیغمبر (ص) شدی؟ چرا عمویت که مقدم تر (از نظر سن و سال) از تو بود وارث پیامبر نشد؟ حضرت علی (ع) پاسخ ذیل را ارائه فرمود که اشاره به ماجرای یوم الانذار می باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فایکم بیایعنی علی ان یکون اخی وصاحبی و وارثی». کدامیک از شما با من بیعت می کنید که برادر و دوست و وارث من باشید. هیچ کس برنخواست آن گاه من برخاستم و این در حالی بود که سنم از همه کمتر بود. رسول خدا (ص) فرمود: بنشین تا مرتبه سوم شد و کسی جز من هر بار جواب رسول خدا (ص) را نداد. پیامبر (ص) دست مرا گرفته آن گاه فرمود: به این علت پسرعمویم را وارث خود قرار دادم نه عمویم را.^۲

۸۲. امام امت رسول الله (ص)

«قال رسول الله (ص) لعلی: انت ولی کل مؤمن بعدی».^۳

یعنی: یا علی! تو سرپرست و پیشوای هر مؤمنی بعد از من هستی.

۸۳. نشانه دشمن خدا

عمار یاسر می گوید: رسول خدا (ص) به من وصیت فرمود: «اوصی من آمن بی و صدقنی بولاية علی بن ابی طالب فمن تولا، فقد تولانی ومن تولانی فقد تولى الله ومن احبه فقد

۱. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۹۵ و ج ۷، ص ۱۲۱ و ص ۱۲۲.

۲. این روایت در تحقیقات شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۳ نیز آمده است.

۳. مسند احمد بن حنبل، جزء اول، ص ۳۳۰ و جزء چهارم، ص ۴۳۷ و جزء پنجم، ص ۳۵۶ و مناقب ابن مغضلی شافعی، ج ۳۷۹۶.



احبني ومن احبني فقد احب الله ومن ابغضه فقد ابغضني ومن ابغضني فقد ابغض الله عزوجل»^۱.

به من ایمان آور و به ولایت علی علیه السلام، هر کس او را ولی بداند مرا ولی خود دانسته و هر که در ولایت من باشد در ولایت خداست و هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است و هر کس او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن بدارد دشمن خداست.

۸۴. حکمی ثابت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيَّةٌ وَوَارِثٌ وَإِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَوَارِثٌ ».
برای هر پیامبری وصی و وارثی بود، به درستی که علی وصی و وارث من است.^۲

۸۵. برگزیده و نظر کرده خداوند متعال

قندوزی عالم بزرگ اهل سنت در کتاب ینابیع المودة باب ۷۳ حدیث ذیل را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده است که ایشان به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: « إِنَّ لِكْرَامَةِ مَنْ هُوَ اِقْدَمُهُمْ سَلْمًا وَاکْثَرُهُمْ عِلْمًا ».

از جمله کرامت های خداوند آن است که تو را همسر کسی نمود که جلوتر از مردم است در اسلام و از حیث علم و دانش عالم ترین مردم است.

آن گاه فرمود: خداوند متعال نظر کرد بر اهل زمین پس مرا به پیغمبری انتخاب کرد بعد نظر دیگری فرمود و علی علیه السلام را به وصایت بعد از من برگزید سپس وحی نمود که تو را به ازدواج او در آورم و او را وصی خود قرار دهم.^۳

۸۶. صاحب پرچم حق (آدرس ۷۹ حدیث)

حجم قابل توجهی از احادیثی که طبرانی در کتاب های المعجم الکبیر و المعجم

۱. کنز العمال نوشته متقی هندی متوفی ۹۷۵ هـ ق.، ج ۶ ح ۲۵۷.

۲. کفایة الطالب، ص ۱۳۱، باب ۶۲.

۳. این حدیث را ابن حجر عسقلانی شافعی مذهب در کتاب صواعق المحرقة نیز آورده است و ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۶۸۱.



۸۸. برای قبر و قیامت کاری بکنیم ❖ ❖

ابوعبدالله احمد بن احمد انصاری قرطبی متوفی ۶۷۱ هـ ق. صاحب تفسیر الجامع لاحکام القرآن می باشد و ابوعبدالله فخرالدین محمد بن عمر بن حسین قرشی رازی متوفی ۶۰۶ هـ ق. نیز صاحب تفسیر ۳۲ جلدی کبیر در جلد ۲۷ در ذیل آیه ۲۳ سوره شوری آورده اند که هر دوی این مفسران اهل سنت حدیثی را در کتابشان آورده اند که از زمخشری حنفی مذهب صاحب تفسیر کشاف اقتباس نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً»؛ هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد شهید مرده است.

«الا ومن مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له». هر کس با محبت آل محمد بمیرد مورد مغفرت الهی است.

«الا ومن مات علی حب آل محمد مات تاباً»؛ هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد با توبه از دنیا رفته است.

«الا ومن مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان»؛ هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد مؤمن با ایمان کامل از دنیا رفته.

«الا ومن مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة ثم منکر ونکیر»؛ هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد فرشته مرگ سپس نکیر و منکر او را به بهشت مژده می دهند.

«الا ومات من مات علی حب آل محمد یزف الی الجنة کما تزف العروس الی بیت زوجها»؛ او را با احترام به سمت بهشت می برند آن چنان که عروس را به خانه داماد ببرند. «الا ومن مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة»؛ در قبر او دو در به سمت بهشت گشوده می شود.

«الا ومن مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکة الرحمة»؛ قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می دهند.

«الا ومن مات علی حب آل محمد مات علی السنة والجماعة»؛ به سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته.

«الا ومن مات علی بغض آل محمد جاء یوم القیامة مکتوب بین عینیہ آیس من رحمة

الله؛ آگاه باشید هر کس با دشمنی آل محمد (ع) بمیرد روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که در پیشانی او نوشته مایوس از رحمت خدا.

«الا ومن مات علی بغض آل محمد (ع) مات کافراً؛ هر کس با بغض شان از دنیا برود کافر از دنیا رفته.

«الا ومن مات علی بغض آل محمد (ع) لم یشم رائحة الجنة؛ هر کس با بغض شان از دنیا برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

فخررازی بعد ذکر این حدیث می‌افزاید: آل محمد (ع) کسانی هستند که بازگشت امرشان به پیامبر (ع) بر می‌گردد و ارتباطشان با پیامبر (ع) محکم تر و کامل تر است آن‌ها «آل» به حساب می‌آیند و تردیدی نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین محکم ترین پیوند را با پیامبر (ع) داشتند و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است.

پس باید آن‌ها را «آل پیامبر (ع)» بدانیم. آن‌گاه می‌افزاید: عده‌ایدر مفهوم «آل» اختلاف کرده‌اند؛ بعضی آن‌ها را خویشاوندان نزدیک پیامبر (ع) می‌دانند و بعضی گفته‌اند آن‌ها امت پیامبر (ع) هستند. اگر این کلمه را بر معنای اول احتمال دهیم آل پیامبر (ع) تنها آن‌ها هستند و اگر به معنی امت که دعوت او را پذیرفتند بدانیم، باز هم خویشاوندان نزدیک رسول خدا (ع) آل او محسوب می‌شوند؛ بنابراین به هر تقدیر آن‌ها آل هستند و اما غیر آن‌ها در لفظ «آل» داخلند یا نه؟ محل اختلاف است. (ما با این اعتقاد و رفتاری که نسبت به آل پیامبر داریم بایستی برای قبر و مردن و قیامت خود فکر کنیم و حساب خود را با آنانی که آل محمد را آزار داده‌اند جدا کنیم).

۸۹. بال پرواز مؤمنین

خوارزمی نقل می‌کند که: «قال رسول الله (ص): اتانی جبرئیل وقد نشر جناحیه فإذاً فیهما مکتوب لا اله الا الله محمد النبی مکتوب علی الاخر: لا اله الا الله علی الوسی»^۱.

یعنی: جبرئیل نزد من آمد و بال‌هایش را گشود، بر آن بال‌ها نوشته شده بود لا اله الا الله محمد نبی و بر دیگری نوشته بود لا اله الا الله علی الوسی (خدایی جز خدای یگانه نیست و علی وصی است).

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۹۷.



۹۰. عبادتی استثنایی

عایشه رضی الله عنها نقل می کند:

پدرم ابوبکر بسیار به چهره علی بن ابیطالب نگاه می کرد. روزی به او گفتم: چرا اینقدر به چهره علی نگاه می کنی؟ او پاسخ داد: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: نگاه کردن به چهره علی عبادت است.^۱ عایشه یکی از هفت راوی صحابی است.^۲ که با عنوان راویان مكثر (به راویانی که بیش از هزار حدیث نقل کرده باشند راویان مكثر گویند) معرفی شده و تعداد روایات او را ۲۲۱۰ روایت نقل کرده اند.

۹۱. راه رابطه با رسول الله صلی الله علیه و آله

صاحب کتاب ینابیع المودة روایت عجیبی از حضرت امام حسین علیه السلام آورده است که آن حضرت فرمود: **من والانا فلجدی صلی الله علیه و آله والی ومن عادانا فلجدی صلی الله علیه و آله عادی.**
یعنی: هر کس با ما (اهل بیت) دوستی کند با رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی کرده و هر کس با ما دشمنی کند با رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمنی کرده است.^۳

۹۲. میر میدان مردی

امام حسین علیه السلام فرمود: **کان ممن ثبت مع النبی صلی الله علیه و آله یوم حنین: العباس وعلی و...**
یعنی: از کسانی که در روز جنگ حنین در اطراف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ثابت قدم ماندند علی علیه السلام و عباس و ابوسفیان بن الحارث و عقیل بن ابیطالب و عبدالله بن زبیر بن عبدالمطلب و زبیر بن عوام و اسامة بن زید بودند.^۴

۱. تاریخ الخلفاء بغداد، نوشته سیوطی، ص ۱۷۲.

۲. اسامی شش نفر دیگر عبارتند از ابهریره با ۵۳۷۴ روایت عبدالله بن عمر با ۲۶۳۰ روایت انس بن مالک با ۲۲۸۶ روایت عبدالله بن عباس ۱۶۶۰ روایت جابر بن عبدالله انصاری ۱۵۴۰ و ابوسعید خدری با ۱۵۴۰ روایت.

۳. ینابیع المودة نوشته قندوزی متوفای ۱۲۹۴ هجری قمری، ص ۳۳۰.

۴. کنز العمال نوشته متقی هندی، ج ۱۳، ص ۳۳۳ متوفای ۹۷۵ قمری.

۹۳. نشانه‌های راه راست

عبدالله بن عباس نقل نمود که رسول خدا ﷺ فرمود: من سید انبیاء و علی بن ابیطالب سید اوصیاء و اوصیاء بعد از من دوازده نفرند که اول آن‌ها علی بن ابیطالب و آخر آن‌ها مهدی است.^۱

۹۴. علی علیه السلام باب الله

امام حسین علیه السلام در سخنرانی خود در سرزمین منا خطاب به حجاج فرمود: ای مردم! شما را به خدا قسم آیا می‌دانید که رسول خدا قطعه زمینی را برای مسجد و منزل خود خریداری فرمود و مسجد را بنا نمود آن‌گاه ده منزل در اطراف آن مسجد بنا کرد که نه تایی آن برای او و دهمین آن را به پدرم علی علیه السلام اختصاص داد آن‌گاه تمام درب‌هایی را که به مسجد باز می‌شد را بست و تنها درب خانه پدرم را باز گذاشت که عده‌ای به عنوان اعتراض زبان به سخن گشودند ولی پیامبر ﷺ فرمود: «من درب خانه‌های شما را نبستم و درب خانه علی علیه السلام را باز نگذاشتم لکن خداوند به من دستور داد تا درب‌های شما بسته شود و درب خانه علی علیه السلام باز بماند». آن‌گاه رسول خدا ﷺ مردم را از خوابیدن در مسجد منع فرمود غیر از پدرم علی علیه السلام که در مسجد هم‌جوار پیامبر ﷺ بود و منزلش در کنار منزل حضرتش قرار داشت و در این خانه مقدس فرزندان رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام تولد یافتند. حاضرین به امام عرض کردند: آری! خدایا این چنین بود. سپس امام فرمود: آیا می‌دانید عمر بن خطاب حرص می‌ورزید تا روزنه‌ای از خانه خود به مسجد باز کند که پیامبر ﷺ جلوی کار او را گرفت و به او فرمود: «ان الله أمرنی ان ابنی مسجداً طاهراً لایسکنه غیری و غیر اخی و بنیه؛ یعنی: خدا به من دستور داده که مسجد پاکی بنا کنم تا جزء من و برادرم (علی) و پسرانش در آن مسکن نکنند؟».

حاضرین عرض کردند: آری! این چنین است.

۱. فرائد السمطين، ص ۱۶۰، ح ۱۱۶۴.



❖ ۹۵. آزار نبی الله الاعظم صلی الله علیه و آله ❖

صاحب کتاب فردوس الاخبار می نویسد:
 سعدابی وقاص از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان فرمود:
 «من آذى علیاً فقد آذانی، قالها ثلاثاً».
 یعنی: هر کس علی را بیازارد مرا آزرده و این جمله را سه مرتبه تکرار فرمود.

❖ ۹۶. نشانه حق و حقیقت ❖

عن ابی ذرالفغاری رضی الله عنی قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: سیکون من بعدی فتنه فان کان ذلک فالزموا علی بن ابی طالب فانه الفاروق بین الحق والباطل.
 ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من فتنه ای به پا می شود اگر آن زمان آمد شما ملازم و همراه علی بن ابیطالب باشید زیرا اوست فرق گذارنده میان حق و باطل.^۱

❖ ۹۷. اولین مؤمن مسلمان ❖

محمد بن سعد نقل می کند: از پدرم پرسیدم آیا ابوبکر نخستین کسی بود که اسلام آورد؟ پدرم در پاسخ گفت: نه بیشتر از پنجاه نفر قبل از او اسلام آورده بود. در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اول من صلی معی علی»؛ اول کسی که با من نماز خواند علی علیه السلام بود.^۲

❖ ۹۸. محبتی آتشین ❖

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «حب علی بن ابی طالب علیه السلام یأکل الذنوب کما تأکل النار الحطب».^۳
 دوستی علی بن ابیطالب گناهان را می خورد و نابود می کند چنانچه آتش هیزم را می خورد.

۱. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۹ - الاصابه، ج ۷، ص ۱۶۷.

۲. الجامع الكبير، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. مناقب، ج ۳، ص ۱۹۸ و ینابیع الموده باب ۵۶ حدیث ۳۳ - تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۹۴ و کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۸.



شراب خواری بوده‌اند را پیشوایان هدایت گر نامید چرا که در کتب معتبر اهل سنت مکرر به آدم کشی ها و شراب خواری های آنها اشاره شده است.

❖ ۱۰۲. نور بهشتی ❖

تعداد زیادی از اهل سنت روایت می‌کنند که مسروق گفت: با عده‌ای نزد عبدالله بن مسعود حاضر بودیم آن‌گاه جوانی آنجا بود او از عبدالله بن مسعود پرسید: آیا پیامبرتان از شما عهدی گرفته که بعد از او چند خلیفه خواهد بود؟ عبدالله بن مسعود در پاسخ او گفت: ... بله پیامبر از ما عهد گرفت که بعد از ایشان دوازده خلیفه خواهند بود به عدد نقباء بنی اسرائیل.^۱

❖ ۱۰۳. نشانه ارتداد و کفر ❖

خوارزمی نویسنده کتاب مناقب در این اثرش آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بعد از من در امر خلافت با علی علیه السلام منازعه کند پس کافر است و محارب با خدا و رسول است.

❖ ۱۰۴. نقش دفتر دل ❖

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «عنوان صحیفه المؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام». یعنی: اولین نشانه و صدر صفحه زندگی و دل مؤمن دوست داشتن علی علیه السلام می‌باشد.^۲

❖ ۱۰۵. منزلتی رفیع و نورانی ❖

ابوبکر به طور مستقیم و بدون واسطه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«منزلة علی منی کمنزلة من ربی».

۱. ابن کثیر شافعی مذهب صاحب کتاب البدایة والنهایة، ج ۶ ص ۲۵۰ - سیوطی شافعی صاحب کتاب تاریخ الخلفاء، ص ۱۲.

۲. الخطیب البغدادی فی تاریخه، ج ۴، ص ۴۱۰.



و امام علی علیه السلام می فرماید: تمام آیات الهی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله قرائت نمودم و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معانی آن آیات را به من تعلیم داد.^۱

❖ ۱۰۸. آقا و بزرگ مسلمین ❖

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام چنین خطاب فرمودند: «مرحبا سید المسلمین و امام المتقین»^۲؛ خوش آمدی ای سرور مسلمانان و ای پیشوای اهل تقوا.

❖ ۱۰۹. باب الجنة ❖

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا دارالحکمة وعلی بابها»؛ من خانه علم و حکمتم و علی در آن خانه است.^۳
خداوند در قرآن فرموده: «واتو البيوت من ابوابها»^۴ هر کس بخواهد وارد خانه ای شود باید از در آن خانه وارد شود.

❖ ۱۱۰. امام الحکماء ❖

عبدالله بن عباس می گوید:
نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که درباره امام علی علیه السلام از حضرت سؤال شد. پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ فرمود:
«قسمت الحکمة عشرة اجزاء فاعطى على تسعة اجزاء واعطى الناس جزء واحد».
دانش و حکمت به ده قسمت شده نه قسمت آن به علی داده شده و یک قسمت باقی آن به همه مردم.^۵

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۲. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۶ نوشته ابونعیم مصفراهو الحافظ احمد بن عبدالله بن احمد الاصبهانی شافعی مذهب متوفی ۴۳۰ هـ ق.

۳. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۷ ح ۳۷۲۳.

۴. بقره / ۱۸۹.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۶.



❖ ۱۱۵. علم و عملی بی مانند ❖

پیامبر خدا ﷺ فرمود: علی بن ابیطالب، پیشگام ترین فرد امت در اسلام است. علمش بیشتر، دینش درست تر و یقینش برتر از همه آنان است، بردبارترین، سخاوتمندترین و شیر دل ترین آنهاست و اوست امام و خلیفه بعد از من.^۱

❖ ۱۱۶. نشانه راه حق ❖

زربن حبیش گوید:

علیؑ از درالحکومه بیرون آمد. دسته ای اسب سوار، در حالی که شمشیرهای خود را حمایل کرده بودند، به نزد حضرت آمدند و گفتند: سلام بر تو! ای امیرمؤمنان، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای مولای ما!

علیؑ گفت: «از اصحاب پیامبر ﷺ چه کسی این جاست؟» دوازده تن برخاستند، از جمله: قیس بن ثابت بن شماس، هاشم بن عتبّه و حبیب بن بدیل بن ورقا و شهادت دادند که شنیده‌اند پیامبر ﷺ می‌گفت: «هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست».^۲

❖ ۱۱۷. پیرو واقعی سنت رسول الله ﷺ ❖

عدی بن ثابت گوید: روزی نزد علیؑ پالوده ای آوردند ولی حضرت از آن نخورد و فرمود: «چیزی را که پیامبر خدا ﷺ نخورده است، دوست ندارم بخورم».^۳

و در روایتی دیگر حبه عرنی گوید: روزی پالوده ای آوردند پیش حضرت علیؑ. ایشان فرمود: «تو خوش بو، خوش رنگ و خوش طعمی؛ ولی من دوست ندارم نفسم را به چیزی که عادت ندارد، عادت بدهم».^۴

۱. کنزالفوائد، ج ۱، ص ۲۶۳ - مائه منقبة، ج ۷۴، ص ۲۵.

۲. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۷۲.

۳. كشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۶۳ و فضائل الصحابه، ج ۱، ص ۵۳۶ نوشته امام احمد بن حنبل.

۴. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۸۱.



❖ ۱۲۰. قدرناشناسی ❖

پیامبر خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو پس از من باقی خواهی ماند و به اُمّت من گرفتار خواهی شد و در روز قیامت، در پیشگاه خدا دادخواهی خواهی کرد.^۱

❖ ۱۲۱. خداوند انتقام گرفت ❖

زیدبن وهب نقل کرده:
روزی نزد علی علیه السلام بودیم. فرمود: «من بنده خدا و برادر پیامبر خدا هستم و بعد از من، جز دروغگو این را نخواهد گفت.»
مردی از غطفانیان گفت: به خدا سوگند، من هم همان گونه که این دروغگو می گوید، می گویم که: من، بنده خدا و برادر پیامبر او هستم.
بعد از آن، این مرد به زمین افتاد و می لرزید. اطرافیانش او را با خود بردند. من هم در پی آنان رفتم تا به منطقه دارالعماره رسیدم. خبر احوال او را از یکی از دوستانش پرسیدم. وی پاسخ نداد. آنان را به خدا قسم دادم. یکی از آنان گفت: به خدا، تا پیش از گفتن این سخن، هیچ مشکلی در او سراغ نداشتیم. با گفتن آن، به این وضع افتاد و حال او اینگونه بود تا مرد.^۲

❖ ۱۲۲. نشانه حق و راستی ❖

امام باقر علیه السلام فرمود: علی علیه السلام بیمار شدند و عمر و ابوبکر به عیادت حضرت رفته سپس به نزد پیامبر خدا ﷺ آمدند و... آن دو به پیامبر ﷺ گفتند این بیماری منجر به مرگ علی می شود.
پیامبر ﷺ فرمود: «هرگز! او نخواهد مرد تا آن که نیرنگ و ستم بر وی رسد و در بین اُمّت عبرتی باشد که بعد از او، مردم به وسیله آن پند گیرند.»^۳

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹۴.

۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۶۱.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۶.



❖ ۱۲۵. وارسته صراط صعود ❖

زیدبن وهب جهنی گوید:

روزی در حالی که حضرت علی علیه السلام دو قطعه پارچه که یکی را شلوار و دیگری را ردا کرده بود...

فرد اعرابی ای به او گفت: ای مرد! این لباس های خوب را بپوش که سرانجام می میری و یا کشته می شوی.

حضرت فرمود: ای اعرابی! من این دو لباس را به این خاطر می پوشم که مرا از تکبر دور می سازد و برای نماز خواندنم مناسب است و سنتی برای مؤمن است.^۱

❖ ۱۲۶. بخشنده ای عجیب ❖

زمخشری در کتاب ربیع الابرار آورده که:

بیابان نشینی به نزد علی علیه السلام آمد و گفت: ای امیرمؤمنان!... به خدا سوگند، در خانه ام جز غذایی چیزی ندارم.

بیابان نشین برگشت، در حالی که می گفت: به خدا سوگند، در روز قیامت، نزد خدا از تو به خاطر این دیدار، باز خواست خواهیم کرد.

علی علیه السلام بسیار گریست و فرمود تا او را برگردانند و از او خواست تا بار دیگر سخنش را تکرار کند و باز گریست و فرمود: «ای قنبر! آن زره مرا بیاور» و آن را به مرد بیابانی داد و فرمود: «مواظب باش کلاه سرت نرود. با آن غم های زیادی از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله زدوده ام». قنبر گفت: بیست درهم برای او بس بود.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای قنبر! به خدا سوگند، دوست ندارم که به اندازه دنیا طلا و یا نقره می داشتم و آن را صدقه می دادم و خدا از من می پذیرفت، ولی از این دیدار، باز خواستم می کرد»^۲ و در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی تو در بخشش، بخشنده ترین آنان و در دنیا، زاهدترینشان هستی».

۱. البدایة والنهایة، ج ۸، ص ۳.

۲. ربیع الابرار، ج ۲، ص ۶۶۸، نوشته جاراالله زمخشری حنفی مذهب.



❖ ۱۲۹. کوه استوار دینداری ❖

امام علیؑ فرمود: به خدا سوگند! در کار دینم کوتاه نمی‌آیم.^۱

❖ ۱۳۰. عاشق شهادت ❖

امام علیؑ فرمود: اگر در راه خدا کشته شوم و باز زنده گردم، آن گاه کشته شوم و زنده گردم تا هفتاد بار، از شدت عمل در راه خدا و جهاد با دشمنان خدا دست بر نخواهم داشت.^۲

❖ ۱۳۱. مددکار ضعیفان ❖

روزی حضرت علیؑ در آبیاری نخلستان یک یهودی به او کمک کرد و مزد حضرت یک مدّ جو قرار داده شد. حضرت بعد از این که مزدش را گرفت با آن نان پخت. هنگام افطار آن نان، فقیری درخواست غذا نمود حضرت نان را به او داده و خود تا صبح گرسنه ماند و این کار حضرت علیؑ از بزرگ ترین بذل ها و عبادات شمرده شده است.^۳

❖ ۱۳۲. زینت زمین و آسمان ❖

پیامبرﷺ به حضرت علیؑ فرمودند: یا علی! ان الله زينك بزينة لم يزين العباد بشيء... ای علی! خداوند تو را به زینتی آراسته است که بندگان را به زینتی اینگونه دوست داشتنی در نزد خود نیاراسته؛ و آن هم زهد در دنیا است. تو را به گونه ای قرار داده که از دنیا، چیزی را به چنگ نیاوری و دنیا نیز بر تو چیره نگردد. به تو دوستی بینوایان را بخشیده است که به رهبری تو خشنود هستند و تو به پیرو بودن آنان، راضی هستی.^۴

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۶۴، نوشته مسعودی.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۰۱.

۴. اسدالغابه، ج ۴، ص ۹۶ و تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۲ - حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۷۱.



حضرت عیسی بن مریم گفتند را بگویند سخنی درباره ات می‌گفتم که به عده‌ای از مردم نگذری مگر این که خاک زیر قدم تو را به عنوان تبرک بردارند.^۱

۱۳۶. خلیفه امانت دار

ابن عساکر صاحب تاریخ دمشق از علاء نقل کرده علی علیه السلام در حالی که سخنرانی می‌کرد، فرمود: «ای مردم! به خدا سوگند، خدایی که جز او خدایی نیست، از مال شما کم یا زیاد، جز این (شیشه عطری که از جیب خود در آورد) برنگزیدم و آن را هم کدخدایی به من هدیه داد».^۲

۱۳۷. امین پاک دست

امام صادق علیه السلام فرمود: از دو کار الهی که برای علی علیه السلام پیش می‌آمد، هرگز جز آن که سخت تر بود، بر نمی‌گزید و تا زمانی که نزدش بود از دسترنج خود که از مدینه آورده بود، نخورد و هرگاه سویق (یعنی جو یا گندم بوداده) را بر می‌گزید، آن را در کیسه ای قرار می‌داد و بر آن، مهر می‌زد تا از سوی نزدیکانش چیزی بر آن افزوده نشود. چه کسی در دنیا از علی علیه السلام زاهدتر بود؟!^۳

۱۳۸. زاهد راستین

مردی اعرابی از حضرت علی علیه السلام کمک مالی خواست. حضرت علی علیه السلام دستور داد هزار سکه به وی بدهند. وکیل آن حضرت گفت: «از طلا دینار و یا از نقره درهم؟» حضرت فرمود: «هر دو پیش من سنگ اند، هر کدام که برای او مفیدتر است، آن را بده».^۴

و روزی حضرت علی علیه السلام بر منبر کوفه فرمود: «چه کسی این شمشیر مرا می‌خرد؟»

۱. مناقب خوارزمی، ص ۱۲۹ - المعجم الکبیر ۲۰ جلدی نوشته طبرانی متوفای ۳۶۰ قمری، ج ۱، ص ۳۲۰ -

مجمع الزوائد نوشته هیشمی متوفای ۸۰۷ قمری، ج ۹، ص ۱۳۱.

۲. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۸۱ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۸۰.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۰۱ - الغارات، ج ۱، ص ۸۱.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۱۸.



چیزی نصیبش نمی‌شود و برای تو از زهد در دنیا، چهره ای قرار داده که بدان شناخته می‌شوی.^۱

۱۴۲. رئوف بی مثال

روزی حضرت علی علیه السلام یکی از خدمتکارانش را صدا زد ولی او پاسخ نداد و چندمرتبه پشت سرهم این اتفاق افتاد. شخصی وارد شد و گفت: ای امیرمؤمنان! آن خدمتکار، دم درب ایستاده است و صدای شما را می‌شنود ولی پاسخی نمی‌دهد. وقتی خادم نزد حضرت علی علیه السلام آمد، ایشان به او فرمود: «صدای مرا نمی‌شنیدی؟» خادم پاسخ داد: می‌شنیدم. حضرت فرمود: «پس چرا پاسخم را نمی‌دادی؟» خادم گفت: ترسی از مجازات کردن شما نداشتم. علی علیه السلام فرمود: «سپاس خدایی را که مرا از جمله کسانی قرار داد که بندگانش از او در امان اند».^۲

۱۴۳. کمک کار مؤمنین

ابوسعید نقل کرده: در تشییع جنازه ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم بود، حضور یافتیم. هنگامی که جنازه را بر زمین گذاشتند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا بدهی ای بر عهده اوست؟» گفتند: آری! از او روی برتافت و فرمود: «بر دوستان نماز بگذارید». وقتی که علی علیه السلام چنین دید، در پی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای پیامبر خدا! او از بدهی هایش رها گشت و من ضامن بدهی های اویم. پیامبر خدا بازگشت و بر او نماز گزارد و آن گاه رفت و به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! خدا تو را جزای خیر دهد. خداوند در روز قیامت از دین تو بگذرد، چنان که تو ذمه برادر مسلمانان را از رهن، رها کردی.

۱. مشکاة الانوار، ص ۲۲۱.

۲. الفخری، ص ۱۹.

هیچ بنده ای بدهی برادر، دینی خود را نمی‌دهد، جز آنکه در روز قیامت خداوند گرو او را می‌گشاید».^۱

۱۴۴. جهادگر ممتاز

عبدالله بن شداد بن هاد گوید: عده‌ایاز یمن، نزد پیامبر خدا (ص) آمدند تا موضوعی را برایشان توضیح دهد. پیامبر خدا (ص) فرمود: «باید نماز بپا دارید، وگرنه مردی را به سویتان اعزام خواهیم کرد که مبارزان را بکشد و بازماندگان را اسیر کند».

سپس پیامبر اسلام (ص) فرمود: «بار خدایا! من و یا این (و با دست به علی (ع) اشاره کرد».^۲

و عبدالرحمان بن عوف گوید:

هنگامی که پیامبر خدا مکه را فتح کرد، به سوی طائف رفت و آن را هفده یا هیجده روز محاصره کرد؛ ولی آن جا فتح نشد. آن گاه صبحگاه یا شبانگاه حرکت کرد و بعد فرود آمد و سپس هجرت کرد و فرمود: «ای مردم! من پیشاپیش شما هستم و وعده گاه من و شما در کنار حوض است».

«سوگند به آن که جانم در دست اوست. نماز بپا دارید و زکات بدهید؛ وگرنه کسی را از سوی خود به طرف شما روانه می‌کنم که گردن مبارزانتان را بزند و بچه هایتان را اسیر کند».

مردم فکر کردند که منظور پیامبر (ص) ابوبکر یا عمر است؛ ولی وی دست علی (ع) را گرفت و فرمود: «این مرد!».^۳

۱۴۵. برادری صادق

عبدالله بن عمر می‌گوید:

۱. السنن الکبری، ج ۶ ص ۱۲۱.

۲. فضائل الصحابه، ابن حنبل، ج ۲، ص ۶۰۰.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۳۱.



رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام در روزی که بین انصار و مهاجرین عقد اخوت برقرار می کرد فرمود: یا علی! انت اخی فی الدنیا والاخرة؛ ای علی! تو در دنیا و آخرت برادر منی.^۱

۱۴۶. راه دستگاری

شهر بن حوشب گوید:

نزد امّ سلمه بودم که مردی سلام کرد. از او پرسیده شد: تو کیستی؟ گفت: من ابو ثابت، آزاد شده ابو ذرم.

امّ سلمه گفت: خوش آمدی ابو ثابت! داخل شو. ابو ثابت داخل شد و امّ سلمه به وی گفت: قلب تو کجا پرواز کرد، زمانی که دل ها به هر سو پرواز کردند؟ (آن زمانی که مردم با خلفای دیگر بیعت کردند میل باطنی تو به سوی چه کسی بود؟) او گفت: دلم با علی بن ابیطالب بود.

امّ سلمه گفت: به آن که جان امّ سلمه در دست اوست، سوگند که رستگار شدی. شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «علی با قرآن است و قرآن با علی. آن دو از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند»...^۲

۱۴۷. علی علیه السلام راه هدایت

ابومخنف گوید:

روزی در برابر علی علیه السلام شخصی بپا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان! چه فتنه ای از این بزرگ است که برخی جنگاوران جنگ بدر، با شمشیر به سراغ برخی دیگر می روند؟ علی علیه السلام فرمود: «وای بر تو! آیا فتنه ای هست که من فرمانده و رهبر آنم؟ سوگند به آن که محمد را به حق برانگیخت و او را عزت بخشید، نه دروغ می گویم و نه به من دروغ گفته شده است. نه من گمراه شدم و نه به واسطه من کسی گمراه شد. نه من لغزیدم و نه کسی به واسطه من لغزید. به راستی که من دلیلی روشن از پروردگارم دارم

۱. مناقب علی بن ابی طالب نوشته ابن مغازلی متوفای ۴۸۳ هجری قمری، ص ۳۸ این روایت در صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۶ ح ۳۷۲۰ و مسند امام احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۵۹ در بعضی از نقل ها در کتب اهل سنت آمده است که ابوبکر با عمر عقد اخوت و برادری بست.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۱.

که آن را خداوند برای پیامبرش روشن ساخت و پیامبرش آن را برای من روشن کرد و زودا که روز قیامت، فرا خوانده شوم و گناهی بر من نباشد و اگر گناهی داشته باشم، ثواب پیکار من با آنان، آن را خواهد پوشانند.^۱

و پیامبر (ع) به عمار گفت: ای عمار! علی همراه بر هدایت است.^۲

❖ ۱۴۸. تو مظلوم خواهی شد ❖

پیامبر خدا (ع) به علی (ع) فرمود: تو از دنیا نمی‌روی تا آن که زیر دست قرار گیری و از خشم، انباشته گردی و بعد از من، صبر پیشه کنی.^۳

❖ ۱۴۹. مظهر عفو و گذشت ❖

زرارة بن اعین از پدرش نقل کرده که امام باقر (ع) فرمود: ... روزی شخصی از کنار حضرت علی (ع) گذشت و کلمه نامناسبی به او گفت. حضرت علی (ع) به منبر رفت و دستور داد تا مردم را به نماز همگانی فرا خوانند. بعد از حمد خدا و درود بر پیامبر (ع) فرمود: «ای مردم! هیچ چیزی پیش خدا دوست داشتنی تر و پر سودتر از بردباری و دین شناسی نیست و هیچ چیزی در پیش خدا، ناخوشایندتر و پر زیان تر از نادانی پیشوا نیست.

آگاه باشید! آن کسی که از درون خود، پنده دهنده ای ندارد، از سوی خدا نگهدارنده ای برایش نیست. آگاه باشید که هر کس پیش خدا و وجدانش انصاف داشته باشد، جز عزت بر او نمی‌افزاید. آگاه باشید که فروتنی در اطاعت خدا، از عزت جویی در عصیان او به خداوند نزدیک تر است».

سپس فرمود: «آن کسی که چندی قبل سخن گفت، حالا کجاست؟»

آن شخص ناسزاگو نتوانست انکار کند و گفت: ای امیرمؤمنان! منم.

علی (ع) فرمود: «اگر بخواهم می‌گویم».

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۲۲.



گفت: اگر ببخشی و درگذری، شایسته است که شما شایسته گذشتی.
 علیؑ فرمود: «بخشیدم و درگذشتم».
 از امام باقرؑ پرسیدند: حضرت علیؑ می خواست چه بگوید که نگفت؟
 امام باقرؑ فرمود: «می خواست نسب او را نشان دهد».^۱

❖ ۱۵۰. پاداش عشق ورزی ❖

رسول خداﷺ می فرماید: به درستی که خداوند برای برادرم علیؑ فضایل زیادی قرار داده است که از حجم زیاد آن‌ها قابل شمارش نیست پس کسی که فضیلتی از آن فضایل را یاد کند و معترف و معتقد به آن باشد خدای متعال گناه های گذشته و آینده او را می آمرزد و کسی که بنویسد فضیلتی از فضایل او را همانا ملائکه دائماً برای او استغفار کنند تا این کتاب و نام اثر آن باقی باشد و کسی که گوش بدهد به فضیلتی از فضایل او خداوند گناه هایی را که او با گوش انجام داده می آمرزد و کسی که نظر کند به کتاب فضایل او خداوند گناه هایی را که او از راه دیده و چشم کرده می آمرزد.

سپس فرمود: «النظر الی اخی علی بن ابی طالب عبادة و ذکره عبادة و لایقبل الله ایمان عبد الا بولایته والبرائة من اعدائه»؛ نظر کردن به سوی برادرم علی بن ابیطالب و یاد او عبادت است و خداوند قبول نمی کند ایمان بنده ای را مگر به ولایت او و برائت از دشمنان او.^۲

❖ ۱۵۱. اول مسلمان در اسلام (آدرس ۱۲ حدیث) ❖

حبة بن جوین العرنی از امام علیؑ نقل می کند: امام فرمود:
 «اللهم انک تعلم انه لم یعبدک احد من هذه الامة بعد نبیتهای قبلی ولقد عبدتک قبل ان یعبدک احد من هذه الامة بست سنین»؛ (وعن ابن عباس قال: اول من أسلم علی).
 در باب اول مسلمان بودن امیر المؤمنین روایات متواتری وارد شده که او اول مسلمان

۱. شرح نهج البلاغه ابن الحدید، ج ۴، ص ۱۰۹.

۲. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۴، نوشته ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد قرشی گنجی شافعی کشته شده در سال ۶۵۸ هـ ق.



من اهلی علیاً اخی اشدد به ازدی و اشركه فی امری کی نسجک کثیراً و تذکرک کثیراً انک کنت بنا بصیراً».

خدایا! آنچه را برادرم موسی از تو درخواست من نیز می‌خواهم این که سینه‌ام را گشاده گردانی و کارم را آسان کنی و گره از زبانم بگشایی تا سخنانم را بفهمند و از اهل من وزیری برایم قرار بده که او برادرم علی است پشتم را به او استوار کن و او را در امر من شریک گردان تا این که تو را فراوان تنزیه کنم و ذکر تو را بسیار بگویم، چرا که هر آینه تو به حال ما بینا هستی.^۱

❖ ۱۵۵. عزیز رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

ابوذر روزی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پیامبر خدا! چه کسی پیش شما عزیزتر می‌باشد و چه کسی را بیشتر دوست دارید تا در هنگام گرفتاری و مصیبت در قبل و بعد از شما، ما همراه او باشیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابیطالب از همه شما در اسلام و ایمان آوردن به من جلوتر بوده است.^۲

❖ ۱۵۶. امام راه راست ❖

امام علی علیه السلام فرمود: اگر از عدل دوری کنند لبه شمشیر بر آنان عرضه خواهیم کرد این شمشیر داروی شفابخش باطل گرایان است و یاور حق گرایان... من بر مبنای یقین از پروردگارم و بدون اشتباه در دینم حرکت می‌کنم.^۳

❖ ۱۵۷. شنوای هستی ❖

علی علیه السلام فرمود: «کنت مع النبی صلی الله علیه و آله مکه فخرجنا فی بعض نواحیها فما استقبله جبل ولامدر ولاشجر الا وهو یقول السلام علیک یا رسول الله».

۱. در المنثور نوشته جلال الدین سیوطی، ج ۵، ص ۵۶۶.

۲. مناقب علی بن ابیطالب، ص ۲۱۰، نوشته ابن مغزلی متوفی ۴۸۳ هـ ق.

۳. نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی، ص ۱۰۱.



من بنی آدم؛ از بنی آدم و ملائکه میثاق گرفت و ملائکه به ربوبیت خداوند اعتراف نمودند خطاب شد: من پروردگار شما هستم و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر شماست و علی علیه السلام امیر شما خواهد بود.

❖ ۱۶۱. جایزه عاشقی ❖

ابن مغازلی در کتاب خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حدیث را نقل کرده که: «ان فی الجنة لطیراً مثل البخت...». در بهشت پرنده ای است شبیه بخت (بخت به اشتران خراسانی اطلاق می شود) که گوشتش از کره نرم تر و از عسل مصفی شیرین تر است، اول کسی که آن را تناول می کند علی بن ابیطالب علیه السلام است.^۱

❖ ۱۶۲. راهبر امت ❖

حاکم نیشابوری در مستدرک صحیحین جلد ۳ صفحه ۱۲۹ این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت دست بر سینه خود گذاشت و فرمود: «انا منذر ولكل قوم هاد واو ما بیده الی الامام علی فقال: أنت الهادی یا علی بک یتدی المهتدون بعدی». من بیم دهنده هستم و برای هر قومی هدایت کننده ای وجود دارد آن گاه به امام علی علیه السلام اشاره کرده و گفت: این مرد هدایت کننده شماست. پس گفت: ای علی تو هدایت کننده هستی، بعد از من هدایت می کنی مردم را.^۲

❖ ۱۶۳. صاحب علوم قرآن کریم ❖

نویسنده کتاب حلیة الاولیاء در کتابش این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که «ان القرآن انزل علی سبعة احرف ما منها حرف الا له ظهر و بطن وان علی بن ابی طالب عنده علم الظاهر والباطن»؛ همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی از آن

۱. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۳۸.

۲. این حدیث در کنز العمال، ج ۶ ص ۱۵۷ توسط متقی هندی نیز آورده شده است.

حروف نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی دارد و به راستی که علم ظاهر و باطن قرآن تنها در نزد علی (ع) است.^۱

❖ ۱۶۴. علی (ع) صراط راستی و سعادت ❖

ابن عساکر علی بن حسن بن هبة الله بن عبدالله شافعی در کتاب ۷۰ جلدی تاریخ مدینه دمشق ج ۳، ص ۱۲۲ این حدیث را از رسول خدا (ص) روایت کرده:

«ستكون من بعدی فتنه فاذا كان ذلك فالزموا علی بن ابی طالب فانه اول من یرانی واول من یصافحنی یوم القيامة وهو معی فی السماء الاعلی وهو الفارق من الحق والباطل». زود است که بعد از من فتنه (سقیفه) پدید آید هنگامی که واقع شود ملازم علی بن ابیطالب (ع) باشید و از او جدا نشوید زیرا او نخستین کسی است که با من دیدار می کند و نخستین کسی است که با من مصافحه می کند و در روز قیامت او در آسمان بالا نیز همراه من است و او جدا کننده حق از باطل است.^۲

❖ ۱۶۵. خیر البریه ❖

صاحب کتاب شواهد التنزیل در جلد اول کتابش این حدیث را از پیامبر اکرم (ص) نقل نموده که ایشان فرمودند:

«یا علی! هو انت وشیعتک تاتی انت وشیعتک یوم القيامة راضین مرضین! ویأتی عدوک غضاباً مقمحین».

یا علی! تو و شیعیان واقعی ات خیر البریه یعنی بهترین بندگان خدا هستی، چون روز قیامت فرا رسید شما راضی و مرضی در صف محشر حاضر می شوید و دشمنان تو غضبناک و سرکوب شده می باشند.

۱. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۵.

۲. این حدیث را ابن منظور محمد بن مکرم متوفی ۷۱۱ هـ ق. صاحب کتاب مختصر تاریخ دمشق ج ۱۸، ص ۴۵ نیز در همین کتاب آورده است.



۱۶۶. بوی عطر انبیاء

ابی‌الحرث حدیث ذیل را اینگونه روایت می‌کند:
روزی ما نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حاضر بودیم که در این هنگام علی علیه السلام به سمت ما آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از نگاهی به حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که خشنود می‌شود به آدم علیه السلام در علمش و به نوح علیه السلام در فهمش و به ابراهیم علیه السلام در مقام خلیل الله صلی الله علیه و آله بنگرد به علی بن ابیطالب که همه این ویژگی‌ها در او می‌باشد.^۱

۱۶۷. راه نجات

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عن جبرائیل عن میکائیل عن اسرافیل عن الوح عن القلم يقول: الله عزوجل ولاية علی بن ابی‌طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی».
به من جبرئیل خبر داد از میکائیل و او از اسرافیل و او هم از لوح و آن از قلم که در آن خدای عزوجل می‌فرماید: ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام حصار محکم من است و هر کسی به حصار من وارد شود از عذاب و عقاب من در امان خواهد بود.^۲

۱۶۸. مجوز عبور از صراط

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إذا كان يوم القيامة يقعد علی بن ابی‌طالب علیه السلام علی الفردوس وهو جبل قد علا علی الجنة...»^۳.
زمانی که قیامت برپا شود، علی علیه السلام بر فردوس برین که مثل کوهی بالاتر بر بهشت است و در زیر عرش پروردگار است روی کرسی از نور می‌نشیند و از پیش روی او چشمه‌ها در جریان است که به هر طرف باغ بهشت روان باشند و نسیم معطر و دل‌انگیزی آنجا می‌وزد. هرگز کسی از صراط نمی‌گذرد مگر آن که سند ولایت و دوستی علی علیه السلام و اهل بیت او را داشته باشد پس دوستان علی علیه السلام و آل علی علیه السلام داخل بهشت می‌شوند و دشمنان آن‌ها داخل جهنم.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ح ۱۱۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. کشف الغمه نوشته اربلی، ج ۱، ص ۱۰۳.



❖ ۱۷۲. عامل سعادت‌مندی و عاقبت بخیری ❖

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود: «الزموا مودتنا اهل البيت فانه من لقی الله عزوجل وهو یودنا دخل الجنة بشفاعتنا والذی نفس محمد بیده لا ینفع عبداً عمله الا بمعرفته حقنا».

یعنی: در دوستی ما اهل بیت ثابت قدم باشید به درستی که اهل ایمان به واسطه شفاعت ما وارد بهشت خواهند شد به خدایی که جان محمد در دست اوست هیچ عملی به بنده ای نفع نمی‌رساند مگر به شناختن ما و دوستی ما اهل بیت.^۱

❖ ۱۷۳. چه اقرار عجیبی ❖

شهاب الدین احمد بن محمد ابن حجر هیثمی مکی متوفی ۹۷۴ هـ ق. در صفحه ۱۰۸ کتاب خود الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقة آورده که ابن عباس گوید: شش روز بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر و علی علیهما السلام برای زیارت قبر نورانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند. علی علیه السلام به ابوبکر گفت: بفرما (حضرت برای ورود او تعارف کرد). ابوبکر در پاسخ گفت: من هیچ گاه جلوتر از مردی قدم نمی‌گذارم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او شنیدم که فرمود:

«علی منی کمزلتی من ربی»؛ نسبت علی علیه السلام با من مثل منزلت و جایگاه من است نسبت به خدای من.^۲

❖ ۱۷۴. چه اقرار بزرگی ❖

امام احمد حنبل در مسند خود آورده که ابوبکر گفت: ای مردم بر شما باد دوستی و پیروی از علی بن ابیطالب همانا من خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: علی علیه السلام بعد از من بهترین کسی می‌باشد که خورشید آسمان بر او تابیده و غروب کرده است.^۳

۱. المعجم الاوسط، نوشته طبرانی متوفای ۳۶۰ قمری و مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲.

۲. این حدیث را ابوالفرج نورالدین علی بن ابراهیم بن احمد حلبی شافعی متوفی ۱۰۴۴ هـ ق. در کتاب السیرة الحلبیه، ج ۳ نیز آورده است.

۳. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶.



هارون را وزیر قرار دهی و بازوی او را محکم نمائی به وجود او و به وسیله او تصدیق نمایند دعوت او را، اینک من از تو درخواست می‌نمایم که از اهل من قرار دهی برای من وزیری که به وجود او محکم گردد بازوی من، پس قرار ده برای من علی را به مقام وزارت و برادری و شجاعت را در قلب او قرار ده و هیبتی در مقابل دشمنان به او رحمت کن.

سپس پیامبر ﷺ فرمود: من این درخواست را که از خداوند نمودم او به من عطا نمود پس علی آقای اوصیاء می‌باشد.

❖ ۱۷۸. خلقتی ممتاز ❖

احمد بن حنبل در کتاب خود، مسند حدیث ذیل را از رسول خدا ﷺ روایت کرده که ایشان فرمودند:

«خلقت انا وعلی من نور واحد قبل ان یخلق الله تعالی آدم باربعة عشر الف عام فلما خلق الله تعالی آدم ركب النور فی صلبه فلم یزل فی شیء واحد حتی افترقا فی صلب عبدالمطلب ففی النبوة وفی علی الخلاقه».

من و علی از یک نور آفریده شدیم قبل از ایجاد آدم به چهارده هزار سال پس از خلقت آدم، خداوند آن نور را در صلب آدم قرار داد پس با هم بودند تا در صلب عبدالمطلب از هم جدا شدیم پس در من نبوت و در علی خلافت مقرر گردید.

❖ ۱۷۹. سرپرستی ممتاز ❖

امام احمد حنبل در مسند خود این حدیث را از رسول خدا ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «(یا علی) انت ولیی فی کل مؤمن بعدی ومؤمنه».

ای علی! تو پیشوا و سرپرست همه مردان و زنان مؤمن بعد از من می‌باشی.^۱

۱. مسند امام احمد حنبل، ج ۱، ص ۳۳۰.

۱۸۰. کافری ممتاز

رسول خدا ﷺ فرمود: «من ناصب علیاً للخلافة بعدی فهو کافر، وقد حارب الله ورسوله، ومن شک فی علی فهو کافر».

هر کس بر سر خلافت با علی ستیز کند و جای او نشیند کافر است و به تحقیق با خدا و رسول او جنگیده و هر کس درباره علی (ع) شکی کند او کافر است. این روایت را انس بن مالک - ابوذر - ابن عباس و ابان بن ثابت هریک به طور مجزا نقل کرده‌اند.^۱ عجیب تر اینکه جاراالله محمود بن عمر زمخشری متوفی ۵۳۸ هـ. ق. صاحب تفسیر بزرگ کشاف که از علمای مدقق اهل سنت روایتی را در تفسیر خود آورده که در جای خود بسیار جای تأمل و تفکر را می‌طلبد او آورده که خداوند بزرگ فرموده است: به یقین کسی را که از علی (ع) اطاعت کند وارد بهشت می‌کنم گرچه از من نافرمانی کند و حتماً کسی که نافرمانی علی (ع) را نماید داخل آتش می‌کنم گرچه از من پیروی نموده باشد.

۱۸۱. راه کسب خشنودی خدای بزرگ

کتاب الفردوس بمأثور الخطاب نوشته شیرویه بن شهردار بن شیرویه همدانی ملقب به الکیا متوفای سال ۵۰۹ هجری از علمای طراز اول اهل سنت در کتابش آورده که رسول خدا ﷺ فرمود: بر درب بهشت نوشته شده است لا اله الا الله؛ محمد رسول الله، علی برادر محمد و بنده پاک و منزله خداست ولایتش را چند هزار سال قبل از خلقت آسمان و زمین بر مردم در عالم ذر لازم نمودم. هر کس می‌خواهد خدای متعال را دیدار کند در حالی که خدا از او خشنود باشد باید دوست علی (ع) و اولاد علی (ع) باشد چون آن‌ها برگزیدگان بندگان پاک و منزله و جانشینان و دوستان من هستند.

۱۸۲. راه کسب سعادت مندی

رسول خدا ﷺ فرمود: «لو اجتمع الناس علی حبّ ابن ابی طالب لما خلق الله - عزّوجلّ -

النّار».^۲

۱. مناقب ابن مغازلی - نفس المصدر، ص ۴۵ - مناقب نوشته خوارزمی.

۲. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۱۹.



یعنی: اگر مردم بر دوستی علی علیه السلام جمع می‌شدند و بر محبت ایشان اجتماع می‌کردند خداوند آتش جهنم را خلق نمی‌کرد.

❖ ۱۸۳. نشانه های پاکی در زمین ❖

رسول خدا ﷺ برای مباحله با اهل نجران امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام و حسنین علیه السلام را همراه خود برد.^۱

❖ ۱۸۴. جهادگر بزرگ ❖

رسول خدا ﷺ در روز فتح خیبر بعد از فرار کردن بعضی از یاران خود درباره علی علیه السلام فرمود:

«لا دفعه الی رجل یحبه الله ورسوله ویحب الله ورسوله کرار غیر فرار یفتحها الله علی یدیه»؛ یعنی: پرچم را به کسی خواهم داد که خدا و پیامبرش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد جنگ آوری بی باک است که هرگز پا به فرار نمی‌گذارد و این قلعه محکم را خداوند به دست او فتح خواهد کرد.^۲

❖ ۱۸۵. تو اول آنانی ❖

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: شرکای من کسانی هستند که خداوند نام آن‌ها را با نام خود و نام من قرین نموده و فرموده: ای اهل ایمان از خدا و رسول او و اولی الامر اطاعت کنید. علی علیه السلام می‌فرماید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم: آن‌ها چه کسانی هستند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو اولین نفر آن‌ها هستی.^۳

۱. مناقب نوشته ابن مغزالی متوفای ۴۸۳ قمری، ج ۳۸۰۸ - مستدرک صحیحین نوشته حاکم نیشابوری شافعی مذهب متوفای ۴۰۵ قمری، ج ۳، ص ۱۰۵.
 ۲. صحیح مسلم، ج ۴، ح ۲۴۰۴ - سنن ترمذی، ج ۵، ح ۲۸۰۸ و ۲۴۰۵ - ۳۸۰۸ - ۲۴۰۶ - سنن ابن ماجه حدیث ۱۱۷ - مناقب نوشته ابن مغزالی ج ۳۸۰۳.
 ۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۸.

۱۸۶. بعثت انبیاء

ابوالقاسم حاکم حسکانی در شواهدالتنزیل آورده که پیامبر ﷺ خطاب به عبدالله بن عباس فرمود: ای عبدالله! جبرئیل پیش من آمد و گفت: ای محمد ﷺ! «وسئل من أرسلنا من قبلك من رسلنا علی ما بعثوا»؛ ای پیامبر! از رسولان گذشته و پیامبران پیشین در مورد رسالتی که بر آن مبعوث شدند سؤال کن تا علت بعثتشان را بیان کنند. از جبرئیل سؤال کردم، پیامبران گذشته بر چه رسالتی برانگیخته شدند؟ جبرئیل گفت: بر ولایت تو و ولایت علی بن ابیطالب ﷺ مبعوث شدند.^۱

۱۸۷. توبه واقعی

ابن حجر عسقلانی در کتاب صواعق فصل اول باب ۱۱ آورده: امام باقر ﷺ از جدّ خود امیرمؤمنان حدیث ذیل را نقل نموده که: اگر شخصی توبه کند، ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد ولی به ولایت ما هدایت نشده باشد این کارها او را بی نیاز نخواهد ساخت و نفعی به او نمی‌رسد.

۱۸۸. ید واحد

رسول خدا ﷺ به ابابکر فرمود:
«یا ابابکر! کفی وکف علی فی العدل سواء».
از ابوبکر روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: ای ابوبکر! کفه عدالت من و علی برابر است.^۲

۱۸۹. صاحب سر رسول الله

دیلمی در کتاب فردوس الاخبار حدیث ذیل را نقل کرده:

۱. صراط مستقیم، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. مناقب، ابی‌المغازلی، ص ۱۲۹ - تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۳۷ - مناقب خوارزمی، ص ۲۰۵.



رسول خدا ﷺ فرمود: برای هر پیامبری صاحب راز و اسراری است و صاحب راز و اسرار من علی بن ابیطالب است.

❖ ۱۹۰. سندی ۱۲۰۰ ساله ❖

کتاب الامامة والسياسة نوشته ابن قتیبه از علمای اهل سنت حدود ۱۲۰۰ سال پیش تألیف گردیده است. او در این کتاب آورده:

حضرت زهرا علیها السلام بعد از حمله به منزل ایشان در پشت درب حاضر شد و خطاب به جمعیت که سعی در به زور گرفتن بیعت داشتند فرمود: «لَاعْهَدُ لِي بِقَوْمِ اسْوَاءٍ مَحْضَرٍ مِنْكُمْ تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ جَنَازَةً بَيْنَ اَيْدِيْنَا وَقَطَعْتُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ لَمْ تَسْتَامِرُوا وَ لَمْ تَرْتَدُّوا...».

من قومی همانند شما سراغ ندارم که این چنین عهدشکن و بدبرخورد باشند پیکر رسول خدا ﷺ را بر روی دستان ما گذاشته و رها کردید و عهد و پیمانی را که در میان خود داشتید قطع کردید و بر خلاف عمل نمودید ولایت و رهبری ما اهل بیت را انکار کردید و زمام امر را از دست ما خارج ساختید و هیچ حقی را برای ما قائل نشدید گویا از سخنان رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم آگاهی نداشتید.

به خدا سوگند:

رسول خدا ﷺ در آن روز ولایت و رهبری را برای علی علیه السلام تعیین کرد تا امید و طمع شما را از خلافت قطع نماید ولی شما رشته های پیوند میان خود و پیامبر صلی الله علیه و آله را پاره کردید بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد.

❖ ۱۹۱. عبادتی ممتاز ❖

روزی عثمان به طور خیره به امام علی علیه السلام نگریست. امام علی علیه السلام به او فرمود: برای چه اینگونه به من نگاه می کنی؟ عثمان گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: نگاه کردن به علی علیه السلام عبادت است.^۱

۱. البداية و النهاية نوشته ابن کثیر شافعی مذهب، ج ۷، ص ۳۵۸.



«لا یزال هذا الدین صالحاً لا یضمره من عاداه او ناواه حتی یملک اثنا عشر امیراً کلهم من

قریش».^۱

آیا حقیقتاً این حدیث نورانی جز بر امام علی علیه السلام و یازده فرزندش که نه نفر آن‌ها از نسل حسین علیه السلام هستند صدق نمی‌کند یقیناً کسانی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زمام امور را در دست گرفتند مصداق این حدیث نیستند.

❖ ۱۹۵. رو سیاهان قیامت ❖

عمرو بن ابی بکار از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که ایشان فرمودند:
دشمنان علی علیه السلام و کسانی که مقام او را در دنیا انکار می‌کردند چون در قیامت منزلت او را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ببینند صورت هایشان سیاه می‌گردد...^۲

❖ ۱۹۶. خردمند بی بدیل ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یا علی! اذا تقرب الناس الی خالقهم فی ابواب البر فتقرب الیه بانواع العقل تسبقهم بالدرجات والزلفی عند الناس وعند الله فی الاخرة».^۳
یا علی! هنگامی که مردم به خدا نزدیک شوند به وسیله نیکی‌ها تو به خدایت نزدیک شو با انواع خردمندی تا پیشی‌گیری از آن‌ها با درجات از آن‌ها، تا به مردم نزدیک شوی در دنیا و در آخرت به خداوند.

❖ ۱۹۷. ولایت خداوند ❖

عمار بن یاسر به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوید:
«اوصی من آمن بی وصدقنی بولاية علی بن ابی طالب فمن تولاه فقد تولانی ومن تولانی فقد تولی الله ومن...».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به من ایمان بیاور و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را تصدیق کن

۱. المعجم الكبير، ج ۱۰، ح ۱۰۳۱۰ و المعجم الاوسط، ج ۴، ح ۳۹۵۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۶۵.

۳. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۶۴ نوشته امام محمد غزالی - حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۰۸.



زن عبدالله برخورد تند شود. حضرت علیؑ این امام رئوف در پاسخ فرمود: ای مرد آرام باش اسرار مردم را فاش نکن وارد خانه مردم نشوید و اگر در جایی زنان به شما و رهبر شما توهین کردند با آنان برخورد نکنید.^۱

(این اخلاق حکایت می کند از خلق و خوی پیامبرگونه امام علیؑ در برخورد با دشمنان که هر منصفی را به تعظیم و تکریم وا می دارد لذا حضرات اهل سنت نیز در کتب خود این بزرگواری حضرت علیؑ را در برخورد با دشمنانش نقل کرده اند آن طور که ابن ابی الحدید سنی صاحب کتاب شرح نهج البلاغه پس از نقل این ماجرا به ستایش حضرت علیؑ اقدام کرده است و می گوید: اگر اسم این برخورد را گذشت می نامی برای اثبات حسن رفتار کافی است و اگر اسم این عمل را دینداری می گذاری پس حقیقتاً علیؑ شایسته ترین فرد به این گونه رفتارها است).^۲

روزی ابویوب انصاری در شهر بصره برای عده ای حدیث مفصلی را بیان نمود و آن حدیث عبارت است از اینکه:

رسول خداﷺ فرمود: شب معراج دیدم بر ساق عرش نوشته شده بود «لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی ونصرته به».

سپس نوشته شده بود فاطمه و الحسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة.

پیامبر به خداوند عرض کرد: خدایا! ایشان چه کسانی هستند؟
وحی شد: این ها اوصیاء تو هستند بعد از تو. پس خوشا به حال دوستداران آن ها و بد ا به حال دشمنان آن ها.^۳

۲۰۱. لباس صالحان بر تن امام صالحان

شخصی از حضرت علیؑ در مورد نوع لباسی که بر تن داشت سؤال کرد. حضرت

۱. الکامل فی التاریخ نوشته ابن اثیر متوفی ۶۳۰ هـ ق. (تاریخ ۱۲ جلدی)، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴ متوفی ۶۵۶ هـ ق.

۳. کفایة الاثر، ص ۱۱۶.



فرستاد. در برگشت از نجران امام علی علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را در مکه ملاقات کرد... امام علی علیه السلام احرام بسته برای دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله آماده گردید بعد از دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و گزارش سفر خود، پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: برخیز و به مسجد برو طواف کن و مانند دیگران از احرام بیرون بیا.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! هنگامی که قصد احرام داشتم گفتم: بارخدا! همان گونه که پیامبر و بنده و رسولت محمد احرام بسته من هم به همان نحو احرام می‌بندم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از او پرسید: آیا قربانی با خود آورده ای؟ گفت: نه. آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در قربانی خود شریک کرد و مانند آن حضرت تا هنگام فراغت از حج بر احرام خویش باقی ماند و رسول خدا صلی الله علیه و آله شترانی را برای خود و حضرت علی علیه السلام قربانی کرد.^۱

❖ ۲۰۵. پیشوای متقیان ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به هنگام دریافت وحی به امام علی علیه السلام فرمود: یا علی! اگر من خاتم پیغمبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی ولی تو وصی و وارث من و سرور اوصیاء و پیشوای متقیان هستی.^۲

❖ ۲۰۶. بر سنت رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

امام احمد حنبل در مسند خود جلد ۲ صفحه ۲۶ آورده که نافع می‌گوید: روزی از پسر عمر بن خطاب سؤال کردم: چه کسی بعد از رسول خدا بهترین مردم است؟... او جواب داد: بهترین مردم کسی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچه را که بر او حلال بود بر او نیز حلال و آنچه را که بر او حرام بود برای او نیز حرام نمود. گفتیم: او کیست؟

۱. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۶۰۲.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۱۰.



ای علی! پس اگر وزن عمل امروز تو با اعمال امت من مقایسه شود این عمل تو بهتر می باشد از همه اعمال امتم.
 زیرا هیچ خانه ای از مشرکین و هیچ قلبی از آنان نیست که با کشته شدن عمروبن عبدود ناامیدی و سستی در آن راه نیافته باشد.
 و هیچ خانه ای از مسلمانان نیست که با کشته شدن عمروبن عبدود شادی در آن داخل نشده باشد.
 پس این عمل تو بر همه اعمال امت من برتری دارد.^۱

❖ ۲۱۰. طغیان و گمراهی ❖

امام علیؑ قبل از جنگ جمل و پیش از ورودش به شهر بصره در محلی به نام زاویه چهار رکعت نماز خواند و در حالی که گریه می کرد صورت بر خاک نهاد و بعد از آن دعا کرد اینگونه که... خدایا این گروه (عایشه، طلحه، زبیر و همراهان آنان) سرپیچی کرده و ستم نمودند و بیعت مرا شکستند. خدایا! تو خون مسلمانان را حفظ فرما.^۲

❖ ۲۱۱. راه عبور از صراط ❖

رسول خداﷺ فرمود: «اذا جمع الله الاولین والآخرین یوم القیامة نصب الصراط علی جهنم لم یجز عنها احد الا من کانت معه براءة بولایة علی بن ابی طالب».
 وقتی خداوند اولین و آخرین را در روز قیامت حاضر کند صراط را بر دوزخ نصب نماید و در آن روز احدی از صراط عبور نخواهد نمود جز آنهایی که در دست خود گذرنامه ولایت علی بن ابیطالبؑ را داشته باشند.^۳

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۱۶ نوشته مسعودی.

۳. ینابیع المودة، ص ۱۱۲.



۲۱۶. کارش را بردوش دیگران نمی گذاشت

صالح لباس فروش به نقل از مادرش گوید:
حضرت علی را دیدم که مقداری خرما را به درهمی خرید و آن را در روپوش خود حمل کرد. عده ای گفتند: ای امیرمؤمنان! اجازه بده ما این خرماها را برایتان بیاوریم. حضرت فرمود: «نه! صاحب خانواده بر حمل آن سزاوارتر است».^۱

۲۱۷. حاکم مؤمن

عبدالله بن زبیر نقل کرده که روز عیدقربان، به منزل حضرت علی رفتیم. شوربایی را جلوی من گذاشت. گفتم: خداوند، خیرت دهد! ای کاش این مرغابی را برای ما آماده می کردی و جلوی ما می گذاشتی! خداوند برکت را فراوان ساخته است. فرمود: «ای پسر زبیر! از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: برای خلیفه، از مال خدا جز دو ظرف غذا حلال نیست: ظرف غذایی که خود و خانواده اش آن را می خورند و ظرف غذایی که در پیش مردم می گذارد».^۲

۲۱۸. بخشنده کریم

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود آورده که عبدالله بن زبیر کسی بود که در جمع به حضرت علی فحش می داد و یکی از دشمنان ایشان بود. در جنگ جمل وقتی حضرت علی برای نبرد آماده شد عبدالله بن زبیر رو به سپاه عایشه کرد و جمله ای به امام گفت که من شرم دارم بیان کنم (ابن ابی الحدید) وقتی سپاه جمل شکست خورد عبدالله بن زبیر اسیر شد ولی امام فقط به او گفت: برو که من تو را نبینم.^۳

۲۱۹. شیر میدان نبرد

ابو جعفر گوید: وقتی که پیامبر بعد از جنگ احد به خانه برگشت شمشیر خود را به

۱. فضائل الصحابه، ج ۱، ص ۵۴۶ - الزهد، ص ۱۶۵ نوشته امام احمد حنبل.

۲. مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۳.

فاطمه (ع) داد و گفت: خون آن را بشوی و علی (ع) نیز شمشیر خود را به او داد و گفت: این را بشوی که امروز به خوبی کار کرد.^۱

۲۲۰. اصل واحد

رسول اکرم (ص) فرمود: «ان الله خلق الانبياء من شجر شتى وخلقنى وعلياً من شجرة واحدة فانها اصلها وعلی فرعها والحسن والحسين ثمارها واشياعنا اوراقها فمن تعلق بغصن من اغصانها نجى ومن زاغ هوى ولو ان عابداً عبدالله ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام ثم لم يدرك محبتنا اهل البيت اكبه الله على منخریه فی النار...».

خدای سبحان پیامبران را از درخت های مختلف و پراکنده خلق کرد اما من و علی (ع) را از درخت واحد خلق کرد من اصل شجره هستم و علی (ع) فرع آن است حسن و حسین (ع) میوه های این درخت هستند شیعیان ما برگ های سبز این درخت هستند، هرکسی به شاخه ای از شاخه های این درخت بچسبد و آویزان شود نجات می یابد و هرکسی از آن جدا شود و فاصله گیرد هلاک گردد اگر عابدی سه هزار سال عبادت کند در حالی که محبت ما اهل بیت را درک نکند خدای رحمان او را با صورت در آتش جهنم سرنگون کند.^۲

۲۲۱. پیشوای اهل تقوا

پیامبر اسلام (ص) فرمود: علی (ع) پیشوا و راهبر مؤمنان می باشد و مال دنیا پیشوا و راهبر منافقان می باشد.^۳

انتشارات سعید نفیسی

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۴.

۳. المعجم الكبير، ۲۰ جلدی، ج ۶، ص ۲۶۹ نوشته ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی متوفی ۳۶۰ هـ ق. این دانشمند اهل سنت دارای کتب دیگری مثل المعجم الاوسط در ۹ جلد و المعجم الصغير در ۲ جلد می باشد.



❖ ۲۲۲. کشتی سعادت ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «من أحب ان يركب سفينة النجاة ويستمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل الله المتين فليوال علياً ولياً تم بالهداة من ولده».

هرکسی دوست دارد به کشتی نجات در آید و به دستگیره محکم در آویزد و به ریسمان محکم الهی اعتصام جوید ولایت علی علیه السلام و امامت فرزندان او را بپذیرد تا گمراه نشود.^۱

❖ ۲۲۳. کشتی نجات بخش (با آدرس ۸ حدیث) ❖

طبرانی از محدثین بزرگ اهل سنت در سال ۳۶۰ قمری وفات یافته در کتاب های خود روایت مهم زیر را آورده است که رسول خدا ﷺ فرموده: «مثل اهلی فیکم کمثل سفینة نوح فی قوم نوح من رکبها نجا ومن تخلف عنها هلك».

و روایت مشهور: «مثل اهل بیته مثل باب حطة من دخله غفر له».^۲

❖ ۲۲۴. توسل صراط سلوک ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «خلق الناس من اشجار شتى وخلقت انا وعلی من شجرة واحدة فانا اصلها وعلی فرعها فطوبى لمن استمسك باصلها واكل من فرعها».

مردم از اشجار مختلف و متعددند اما من و علی از درخت واحدی هستیم من اصل درختم و علی فرع آن؛ خوشا به حال کسی که به اصل چنگ زند و از فرعش تناول کند.^۳

❖ ۲۲۵. زاهد دهر ❖

عمار یاسر به نقل از پیامبر اکرم ﷺ گفت: «یا علی! ان الله زينك بزينة لم يزين العباد

۱. شواهد التنزیل، ص ۲۰۷.

۲. المعجم الكبير نوشته طبرانی ج ۳، ح ۲۶۳۶ و ج ۱۲، ح ۱۲۳۸۸ و در المعجم الاوسط ج ۴، ح ۳۵۰۲ و ج ۶ ح ۵۳۸۶ و ۵۵۳۲ و ۵۸۶۶ و در المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۳۹ و ج ۲، ص ۲۲.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۹.

باحسن منها بغض الیک دنیا وزهدک فیها وحب الیک الفقراء فرضیت بهم اتباعاً ورضوا بک اماماً».

یا علی! خدای متعال تو را به زینتی نیکو آراسته کرد که احدی را آنگونه نیاراسته، بغض و کینه دنیا نسبت به تو و زهد تو نسبت به دنیا از جمله آن است. قلب فقراء جایگاه توست و قلب تو راضی به اطاعت و متابعت آنان است امامت تو را به جان خریدارند و به آن رضایت کامل دارند.^۱

۲۲۶. جان معنوی رسول خدا ﷺ

رسول خدا ﷺ فرمود: «علی منی کنفسی»؛ نسبت علی با من مثل جان خود من است.^۲

۲۲۷. اختیار عالم

عبدالله بن عمر بن خطاب از رسول خدا ﷺ روایت کرد که ایشان فرمود: «خیر رجالکم علی بن ابی طالب و خیر شبابکم الحسن والحسین و خیر نساءکم فاطمه بنت محمد علیه الصلاة والسلام».

بهترین و نیکوترین مردان شما علی بن ابیطالب است و برترین و بزرگ ترین جوانان شما حسن و حسین هستند و والاترین و پاک ترین زنان شما فاطمه زهرا ﷺ می باشد.^۳

۲۲۸. همزمان علی ﷺ در جنگ ها

رسول خدا ﷺ فرمود: «ما بعث علی فی سرّیه الا رأیت جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره و السحابة تظله حتی یرزقه الله الظفر».

علی به هیچ جنگی تنها فرستاده نشد مگر دیدم جبرئیل از راست و میکائیل از طرف چپ او، ابری سایه بر او افکنده تا آنکه فتح و پیروزی نصیب او می گردید.^۴

و در روایتی آمده که امام حسین ﷺ با عمامه سیاه در مقابل مردم آمد و ضمن بیان

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲. ینابیع الموده، ص ۵۳، باب هفتم.

۳. ینابیع الموده، ص ۲۴۷.

۴. کفایة الطالب، باب ۲۷.





اوصاف امام علی علیه السلام فرمود: در جنگ خیبر وقتی علی رو به قلعه خیبر رفت «یقاتل جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره»؛ جبرئیل و میکائیل در راست و چپ او می‌جنگیدند.^۱

۲۲۹. نبرد با بی دینی

ابوسعید خدری روایت کرده که روزی علی علیه السلام مشغول دوختن پاشنه کفش پیامبر صلی الله علیه و آله شد پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد و ما همراه او به راه افتادیم... پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند در میان شما کسی است که برای تأویل قرآن نبرد کند همان طوری که من برای تنزیل آن جنگیدم؟ در حالی که ابوبکر و عمر در میان ما بودند گردن کشیدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ یک از شما نیستید بلکه آن شخصی که کفش مرا دوخت مورد نظر من می‌باشد. آن‌گاه آمدیم و این خبر را به علی علیه السلام مژده دادیم ولی گویی که از قبل این خبر را می‌دانست.^۲

۲۳۰. پیرو راستین سنت نبوی

عبدالرحمان بی ابی لیلی از امام علی علیه السلام روایت کرده که: فاطمه رضی الله عنها نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و از او درخواست خدمتگزار کرد و آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا از چیزی که بهتر از این است، تو را آگاه سازم؟ به گاه خواب، ۳۳ مرتبه تسبیح خدا را، ۳۳ مرتبه حمد او را و ۳۴ مرتبه تکبیر او را بگو. آن را هیچ گاه ترک نکردم». گفته شد: حتی در شب صفین؟ گفت: حتی در شب صفین!^۳

۲۳۱. خدا دوستدار علیست

عبدالله بن عباس می‌گوید: روزی همراه با پدرم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم... پدرم عباس به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا علی علیه السلام را دوست می‌داری؟

۱. خصائص نسائی، ج ۲۰۲.

۲. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷ و مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۵۰۱.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۹۱ - صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۵۱.



قرآن بر چهار بخش نازل شد رباعی دربارهٔ ما و رباعی دربارهٔ دشمنان ما و رباعی مثل ها و رباعی محکم و مشابه.^۱

❖ ۲۳۴. برادری راستین ❖

ابن هشام به نقل از ابن اسحاق می گوید: پیامبر بعد از ورود به مدینه پیمان برادری بین مهاجرین و یا انصار ایجاد کرد و فرمود: «**تأخوا فی الله اخوین**»؛ پس دست خود را در دست حضرت علی علیه السلام گذارد و فرمود: این برادر من است، پس پیامبر صلی الله علیه و آله که سرور همهٔ انبیاء است با علی بن ابیطالب عقد برادری بست.^۲

❖ ۲۳۵. بینه و دلیل روشن ❖

عبدالله بن نجی می گوید: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: «والله تا به حال نه دروغ گفتم و نه دروغ شنیدم، هرگز در شبهه نیفتادم و هیچ گاه فراموشی بر من عارض نشد. بدانید من بینه ای هستم که خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرمود من بر طریق آشکار و صراط مبین هستم».^۳

❖ ۲۳۶. دستور رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

ابن مردویه در مناقب خود می گوید:
سالم غلام علی علیه السلام نقل می کند در مزرعه ای در خدمت حضرت علی علیه السلام بودم که ابوبکر و عمر نزد امام آمدند و گفتند: «**السلام علیک یا امیرالمؤمنین ورحمة الله وبرکاته**»؛ عده ای گفتند شما در زمان رسول خدا هم همین طور می گفتید؟ عمر گفت: «**قد أمرنا رسول الله صلی الله علیه و آله و آله بذلک**» پیامبر این طور به ما دستور داده بود.

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵.

۲. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۰۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ح ۳۸.

۲۳۷. حجت بالغہ

معاذ بن جبل می گوید: از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم کہ بہ علیؑ فرمود: «تخصم الناس بسبع ولا یحاجک فیہ احد من قریش انت اولہم ایماناً باللہ...».

تو با مردم بہ ہفت چیز مجاہہ می کنی و ہیچ کس از قریش در آن ہفت چیز نمی تواند بہ گفت و گو با تو برخیزد (و ادعای برابری با تو را بکند) تو نخستین کسی هستی کہ بہ خدا ایمان آوردی...^۱

۲۳۸. چہرہ دشمن علیؑ

ابن عباس گوید:

پیامبر ﷺ تعدادی سؤال از امام علیؑ پرسید و پاسخ خود را شنید. سؤالات بہ ترتیب ذیل می باشد.

پیامبر اسلام ﷺ یا علی! نخستین نعمتی کہ خدای متعال بہ تو عنایت فرمودہ کدام است؟

علیؑ: یا رسول اللہ! این کہ مرا مرد خلق کرد.

پیامبر ﷺ: نعمت دوم چیست؟

علیؑ: نعمت ہدایت و مسلمانی را بہ من عنایت کردہ.

پیامبر ﷺ: نعمت سوم چیست؟

علیؑ: آیہ «وان تعدوا نعمة الله لاتحصوها» را تلاوت کرد.

خداوند نعمت های بی شماری را بہ من عنایت نمودہ است.

رسول خدا ﷺ دستش را بر کتف علیؑ گذاشت و فرمود: احسنت بر تو یا علی! دشمن تو جزء منافق نیست.^۲

۱. توضیح الدلائل، ص ۱۷۱.

۲. شواہد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۶.



❖ ۲۳۹. محبوب ترین ها در نزد خداوند ❖

ابن مغزلی شافعی در مناقب خود روایت ذیل را اینگونه آورده که انس بن مالک می گوید:

... تعدادی پرنده برای پیامبر ﷺ آوردند. ایشان آن پرندگان را بین همسرانش تقسیم کرد یکی از همسران پیامبر ﷺ با یکی از این پرندگان غذایی را آماده و نزد پیامبر ﷺ آورد. رسول خدا ﷺ اینطور دعا کرد: خدایا! محبوب ترین مردم در پیشگاه خود را به اینجا بفرست تا از غذایی که از این پرنده آماده شده با هم میل کنیم. آن گاه امام علیؑ حاضر شد و پیامبر ﷺ با آن حضرت از آن غذا میل کردند.

❖ ۲۴۰. صاحب علم قرآن ❖

حسکانی در شواهد التنزیل خود آورده که امام علیؑ فرمود: «ما فی القرآن آیه الّا وقد قرأها علی رسول الله ﷺ وعلمنی معناها»؛ در قرآن هیچ آیه ای نیست مگر این که آن را برای رسول خدا ﷺ قرائت کردم و آن حضرت معنا و تفسیرش را به من تعلیم داد.

❖ ۲۴۱. نشانه نفاق ❖

رسول خدا ﷺ به امام علیؑ فرمود: «(یا علی!) انه لایحبک الا مؤمن ولایبغضک الا منافق»؛ ای علی! دوست نمی دارد تو را مگر شخص مؤمن و دشمنی نمی کند با تو مگر کسی که منافق است.^۱

❖ ۲۴۲. همراه قرآن ❖

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «أیها الناس یوشک ان اقبض سریعاً وقد قدّمت الیکم... هذا علی مع القرآن والقرآن مع علی ولایفترقا حتی یردا علی الحوض فاسالکم ما تخلفونی فیهما».
ای مردم نزدیک است که از دنیا بروم و من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم، کتاب خدا و اهل بیتم، آن گاه دست علی را گرفتند و فرمودند:

۱. مسند امام احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۲۷ و ج ۶، ص ۲۹۲.

این علی با قرآن است و قرآن با علی است و از همدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه وارد حوض من شوند پس از شما می‌خواهم نسبت به این دو تخلفی نکنید.^۱

۲۴۳. جایگاه قیامتی علی (ع)

رسول خدا (ص) فرمود: علی در قیامت تقسیم کننده بهشت و جهنم می‌باشد.^۲

۲۴۴. حقیقتی استثنایی

بعد از ارتحال پیامبر (ص) درباره میراث ایشان اختلاف جزئی میان امام علی (ع) و عمویش عباس پیش آمد. عباس می‌گفت: اموال پیامبر (ص) به او می‌رسد. داوری این موضوع به ابوبکر رسید، ابوبکر با استشهاد به واقعه «اندر عشیریک الاقرین»؛ خطاب به عباس گفت: تو را سوگند می‌دهم آیا می‌دانی که رسول خدا (ص) همه پسران عبدالمطلب و فرزندان آن‌ها را در خانه خود گرد آورد و تو هم در میان آن‌ها بودی و رسول خدا (ص) به شما گفت: ای پسران عبدالمطلب خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه برای او از خاندانش، برادر و وصی در خاندانش قرار داد پس کدام یک از شما حاضر است برادر و وزیر و جانشین من باشد و با من بیعت کند. آن‌گاه علی (ع) از میان شما برخاست و با پیامبر (ص) بیعت نمود. عباس در پاسخ به ابوبکر گفت: آری به یاد دارم. ابورافع می‌گوید: پس از سخنان ابوبکر، عباس به او گفت: پس تو به چه دلیلی بر این جایگاه نشسته‌ای؟

ابوبکر گفت: ای پسران عبدالمطلب آیا نیرنگ می‌زنید؟^۳

۱. ینابیع المودة، ص ۱۸.

۲. کنز العمال، ج ۶ ص ۴۰۲ - کنز الحقائق، ص ۹۲ - صواعق المحرقة نوشته ابن حجر، ص ۷۵.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۵. (از این موضوع به دست می‌آید که عباس این ماجرا را درست کرده که به ابوبکر بفهماند خلافت را غصب کرده و شبیه همین ماجرا را نیز ابن عباس با عمر بن خطاب داشته که در منابع اهل سنت مثل تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۹ آمده است).

❖ ۲۴۵. عالم معالم دین ❖

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که علی علیه السلام نماز صبح را می خواند، در حال تعقیب نماز بود تا خورشید طلوع می کرد.
 هنگام طلوع خورشید، تهی دستان و مستمندان و دیگر قشرهای مردم، نزد او جمع می شدند و او به آنان، دین شناسی و قرآن می آموخت و در ساعتی خاص، از این جلسه بر می خاست.^۱

❖ ۲۴۶. آزار نبی الله صلی الله علیه و آله ❖

امام احمد حنبل در مسند خود این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده که ایشان فرمودند: «من آذی علیاً فقد آذانی ایها الناس من آذی علیاً بعث یوم القیامة یهودیان او نصرانیاً». کسی که اذیت کند علی را مرا اذیت کرده است، ای مردم کسی که علی را آزار دهد در قیامت یهودی یا نصرانی محشور می شود.^۲

❖ ۲۴۷. ظلم به رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

ابونعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از امام علی علیه السلام آورده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله قسمتی از موی مبارک خود را به دست گرفت و فرمود: «یا علی من آذی شعرة منك فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله ومن آذی الله فعليه لعنة الله». یا علی! هرکس به اندازه مویی تو را اذیت کند مرا اذیت کرده و هرکس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده پس هرکس خدا را اذیت کند بر او لعنت خدا باد.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۹.

۲. الفردوس مآثور الخطاب، ج ۴، ص ۱۵۳.

❖ ۲۴۸. دوازده خورشید تابان ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «انا سید النبیین وعلی سید الوصیین وان اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی وآخرهم القائم المهدی (ع)».

من آقا و بزرگ انبیاء و علی سید اوصیاء می باشد و به درستی که اوصیاء بعد از من دوازده نفر هستند، اول آن ها علی و آخرشان مهدی (ع) می باشد.^۱

❖ ۲۴۹. اثر قیامتی حب علی (ع) ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «اكثرهم لم نوراً يوم القيامة اكثرهم حباً لال محمد (ص)»^۲.

نورانی ترین شما در روز قیامت آن کسی است که عاشق ترین افراد به آل محمد (ص) باشد.

❖ ۲۵۰. صبور و حلیم بزرگ ❖

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «علی اقدکم اسلاماً وافوکم ایماناً واكثرکم علماً وارجحکم حلماً واشدکم فی الله غضباً علمته علمی واستودعته سرّی ووکلته بشأنی فهو خلیفتی فی اهلی وامینی فی امتی».

علی سابقه دارترین و برترین مؤمن و عالم ترین انسان و حلیم ترین شماسست در حق الله، سخت گیر، وارث علم من و محرم اسرارم، وکیل در کارم است خلیفه و جانشین در اهل و عیالم و در میان امتم امین من است.^۳

❖ ۲۵۱. نشانه انسان سعادت مند ❖

حضرت فاطمه زهرا (ع) می فرماید: «انّ السعید کل السعید حق السعید من أحب علیاً فی حیاته وبعد موته».

۱. فرائد السمطین، باب ۷۷، ح ۱۱۶۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. مناقب خوارزمی، ص ۴۷ - ینابیع الموده، ص ۲۱۳.



همانا خوشبختی و سعادت و رستگاری در کسی است که علی را در دوران زندگی و پس از مرگ دوست داشته باشد.^۱

❖ ۲۵۲. اثر ولایت علیؑ در عبور از صراط ❖

رسول خداﷺ فرمودند: «من سره (من اراد) ان یجوز علی الصراط کالریح العاصف ویلج الجنة بغیر حساب فلیتول ولیّی ووصیّی وصاحبی و خلیفتی علی اهلّی علی بن ابی طالب و من اراد ان یلج النار...».

هر کسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند و ولایت ولیّ و وصیّ و صاحب و خلیفه من علی بن ابیطالبؑ را بپذیرد و بر دل بسپارد و هر کسی می خواهد در آتش جهنم سرنگون شود، ولایت علی بن ابیطالبؑ را رها کند.

به عزت و جلال پروردگارم سوگند علیؑ باب الله است هیچ کسی وارد نمی شود مگر از آن باب و او صراط مستقیم است، علیؑ آن کسی است که خداوند در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد.^۲

❖ ۲۵۳. خانه های بهشتی ❖

رسول خداﷺ به عمر بن خطاب فرمود: «اما علمت ان منزلی و منزل علی فی الجنة واحدة وقصری وقصر علی فی الجنة واحد و سریری و سریر علی فی الجنة واحد».^۳

آیا نمی دانی منزل من و علی در بهشت در یک مکان واحد است و قصر من و قصر علیؑ در جای واحد و تخت من و تخت علی در مکانی واحد در بهشت است. (این روایت به شکل های گوناگون نقل شده است).

۱. مناقب خوارزمی، ص ۴۷ - ینابیع المودة، ص ۲۱۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۵.



❖ ۲۵۷. سکوت دستور رسول خدا ﷺ ❖

رسول اکرم ﷺ وقایع بعد از خود را برای امام علیؑ اینگونه بیان نمودند: امت من پس از تو به تو خیانت می‌کنند اگر یارانی یافتی قیام کن وگرنه سکوت اختیار کن.^۱

❖ ۲۵۸. بزرگ‌ترین صحابی کیست؟ ❖

عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که صبحگاهی وارد مسجد النبی شدم... پیامبر ﷺ به اصحاب فرمودند:

«الا تسألونی عن أفضلکم؟» آیا نمی‌خواهید بدانید برترین شما کیست؟ عرض کردند: آری!

رسول خدا ﷺ فرمود: «أفضلکم علی بن ابی طالب اقدمکم اسلاماً...».

افضل از همه شما علی بن ابیطالب است. از جهت تقدم در اسلام، از جهت ایمان قوی ترین شماست، از جهت دانش بالاترین شماست، از جهت خشم در راه خدا سخت ترین شماست و در مقابل دشمنان قوی ترین شما می‌باشد.

او بنده خدا و برادر رسول اوست من دانش خود را به او آموختم و اسرار خود را نزد او سپردم پس او امین من بر این امت خواهد بود.^۲

❖ ۲۵۹. صاحب راز علیست ❖

رسول خدا ﷺ در جنگ طائف علیؑ را به نزد خود برد و با او صحبت پنهانی کرد سپس رو به اصحاب خود کرد و فرمود: «أیها الناس انکم تقولون: انی انتجت علیاً...»؛ شما گمان می‌کنید فقط من با علی راز می‌گویم خداوند هم با او راز می‌فرماید که هر انسانی باید خود را به آن برساند.^۳

۱. مناقب نوشته (الوسطی الشافعی علی بن محمد بن محمد بن محمد) مشهور به ابن مغازلی شافعی متوفای ۴۸۳ قمری، ج

۳، ص ۲۱۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۲۵.



❖ ۲۶۳. عامل عاقبت بخیری ❖

خوارزمی در فصل نهم کتاب مناقب خود این روایت را از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که:

خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که امام علی علیه السلام به سوی ما آمد حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قد اتاکم أخی»؛ به سوی شما آمد برادر من سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی کعبه نگاه کرد و دست علی را گرفت و گفت: «والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته هم الفائزون یوم القیامة»؛ به آن خدایی که جان من در دست اوست این علی و شیعیان او رستگارانند در روز قیامت.

❖ ۲۶۴. جز علی علیه السلام کسی اینگونه نگفت ❖

قندوزی صاحب کتاب ینابیع الموده متوفی ۱۲۹۴ هـ ق. از عبدالله بن مسعود نقل کرده که حضرت علی علیه السلام بر بالای منبر فرمود: «أیها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فان بین جوانحی...»؛ ای مردم! سؤال کنید از من قبل از آن که مرا نیابید پس به درستی که در سینه من علم فراوانی است سؤال کنید از من که در نزد من است علم اولین و آخرین.

❖ ۲۶۵. نسلی از جنس نور ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله جعل ذریة کل نبی فی صلبه وجعل ذریة فی صلب هذا»؛ خدا نسل هر پیامبری را از پشت او به ثمر رسانده به جز نسل من که از پشت علی به ثمر می‌رسد.^۱

❖ ۲۶۶. برکت ویژه ❖

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وضو گرفت آن گاه آب وضوی دست خود را به صورت علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام پاشید و فرمود: «اللهم بارک هما فی نسلهما»؛ خدایا! رحمت و برکت بر سر اینان و نوه هایشان بیاران.^۲

۱. ذخائر العقبی نوشته طبری، ص ۶۷.

۲. الاتحاف ببحث الاشراف، ص ۲۱.



❖ ۲۷۰. اثر دوستی علی علیه السلام در قیامت ❖

ابن حجر عسقلانی در فصل ۲ صواعق محرقه آورده که:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی! انت قسیم الجنة والنار تقول للنار هذا لی وهذا لک».
یا علی! تویی قسمت کننده بهشت و دوزخ و تویی که به آتش می‌گویی این از آن
من و این از آن تو است.^۱

❖ ۲۷۱. نشانه حق بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ستكون من بعدی فتنة فاذا كان ذلك فالزموا علی بن ابی طالب انه
اؤل من يرانی من یصافحنی یوم القيامة وهو معی فی السماء العلیا وهو الفاروق بین الحق
والباطل». ^۲
به زودی بعد از من فتنه ای ایجاد می‌شود پس اگر اینگونه شد بر شما لازم است که
با علی بن ابیطالب باشید زیرا او اولین شخصی است که مرا می‌بیند و با من در روز قیامت
مصافحه می‌کند و او با من و در مرتبه من است و اوست جدا کننده بین حق و باطل.

❖ ۲۷۲. خلیفه را برای مردم معرفی کرد ❖

ابن مغازلی شافعی در مناقب خود آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «انه لا ینبغی ان
اذهب الا وانت خلیفتی وانت اولی بالمؤمنین من بعدی».
سزاوار نیست که من از میان مردم بروم مگر آن که تو خلیفه و اولی به مؤمنین
باشی بعد از من.

❖ ۲۷۳. اثر باطنی حب علی علیه السلام ❖

معاذبن جبل روایت کرده از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: «حب علی حسنة لا یضر معها سیئة
وبضغه سیئة لاتنفع معها حسنة». ^۳

۱. ینابیع الهدی نوشته شیخ سلیمان بن ابراهیم حسینی بلخی قندوزی حنفی متوفی ۱۲۹۴ هـ ق.

۲. ینابیع الهدی، باب ۶۱

۳. ینابیع الهدی، ص ۲۰۱.



❖ ۲۷۷. فاتح بی بدیل میدان ها ❖

در جنگ خیبر پیامبر ﷺ بعد از فرار ابوبکر و عمر از میدان فرمود: فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست می‌دارد.

امام علیؑ در این جنگ شاهکارهای بی نظیری را نشان داد، کندن در خیبر، به قتل رساندن مرحب خیبری، حمله به قلعه‌های پیچیده خیبر و کشتن کثیری از یهودیان حاضر در میدان جنگ واحدی در کتاب تاریخی اهل سنت شیعه آن‌ها را تکذیب نکرده است و همه اتفاق قول دارند که این اعمال فقط از او صادر گردیده است اما در اینجا به بخشی از فرمایشات حضرت علیؑ دربارهٔ مواجهه آن حضرت با مرحب خیبری اشاره می‌شود.

علیؑ می‌فرماید: مرحب در مبارزه با من گفت: «من آن کسی هستم که مادرم او را مرحب نامید آماده کارزارم و تکاوری آزموده می‌باشم که زمانی با شمشیر می‌جنگم و زمانی با نیزه».

من به جنگ با او رفتم. از آنجایی که مرحب سر بزرگی داشت و هیچ کلاه خودی برای سر او اندازه نبود سنگی را از داخل تراشیده بود و بر سر می‌نهاد تا محافظ خوبی هم برای سرش باشد ولی با ضربه‌ای که بر سر او زد آن سنگ شکسته شد و شمشیر من بر فرق سرش فرود آمد و به قتل رسید.^۱

❖ ۲۷۸. ممتاز دهر ❖

بعد از شهادت حضرت علیؑ امام حسنؑ خطبه‌ای ایراد کرد و در بین آن به مردم چنین گفت: امشب مردی در گذشت که پیشینیان به او نرسیده‌اند و آیندگان هرگز مانند او را نخواهند دید. کسی که نبرد می‌کرد و جبرئیل در طرف راست و میکائیل در سمت چپ او بودند به خدا سوگند در همان شبی وفات کرد که موسی بن عمران در گذشت و عیسیؑ به آسمان برده شد و قرآن نازل شد.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۷. (این کتاب یکی از کتاب‌های مستند اهل سنت که نویسنده آن در تاریخ ۲۲۴ هـ ق. متولد و در سال ۳۱۰ هـ ق. فوت کرده است و این کتاب از قدیمی‌ترین کتاب‌های تاریخی می‌باشد).

بدانید که او زر و سیمی به جا نگذاشت مگر هفتصد درهم که از مقرری خودش بود و می‌خواست برای خانواده‌اش خادمی بخرد.^۱

۲۷۹. سابقه ای نورانی

دیلمی در فردوس الاخبار روایت ذیل را اینگونه آورده که:
رسول خدا (ص) فرمود: «لو يعلم الناس متی سمی علی امیرالمؤمنین...».
اگر مردم می‌دانستند که علی چه موقع به لقب امیرالمؤمنین نامیده شد فضایل او را منکر نمی‌شدند زمانی که آدم بین روح و جسد بود او امیرالمؤمنین نامیده شد آن زمان که خداوند از انسان‌ها سؤال کرد: آیا من پروردگار شما نیستم؟
گفتند: آری!

خداوند فرمود: من پروردگار شما هستم و محمد پیامبر شما و علی امیر شماست.
روزی پیامبر (ص) به دخترش حضرت زهرا (ع) فرمود: «انّ الکرامة ایاک زوجک من هو اقدمهم سلماً واكثرهم علماً». از جمله کرامت‌های خداوند به تو آن است که تزویج کرد تو را به کسی (علی) که جلوتر از مردم است در اسلام و عالم‌ترین آن‌ها از حیث علم و دانش می‌باشد.^۲

۲۸۰. با روح رسول خدا (ص) مسح کرد

امام علی (ع) فرمود: «ولقد قبض رسول الله (ص) وانّ رأسه لعلی صدری ولقد سألت نفسه فی کفی فامررتها علی وجهی»؛ هر آینه به تحقیق رسول خدا (ص) قبض روح شد در حالی که سر مبارکش روی سینه من قرار داشت و روح آن حضرت در دست من خارج شد و من دستهایم را بر صورت‌م کشیدم.^۳

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲. ینابیع المودة، باب ۷۳.

۳. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیید، ج ۲، ص ۵۶۱.



❖ ۲۸۱. پیشیمان شده ❖

ابن ابی الحدید معتزلی به نقل از تاریخ ابی مخنف آورده که روزی ام سلمه به عایشه فرمود: یادت می آید که من همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به حجره تو آمدیم در آن هنگام علی وارد شد و با رسول خدا صلی الله علیه و آله نجوی می کرد و سخنان طولانی شد تو خواستی بر آن حضرت پرخاش کنی که من مانع شدم اما تو گوش ندادی و به آن بزرگوار گفתי، هر نه روز یک بار نوبت من است که پیامبر به حجره من بیاید آن هم تو آمدی و با پیامبر سخن می گوئی. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی این رفتار تو را با علی رضی الله عنه دید صورتش سرخ شد و به تو فرمود: «ارجعی وراک واللہ لایبغضه احد من اهل بیتی ولا من غیرهم من الناس الا وهو خارج من الایمان»؛ برگرد به عقب به خدا قسم احدی از اهل بیت من و نه غیر آنها از مردم با علی دشمنی نکند الا این که او از ایمان بیرون رفته است پس تو پیشیمان برگشتی...

❖ ۲۸۲. حکم خدا نازل نشده است ❖

هرگاه کسی به خواستگاری فاطمه رضی الله عنها می رفت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عذر می خواست و می فرمود: «لم ینزل القضاء بعد؛ هنوز حکم و فرمانی در این باره بر من نازل نشده است».

❖ ۲۸۳. تو خلیفه امتی ❖

امام احمد حنبل در مسند خویش این حدیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان فرمودند:

«یا علی! انت تبرء ذمتی وانت خلیفتی علی امتی».

یا علی! تو دین و ذمه مرا ادا می کنی و تو خلیفه من بر امت هستی.

۱. ذخائر العقبی، ص ۳۰.

۲۸۴. بدآ به حال دشمن علی (ع)

متقی هندی صاحب کتاب کنز العمال در این اثرش حدیث ذیل را از پیامبر (ص) نقل نموده که:

«من سره ان یحیا حیاتی ویموت مماتی ویسکن جنة عدن غرسها ربی فلیوال علیاً من بعدی...»^۱

هر کس می خواهد مانند من زندگی کند و مثل من از دنیا برود و در بهشت جای گیرد علی بن ابیطالب (ع) را پس از من ولی (خود) قرار دهد و بعد از من به اهل بیتم اقتدا کند و همانا عترت من از خاک من آفریده شده اند و علم و درک من به آنها عطا شده است و وای بر منکر فضائلشان از امت من «فویل للمکذبین بفضلهم من امتی القاطعین فیهم صلتی لا انا لهم الله شفاعتی».

(و وای) بر آنانی که پیوندشان را از من قطع کنند که هرگز شفاعت من به آنان نمی رسد.

۲۸۵. محبوبی آشکار

حضرت علی (ع) فرمود: «خرجت مع رسول ذات یوم تمشی فی طرقات المدینه اذ مرنا بنخل من نخلها فصاحت نخلة...»؛ روزی با رسول خدا (ص) در مدینه راه می رفتیم در آن هنگام از بین درختانی می گذشتیم، هر درختی به دیگری خطاب می کرد این پیامبر برگزیده و او علی مرتضی است، دومین درخت به سومین درخت فریاد می زد این موسی و برادرش هارون است، از بین آنها عبور کردیم سومین درخت به چهارمین می گفت: این نوح و او ابراهیم است. چهارمین به پنجمین درخت می گفت: این محمد سرور پیامبران و این علی سرور اوصیاء است.

آن گاه پیامبر (ص) لبخندی زد و فرمود: من این درختان را درخت های فریاد زن می نامم چرا که به ویژگی های من و تو فریاد می زنند.^۲

۱. کنز العمال، ج ۶ ص ۲۱۷.

۲. فرائد السمطین فی فضایل المرتضی، ج ۱، ص ۱۳۷ نوشته الجوبینی الخراسانی متوفی ۷۳۰ هـ ق.



۲۸۶. حضرت ابوطالب علیه السلام و ایثارگری هایش

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود آورده که جناب ابوطالب علیه السلام خیلی نگران پیامبر صلی الله علیه و آله بود به همین دلیل بعضی از شب ها علی فرزندش را در بستر پیامبر و به جای ایشان می خوابانید و محل خواب پیامبر صلی الله علیه و آله را تغییر می داد. شبی علی علیه السلام به پدرش ابوطالب علیه السلام چنین گفت که من کشته می شوم.

ابوطالب در چند بیت به او گفت: «پسرم شکبیا باش که شکیبایی عاقلانه است و هر زنده ای می میرد اما خداوند خواسته دوستی فدای دوست والا گهر گردد که کریم و نجیب باشد، اگر مرگی برسد تنها برای تو نیست هر زنده ای می میرد».

علی علیه السلام در پاسخ صحبت های ابوطالب می گوید: «مرا در یاری احمد به شکیبایی دستور می دهی؟ به خدا قسم هر چه که گفتم از روی ترس نبود من دوست دارم یاری مرا در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله ببینی و بدانی من پیوسته فرمانبردار تو هستم من احمد را که هر کودک و جوانی ستوده است برای رضای خدا یاری می کنم.

۲۸۷. صفات دشمنان علی علیه السلام

جابر بن عبدالله انصاری روایتی را نقل کرده که حاکم حسکانی در شواهد التنزیل آورده و آن روایت این است که:

با عده ای همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم مردی را دیدیم در حال تضرع و رکوع و سجود. عرض کردیم: ای رسول خدا! نماز این مرد چه نیکوست؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این همان کسی است که پدر شما آدم را از بهشت بیرون نمود (شیطان) در این زمان علی علیه السلام بدون ترس به طرف او رفت و او را به زمین زده و استخوان های او را درهم فشرد و فرمود با خواست خدا تو را خواهم گشت. شیطان به امام گفت: «مرا در نزد خدا مهلتی است... برای چه می خواهید مرا بکشید؟».

به خدا سوگند تو را دشمن نمی دارد مگر کسی که من قبل از پدر او نطفه خود را در رحم مادر او ریخته ام؛ همانا من در اموال و اولاد دشمنان تو شرکت می کنم... آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «صدقک واللہ یا علی! لایبغضک



«یا علی! ان فیک مثلاً من عیسی بن مریم ابغضة اليهود حتی بهتوا امه واجبه النصراری حتی انزلوه بالمنزلة التي لیس بها».

یا علی! تو مانند عیسی بن مریمی که یهودیان او را دشمن داشتند تا آنجا که به مادرش بهتان زدند و مسیحیان آن قدر او را دوست داشتند که مقام او را فراتر از آنچه بود رساندند؛ یعنی او را به درجه الوهیت رساندند.^۱

❖ ۲۹۲. ید واحد ❖

ابوهریره روایت کرده که روزی پیامبر ﷺ یک مشت خرما به من داد که تعداد آن را شماره کردم ۷۳ عدد بود آن گاه نزد حضرت علی رضی الله عنه رفتم او نیز یک مشت خرما به من داد شمردم دیدم ۷۳ عدد می باشد. به محضر پیامبر ﷺ رفته و تعجب خود را از برابری تعداد خرماها به ایشان گفتم. پیغمبر اسلام ﷺ لبخندی زد و فرمود: «یا اباهریره! اما علمت ان یدی علی بن ابی طالب فی العدل سواء».

ای اباهریره! مگر نمی دانی دست من و دست علی در عدالت برابر است.^۲

❖ ۲۹۳. صفاتی از جنس پاکی ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس می خواهد دانش آدم، بینش نوح، بردباری ابراهیم، پارسایی یحیی بن زکریا و خشم موسی بن عمران را ببیند به علی بن ابیطالب نگاه کند.^۳

❖ ۲۹۴. اهل بیت علیهم السلام قبل از خلقت ❖

ابن حجر در کتاب خود روایت ذیل را نقل کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: خداوند آدم و حوا را آفرید و به فردوس برین برد... آن ها در فردوس بانویی را دیدند که جامه ای زیبا از جامه های بهشتی در برداشت و تاجی نورانی بر سر گذاشته و دو گوشواره درخشان به گوش آویخته داشت و بهشت از پرتو نور چهره اش درخشان بود.

۱. این روایت در تاریخ الکبیر بخاری، ج ۲، ص ۲۸۱ و تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۲، ص ۲۳۴ نیز آمده است.

۲. لعالی سیوطی، ص ۵۴.

۳. تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۸۰.



محمد است حبیب من از میان مخلوقات من، او را تأیید کردم به علی وزیر او و او را به علی یاری کردم.^۱

۲۹۶. اثر قیامتی پیروی از علی علیه السلام

رسول خدا ﷺ فرمودند: «من سرّه (من آزاد) ان یجوز علی الصراط کالریح العاصف ویلج الجنة بغیر...»؛ هر کس مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند؛ ولایت ولی و وصی و مصاحب و خلیفه من، علی بن ابیطالب علیه السلام را بپذیرد و بر دل بسپارد و هر کسی می خواهد در آتش جهنم سرنگون شود، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را رها کند.

به عزت و جلال پروردگرم سوگند علی علیه السلام باب الله است، هیچ کسی وارد نمی شود مگر از آن باب و او صراط مستقیم است علی علیه السلام آن کسی است که خداوند در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد.^۲

۲۹۷. حدیث منزلت در سایر منابع و کتبه اهل سنت

رسول خدا ﷺ در غزوه تبوک به امام علی علیه السلام فرمود: «انت منی بمنزلة هارون من موسی».^۳

۲۹۸. هیچ پیغمبری بدون وصی نبود

میرسید علی همدانی شافعی در کتاب مودة القربی این حدیث را از رسول خدا ﷺ نقل نموده که ایشان فرمودند:

«ان الله تعالی جعل لكلّ نبی وصیاً، جعل شیث وصی آدم ویوشع وصی موسی وشمعون وصی عیسی وعلیاً وصی وصی خیرالاصیاء فی البداء وانا الداعی وهو المضمی»؛ به درستی

۱. این حدیث در *ینابیع المودة* ص ۲۵۶ نیز آمده است.

۲. *شواهد التنزیل*، ج ۱. ص ۷۶.

۳. *صحیح مسلم*، ج ۴، ص ۴۲، ح ۲۴۰۴ و *سنن ترمذی*، ج ۵ - *منقب ابن مغازلی*، ح ۳۸۰۸ و ۳۸۱۴ - *سنن ابن ماجه* (مقدمه)، ح ۱۱۵ - *مستدرک صحیحین*، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۳۳.



خدای سبحان فرمود: او را دوست بدار و امت را امرکن او را دوست بدارند من علی
علی هستم و نام او را از نام خودم گرفتم و او را علی نامیدم...^۱

❖ ❖ ❖ ۳۰۱. دشمن رسول الله ﷺ ❖ ❖ ❖

ام سلمه روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که علی را دشنام دهد مرا دشنام
داده است.^۲

❖ ❖ ❖ ۳۰۲. کدامیک از صحابی اینگونه حرفها را می زدند ❖ ❖ ❖

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه این حدیث را آورده که:
امام علی علیه السلام فرمود: به خدا قسم اگر بخواهم به هر فردی از شما خبر دهم که از کجا
بیرون می رود و از کجا داخل می شود و همه حالاتش را بیان کنم این کار را می کنم. اما
می ترسم که به پیامبر خدا ﷺ کافر شوید (و مرا پیامبر بدانید).
بدانید که من این اخبار را به یاران خاص خود که بیم چنین انحرافی در آنها نمی رود
می رسانم.

❖ ❖ ❖ ۳۰۳. خورشید تابنده ❖ ❖ ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «اذا فقدتم الشمس فاتوا القمر واذا فقدتم القمر فاتوا الزهرة فاذا
فقدتم الزهرة فاتوا الفرقدين»؛ اگر خورشید را از دست دادید به سوی ماه بشتابید و اگر
ماه پنهان شد به جانب زهره بروید اگر به زهره نتوانستید دست پیدا کنید به سمت
فرقدین بروید.
شخصی از پیامبر ﷺ سؤال کرد ای رسول خدا! شمس و قمر و زهره و فرقدان چه
می باشند؟

ایشان پاسخ دادند: شمس آسمان هدایت من هستم. قمر عالم تاب آسمان ولایت

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. کنز العمال، ج ۶ ص ۱۵۷ - ینابیع الموده، باب ۶ ص ۳۳۹.

علی بن ابیطالب (ع) است. ستاره زهره در شب تاریک فاطمه (ع) است و فرقدان دو فرزندم حسن و حسین (ع) هستند.^۱

۳۰۴. نشانه های عشق

امام احمد بن حنبل در مسند خود پیرامون نزول آیه «قل لا اسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربی»؛ آورده که از پیامبر (ص) درباره اشخاص مذکور در این آیه سؤال کردند؟ پیامبر (ص) فرمودند: این افراد علی و فاطمه و ابناءها می باشند.

۳۰۵. صاحب اسرار کتاب الله

امام علی (ع) فرمود: پیامبر اسلام (ص) نوع قرائت هر آیه ای که نازل می شد را به من یاد می داد بعد آیه را می نوشت و من نیز آن را می نوشتم آن گاه تأویل، تفسیر، ناسخ، منسوخ، محکم و متشابه بودن آیه را به من می آموخت و در حقم دعا می کرد که آن حقایق را دریابم و حفظ کنم و بعد از آن نیز هیچ گاه چیزهایی را که آموخته بودم فراموش نکردم.^۲

۳۰۶. واسطه علمی استثنایی

میرسید علی بن شهاب الهمدانی در کتاب مودة القربی حدیث ذیل را از پیامبر اکرم (ص) به نقل از عبدالله بن مسعود آورده است: «انا میزان العلم و علی کفتاه و الحسن و الحسین خیوطه و فاطمة علاقته...».

من میزان و ترازوی علم هستم و علی دو کفه آن است و حسن و حسین بند و ریسمان آن و فاطمه واسطه ارتباط و علاقه اوست.^۳

۳۰۷. مثالی رسا

امام صادق (ع) فرمود: «... انه من اتی البیوت من ابوابها اهتدی و من اخذ فی غیرها سلک

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸.

۳. ینابیع المودة، ص ۲۴۵. ارجح المطالب، ص ۳۱۲ - مقتل الحسین (ع)، ص ۱۰۷.



طریق الردی وصل الله طاعة ولی امره بطاعة رسوله وطاعة رسوله بطاعته فمن ترك طاعة ولاة الامر لم يطع الله ولا رسوله».

همانا هر کس از درهای خانه ها وارد شود اهل هدایت است و آن که از غیر در بیاید راه هلاکت پیموده است خداوند اطاعت از ولی امر خود را به اطاعت از رسول خود و اطاعت از رسول خود را با اطاعت از خود پیوند زده است بنابراین هر کس اطاعت از اولیای امر را ترک کند از خدا و رسول او اطاعت نکرده است.^۱

۳۰۸. نشانه راه مستقیم

اربلی از امام باقر علیه السلام در کتاب کشف الغمه جلد اول، ص ۳۲۴ حدیث ذیل را روایت کرده:
 «علی بن ابی طالب یأمر بالعدل وهو علی صراط مستقیم»؛ علی بن ابیطالب فرمان دهنده به عدل و کسی است که در صراط مستقیم می باشد.^۲

۳۰۹. پرچم دین خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان رب العالمین عهد الی فی علی عهداً انه رایة الهدی و منار الایمان و امام اولیائی و نور جمیع من اطاعتی».
 پروردگار جهانیان درباره علی علیه السلام به من سفارش فرمود: که علی علیه السلام پرچم هدایت و جایگاه روشن ایمان و پیشوای بندگان پاک و روشنی بخش همه کسانی است که مرا پرستش می نمایند.^۳

۳۱۰. مدار نورانی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:
 «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار».^۴

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱، ص ۱۸۱ و ج ۳، ص ۲۰۵ و ج ۱۲، ص ۱۶.
 ۲. حدیث فوق در توضیح الدلائل ص ۱۶۳ نیز آمده است.
 ۳. حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء نوشته ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، متوفی ۴۳۰ هـ ق.
 ۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۲۷۰ - سبیل النجاة فی تتمه المرجعات، ص ۱۷۰ - ربیع الابرام،

علی با حق است و حق با علی است هر کجا که علی حرکت کند حق به دنبالش است.

❖ ۳۱۱. اهل بیت اولی الامر هستند ❖

امام صادق (ع) فرمودند: «اولی الامر امامان از اهل بیت (ع) هستند». ^۱

❖ ۳۱۲. سود و نفع آخرتی ❖

ابی بکر احمد بن مردویه که مورد اعتماد در نزد مذاهب چهارگانه اهل سنت است در کتاب خود آورده که از ابن عباس سؤال کردند: «قلنا له یابن عباس اینفع حب علی بن ابی طالب فی الآخرة؟».

ای ابن عباس آیا حب و دوست داشتن علی بن ابیطالب نفعی برای آخرت ما دارد؟ ابن عباس گفت: اصحاب رسول خدا (ص) درباره دوستی علی (ع) اختلاف نمودند تا این که از رسول خدا (ص) پرسیدیم؟ آن حضرت فرمود: بگذار از طریق وحی مسأله را بپرسم سپس وقتی که جبرئیل فرود آمد حضرت سؤال را مطرح نمود. جبرئیل گفت: به زودی این را از پروردگرم می‌پرسم. به بالا رفت و برگشت و گفت: ای محمد خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

علی را دوست بدار و هر کس او را دوست بدارد همانا مرا دوست داشته است و هر کس با او دشمنی کند با من دشمنی نموده است. ای محمد هر جا تو باشی علی هم هست و هر جا علی باشد دوستداران علی هم هستند؛ اگر چه گناهکار باشند.

❖ ۳۱۳. نشانه روشن یک کافر ❖

میرسید علی بن شهاب همدانی صاحب کتاب موده القربی در فصل سوم از این اثرش حدیث ذیل را از پیامبر (ص) نقل نموده:

«ان الله قد عهد الی من خرج علی فهو کافر فی النار».

نوشته جاراالله زمخشری، ج ۱، ص ۸۲۸.
۱. ینابیع الهدی، ص ۱۱۴ نوشته سلیمان قندوزی حنفی متوفای ۱۲۹۴ قمری.



خداوند عهد نموده با من که بدانید هر کس بر علی خروج کند کافر است و جایگاه او در آتش می باشد.

۳۱۴. اثر روحی انکار اهل بیت علیهم السلام

ابن حجر هیثمی در کتاب خود صواعق المحرقه حدیث ذیل را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که ایشان فرمود: «من لم حق عترتی من الانصار والعرب فهو لاحدی ثلاث اما منافق واما ولد زانیة واما امر وحملة به امه فی غیر طهر». کسی که حق عترت مرا (اهل بیت علیهم السلام) از انصار و عرب شناسد پس او یکی از سه چیز خواهد بود یا منافق یا ولد زنا و یا ولد حیض می باشد.

۳۱۵. راهبری امین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان تولوا علیاً - ولن تفعلوا - تجدوه هادياً مهدياً یسلک بکم الطریق المستقیم». اگر ولایت علی علیه السلام را بپذیرید - که هرگز نمی پذیرید - او را هادی و مهدی می یابید، شما را به طریق مستقیم سیر می دهد، که هرگز گمراهی در آن نباشد.^۱

۳۱۶. طبری در تفسیرش خلیفه را معرفی کرده است

طبری در مورد واقعه یوم الانذار در کتاب خود اینگونه آورده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «ان هذا اخی ووصیتی و خلیفی فیکم فاسمعوا له واطیعوه»؛ این برادر من و وصی من و خلیفه من در میان شماست، سخنان او را بشنوید و از او اطاعت کنید...^۲

۳۱۷. سابقون امت ها

نویسنده کتاب ابطال نهج الحق، قاضی روزبهان از علمای اهل سنت، روایتی را

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۴.

۲. تفسیر جامع البیان نوشته طبری، ج ۹، ص ۷۵.



۳۲۰. اخذ شهادت

میرسید علی شهاب الهمدانی فصل پنجم از کتابش، موده القربی آورده که عمر بن خطاب گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله علی را که بزرگ ترین راهنما است تعیین و نصب کرد تا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به مولائی جامعه معرفی شود بعد از آنکه رسول خدا درباره دوستان و دشمنان حضرت علی رضی الله عنه دعا کرد عرض کرد:

«اللهم انت شهیدی عليهم؛ خدایا! تو گواه منی بر ایشان».

در آن هنگام جوانی با صورتی زیبا و بوی خوش کنار من نشسته بود به من گفت:
«لقد عقد رسول الله عقداً لا یحلّه الا المنافق فاحذر ان تحلّه».

عهد بست پیامبر صلی الله علیه و آله عهدی محکم که نمی شکنند این عهد را مگر منافق پس حذر کن ای عمر که تو ناقض این عهد محکم باشی.

آن گاه عمر می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم وقتی شما درباره علی سخن می گفتید پهلوی من جوان زیبایی بود و به من این چنین گفت:

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انه لیس من ولد آدم لکنه جبرئیل اراد ان یوگد علیکم ما قلته فی علی رضی الله عنه».

او از اولاد آدم نبود بلکه جبرئیل امین بود که به این صورت جلوه گر شد تا تأکید کند بر شما آنچه را که من گفتم درباره علی.

۳۲۱. ۱۲ خلیفه بر حق

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

این امر (امامت امامان بر شما) زایل نمی شود تا در میان این امت دوازده خلیفه بگذرند. جابر بن سمره می گوید از پدرم پرسیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود: همه آن ۱۲ نفر خلیفه از قریش هستند و در نقل دیگری فرمود: اسلام پیوسته عزیز خواهد بود تا دوازده خلیفه... که بر مردم ولایت نمایند و آن ۱۲ نفر از قریش هستند. (از این روایت معلوم می شود که منظور از خلفای بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله خلفای بنی امیه و بنی العباس که به جنایت کاری در تاریخ مشهور بودند نیستند).^۱

۱. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری ۱۳ جلدی که نوشته: شهاب الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی متوفای



❖ ۳۲۵. منزلتی عرشی (با ۱۲ آدرس حدیث) ❖

سعدابی وقاص و عایشه بنت سعد و ابوسعید خدری که از راویان مورد وثوق علمای اهل سنت می باشند روایتی را از رسول خدا ﷺ نقل کرده اند که رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: «لعلی ﷺ: انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي»^۱.
یعنی: یا علی! تو در نزد من مثل هارون نسبت به موسی هستی الا اینکه بعد از من پیامبری نیست.

❖ ۳۲۶. محبتی واجب ❖

قال رسول الله ﷺ: «جاءني جبرئيل من عند الله بورقة آس خضراء مكتوب فيها بياض اني افترقت محبة علي بن ابي طالب علي خلقي فبلغهم ذلك عنى»^۲.
رسول خدا ﷺ فرمود: جبرئیل از جانب خدای متعال نزد من آمد با ورقی سبز و خوشبو و معطر که در آن با خط سفید نوشته شده بود من محبت علی بن ابیطالب را بر مخلوقاتم واجب نمودم سپس این خبر را به مردم برسان.

❖ ۳۲۷. توسل نردبان وصل ❖

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند:

در سرزمین عرفات همراه پیامبر ﷺ بودم و علی ﷺ کمی دورتر از پیامبر ﷺ ایستاده بود. رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! نزدیک تر بیا و دست خود را به دست من بده. آن گاه فرمود:

۱. مسند نوشته ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مشهور به امام احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۲ و ج ۱، ص ۱۷۷، ۱۸۲ و ج ۶ ص ۳۶۹ - فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۹۸ ح ۲۰۱۰ و ح ۱۰۴۱.
این روایت نیز در کتاب صحیح نوشته محمد بن اسماعیل بخاری جعفری مشهور به بخاری متوفی ۲۵۶ هـ ق. در جلد ۶ باب غزوه تبوک آمده است و همان کتاب ج ۵، ص ۱۹، باب مناقب علی بن ابی طالب و در کتاب صحیح نوشته مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری مشهور به صحیح مسلم متوفی ۲۴۱ هـ ق. ج ۷، ص ۱۱۹ و ۱۲۰ باب فضایل علی بن ابی طالب از سعد ابی وقاص و زید بن ارقم روایت شده است و در صحیح نوشته ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳ و ۶۴۱ نیز این روایت آمده است.

و ابن مغزالی شافعی در کتاب مناقب، ص ۳۰ خود همین روایت را از صحابی بزرگ رسول خدا ﷺ عبدالله بن مسعود و ابن بن مالک نقل کرده است و صاحب کتاب اسد الغابه ابن الاثیر علی بن ابی الکریم محمد بن محمود، ج ۴، ص ۲۶ متوفای ۶۳۰ هجری قمری.

۲. مناقب نوشته موفق بن احمد بن محمد خوارزمی، ج ۳، ص ۱۹۷ متوفای ۵۶۸ هجری قمری.

«یا علی! خلقت انا وانت من شجرة انا اصلها وانت فرعها والحسن والحسين اغصانها، یا علی! من تعلق بغصن منها ادخله الله الجنة».

یا علی! من و تو از درخت واحدی هستیم که من اصل و ریشه و تو فرع آن هستی، حسن و حسین (ع) شاخه های آن درخت هستند. ای علی! هر کسی به شاخه این درخت چنگ بزند خداوند متعال او را وارد بهشت می کند. ^۱ (این روایت به الفاظ مختلف از رسول خدا (ص) نقل شده است).

۳۲۸. یادی معنوی

قال رسول الله (ص): ذكر علی عبادة.

رسول خدا (ص) فرمود: ذکر و یاد علی (ع) عبادت است. ^۲

۳۲۹. ایمان بی همتا و بزرگ (با آدرس ۶ حدیث)

«ان عمر بن الخطاب قال: اشهد لسمعت رسول الله (ص) يقول: ان السماوات والارض لو وضعنا في كفة ثم وضع ايمان علي في كفة لرجح ايمان علي» ^۳.

عمر بن خطاب می گوید از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: اگر آسمان ها و زمین در کفه ترازویی قرار گیرد و ایمان علی (ع) را در کفه دیگر نهند همانا ایمان علی برتر و سنگین تر است.

۳۳۰. حقیقتی که واضح است

ابن ابی الحدید عالم سنی در شرح نهج البلاغه خود در جلد ۶، ص ۵۱ روایتی را از

۱. شواهد التنزیل نوشته ابوالقاسم حاکم حسکانی، ص ۱۴۹.

۲. جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر نوشته جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی متوفای ۹۱۱، ج ۲، ص ۱۹.

۳. لسان المیزان نوشته ابن حجر حدیث ۳۲۸ - مناقب نوشته خوارزمی، ص ۱۳۱، ج ۱۴۶ - فردوس الاخبار، ج

۳، ص ۳۶۳ و شبیه همین مضامین در کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۲۹۹۳ و در میزان الاعتدال نوشته ذهبی، ج ۳، ص

۴۹۳ متوفای ۷۴۸ قمری از عمر بن خطاب با لغات مشابه دیگر و تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۴۱ آمده است.



بخاری^۱ و مسلم نقل کرده و تأکید کرده که تمامی محدثان در صحت این روایت اتفاق نظر دارند.

و اما روایت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إیتونی بداوۃ وکتف اکتب لکم کتاباً لن تضلوا بعده؛ دوات و استخوان شتری بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم که بعد از آن گمراه نگردید».

سؤال: نکته ای اینجاست که معلوم می شود به تصریح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به علت دوری از علی علیه السلام گمراه شدند و گرنه اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منظورشان خلافت ابوبکر بود و با آن موافق بودند چرا کلمه گمراه شدن مردم را به کار برده اند؛ پس معلوم می شود رسول خدا صلی الله علیه و آله خلافت ابوبکر را گمراهی می دانستند و به خلافت او راضی نبودند که فرمودند دوات بیاورید تا بنویسم گمراه نشوید.

۳۳۱. ۱۲ عرش نورانی

اسامی امامان شیعه علیهم السلام در روایات اهل سنت

در بعضی از روایات موجود در کتب اهل سنت به حدیثی بر می خوریم که در جای خود دلیلی روشن برای راه حق و حقیقت است. خوارزمی از علمای اهل سنت متوفای ۵۶۸ قمری است. او دارای تألیفات قابل توجهی است و در یافتن روایات، محقق می توانا و قابل تمجید است در کتاب مقتل الحسین روایتی آورده که دلیلی بر اثبات ولایت و امامت، امامان شیعه است. این روایت در سایر کتب حدیثی علمای قدیمی اهل سنت نیز به چشم می خورد و جزء روایات ضعیفی نبوده که محدثی مثل خوارزمی از کنار این حدیث بی توجه بگذارد؛ لذا هم خوارزمی و هم سایر علمای دیگر اهل سنت روایت زیر را در کتب خود به نقل های متعدد آورده اند البته این حدیث در کثیری از کتب تفسیری و روایی شیعه نیز به چشم می خورد و اما روایت:

ابوسلیمان گوسفنددار رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «لیلة اسرى بی الی السماء قال لی الجلیل (جل جلاله): (آمن الرسول بما أنزل الیه من ربه... (فقلت: والمؤمنون قال: صدقت. قال: یا محمد! انی اطلعت الی اهل الارض اطاعة فاخرتک

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۷ و ج ۴، ص ۳۱ و ۶۶ و ج ۵، ص ۱۳۷ و ج ۷، ص ۹ و ج ۸، ص ۱۶۱.



«الخلفاء بعدی اثنی عشر کلهم من قریش».^۱

خلفا و جانشینان بعد از من دوازده نفر هستند که همگی از قریش می‌باشند. و همین روایت را ابوبکر و عمر و عثمان نیز نقل کرده‌اند. همچنین به دو طریق که در یکی از آن‌ها راوی آن ابوبکر مستقیماً از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت می‌کند؛ آمده است:

«منزلة علی منی، کمزلتی من ربی».^۲

مقام و منزلت علی علیه السلام نسبت به من؛ همانند منزلت من نسبت به پروردگارم می‌باشد. و این حدیث در کتاب «صواعق محرقة»^۳ از کتب عامّه نیز نقل شده است.

❖ ۳۳۳. دانای توانا ❖

از سلمان فارسی نقل شده که می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أعلم امتی من بعدی علی بن ابی طالب؛ داناترین امت من بعد از من علی بن ابیطالب است».^۴

❖ ۳۳۴. طوبای بهشتی ❖

عن عمار قال: «سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول لعلی علیه السلام: یا علی! طوبی لمن أحبک و صدق فیک و ویل لمن ابغضک و کذب فیک».

عمار نقل کرد از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام می‌فرمود: طوبی برای کسی است که تو را دوست می‌دارد و درباره‌ی تو راستگو و صادق است و ویل برای کسی است که با تو دشمن است و درباره‌ی تو و اقرار به حق تو دروغ می‌گوید.^۵

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۸۷ - ۱۰۸ - صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳ و ۴ و طبرانی محدث بزرگ اهل سنت در المعجم الکبیر ج ۱۰، ح ۱۰۳۱۰ و در المعجم الاوسط ج ۴، ح ۳۹۵۰ آورده است.

۲. میزان الاعتدال ذهبی، ج ۳، ص ۵۴۰ - الکشف الحثیث، ص ۲۲۹ - لسان المیزان ابن حجر، ج ۵، ص ۱۶۱.

۳. تألیف ابن حجر عسقلانی.

۴. کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۶.

۵. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۷۱.

در روایتی رسول خدا ﷺ می‌فرماید: یا علی تو در جنگ، دلاورترین... و در جهاد قوی‌ترین مردمی.

۱. امام علی علیه السلام در جنگ بدر از ۷۰ کشته‌شده مشرکین تنها نصف این کشته‌ها را به جهنم فرستاد و الباقی را مسلمانان و فرشتگان کشتند؛ صرف‌نظر از آنانی که امام در این جنگ زخمی کرد اسامی ۳۵ کفاری که به دست امام کشته شدند در کتب اهل سنت دقیقاً آمده است.

۲. در جنگ حنین ۴۰ نفر را امام کشت که شجاع‌ترین آنان ابو جریول بود که امام با ضربه‌ای او را به دو نیم کرد. امام در این جنگ در بین ۲۴ هزار شمشیرزن دشمن مقاومت جانانه‌ای از خود نشان داد.

۳. در جنگ ذات السلاسل ۷ نفر از بزرگان آن‌ها را کشت که سر سخت‌ترین آن‌ها سعید بن مالک عجللی بود.

۴. در جنگ بنی‌نضیر ۱۱ نفر از جمله شخصی بنام غرور را کشت.

۵. در جنگ بنی‌قریظه حنّ بن‌اخطب و کعب بن‌اشرف که از بزرگان یهودیان بودند را گردن زد.

۶. در جنگ بنی‌مصطلق مالک و پسرش را به جهنم فرستاد.

۷. در غزوه وادی‌الرحل کثیری از جنگجویان آن‌ها را کشت.

۸. در طائف سپاه ضیغم را شکست داد و شهاب بن‌عیس و نافع بن‌غیلان را کشت.

۹. امام در جنگ صفین و در شب هریر سیصد تکبیر گفت و با هر تکبیر کفاری را به جهنم می‌فرستاد و در بعضی از نقل‌ها امام ۷۰۰ نفر را به تنهایی کشت.

۱۰. این گزارش منهای نبردهای امام در احد و احزاب است و از این مطالب می‌فهمیم که تمامی جنگ‌های اسلام بر روی بازوی توانایی مرد بزرگ میادین جهاد حضرت مولی علی علیه السلام می‌چرخیده است.

نتیجه: فداکاری و جانفشانی امام علی علیه السلام برای حفظ دین و شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله این معنا را ثابت می‌کند تمامی اموری که به واسطه رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله به وجود آمد در همه





آن خیرات و برکات و ثواب ها که به واسطه ادامه رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوجود آمد همه برای امام علی علیه السلام نیز وجود دارد و امام از آن بهره دارد.^۱

❖ ۳۳۶. فصل الخطاب امت ❖

انس بن مالک روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام گفت: «تو به امت من؛ درباره حقیقت و آنچه که آن‌ها درباره آن نزاع دارند، بعد از من خبر می‌دهی».^۲

❖ ۳۳۷. صاحب کوثر ❖

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اولین کس از شما که بر حوض [کوثر] وارد می‌گردد. اولین شما در اسلام آوردن، [یعنی] علی بن ابیطالب است.^۳

❖ ۳۳۸. برتری غیر قابل انکار ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لقد صلت الملائكة على علي سبع سنين وذلك انه لم يصل معي رجل غيره؛ فرشتگان ۷ سال بر علی علیه السلام درود می‌فرستادند در حالی که هیچ مردی به جز او با من نماز نمی‌گزارد».^۴

❖ ۳۳۹. روایات دروغ نقل کردند ❖

ربعی بن حراش از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که در رجب: در روز حدیبیه؛ گروهی از مشرکان که از جمله آنان سهیل بن عمرو و گروهی از پیشوایان مشرکان بودند؛ به سوی ما آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! گروهی از فرزندان، برادران و بردگان ما به سوی تو آمده‌اند. آنان نسبت به دین، آگاهی ندارند؛ بلکه به خاطر فرار از کار در اموال و مزارع ما فرار کرده‌اند. آنان را به سوی ما برگردان.

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۴.

۲. حاکم نیشابوری شافعی مستدرک، ج ۳، ص ۱۲۲.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۷ - تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۸۱.

۴. تاریخ دمشق، ج ۵۶، ص ۳۶.

فرمود: «اگر آنان به دین آگاهی ندارند، آگاهشان خواهیم ساخت.» سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: «ای قریشیان! دست بکشید و گرنه کسی را به سویتان گسیل می‌دارم که به خاطر دین، گردنتان را با شمشیر بزند؛ آنکه خداوند دلش را به ایمان آزموده است.»

[یاران گفتند]: او کیست، ای پیامبر خدا؟

ابوبکر گفت: او کیست، ای پیامبر خدا؟

عمر گفت: او کیست، ای پیامبر خدا؟

پیامبر ﷺ فرمود: «آن، وصله کننده کفش است» و ایشان کفش خود را به علی ؑ داده بود تا وصله کند. «هو خاصف النعل وکان أعطی علیاً نعله - نحصفها».

آن گاه علی ؑ به ما رو کرد و گفت: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر کس آگاهانه به من دروغ ببندد، نشمینگاهش آتش خواهد بود».^۱

(یکی از این روایات دروغ آنست که روایت کردند که رسول خدا ﷺ ارثی برای خود نمی‌گذارد و با این بهانه فدک را از حضرت زهرا ؑ به ظلم گرفتند و به بیت‌المال ملحق کردند سؤال اینجاست که رسول خدا ﷺ که به یاران خود سفارش حق الناس و بیت‌المال را مکرر می‌نمود به دخترش نفرموده بود که دخترم تو در فدک حقی نداری و فدک جزء اموال بیت‌المال است. آیا پیامبر ﷺ این مطلب را یادش رفته که به دخترش بگوید آیا این پذیرفتنی است که پیامبر اینگونه عمل کنند؟ معلوم است روایت را جعل کرده اند).

۳۴۰. خلافت از آن اهل بیت است

در نقلی عبدالله بن عمر از صحنه آخر زندگی رسول خدا ﷺ پرده بر می‌دارد و می‌گوید: که رسول خدا ﷺ در آخرین کلام اینگونه فرمود:

«کان آخر ما تکلم به رسول الله ﷺ: اخلفونی فی اهل بیتی».

این نقل را طبرانی که یکی از بزرگ ترین محدثین حدود ۱۱ قرن قبل در کتاب خود «المعجم الاوسط جلد ۴، حدیث ۳۸۷۲ و جلد ۶ حدیث ۵۳۳۴» آورده است. فأفهم و تأمل.

۱. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۳۴ - فضائل الصحابه، ابن خنبل، ج ۲، ص ۶۴۹.





❖ ۳۴۱. چهره ابلیس ❖

یکی از کسانی که تلاش زیادی در نابودی فضایل امام علیؑ نمود معاویه ابن ابوسفیان است پدر و پسری که در جنگ بدر و احد مسلمانان را کشتند و بعدها معاویه در زمان خلفاء به استناداری شام رسید. او که در منابع قدیمی اهل سنت مشهور به شرابخواری است مکرر عده‌ایرا گمارد تا بر علیه امام علیؑ حدیث جعل کنند دربارهٔ این نوع فعالیت های معاویه به طور مستقل در این کتاب به آن پرداخته شده است. یکی از این فعالیت های نامربوط و خبیثانه معاویه سبّ امام علیؑ است عملی که در منابع اهل سنت نیز با روایات زیادی مثل سبّ نبی اکرمؐ محسوب شده است. در روایتی ابی عبدالله الجدلی می‌گوید: «قالت لی ام سلمة: ایسب رسول الله ﷺ فیکم علی رؤوس الناس؟! فقلت سبحان الله، وانی یسب رسول الله ﷺ؟! فقلت: ایس یسب علی بن ابی طالب ومن یحبه؟ فاشهد ان رسول الله ﷺ کان یحبه»^۱.

❖ ۳۴۲. ورود اولین انسان ها به بهشت ❖

رسول خداﷺ خطاب به امام علیؑ فرمود:
«حبک ایمان و بغضک نفاق و اول من یدخل الجنة محبک و اول من یدخل النار مبغضک».
یا علی! دوستی تو ایمان و دشمنی تو نفاق است. دوستانانت اولین کسانی هستند که وارد بهشت می‌شوند و دشمنانت نخستین افرادی هستند که به دوزخ وارد می‌شوند.^۲

❖ ۳۴۳. راه رابطه با رسول الله ﷺ ❖

پیامبر خداﷺ: «علی افضی امتی بکتاب الله...؛ علی، آگاه ترین امت من بر اساس کتاب خداست. هر که مرا دوست دارد، باید علی را دوست بدارد. هیچ بنده ای به پیوند دوستی من نمی‌رسد، مگر به واسطهٔ دوستی با علیؑ»^۳.

۱. طبرانی محدث بزرگ اهل سنت که در قرن سوم و چهارم می‌زیسته به نقل این روایت پرداخته است المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۸ ح ۳۴۶ و ج ۶ ص ۳۸۹ ح ۵۸۲۸ و المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۲۱.
۲. الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمةؑ از ابن صباغ المالکی علی بن محمد بن احمد، ص ۱۲۷ و نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار از الشبلنجی مؤمن بن حسن مؤمن، ص ۷۴.
۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۴۱.

۳۴۴. اثر حب علی (ع) در حین مرگ

پیامبر خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «حسبک، ما لمحبک حسرة عند موته...؛ همین [فضیلت] برای تو بس، که دوستدار تو در لحظه مرگش غصه، در قبرش وحشت و در روز رستاخیز بیم نخواهد داشت.^۱

۳۴۵. فضایل علی (ع) در قرآن

رسول خدا (ص) فرمود:

هان ای مردم! فضایل علی بن ابیطالب (ع) در نزد پروردگرم بسیار فراوان است و آنچه از فضایل او در قرآن کریم آمده بیش از آن است که بتوان در یک مجلس بیان کنم.^۲

۳۴۶. راه اطاعت از رسول الله (ص)

رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرمود:

«من اطاعک فقد اطاعنی». یعنی: هر کس تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است.^۳

۳۴۷. نشانه رستگاری

حسین بن حکم خبری از سلمان نقل کرده که:

سلمان همیشه به مردم می گفت: ای مردم دل های خود را نسبت به محبت و ولایت علی (ع) بررسی کنید زیرا هر وقت من خدمت رسول خدا (ص) می رسیدم و امام علی (ع) وارد می شد پیامبر خدا (ص) دست مبارک خود را بر شانه من می زد و می فرمود: «یا سلمان! هذا وحزبه هم المفلحون؛ ای سلمان! تنها علی و حزب او رستگارند».^۴

۱. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۰۲ - ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲. یوم الانسانیة، ص ۷۵.

۳. تنبیه الغافلین من فضایل الطالبین، ص ۴۴.

۴. ما نزل من القرآن فی علی (ع)، ص ۲۳۱.



❖ ۳۴۸. علی علیه السلام کنار حوض رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نخستین کسی که از شما وارد حوض کوثر می شود اولین شما در اسلام است و او علی بن ابیطالب علیه السلام است.^۱ (این روایت در کتب مختلف اهل سنت آمده است.)

❖ ۳۴۹. دوستان خدا ❖

امام حسین علیه السلام می فرماید: «أتی جبرئیل النبی صلی الله علیه و آله فقال: یا محمد ان الله یحب من اصحابک ثلاثة فاحبهم، علی بن ابی طالب و ابوذر و المقداد بن الاسود». یعنی: روزی جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای محمد! همانا خداوند از یاران تو ۳ نفر را دوست دارد تو نیز آن ها را دوست بدار آن سه نفر علی بن ابیطالب، ابوذر و مقداد بن اسود می باشند.^۲

❖ ۳۵۰. سند حدیث ثقلین ❖

در صحیح مسلم جزء چهارم زید بن ارقم از رسول خدا حدیث ثقلین را نقل نموده است.^۳

❖ ۳۵۱. فضایلی بی حد و حصر ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به برادرم علی علیه السلام آن قدر فضیلت عطا فرموده که به جهت کثرت قابل شمارش نیست.^۴

۱. کنز العمال، ج ۶ ص ۴۰۰ و اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۷ و مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۳۶.

۲. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۳۳۰ نوشته نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی متوفای ۸۰۷ قمری.

۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲ باب فضایل علی علیه السلام - و صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳ ح ۳۷۱۳.

۴. موائد المقلین، ج ۱، ص ۲.

❖ ۳۵۲. برائت از مشرکین ❖

رسول خدا ﷺ در جریان ابلاغ سوره توبه به مشرکین مکه بعد از آنکه آن آیات را از ابوبکر پس گرفتند و مسئله ابلاغ را به امام علی (ع) سپردند فرمودند:

«لا يبلغ عني الا انا او رجل مني؛ این پیام را جز من یا مردی که از من است کسی دیگر ابلاغ نخواهد کرد»^۱.

❖ ۳۵۳. پاداش محبان علی (ع) ❖

عثمان از عمر بن خطاب و او هم از ابوبکر روایت می کند که پیامبر ﷺ وسلم فرمود: خداوند از نور چهره علی بن ابیطالب فرشتگانی را خلق کرده که خدا را تسبیح می کنند و ثواب آن را برای دوستان علی و محبین فرزندانش می نویسند.^۲

❖ ۳۵۴. خلیفه برتر علیست ❖

ابن مغازلی در مناقب خود آورده که رسول خدا ﷺ به حضرت علی (ع) فرمود: «انت اخي ووصيي وخليفتي وقاضي ديني».

تو برادر و وصی و خلیفه و اداء کننده دین من هستی.^۳

❖ ۳۵۵. مولای مؤمنین ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «علي مني وانا منه وهو ولي كل مؤمن ومؤمنة بعدى»^۴.

یعنی: علی از من و من از او و او بعد از من ولی هر مؤمن و مؤمنه است.

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ح ۲۸۰۸ - ۲۴۰۵. این مطلب در تفسیر سیوطی، ج ۳، ص ۲۰۸ و در تفسیر زمخشری، ج ۲، ص ۲۳ و در صحیح بخاری جزء اول باب ما یستر العورة و در تفسیر قرطبی ذیل آیه اول سوره توبه و در اسباب النزول واحدی و... آمده است.

۲. مقتل الحسین خوارزمی، ص ۹۷.

۳. امام احمد حنبل هم در مسند خود به این حدیث اشاره دارد.

۴. صحیح نوشته ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۷ - مسند نوشته احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۳۷ - صحیح نوشته ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۷.



❖ ۳۵۶. عبادتی بزرگ ❖

امام احمد بن حنبل در کتاب مسند خویش آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نظر کردن به صورت علی علیه السلام عبادت است.^۱

❖ ۳۵۷. کسب ولایت خدا ❖

عمار یاسر نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اوصی من آمن بی و صدقنی بولاية علی بن ابی طالب من تولاہ فقد تولانی و من تولانی فقد تولی الله...».
سفارش می کنم هر کسی را که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده به ولایت علی بن ابیطالب ایمان آورده و آن تصدیق کند، پس هر کس او را دوست داشته و ولایتش را بپذیرد ولایت مرا بپذیرفته پس ولایت خدا را هم بپذیرفته است.^۲

❖ ۳۵۸. علی علیه السلام حجت خدا بر مردم ❖

انس بن مالک نقل می کند:
«رأیت رسول الله صلی الله علیه و آله جالساً مع علی فقال: انا و هذا حجة الله علی خلقه».
انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را با علی بن ابیطالب در حالی که نشسته بودند دیدم پس آن حضرت فرمود: من و این (امام علی علیه السلام) حجت خدا بر خلق او هستیم.^۳

❖ ۳۵۹. نپذیرفتند ❖

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر ولایت و سرپرستی علی علیه السلام را بپذیرید خواهید دید که رهنما و راه یافته است و شما را به راه راست می برد.^۴ و پسر عمر خطاب می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۲.

۲. صحیح ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲.

۳. مودة القربی نوشته میرسید علی بن شهاب الهمدانی م ۷۸۲ (ق) - ینابیع المودة، ص ۲۴۸.

۴. تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۶۰.

اینها الناس هذا ولیکم بعدی فی الدنيا و الاخرة فاحفظوه (یعنی علیاً)، ای مردم علی ولی شما بعد از من است در دنیا و آخرت.^۱

❖ ۳۶۰. اولین گمراهی در اسلام ❖

میرسیدعلی بن شهاب الهمدانی در کتاب خود، مودة القربی، ص ۹۱ آورده که پیامبر (ص) فرمود:

«اول ثلثة فی الاسلام مخالفة علی».

اول رخنه و شکافی که در ریشه و اصل اسلام به وجود آمد مخالفت با علی (ع) بود.^۲

❖ ۳۶۱. مورد لعن فاطمه زهرا (ع) ❖

ابن قتیبہ از علمای اهل سنت در کتابش که حدود ۱۲۰۰ سال قبل نوشته شده آورده که: به راستی مگر فاطمه (ع) به غیر از مسأله ولایت ناراحتی دیگری داشت چرا زهرا (ع) اطهر (ع) به ابوبکر فرمود: «بعد از هر نمازی تو را نفرین می کنم».^۳

❖ ۳۶۲. صراط دین ❖

شیخ فقیه عمادالدین طبری در کتاب بشارة المصطفی شیعۃ المرتضی از رسول خدا (ص) روایت می کند که رسول خدا (ص) به عمار فرمود:

«یا عمار! سیکون بعدی فی امتی محتى یختلف السیف فیما بینهم وحتى...».

ای عمار! اگر ببینی علی (ع) به راهی می رود و همه مردم به راه دیگری پس تو از آن راه برو که علی (ع) می رود به درستی که او تو را به گمراهی نمی اندازد و تو را از راه حق و هدایت بیرون نمی برد. ای عمار! اطاعت از علی اطاعت از من است و اطاعت از من اطاعت خدا می باشد.

۱. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲. ترمذی، فی المناقب المرتضویة، ص ۱۱۵ و ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۱۳ و صراط مستقیم بیاضی، ج ۲، ص ۵۱.

۳. الامامة والسیاسة، ص ۲۰.



❖ ۳۶۳. حرف های ناحق ❖

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: دربارهٔ علی حرف و سخنی نگوئید زیرا که او از من و من از اویم و او ولی و وصی بعد از من است.

ابوهریره علت این فرمایش پیامبر ﷺ را اینگونه بیان می‌کند:
رسول خدا ﷺ دو گروه را برای مأموریت جنگی اعزام نمود و علی بن ابیطالب را فرمانده گروهی قرار داد و خالد بن ولید را فرمانده گروه دیگر و چنین فرمود: اگر این دو گروه با هم و در کنار هم قرار گیرند علی بر همه، امام و امیر است و اگر جدا از هم شدند هریک فرمانده گروه خود هست.

ابوهریره ادامه می‌دهد: ما با بنی زبیر درگیر شدیم و هر دو گروه در کنار هم جنگیدیم و بر دشمن پیروز شدیم و آنان را اسیر نمودیم علی بن ابیطالب یکی از اسیران را بر خود انتخاب کرد. خالد نیز مرا به نزد پیامبر ﷺ فرستاد تا او را از جریان انتخاب اسیر با خبر کنم وقتی که خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و آنچه اتفاق افتاده بود را به پیامبر گفتم.
پیامبر ﷺ فرمود: دربارهٔ علی حرف و سخنی نگوئید زیرا که او از من و من از اویم و او ولی و وصی بعد از من است.^۴

قال رسول الله ﷺ: «لعلی علیه السلام أنت اخی فی الدنیا والاخرة»^۵.

یعنی: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: یا علی! تو در دنیا و آخرت برادر منی.

❖ ۳۶۴. مردی از جنس انبیاء ❖

قندوزی در کتاب ۳ جلدی خود ینابیع المودة نقل کرده که رسول خدا ﷺ به دختر خود فرمود: «یا فاطمه! منا خیر الانبیاء وهو ابوک و منا خیر الاوصیاء وهو بعلک...».
یا فاطمه! از ماست بهترین انبیاء و او پدر تو می‌باشد و از ماست بهترین اوصیاء و او شوهر تو است...

۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۰.

۵. المستدرک علی الصحیحین نوشته الحاکم نیشابوری م ۴۰۵ ق. طبقات نوشته ابن سعد، ج ۸، ص ۱۱۴ - صحیح نوشته ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۹ - مسند نوشته احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۹.

❖ ۳۶۵. راه رسیدن به حوض کوثر ❖

ابوسعید خدری به نقل از پیامبر اکرم ﷺ می گوید:
به خدا سوگند هیچ بنده ای اهل بیت مرا دوست نمی دارد مگر اینکه خداوند عزوجل در قیامت نوری به او می دهد تا در کنار حوض کوثر نزد من آید.^۱

❖ ۳۶۶. چهره دشمنان خدا ❖

ترمذی در کتاب صحیح خود از زیدبن ارقم روایت می کند که رسول خدا ﷺ به علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ فرمود: «أنا حرب لمن حاربتم وسلم لمن سالمتم». من دشمن خواهم بود با کسی که با شما اهل بیت دشمن باشد و دوست خواهم بود با کسی که شما را دوست داشته باشد.

❖ ۳۶۷. خوارکننده دنیا ❖

امام علی ﷺ فرمود: من دنیا را به رو در افکنده ام و آن را چنان که در خور است ارج نهاده ام و با دیده خودش (به دیده پستی) بدان نگریسته ام.^۲

❖ ۳۶۸. لقبی شریف و ممتاز ❖

بخاری در کتاب صحیح آورده که امام علی ﷺ وارد خانه خود شد آن گاه به سوی مسجد به راه افتاد، رسول خدا ﷺ از حضرت زهراء ﷺ پرسید: پسرعموی من کجا می باشد؟ حضرت زهراء ﷺ عرض کرد: به مسجد رفته اند. سپس رسول خدا ﷺ به مسجد رفتند به امام علی ﷺ دو مرتبه فرمودند: «اجلس یا اباتراب»؛ یعنی: بنشین یا ابوتراب.
از نقل بخاری به دست می آید که لقب ابوتراب را پیامبر ﷺ به امام علی ﷺ داده است. بخاری این مطلب را از سهل بن سعد آورده و نقل کرده که سهل بن سعد این روایت را برای کسی که در شهر مدینه حضرت علی ﷺ را در منبر سب می نمود، بیان می کرد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ح ۹۴۷.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۲۵.



همین روایت را مسلم در کتاب صحیح خود جلد ۷، ص ۱۲۳ نیز آورده است و اشاره کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده نمود که بر روی امام علی علیه السلام غباری از خاک نشسته، رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از مسح کردن غبار فرمود: قم! یا ابوتراب.^۱

❖ ۳۶۹. اثر دشمنی با علی علیه السلام ❖

حاکم حسکانی در کتاب شواهد خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین خطبه ای که ایراد می نمود فرمود: هر که با اهل بیت دشمنی ورزد خداوند در قیامت او را با یهود محشور خواهد کرد. و فرمود: هر کس با اهل بیت و عترت من دشمنی کند در روز قیامت من او را نخواهم دید و او نیز مرا نخواهد دید.^۲

❖ ۳۷۰. حب علی علیه السلام راه نجات ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی را برای من دوست بدارید و به خاطر من به او احترام بگذارید، آن گاه فرمود: به خدا سوگند آنچه را که گفتم از جانب خداوند بود و او به من آن امر را دستور فرمود. ای مردم هر کسی بعد از من با علی علیه السلام دشمنی کند خداوند در قیامت او را نابینا محشور خواهد نمود و راه نجاتی نخواهد داشت.^۳

❖ ۳۷۱. لایقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما چیزی به اهل بیت من نیاموزید زیرا آن ها از شما داناترند، آن ها هرگز شما را از حق خارج نخواهند نمود و گمراه نخواهند ساخت. لذا ابن ابی الحدید در کتاب خود از امام علی علیه السلام آورده: «لایقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الامة احد».

هیچ یک از افراد این امت را نمی توان با آل محمد صلی الله علیه و آله مقایسه نمود.^۴

۱. صحیح امام بخاری، ج ۵، ص ۱۸ و ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۱.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۸.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۳۸.



که دری آراسته با درّ و یاقوت داشت و بر آن پرده ای آویخته بود. پرده را کنار زدم دیدم که بر روی در نوشته شده است:

«لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی القوم؛ نیست خدایی جز الله، محمد فرستاده پروردگار است علی سرپرست امت است.»

و بر روی پرده نیز این عبارت به چشم می خورد:

«بخ بخ من مثل شیعة علی؟! مبارک باد مبارک باد! چه کسی مثل شیعه علی است؟».

۳۷۶. نسل پاک

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ان الله عزوجل ذرية كل نبي في صلبه وجعل ذريتي في صلب علي بن ابي طالب - خداوند نسل هر پیامبری را در صلب خود او قرار داد و نسل و ذریه مرا در صلب علی بن ابیطالب قرار داد.»^۱

۳۷۷. کسی چنین مظلومی را سراغ ندارد

عبدالرحمان بن ابی بکر گوید از علیؑ شنیدم که می فرمود: «هیچ کس آنچه را که من کشیده ام، نکشیده است». آن گاه حضرت گریست.^۲

و حضرت علیؑ فرمود: میراثم را غارت شده می بینم و در محلی دیگر فرمود: ظرف ما را برگرداندند و مردم را بر دوش ما سوار کردند.^۳

۳۷۸. نجیب میدان جنگ

امام باقرؑ فرمودند: حضرت علیؑ لباس و تجهیزات مقتول را بر نمی داشت و خود شخصاً در جنگ شرکت می کرد.^۴

۱. مناقب ابن مغزلی، ص ۴۹ - بتایب الموده، ص ۲۶۶ - جامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۹

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۴، ص ۱۰۳.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۰۶.

۴. سنن الکبری، ج ۸، ص ۳۱۴.



یاری شود و هر که رهایش کند، رها شود. هان! بدانید که حق با اوست. بدانید که حق با اوست و دنبال او. هان! به سوی او بروید.^۱

❖ ۳۸۲. امیری مؤمنان ❖

بریده^۲ اسلمی نقل کرده:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما فرمان داد که بر علی علیه السلام به امارت مؤمنان سلام دهیم (به امیرالمؤمنینی و سرپرستی علی علیه السلام) و آن روز، ما هفت نفر بودیم و من کوچک ترین آنان بودم.^۲

❖ ۳۸۳. صدیق اکبر ❖

از معاذ عدویه نقل شده است: از امام علی بن ابیطالب در حالی که بر منبر بصره بود شنیدم که می فرمود: «انا الصدیق الاکبر آمنت قبل ان یؤمن ابوبکر واسلمت قبل ان یسلم»؛ منم صدیق اکبر و ایمان آوردم قبل از آنکه ابوبکر ایمان آورد و اسلام آوردم قبل از آنکه آن دو مسلمان شوند.^۳

❖ ۳۸۴. معیار شناخت مؤمن از غیر آن ❖

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «لولاک ما عرف المؤمنون من بعدی».^۴ اگر تو نبودی مؤمنان بعد از من شناخته نمی شدند.

❖ ۳۸۵. همه بهشت ❖

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هذا وأهل بینه عمود الجنة» او علی و خاندانش ستون بهشت می باشند.^۵

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۳.

۳. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۴۶، ح ۳۶۴۹۷.

۴. عمدة عیون صحاح الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۱.

۵. مناقب، ص ۹۷، فصل ۱۴.

❖ ۳۸۶. سید اهل تقوا ❖

انس بن مالک روایت کرده که پیامبر خدا ﷺ به علی (ع) فرمود: «یا علی! انت سید شباب اهل الجنة»؛ یا علی! تو سید و مهتر جوانان بهشتی هستی.^۱

❖ ۳۸۷. جنگ با اهل بدعت ❖

ابوسعید خدری می گوید: روزی پیامبر خدا ﷺ مشکلات حضرت علی (ع) را که بعد از خودش برای حضرت به وجود می آید را بیان کرد. علی (ع) گفت: تو را به حق خویشاوندی سوگند می دهم - ای پیامبر خدا - از خدا بخواه که قبل از تو مرا به پیشگاه خود فرا خواند. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «چگونه از اجل معین، از او درخواست کنم؟» حضرت علی (ع) گفت: ای پیامبر خدا! چگونه و بر چه اساسی یا کسانی که فرمان جنگ با آنها را دادی نبرد کنم؟ پیامبر خدا ﷺ: «بر اساس بدعت هایی که در دین، ایجاد می کنند».^۲

❖ ۳۸۸. مظلوم بزرگ ❖

مسیب بن نجبه گوید: روزی علی (ع) مشغول سخنرانی بود که فرد عربی فریاد زد: وای بر من ستم شده است. علی (ع) او را به نزدیک خود فرا خواند و به وی فرمود: «تو یک، ستم دیده ای و من به شمار سنگ ها و کرک ها ستم دیده ام».^۳

۱. تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۸.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۶.



❖ ۳۸۹. شیر روز زاهد شب ❖

سعد گوید: حضرت علی علیه السلام را دیدم که با شمشیر، سرکردگان مشرکان را می کشت و می فرمود: «شب را نمی خوابم و همواره بیدارم»^۱.
و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد علی علیه السلام فرمود: علی، دلیرترین مردم است.^۲

❖ ۳۹۰. شرافتی متین ❖

روزی حضرت علی علیه السلام از مسجد خارج شد و به منطقه دارفراش رفت که آن جا بازار کرباس فروش ها بود. ابتدا به سراغ پیرمردی رفت تا لباسی بخرد و وقتی حضرت متوجه شد آن پیرمرد او را شناخته لباس از او نخرید بعد به سراغ مرد دیگری رفت. دوباره حضرت متوجه شد آن مرد هم او را می شناسد لباس را از او هم نخرید. بعد پیش نوجوانی آمد. نوجوان روی خود را از امام برگردانده و به امام توجه نکرد. امام هم از او لباسی به سه درهم خرید و آن را پوشید... آن گاه گفت: «سپاس! خدایی را که از لباس چیزی به من ارزانی داشت که با آن در بین مردم، خود را آراسته کنم، عیوب خود را می پوشانم و شرمگامم را پوشیده می دارم. سپاس مخصوص خدای جهان است».
مردی به حضرت علی علیه السلام گفت: «ای امیرمؤمنان! این سخن از خودتان است یا حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشد».

حضرت فرمود: «پیامبر خدا، هرگاه لباس می پوشید، این را می گفت»^۳.

❖ ۳۹۱. امام کعبه‌ی اهل ایمان ❖

محمد بن لبید گوید: روزی بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار قبر حمزه، حضرت زهرا علیها السلام را دیدم ایشان به شدت در حال گریه بودند مدتی صبر کردم آن گاه از حضرت سؤال کردم آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از رحلت خود امامت امام علی علیه السلام را به صراحت بیان نمودند؟ و آیا پیامبر صلی الله علیه و آله به طور واضح و روشن این موضوع را تبیین کرده بودند؟

۱. اسد الغابه، ج ۴، ص ۹۲.

۲. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۵۱ نوشته علی بن محمد بن محمد، مشهور به ابن مغزلی متوفی ۴۸۳ هـ ق.

۳. مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱.

حضرت فرمود: «واعجابه انسیتم یوم غدیرخم؛ شگفتا آیا روز غدیرخم را به فراموشی سپردید؟».

عرض کردم: از روز عید غدیر آگاهی دارم ولی مرا از آن رازی که رسول خدا ﷺ به شما فرموده مطلع کنید.

آن گاه حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

«أشهد الله تعالى لقد سمعته يقول: علی خیر من أخلفه فیکم وهو الامام والخلیفة بعدی و سبطای وتسعة من صلب الحسین ائمة ابرار لئن اتبعتموهم وجدتموهم هادین مهدیین، ولئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامة».

یعنی: خدا را شاهد می گیرم از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهد. علی امام و خلیفه بعد از من است و او و فرزندم (حسن) و نه تن از فرزندان حسین پیشوایان و امامانی پاک هستند اگر از آنها پیروی کنید شما را هدایت می نمایند و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت اختلاف در میان شما خواهد شد.

سؤال کردم: سرورم چرا علی علیه السلام سکوت کرد و برای گرفتن حق خود قیام نکرد؟ حضرت فرمود:

«یا ابا عمر! لقد قال رسول الله ﷺ مثل الامام مثل کعبة اذ توتی ولاتاتی...».

ای ابا عمر! رسول خدا ﷺ فرمود: مثل امام همانند کعبه است که مردم به سراغ آن می روند نه آنکه کعبه به سراغ مردم بیاید.

سپس فرمود: آگاه باشید به خدا سوگند اگر حق به اهل آن واگذار می شد و از عترت رسول خدا ﷺ اطاعت می کردند دو نفر هم با یکدیگر اختلاف نمی کردند و امامت همان طور که پیامبر اسلام ﷺ معرفی فرمود از علی علیه السلام تا قائم ما فرزند نهم حسین از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می رسید اما کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشته بود، در نتیجه ثمره بعثت را انکار کردند و به بدعت ها روی آوردند. آنها پیروی از هوای نفس را انتخاب کردند و بر اساس نظر شخص خود عمل کردند، هلاکت و نابودی بر آنان باد. آیا نشنیدید کلام خدا را که فرمود: «وربک یخلق ما یشاء ویختار ما کان لهم الخیرة»^۴.



پروردگار تو هرچه بخواهد می آفریند و هرچه بخواهد بر می گزیند آنان اختیاری ندارند؟

بله شنیدید اما همان گونه که قرآن فرمود: «فانها لاتعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التی فی الصدور»^۱.

چشم های ظاهر، کور نمی شود ولی دل هایی که در سینه هاست کور می شود. افسوس که آنان آرزوها و هوس های خود را محقق کردند و از مرگ و قیامت غفلت ورزیدند خدا نابودشان کند و آن ها را در اموراتشان گمراه کند. پروردگارا! به تو پناه می برم از کمی یاران بعد از فراوانی آن ها.^۲

۳۹۲. شرط قبولی ایمان

عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان فرمودند: «من أحب علیاً قبل الله منه صلوته وصیامه وقیامه».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که علی را دوست بدارد خداوند نماز و روزه و قیام او را قبول می نماید.^۳

و در مناقب از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «لا یقبل الله ایمان عبد الا بولایته علی بن ابی طالب صلی الله علیه و آله والبراءة من اعدائه».

خداوند ایمان کسی را نمی پذیرد مگر به واسطه ولایت علی بن ابیطالب و دشمنی از دشمنان او.

۳۹۳. راه ورود به فردوس (۱۱ حدیث)

در کتاب ۵ جلدی فردوس الاخبار نوشته شیرویه دیلمی متوفای ۵۰۹ قمری که از محدثین اهل سنت است روایات متعدد از فضایل امام علی علیه السلام به چشم می خورد که تعداد آن بیشتر از ۵۰ حدیث می باشد. از جمله این حدیث که از عمر بن خطاب نقل شده که او گفت: «حب علی براءة من النار»^۴.

۱. حج / ۴۶.

۲. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۲۳، علامه زین الدین علی بن یونس بناطی بیاضی.

۳. مناقب خوارزمی، ص ۷۲، ح ۵.

۴. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۲۲۲ ح ۲۵۵۴.



«قل لمن احب علیاً تهیا لدخول الجنة»^۱.

❖ ۳۹۵. حبی اثر بخش ❖

رسول خدا ﷺ به علیؑ فرمود: همین (فضیلت) برای تو بس که دوستدار تو در لحظه مرگش غصه و در قبرش وحشت و در روز قیامت بیم و ترس نخواهد داشت.
قال رسول الله ﷺ لعليؑ: «حسبك، ما لمحبك حسرة عند موته ولا وحشة في قبره ولا فرغ يوم القيامة»^۲.

❖ ۳۹۶. سوالات صحنه قیامت ❖

به نقل از ابوذر که گفت از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:
در روز رستاخیز فرزندان آدم از جای خود حرکت نمی‌کنند مگر آنکه از آنان دربارهٔ چهار چیز پرسش شود:
درباره آگاهی شان که چقدر به آن عمل کرده اند؛ درباره اینکه از چه طریقی دارایی خود را به دست آورده اند؛ درباره راهی که دارایی شان را در آن خرج کرده‌اند و دربارهٔ دوستی شان با ما اهل بیت.
سؤال کردند: ای پیامبر خدا آنان (اهل بیت) چه کسانی هستند؟ پیامبر خدا با دست خود به علی بن ابیطالب اشاره کرد. «... فأو ما یبیده الی علی بن ابی طالب»^۳.

❖ ۳۹۷. عملی مقبول ❖

رسول الله ﷺ: «أیها الناس من اراد ان یطفی غضب الله ومن اراد یقبل عمله فلیحب علی ابن ابی طالب، فان حبه یزید الایمان وان حبه یذهب السیئات کما تذهب النار الرصاص»^۴.
ای مردم! هر کس که می‌خواهد خشم خود را فرو نشاند و عملش پذیرفته شود باید

۱. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۷۹ ح ۹۱.

۲. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۰۲ ح ۱۷۵۶. (بهشت خداوند از آسمان و زمین بزرگتر است نکند با انکار امامت علیؑ به اندازه جای پای ما را در بهشت جای ندهند. فافهم و تامل.)

۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۵۹.

۴. ینابیع، ج ۲، ص ۳۰۵.

دوستدار علی بن ابیطالب باشد چرا که دوست داشتن او بر ایمان می‌افزاید و دوستی او گناهان را ذوب می‌کند مثل آتش که سرب را ذوب می‌کند.

۳۹۸. نشانه‌های مردن به حال کفر ❖ ❖

«قال رسول الله ﷺ: ثلاثٌ من كنَ فيه فليس مني ولا انا منه بغض علي بن ابي طالب ونصب لاهل بيته ومن قال: الايمان كلام».

پیامبر خدا ﷺ سه چیز است که در هر کس یافت شود، نه او از من است و نه من از وی هستم:

۱. کینه علی بن ابیطالب.
 ۲. دشمنی با اهلبیت.
 ۳. اینکه کسی بگوید ایمان در گفتار خلاصه می‌شود (نه در عمل).^۵ و فرمود: «من مات وفي قلبه بغض علي بن ابي طالب فليمت يهودياً ونصرانياً».
- و فرمود: هر کس بمیرد و در قلبش کینه علی بن ابیطالب باشد یهودی یا نصرانی مرده است.^۶

۳۹۹. امر خداوند به دوستی علی (ع) ❖ ❖

بریده از رسول خدا ﷺ نقل کرد که آن حضرت فرمود: خداوند متعال مرا به دوست داشتن چهار نفر امر کرد و به من خبر داد که خود نیز آن چهار نفر را دوست دارد. عرض شد: ای رسول خدا! این افراد چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: علی یکی از آنان است و سه بار تکرار کرد سپس افزود: ابوذر، مقداد و سلمان. خداوند مرا به دوست داشتن آنان امر کرده است و به من خبر داده که خود نیز آنان را دوست دارد.^۷

۵. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۸۵ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۴.
 ۶. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۵۰۸ - البدایة والنهایة، ج ۷، ص ۳۵۶ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۰ - اسد الغابة، ج ۵، ص ۴۳۸ - کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۹ - بیابح الموده، ج ۲، ص ۲۹۳.
 ۷. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۶ - المستدرک علی الصحیحین نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۱ - سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۳.



۴۰۰. خدا اینگونه فرموده است

رسول خدا ﷺ فرمود:

بر شما باد! اطاعت و اقتدا بر علی بن ابیطالب، او سرور شماست، پس دوستش بدارید، بزرگ شماست، پس پیروی اش کنید، دانای شماست، پس گرامی اش بدارید، راهبر شما به سوی بهشت است، پس عزیزش بدارید هنگامی که شما را فرا می خواند پاسخش بدهید و زمانی که فرمانتان داد اطاعت کنید به خاطر دوستی با من دوستش بدارید و به خاطر بزرگی من بزرگش بشمارید.

چیزی درباره علی به شما نگفتم مگر آنکه پروردگار سبحان مرا به آن امر کرده است.^۱

۴۰۱. راه نجات از آتش جهنم

عبدالله بن عمر بن خطاب می گوید:... رسول خدا ﷺ فرمود: «... (ای علی) کسی که بمیرد و دشمن تو باشد به مرگ جاهلی مرده است و به خاطر آنچه هم که در اسلام عمل کرده محاسبه می شود».^۲

و حدیثی دیگر رسول خدا ﷺ فرمود: دوست داشتن علی باعث نجات از آتش جهنم است.^۳

۴۰۲. علی نشانه خدا

امام حسن مجتبیٰ در هنگام شهید شدن امام علی فرمود:
پیامبر خدا او را با پرچم خود (به جنگ) می فرستاد در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپش بود و از جنگ بر نمی گشت مگر آنکه پیروز شده بود.^۴

۱. مقتل الحسین نوشته خوارزمی، ج ۱، ص ۴۱ - با تفاوتی اندک در المعجم الکبیر نوشته طبرانی، ج ۴، ص ۸۸.
۲. المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۳۲۱ و ج ۱۱، ص ۶۳ و در المعجم الاوسط، ج ۸، ص ۴۰.
۳. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۱۴۲ و با اندک اختلاف و کامل تر آن در سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۴۱ و مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۶۸.
۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۲۵ - المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۹.

❖ ۴۰۳. معرفی خلیفه خدا در زمین ❖

رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی خلیفتی من بعدی»؛ علی (ع) خلیفه و جانشین من است.^۱

❖ ۴۰۴. جایگاهی بی نظیر در نزد رسول خدا ﷺ ❖

رسول خدا ﷺ به علی (ع) فرمود:

«منزلة علی منی کمزلتی من ربی»؛ مقام و منزلت علی (ع) نسبت به من همانند مقام و منزلت من نسبت به پروردگارم می باشد.^۲

❖ ۴۰۵. معرفی جانشین توسط رسول خدا ﷺ ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «لاینبغی ان اذهب الا وانت خلیفتی... انت ولیی فی کل مؤمن بعدی».

روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی... تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی.^۳

❖ ۴۰۶. شجاع بی مثال ❖

به امام علی (ع) عرض شد: زره تو سینه و جلو دارد ولی پشت ندارد و ما می ترسیم که دشمن از پشت به تو حمله کند.

امام فرمود: اگر که از پشت سر مورد هجوم واقع شوم نجات نمی خواهم. (یعنی به دشمن پشت نمی کنم).^۴

صاحب کتاب اسدالغابة به نقل از سعد می نویسد: وی (علی (ع)) را دیدم که با شمشیر سرکردگان مشرکان را از دم تیغ می گذارند و می فرمود:

۱. خصائص نسائی، ص ۱۰۱ - المعجم الکبیر طبرانی، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۲۹۷ این روایت از حیث محتوا حتی از حدیث مشهور منزلت نیز بالاتر است.

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱ - مستدرک علی الصحیحین حاکم نشابوری، ج ۳، ص ۱۳۴ - مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰ - سنن الکبری، ج ۵، ص ۱۱۳.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۰.



شب را نمی‌خواهم من همواره بیدارم.^۱
 و معاویه دربارهٔ جنگ خود با علی علیه السلام اینگونه گفت: به خدا سوگند پسر ابوطالب به جنگ هیچ کس نرفت مگر آنکه زمین را از خونش سیراب ساخت.^۲
 صاحب کتاب محاضرات الادباء می‌نویسد:
 قریش هرگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در جمع لشکریان اسلام می‌دیدند از ترس او به یکدیگر وصیت می‌کردند.
 روزی کسی علی علیه السلام را در حالی که سپاه دشمن را می‌شکافت و حمله می‌کرد دید و گفت:
 «فهمیدم که ملک الموت در همان سمتی است که علی در آن سمت است».^۳

❖ ۴۰۷. حبی سعادت بخش ❖

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «حب علی ابن ابی طالب یا کل السیئات كما تأکل النار الحطب».^۴
 دوست داشتن علی بن ابیطالب گناهان را از بین می‌برد همان طوری که آتش چوب را می‌سوزاند.

❖ ۴۰۸. چند نکته مهم ❖

۱. آیا نباید از خود بپرسیم برای کدامیک از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله روایاتی که در وصف و شأن امام علی علیه السلام آمده است وارد شده تعداد روایات وارده و محتوای و متن عمیق احادیثی که برای امام علی علیه السلام در کتب اهل سنت آمده بیش از ۴۰۰ موردی است که در این فصل آورده شده است اگرچه روایاتی دربارهٔ بعضی از صحابی در کتب اهل سنت نقل شده است ولیکن از حیث تعداد و محتوای متن با روایاتی که برای امام علی علیه السلام آمده است قابل مقایسه نیست.

۲. ما نباید به حال خود فکری کنیم که این همه حدیثی که بعضی از آن‌ها ۱۲۰۰ سال قدمت داشته و از علمایی نقل شده که دارای تألیفات متعدد و عمری طولانی خود

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲ ص ۱۶۱ - اسد الغابه، ج ۴، ص ۶۲ ح ۳۷۸۹.

۲. وقعه صفین، ص ۲۷۵.

۳. محاضرات الادباء، ج ۳، ص ۱۳۸.

۴. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۹۵.

را در راه حدیث شناسی و تاریخ و رجال و تفسیر قرآن گذارده‌اند نباید راه را برای ما روشن کند که حق با علیست.

۳. تکرار بعضی از احادیث به جهت آن است که متن احادیث را از کتب متعدد اهل سنت نشان دهیم تا برای خواننده محرز شود که حدیث در کتاب مختلف نقل شده تا بدینوسیله خواننده به یقین و اعتماد بیشتری دست یابد.

۴. به ندرت و به ضرورت در مراحلی چند حدیث در این فصل از کتب شیعه آورده شده است که تعداد آن‌ها کمتر از ۱۰ مورد می‌باشد.

۵. جمع بندی ما از مطالعه این فصل باید بتواند چراغ راه ما را در دنیا و برزخ و قیامت روشن نماید ما باید برای زندگی بعد از مرگ خود فکری کنیم و با وضعیت فعلی اینگونه وارد قبر نشویم انکار حقانیت علی علیه السلام بر اساس روایات این فصل عاقبت وحشتناکی را برای برزخ و قیامت ما رقم خواهد زد پس شایسته است انسان فکری به حال و عاقبت خود بنماید. امروز حقیقت راه علی علیه السلام و حقانیت او برای ما پنهان نیست این حقیقت در لابلای کتب علمای اهل سنت قابل دسترسی است که بخش کوتاه آن در این فصل در مقابل چشم و دل شما قرار گرفته است.

۶. اگر معلم فرزند شما در مدرسه فردی ناصالح و بی سواد باشد باز هم می‌پذیرید فرزندان شاگرد چنین مدرسه ای باشد یا اینکه برای رشد فرزند خود مدرسه و مکتب خانه او را عوض می‌کنید چرا که نگران آینده عاقبت فرزند خود هستید حرف اینست که طبق احادیث اهل سنت علی علیه السلام خلیفه بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و ما برای رشد خود باید مدرسه اعتقادات خود را عوض کنیم ما نباید نگران آینده و عاقبت خود باشیم؟

۷. در همه جای دنیا مردم به کاندیدای رئیس جمهوری که سابقه وسواد و برتری ویژه داشته باشد رأی می‌دهند نه به کاندیدای کم سابقه و بی سواد؛ پس ما باید برای عاقبت خود فکری کرده ما با این سخن احمد بن حنبل که در حدود ۱۲ قرن گفته و خود رئیس مذهب حنبله است چه کنیم؛ او گفته: «آنقدری که از فضایل علی بن ابیطالب به ما رسیده است برای هیچ یک از اصحاب نرسیده است».



انتشارات سجد نون



فصل سوم

رسول خدا ﷺ:



اساس الاسلام حبی و حب اهل
بیت،

پایه و ستون دین اسلام دوست
داشتن من و اهل بیتم می باشد.

مسند احمد حنبل، صفحه ۹۴

فضایل امام علی علیه السلام در کلام صحابی و علماء اهل سنت





انتشارات سجد نون



◆◆◆ نکته ۱ (سخن سعید بن مسیب) ◆◆◆

سعید بن مسیب می گوید:

هیچ کس هرگز سلونی بر زبان تواند راند جز علی بن ابیطالب.^۱

◆◆◆ نکته ۲ (سخن آیت الله بهجت (ره)) ◆◆◆

شیعه بر اساس آیه مودت ذی القربی که در قرآن خداوند این دوستی و مودت را از مسلمانان خواسته اعتقاد دارد هر یک از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای مودت ذی القربی رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشته ما با او موافق هستیم هر که می خواهد باشد خلیفه یا غیر او و اگر فاقد این عنصر قرآنی باشد با او مخالفیم معیار در اینکار برای شیعه قرآن است و اینکه کدامیک از صحابه عنصر مودت ذی القربی را داشته و یا نداشته تاریخ و کتب تاریخی تعیین کرده است.

◆◆◆ نکته ۳ (سخن آیت الله بهجت (ره)) ◆◆◆

بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امامان شیعه علیهم السلام می گویند همه چیز را می دانیم ولی دیگران می گویند نمی دانیم.
قرآن هم می فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون»؛ آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان هستند؟
در انتخاب خلیفه پیامبر سخن از اعلیت نبود لذا بر خلاف آیه شریفه فوق به علم و اعلیت اعتنا نکردند و گفتند: غیر اعلم مقدم است.^۲

۱. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۶. (علی علیه السلام در منبرها خود مکرر می فرمود: سلونی، یعنی از من هر چه می خواهید سوال کنید لذا به یاری خدای بزرگ کتاب ۱۰۰۱ پرسش و پاسخ از امام علی علیه السلام که شامل سوالات قرآنی فلسفی - نجوم - پزشکی - فیزیک - احکام - تاریخ ملل و... است. توسط اینجانب نوشته شده و توسط همین ناشر به زیور طبع آراسته شده است.)

۲. زمر / ۹.



تفسیر نوشته باشند و فخررازی در میدان تفسیر قرآن کریم جزء ممتازین قرار دارد. هیچ کس تاکنون ادعا نکرده که در مقابل مسیحیان نجران به غیر از ۵ تن آل عبا کس دیگری حضور داشته است.

حالا یک سؤال باقی می ماند و آن اینکه اگر در مدرسه فرزند شما معلم او فردی کم سواد باشد شما می پذیرید او سمت معلمی فرزند شما را بپذیرد یا اعتراض کرده و اقدام جدی برای برکناری او خواهید کرد.

پس اگر علی علیه السلام افضل بود چرا دیگران به پائین تر از او قانع شدند و اعتراض نکردند و خلیفه ای را برگزیدند که افضل نبود.

◆ نکته ۶ (سخن ضاربن ضمیره کنانی) ◆

ابوصالح نقل می کند: ضاربن ضمیره کنانی بر معاویه وارد شد. معاویه گفت: علی را برایم توصیف کن. گفت: ای امیرمؤمنان! مرا معاف دار.

گفت: نه! معافت نمی دارم.

ضرار گفت: حال که چاره ای نیست، توصیف می کنم:

به خدا سوگند! او بسیار دوراندیش و پر قدرت بود، به فضل سخن می گفت (فیصله دهنده بود) و به عدل حکم می کرد؛ دانش از اطراف او می جوشید و وجودش از حکمت، سرشار بود از دنیا و درخشش آن می ترسید و به شب و تاریکی اش انس داشت.

به خدا سوگند! بسیار پر اشک و پر اندیشه بود. دستش را می چرخاند و خود را مورد خطاب قرار می داد. از لباس، کوتاهش را و از طعام، ساده و غیرلذیذش را دوست می داشت.

به خدا سوگند! همچون یکی از ما بود. وقتی نزدش می رفتیم، ما را نزدیک می ساخت و هرگاه می پرسیدیم، پاسخمان می داد. با همه نزدیکی اش به ما و نزدیکی به او، به خاطر هیبتش با او سخن نمی گفتیم. هرگاه لبخند می زد، چون در سفته بود. دینداران بزرگ می شمرد و فقیران را دوست می داشت. فرد قوی، امید به نادرستی او نمی برد و ضعیف از عدلش ناامید نمی گشت.

خدا را گواه می گیرم که او را در جایی دیدم، در حالی که شب پرده فروافکنده بود و

ستارگان رو به غروب می‌نهادند، رو به محرابش کرد و در حالی که محاسنش را در دست گرفته بود، چون مارگزیدگان به خود پیچیده و چون غمگینان اشک ریخت. گویی هم اکنون صدایش را می‌شنوم که به تضرع می‌گوید: پروردگارا! پروردگارا! و خطاب به دنیا می‌گوید: «مرا می‌فریبی؟ برای من آرایش می‌کنی؟ هیهات! هیهات! غیر مرا بفریب. تو را سه باره طلاق دادم. عمرت کوتاه و انجمن حقییر و ارزشت کم است. آه آه! از کمی توشه، بلندی سفر و بیم راه!»^۱.

◆ نکته ۷ (سخن زمخشری مفسر بزرگ اهل سنت) ◆

اشعار زیر منسوب به زمخشری می‌باشد:

كثُر الشَّكِّ والخِلافِ فكلَّ مدعى الفوز بالصراف السَّوى
فاعتصامى بلا اله سواه ثمَّ حَبَى لاحمد و على
فاز كلب يحبُّ اصحاب كهف كيف اشقى بحبِّ آل النَّبى؟!

یعنی: تردید و اختلاف بسیار است و هر کس ادعا می‌کند که به راه راست رستگار گردیده است؛ ولی من به لاله الا الله؛ سپس محبت احمد علیه السلام و علی علیه السلام چنگ زده‌ام. چگونه می‌شود که سگی به خاطر دوست داشتن اصحاب کهف رستگار گردد؛ ولی من با محبت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شقاوتمند شوم؟!^۲
جمیع بن عمر تمیمی گوید: «دخلت مع عمى على عائشة فسئلت: اى الناس كان أحب الى رسول الله صلی الله علیه و آله؟».

◆ نکته ۸ (سخن عایشه همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) ◆

جمیع بن عمر تمیمی گوید: همراه عمه‌ام نزد عایشه رفتیم. از وی پرسیده شد: چه کسی در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله محبوب تر بود؟ گفت: فاطمه. گفته شده: از بین مردان؟ گفت: شوهرش (علی علیه السلام). تا آنجا که من می‌دانم او پر روزه و پر نماز بود.^۳

۱. تاریخ دمشق، ج ۲۴، ص ۴۰۱ و ۴۰۲ و الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۹.

۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۶۵۰ - الصراف المستقیم، ج ۲، ص ۳۲ - الصوارم المهرقه، ص ۳۳۷: نهج الحق، ص ۲۲۷.

۳. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۷۰۱ و المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۱.



◆ نکته ۹ (سخن ابن عباس) ◆

ابن عباس گوید:

زنان از این که فردی چون امیر مؤمنان علی بن ابیطالب بزایند، ناتوان اند.^۱

◆ نکته ۱۰ (سخن عمر بن خطاب) ◆

عمر بن خطاب گوید: خداوند! هیچ گرفتاری و سختی ای نازل مکن، جز آنکه

ابوالحسن، کنار من باشد. ^۲ (اللهم لاتنزلن شديدة الا و ابوالحسن الی جنبی).

◆ نکته ۱۱ (سخن عمر بن خطاب) ◆

عمر خلیفه دوم، خطاب به امام علی علیه السلام: «یا بن ابی طالب! فما زلت کاشف کل شبهة

وموضح کل حکم؛ ای پسر ابوطالب! همواره تو برطرف کننده هر شبهه و روشن کننده

هر حکمی هستی.»^۳

معاویه به خالد بن معمر گفت: چرا علی را نسبت به ما دوست تر می داری؟ پاسخ داد:

به خاطر سه ویژگی: به خاطر بردباری اش در هنگامی که خشمگین می شد و به خاطر

راستگویی اش هر وقت که سخن می گفت و به خاطر دادگری اش هرگاه داوری می کرد.^۴

◆ نکته ۱۲ (سخن غزالی) ◆

ابوحامد غزالی نقل می کند که امام امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

اگر خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من اجازه دهند به اندازه بار چهل شتر «الف» سوره

فاتحه الكتاب را شرح می نمایم «لو اذن الله ورسوله لی لاتسرع بی شرح معانی «الف»

الفاتحه...».

سپس غزالی در ادامه می گوید:

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۶۰.

۲. تاریخ دمشق، ج ۵۳، ص ۳۵، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۴۳، ذخائر العقبی، ص ۱۴۹.

۳. کنز العمال، ج ۵، ص ۸۳۴.

۴. الصواعق المحرقة، ص ۱۳۲ - الفصول المهمة، ص ۱۲۷.

«وهذه الكثرة في السعة والافتتاح في العلم لا يكون الا الدنيا سماويا الهيا؛ اين وسعت مطالب و گشودن باب علم نيست مگر علمی الهی و آسمانی و باطنی و خدا دادی.^۱»

نکته ۱۳ (سخن حسکانی)

حاکم حسکانی در کتاب خود می نویسد:
عامر شعبی در فضائل عکبری می گوید: آگاه ترین افراد به کتاب خدا بعد از رسول خدا ﷺ علی است.^۲

نکته ۱۴ (سخن ابن شبرمه)

ابن شبرمه نیز می گوید:
هیچ کس بر فراز منبر این سخن بر زبان نراند که: از قرآن هر آنچه خواهید پرسید جز علی بن ابیطالب.^۳

نکته ۱۵ (سخن عمروعاص)

عمروعاص یکی از دشمنان امام علی بود او اقدام به تمجید از امام علی در فرازهای متعدد نموده است که در کتب مختلف تاریخی به ثبت رسیده است از جمله آنکه:

«ذکروا ان رجلاً من همدان يقال له: برد قدم علی معاوية فسمع عمرأ يقبع في علی...»
مردی از اهالی همدان به نام برد نزد معاویه آمد و شنید که عمروعاص بدی امام علی را می گوید. او به عمروعاص گفت: ای عمرو! بزرگان ما از رسول خدا شنیده اند که فرمود: هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست آیا این درست است یا نادرست؟

۱. سعد السعود النفوس منضود، ص ۲۸۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸.



عمرو عاص گفت: درست است و به شما بگویم که بین یاران رسول خدا هیچ کس فضایل چون علی ندارد.^۱

◆ نکته ۱۶ (سخن عطاء بن ابی ریحاح) ◆

از عطاء بن ابی ریحاح که خود از مفسران تابعی و از ممتازان در علم تفسیر است سؤال شد آیا دانایتر و آگاه تر از علی بن ابیطالب در بین یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را می شناسی. پاسخ داد: نه به خدا سوگند.^۲

◆ نکته ۱۷ (سخن ابو عبد الرحمن سلمی) ◆

ابو عبد الرحمن سلمی می گوید: «ما رأیت احداً اقرأ لکتاب الله من علی بن ابی طالب؛ یعنی: من کسی را آگاه تر از علی به قرآن ندیدم».^۳
او همواره می گفت: از من پرسید به خدا سوگند درباره هر آنچه از قرآن پرسید پاسخ خواهم گفت و در نقلی دیگر درباره امام اینگونه گفته است که: هرگز قریشی ای دانایتر از علی علیه السلام به قرآن ندیدم.^۴

◆ نکته ۱۸ (سخن واقدی) ◆

محمد بن عمرو واقدی متوفای ۲۰۷ و ۲۰۸ هجری قمری یکی از برجسته ترین سیره نویسان در قرن دوم و سوم است. او درباره رخدادهای تاریخی تبحر گسترده ای داشته و بسیاری از تاریخ نویسان از او بهره برده اند یکی از این تاریخ نویسان طبری است که در نگارش کتاب تاریخ خود از کتاب واقدی بهره های زیادی برده است کتاب های مانده از او کتاب المغازی و فتوح الشام در ۲ جلد است.
واقدی درباره امام علی علیه السلام این چنین می نویسد:

۱. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. الاستيعاب نوشته ابن عبدالبر از علمای بزرگ اهل سنت در قرن پنجم، ج ۳، ص ۴۰.

۳. الاستيعاب، ج ۳، ص ۲۱۰.

۴. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۲.

علی بن ابیطالب از معجزه‌های پیامبر ﷺ بود چونان عصا برای موسی ﷺ و زنده کردن مردگان برای عیسی بن مریم.

◆◆ نکته ۱۹ (سخن ابن عطیه و قرطبی و ثعالبی) ◆◆

قاضی ابومحمد عبدالحق اندلسی مشهور به ابن عطیه از علمای مالکی مذهب متوفای ۵۴۶ قمری دربارهٔ دانش و علم تفسیر امام علی ﷺ اینگونه می‌نویسد:
«اما صدر المفسرین والمؤید فیهم فعلی بن ابی طالب».

«یعنی: در رأس همه مفسران مورد تأیید، در میان آن‌ها علی بن ابیطالب است»^۱ و بعدها مفسران دیگری این سخن را مورد تأکید و تأیید قرار دادند که عالم بزرگ و مفسر سنی مذهب قرطبی متوفای ۶۷۱ هجری قمری در تفسیر ۲۰ جلدی الجامع لاحکام القرآن ج ۱، ص ۳۵ و ثعالبی متوفای ۸۷۵ در تفسیر ۵ جلدی خود، جواهر الحسان، ج ۱، ص ۳۰ به این مطلب تأکید و تصریح داشته‌اند.^۲

◆◆ نکته ۲۰ (سخن قثم بن عباس) ◆◆

ابواسحاق نقل می‌کند که از قثم بن عباس پرسیدم: چگونه از میان شما، تنها علی ﷺ از پیامبر خدا ارث برد؟
گفت: چون او نخستین کسی از ما بود که به وی پیوست و از همهٔ ما بیشتر با او بود.^۳

◆◆ نکته ۲۱ (سخن ابوبکر) ◆◆

ابوبکر بن ابی قحافه (خلیفهٔ اول) می‌گوید: علی بن ابیطالب، عترت پیامبر خداست.^۴
شعبی نقل می‌کند که: ابوبکر به علی بن ابیطالب ﷺ که از رو به رو می‌آمد، نگاه کرد و می‌گفت: آنکه نگاه به خویشاوندترین مردم به پیامبر خدا، برخوردار از نیک‌ترین منزلت

۱. المحرر الوجیز، ج ۱، ص ۱۸.

۲. ثعالبی با عالم دیگر اهل سنت یعنی ثعلبی که دارای تفسیر ثعلبی در ۱۰ جلد و متوفای سال ۴۷۲ می‌باشد فرق دارد.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶ - المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۴۰.

۴. السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۷۴ و تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۱.



به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بهره مندترین آنان در نزد خداوند و والاترین آنان برای خدا، شادمانش می کند به علی بنگرد.^۱

◆ نکته ۲۲ (سخن معاویه بن ابی سفیان) ◆

قیس بن ابی حازم گوید: مردی نزد معاویه آمد و از وی مسئله ای پرسید. گفت: مسئله ات را از علی بن ابیطالب بپرس. او داناتر است.

گفت: ای امیر مؤمنان! پاسخ تو در این باره، برای من، از پاسخ علی بن ابیطالب، دوست داشتنی تر است.

معاویه گفت: بد گفתי و ناپسند آورده ای! مردی را ناخوش داشتی که پیامبر خدا، دانش را به او می خوراند و پیامبر خدا به او فرمود: «تو نسبت به من، چون هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی، جز آنکه پیامبری پس از من نیست» و هرگاه عمر با دشواری مواجه می شد، از او می پرسید و من عمر را دیدم که چیزی بر او دشوار شد. گفت: فلج نگردي، برخیز علی، آنجاست.^۲

◆ نکته ۲۳ (سخن عمر بن خطاب) ◆

علی علیه السلام در مسجد کنار عمر نشست و در حضورش تعدادی از مردم بودند. وقتی علی علیه السلام برخاست، یکی از آنان، از وی به بدی یاد کرد و او را به تکبر و خودبزرگ بینی متهم ساخت.

عمر گفت: کسی چون او رواست که تکبر بورزد. سوگند به خدا، اگر شمشیر او نبود هرگز ستون اسلام، افراشته نمی شد و همچنان، او برترین داور و پرباقه ترین و پرفخرترین امت است.^۳ «... والله لو لاسیفه لما قام عمود الاسلام وهو بعد افضی الامة...».

۱. الرياض النضرة، ص ۱۱۹.

۲. فضائل الصحابه ابن حنبل، ج ۲، ص ۶۷۵ ح ۱۱۵۳ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۱۷۰.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۸۲.

نکته ۲۴ (سخن خطیب خوارزمی)

خطیب خوارزمی که از محدثان و مورخان بزرگ قرن ششم است، در باره علی

سروده:

آیا جوانی چون ابوتراب هست؟
هرگاه دیده‌ام به درد آید
محمد پیامبر، به سان شهر دانش است
او بسیار گریه کننده در محراب است
او مولایی است که در بین بردگانی
و طلاهای بیت‌المال را شبانگاه می‌بخشد

کجا روی زمین مثل او وجود دارد؟
خاک پای ابوتراب، سرمایه چشم من است
و امیرمؤمنان، دروازه آن شهر است
و با این حال، در روز جنگ، پر خنده است
که گرسنگی آنان را فراق گرفته، غذا تقسیم می‌کند
و نقره‌های آن را چون ظرف شیر، خالی می‌کند^۱

نکته ۲۵ (سخن خلیل بن احمد)

از خلیل بن احمد^۲ - متوفای ۱۷۵ قمری که نزد شیعه و سنی مقبول است و از مخلصین شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است سؤال شد:

«ما الذلیل علی ان علیاً (علیه السلام) - امام الکَلِّ فی الکَلِّ؟»؛ دلیل بر این که علی پیشوای همگان در تمام مسایل است، چیست؟
ایشان پاسخ دادند:

«افتقار الكل اليه في الكل واستغناؤه وعن الكل في الكل، دليل على انه امام الكل في الكل».

احتیاج همه [صحابه] به او در تمام مسائل، و بی نیازی او از همگان در همه مسائل، دلیل بر این است که او امام و پیشوای همه در تمام مسایل است.

نکته ۲۶ (سخن سعد ابی وقاص)

قیس بن ابو حزیم روایت کرده است که او شنید که سعد بن ابی وقاص به مردی از

۱. المناقب، ص ۳۹۹.

۲. ابو عبدالرحمان خلیل بن احمد فراهیدی - از پیشوایان لغت و نحو و صاحب کتاب «العین».

۳. با اندکی تفاوت: مقدمه کتاب ترتیب العین، ص ۲۸.



دمشق که علی بن ابیطالب را لعن می کرد، گفت: «مرد چرا علی را لعن می کنی؟» آیا او اول کسی نبود که اسلام را پذیرفت؟ آیا او اول کسی نبود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواند؟ آیا عالم ترین مردم در میان آنان نبود؟ سپس سعد گفت: خدایا، این مرد یک نفر از پرهیزگارترین بندگان تو را لعنت می کند، من از تو می خواهم که نگذاری این گروه اینجا را ترک کنند؛ مگر قدرتت را به آنان نشان دهی. آن مرد دمشقی خود را از بالای اسب بر روی سنگی انداخت و سرش شکافت و در دم جان داد.^۱

◆ نکته ۲۷ (سخن جاحظ) ◆

مأه کلمة از کتاب های مشهوری است که دانشمند سنی ابو عثمان عمرو بن بحر، معروف به جاحظ (م. ۲۵۵ هـ) تألیف کرده است. وی که معتزلی بود و گرایش عثمانی داشت و در قرن سوم در ادبیات و کلام پر آوازه بود، با شگفتی تمام صد سخن از کلمات امام علی علیه السلام را برگزید و همواره از آن سخنان، یاد می کرد و به شاگرد خود احمد بن طاهر می گفت: امیر المؤمنین علی علیه السلام را صد کلمه ای است که هر کدام از آن ها با هزار کلمه از کلمات ادبیات عرب برابری می کند.^۲

کتاب مأه کلمة بارها ترجمه و شرح شده است. مطلوب کل طالب عنوان ترجمه و شرحی است که رشید و طواط در قرن ششم بر کتاب جاحظ نگاشت و تمامی آن را با رباعیها خود به نظم در آورد.

◆ نکته ۲۸ (سخن احمد بن حنبل) ◆

از احمد بن حنبل روایت شده که گفته است: «ما بلغنا عن احد من الصحابة ما بلغنا عن علی بن ابی طالب»؛ آن قدر [از فضایل] که از علی بن ابیطالب به ما رسیده است، برای هیچ کدام از اصحاب نرسیده است.^۳

۱. حاکم نیشابوری شافعی مذهب، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۹۹.

۲. المنقب، خوارزمی، ص ۲۷۰.

۳. فتح الباری، ج ۷، ص ۷۴.

نکته ۲۹ (سخن حسن بن زید)

حسن بن زید نقل می کند:

(علی) لم یعبد الاثوان قط: [علی علیه السلام] هرگز بت ها را نپرستید.^۱

نکته ۳۰ (سخن عایشه)

چرا همه خلفاء و حکام و سلاطین حق تعیین جانشین و خلیفه را داشتند و دارند و کردند چنانکه عایشه به خلیفه پیام داد که:

«لاتدع امة محمد بلا راع؛ امت محمد ﷺ را بدون سرپرست رها مکن»^۲. ولی تنها رسول خدا ﷺ حق تعیین خلیفه را نداشت.

نکته ۳۱ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می نویسد:

من درباره مردی که در مسیر هدایت گوی سبقت را از همگان ربود. و در هنگامی که همه ساکنان زمین سنگ می پرستیدند و خالق هستی را انکار می کردند او به خداوند ایمان داشته و او را می پرستیده است چه بگوییم؟

احدی بر او در یکتاپرستی سبقت نجست مگر آن کسی که در هر خوبی بر همگان پیشی جسته است؛ یعنی محمد رسول خدا ﷺ او در ادامه تأکید می کند: بیشتر محدثان بر این عقیده اند که ایشان (علی علیه السلام) در پیروی از رسول خدا ﷺ و ایمان به او اولین انسان بوده است...

ایشان خود فرمود: «انا الصدیق الاکبر وانا الفاروق الاول اسلمت قبل اسلام الناس وصلیت قبل صلاتهم».

کسی که به کتاب های اهل حدیث مراجعه نماید این مطلب را حقیقت می یابد و به وضوح خواهد دانست. واقدی و ابن جریر طبری بر این باور بوده اند و این عقیده ای است

۱. طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۶ - الصواعق المحرقة، ص ۱۲۰.

۲. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۸.



که صاحب کتاب الاستیعاب (ابن عبدالبر از علمای اهل سنت) آن را ترجیح داده و تأیید کرده است.^۱

◆ نکته ۳۲ (سخن آیت الله بهجت (ره)) ◆

حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره) می فرماید:

با این که «ابن حجر» (شاید در کتاب اصابه خود) در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته است: از کشته شدن عمار معلوم شد که حق با علی علیه السلام بوده است. «ظهر بقتل عمار ان الصواب کان مع علی علیه السلام».^۲

زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره عمار فرمود:

«آخر شراک اللین وتقتلک الفئة الباغية». آخرین نوشیدنی تو شیر است و گروه متجاوز تو را می کشد.

در عین حال در کتاب صواعق می نویسد: هر دو طرف (علی علیه السلام و معاویه) مجتهد بودند. یکی مخطیء و دیگری مصیب و: «للمصیب اجران وللمخطیء اجر واحد»^۳ مجتهدی که نظرش مطابق واقع است دو اجر؛ و مجتهدی که نظرش مخالف با واقع و خطا است یک اجر دارد.

می گوید: چه می دانم حق با کیست (علی یا معاویه) شاید حق با معاویه باشد و ما در شبهه و تردید هستیم، برای ما معلوم نشد که حق با علی علیه السلام بوده است یا با معاویه! همان معاویه که در کوفه بر روی منبر گفت: «انّی واللّه، ما قاتلتکم لتصلّوا ولالتحجّوا، ولالتزکّوا؛ انکم لتفعلون ذلك ولکنّی قاتلتکم لاتأمّر علیکم».^۴

به خدا سوگند! من با شما برای این نجنگیدم که نماز بخوانید یا حج به جا آورید و

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲ در بین مورخان نه تنها واقدی و طبری چنین نظری دارند بلکه یعقوبی در ج ۱، ص ۳۷۹ و مسعودی در مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۳ و ابن اسحاق و ابن هشام در السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۲ نیز آورده اند.

۲. الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۶.

۳. فتح الباری، ج ۱، ص ۶۰ - تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۲۷۴ - المستصفی، ص ۳۶۰.

۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۴۹ - ارشاد، ج ۲، ص ۱۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۵۳ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۴ و ۴۵.

یا زکات بدهید؛ زیرا شما خود این کارها را می‌کنید، بلکه تنها برای این جنگیدم که بر شما حکومت کنم!

همان معاویه که مغیره بن شعبه با آن خباثش وقتی از پیش او آمد، گفت: «جنت من عند اخبث الناس»^۱؛ از نزد خبیث ترین مردم آمدم.

ولی خواری می در مناقب درباره علی علیه السلام نقل می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: «لامنزلة علی منی مثل منزلتی من ربی»^۲؛ منزلت علی علیه السلام نسبت به من همانند منزلت من نسبت به پروردگارم می‌باشد که دلالتش از حدیث منزلت «انت منی بمنزلة هارون من موسی علیه السلام»^۳؛ تو - علی علیه السلام - نسبت به من؛ به منزله هارون نسبت به حضرت موسی علیه السلام هستی» اقوی است؛ هر چند سند حدیث منزلت متواتر است و سند این روایت در حدّ تواتر نیست.

نکته ۳۳ (سه نقل از عایشه)

آیا رسول خدا ﷺ امر کرد تا ابوبکر به جای ایشان نماز بخواند و به عنوان نایب خویش او را تعیین کرد و بعد خودش به مسجد رفت؟ یا اصلاً امر و فرمانی در کار نبود و ابوبکر از پیش خود و بدون اجازه رسول الله ﷺ به مسجد رفت؟

عایشه دختر ابوبکر این جریان را ۳ گونه نقل کرده است:

۱. همه مردم به ابوبکر اقتدا کردند و ابوبکر به پیغمبر ﷺ^۴
 ۲. همه به حضرت رسول ﷺ اقتدا کردند حتی خود ابوبکر.^۵
 ۳. همه مردم حتی خود حضرت ﷺ به ابوبکر اقتدا کردند.^۶
- بعد از او پرسیدند: این ۳ نقل تو با هم اختلاف دارند و امکان ندارد که این واقعه

۱. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۶۹ - کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۱۸ - کشف اليقین، ص ۴۷۴ - الغدير، ج ۱۰، ص ۲۸۳ - احادیث ام المؤمنین عایشه، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲. المسترشد، ص ۲۹۳ - مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۶۰ - بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۹۸ - میزان الاعتدال ذهبی شافعی مذهب، ج ۳، ص ۵۴۰ - الكشف الحثیث، ص ۲۲۹ - لسان المیزان ابن حجر، ج ۵، ص ۱۶۱.

۳. فضائل الصحابة، ص ۱۳ و ۱۴ - صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰ و ۱۲۱ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۲ و ۳۰۴ و...

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۲، ۱۶۷ و ۱۷۵ - السنن الکبری، بیهقی شافعی مذهب، ج ۲، ص ۸۱ و ۳۰۴.

۵. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۷ و ۱۷۴ - السنن الکبری، بیهقی، ج ۳، ص ۹۴.

۶. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۲۲، السنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۳۹۰ و ج ۸، ص ۱۵۲ و فتح الباری، ج ۲، ص ۱۳۰.



به سه صورت اتفاق افتاده باشد پاسخ داد: من چه می دانم بعضی این گونه می گویند و بعضی آن گونه.^۱

نکته ۳۴: (سخنان زیادبن ابوسفیان و طبرانی)

چه کسی جامعه اسلامی را به این نقطه هدایت کرد که به ذوی القربی رسول الله ﷺ اینگونه بنویسند.

زیادبن ابوسفیان به امام حسینؑ نوشت.

«انَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ لِحَمًا أَنْ آكَلَهُ، لِلْحَمِّ أَنْتَ مِنْهُ؛ دوست داشتنی ترین و محبوب ترین

گوشت نزد من برای این که بخورم گوشتی است که تو از آن به وجود آمده ای.»^۲

کتاب های اهل سنت انباشته از فضایل و مناقب امام حسن و امام حسین است. دو کودکی که پیامبر بر گردن خود سوارشان می کرد دو کودکی که به احترام آن ها زمانی که بر پشت پیامبرؐ بودند پیامبر سجده هایش را طولانی می کرد و این در حالی است که در کتب قدیمی اهل سنت مثل المعجم الکبیر یا المعجم الاوسط روایات زیادی در شأن امام حسن و امام حسینؑ نقل شده است. در آیه مباهله تصریح دارد که منظور از «بنائنا» همان امام حسن و امام حسینؑ فرزندان پیامبر خدا هستند و اسامه بن زید از پدرش روایت می کند که رسول خدا ﷺ را دید که حسن و حسینؑ را در برگرفته بود و می فرمود: «هذان ابناي وابنا فاطمة. اللهم انك تعلم اني احبهما؛ این ها فرزندان من و فاطمه اند خدایا می دانی که آن ها را دوست دارم.»^۳

و در روایتی دیگر در همان کتاب ها از رسول خدا ﷺ است که فرمود: «الحسن والحسين سيد شباب اهل الجنة»^۴ معاویه ابن ابی سفیان و زیادبن ابوسفیان به فرزندان رسول خدا ﷺ چه جفاها که نکردند».

۱. فتح الباری، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید از علمای اهل سنت، ج ۱۶، ص ۱۹ ابوسفیان و فرزندانش همان کسانی هستند که در اینکار سابقه طولانی دارند.

۳. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۹۰، ۱۹۹ - المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۱۳۶، ح ۶۲۴۱ - المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۲۳ ح ۳۷۸ و ج ۱۰، ص ۷۸، ح ۹۹۸۴ - ج ۲۲، ص ۲۷۳ ح ۷۰۱ و ص ۲۷۴ ح ۷۰۲.

۴. المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۳۶۸ و ج ۳، ص ۱۰۴ ح ۲۲۱ و ج ۵، ص ۱۶۹ ح ۴۳۲۹ و ج ۶، ص ۹۷ ح ۵۲۰۴ و ص ۲۹۹ ح ۵۶۴۰ و ج ۷، ص ۱۵۵ ح ۶۲۸۲ و ص ۲۷۶ ح ۶۵۳۶ - المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۲۹۲ ح ۶۵۰ و جلد ۲۲، ص ۴۳ ح ۱۰۰۵.

در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که فرمود: «من أحب الحسن والحسين أحبته ومن أحبته أحبه الله ومن ابغضها ابغضته؛ ومن ابغضته ابغضه الله»^۱.

نکته ۳۵ (سخن فخررازی)

صاحب تفسیر مفاتیح الغیب، فخررازی از دانشمند بزرگ سنی در تفسیر ۳۲ جلدی خود ذیل آیه مباهله «فقل تعالوا ندع أبناءنا وابناءکم ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکذبین؛ یعنی: بگو بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و کسان نزدیکمان و کسان نزدیکتان را فرا خوانیم، سپس [به درگاه خدا] تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم»^۲.

آورده: پیرمردی را در شهر ری دیدم که ادعا می کرد علی ﷺ از انبیاء سلف برتر است. از او سؤال کردم چه علتی بر ادعای خود داری؟

او جواب مرا داده و آیه مباهله را خواند، آن گاه گفت: در قرآن آمده: «ندع... انفسنا» دعوت کنیم... جان هایمان را.

در یک دعوت به طور طبیعی دعوت شونده غیر از دعوت کننده می باشد، پس به طور قطع منظور از «انفسنا» در آیه مباهله خود پیامبر ﷺ نمی باشد زیرا رسول خدا ﷺ در اینجا خود دعوت کننده است.

۱. المعجم الاوسط، جلد ۵، ص ۴۰۰ ح ۴۷۹۲ و جلد ۷، ص ۲۴۲ ح ۶۴۶۶ - المعجم الکبیر، جلد ۶، ص ۲۹۶ ح ۶۱۰۹ و المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۷۰ باید توجه داشت که نویسنده کتاب های المعجم الکبیر و المعجم الاوسط و المعجم الصغیر از محدثین بزرگ و قدیمی اهل سنت است که در حدود ۱۱ قرن پیش کتاب های خود را نوشته است و در کتاب او به روایات زیادی بر می خوریم که در شأن امام حسن و امام حسین ﷺ وارد شده است. مثل (المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۵ و ص ۲۵۷ و جلد ۲، ص ۴۵ و ص ۱۲۶ و ص ۲۰۰ - المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۵ ح ۳۳۹ و جلد ۳، ص ۲۰۷ ح ۱۳۷۱ و ص ۳۱۹ ح ۱۵۵۴ و ص ۴۸۱ ح ۱۸۳۱ و ص ۵۲۳ ح ۱۸۹۹ و ج ۲، ص ۱۴۴ ح ۲۲۹۶ و ج ۴، ص ۵۸۲ ح ۳۹۹۹ - ج ۵، ص ۴۱۸ ح ۴۸۲۹ و ج ۷، ص ۳۶۲ ح ۶۷۰۴ و ح ۶۴۵۸ و ح ۶۵۳۶ و ج ۸، ص ۳۳۰ ح ۷۶۷۱ و ج ۹، ص ۱۰ ح ۸۰۱۴ و ح ۸۱۳۷ و در المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۱۵ ح ۳۵۱ و ح ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۲۶ و ۹۳۱ و ج ۵، ص ۲۳۴ ح ۵۱۰۷ و ح ۵۱۲۱ و ج ۶، ص ۱۶۷ ح ۵۷۵۹ و ح ۶۱۶۸ و ج ۱۰، ص ۲۹۷ ح ۱۰۵۹۰ و ج ۱۱، ح ۱۱۸۳۸ و ح ۱۱۸۵۶ و ج ۱۲، ص ۱۸۵ ح ۱۲۸۳۷ و ج ۲۰، ص ۳۸ ح ۵۶ و ح ۶۳۶ و ح ۶۳۶ و ج ۱۹، ص ۳۵۶ ح ۸۳۳ و ج ۲۲، ص ۲۷۴ ح ۷۰۳ و ح ۱۰۱۷ و ح ۱۰۴۱ و ج ۲۳، ص ۳۷۳ ح ۸۸۲) باید توجه داشت معاویه به چه کسی دشنام داده و چه کسی را کشته قطعاً او قاتل فرزند رسول خدا امام حسن است و جایگاه امام حسن ﷺ در روایات اهل سنت معلوم است تا چه اندازه و در چه جایگاهی است. و آدرس های احادیث فوق تنها بخشی از فضایل امام حسن ﷺ در کتب اهل سنت است.

۲. آل عمران / ۶۱



افرادی را که قرآن دعوت کرده سه دسته می‌باشند: **ابناء، نساء، انفس**. سپس می‌فرمایند: ما سه گروه را با خود می‌آوریم شما نیز سه گروه را بیاورید. پسران، بانوان و جان‌ها.

خود رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام دعوت کننده است و سه گروهی را که دعوت کرده است غیر از خود دعوت کننده است.

به طور طبیعی پسرها عبارت بودند از امام حسن و امام حسین علیهما السلام و بانوان هم غیر از حضرت زهرا علیها السلام کسی نبود و **انفسنا** که در وجود امام علی علیه السلام تبلور یافته است. چرا تعبیر **انفسنا** را می‌آورد؟ به خاطر اینکه باید کسی باشد که تمام خصوصیت‌های او مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد و الا نمی‌گوید «انفسنا» یعنی خودمان.

کلمه (خودمان) نشان دهنده این است که کسی این عنوان را دارد که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ تفاوتی ندارد و الا استفاده از این کلمه درست نمی‌باشد و تنها یک بعد او از پیامبر صلی الله علیه و آله استثناء شده و آن هم نبوت می‌باشد که امام علی علیه السلام ندارند.

پس علی علیه السلام تمام کمالات و شأنی را که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده به غیر از نبوت همه را داشته است و الا خود پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد و آن خودی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خارج به جهانیان معرفی کرده است کسی نیست جز وجود مبارک امیرمؤمنان علی علیه السلام.

پس هر شأن و فضیلت و جایگاهی را که خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله داده همه را یک جا به علی علیه السلام نیز داده است منهای جنبه نبوت... و چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشرف و اکمل آفریده‌ها و افضل انبیای گذشته است پس علی علیه السلام نیز از انبیای گذشته افضل است.

فخررازی می‌گوید: من در مقابل استدلال او هیچ جوابی نداشتم.

◆ نکته ۳۶ (سخن ابوالقاسم حاکم حسکانی) ◆

حاکم حسکانی صاحب کتاب شواهدالتنزیل که از علمای محقق و معتمد است در جلد دوم کتاب خود اینگونه آورده است:

اولین کسی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب زنده داری به عبادت برخاست علی علیه السلام بود و اولین کسی که با او بیعت نمود علی علیه السلام بود؛ همچنین اولین کسی که از مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد علی علیه السلام بود.

نکته ۳۷ (سخن معاویه)

معاویه طی نامه ای به امام علی علیه السلام ضمن اشاره به بی توجهی مردم بعد از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله به خلافت امام علی علیه السلام و بی اعتنایی به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله در عید غدیر خم با نوشتن این متن مدرکی مستند از زیر پا نهادن فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در پیروی از حضرت علی علیه السلام را در تاریخ ثبت کرد. او به امام نوشت:

ابن ابی الحدید متن نامه معاویه را اینگونه می نویسد: یادت می آورم دیروز را... روزی که مردم با ابوبکر بیعت کردند که بانوی خانه ات را بر دراز گوشه سوار کرده بودی و دست بچه هایت حسن و حسین را در دست گرفته بودی. احدی را از بدریین و سابقین در اسلام فرو گذار نکردی مگر این که به سوی خویش دعوت کردی و خود با زن و بچه ات به سوی آن ها رفتی و از آنان یاری طلبیدی که یار رسول الله بوده ای تا یاری ات کنند امام جز چهار نفر یا پنج نفر تو را جواب نگفتند و به جان خودم اگر حق بودی جوابت گفته بودند اما تو ادعای باطلی داشتی و آنچه را حقت نبود می خواستی و طلب می کردی و آنچه را نمی رسیدی قصد کرده بودی و اگر فراموش کرده باشی من از یاد نبرده ام که وقتی ابوسفیان تحریکت می کرد گفתי: اگر چهل نفر یار باعزمی می داشتم مقاومت می کردم.

نکته ۳۸ (ابن عباس)

ابن عباس که در نزد اهل سنت از مفسرین مورد وثوق می باشد اظهار نموده که بیشتر آنچه در علوم قرآنی کسب کرده در نزد علی بن ابیطالب آموخته است. ابن عباس می گوید: همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی از آن حروف نیست مگر این که برای آن ظاهر و باطنی است و به راستی علی علیه السلام آن ظاهر و باطن را می داند. این مرد بی نظیر علم تفسیر دست پرورده علی بن ابیطالب می باشد.

نظر ابن عباس در مورد آیه «کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون...» و از شب اندکی را

۱. مرآة الانوار، ص ۵.



خواب می کردند»^۱ این بود که آیه مذکور در مورد علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است.

ابن عباس مصداق آیه فوق را علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) می داند. زیرا می گوید: علی بن ابیطالب (علیه السلام) چنان بود که دو ثلث آخر شب را به نماز و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و ثلث اول شب را استراحت می کرد. وقتی سحر می رسید آن حضرت به دعا و استغفار می پرداخت. در مورد حضرت علی (علیه السلام) آمده که هر شب هفتاد رکعت نماز و یک ختم قرآن در پایان آن نماز انجام می داد.^۲

◆ نکته ۳۹ (نقل حاکم حسانی) ◆

ابن عباس که از مفسرین بزرگ قرآن در نزد اهل سنت می باشد در کتاب شواهد التنزیل گفته: «ما نزل فی احدٍ من کتاب الله ما نزل فی علی (علیه السلام)؛ برای هیچ کسی به اندازه علی (علیه السلام) در قرآن آیه نازل نشده است.

◆ نکته ۴۰ (سخن عایشه) ◆

عایشه روایت کرده که روزی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم، آن گاه علی (علیه السلام) وارد شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: این مرد آقای عرب است.^۳

◆ نکته ۴۱ (سخن ابن حجر عسقلانی) ◆

ابن حجر عسقلانی از مغیره بن سعید نقل کرده که مقصود از «بالعدل» در آیه شریفه: «ان الله یأمر بالعدل والاحسان...»^۴؛ علی بن ابیطالب است و مقصود از «الاحسان» فاطمه (علیها السلام) و مقصود از «وایتاه ذی القربی» حسن و حسین علیهما السلام می باشد.^۵

۱. ذاریات / ۱۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۲۷۱.

۳. صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۴۷۵ - الریاض النضرة، ج ۲، ص ۲۱۳.

۴. نحل / ۹۰.

۵. لسان المیزان ۷ جلدی، ج ۶ ص ۷۶.

نکته ۴۲ (سخن حسانی)

حاکم حسانی در کتاب خود شواهدالتنزیل تصریح و تأکید کرده که اصحاب کساء همان کسانی هستند که آیه شریفه: «**انما يريد الله عنكم الرجس...**»^۱؛ درباره آن‌ها نازل شده و آن‌ها عبارتند از علی و فاطمه و حسین و حسین علیهما السلام.^۲

نکته ۴۳ (سخن ابن عباس)

ابن عباس در مورد ویژگی های ذکر شده در سوره عصر می گوید: «جمع الله هذه الخصال كلها في كل علي عليه السلام... كان والله اول المؤمنين ايماناً و عملوا الصالحات وكان اول من صلى...»^۳.

خداوند متعال همه خصلت های یاد شده در آیه «**الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات...**»^۴ از سوره عصر را در علی عليه السلام جمع نموده؛ زیرا اولین کسی بود که ایمان آورد و با رسول خدا صلی الله علیه و آله عبادت نمود به نماز ایستاد و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را سفارش نمود که او را غسل دهد و دیون او را ادا کند و اطراف قبر او دیواری قرار دهد که زن ها با نشستن بر قبر او، او را اذیت نکنند و او را سفارش نمود به حفظ حسن و حسین علیهما السلام و این است معنای «وتوصوا بالصبر»^۵.

نکته ۴۴ (سخن ابوالهذیل)

ابوالهذیل، دانشمند معروف اهل تسنن عراق می گوید: در سفری وارد شهر «رقه» (یکی از شهرهای سوریه کنونی) شدم، در آنجا شنیدم که مردی دیوانه ولی خوش کلام در «معبد زکی» زندگی می کند. برای دیدار او به آن معبد رفتم، دیدم در آنجا یک پیرمرد با جمال و خوش قامتی بر روی زیراندازی نشسته و موی سر و روی خود را شانه می زند بر او سلام کرد، جواب سلام را داد، آن گاه بین من و او چنین گفتگو شد:

۱. احزاب / ۳۳.

۲. شواهدالتنزیل، ج ۲ از صفحه ۱۰ تا ۹۲. (این روایت به طرق متعدد در این صفحات آمده است).

۳. شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۴۸۳.

۴. عصر / ۳.

۵. دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۷۴.



ناشناس هوشمند: اهل کجا هستی؟

ابوالهذیل: اهل عراق هستم.

ناشناس هوشمند: آری! پس اهل تجربه ها و هنرهای زندگی و آداب هستی، بگو

بدانم در کدام نقطهٔ عراق زندگی می کنی؟

ابوالهذیل: در بصره.

ناشناس هوشمند: پس از اهل تجربه ها و علم هستی چه نام داری؟

ابوالهذیل: من «ابوالهذیل علاف» هستم.

ناشناس هوشمند: همان متکلم معروف!

ابوالهذیل: آری!

در این هنگام آن ناشناس هوشمند برخاست و مرا در کنارش روی فرش نشاند و پس

از گفتگوئی به من گفت: نظر تو دربارهٔ امامت چیست؟

ابوالهذیل: منظورت کدام امامت است؟

ناشناس هوشمند: منظورم این است که شما چه کسی را بعد از رحلت رسول خدا ﷺ

(به عنوان جانشین آن حضرت) مقدم داشتید؟

ابوالهذیل: همان را که پیامبر ﷺ مقدم داشت.

ناشناس هوشمند: او کیست؟

ابوالهذیل: او ابوبکر است.

ناشناس هوشمند: چرا او را مقدم داشتید؟

ابوالهذیل: زیرا پیامبر ﷺ فرمود: «بهترین و برترین فرد خود را مقدم بدارید و رهبر

خود کنید» همهٔ مردم به مقدم داشتن ابوبکر راضی شدند.

ناشناس هوشمند: «ای ابوالهذیل! در اینجا خطا نمودی!».

اما این که گفتم، پیامبر ﷺ فرمود: «بهترین و برترین خود را مقدم بدارید و رهبر

خود کنید» انتقاد من به تو این است که خود ابوبکر، بالای منبر گفت: «ولیتکم ولست

بخیرکم»، «رهبری شما را به عهده گرفتیم با این که بهترین فرد شما نیستیم».

اگر مردم به دروغ ابوبکر را برتر دانسته و او را رهبر خود کردند، با سخن پیامبر ﷺ

مخالفت نموده‌اند و اگر خود ابوبکر به دروغ می‌گوید: من برترین فرد شما نیستم، شایسته نیست که افراد دروغگو بر بالای منبر رسول خدا ﷺ روند.

و اما این که می‌گوئی همه مردم به رهبری ابوبکر، راضی شدند نادرست است. زیرا بیشترین افراد انصار (مسلمین مدینه) می‌گفتند: «منا امیر و منکم امیر»؛ یک نفر از میان ما، امیر باشد و یک نفر از میان شما (مهاجران) امیر باشد.

اما در مورد مهاجران، همانا «زبیر» گفت: من غیر از علی ﷺ با هیچ کس بیعت نمی‌کنم، شمشیر او را شکستند، ابوسفیان نزد علی ﷺ آمد و گفت: اگر بخواهی همه مردم را جمع کرده (با تو بیعت می‌کنیم) و سلمان بیرون آمد و گفت: کردند و نکردند و ندانند که چه کردند (کارهایی که در مورد بیعت با ابوبکر انجام شده بر خلاف اصول صورت گرفته) و همچنین مقداد و ابوذر اعتراض نمودند، این بود وضع مهاجران [پس همه مردم به رهبری ابوبکر رضایت نداده‌اند].

ای ابوالهذیل! اکنون چند سؤال از تو دارم، پاسخ این سؤال‌ها را به من بده:

۱. به من بگو بدانم مگر نه این است که ابوبکر بالای منبر رفت و گفت: ای مردم!... «ان لی شیطاناً یعتزینی، فاذا رأیتمونی مغضباً فاحذرونی؛ همانا! در وجود من شیطانی هست که مرا غافلگیر کرده و بر من چیره می‌شود وقتی که مرا خشمگین یافتید از من دوری کنید»؛ او در حقیقت با این سخن، می‌خواهد بگوید: من همانند دیوانه هستم، بنابراین چگونه شما او را رهبر نموده اید؟

۲. به من بگو بدانم، کسی که معتقد است پیامبر ﷺ کسی را جانشین خود نکرد ولی ابوبکر، عمر را جانشین خود نمود و عمر کسی را جانشین نمود، در رفتار آن‌ها یک نوع تناقض دیده می‌شود جواب این ایراد چیست؟

۳. به من بگو بدانم، وقتی که عمر خلافت بعد از خود را به شورای شش نفری وا گذاشت و گفت آن‌ها از اهل بهشت می‌باشند، پس چرا بعداً گفت: اگر دو نفر از آن‌ها با چهار نفر دیگر مخالفت کردند، آن دو نفر را بکشید و اگر سه نفر با سه نفر دیگر مخالفت نمودند آن سه نفر را که عبدالرحمن بن عوف در میانشان است بکشید؟ آیا چنین دستوری از دیانت است که فرمان قتل اهل بهشت را صادر نماید؟!



۴. ای ابوالهذیل به من بگو بدانم؛ ماجرای ملاقات ابن عباس و عمر و گفتگوی آن‌ها را چگونه با عقیده خود سازگار می‌دانی؟

آن هنگام که عمر بن خطاب بر اثر ضربه بستری شد و عبدالله بن عباس نزد او رفت دید بی تابی می‌کند، پرسید: «چرا بی تابی می‌کنی؟». عمر در پاسخ گفت: بی تابی من برای خودم نیست، بلکه از این رو است که بعد از من چه کسی عهده دار مقام رهبری می‌گردد، سپس بین او و ابن عباس چنین گفتگو شد: ابن عباس طلحه بن عبیدالله را رهبر مردم کن.

عمر: او تندخو است، پیامبر او را این چنین می‌شناخت، من مقام رهبری را به آدم تندخو نمی‌سپرم.

ابن عباس: زیرین عوام را رهبر مردم کن.

عمر: او مرد بخیل است، دربارهٔ مزد همسرش در مورد مقداری از پشمی که رشته بود، ستیز و سخت گیری می‌کند، مقام رهبری مسلمین را به شخص بخیل واگذار نمی‌کنم. ابن عباس: سعد وقاص را رهبر مردم کن.

عمر: سعد، با اسب و تیر، سروکار دارد (او فردی نظامی است) چنین فردی برای ادارهٔ امور رهبری شایسته نخواهد بود.

ابن عباس: عبدالرحمن بن عوف را رهبر کن.

عمر: او از ادارهٔ خانوادهٔ خود عاجز است.

ابن عباس: عبدالله پسر ت را رهبر کن.

عمر: نه به خدا! مردی را که از طلاق دادن همسرش درمانده است عهده دار مقام رهبری نمی‌کنم.

ابن عباس: عثمان را رهبر کن.

عمر: سه بار گفت: سوگند به خدا اگر عثمان را رهبر کنم، طایفه بنی معیط (تیره ای از بنی امیه) را بر گردۀ مسلمانان سوار می‌کند و با این وضع جا دارد که او را بکشند.

ابن عباس می‌گوید: سپس ساکت شدم و به خاطر دشمنی و عداوتی که بین عمر و علی علیه السلام بود، نام امیرمؤمنان علی علیه السلام را متذکر نشدم ولی خود عمر به من گفت: «ای پسر عباس! رفیقت را نام ببر».

گفتم: پس علی علیه السلام را رهبر مردم کن.

عمر: سوگند به خدا پریشان و بی تاب نیستم مگر به خاطر این که حق را از صاحبش گرفتیم، «والله لئن وُلّیته لیحملهنم علی المحجة العظمی وأن یطیعوه یدخلهم الجنة؛ سوگند به خدا اگر علی علیه السلام را رهبر مردم قرار دهم، او قطعاً آن‌ها را به جاده بلند سعادت روانه می‌کند و اگر مردم از او پیروی کنند او آن‌ها را به بهشت وارد می‌سازد».

عمر، این مطلب را گفت در عین حال مسأله خلافت بعد از خود را به شورای شش نفری واگذار نموده؛ وای بر او از ناحیه پروردگارش.

ابوالهذیل می‌گوید: آن مرد خوش قامت و خوش کلام (ناشناس هوشمند) وقتی که سخنش به اینجا رسید، حالش منقلب شد و همانند دیوانگان گردید (برای تقیه، خود را به دیوانگی زد). ماجرای او را به مأمون (هفتمین خلیفه اموی) گفتم، مأمون او را طلبید و درمان کرد و او را همدم خود در امور قرار داد؛ مأمون بر اثر همین گفتار منطقی او شیعه شد. (به طور ظاهری).^۱

◆ نکته ۴۵ (سخن شعبی) ◆

شعبی می‌گوید: روزی علی بن ابیطالب علیه السلام از دور نمایان شد ابوبکر که چهره ایشان را از دور دید گفت: هرکس دوست دارد بنگرد به شخصی که بزرگ ترین مردم در مقام و منزلت و نزدیک ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله و برترین مردم به نام و نشان و بزرگ ترین مردم در بی نیازی از مردم به این شخصی که از دور نمایان شد بنگرد.^۲

* ابن ابی الحدید از یکی از افراد مورد وثوق خود به نام ابن عالیه نقل می‌کند که در نزد اسماعیل بن علی خنبلی پیشوای مذهب خنبلیان بودم آن گاه مردی از کوفه آمد. اسماعیل بن علی از آن مرد درباره آنچه در کوفه دیده بود پرسید او ضمن اظهار تأسف ماجرای انتقاد شدید شیعیان در کوفه از خلفاء در روز غدیر را بیان کرد. امام خنبلی در پاسخ به وی گفت: مردم تقصیری ندارند این جریان را خود علی علیه السلام مطرح نمود. آن مرد به او گفت: پس تکلیف ما چگونه است؟ آیا این انتقاد شیعیان به خلفاء را صحیح بدانیم یا نادرست. سپس ادامه داد اگر انتقاد شیعیان را صحیح بدانیم یک طرف را باید رها کنیم

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶ ص ۱۸ و ۱۷ و ۱۵۹.

۲. مناقب خوارزمی، فصل ۱۴، ص ۹۸.



(یعنی شیخین را رها کنیم) و اگر انتقاد آن‌ها را نادرست بدانیم طرف دیگر (یعنی علی علیه السلام) را باید رها کنیم. امام خنبلی با شنیدن این پرسش از جا برخاست و به حضار گفت: این پرسشی است که من هم تاکنون جوابی برای آن پیدا نکرده‌ام.^۱

◆◆ نکته ۴۶ (سخن ابن عباس) ◆◆

ابن عباس می‌گوید: «انَّ عَلِيًّا علیه السلام اَوَّلُ مَنْ اسْلَمَ»؛ یعنی: اول کسی که مسلمان شد و دین اسلام را انتخاب کرد علی علیه السلام است.^۲

◆◆ نکته ۴۷ (سخن عبدالله فرزند خلیفه دوم) ◆◆

عبدالله بن عمر فرزند خلیفه دوم، در نقلی حضرت علی علیه السلام را به این نحو مورد ستایش قرار داده است: علی علیه السلام بهترین مردم بعد از رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد.^۳

◆◆ نکته ۴۸ (سخن ثعلبی مضر اهل سنت) ◆◆

در تفسیر ثعلبی درباره آیه ۱۰۰ سوره توبه «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ؛ آنانکه در صدر اسلام سبقت به ایمان گرفتند...» آورده که ابن عباس و زید بن ارقم و محمد بن منکدر و ربع بن رأی و جابر و ابی حیان گفته‌اند که اول کسی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد علی بن ابیطالب است.^۴ و در همین تفسیر از عباد بن عبدالله آورده که او گفت از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: «أنا عبدالله واخو رسوله وانا الصديق الاكبر لايقولها بعدى الا كذاب مفرط صليت قبل الناس بسبع سنين»؛ یعنی: منم بنده خدا و برادر رسول الله و منم صديق اكبر احدی بعد از من آن را نمی‌گوید الا اینکه دروغگوست من نماز با رسول خدا خواندم به مدت ۷ سال قبل از همه مردم.^۵

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۳۰۷.

۲. فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۸۹، ح ۹۹۷ و ح ۹۹۸.

۳. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶ - ذخائر العقبی، ص ۷۷.

۴. تفسیر ثعلبی، ذیل آیه ۱۰۰ سوره توبه.

۵. تفسیر ثعلبی المخلوط، ص ۲۱۰ - مناقب ابن مغازلی، ص ۱۳ - فردوس الاخبار نوشته دیلمی، ج ۳، ص ۴۸۲

و کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۲.



نکته ۵۲ (سخن مسلوبین حجاج قشیری نیشابوری)

در کتاب صحیح نوشته مسلم که از کتاب معتبر و ممتاز اهل سنت می باشد دربارهٔ آیه ۶۱ آل عمران «فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم» آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را برای مباحله آورده است و مسلم، علی بن ابیطالب را جزء اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می داند.^۱

نکته ۵۳ (سخن ابن قتیبه)

ماجرای ورود امام علی علیه السلام به مسجد جامع رحبه و شهادت ۳۰ نفر (به ماجرای غدیر) از حاضرین که در میان آنها یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر بوده اند طبق نقل امام احمد حنبل و ابن قتیبه، ۳ نفر از حاضرین حاضر به شهادت دادن نشدند که به نفرین امام علی علیه السلام دچار شدند در منابع تاریخ آمده است این واقعه بیش از ۲۰ سال بعد از ماجرای غدیر اتفاق افتاده است.^۲ در این جلسه یکی از کسانی که به ماجرای غدیر خم شهادت داده است صحابی بزرگ زید بن ارقم است. این روایت در مناقب نوشته ابن مغزلی آمده است.

* علمای اهل سنت زنانی را به عنوان راویان جریان غدیر خم در کتابشان نام برده اند از این دسته زنانی که جزء صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و حدیث غدیر را نقل کرده اند در کتب اهل سنت به حضرت زهرا علیها السلام، ام هانی خواهر امام علی علیه السلام، ام سلمه، فاطمه دختر حمزه سیدالشهدا، عایشه دختر ابوبکر و اسماء بنت عمیس اشاره شده است و در میان تابعین، عایشه دختر سعد ابی وقاص و عمیره بنت سعد بن مالک را ذکر نموده اند. همه این اشخاص در نقل های متعدد و در کتب معتبر و قدیمی اهل سنت ذکر شده اند و نتیجه آنکه قضیه غدیر صرفاً در نقل مردان خلاصه نشده است.

نکته ۵۴ (سخن احمد حنبل)

احمد حنبل در کتاب مسند صفحه ۳۳۰، ج ۱، آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله تمامی درهای

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰.

۲. المعارف نوشته ابن قتیبه، ص ۱۹۴.

خانه های مشرف به مسجد خود را بست به جزء درب خانه علی (و این نیست جزء فضیلتی استثنایی و ممتاز و ویژه که از اختصاصات علی می باشد).

نکته ۵۵ (سخن عباس عمومی پیامبر اسلام)

ابوبکر و عمر و ابوعبیده و مغیره بن شعبه دو شب بعد از رحلت پیامبر برای گرفتن بیعت از عباس بن عبدالمطلب با توجه به موقعیت اجتماعی ممتاز وی به خانه او رفتند. ابوبکر به عباس بن عبدالمطلب گفت از سایر مسلمانان در امر بیعت با (ابوبکر) تبعیت کند و برای ترغیب وی ابوبکر وعده های خاصی نیز به او داد عباس بن عبدالمطلب ضمن اعتراض و پذیرفتن بیعت به آنها گفت:

... تو ای ابوبکر! اگر امر خلافت را به خاطر قرابت به پیامبر به دست آوردی که در حقیقت حق ما را گرفته ای، اگر با رأی و اجماع مسلمانان به خلافت رسیدی که ما نیز از مؤمنان هستیم و ما به خلافت تو راضی نیستیم و اما آنچه را که می خواهی به من و فرزندانم بدهی، اگر حق خلافت به تو اختصاص دارد که برای خود نگهدار، اما اگر حق مؤمنان است که قطعاً تو در بخشش آن حقی نداری. آنها که این عقیده عباس بن عبدالمطلب برایشان روشن گردید نامیدانه از نزد او رفتند.^۱

نکته ۵۶ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه آورده:

علی دارای دو نعمت برای امت است که هیچ شخصی آن دو نعمت را ندارد. نعمت اول جهاد است که اگر شمشیر او نبود مشرکان همه را تسلیم خود می کردند... و دیگری علم ایشان است که اگر بیان نمی کرد مردم در بسیاری از احکام به غیر حکم خدا، حکم می کردند.

عمر خود معترف به این مطلب بود که می گفت: «لولا علی لهلك عمر».^۲

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۴۱.



◆ نکته ۵۷ (سخن طبری درباره انفاق علی علیه السلام) ◆

طبری می نویسد: «بعد از شهادت علی علیه السلام در شهر کوفه معلوم شد شبها ۴۰۰ نفر گرسنه اند و این ۴۰۰ نفر فقیر کسانی بودند که هر شب علی علیه السلام برای آن‌ها غذا می برد که با شهادت امام گرسنه مانده بودند». در جریان غسل بدن مطهر علی علیه السلام از امام حسن علیه السلام پرسیدند آثار برآمدگی بر شانه پدرتان چیست؟ امام فرموده بودند: آثار ظرف غذاهایی است که پدرم به دوش می کشید و برای فقراء غذا می برد.

◆ نکته ۵۸ (سخن ابن عباس و عمر) ◆

ابن عباس گوید:

«روزی در مدینه به همراه عمر هم مسیر شده بودم، به من گفت: ای ابن عباس، بی گمان سرور تو (علی) را مظلوم می دانم.»

گفتم: ای امیرمؤمنان! پس حق به ستم برده شده اش را به او باز گردان.

دستش را از دستم بیرون کشید و زیر لب چیزی گفت و از من دور شد.

آن گاه ایستاد تا به او رسیدم و به من گفت: «ای ابن عباس! بی شک، مردم سرور تو را کوچک دانستند!».

گفتم: به خدا سوگند! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که او را روانه کرد و به وی فرمان داد که

آیات برائت را از ابوبکر بگیرد و بر مردم بخواند، او را کم سن و سال نشمرد. پس عمر، ساکت شد.^۱

◆ نکته ۵۹ (سخن عمر بن خطاب) ◆

عمر درباره زمین های حاصلخیز کوفه با اصحاب پیامبر خدا مشورت کرد. برخی به او گفتند: آن‌ها را میان ما قسمت کن.

آن گاه با علی علیه السلام مشورت کرد. علی علیه السلام گفت: اگر امروز آن‌ها را تقسیم کنی، برای

۱. اخبارالدولة العباسية، ص ۱۲۸ - تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۴۹.

افرادی که پس از ما می آیند، چیزی نمی ماند. آن ها را به دست آنان واگذار تا روی آن کار کنند و در این صورت است که خراج آن ها، هم برای ما می شود و هم برای آیندگان ما. عمر گفت: خدا تو را موفق بدارد! این نظر، درست است.^۱

نکته ۶۰ (سخن عبدالرحمان بن عوف)

ابووائل می گوید به عبدالرحمان بن عوف گفتیم: چگونه با عثمان بیعت کردید و علی را رها کردید؟
گفت: «گناه من چیست؟ از علی آغاز کردم و گفتم: با تو بر کتاب خدا و سنت پیامبرش و سیره ابوبکر و عمر بیعت می کنم». گفت: «در حدّ توانم. سپس بر عثمان عرضه کردم و او آن ها را قبول کرد».^۲

نکته ۶۱ (سخن امام شافعی)

رئیس مذهب شافعی امام شافعی متوفای ۲۰۴ قمری در مصر که در دیوان اشعارش مکرر به مدح امام علی علیه السلام پرداخته درباره حب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه سروده است:

یا أهل بیت رسول الله حبکم
فرض من الله فی القرآن انزله
کفماکم من عظیم القدر انکم
من لم یصلّ علیکم لاصلاة له^۳

یعنی:

ای اهل بیت رسول خدا دوست داشتن شما را خداوند در قرآن خود حکمی واجب برای مسلمانان محسوب کرده است مقام نورانی شما آن چنان بالاست که اگر کسی در نماز بر شما درود و صلوات نفرستد نماز او باطل و مورد قبول خدا نخواهد بود.

نکته ۶۲ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید ضمن اشاره به اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حراء قبل از بعثت تأکید می کند

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. مسند ابن جنبل، ج ۱، ص ۱۶۲.

۳. الصواعق المحرقة، ص ۱۵۷.



که تنها همراه دائمی رسول خدا ﷺ در آن ایام و حتی بعد از بعثت امام علی ﷺ بود. سپس تأکید می‌کند: «کان علی یرافق النبی دائماً ولا یفارقه أبداً...»؛ یعنی: علی ﷺ همیشه و دائماً همراه پیامبر ﷺ بود و از او جدا نمی‌شد و هر وقت رسول خدا ﷺ به سوی صحرا یا کوه می‌رفت علی ﷺ را با خود می‌برد.^۱

◆ نکته ۶۳ (سخن ابن ام مکتوم) ◆

ابوجعفر گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ عازم غزوه بنی نضیر بود ابن ام مکتوم را در مدینه جانشین خود نمود و پرچمدار او در این جنگ حضرت علی ﷺ بود.^۲

◆ نکته ۶۴ (سخن عمر بن خطاب و عبداللّه بن عباس) ◆

عمر به عبداللّه بن عباس گفت: آیا می‌دانی چه چیز مردم را باز داشت که این کار (حکومت و خلافت) را به پسر عمویت بسپارند؟
گفت: نمی‌دانم.
عمر گفت: به سبب کمی سن و جوان بودنش بود.
ابن عباس گفت: «در جنگ بدر علی ﷺ کم سن ترین مسلمانان بود. او را در سختی‌ها پیش می‌اندازند و در امامت، عقب می‌زنند!».
ابو عمر گفت: عمر از کنار علی ﷺ گذشت و علی ﷺ با مردم از پیامبر خدا سخن می‌گفت.

علی ﷺ گفت: «ای عمر! به کجا می‌روی؟»
گفت: می‌خواهم به باغم بروم.
گفت: «آیا ابن عباس را همراهت کنم [تا تنها نباشی]؟»
عمر گفت: آن گاه تو بدون او تنها می‌مانی.
علی ﷺ گفت: «من تو را بر خود مقدم می‌دارم. ای ابن عباس! برخیز و با او هم صحبت شو». سپس برخاست و با او به راه افتاد.

۱. نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۵.

پس عمر [به عبدالله بن عباس] گفت: این یار شما، چه با کمال است، اگر نبود...! عبدالله گفت: «اگر چه چیز نبود؟»
عمر گفت: اگر کمی سنّش و محبت شدیدش به خاندان و دشمنی او با قریش نبود. عبدالله بن عباس گفت: «آیا اجازه پاسخ دادن به من می دهی؟»
عمر گفت: پاسخ ده.

گفت: «اما [در مورد] کمی سنّش: کسی که خداوند وی را برای پیامبرش برادر و برای مسلمانان ولی و سرپرست قرار داد، کوچک شمرده نمی شود. و اما محبت شدیدش به خاندانش: سرپرست کاری نشد که در آن خاندانش را بر رضایت خداوند مقدم بدارد». و اما دشمنی قریش با او: از چه کسی انتقام می گیرند؟ از خدا، هنگامی که پیامبری در میانشان برانگیخت؟ یا از پیامبرش، هنگامی که پیام را رساند؟ یا از علی که در راه حق با آنان جنگید.
عمر گفت: ای ابن عباس! تو از دریا بر می گیری و از صخره می تراشی.^۱

نکته ۶۵ (سخنان ابن ابجر عجلی و معاویه)

ابن ابجر عجلی گوید: نزد معاویه بودم که دو نفر آمدند و از معاویه داوری خواستند، یکی گفت: این، لباس من است و دلیلی بر آن آورد و دومی گفت: این، لباس من است که در بازار از کسی که او را نمی شناختم، خریده‌ام.
معاویه گفت: ای کاش در این داوری، علی بن ابیطالب حاضر بود.^۲
ابن ابجر گفت که به او گفتم: من داوری علی را در قضاوت های اینگونه دیده‌ام. او به نفع کسی داوری کرد که بینه و دلیل داشت و به دیگری گفت: فروشنده را باید پیدا کنی.
معاویه بین آن دو مرد، چنین حکم کرد.^۳

۱. اخبارالدولة العباسية، ص ۱۲۹.

۲. با توجه به داستان بیان شده این مطلب به دست می آید که مروت، مردانگی، علم، عدالت، آگاهی و آقایی امام علی علیه السلام در تمام زمان ها منتشر شده بود تا جایی که معاویه دشمن حضرت علی علیه السلام به علم و آگاهی حضرت اقرار می کرد.

۳. تاریخ دمشق، ج ۱۲، ص ۲۰۶.



نکته ۶۶ (سخن محمد بن منصور طوسی)

محمد بن منصور طوسی می گوید: خود از احمد بن حنبل شنیدم که می گفت: برای هیچ کدام از یاران پیامبر خدا، فضایل و برتری هایی که برای علی نقل شده، برای آن ها نقل نشده است.^۱

نکته ۶۷ (سخن جاحظ و استادش نظام)

جاحظ گوید: از نظام شنیدم که می گفت: علی بن ابیطالب، برای متکلم گرفتاری است. اگر حقش را کاملاً ادا کند، گرفتار غلو می شود و اگر حقش را کم گذارد، گناه کرده است، و حدّ وسط [درباره او] بسیار دقیق وزن، تزیین و دشواریاب است، جز برای شخص زیرک و باهوش.^۲

نکته ۶۸ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۸۴ آورده است که: بدانکه توحید، عدل و مباحث الهی آن به جز کلام این مرد (یعنی علی بن ابیطالب) شناخته نمی شود و کلام بزرگان صحابه رسول خدا چیزی از این امور (توحیدی) را در بر ندارد آن ها (صحابه) از تصور این امور عاجز بودند زیرا اگر تصور می کردند آن را بیان می نمودند به نظر من این فضیلت علی بزرگ ترین فضایل او است.^۳ او در جایی دیگر در همین زمینه آورده است که:

حکمت و بحث آن در امور الهی در توان هیچ یک از اعراب نبود... اولین کسی که از اعراب در این فن وارد شد علی بود لذا مباحث توحید و عدل را در کلام و خطبه های او به آشکارا می بینی و در کلام هیچ یک از صحابه و تابعین کلمه ای واحد از این عبارات

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۶.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶ ص ۳۶۵.



◆ نکته ۷۱ (سخن جاحظ) ◆

در کتاب رسائل جاحظ آمده است که در بین یاران پیامبر ﷺ هیچ کس به میزان علی نبود که دشمن را کشته باشد. و هیچ کس نیست به اندازه علی رؤسا، فرماندهان و رهبران و بزرگان را کشته باشد. کشتن یک رئیس - گرچه او از بعضی سوارکاران در شجاعت پایین تر باشد، کار سخت تری است. چون کشتن یک رئیس، برای مسلمانان سخت و کارسازتر از کشتن جنگجویی است که از رئیس، قوی تر باشد و علی کسی است که هم رئیسان و هم دلیران را به قتل رسانده است. از عجائب جنگیدن حضرت علی این است که... هرگز کسی را مجروح نکرد و به کسی ضربه نزد مگر این که آن دشمن کشته می شد.^۱

◆ نکته ۷۲ (سخن مسعودی) ◆

جاحظ کتابی به نام العثمانيه دارد. محقق بزرگ اهل سنت، مسعودی در کتاب مروج الذهب خود ج ۳، ص ۲۳۷ جاحظ را به واسطه نوشتن کتاب العثمانيه سرزنش نموده و انگیزه جاحظ را از نوشتن این کتاب نابود کردن حق و درگیری با اهل حق ذکر کرده؛ لذا جاحظ که در دیدگاه علمای اهل سنت مردی متعصب محسوب می شود نتوانسته فضائل نورانی امام علی را با همه تعصبی که داشته انکار نماید.

◆ نکته ۷۳ (سخن معاویه) ◆

معاویه هر سؤالی که برایش پیش می آمد، می نوشت تا جوابش را از حضرت علی بپرسد. هنگامی که خیر شهادت حضرت علی به معاویه رسید، گفت: با مرگ پسر ابوطالب، فقه و دانش هم از بین رفت. برادر معاویه که عتبه نام داشت به معاویه گفت: مبادا مردم شام این حرف را از تو بشنوند.
معاویه گفت: رهایم کن.^۲

۱. رسائل الجاحظ، ج ۴، ص ۱۲۴ نوشته الجاحظ متوفی ۲۵۵ هـ ق.

۲. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۹.



◆ نکته ۷۶ (سخن عایشه) ◆

عایشه نقل کرده: آگاه ترین مردم به سنت علی بن ابیطالب علیه السلام است.^۱

◆ نکته ۷۷ (سخن عجیب عبدالله بن عمر بن خطاب) ◆

سعد بن عبیده گوید: مردی نزد ابن عمر آمد و از او درباره علی پرسید. گفت: از من درباره علی نپرس؛ بلکه بنگر که خانه او یکی از خانه های پیامبر خداست. آن مرد گفت: من او را دشمن می دارم. ابن عمر گفت: خداوند تو را دشمن بدارد!^۲

◆ نکته ۷۸ (سخن قثم بن عباس) ◆

اسماعیل بن ابی خالد گویند به قثم^۳ گفتم: چرا علی در نزد پیامبر خدا، جایگاهی داشت که عباس (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله) نداشت؟ گفت: چون در پیوستن به او، علی پیشتاز ما بود و در همراهی با او، استوارترین ما.^۴

◆ نکته ۷۹ (سخن عبدالاعلی بن عدی) ◆

عبدالاعلی بن عدی گفت: روز غدیر خم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب علیه السلام را فرا خواند و او را معمم نمود و سر عمامه (دستار) را از پشتش آویخت.^۵



۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۸ - الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۶.

۲. خصائص امیرالمؤمنین، ص ۲۰۴ و ۱۰۷ نوشته ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی نسائی متوفی ۳۰۳ هـ ق (باید توجه کرد این سخن از کسی است که در زمان حکومت و خلافت امام علی علیه السلام حاضر نشد با امام بیعت کند وقتی مالک اشتر به امام عرض کرد اجازه دهید گردن او را با شمشیر بزنم امام فرمود: من از کسی با زور بیعت نمی گیرم این ماجرا در کتب اهل سنت نقل شده است).

۳. قثم، از یاران درجه یک حضرت علی علیه السلام بود و ایشان او را استاندار شهر مکه قرار داده بود.

۴. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۲.

۵. اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۷۰ - الریاض النضرة، ج ۳، ص ۱۹۴.

نکته ۸۰ (سخن ابوهریره)

ابویزید اودی، از پدرش نقل می‌کند:

روزی ابوهریره به مسجد آمد و گردش جمع شدیم. جوانی به سوی او برخاست و گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شنیدی که پیامبر خدا بگوید: «هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. خدایا! دوستدارش را دوست و دشمنش را دشمن بدار؟!». ابوهریره گفت: آری!

جوان گفت: من از تو بیزارم! گواهی می‌دهم که تو با دوستداران او دشمنی ورزیدی و با دشمنان او دوستی کردی. پس مردم، او را با سنگ ریزه زدند.^۱

نکته ۸۱ (سخن عمرین خطاب)

ابن عباس نقل می‌کند:

روزی در آغاز خلافت عمر بر او وارد شدم... عمر گفت: ای عبدالله بن عباس! بر تو باد قربانی کردن شتران، مبادا جواب سوآلی که از تو می‌پرسم را از من کتمان کنی! آیا هنوز در دل (علی علیه السلام) خیال خلافت دارد؟ گفتم: آری!

گفت: «آیا می‌پندارد که پیامبر خدا به او تصریح کرده است؟». گفتم: آری و برایت می‌افزایم که از پدرم درباره ادعای علی پرسیدم.

گفت: راست می‌گوید. عمر گفت: «پیامبر خدا گفتار ناتمامی درباره علی داشت که چیزی را اثبات نمی‌کند و دستاویزی به دست نمی‌دهد و بی‌گمان مدتی در کارش درنگ کرد و در بیماری‌اش می‌خواست به نام علی تصریح کند؛ اما من از بیم فتنه و به خاطر حفظ اسلام، مانع شدم و به پروردگار کعبه سوگند، قریش هرگز بر او گرد نمی‌آمدند و اگر خلافت را به دست می‌گرفت، اعراب از همه سو بر او می‌شوریدند چون پیامبر خدا فهمید که من منظورش را می‌دانم، پس خودداری ورزید و خداوند جز از وقوع آنچه خود مقدر و حتمی کرده، ابا دارد».^۲

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۲.

۲. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶ - شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیید، ج ۱۲، ص ۲۰.



◆◆ نکته ۸۲ (سخن عبدالرحمان فرزند خالد بن ولید) ◆◆

شعبی نقل می کند:

روزی معاویه از صفین یاد کرد... عبدالرحمان بن خالد بن ولید گفت: سوگند به خدا، روزی از روزگار ما را دیدی که اژدهایی چون کوهی عظیم و بلند، ما را فرا گرفته بود و غباری پیا پیا کرده بود که بین ما و افق را پوشانده بود و او بر اسب سیاه چابک، نشسته بود و با شمشیر خود، چون زدن به شتر بیگانه، می زد و دندان هایش را چون کمین کننده در بیشه، برای جنگ نشان می داد.

معاویه گفت: سوگند به خدا، او تلاش می کرد و می جنگید، در حمایت از خون هایی که برای او یا علیه او ریخته می شد.

[راوی می گوید: آن ها در این سخنان منظورشان علیؑ بود.]^۱

◆◆ نکته ۸۳ (سخن عمر بن عبدالعزیز) ◆◆

عمر بن عبدالعزیز نقل کرده که هرگاه پدرم سخنرانی می کرد به بدگویی علیؑ که می رسید به لکنت می افتاد. روزی به او گفتم چرا فقط لکنت شما در سخنرانی در موقع بدگویی به علیؑ پیش می آید.

پدرم گفت: آیا تو فهمیدی؟

گفتم: آری!

پدرم گفت: پسرم! اگر کسانی که در اطراف ما هستند، فضایل و مناقب و چیزهایی را که ما از علی می دانیم بدانند، از نزد ما پراکنده می شوند و به سراغ فرزندان او می روند.^۲

◆◆ نکته ۸۴ (سخن ابوقیس اودی) ◆◆

ابوقیس اودی مردم را سه دسته تقسیم کرده - دینداران که دوستدار علی هستند - دنیا داران که معاویه را دوست دارند - خوارج.^۳

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۵۳.

۲. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۱۳.

◆ نکتہ ۸۵ (سخن جابر بن عبد اللہ انصاری) ◆

ابوزبیر نقل کرده به جابر بن عبد اللہ انصاری گفتیم: علی در بین شما چگونه بود؟ گفت: او بهترین انسان ها بود. منافقان را جز با کینه آنان بر علی نمی شناختیم.^۱

◆ نکتہ ۸۶ (سخن عبید بن ابی جعد از جابر) ◆

عبید بن ابی جعد نقل کرده که از جابر بن عبد اللہ انصاری درباره جنگ های علی علیه السلام پرسیده شد. گفت: در [درستی] جنگ های علی، جز کافر، تردید نمی کند.^۲

◆ نکتہ ۸۷ (سخن حذیفه) ◆

ابوشریح نقل کرده:

[امام] حسن علیه السلام و عمار به کوفه آمدند تا مردم را [برای جنگ جمل] به سوی علی علیه السلام حرکت دهند. حذیفه گفت: حسن و عمار آمدند تا شما را حرکت دهند. پس هر که دوست دارد «امیر مؤمنان» حقیقی و واقعی را ببیند به سوی علی بن ابیطالب بشتابد.^۳

◆ نکتہ ۸۸ (سخن سعد ابی وقاص) ◆

بعد از صلح امام حسن علیه السلام سعد بن ابی وقاص، نزد معاویه آمد. معاویه گفت: خوش آمد می گویم به کسی که حق را نمی شناسد تا از آن پیروی کند و باطل را نمی شناسد تا از آن دوری گزیند.

سعد گفت: آیا می خواهی پس از آن که از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که به دخترش فاطمه می فرمود: «تو بهترین مردم از نظر پدر و شوهری»، تو را علیه علی یاری کنم؟!^۴

۱. فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۷۲ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۴.

۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۴۴.

۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۶۶.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۷۰ نوشته ابن مغازلی متوفی ۴۸۳ هـ ق.



◆ نکته ۸۹ (سخن عمر بن خطاب) ◆

عمر بن خطاب می گفت: ای پسر ابوطالب! همواره تو بر طرف کننده هر شبهه و روشن کننده هر حکمی هستی.^۱

◆ نکته ۹۰ (سخن حذیفه) ◆

حذیفه بن یمان بن جابر عبسی، از یاران برجسته پیامبر خداست. رجالیان و شرح حال نگاران او را با ویژگی هایی چون؛ نجیب زاده، صحابی بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، رازدار پیامبر صلی الله علیه و آله و داناترین مردم به منافقان ستوده‌اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نام های منافقان را چون رازی به حذیفه سپرد و به او سفارش نمود که در زمان بروز فتنه ها، آن‌ها را آشکار نماید.^۲

حذیفه در سال ۳۶ هجری، در کوفه بیمار بود که خبر کشته شدن عثمان و بیعت مردم با علی علیه السلام به او رسید. پس گفت: مرا بیرون ببرید و ندای نماز همگانی سر دهید. بعد بر منبر رفت و حمد الهی را گفته و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستاد. آن‌گاه گفت: ای مردم! مردم با علی علیه السلام بیعت کرده‌اند. پس به شما سفارش می‌کنم که پرهیزگار باشید و علی را یاری دهید و به او کمک کنید که به خدا سوگند، او از آغاز تا پایان بر حق است و او بعد از پیامبرتان، بهترین فرد در میان گذشتگان و بازماندگان تا روز قیامت است. سپس دست راستش را بر دست چپش نهاد و گفت: خدایا! شاهد باش که من با علی بیعت کردم. همچنین گفت: سپاس خدای را که مرا تا به امروز نگاه داشت.

و به دو پسرش سعد و صفوان گفت: مرا ببرید و با علی باشید که به زودی جنگ های زیادی خواهد داشت و در آن‌ها، مردمی بسیار هلاک خواهند شد. سپس بکوشید که در رکاب او به شهادت برسید که به خدا سوگند، او بر حق است و مخالفانش بر باطل‌اند. حذیفه هفت روز پس از این ماجرا درگذشت.^۳

۱. کنز العمال، ج ۵، ص ۸۳۴.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۲۹ و صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۳۶۸ و سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۹۴.

◆ نکته ۹۱ (سخن زرین جیش) ◆

زرّبن جیش بن حباشه اسدی از فاضلان، عالمان، قاریان و آگاهان به معارف قرآن و از چهره های والای تابعیان و از یاران بزرگوار علی (ع) است.^۱
زرّبن جیش نقل کرده:

همه قرآن را نزد علی (ع) خواندم و چون به آیه «والذین آمنوا وعملوا الصالحات فی روضات الجنات وأنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، در باغ های بهشت اند»^۲؛ رسیدم، آن قدر گریست که ناله اش بلند شد.^۳

◆ نکته ۹۲ (سخن ابن ابی الحدید) ◆

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود آورده که:
علی (ع) کسی بود که مکان بیت المال را جارو می زد و در آن، نماز می گزارد. او همان بود که می گفت: «ای طلاها و نقره ها! غیر من را بفریبید!». او همان بود که میراثی از خود به جای نگذاشت در حالی که همه دنیای اسلام به جز شام، در دستش بود.^۴

◆ نکته ۹۳ (سخن زمخشری در ربیع الابرار) ◆

زمخشری می نویسد: محمد بن حنفیه گوید:
پدرم علی (ع) شبانگاه قنبر را صدا می زد و آرد و خرما بر دوشش می نهاد و به در خانه هایی که می شناخت، می رفت هیچ کس از آن خبر دار نمی شد. به وی گفتم: پدرم! چرا این اموال را در طول روز علنی به آنان نمی دهی؟ فرمود: «پسرم! صدقه مخفی، خشم پروردگار را خاموش می کند».^۵ بعد از شهادت امام، در هنگام غسل بدن مطهر از امام حسن مجتبی (ع) سوال شد آثار پینه بر روی دوش پدرتان چیست؟ فرمود: اثر بارهای غذاست که شبها پدرم برای فقیران به دوش می کشید و این در حالی است که امام

۱. تاریخ دمشق، ج ۱۹، ص ۲۴ - الاستیعاب، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲. شوری / ۲۲.

۳. المناقب، ج ۸۶، ص ۷۶ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۳.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲.

۵. ربیع الابرار، ج ۲، ص ۱۴۸.



علیؑ به درخواست‌های مکرر برادرش عقیل مبنی بر کمک بیشتر از بیت‌المال مسلمین توجهی نمی‌کرد.

◆ نکته ۹۴ (سخن امّ سعید) ◆

سلیمان بن مغیره از مادرش امّ سعید که کنیز حضرت علیؑ بود این سؤال را پرسیده که نماز حضرت علیؑ در ماه رمضان چگونه بود؟ او پاسخ داد: رمضان و شوال یک سان بود. تمام شب را شب زنده داری می‌کرد.^۱

◆ نکته ۹۵ (سخن عدی بن حاتم طائی) ◆

عدی بن حاتم گوید: علیؑ را در حالی دیدم که در پیش رویش ظرف آبی از جنس چرم و تکه‌هایی از نان جو و نمک بود. گفتم: ای امیرمؤمنان! من برای تو که همه روز را در تلاشی و همه شب را در بیداری و عبادتی، روا نمی‌دانم که این غذای تو باشد. علیؑ فرمود: نفس خویش را به قناعت عادت ده، و گرنه از تو بیش از کفایتش خواهد طلبید.^۲

◆ نکته ۹۶ (سخن حزیمه بن ثابت صحابی بزرگ رسول خداﷺ) ◆

ابوعماره، حزیمه بن ثابت بن فاکه نصاری اوسی، از یاران برجسته پیامبر خداست. او در جنگ احد و دیگر نبردهای پیامبر خداﷺ همگام آن بزرگوار بود و از آن رو که پیامبر خداﷺ او را در حکم دو شاهد قرار داد، به «ذوالشهادتین» مشهور شد.^۳ عبدالرحمان بن ابی لیلی نقل کرده: من در صفین بودم که مردی ریش سفید را دیدم که دستار بر سر و دهان بند بر صورت دارد و جز دو سوی محاسنش دیده نمی‌شود و به شدت می‌جنگد.

گفتم: ای پیر! با مسلمانان می‌جنگی؟

۱. کفایة الطالب، ص ۳۹۹ نوشته گنجی شافعی.

۲. ینابیع المودة، ج ۱، ص ۴۴۷.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۴۸ - المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۸۲.



پس لباس را به وی فروختم تا هنگامی که تقسیم بیت‌المال انجام شد - وقتی حضرت سهمش را گرفت، حق مرا پرداخت.^۱

نکته ۹۹ (سخن عجیب عمر بن خطاب)

مردی از علی علیه السلام نزد عمر شکایت کرد، در حالی که علی علیه السلام نشسته بود. عمر رو به وی کرد و گفت: ای ابوالحسن! برخیز و نزد طرف دعوایت بنشین. علی علیه السلام برخاست و در کنار طرف دعوایش نشست و آن دو با یکدیگر، بحث و گفتگو کردند و آن مرد مراجعت کرد و علی علیه السلام برجای خود بازگشت.

عمر، چهره او را دگرگون یافت، پرسید: ای ابوالحسن! چرا تو را دگرگون می‌بینم؟ آیا از آنچه اتفاق افتاد، ناراحتی؟
فرمود: «بلی!».

عمر گفت: «چرا؟»

فرمود: «مرا در حضور طرف دعوا با کُنیه صدا زدی. چرا نگفتی یا علی! برخیز و در کنار طرف دعوایت بنشین؟»

عمر، سر علی علیه السلام را گرفت و میان دو چشمانش را بوسید. سپس گفت: پدرم فدای تو باد! خداوند به واسطه شما ما را هدایت کرد و به وسیله شما ما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی برد.^۲

* امام علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روز دوشنبه مبعوث شد و من روز سه شنبه اسلام آوردم.^۳

نکته ۱۰۰ (سخن ابن عباس مفسر بزرگ)

ابن عباس می‌گوید: سیصد آیه از قرآن در حق امیرمؤمنان علی علیه السلام نازل شده است.^۴

۱. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۸۳.

۲. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۷، ص ۶۵ - ربیع الابرار، ج ۳، ص ۵۹۵ نوشته زمخسری.

۳. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۸.

۴. تاریخ بغداد نوشته ابوبکر احمد بن علی متوفای ۲۶۳ قمری، ج ۶ ص ۲۲۱.

نکته ۱۰۱ (سخن عمر بن خطاب)

روزی عمر بن خطاب در گفت و گویی که با ابن عباس داشت به او گفت:
«والله ان وليها ان يحملهم على كتاب ربهم وسنة نبیهم لصاحبک اما ان ولی امرهم
حملهم على المحجة البيضاء والصرط المستقیم».
به خدا سوگند!

پر جرأت ترین این گروه که بتواند مردم را به احکام کتاب پروردگارشان و سنت
پیامبرشان راه ببرد سالار تو (علی علیه السلام) است، همانا اگر او عهده دار حکومت ایشان شود
آنان را به راه راست و شاهراه روشن می برد.

نکته ۱۰۲ (سخن ابن عساکر)

ابن عساکر از تاریخ نگاران بزرگ می باشد که نویسنده کتاب ۷۰ جلدی تاریخ مدینه
دمشق است. همچنین ابن اثیر کتاب مهم ۱۲ جلدی الکامل فی التاریخ و کتاب اسدالغابه
را ۸۰۰ سال قبل نوشته که در آن به مسئله غدیر اشارات مهمی کرده است.

نکته ۱۰۳ (سخن ابن اثیر)

بر طبق روایات متعددی که در کتاب ابن عقده با ۱۵۰ سند حدیث غدیر را روایت
کرده است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: ایشان به صحابی در مکان ها و زمان های
مختلف تأیید و تأکید فرموده است که علی بن ابیطالب برترین آن ها در علم تفسیر قرآن،
علم قضاوت، علم احکام، علم سیاست و... می باشد و این در حالی است که در کتب
مختلف اهل سنت به طور متواتر آمده است که ابوبکر گفته است من برترین شما نیستم
او زمانی این حرف را زده است که علی بن ابیطالب رضی الله عنه در جمع آن ها حاضر بوده ولی در
عین حال از مقام خلافت عزل شده بود. ما درباره هیچ یک از صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه
علی بن ابیطالب روایات اعجاب آور از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته ایم اگرچه رسول خدا صلی الله علیه و آله به
تمجید بعضی از صحابی خود پرداخته ولی حجم و تعداد این دسته از روایات در مقایسه

۱. نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۵۱.



با تمجیدهای علی بن ابیطالب قابل مقایسه نیست و این نکته بسیار قابل تأمل می‌باشد. برای نمونه به اقرار ابوبکر در عدم برتریش نسبت به سایرین در یکی از کتب قدمی اهل سنت اشاره می‌نماید.

او در نخستین روز خلافت خود بر فراز منبر گفت: مردم من در حالی عهده دار زمام شما شدم که فرد برتر شما نیستم.^۱ (و این اقراری است که در تاریخ ثبت شده و جای هیچ انکاری را ندارد).

و در ۷۰ مورد در زمان حکومت عمر بن خطاب در مشکلات سیاسی - اجتماعی تصمیمات جنگی و علم تفسیر قرآن کریم و قضاوت و... حضرت علی علیه السلام به کمک عمر بن خطاب آمده است و مکرر عمر گفته است: «لولا علی لهلك عمر»؛ یعنی: اگر علی به کمک نمی‌آمد عمر نابود می‌شد.

جدای از اینجا به توفیق خدای بزرگ صاحب این قلم ۱۰۰۱ سؤال و پاسخ از امام علی علیه السلام که از طرف افراد مختلف در خصوص مسایل مختلف دینی و علمی از امام شده را در یک مجموعه به چاپ رسانده است و اندیشه های تفسیری امام علی علیه السلام در خصوص قرآن کریم نیز به طور مجزا به چاپ رسیده و این‌ها خود دلیل محکمی بر برتری و فضیلت آن امام می‌باشد.

❖ نکته ۱۰۴ (سخن نسائی از علمای بزرگ اهل سنت) ❖

ابن ماجه در سنن ج ۱، ص ۵۲ والحافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (نسائی) متوفی ۳۰۳ هـ ق. در کتاب خود از زید بن ارقم و از سعد نقل کرده که بعد از تمام سخنرانی رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم و معرفی علی علیه السلام به عنوان پیشوا و مولی و امام، عمر بن خطاب از جا برخاست به سوی علی علیه السلام رفته و به حضرت اینگونه عرض کرد: «هنیئاً لک یابن ابی طالب اصبحت وامسیت مولی کل مؤمن ومؤمنة».^۲

۱. کامل فی التاریخ نوشته ابن اثیر از علمای محقق اهل سنت است که این کتاب را در ۱۲ جلد تألیف کرده وی

متوفای ۶۳۰ هجری قمری است، ج ۲، ص ۳۳۱ - سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۸۶.

۲. خصائص الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب نوشته نسائی، ص ۲۲.

نکته ۱۰۵ (سخن عایشه)

از عایشه همسر رسول خدا ﷺ روایت می‌کنند که وقتی او خیر کشته شدن خوارج در جنگ نهروان توسط امام علی علیه السلام را شنید چنین گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: این‌ها (خوارج) بدترین مردم و از دین خارج شدگان هستند. سپس اضافه کرد: رحمت خدا بر علی باد که حق همیشه با اوست.

نکته ۱۰۶ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود آورده که: صبر علی مانند معجزه است.

نکته ۱۰۷ (سخن ابن سعد)

ابن سعد (صاحب کتاب طبقات الصحابة و التابعین و العلماء) گوید: همه مسلمانان را اعتقاد بر این بود که علی علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول آن نوشته است.^۱

نکته ۱۰۸ (سخن ثعلبی مفسر بزرگ اهل سنت)

ثعلبی در تفسیر خود در توضیح آیه «اهدنا الصراط المستقیم» آورده که مسلم بن حیان می‌گوید از ابایزید شنیدم صراط مستقیم، صراط محمد و آل اوست.

نکته ۱۰۹ (سخن امام بخاری)

امام بخاری در کتاب صحیح خود در توضیح آیه ۲۳ سوره شوری آورده که از ابن عباس سؤال کردند معنای «الا المودة فی القربی» یعنی چه؟ او گفت: قربی آل محمد ﷺ است.^۲
* ابن عباس گوید: روزی عمر بن خطاب به من گفت: «ای ابن عباس! آیا می‌دانی به چه علت بعد از پیامبر ﷺ قریش نگذاشتند خلافت به بنی هاشم برسد» (منظور امام علی علیه السلام و اهل بیت می‌باشد).

۱. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۲۹ - صحیح مسلم - غایة المرام.



ابن عباس می گوید: نمی خواستم پاسخ او را بدهم. سپس گفتم: امیرمؤمنان آگاهم کند. (شما پاسخ بدهید).
 عمر گفت: آن ها نمی خواستند نبوت و خلافت هر دو برای بنی هاشم باشد و به این افتخار کنند به همین دلیل قریش بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله خلافت را به دست خود گرفت و درست فکر کردند و موفق هم شد.^۱

◆ نکته ۱۱۰ (سخنان عجیب عمر و ابن عباس) ◆

نبیط بن شریط نقل کرده به همراه علی بن ابیطالب و عبدالله بن عباس به یکی از باغ های انصار رسیدیم در حالی که عمر را دیدم نشسته و در حال فکر بود.
 علی بن ابیطالب علیه السلام به او گفت: چرا تنها نشسته ای؟
 گفت: به خاطر کاری که مرا به خود مشغول داشته است.
 علی علیه السلام گفت: می خواهی یکی از ما همراه تو باشد؟
 عمر گفت: اگر عبدالله پیش من بماند بهتر است. آن گاه عبدالله ماند و من به همراه علی علیه السلام روانه شدم.
 عبدالله بن عباس مدتی ماند و سپس به ما پیوست.
 علی علیه السلام گفت: چه خبر بود؟
 گفت: ای ابوالحسن! تو را از چیزی شگفتی از شگفتی های امیرمؤمنان [عمر] باخبر می کنم، ولی به کسی مگو!
 گفت: باشد، بگو.
 گفت: چون شما عبور کردید، عمر در حالی که به پشت سر تو نگاه می کرد، سه بار آه کشید. به او گفتم: از چه آه می کشی؟
 گفت: ای ابن عباس! به خاطر آقاقت (علی) و بی گمان چیزهایی به وی داده شده که به هیچ یک از خاندان محمد داده نشده است و اگر سه چیز در او نبود، برای این خلافت، کسی جز او شایسته نبود.

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۱۸ - تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۲۳.

گفتم: ای عمر! آن‌ها چه هستند؟ گفت: شوخ طبعی فراوان، دشمنی قریش با او، کم بودن سنش.

علی علیه السلام گفت: چه پاسخی به او دادی؟

عبدالله گفت: رگ غیرت و تعصب خانوادگی ام جنیید و گفتم: ای امیر مؤمنان! اما در مورد شوخ طبعی زیادش:

پیامبر خدا نیز شوخی می‌کرد و جز حق نمی‌گفت. آن‌گاه پیامبر خدا در حالی که ما از کودک و جوان و میان سال و کهن سال در پیرامون او بودیم - به کودک می‌گفت: بخور! بخور! و سخن دلش یک سان بود (وطعنه نمی‌زد و دروغ نمی‌گفت) تو کجا بودی؟

و اما دشمنی قریش با او: به خدا قسم، او به دشمنی آن‌ها اهمیتی نمی‌دهد، پس از آن که به خاطر خدا - آن هنگام که خداوند، دینش را آشکار ساخت با آنان جنگید و سرکردگان آنان را درهم شکست و خدایانشان را خرد نمود و زانانشان را در اندوه فرزندانشان نشاناند. حال هر کس می‌خواهد او را ملایمت کند.

و اما کمی سنش: تو می‌دانی هنگامی که خدای متعال، آیه (برائت) را نازل کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله یاراش (ابوبکر را به سوی مکه فرستاد تا پیام را از جانب او برساند؛ اما خدا به پیامبرش فرمان داد که جز مردی از خاندان وی، پیام را نرساند. سپس علی علیه السلام را روانه کرد. آیا خداوند، وی را کوچک شمرد؟!)

عمر گفت: بس است و این را پنهان دار که اگر از جز تو می‌شنیدم، در میان دو سنگلاخ مدینه آسایش نداشتم.^۱

◆ نکته ۱۱۱ (سخنان ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری معروف به مسلم) ◆

مسلم در صحیح خود جزء چهارم از جلد هفتم کتابش بابی را - به طور مستقل به فضائل امام علی علیه السلام اختصاص داده است.

◆ نکته ۱۱۲ (معرفی کتاب عمده) ◆

کتاب شریف و نورانی عمده عیون الاخبار که در قرن ششم نوشته شده است شامل

۱. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۳۴.



کلیه روایت های متعدد در فضایل امام علی علیه السلام است که در تنظیم این کتاب نویسنده صرفاً به منابع اهل سنت و کتب معتبر آن اکتفا نموده است.

◆ نکته ۱۱۳ (سخنان و نوشتجات بیضاوی) ◆

بیضاوی مفسر معروف اهل سنت متوفای سال ۶۸۲ هجری قمری که تفسیری ۵ جلدی از قرآن کریم بنام انوار التنزیل دارد در کتاب منهج الاصول درباره مسئله امامت در امت اسلامی آورده:

«ان الامامة من اعظم مسائل اصول الدين التي مخالفتها الكفر والبدعة، به درستی که امامت از بزرگ ترین اصل از اصول دین است که مخالفت با آن موجب کفر و بدعت است.»
* بر اساس همین اصل روزی عمر بن خطاب از ابن عباس پرسید: آیا علی را هنوز شایسته خلافت می بینی؟

او گفت: آری! با فضایل و سابقه ای بزرگ و خویشاوندی پیامبر اکرم و دانشی که او دارد چرا شایسته خلافت نباشد؟
عمر گفت: به خدا سوگند او چنان است که تو گفתי اگر علی بر مردم حکومت کند آنان را به راه راست می برد.

ولی او خصلت هایی دارد که نمی توان حکومت را به او سپرد از جمله این که او اهل شوخی است در مسئله حکومتداری جوان است.

ابن عباس به او گفت: چرا در روز جنگ خندق سر از تن فرمانده غول پیکر کفر جدا کرد او را کم سن حساب نکردید و...

عمر گفت: ای پسر عباس به خدا سوگند که پسر عمویت علی از همه مردم به خلافت شایسته تر است لیکن قریش زیربار او نمی رود...^۱

◆ نکته ۱۱۴ (سخن ام سلمه) ◆

ابوموسی از ام سلمه نقل کرده که:

قسم به خدا هر آینه، علی علیه السلام نزدیک ترین کسی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او وصیت

۱. تاریخ یعقوبی نوشته یعقوبی متوفای ۲۸۴ هجری قمری، ج ۲، ص ۴۷ و ۴۸.

سپرد. صبح با پیامبر خدا دیدار کردیم و او مدام می فرمود: «علی آمد؟ علی آمد؟». فاطمه علیها السلام گفت: او را به دنبال کاری فرستاده ای. ام سلمه گفت: علی علیه السلام آمد و ما متوجه شدیم پیامبر صلی الله علیه و آله با او کار دارد، از اتاق خارج شدیم من نزدیک درب نشسته بودم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به طرف علی علیه السلام خم شد و به زار گویی پنهانی با او پرداخت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همان روز درگذشت. بنابراین، علی علیه السلام نزدیک ترین و آخرین کسی در وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله بود.^۱

◆ نکته ۱۱۵ (سخن عایشه) ◆

عایشه وقتی خبر کشته شدن علی علیه السلام را شنید و گفت: اکنون عرب، هر چه دلش می خواهد، انجام بدهد چون کسی نیست که جلوگیری کند.^۲

◆ نکته ۱۱۶ (سخن ابوبکر) ◆

ابوبکر گوید: علی بن ابیطالب، عترت پیامبر خداست.^۳

◆ نکته ۱۱۷ (سخن انس بن مالک غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله) ◆

عبدالمؤمن انصاری از پدرش نقل کرده که از انس بن مالک پرسیدم: به نظر تو چه کسی نزد پیامبر خدا مقبول تر بود. گفت: هیچ کس را به اعتبار علی بن ابیطالب ندیدم. نیمه های شب، مرا می فرستاد که او را بیاوردم و تا صبح با او می نشست و تا زمانی که دنیا را ترک کرد، علی نزد او چنین بود.^۴

◆ نکته ۱۱۸ (سخن ابوسعید خدری) ◆

ابوسعید خدری گوید: علی علیه السلام در نزد پیامبر خدا، جایگاه ویژه ای داشت. علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاهی (برای آموزش خصوصی) داشت که برای هیچ کس دیگر نبود.^۵

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲. الریاض النضرة، ج ۳، ص ۲۳۷.

۳. السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۷۴.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۲۷.

۵. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۶.



◆ نکتہ ۱۱۹ (سخن صعصعه) ◆

صعصعہ بن صوحان و دیگر پیروان و یاران علی (علیہ السلام) می گفتند: [علی (علیہ السلام)] در بین ما چون یکی از ما بود، نرم خو، متواضع و آسانگر بود و ما چون اسیران در بندی که جلا د بر بالای سرشان ایستاده باشد، از او واہمہ داشتیم.^۱

◆ نکتہ ۱۲۰ (سخن فرزند امام احمد بن حنبل) ◆

عبداللہ بن احمد بن حنبل (رئیس مذهب حنابلہ) گوید:
از پدرم درباره علی (علیہ السلام) و معاویہ سؤالاتی کردم. گفت: علی (علیہ السلام) دشمنان بسیاری داشت. دشمنانش بسیار کوشیدند چیزی علیہ او پیدا کنند و نیافتند. پس بہ سوی مردی آمدند کہ با او جنگیدہ و درگیر شدہ بود و از روی مکر و حیلہ بر ضد علی، بہ تمجید او پرداختند.^۲

◆ نکتہ ۱۲۱ (سخن شعبی) ◆

شعبی گوید:
او بخشنده ترین مردم بود، و بر خلقی بود کہ خداوند آن را دوست داشت آن خلق سخاوت و بخشنندگی بود. هیچ گاہ بہ کمک خواه و درخواست کننده، پاسخ «نہ» نگفت.^۳

◆ نکتہ ۱۲۲ (سخن ابن عبدالبر نویسنده استیعاب) ◆

ابن عبدالبر می نویسد: وقتی یکی از پسران عامر بن عبداللہ بن زبیر از علی (علیہ السلام) بدگوئی می کرد، بہ او گفتند: دیگر چنین کاری مکن. مروان بن شہت سال او را بد گفتند و خداوند با کار آنان، جز بر بلند مرتبگی او نیفزود. دین، چیزی را بہ پا نکرده است کہ دنیا بتواند آن را نابود کند و دنیا چیزی نساخته، جز آن کہ بہ سراغ آنچه ساخته، آمدہ و آن را نابود کردہ است.^۴

۱. شرح نہج البلاغۃ ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۵.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷.

۳. شرح نہج البلاغۃ ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲.

۴. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۱۵.



نظر خود را تغییر داد ولیکن نکته مهم این است که وقتی حضرت از مسجد به خانه باز می‌گشت رافع بن رفاعه به دنبال حضرت زهرا علیها السلام آمد و خطاب به ایشان عرض کرد:

«یا سیده النساء لو کان ابوالحسن تکلم فی هذا الامر و ذکر للناس قبل ان یجری هذا العقد ما عدلنا به احد».

ای سرور زنان! اگر علی علیه السلام قبل از این که مردم با ابوبکر بیعت کند با آن سخن می‌گفت ما از او روی گردان نمی‌شدیم و با فرد دیگری بیعت نمی‌کردیم.

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ او فرمود: مرا به حال خود بگذار که خداوند بعد از جریان غدیر خم برای هیچ کس عذر و بهانه‌ای قرار نداده است.^۱

* روایت عرشی غدیر را خطیب بغدادی نویسنده کتاب الرحلة فی طلب الحدیث و کتاب نصیحة اهل الحدیث و الکفایة فی علم الراویة و کتاب حدیث الستة من التابعین و تاریخ بغداد که حدود ۱۰۰۰ سال قبل نوشته در تمامی این کتب آورده است.

ترمذی در سنن ۸ جلدی خود و نسائی در کتاب سنن نسائی، رسائل فی علوم الحدیث و سنن الکبری در ۶ جلدی و البلدانیه مطالب مهمی را در مورد غدیر نوشته‌اند.

◆◆ نکته ۱۲۶ (سخن حدیفه) ◆◆

حدیفه گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سرور مسلمانان، پیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان که در بین مردم، برای او شبیه و همانندی نیست با علی بن ابیطالب برادرند.^۲

◆◆ نکته ۱۲۷ (سخن ابن ابی الحدید) ◆◆

ابن ابی الحدید در مورد حضرت علی علیه السلام گوید: در دلیری، باعث شد که یاد شجاعان قبل و بعد از او محو گردد.

۱. دلائل الامامة ص ۳۷ نوشته ابو جعفر محمد بن جریر طبری متوفای ۳۱۰ هجری قمری این دانشمندان ایرانی به سال ۲۲۴ به دنیا آمد او شاگرد امام احمد حنبل است و خواهرزاده خوارزمی. وی متولد طبرستان ایران است همچنین فردی بزرگ در علوم فقه و حدیث و تفسیر و نحو و لغت و حکمت و کلام - منطق و پزشکی و ریاضی بود و از دانشمندان ممتاز قرن سوم است. تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن و کتاب اختلاف الفقهاء و تاریخ الرسل و الملوک که وقایع عالم و جهان را از بدو خلقت تا سال ۳۰۲ یا ۳۰۹ به خوبی در کتابش شرح داده است.

۲. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۲۹، نوشته ابن ابی الفتح اربلی متوفی ۶۹۳ هـ ق.

جنگاوری او تا روز قیامت ضرب المثل است. او شجاعی است که هرگز فرار نکرد و از هیچ سلحشوری نترسید، و هر جنگجویی در مقابلش قرار می‌گرفت کشته می‌شد و هیچ گاه ضربه‌ای نزد که ضربه اول وی به ضربه دیگری نیازمند باشد و نقل شده که ضربه‌های وی تک بود.

زمانی که معاویه را به مبارزه طلبید تا مردم با کشته شدن یکی از آن دو آرامش گیرند عمروعاص به معاویه گفت: با تو رفتاری منصفانه دارد.

معاویه در پاسخ عمروعاص گفت: از زمانی که مرا خیرخواهی کرده‌ای، جز این بار حيله و مکر در کارت نبود. آیا مرا به جنگ با ابوالحسن می‌خوانی، در حالی که می‌دانی او دلیر کوبنده است؟ فکر می‌کنم در اندیشه حکومت شام بعد از من هستی.....^۱

نکته ۱۲۸ (سخن عبدالله بن زبیر و معاویه)

روزی معاویه چشم گشود و دید که عبدالله بن زبیر، پایین پایش بر روی تخت نشسته است. معاویه نشست.

عبدالله شوخی کنان گفت: ای امیرمؤمنان! اگر می‌خواستم، می‌توانستم تو را بکشم. معاویه گفت: ای عبدالله بن زبیر! برای ما شجاع شده‌ای؟!

عبدالله گفت: چگونه شجاعت من را انکار می‌کنی، در حالی که در جنگ در برابر علی بن ابیطالب ایستادم.

معاویه گفت: اگر تو در برابر او می‌ایستادی، حتماً تو را و پدرت را با دست چپ می‌کشت، در حالی که دست راست او همچنان خالی بود و به دنبال افراد دیگری می‌گشت تا آن‌ها را هم هلاک کند.^۲

نکته ۱۲۹ (سخن معاویه بن ابی سفیان)

مغیره گوید: وقتی خبر مرگ حضرت علی علیه السلام به معاویه رسید گفت: «انا لله وانا الیه راجعون»؛ ما همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۱.



زن معاویه که نزد او حاضر بود گفت: دیروز با او می‌جنگیدی و امروز برایش آیه رجعت می‌خوانی؟!
معاویه گفت: وای بر تو! نمی‌دانی مردم چه مقدار از دانش، فضل و سابقه را که او داشت، از دست دادند.^۱

◆ نکته ۱۳۰ (سخن عمروعاص) ◆

روزی مردی از اهالی همدان به نام «بُرد» نزد معاویه آمد و شنید که عمروعاص به بدگویی علیؑ پرداخته است. آن مرد به عمروعاص گفت: بزرگان ما از پیامبر خدا شنیده‌اند که می‌فرمود: «هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست». آیا این درست است یا نادرست؟
عمرو گفت: درست است و به شما بگویم که بین یاران پیامبر خداﷺ هیچ کس فضایی چون علی ندارد.^۲

◆ نکته ۱۳۱ (سخن جاحظ) ◆

جاحظ از علمای اهل سنت می‌باشد او از استادش ابواسحاق نظام اینگونه نقل می‌کند:
«سمعت النظام يقول: علی بن ابی طالب صحنة علی المتكلم؛ ان وقاه حقه غلا وان بخسه حقه أساء».
سخن گفتن درباره شخصیت علی بن ابیطالب موجب گرفتاری است؛ زیرا اگر گوینده درباره او سنگ تمام بگذارد از غلو سر در می‌آورد و اگر از حق او بکاهد خلاف کرده است.
* جاحظ گوید: هرگاه از شناخت در دین، زهد در مورد دنیا، پیشی گرفتن در اسلام و

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۸۳.

۲. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۲۹. ابن قتیبه نویسنده کتاب الامامة والسياسة دارای تألیفات دیگری نیز می‌باشد از جمله: غریب الحدیث در ۲ جلد و المعارف وی در سال ۲۷۶ هـ ق از دنیا رفته است.



❖ نکته ۱۳۶ (سخن عبداللّه بن عمر) ❖

سعید بن عبیده گوید: مردی به ابن عمر گفت: درباره علی چه می‌گویی (چون من او را دشمن می‌دارم؟)
[ابن عمر] گفت: خداوند تو را دشمن بدارد! من تو را دشمن می‌دارم.^۱

❖ نکته ۱۳۷ (سخن عمر بن خطاب) ❖

از عمر بن خطاب نقل شده که در بین یاران محمد صلی الله علیه و آله هجده سابقه بود که علی بن ابیطالب، سیزده تا از آنها را به تنهایی داشت و ما در پنج تای آن با وی شریک بودیم.

❖ نکته ۱۳۸ (سخن مالک اشتر) ❖

در مجلسی که مردم برای بیعت با امام علی علیه السلام گرد هم آمدند، مالک بن حارث اشتر از جا برخاسته و گفت: ای مردم! این، وصی اوصیا و وارث علم پیامبران است. امتحانش بزرگ و سیاستش نیکوست.^۲
* ادهم نقل کرده:

«مالک اشتر در حالی که بر اسبی سیاه، مانند کلاغ سوار بود برای مردم در منطقه قناصرین [در شام] سخنرانی کرد و گفت:... پسر عموی پیامبران، شمشیری از شمشیرهای خداوند، علی بن ابیطالب با ماست، او که با پیامبر خدا نماز خواند، هیچ مردی حتی تا زمان پیری، بر نماز او پیشی نگرفته است. در او بیهوده گویی، خطاکاری و لغزش راه نداشت. در دین خدا آگاه است، حدود الهی را می‌داند، دارای رأیی اصیل و بردباری ای نیکو و عفتی قدیمی است.»^۳

۱. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۱۹۰.



کمبود مال شدیم، گفتیم: ای ابوذر! من اتفاقاتی را می بینم که پیش آمده و می ترسم که در بین مردم، اختلاف به وجود آید. اگر چنین شود چه دستور می دهی؟
گفت: همراه کتاب خدا و علی بن ابیطالب باش. گواهی می دهم از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «علی، اولین کسی است که به من ایمان آورد و اولین کسی است در روز قیامت با من دست خواهد داد. او صدیق اکبر است. او فاروق است که بین حق و باطل، جدایی می افکند»^۱.

◆ نکته ۱۴۳ (سخن عبدالله بن عیاش) ◆

سعید بن عمرو قرشی نقل کرده که به عبدالله بن عیاش زرقی گفتیم: از علی بن ابیطالب به ما خبر بده. گفت: ما [با او] در شرف و نسب، اشتراک داریم و دوست نداریم درباره وی، آنچه را که پسر عموهایمان می گویند بگوییم. آن گاه گفت: علی، مردی شوخ طبع بوده و هرگاه جدی بود به «ضرس حدید» جدی بود.

گفتم: ضرس حدید چیست؟

گفت: خواندن قرآن، شناخت در دین، شجاعت و گذشت.^۲

◆ نکته ۱۴۴ (سخن عقبه بن عمرو) ◆

در یادکرد جلسه بیعت مردم با علیؑ، عقبه بن عمرو برخاست و گفت: چه کسی مانند علی، روزی چون روز عقبه و بیعتی چون بیعت رضوان دارد؟ پیشوای هدایتگری که بیم ستمگری بر او نیست و دانشوری که بیم جهل بر او نمی رود.^۳

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱.

۲. ریاض النضره، ج ۳، ص ۲۰۰ نوشته ابو جعفر طبری، متوفی ۶۹۴ هـ ق.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.

◆◆ نکته ۱۴۵ (سخن عمر بن خطاب) ◆◆

عمر بن خطاب گوید: خداوندا! هیچ گاه گرفتاری و سختی ای نازل مکن، جز آن که ابوالحسن کنار من باشد.^۱

◆◆ نکته ۱۴۶ (سخن ابونوار کرباس) ◆◆

ابونوار کرباس فروش گوید: حضرت علی علیه السلام به همراه غلامی نزد من آمد و از من دو پیراهن کرباس خرید. آن گاه به غلامش فرمود: «هر کدام را که می خواهی انتخاب کن». او یکی را برگزید و علی علیه السلام آن دیگری را برداشت و پوشید و دست خود را کشید و به غلام فرمود: «آن مقدار از پارچه را که از دست من زیادی است کوتاه کن». آن را قطع کرد و لبه اش را برگرداند. سپس دوباره آن را پوشید و رفت.^۲

◆◆ نکته ۱۴۷ (سخن ابوذر و نعیم پسر عمویش) ◆◆

بریده گوید:

ابوذر به همراه پسر عمویش (نعیم) به راه افتادند و من هم همراه آنان شدم و به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله در کوهی می گشتیم. ابوذر گفت: ای محمد! آمده ایم بشنویم چه می گویی و به چه چیزی فرا می خوانی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «می گویم: خدایی جز الله نیست و من پیامبر خدا هستم».

ابوذر و نعیم به وی ایمان آوردند و من هم ایمان آوردم و در آن زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی را به دنبال کاری فرستاده بود. روز دوشنبه به پیامبر خدا وحی شد و روز سه شنبه علی علیه السلام نماز گزارد.^۳

◆◆ نکته ۱۴۸ (سخن ابی ابن الحدید) ◆◆

ابن ابی الحدید در بیان فضایل علی علیه السلام گوید:

۱. فرائد السمطين، ص ۳۴۳ - ذخائر العقبی، ص ۱۴۹.

۲. اسد الغابة، ج ۴، ص ۹۷ - فضائل الصحابه، ج ۱، ص ۵۴۴.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۱.



در عبادت، عابدترین مردم و روزه گیرترین و نماز گزارترین آنان بود. مردم، نماز شب پیگیری برنامه عبادت شبانه و نافله شب را از او یاد گرفتند. چه گمان می‌بری درباره کسی که از شدت پیگیری برنامه شبانه عبادتش در لیلۃ‌الهریر در صفین نیز سجاده‌اش پهن بود؟! او نماز می‌خواند و دعا می‌کرد، در حالی که تیرها پیش پایش می‌افتادند و از چپ و راست گوشش می‌گذشتند و باعث ترسش نشدند و تا از وظیفه عبادی‌اش فارغ نشد، برنخاست. و گمان تو نسبت به مردی که پیشانی او به خاطر سجده های طولانی چون زانوی شتر، پینه بسته بود، چیست؟!^۴

◆◆ نکته ۱۴۹ (سخن ام الخیر و رقیه) ◆◆

احمد بن محمد بن عبدربه در کتابش می‌نویسد: ام الخیر دختر حریش باریقه در توصیف دشمنان امام علیؑ در جنگ صفین می‌گوید: به درستی که این کینه های بدر و دل چرکینی های جاهلیت و دشمنی های احد است که معاویه به هنگام غفلت و ناآگاهی مردم بر آن دست یافت تا انتقام خون فرزندان عبدشمس را بستاند.^۵

◆◆ نکته ۱۵۰ (سخن ابن ورقاء) ◆◆

در جنگ صفین عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی به امیر المؤمنین گفت: اگر این مردم خدا را می‌خواستند یا برای خدا کار می‌کردند، با ما به مخالفت بر نمی‌خواستند ولی اینان می‌جنگند برای گریز از برابری در تقسیم بیت‌المال و بخل ورزیدن در قدرت و سلطنت و کینه هایی که دارند و...

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷.

۵. العقد الفرید، ج ۱، ص ۳۴۵.

آن گاه رو به مردم کرد و گفت: چگونه معاویه با علی علیه السلام بیعت کند، حال آن که علی علیه السلام برادرش حنظله و دایی اش ولید و جدش عقبه را در یک جنگ کشت؟...^۱

◆ نکته ۱۵۱ (سخن حذیفه) ◆

زمانی نزد حذیفه بودیم او گفت: هر گاه خاندان پیامبر شما، دو گروه شوند گروهی با شمشیر گروه دیگر را بزنند، شما چه خواهید کرد؟
گفتیم: ای ابو عبدالله! آیا چنین حادثه ای رخ خواهد داد؟
آن گاه برخی از یاران حذیفه گفتند: اگر در آن زمان بودیم، چه کنیم؟
حذیفه گفت: بنگرید به گروهی که به سوی علی علیه السلام می روند. همراه آنان باشید که آن گروه هدایت یافته اند.^۲

◆ نکته ۱۵۲ (سخن عمر بن خطاب) ◆

از عمر بن خطاب نقل شده: به خدا قسم ای علی! اگر ایمان تو با ایمان مردم روی زمین سنجیده شود، بر ایمان آنان برتری خواهد یافت.^۳

◆ نکته ۱۵۳ (سخن زید بن علی) ◆

زید بن علی از پدرانش نقل کرده که در جنگ احد استخوان سر دست علی علیه السلام شکست. بیرق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دستش بود و این بیرق از دستش افتاد. مسلمانان شتافتند که آن را بردارند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن را در دست چپش بگذارید، چون او صاحب بیرق من در دنیا و آخرت است».^۴

۱. المعیار والموازنه، ص ۱۲۸ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۰.

۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۴۷۷ - فتح الباری، ج ۱۳، ص ۵۵.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۲۵۹.

۴. ذخائر العقبی، ص ۱۳۷.



◆◆ نکته ۱۵۴ (سخن عبد الله پسر عمر بن خطاب) ◆◆

عبدالله بن عمر می گوید: ۳ خصلت برای علی علیه السلام است که برای احدی جز او نیست زوجه رسول الله صلی الله علیه و آله ابنته و ولدت له وسد الابواب الا بابه فی المسجد واعطاه الراية يوم الخيبر. رسول خدا صلی الله علیه و آله دختر خود را به ازدواج علی علیه السلام در آورد و همه درها را به سوی مسجد خود بست الا درب خانه علی علیه السلام و اینکه در روز جنگ خیبر رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به دست علی علیه السلام داد. ۵

او در سخنی دیگر اینگونه گفته است که: ۳ خصلت برای علی است که احدی در آن ها شریک او نیست آنکه فاطمه را به ازدواج علی در آورد و پرچم جنگ را در روز خیبر به علی داد و آیه نجوی (مجادله ۱۲). ۶

◆◆ نکته ۱۵۵ (سخن اعمش درباره منکران امام علی علیه السلام) ◆◆

اعمش گوید: جریر و اشعث به سمت کوفه رفتند و در حال صحبت کردن و نکوهش علی علیه السلام بودند. سوسماری به سرعت از کنارشان گذشت. فریاد زدند: ای ابو حسل (کنایه از سوسمار است). دستت را پیش آر تا برای خلافت با تو بیعت کنیم! گفته این دو به علی علیه السلام رسید. فرمود: «بدانید که آن دو، روز قیامت، در حالی محشور می شوند که پیشوایشان یک سوسمار است». ۷

◆◆ نکته ۱۵۶ (سخن حذیفه) ◆◆

حذیفه گوید: هان! سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، هر کس می خواهد به امیر حقیقی و واقعی مؤمنان بنگرد، به علی بن ابیطالب بنگرد. پس یاورش باشید و پیروی و یاری اش کنید. ۸

۵. مسند امام احمد حنبل، ج ۲، ص ۲۶ این نقل قول در مناقب علی بن ابی طالب نوشته ابن مغزالی ص ۲۵۲ نیز آمده است.

۶. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۳۱ و مناقب ابن مغزالی، ص ۳۲۵ و صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۴۰۶.

۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۵.

۸. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۹۴.

نکته ۱۵۷ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید معتزلی گوید: استادان متکلم ما در مورد اینکه علی علیه السلام اولین مسلمان بود بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله اختلافی ندارند و امروزه نظر همه اهل علم بر این است که حضرت علی علیه السلام در ایمان پیشتازتر از همه بود و خود امیر مؤمنان بر این موضوع ادعا می کرد و می گفت: «من صدیق اکبر و فاروق اولم. پیش از اسلام آوردن ابوبکر، اسلام آوردم و پیش از نماز خواندن او، نماز خواندم... اما افرادی که نظرشان این است که ابوبکر نخستین مسلمان می باشد، تعداد کمی هستند.»^۱

نکته ۱۵۸ (سخن انس بن مالک)

انس بن مالک نقل کرده: روز دوشنبه، نبوت به پیامبر خدا فرو فرستاده شد و روز دوشنبه مبعوث گشت و خدیجه رضی الله عنها روز دوشنبه اسلام آورد و علی علیه السلام روز سه شنبه اسلام آورد و بین اسلام آوردن آن دو جز یک شب فاصله نبود.^۲

نکته ۱۵۹ (سخن شیخ سلیمان حنفی)

شیخ سلیمان حنفی نویسنده و دانشمند مشهور بزرگ اهل سنت متوفی ۱۲۹۴ هـ ق. از استاد خود ابوالعالی جوینی روایت می کند که او برایم نقل کرد: روزی در شهر بغداد در مغازه صحافی در دست صاحب مغازه کتابی را دیدم که موضوع آن اسناد حدیث مشهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم بود و روی جلد آن کتاب اینگونه نوشته شده بود: (جلد ۲۸ از طرق و اسناد حدیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است در مورد حدیث: «من كنت مولا فهدا علی مولا»).

و عجیب تر آنکه در آن نوشته شده بود: بعد از این جلد (یعنی جلد ۲۸) جلد ۲۹ می آید. از نوشته مذکور این مفهوم به وضوح به دست می آید که احادیث غدیر خم، قدیم در کتب و جوامع روایی به طور گسترده و وسیع حتی در کتب اهل سنت مطرح شده است

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۲۲.

۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸.



ولی به مرور زمان به واسطه آنکه بعضی‌ها به حضرت علی علیه السلام کینه و عداوت داشته‌اند این آثار را از بین برده‌اند برای نمونه در دوره معاصر بعضی از کشورهای عربی اقدام به چاپ کتب صحاح اهل سنت نموده‌اند ولیکن تمامی روایاتی که حکایت از منزلت و برتری امام علی علیه السلام دارد را از این کتاب‌ها حذف کرده‌اند پس شایسته تذکر است که اهل تحقیق چنان‌چه به آدرس‌های ذکر شده در این کتاب مراجعه کنند اثری از روایات مذکور نیابند (در کتب صحاح چاپ جدید) لذا برای به دست آوردن این احادیث باید به کتب چاپ قدیم مراجعه نمایند و مؤلف این کتاب تعجب می‌نماید آنان که روایات امام علی علیه السلام را از کتاب‌های فوق حذف می‌کنند چرا این همه واهمه و ترس دارند از درج و چاپ این احادیث که اینگونه آن احادیث را حذف می‌نمایند.^۱

◆◆ نکته ۱۶۰ (سخن احمد بن حنبل) ◆◆

امام احمد حنبل در مناقب آورده: «ما لاحد من الصحابة من الفضائل بالاسانيد الصحاح مثل ما لعلي - رضي الله عنه -».^۲
فضایل هیچ یک از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه علی علیه السلام نمی‌باشد.

◆◆ نکته ۱۶۱ (سخن ابن عباس) ◆◆

روی عکرمه عن ابی عباس قال: ما نزل فی القرآن: «یا ایها الذین آمنوا! الأوعلی علیه السلام رأسها وأمیرها.....».^۳
عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که او گفت در هر جای قرآن آیه فوق آمده مصداق واقعی و نمونه‌اش آن علی ابن ابیطالب علیه السلام است.

◆◆ نکته ۱۶۲ (سخن قندوزی عالم بزرگ اهل سنت) ◆◆

عالم سنی قندوزی متوفای ۱۲۹۴ در کتاب خود آورده: من درباره مردی که اهل

۱. بتایبع المودة، ص ۳۶، باب چهارم، چاپ اسلامبول، انتشارات اختر به سال ۱۳۰۱ هـ ق.

۲. مناقب احمد لابن الجوزی الحنبلی، ص ۱۶۳.

۳. مسند امام احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ قمری، ج ۱، ص ۱۹۰ و تاریخ خلفاء، ص ۱۷۱.

ذمه (یهود یا نصاری) در حالی که پیامبری رسول خدا ﷺ را قبول ندارد ولی به امام علی ﷺ احترام می‌گذارند چه بگویم (یعنی علی ﷺ را چگونه توصیف کنم) سپس ادامه می‌دهد درباره کسی که پادشاهان ترک و دیلم به شمشیری که در آن عکس امام علی ﷺ بود تبرک می‌جستند و آن را وسیله پیروزی و فتح خود می‌دانستند چه باید بگویم؟ درباره مردی که پادشاهان فرنگ و پادشاهان روم صورت او را در محل عبادتگاه خود نقاشی کرده‌اند چه بگویم؟ من درباره کسی که عکس وی روی شمشیر عضدالدوله و فرزندش رکن الدوله و آل ارسلان و فرزندش ملک شاه دیده می‌شد چه بگویم.^۱

◆ نکته ۱۶۳ (سخن ابن عباس) ◆

شخصی به ابن عباس گفت: به راستی فضایل علی ﷺ چقدر زیاد است فکر می‌کنم که این فضایل به سه هزار عدد رسیده باشد. ابن عباس نیز به او گفت: فضایل علی ﷺ به سی هزار نزدیک تر است تا به سه هزار. آن‌گاه سخنش را ادامه داد: اگر درخت‌ها قلم شوند و دریاها مرکب و جن و انس نویسنده نمی‌توانند فضایل علی ﷺ را شمارش کنند.^۲

◆ نکته ۱۶۴ (سخن عمرو عاص و معاویه) ◆

روزی عمر بن عاص خطاب به معاویه گفت: قسم به خدا، به خاطر خون خلیفه در کنار تو ن‌جنگیدیم و از این ماجرا ناراحت هستیم، چون ما با کسی جنگیدیم که سابقه، فضل و خویشاوندیش با پیامبر خدا را می‌دانیم و مقصد و هدف ما فقط رسیدن به دنیا بود.^۳

◆ نکته ۱۶۵ (سخن مروان) ◆

ابن ابی‌سیف می‌گوید: روزی مروان در حال سخنرانی در حضور امام حسن ﷺ به امام

۱. ینابیع المودة نوشته قندوزی حنفی، ص ۱۸۷.

۲. تذکرة الخواص، نوشته ابن جوزی، ص ۱۳.

۳. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۶۱ - الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۵۸.



علی علیه السلام بد می گفت. حسن علیه السلام فرمود: «وای بر تو! ای مروان. این فردی که بدیش را می گویی، آیا بدترین مردم است؟». مروان گفت: نه! بلکه او بهترین مردم است.^۱

◆ نکته ۱۶۶ (سخن حسن بن ابی بصری) ◆

در مورد علی علیه السلام از حسن بن ابی بصری سؤال شد. او گفت: قسم به خدا، علی تیری به هدف خورده از کمان الهی به سوی دشمن بود. او ربانی این امت بود و از میان امت، صاحب فضل و سابقه و خویشاوندی با پیامبر بود. از دستور خدا غافل نمی شد و در دین خدا، مورد ایراد و سرزنش نبود. از مال خدا سرقت نکرد و حق قرآن را ادا کرد و از جانب آن به بهشتی دل انگیز دست یافت.^۲

بنی امیه به علی علیه السلام ایراد می گرفتند و بر او عیب شماری می کردند؛ ولی خداوند به این کار، چیز جز بزرگی علو درجه و دوستی در نزد دانشوران برای او نمی افزود.^۳

◆ نکته ۱۶۷ (سخن ابن عباس) ◆

قال ابن عباس - عندما سئل عن علي فقال - رحمة الله على ابي الحسن كان والله علم الهدى وكهف التقى... . وصاحب القبلتين وابوالسبطين وزوجه خير النساء فما يفوقه احد، لم ترعيناى مثله، ولم اسمع مثله، فعلى من ابغضه لعنة الله ولعنة العباد الى يوم التنادء.^۴

یعنی:

از ابن عباس راجع به امام علی علیه السلام سؤال شد، او گفت درود و رحمت خدا بر او باد به خدا قسم او پرچم هدایت و نشانه اهل تقوی... و کسی است که به دو قبله نماز خواند و پدر حسنین و همسر بهترین زنان عالم است مثل او را ندیدم و نشنیدم پس هر کس با او دشمنی کند لعنت خدا و بندگانش تا روز قیامت بر او باد.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۰.

۲. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۱۰ - الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۸۷.

۳. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۱۵.

۴. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۸۸.



◆ نكته ۱۶۸ (سخن ابن عساکر) ◆

عالم بزرگ اهل سنت، ابن عساکر نقل کرده:

بیش از هشتاد حدیث با سندهای صحیح و متواتر که به بزرگان صحابه، مثل ابن عباس، انس بن مالک، سلمان فارسی، ابویوب انصاری، ابوبکر، ابورافع، ابوذر منتسب می‌شود نقل کرده‌اند که امام علی علیه السلام نخستین کسی بود که اسلام را پذیرفت و ایمان آورد و نماز خواند.^۱

◆ نكته ۱۶۹ (سخن فخر رازی) ◆

فخر رازی از دانشمندان اهل سنت صاحب تفسیر ۳۲ جلدی کبیر می‌باشد وی شعری را از امام شافعی در ذیل آیه «قل لاسئلكم علیه اجرأ الا المودة فی القربى»^۲ آورده است که در اینجا به آن شعر اشاره می‌شود.

يا راکباً قف بالمحصب من منی	واهتف بساکن خیفها والناض
سحراً اذا فاض الحجيج الی منی	فیضاً کلتطم الفرات الفاض
ان کان رفضاً حب آل محمد	فلیشهد الثقلان انی رافض

ای سوار رونده به سوی مکه بایست و در ریگ زار منی به ساکنین مسجد خیف در وقت سحر که حجاج به سوی منی می‌آیند (بدون تقیه و علنی) بگو اگر رفض دوستی آل محمد است پس شهادت بدهند جن و انس که من امام شافعی رافضی هستم.

◆ نكته ۱۷۰ (سخن ابن سبع مغربی) ◆

ابن سبع مغربی در شفاء الصدور در بیان شجاعت امام علی علیه السلام می‌گوید:

«علماء العرب اجمعوا علی ان نوم علی علیه السلام فراش رسول الله صلی الله علیه و سلم افضل...».

همه علمای عرب نظرشان این است که خوابیدن علی علیه السلام در لیلة المبيت در جای پیامبر صلی الله علیه و سلم بهتر بود از بیرون رفتن حضرت همراه با پیامبر. زیرا که خود را با این عمل فدای آن حضرت کرد و به این طریق شجاعت خود را بین همه ظاهر نمود.

۱. تاریخ دمشق نوشته علی بن حسن بن هبة الله الشافعی مشهور به ابن عساکر متوفای ۵۷۳ قمری، ج ۱، ص ۴۱.

۲. شوری / ۲۳.



نکته ۱۷۱ (سخن عجیب احمد حنبل)

احمد بن الکرزی به نقل از عبدالله بن احمد حنبل گوید: که از پدرش سؤال کرده در مورد درجه و مقام صحابه پیامبر ﷺ و پدرش نیز در پاسخ به ابوبکر و عمر و عثمان اشاره کرده و دیگر نام کسی را نبرده است.

سپس عبدالله بن احمد حنبل می گوید: از پدرم پرسیدم چرا علی بن ابیطالب را نام نبردی؟

او پاسخ داد: حضرت علی از اهل بیت رسالت می باشد و نمی توان این سه نفر (ابوبکر - عمر و عثمان) را با او قیاس کرد.^۱

نکته ۱۷۲ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید در کتاب خود در جواب شخصی از اهل سنت که طعن بر امام علی زده آورده است که:

اتفاق همه فصحاء آن است که حضرت علی افصح جمیع فصحاء و بلغاء عالم بوده و هرگاه فصحاء عالم جمع شوند قدرت ندارند عسری از اعشار فضایل او را بیان کنند.^۲

نکته ۱۷۳ (سخن عمر بن خطاب)

عمر بن خطاب گفت: «علی مولی من کان رسول الله مولا».

هر کس که پیغمبر بر او ولایت دارد علی نیز بر او ولایت دارد.^۳

* و در نقل دیگر: عروة بن زبیر از جدش نقل می کند که مردی در نزد عمر بن خطاب به امام علی بی احترامی کرد عمر با اشاره به قبر رسول خدا به او گفت: صاحب این قبر را می شناسی او محمد بن عبدالله عبدالمطلب است و علی نیز پسر ابیطالب ابن عبدالمطلب است جز به نیکی نام علی را مبر اگر از او عیب جوئی کنی این را (اشاره به قبر رسول الله) در قبرش آزار دادی و او در پاسخ به کسی که امام علی را به

۱. مودة القربی، فصل هفتم، نوشته میرسیدعلی همدانی.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۶.

۳. ریاض النضرة نوشته ابو جعفر احمد بن عبدالله محب طبری متوفای ۶۹۴ هجری قمری، ج ۲، ص ۱۷۰.



گفتم: از عراق.
گفت: از کدامشان؟
گفتم: از کوفیان.
گفت: از کدامشان؟
گفتم: از بنی عامر.

گفت: به به! خیلی خوش آمدی! چه چیزی موجب آمدن تو شده است؟
گفتم: بین علی و طلحه و زبیر حوادثی اتفاق افتاده به این علت با علی بیعت کردم.
گفت: به وی بپیوند. قسم به خدا، او گمراه نشده است و کسی توسط او به گمراهی نمی‌افتد (و سه مرتبه این سخن را تکرار کرد).^۱

نکته ۱۷۶ (سخن صعصعة)

عبدالملک بن عمیر از صعصعة بن صوحان نقل کرده که از وی سؤال شد علی علیه السلام چگونه بود؟
صعصعة در پاسخ گفت: چیزی نگفت که گذشته‌اش را به افراط یا تفریط بکشاند. او بردباری، سلامت نفس، دانش، نزدیکی خانوادگی [به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] مهاجرت پیشین و گرفتاری‌های بزرگ در راه اسلام را با هم جمع کرد.^۲

نکته ۱۷۷ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید در شرح خود آورده که علی علیه السلام به حکومت، سزاوارتر و شایسته‌تر بود نه به خاطر نص (حکمی از خدا یا پیامبر خدا) بلکه به خاطر برتری اش، چون او بعد از پیامبر خدا، برترین بشر است و از همه مسلمانان به خلافت محق‌تر.^۳

۱. المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۹.

۲. مناقب الامام امیرالمؤمنین، ج ۲، ص ۶۷.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۴۰.

◆◆ نکته ۱۷۸ (سخن ابو جعفر استاد ابن ابی الحدید) ◆◆

ابن ابی الحدید می گوید نظر شیخ ما ابو جعفر این بود که... بزرگداشت علی علیه السلام از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ضرورت دینی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، تعظیمی دینی به خاطر جهاد و یاری او. پس هر کس بر علی علیه السلام طعنه زند یعنی بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله طعنه زده است. ^۱

◆◆ نکته ۱۷۹ (سخن احمد حنبل) ◆◆

احمد بن سعید رباطی گوید: از احمد بن حنبل شنیدم که می گفت: علی بن ابیطالب، همواره با حق بود و حق با او بود، هر جا که بود. ^۲

◆◆ نکته ۱۸۰ (سخن عجیب شعبی) ◆◆

شعبی گوید: نمی دانیم با علی علیه السلام چه کار کنیم. اگر دوستش بداریم، نیازمند می شویم و اگر دشمنش بداریم کافر می گردیم. ^۳

◆◆ نکته ۱۸۱ (سخن ابن عبدربه اندلسی) ◆◆

ابن عبدربه صاحب کتاب عقد الفرید که از علمای بزرگ اهل سنت است در کتاب خود آورده که مأمون عباسی در مجلس مناظره علماء و فقها برای اثبات برتری امام علی علیه السلام به این کلام رسول الله صلی الله علیه و آله استشهاد کرده و گفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من كنت مولاه فعلى مولاه». ^۴

◆◆ نکته ۱۸۲ (سخن ابن ابی الحدید) ◆◆

ابن ابی الحدید که از علمای اهل سنت است در کتاب خود آورده است که: «انه صلی الله علیه و آله افضل البشر بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و احق بالخلافة من جميع المسلمين».

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۸۵.

۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۹.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۴.

۴. عقد الفرید، ج ۳، ص ۳۸.



حقیقتاً علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل و برترین افراد بشر است و او در امر خلافت از همه مسلمانان برتر و والاتر بوده است.^۱

◆◆◆ نکته ۱۸۳ (سخن احمد بن حنبل و طبری و حدیث غدیر) ◆◆◆

در مسند احمد بن حنبل که این کتاب ۱۱۹۱ سال پیش نوشته شده مسئله غدیر را با ۴۰ سند آورده است.

طبری صاحب کتاب صریح السنه و کتاب هشت جلدی تاریخ طبری و تفسیر جامع البیان که سی جلد می باشد و بیش از ۱۰۰۰ سال پیش نوشته شده روایت غدیر را با بیشتر از هفتاد سند آورده است.

◆◆◆ نکته ۱۸۴ (سخن ابن سیرین) ◆◆◆

محدث ابو عمر یوسف بن عبدالله در روایت مسندی از ابن سیرین آورده: علی قرآن را به ترتیب نزول آن نوشت.^۲

◆◆◆ نکته ۱۸۵ (سخن ابن عباس) ◆◆◆

ابن عباس گوید: هنگامی که علی علیه السلام وارد مسجد شد و مردم برای بیعت به نزد او آمدند، هراس داشتم که برخی از دشمنان علی که پدر یا برادر و یا خویشان آنها را در زمان پیامبر در جنگ ها کشته بود، سخنی بگویند و علی در امر حکومت رویگردان شود و آنها را رها کند. و من همواره در هراس بودم. ولی کسی سخنی نگفت تا این که تمامی مردم با رضایت کامل و بدون اکراه با ایشان بیعت کردند.^۳

◆◆◆ نکته ۱۸۶ (سخن انس بن مالک) ◆◆◆

انس بن مالک گوید:

۱. نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴.
۲. الاستیعاب حاشیه الاصابه، ج ۲، ص ۲۵۲.
۳. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۹.



نکته ۱۸۹ (سخن ابن عباس)

ابن عباس نقل کرده:

سوگند به خدا رئیسی همسنگ علی (مردی به بزرگی و بزرگ منشی علی) نه دیدم و نه شنیدم.^۱

نکته ۱۹۰ (سخن عجیب شهر بن حوشب)

شهر بن حوشب گوید: هنگامی که عمر تقسیم بیت المال را با حسن و حسین علیهما السلام شروع کرد، پرسش به وی گفت: آن دو را بر من پیش داشتی، در حالی که من صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و مهاجرت کردم و آن دو نبودند؟
عمر گفت: ساکت، بی مادر! سوگند به خدا پدر آن دو، بهتر از پدر تو و مادرشان بهتر از مادر تو بود.^۲

نکته ۱۹۱ (سخن مغیره بن شعبه)

عمر بن یحیی گوید: صعصعه بن صوحان روزی به نزد مغیره بن شعبه^۳ رفت و مغیره از او پرسید: از کجا می آیی؟
او گفت: از نزد حاکم پرهیزگار بخشنده با شرم بردبار وفادار کریم و پذیرنده که به شمشیرش باز می دارد؛ با دستش می بخشد اجاقش همیشه روشن است و حمایتگری اش بسیار است. آن که از ریشه و اصل اشراف، بزرگان، شیرمردان و دلیران است. نه کم ریشه است و نه در کارش پر زحمت و نه در سخنش دروغگو. نه بی ثبات و تند است و نه کسل و تنبل. دارنده فرزندان کریم و پدران شریف است. خوش آزموده و ستاره درخشان است. تجربه دار مشهور دلیر نام آور است. در دنیا، زاهد و شیفته آخرت است.

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۶۰.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۷۱.

۳. مغیره بن شعبه از چهره های مؤثر در به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا علیها السلام بوده و تا آخر عمر بر علیه امام علی و امام حسن علیهما السلام از هیچ نوع ضدیت و فتنه گری دریغ ننمود او با آنکه جزء یکی از دشمنان درجه یک امام علی علیه السلام است اما نتوانسته حقیقت وجود خورشید گونه امام علی علیه السلام را انکار کند. لذا در فرازهای مختلف زندگی خود به تحسین ایشان پرداخته است.



آنچه آنان دارند، تو داری؛ ولی آنچه تو داری آنان را از آن بهره ای نیست.^۱

◆ نکته ۱۹۴ (سخن سالم بن ابی جعد) ◆

سالم بن ابی جعد گوید: علی علیه السلام برای کسانی که قرآن قرائت می کردند، دو هزار دو هزار، مقرر تعیین کرد و پدرم از قاریان قرآن بود.^۲

◆ نکته ۱۹۵ (سخن ام سلمه) ◆

ابوثابت گوید: بر ام سلمه وارد شدم. دیدم که گریه کنان علی علیه السلام را یاد می کند و می گوید: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می گوید: «علی با حق است و حق با علی و هرگز از هم جدا نمی شوند، تا روز قیامت در حوض کوثر بر من در آیند».^۳

◆ نکته ۱۹۶ (سخن محمد بن ابی بکر با خواهرش عایشه) ◆

وقتی شتر عایشه پی شد او به خانه ای در بصره وارد شد، برادرش محمد به او گفت: تو را به خدا سوگند می دهم، آیا به یاد می آوری روزی را که برایم از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث نقل کردی که او گفت: «حق، همواره با علی است و علی با حق است و هرگز این دو، از هم اختلاف و جدایی نیابند؟ عایشه گفت: آری!».^۴

◆ نکته ۱۹۷ (سخن حاکم نیشابوری) ◆

حاکم نیشابوری در کتابش می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: آنچه را که اتمم بعد از من در آن اختلاف دارند را روشن می کنی. (یعنی ای علی! تو معیار حق و حقیقت و صراط مستقیم هستی).^۵

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. کنز العمال، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۱.

۴. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۴۷.

۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۲.



قبل از تو بر این اعتقاد بودند. آن مرد خیلی از این سخن احمد بن حنبل خوشحال شد که در پوست خود نمی گنجید.^۱

◆ نکته ۲۰۰ (سخن عمر بن خطاب) ◆

روزی عمر بن خطاب به مزرعه ای که علی علیه السلام در آنجا مشغول کار بود رفت... بعد از گفتگو با امام علی علیه السلام به عمر فرمود: اگر گروهی از بنی اسرائیل پیش تو بیایند و یکی از آن‌ها بگوید من پسر عموی موسی می باشم آیا او را بر یارانش ترجیح می دهی؟
عمر گفت: آری یا ابالحسن.

امام علی علیه السلام به او فرمود: به خدا قسم من برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و پسر عموی اویم، عمر برخاست و عبایش را از دوشش برداشته روی زمین پهن کرد و گفت: به خدا سوگند غیر از اینجا نباید بنشینم تا از هم جدا شویم. امام علی علیه السلام هم روی عبای عمر نشست تا از هم جدا شدند.^۲

◆ نکته ۲۰۱ (سخن جابر بن عبد الله انصاری) ◆

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: علی علیه السلام این شعر را می خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله هم می شنید:

انا اخو المصطفی لاشک فی نسبی معه ریت و سبطاه هما ولدی
جدی وجد رسول الله منفرد و زوجتی فاطمه لاقول ذی منذ...

یعنی:

من برادر مصطفایم، تردیدی در نسبم نیست با او تربیت یافته ام، و فرزند زادگانم فرزند منند، جد من و جد رسول خدا یکی است و همسر من فاطمه است. این سخنی غیر قابل تردید، وقتی مردم همه در گمراهی و شرک و بدبختی بودند من او را تصدیق کردم، سپاس خدای بی شریکی را که بر بنده نیکی می کند و بی نهایت پایدار است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: راست گفتی یا علی.^۳

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۰۷.

۳. کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۸.

نکته ۲۰۲ (سخن ابن عباس)

ابن عباس نقل کرده: ما می گفتیم که پیامبر ﷺ هفتاد وصیت نزد علی گذارد که نزد غیر او نگذارد. ^۱

نکته ۲۰۳ (خطیب بغدادی مورخ بزرگ اهل سنت)

خطیب بغدادی در کتابش می نویسد: ابوسعید عقیصا می گوید: همراه علی ﷺ از انبار (نام شهری می باشد) به کوفه رو آوردم و او در میان مردم بود. در کناره فرات، راه می پیمودیم که راه را به سوی صحرا کج کرد. گروهی از مردم به دنبال او و گروهی از همان کناره آب رفتند و من از کسانی بودم که با علی ﷺ داخل صحرا شدند.

پس مردم گفتند: ای امیرمؤمنان! ما از تشنگی می ترسیم. امام گفت: «خداوند، شما را سیراب می کند». و راهبی در نزدیکی ما بود. پس علی ﷺ به جایی آمد و گفت: «این جا را بکنید». پس کندهیم و من نیز در کندن، شریک بودم تا آن که به سنگی برخوردیم. علی ﷺ گفت: «این سنگ را بردارید». پس دیگران ما را یاری کردند تا سنگ را بلند کردیم که ناگهان چشمه خنک و زلالی پدیدار شد و از آن نوشیدیم.

یک میل یا همین حدود، راه پیمودیم و دوباره تشنه شدیم. پس برخی گفتند: خوب است باز گردیم و دوباره آب بنوشیم. تعدادی از مردم بازگشتند و من هم در میان آنان بودم؛ اما هرچه گشتیم چشمه را نیافتیم.

پس نزد راهب رفتیم و گفتیم: چشمه ای که در این جا بود، کجاست؟ گفت: کدام چشمه؟ گفتیم: آن که از آن نوشیدیم و آب برداشتیم و حال که برگشتیم آن را نیافتیم. آن گاه راهب گفت: آن را جز پیامبر یا وصی پیامبر بیرون نمی کشد. ^۲

نکته ۲۰۴ (سخن ابن عباس)

از ابن عباس نقل شده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: روز قیامت من در میان پیامبران

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۱.

۲. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۰۵.



بیشترین پیروان را دارم و عرض حوضم، به اندازه فاصله بصری تا صنعتا و جام های آن به عدد ستارگان آسمان است و جانشینم بر حوض در آن روز، جانشینم در دنیا است. گفته شد: ای پیامبر خدا! او چه کسی است؟ گفت: «امام مسلمانان! امیرمؤمنان و مولای آنها پس از من، علی بن ابیطالب».^۱

◆ نکته ۲۰۵ (سخن انس بن مالک) ◆

روزی محمد بن حجاج به همراه عده ای به عیادت انس بن مالک می روند در آن جمع فرزند حجاج به حضرت علی علیه السلام توهین می کند. آن گاه انس خشمگین شده و می گوید: چرا به حضرت علی علیه السلام اهانت می کنی. بعد انس شروع می کند به بیان ماجرای ذیل: روزی که من خدمتکار پیامبر صلی الله علیه و آله بودم ام ایمن مرغ بریانی که خود صید کرده بود را برای تناول نزد پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت... پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد: خداوندا! محبوب ترین خلقت را برای خوردن این غذا نزد من حاضر کن. سپس درب منزل به صدا در آمد... پیش خود گفتم: خداوندا! او یکی از انصار باشد و بعد از باز کردن درب دیدم علی علیه السلام می باشد. به وی گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول کاری هستند و درب منزل را بستم مدتی گذشت دوباره صدای در آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای انس برو و هر کسی که پشت در می باشد را به منزل وارد کن تو اولین کسی نیستی که علاقه به نژاد خود داری بدان! آن شخص که پشت درب می باشد از انصار نیست.

من رفتم و علی علیه السلام را به منزل آوردم. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن مرغ را بیاور من هم غذای آماده را نزد آنها بردم و هر دو از آن تناول کردند. محمد بن حجاج بعد از شنیدن این ماجرا به انس گفت: تو خودت این ماجرا را دیدی و آن جا حاضر بودی؟ انس بن مالک گفت: بله! سپس فرزند حجاج گفت: با خدا عهد می بندم که بعد از این به علی علیه السلام ایرادی نمی گیرم و هر گاه بدانم کسی به او خرده می گیرد صورت او را زشت می کنم.^۲

۱. بشارة المصطفی، ص ۳۴.

۲. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۱.

نکته ۲۰۶ (سخن حاکم نیشابوری)

حاکم نیشابوری در کتابش می‌نویسد: عمر بن خطاب در برابر شخصی که بدگویی علی (ع) را می‌کرد و می‌گفت او خودخوده است، گفت: علی حق دارد که تکبر ورزد قسم به خدا اگر شمشیر او نبود پایه های اسلام محکم نمی‌شد. در قضاوت کردن او عالم ترین فرد این امت است و در ایمان با سابقه ترین و شریف ترین انسان هاست.^۱

نکته ۲۰۷ (سخن عمر بن خطاب)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود نقل کرده که عمر بن خطاب بارها به علی (ع) گفته است که یا علی من نسبت به شما در شگفتی؛ زیرا در مورد هر مشکلی که از شما سؤال شود کلمه نمی‌دانم به زبان خود جاری نمی‌کنی و بدون تأمل پاسخ سؤال کننده را می‌گوئی.

حضرت علی (ع) پنج انگشت دست خود را به عمر نشان داد و فرمود: عمر این‌ها چند انگشت است؟ عمر فوراً در جواب عرض کرد: پنج انگشت، آن‌گاه حضرت علی (ع) فرمود: آگاه باش تمام علوم و پاسخ هر مشکلی در نزد من به همین آسانی است.^۲

نکته ۲۰۸ (سخن مجاهد مفسر اهل سنت)

مجاهد که از مفسرین قدیمی اهل سنت می‌باشد در فضیلت علی (ع) می‌گوید: «ان لعلی سبعین منقبة ما کانت لاحد من اصحاب النبی (ص) مثلها وما من شیء من مناقبهم الا وقد شرکهم فیها».

برای علی بن ابیطالب (ع) هفتاد فضیلت وجود دارد که هیچ یک از اصحاب پیامبر (ص) در آن‌ها سهمی ندارند امام حضرت علی (ع) در منقبت هایی که اصحاب پیامبر دارند شریک می‌باشد.^۳

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱.

۳. شواهد التنزیل، فصل اول، ص ۲۴.



◆ نکتہ ۲۰۹ (سخن حاکم حسکانی) ◆

حاکم حسکانی در فصل اول شواهدالتنزیل آورده که محمد بن معتمر از جدش روایت نموده که:

«کان لعلی بن ابی طالب علیه السلام عشرون ومائة منقبه لم یشرک معه فیها احد من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله وقد اشرک فی مناقب الناس».

علی علیه السلام یکصد و بیست فضیلت مخصوص به خود دارد که کسی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نصیبی ندارند ولی علی علیه السلام در مناقب دیگران شریک است.

◆ نکتہ ۲۱۰ (سخن سعد ابی وقاص) ◆

قیس بن ابوحزیم گوید: شنیدم سعد بن ابی وقاص به مردی از اهل دمشق که حضرت علی علیه السلام را لعن می کرد گفت: چرا این شخص را لعن می کنی؟

آیا او اولین شخصی نبود که اسلام را قبول کرد؟

آیا او اولین شخصی نبود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواند؟

آیا او داناترین مردم در میان همه نبود؟

آن گاه گفت: خدایا! این فرد یک نفر از باتقواترین بندگان تو را لعن کرده از تو درخواست دارم که قبل از ترک اینجا قدرت خود را به آن ها نشان دهی.

آن مرد اهل دمشق از بالای اسب بر روی سنگی افتاد و سرش شکسته و جان داد. ^۱

◆ نکتہ ۲۱۱ (سخن محض بن ابی محض با معاویه) ◆

روزی محض بن ابی محض به معاویه گفت: من از پیش کسی می آیم که در سخن گفتن ناتوان ترین مردم است.

معاویه به او گفت: وای بر تو! چگونه می گویی که علی ناتوان ترین سخن گوینان است؟

به خدا او بود که فصاحت و سخنوری را در قریش معمول کرد. ^۲

۱. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۴۹۹.

۲. مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ص ۲۳.

نکته ۲۱۲ (سخن عمر بن خطاب)

عمر بن خطاب گوید: «علی اعلم الناس بما أنزل الله علی محمد». علی آگاه ترین مردم است به آنچه خدا بر محمد ﷺ نازل کرده است.^۱

نکته ۲۱۳ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید می نویسد: کنیز امام علی ﷺ روایت می کند که: روزی بر روی دست های علی ﷺ آب می ریختم که ناگهان حضرت سرش را بلند کرد و محاسنش را به سمت بالا برد و فرمود: «واهاً لك لتخضبن بدم»؛ ای وای بر تو حقاً با خون رنگین می شود. (خطاب به محاسن مبارکشان). ام جعفر گفت: پس در روز جمعه حضرت را ضربت زدند.^۲

نکته ۲۱۴ (سخن شعر ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید این نویسنده بزرگ اهل سنت در شعری که سروده جایگاه جناب ابوطالب و فرزندش علی ﷺ را اینگونه بیان کرده:

ولولا ابوطالب وابنه
لما مثل الدين شخصاً فقاما
فذاك بمكة اوى وحامى
وهذا بيثرب حبس الحماما

اگر ابوطالب و پسرش علی نبودند دین اسلام قوامی نداشت. ابوطالب در مکه آن پیامبر ﷺ را یافت و حمایت نمود، علی ﷺ هم در مدینه نبوت را با جستجو به دست آورد و حمایت کرد.^۳ * روزی عمر بن خطاب از ابن عباس پرسید: آیا علی را شایسته خلافت می بینی؟ او پاسخ داد: چرا شایسته خلافت نباشد به دلیل علمی که دارد و او با فضل می باشد و سابقه درخشانی دارد و خویشاوند پیامبر ﷺ می باشد. عمر گفت: به خدا سوگند او همین گونه که می گویی می باشد اگر بر مردم حکومت

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۱۸.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۳۱۸.



کند آنان را به راه راست هدایت می کند جز این که در او خصلت هایی است مثل اینکه او جوان است...

ابن عباس گفت: چرا روز خندق او را کم سن نشمردید و در جنگ بدر از او پیشی نگرفتید هنگامی که سر از تن دشمنان جدا می کرد... عمر گفت: ای پسر عباس! به خدا سوگند که پسرعمویت شایسته خلافت است ولی قریش این امر را قبول نمی کنند و با او می جنگند.^۱

◆ نکته ۲۱۵ (سخن جابر بن عبدالله انصاری) ◆

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند در بین هوازن مرد شجاعی بود که پرچم سیاهی به دست داشت و به جنگ مشغول بود. جهت کشتن این مرد، حضرت علی علیه السلام از جلو حمله برده و پاهای شتر او را قطع کرد و آن مرد انصاری از پشت ساق پای وی را قطع کرد و سایر مسلمانان نیز از پشت سر حمله سختی کردند. سوگند به خدا که هنوز گریختگان از مسلمانان برنگشته بودند که گروهی از هوازن اسیر گشته و آن ها را به صورت دست بسته به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند.^۲

◆ نکته ۲۱۶ (سخن یعقوبی مورخ بزرگ اهل سنت) ◆

یعقوبی که مورخ متبحر و قدیمی اهل سنت است در جای جای کتاب خود نتوانسته از رفتار درخشنده و ممتاز علی علیه السلام صرف نظر کند. او در بخشی از کتاب خود به ماجرای حمله امام علی علیه السلام در گرفتن باغ فدک اینگونه گزارش داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی مطلع شد گروهی می خواهند به یهود خیبر کمک کنند حضرت علی علیه السلام را با لشکری به فدک فرستاد. ایشان هم شب راه را پیمود و روز مخفی ماند تا صبح بر آنان تاخت و آن ها را کشت.^۳

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷.

۲. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۴۴۵.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۳۸. نوشته احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر ابن وهب ابن واضح معروف به یعقوبی متوفی ۲۸۴ هـ ق.



نکته ۲۲۰ (سخن قندوزی)

قندوزی در باب ۱۲ کتاب ینابیع الموده خود حدیث ذیل را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَىٰ عَلِيٍّ وَسَبْعِ سِنِينَ وَذَلِكَ أَنَّهُ لَكَ تَرْفَعُ شَهَادَةً أَنْ لَوْلَا لَإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ إِلَّا مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ».

صلوات فرستادند ملائکه بر من و علی به مدت هفت سال زیرا در این زمان کلمه شهادت از هیچ شخصی به سمت آسمان بلند نشد مگر از من و علی.
* امام احمد بن حنبل در مسندش و ابن مغزلی شافعی هم در مناقب خود به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته‌اند:

«خَلَقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ تَعَالَىٰ آدَمَ بَارِبَعَةَ عَشْرِ أَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا حَلَقَ اللَّهُ...».

من و علی از یک نور آفریده شدیم قبل از ایجاد آدم به چهار ده هزار سال بعد از خلقت آدم خداوند آن نور را در صلب آدم قرار داد پس با هم بودند تا در صلب عبدالمطلب و از هم جدا شدیم پس در من نبوت و در علی خلافت مقرر گردید.

نکته ۲۲۱ (سخن جلال الدین سیوطی)

جلال الدین سیوطی تعداد مفسرین مشهور قرآن را در جمع صحابیان ده نفر می‌داند چهار نفر آن‌ها را خلفای چهارگانه نام برده که ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی علیه السلام می‌باشند و ابی بن کعب، ابن عباس، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، ابوموسی اشعری و عبدالله بن زبیر را نیز جزء این مفسرین محسوب کرده است ولی از میان چهار خلیفه نظر سیوطی این است که بیشترین روایات تفسیری از علی بن ابیطالب می‌باشد.^۱

۱. الاتقان، ج ۴، ص ۲۳۳. (سیوطی بیشتر تالیفاتش قرآنی است جهت اطلاع خوانندگان اعلام می‌نماید که تفسیر یک جلدی احادیث تفسیری امام علی علیه السلام توسط اینجانب جمع شده است که توسط همین ناشر به چاپ خواهد رسید).



قرار گرفته است. از جمله آن علماء ابن ابی الحدید^۱ و ابوالقاسم حاکم حسکانی^۲ می باشند این عالم شیعه مناظرات متعددی با حضرات اهل سنت داشته است که در اینجا به مواردی از آن ها اشاره می شود.

در عصر شیخ مفید «ره» یکی از علمای بزرگ اهل تسنن، در بغداد مجلس درسی داشت. او به نام «قاضی عبدالجبار» خوانده می شد، روزی قاضی عبدالجبار، در مجلس درس خود نشست به بود، شاگردانش از سنی و شیعه حاضر بودند، در آن روز شیخ مفید را ندیده بود، ولی وصفش را شنیده بود. پس از لحظه ای شیخ مفید به قاضی رو کرد و گفت: «آیا اجازه می دهی، در حضور این دانشمندان سؤالی از شما بپرسم؟»
قاضی: بپرس.

شیخ مفید: این حدیثی که شیعیان روایت می کنند پیامبرﷺ در صحرای غدیر، درباره علیؑ فرمود: «من كنت مولاه فعلى مولاه؛ هر کس که من مولای اویم پس علیؑ مولای اوست». آیا صحیح است و یا این که شیعه آن را به دروغ ساخته است؟
قاضی: این روایت صحیح است.

شیخ مفید: منظور از کلمه «مولی» در این روایت چیست؟
قاضی: منظور آقائی و اولویت است.

شیخ مفید: اگر چنین است پس طبق فرموده پیامبرﷺ، علیؑ آقائی و اولویت بر دیگران دارد، بنابراین این همه اختلاف و دشمنی ها بین شیعه و سنی برای چیست؟
قاضی: ای برادر! این حدیث (غدیر را به روایت دو مطلب نقل شده)، ولی خلافت ابوبکر «درایت» و امری مسلم است و آدم عاقل به خاطر روایتی درایت را ترک نمی کند!!
شیخ مفید: شما درباره این حدیث چه می گوئید که پیامبرﷺ در شأن علیؑ فرمود: «یا علی حریک حربی وسلمک سلمی؛ ای علی! جنگ تو، جنگ من است و صلح تو، صلح من است».

قاضی: این حدیث صحیح است.

شیخ مفید: بنابراین آنان که جنگ جمل را به راه انداختند مانند طلحه و زبیر و

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۷، ص ۵ باب ۴۷، ص ۳۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۹.

عایشه... و با علی علیه السلام جنگیدند، طبق حدیث فوق و اعتراف شما به صحت آن باید با شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگیده باشند و کافر باشند.

قاضی: ای برادر! آن‌ها (طلحه و زبیر...) توبه کردند.

شیخ مفید: جنگ جمل، درایت و قطعی است ولی در این که پدید آورندگان جنگ توبه کرده اند، روایت و شنیدنی است و به گفته تو نباید درایت را فدای روایت کرد و مرد عاقل به خاطر روایت، درایت را ترک نمی‌کند.

قاضی، در پاسخ این سؤال فرو ماند. پس از ساعتی درنگ سرش را بلند کرد و گفت:

«تو کیستی؟»

شیخ مفید: من خادم شما محمد بن محمد بن نعمان هستم.

قاضی همان لحظه از جای بلند شد و دست شیخ مفید را گرفت و برجای خود نشاند

و به او گفت: «انت المفید حقاً؛ تو در حقیقت، مفید (فایده بخش) هستی.»

علمای مجلس از رفتار قاضی رنجیده خاطر شدند و همه‌همه کردند، قاضی به آن‌ها گفت: من در پاسخ این شیخ (مفید) درمانده شدم، اگر هر یک از شما پاسخی دارد، برخیزد و بیان کند.

هیچ کس از جای برنخواست به این ترتیب شیخ مفید پیروز شد و لقب «مفید» در این

مجلس برای او بر سر زبان‌های مردم افتاد.

◆ نکته ۲۲۵ (سخن محمد خوارزمی) ◆

موفق بن احمد بن محمد خوارزمی متوفی ۵۶۸ هـ ق. در کتاب خود حدیث ذیل را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده: «لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب لما خلق الله عزوجل النار».

اگر همه آدمیان حضرت علی بن ابیطالب را دوست می‌داشتند خدای عزوجل آتش

جهنم را نمی‌آفرید. ^۱

۱. مناقب خوارزمی، ص ۲۸.



◆ نکته ۲۲۶ (نقل حدیث از حاکم حسکانی در شواهد) ◆

رسول خدا ﷺ فرمود: «أكثرکم نوراً یوم القیامة أكثرکم حباً لآل محمد ﷺ».
نورانی ترین شما در روز قیامت آن کسی است که عاشق ترین افراد به آل محمد ﷺ می باشد.^۱

◆ نکته ۲۲۷ (سخن ابوبکر) ◆

امام احمد حنبل در مسند خود به نقل از نافع آورده که ابوبکر گفت: علی نزدیک ترین مردم به خدا و بهترین فرد از نظر منزلت و بالاترین فرد از جهت خدمت و فداکاری و مجاهدت است.^۲

◆ نکته ۲۲۸ (سخن عمر بن خطاب) ◆

عمر بن خطاب گوید: ما در زمان پیامبر ﷺ چنان به علیؑ نگاه می کردیم که به ستارگان می نگریستیم.^۳

◆ نکته ۲۲۹ (سخن حسکانی حنفی درباره علت تألیف کتابش) ◆

بین علمای بزرگوار اهل سنت در گذشته عالمانی دیده می شوند که در مقابل حق متواضع بودند و با عینک تعصب مطالب را محاسبه نکرده اند خوشبختانه عده علمای منصف که حقیقت را انکار نکرده اند کم نیستند یکی از این علما، صاحب کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل می باشد. او از عالمان قرن پنجم و متوفی سال ۴۹۰ هـ ق. است. عبیدالله ابن عبدالله ابن احمد معروف به حاکم حسکانی حذا حنفی نیشابوری انگیزه خود را از تألیف کتاب فوق در هزار سال قبل با نبود امکانات و شرایط سخت در مقدمه کتاب خود چنین آورده است: روزی یکی از دشمنان خدا را دیدم که می گفت: هیچ یک از مفسران قرآن کریم نگفته اند که به غیر از سوره مبارکه انسان (هل أتی) آیه ای در قرآن کریم برای حضرت علیؑ نازل شده است. مرحوم حسکانی می گوید من مدتی

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۰۸، ذیل آیه ۲۸ سوره حدید.

۲. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶.

۳. ذخائر العقبی، ص ۷۷.

منتظر ماندم تا علمای ما که مدافعان اهل سنت نبوی هستند به این ادعا اعتراض کنند ولی وقتی دیدم اقدامی نشد بر خود واجب دیدم که به ادعای آن دشمن خدا جوابی دندان شکن دهم لذا اقدام به تألیف کتاب شواهدالتنزیل نمودم.

این عالم منتجع اهل سنت در کتاب خود با جمع آوری ۱۱۶۳ روایت از کتب اهل سنت در هزار سال قبل اثبات کرده است که در قرآن کریم ۲۱۰ آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت او علیهم السلام نازل شده است.

و از این حدیث او در تاریخ کتابی ممتاز و استثنایی به یادگار گذاشته است.

نکته ۲۳۰ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود در جلد ۱، ص ۷ کتابی را از ابومحمد الحسن بن متویه نقل می کند که او آورده: کسی در بین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله جز علی علیه السلام معصوم نبوده اما این کتاب هم اکنون معلوم نیست چه بر سرش آمده و یافت نمی شود و هرچه کوشش شده هنوز یافت نشده است.^۱

نکته ۲۳۱ (سخن سعید بن مسیب)

سعید بن مسیب گوید: علی علیه السلام در روز احد، شانزده زخم برداشت که هر ضربه برای او پا انداختن او کافی بود و کسی جز جبرئیل او را بلند نمی کرد.^۲

* زیاد بن ابیه از ابوالاسود^۳ درباره دوستی علی علیه السلام پرسید. ابوالاسود گفت: دوستی علی در دل من، شدیدتر می گردد همان گونه که دوستی معاویه در دل تو افزوده می شود. من از دوست داشتن علی، خداوند و خانه آخرت را می طلبم و تو با دوست داشتن معاویه، دنیا و زیور آن را می جویی. مثل من و تو چون شعر برادران مذبح است.

۱. روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۴۸.

۲. اسد الغابه، ج ۴، ص ۹۳.

۳. ابوالاسود دولتی روزی وارد منزل شد و دید دختر کوچکش مشغول خوردن مقداری عسل می باشد. ابوالاسود به دخترش گفت: دخترم معاویه این ظرف های عسل را به در خانه مردم می دهد تا در دل مردم برای خود محبوبیت ایجاد کند و مردم را از اطراف امام علی علیه السلام دور کند. دختر فهمید وی در حلق خود دست کرد و عسل ها را بیرون ریخت. (تتمة المنتهی، نوشته شیخ عباس قمی). ابوالاسود در نزد امام علی علیه السلام قواعد علم عربی را آموخت. او نیز قاضی حکومت امام علی علیه السلام بود.



دو دوست با خواست گونه گونیم من بزرگی می جویم و او به آسودگی علاقه دارد
من خون بنی مالک را و شیر دوش سفیدی شیر را در نظر می دارد^۱

❖ نکته ۲۳۲ (سخن صعصعه) ❖

زمانی که مردم می خواستند با امیرمؤمنان علیه السلام بیعت کنند... صعصعه بن صوحان برخاست و گفت: سوگند به خدا... ای امیرمؤمنان... تو خلافت را زینت دادی، خلافت به تو زینت نداده است. تو مقام خلافت را بالا بردی و آن مقام تو را بالا نبرده است و خلافت به تو نیازمندتر است تا تو به خلافت.^۲

❖ نکته ۲۳۳ (سخن خواهر عمرو بن عبدود) ❖

عاصم بن عمر بن قتاده گوید: هنگامی که علی بن ابیطالب علیه السلام عمرو بن عبدود را کشت. خواهرش عمره دختر عبدود در سوگ برادرش این شعر را سرود:
اگر کشنده عمر، غیر از کشنده کنونی اش بود
تا زمانی که جان در بدن داشتم، می گریستم
اما قاتلش کسی است که بر او عیب گرفته نمی شود
و از دیرباز، به «بزرگ شهر» نام آور است^۳

❖ نکته ۲۳۴ (سخن ابومریم قرشی) ❖

یکی از یاران امام علی علیه السلام، به نام ابومریم قرشی بر حضرت وارد شد. وقتی امام وی را دید به او فرمود: برای چه حاجتی نزد ما آمدی؟
عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! به خدا سوگند برای حاجتی نزد شما نیامدم لیکن مدتی است شما را ندیده بودم. خواستم دیداری تازه شود سپس او ادامه داد: یا علی! اگر مردم به گرد تو آمده بودند آنان را به راه راست هدایت می کردی. امام در پاسخ او فرمود: ای

۱. ربیع الابرار، ج ۳، ص ۴۷۹ نوشته زمخشری.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲ ف ص ۱۷۹.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۶.

ابامریم! به خدا سوگند من همان امام توأم که می‌دانی. لیکن گرفتار بدترین مردم شدم مگر اینکه خدا رحم کند...^۱

نکته ۲۳۵ (سخن ابن عباس)

ابن عباس نقل کرده:

علی، سوابقی داشت که اگر یکی از آنها بین همه مردم پخش می‌شد، خیر و خوبی، همه آنان را فرا می‌گرفت.^۲
و در نقلی دیگر ابن عباس گوید: زنان از این که فردی چون امیرمؤمنان علی بن ابیطالب بزیانند. ناتوانند.^۳

نکته ۲۳۶ (اقرار عمر بن خطاب)

دو عرب نزد عمر آمدند و داوری خواستند. عمر گفت: ای ابوالحسن! بین آنان داوری کن. علی علیه السلام به نفع یکی از آن دو داوری کرده آن که علیه او داوری شده بود، به [عمر] گفت: ای امیرمؤمنان! این بین ما داوری کند؟!
عمر به وی حمله کرد و یقه‌اش را گرفت و گفت: وای بر تو! می‌دانی این کیست؟ این مولای من و مولای هر مؤمن است و هر کس که او مولایش نباشد مؤمن نیست.^۴

نکته ۲۳۷ (سخن لبابه)

لبابه، دختر حارث بن جزن هلالی و کنیه‌اش ام‌فضل بود. او همسر عباس بن عبدالمطلب و مادر بیشتر فرزندان عباس و نیز خواهر میمونه همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. گفته می‌شود که او بعد از خدیجه، نخستین زنی است که مسلمان شد. ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «میمونه، ام‌فضل، سلمی و اسماء خواهرانی مؤمن‌اند».^۵

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۸.

۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۶ - خصائص الائمة، ص ۷۵.

۴. ذخائرالعقبی، ص ۱۲۶.

۵. اسد الغابة، ج ۷، ص ۲۴۷.



ام فضل به علیؑ نوشت: به نام خداوند بخشاینده مهربان! به بنده خدا علی، امیرمؤمنان از ام فضل دختر حارث، اما بعد طلحه و زبیر و عایشه از مکه به قصد بصره خارج شده‌اند و مردم را بر جنگ با تو حرکت داده‌اند و کسی با آنان همراه نشده جز بیماردلان و دست خدا بالاتر از دست های ایشان است. والسلام!

ام فضل این نامه را به مردی به نام ظفر از قبیله جهینه. که عاقل و سخنور بود - سپرد و گفت: این نامه را می‌گیری و چنان تند می‌روی که در هر مرحله از راه شتری را از پای در آوری و بهایش را من بر عهده می‌گیرم و صد دینار هم برای خودت قرار داده‌ام. پس تند بران و نامه‌ام را به علی بن ابیطالب برسان.

آن مرد جهنی به شتاب رفت تا به یاران علیؑ رسید که در راه بودند. هنگامی که یاران امام او را دیدند، از هر سو فریاد زدند: ای سوار! چه چیزی داری؟ پس آن مرد جهنی با رساترین صدای خود، شعری خواند که در آن از حرکت عایشه و طلحه و زبیر خبر می‌داد.^۱

◆ نکته ۲۳۸ (سخن جعد بن هبیره) ◆

جعد بن هبیره بن ابی وهب قرشی مخزومی مادرش ام هانی دختر ابوطالب بود. جعد را به رزم آوری فقاقت و سخنوری ستوده‌اند. او خواهرزاده علیؑ و داماد ایشان بوده است.^۲

مصعب بن عبدالله زبیری نقل کرده: جعد گفت:
چه کسی می‌تواند به دایی‌اش بر من مباحث کند، در حالی که دایی من علی است، بخشنده و خردمند.^۳

◆ نکته ۲۳۹ (سخن ابن عباس) ◆

مردی از ابن عباس پرسید: آیا علیؑ شخصاً در جنگ صفین شرکت می‌کرد؟

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۱.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۱۰.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۱۰.



نماز می ایستاد، می گفت: «وَجْهَتُ وَجْهِي... به سوی آفرینندهٔ آسمان و زمین رو کردم...»^۱
 رنگش تغییر می کرد، به گونه ای که در چهره اش نمایان می گشت.^۲

◆◆ نکته ۲۴۴ (سخن اسودبن یزید) ◆◆

اسودبن یزید گوید: علی علیه السلام نصف سال را روزه می گرفت.^۳

◆◆ نکته ۲۴۵ (سخن ابن اشیر) ◆◆

ابن اشیر در کتاب الکامل فی التاریخ آورده که: حضرت علی علیه السلام همواره بر کیسه ای که در آن آرد جو بود و از آن می خورد، مهر می زد و می فرمود: «دوست ندارم جز آنچه را که می دانم، به شکمم وارد کنم».^۴
 ابن اشیر در کتاب خود آورده که علی علیه السلام خوش چهره ترین افراد بود و محاسن سفیدش را خضاب نمی کرد و بسیار خندان بود.^۵

◆◆ نکته ۲۴۶ (سخن صعصعه) ◆◆

صعصعه بن صوحان و دیگر یاران و پیروانش گفته اند: او در بین ما مانند یکی از ما بود، نرم خوی، پر تواضع و آسان گیر بود و در عین حال هبیتی از او در دل داشتیم، چون هبیتی که اسیر در زنجیر کشیده شده از جلاد بالای سر خود دارد.

◆◆ نکته ۲۴۷ (سخن قیس بن سعد و معاویه) ◆◆

معاویه به قیس بن سعد گفت: خدا ابوالحسن را بیمارزد! او خوش و خندان و بسیار شوخ طبع بود.

۱. انعام / ۷۹.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۱۰.

۳. کفایة الطالب، ص ۳۹۹.

۴. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۴۳. نوشته عزالدین علی بن ابی الکرام شیبانی معروف به ابن اشیر متوفی ۶۳۰

ه ق.

۵. همان، ص ۴۴۰.



◆ نکتہ ۲۵۱ ک (سخن ابن قتیبه) ◆

ابن قتیبه می نویسد: امام علی (ع) هنگامی که بر منبر بصره سخنرانی می کرد فرمود: من صدیق اکبرم. پیش از ایمان آوردن ابوبکر، ایمان آوردم و قبل از اسلام آوردن او، اسلام آوردم. ^۱

◆ نکتہ ۲۵۲ (سخن اصحاب مشهور رسول الله (ص)) ◆

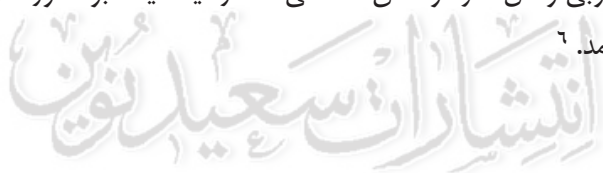
سلمان، ابوذر، مقداد، خباب، جابر، ابوسعید خدری و زیدبن ارقم روایت کرده اند: اول کسی که اسلام آورد، علی بن ابیطالب (ع) بود و این افراد، علی (ع) را از دیگران، برتر دانسته اند. ^۲

◆ نکتہ ۲۵۳ (سخن ابورزین) ◆

ابورزین گوید: بهترین لباسی را که بر تن علی (ع) دیدم، پیراهنی از قهز ^۳ و دو پارچه قطرانی ^۴ بود. ^۵

◆ نکتہ ۲۵۴ (سخن سفیان) ◆

سفیان نقل کرده: علی (ع) آجری بر آجری نگذاشت و خشتی بر خشتی قرار نداد و چوبی به چوبی وصل نکرد و تا آن هنگامی که در قید حیات بود خوراکش در کیسه از مدینه می آمد. ^۶



۱. المعارف، نوشته ابن قتیبه، ص ۱۶۹ - انساب الاشراف، نوشته بلاذری، ج ۲، ص ۳۷۹ - تاریخ دمشق نوشته ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۳.
 ۲. البدایة والنهاية، ج ۳، ص ۲۵ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۲ - الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۹۷.
 ۳. پارچه پشمی سفید که رگه هایی از حریر در آن باشد.
 ۴. محصول محله ای در شادگان بود.
 ۵. طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۶ و ۲۸.
 ۶. اسد الغابه، ج ۴، ص ۹۷ - الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۴۳.

◆ نکته ۲۵۵ (سخن ابونعیم احمد بن عبد الله اصفهانی) ◆

ابونعیم احمد بن عبد الله اصفهانی می نویسد: حضرت علی علیه السلام هر گاه در زندگی تنگ دست می شد. از مردم جدا می شد و به کسب و کار و تلاش رو می آورد. ^۱

◆ نکته ۲۵۶ (سخن امام احمد حنبل) ◆

امام احمد حنبل می نویسد که حضرت علی علیه السلام فرمودند: مرا با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می دیدی که از گرسنگی، سنگ بر شکم می بستم و امروز صدقه های واجب من، چهل هزار سکه است. ^۲

◆ نکته ۲۵۷ (سخن ابن ابی الحدید) ◆

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود آورده که حضرت علی علیه السلام با دستانش کار می کرد، زمین را شخم می زد، آب می کشید، نخل می کاشت و همه این کارها را خود انجام می داد و چیزی از دستاوردش را کم و یا زیاد برای خودش و یا بازماندگانش نگذاشت؛ بلکه همه آنها وقف شد. ^۳

◆ نکته ۲۵۸ (سخن عایشه) ◆

مسروق گوید: عایشه وقتی که فهمید علی علیه السلام «ذو ثویه» را کشته است، به وی گفت: خدا عمرو عاص را لعنت کند! وی به من نوشت و خبر داد که «ذو ثویه» را در اسکندریه کشته است. آنچه که در دل دارم مانع از آن نمی شود که چیزی را که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، نگویم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او را بهترین امت من پس از من خواهد کشت». ^۴

۱. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۷۰.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۴ - فضائل الصحابة ابن حنبل، ج ۲، ص ۷۱۲.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۱۴۷.

۴. کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۴۷.



◆◆ نکته ۲۵۹ (سخن حدیفه) ◆◆

ابوشریح گوید: امام حسن علیه السلام و عمار به کوفه آمدند تا مردم را برای جنگ جمل به سوی علی علیه السلام حرکت دهند.
حدیفه گفت: حسن و عمار آمدند تا شما را حرکت دهند. پس هر که دوست دارد «امیرمؤمنان» حقیقی و واقعی را ببیند، به سوی علی بن ابیطالب بشتابد.^۱

◆◆ نکته ۲۶۰ (سخن عبدالله پسر عمر بن خطاب) ◆◆

عبدالله بن عمر در اواخر عمر خود از اینکه به یاری امام علی علیه السلام نرفت و با او بیعت نکرد به شدت اظهار تأسف می کرد و می گفت: «ما آسی علی شیء الا انی لم اقاتل مع علی الفتنه الباغية»؛ بر هیچ چیز تأسف نمی خورم، جز آن که به همراه علی، با گروه طغیانگر نجنگیدم.^۲

◆◆ نکته ۲۶۱ (سخن عمر بن خطاب) ◆◆

عمر بن خطاب گوید: «علی أعلم الناس بما أنزل الله علی محمد»؛ علی علیه السلام آگاه ترین مردم است به آنچه خدا بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است.^۳

◆◆ نکته ۲۶۲ (سخن عایشه) ◆◆

روزی عایشه به جمعی حاضر گفت: فرزندانم! برخی از ما بر برخی دیگر پرخاش می کند ولی این کار باعث تعدی نشود. به خدا قسم میان من و علی جز آنچه میان زن و بستگانش پیش می آید چیزی دیگری نبود و او مورد خشم من قرار گرفت ولی او از بزرگان و نیکان است.^۴

۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۴ نوشته بلاذری متوفی ۲۷۹ هـ ق.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۴۳.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹.

۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۰.

نکته ۲۶۳ (سخن ثابت بن قیس)

یعقوبی که از تاریخ نویسان قدیمی اهل سنت در جلد دوم کتاب خود در خصوص بیعت یکی از یاران حضرت علی علیه السلام اینگونه نقل کرده:

ثابت بن قیس بن شماس انصاری در موقع بیعت کردن با امام علی علیه السلام به حضرت عرض کرد: یا ابالحسن! یا امیرالمؤمنین به خدا قسم اگر در زمامداری عده‌ایاز تو پیش افتادند و حکومت را قبل از تو به دست گرفتند پس یقیناً در دین و دینداری از تو پیشی نگرفتند و اگر آنان دیروز در حکومت از تو سبقت گرفتند همانا امروز تو به حکومت رسیدی تو آن چنان بودی که شأن و مقامت ناشناخته نبود آن‌ها نیز در چشم مردم (خلفای گذشته) ناشناخته نبودند. آنان (خلفای قبل) آن چه را که نمی‌دانستند از تو می‌پرسیدند و تو ای علی! با دانش وسیعت به احدی نیازمند نبودی.^۱

نکته ۲۶۴ (سخن حجر بن عدی)

حجر بن عدی به امام علی علیه السلام عرض کرد: یا امیرالمؤمنین کسی که نزدیک شدن به تو را دوست ندارد خداوند او را به بهشت نزدیک نکند. امام علی علیه السلام از این سخن خوشحال شد و در پاسخ وی فرمود: خداوند متعال تو را از شهادت محروم نسازد همانا من می‌دانم که تو مرد شهادتی.^۲

نکته ۲۶۵ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید گوید: من نمی‌دانم درباره بزرگ مردی که دشمنانش اعتراف به فضائلش کردند و نتوانستند مناقب او را نادیده بگیرند یا آن‌ها را کتمان کنند چه بگویم؟! بنی امیه در شرق و غرب عالم اسلام حاکمیت اسلامی را قبضه کردند و در قلمرو خود با نیرنگ‌های گوناگون سعی در خاموش کردن نور علی علیه السلام نمودند آن‌ها حقایق را تعریف کردند و به جای آن روایات دروغ در نکوهش حضرت علی علیه السلام ساختند در منبرها

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۶. یعقوبی متوفی ۲۸۴ هـ ق. می‌باشد.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۳.



زبان به لعن او گشودند و کسانی را که از وی به نیکی یاد می‌کردند با تهدید و زندان و قتل، کیفر دادند...

علی سرآمد همه فضایل و سرچشمه آن‌هاست و کمالات هیچ کس به پای او نرسیده است هر کس بعد از وی در علم و فضیلت به مقامی رسیده علوم و فضایل خود را از او گرفته و از وی پیروی نموده و به روش او رفتار کرده است...^۱

◆ نکته ۲۶۶ (سخن ابن عباس) ◆

هنگامی که عبدالرحمن عباس در حال جان دادن بود گفت: «اللهم انی اتقرب الیک بولایة علی بن ابی طالب»^۲؛ خدایا من تقرب می‌جویم به سوی تو به وسیله ولایت علی بن ابیطالب.

◆ نکته ۲۶۷ (سخن خوارزمی) ◆

خوارزمی در جلد اول کتاب مقتل الحسین علیه السلام خود آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لو کان الحلم رجلا لکان علیاً»؛ اگر شکیبایی به شکل مردی در می‌آمد هر آینه آن مرد علی بود.

◆ نکته ۲۶۸ (سخن ابن عباس) ◆

ابن عباس گوید: پیشگامان در ایمان سه نفرند «یوشع» پیشگام نسبت به ایمان موسی علیه السلام و حبیب نجار نسبت به عیسی علیه السلام و علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله.^۳

◆ نکته ۲۶۹ (سخن ابوجعفر اسکافی) ◆

ابن ابی‌الحدید از جاحظ روایت کرده که ایمان ابوبکر برتر از ایمان علی علیه السلام بود. آن‌گاه ابوجعفر اسکافی که از علماء معتزله جوابی را بر رد ادعای جاحظ داده که پاسخش این می‌باشد:

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی، ج ۱، ص ۱۶.

۲. الریاض النضرة، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۹۲۴.

«أنا لانكر فضل الصحابة وسوابقهم ولكننا نكر تفضيل أحد من الصحابه علي علي بن ابي طالب»؛ ما فضل صحابه و سوابق آنها را انکار نمی‌کنیم ولی برتری و افضلیت هر احدی از صحابه را بر علی بن ابیطالب انکار و ردّ می‌کنیم.^۱

◆ نکته ۲۷۰ (سخن عبدالله بن خراش) ◆

عبدالله بن خراش در مقام علی علیه السلام از عوام و او از مجاهد روایت کرده که «کُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ (یا ایها الذین آمنوا) فَإِنَّ لَعَلِيَّ سَبْقَهُ وَفَضْلَهُ». هر جا آیه «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن نازل شده علی علیه السلام سبقت و فضیلت بر همه آن مؤمنان دارد.^۲

◆ نکته ۲۷۱ (سخن سفیان ثوری) ◆

سفیان ثوری گوید: علی علیه السلام در میان مسلمانان و مشرکان مانند قله بلندی است که خداوند با او مسلمانان را عزت بخشید و مشرکان را بر خاک ذلت نشانده.^۳

◆ نکته ۲۷۲ (سخن عبدالرحمن سلمی) ◆

ابوعبدالرحمن سلمی گوید: من کسی را آگاه تر از علی به قرآن ندیدم او همواره می‌گفت از من بپرسید به خدا قسم درباره هر آنچه از قرآن از من سؤال کنید جواب خواهم داد.

ابن شبرمه می‌گوید: هیچ کس روی منبر به جز علی بن ابیطالب علیه السلام این سخن را نگوید که «از قرآن هر آنچه خواهید از من بپرسید».^۴

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۷۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۲.

۳. رسائل الجاحظ، ج ۴، ص ۱۲۵.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۸. (تعداد روایات خلفاء در تفسیر قرآن به تعداد انگشتان دست نمی‌رسد.)



❖ نکته ۲۷۳ (سخن نسائی) ❖

ابوعبدالرحمن احمد بن علی نسائی عالم مذهب سنی و صاحب کتاب های متعدد که از جمله آن کتاب ها سنن نسائی در هشت جلد - فضائل الصحابه - السنن الکبری در شش جلد - رسائل فی علوم الحدیث - کتاب الوفات - مجلسان فی املاء - کتاب الضعفاء و المتروکین - من لم یرو عنه غیر واحد و یکی از این کتابها خصائص العلوی است. نسائی در سال ۳۰۳ قمری وارد دمشق شد. در آن زمان اهالی این شهر در اثر تبلیغات بنی امیه امام علی علیه السلام را بعد از هر نماز لعن می کردند.

بنابراین نسائی کتاب خصائص العلوی را در اثبات مقامات عالیه و فضایل حضرت علی علیه السلام نوشت و روی منبر از آن کتاب احادیثی را برای مردم می خواند تا بتواند فضایل امام علی علیه السلام را نشر دهد. در یکی از روزهایی که روی منبر مشغول بیان اوصاف امام علی علیه السلام بود عده ای متعصب سنی مذهب او را از منبر به پایین آورده و مورد ضرب و شتم زیادی قرار دادند و از شهر دمشق او را خارج کرده و وی چند روز بعد فوت کرد و وصیت کرده بود که در مکه دفن گردد و به این صورت جنازه اش در مکه دفن گردید.

❖ نکته ۲۷۴ (سخن ابن عبدالبر عالم بزرگ اهل سنت) ❖

حافظ ابن عبدالبر مغربی متوفای ۴۶۳ هـ ق. صاحب تألیفات بزرگی مثل ادب المجالسه، الاستذکار در هشت جلد و کتاب المهید در بیست و چهار جلد و الکافی و... او در کتاب استیعاب فی معرفه الاصحاب که در چهار جلد آن را تألیف نموده آورده: «ان کلمه سلونی قبل ان تفقدونی ما قالها أحد غیر علی بن ابی طالب الا کان کاذباً»؛ کلمه «سلونی» را احدی غیر از علی بن ابیطالب نگفته مگر آن که کاذب و دروغگو بوده است.

❖ نکته ۲۷۵ (سخن ابن ابی الحدید) ❖

ابن ابی الحدید درباره جمع آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام می گوید: «وَأما قراءة القرآن واشتغاله به فهو المنظور اليه في هذا الباب اتفق الكل على انه كان يحفظ القرآن على عهد...».

همه علمای اسلام می‌گویند در زمان پیامبر ﷺ علی تمام قرآن را حفظ کرد. آن‌گاه او نخستین کسی است که قرآن را گرد آورد.

نظر همه علماء این است که تأخیر حضرت علی ﷺ به منظور مخالفت با ابوبکر نبود بلکه می‌گویند ایشان به گردآوری قرآن مشغول بود. پس این دلالت می‌کند بر این که علی اولین کسی است که قرآن را گردآوری کرد؛ زیرا اگر قرآن در حیات پیامبر ﷺ گردآوری شده بود نیاز نبود که بعد از وفات آن حضرت به گردآوری قرآن مشغول شوند.^۱

نکته ۲۷۶ (سخن طبری)

طبری در تاریخ خود آورده که:

در جنگ خیبر یکی دیگر از فضایل امام علی ﷺ این بود که رسول خدا ﷺ درباره ایشان فرمود: «ولیس بفرار»؛ او فرماندهی است که هرگز در جنگ فرار نمی‌کند. و این نشان می‌دهد که دو نفر قبلی فرار کردند و باعث ضعیف شدن جبهه اسلام شدند و این فضیلت حضرت علی ﷺ در آسمان تاریخ شیعه چون نوری از افق اعمال عرشی علی ﷺ می‌تابد.

نکته ۲۷۷ (سخن ابن‌هشام)

ابن‌هشام گوید: پیامبر ﷺ در جنگ با یهودیان خیبر، پرچم سفید را به علی بن ابیطالب سپرد.^۲

نکته ۲۷۸ (سخن مناوی)

مناوی نویسنده مشهور اهل سنت متوفی ۱۰۳۱ هـ ق در کتاب ۶ جلدی فیض القدر، شرح الجامع الصغیر نقل کرده که عایشه گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین برادرانم علی و بهترین عموهایم حمزه و یاد علی عبادت است.^۳

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۷.

۲. سیره ابن‌هشام، ج ۳، ص ۳۲۸.

۳. ابن‌نقل در صواعق المحرقة، ص ۷۴ و ینابیع المودة، ص ۳۴۰ نیز آمده است.



◆ نکته ۲۷۹ (سخن ابن ابی الحدید) ◆

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود، ذیل حدیث منزلت «انت منی بمنزلة هارون من موسی» آورده که پیامبر با این حدیث اثبات کرد که علی بن ابیطالب علیه السلام جمیع مراتب و منازل هارونی را دارا می باشد...^۱

◆ نکته ۲۸۰ (سخن ابو جعفر اسکافی) ◆

ابو جعفر اسکافی صاحب کتاب المعیار والموازنة متوفای ۲۲۰ هـ ق. از بزرگان اهل سنت در ردّ شبهات کتاب جاحظ در اثبات برتری امام علی علیه السلام و حقانیت امام در مقابل ابوبکر این گونه نوشته است که «قال علماء المسلمین انّ فضیلة علی علیه السلام تلك اللیلة لانعلم...» اتفاق و اجماع علماء مسلمین بر آن است که احدی از بشر به فضیلت خوایدن علی در فراش پیامبر صلی الله علیه و آله نرسیده است مگر اسحاق و ابراهیم در تسلیم به قربانی شدن در راه خدا...^۲

◆ نکته ۲۸۱ (سخن عمر بن خطاب) ◆

ابن صباغ در کتاب فصول المهمة فی معرفة الائمة ص ۱۲۵ آورده که عمر بن خطاب گفت: «كنت انا وابوبکر وابوعبيدة بن الجراح ونفر من اصحاب رسول الله وهو متكى على علي بن ابي طالب حتى ضرب بيده منكبته ثم قال: أنت يا علي اول المؤمنين ايماناً واولهم اسلاماً ثم قال انت منى بمنزلة هارون من موسى وكذب علي من زعم انه بجبنى وبيغضك». من و ابوبکر و ابو عبیده جراح و عده ایا صاحب حاضر بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب علیه السلام تکیه داده بود آن گاه بر شانه او زد و فرمود: یا علی! تو اول مؤمن هستی از حیث ایمان و اول مسلمانی که به اسلام ایمان آوردی؛ آن گاه فرمود: یا علی! تو برای من به منزله هارونی از برای موسی و دروغ گفته کسی که گمان می کند مرا دوست دارد در حالی که تو را دشمن می دارد.

۱. مسند امام احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۲.

۲. ابن ابی الحدید معتزلی در نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۶۹ سخن اسکافی را مفصل آورده است.

نکته ۲۸۲ (سخن ابن عباس)

ابن عباس گوید: اول کسی که روز قیامت کفه حسنات او در میزان سنگین می شود علی بن ابیطالب علیه السلام است زیرا در میزان او جز حسنات و اعمال خیر چیزی وجود ندارد و کفه سیئات او خالی از گناه است چون او به اندازه یک چشم بر هم زدن هم نافرمانی خدا را نکرده است، سپس فرمود: و این است معنای آیه شریفه «فاما من ثقلت موازینه...»؛^۱ یعنی میزان اعمال علی علیه السلام از عبادات و حسنات او سنگین است و او در بهشت زندگی شادمانی خواهد داشت.^۲

* در نقلی دیگر ابن عباس گوید که حضرت علی علیه السلام یک دینار داشت و آن را به ده درهم فروخت و قبل از هر سؤالی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می نمود یک درهم آن را صدقه می داد (زیرا آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله به این دلیل نازل شد تا هر کسی که می خواهد با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت کند باید قبل از آن صدقه بدهد) و این صدقه دادن حضرت علی علیه السلام در حالی بود که ایشان ده سؤال از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند و هیچ کس جزء ایشان به این آیه عمل نکرد و سپس آیه فوق نسخ گردید.^۳

نکته ۲۸۳ (سخن قتدوزی)

در کتاب ینابیع المودة از سلیمان بلخی روایت شده که ابن عباس در مورد تفسیر حرف «با» در بسم الله الرحمن الرحیم اینگونه می گوید: «أخذ بیدی الامام علی علیه السلام فی لیلۃ مقمرة فخرج بی الی البقیع بعد العشاء وقال: اقرا یا عبدالله فقرأت: بسم الله الرحمن الرحیم فتلکم لی من فی اسرار البالی بزوغ الفجر».

در شبی که آسمان مهتابی بود علی دست مرا گرفت و به سمت قبرستان برد بعد از نماز عشاء فرمود: بخوان من بسم الله الرحمن الرحمن را قرائت کردم، آن گاه حضرت از رموز و اسرار «با» در بسم الله برای من سخن گفت تا طلوع فجر.

۱. زلزال / ۶

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳. ینابیع المودة، ص ۱۰۰.



نکته ۲۸۴ (مناظره شیخ مفید)

در قرآن، در آیه ۴۰ سوره توبه آمده: «الا تنصروه فقد نصره الله اذا خرجه الذين كفروا ثاني اثنين اذ هما في الغار اذ يقول لصاحبه...»؛ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله را یاری نکنید، خداوند او را یاری خواهد کرد (همان گونه که در سخت ترین ساعات، او را تنها نگذارد) آن هنگام که در جریان هجرت کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر همراه او بیش نبود) در آن هنگام که آن دو، در غار بودند، و او به همسفر خود می گفت: غم مخور! خدا با ما است، در این موقع خداوند آرامش خود را بر او (پیامبر) فرستاد و با لشکرهایی که آن ها را نمی دیدند او را تقویت نمود.

علمای اهل سنت، این را از دلائل معروف فضائل ابوبکر می دانند و ابوبکر را به عنوان «یار غار» خوانده؛ و برای تأیید خلافت او به آن تکیه می نمایند و شعرای آن ها با یادآوری همین عنوان او را می ستایند مناظره شیخ مفید (ره):

ابوفتح کراچکی متوفی ۴۴۹ هـ ق. در کنز الفوائد نقل می کند که شیخ مفید «ره» فرمود: شبی در خواب دیدم گویا به راهی می روم، ناگاه چشمم به جمعیتی افتاد که به گرد مردی حلقه زده بودند و آن مرد برای آن ها قصه می گفت، پرسیدم آن مرد کیست؟ «عمر بن خطاب» است.

من نزد عمر رفتم دیدم مردی با او سخن می گوید، ولی من سخن آن ها را نمی فهمیدم، سخنشان را قطع کرده و به عمر گفتم: بگو علت برتری ابوبکر، در آیه غار (ثانی اثنين اذهما فی الغار...) چیست؟

عمر گفت: شش نکته ای که در این آیه وجود دارد بیانگر فضیلت ابوبکر است. سپس شش نکته را اینگونه بیان کرد.

۱. خداوند در قرآن (توبه/۴۰) از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده و ابوبکر را دومین نفر قرار داده است. (ثانی اثنين).

۲. خداوند در آیه فوق، آن دو (پیامبر و ابوبکر) را در کنار هم، در یک مکان یاد کرده و این بیانگر پیوند آن دو است. (اذهما فی الغار).

۳. خداوند در آیه فوق، ابوبکر را به عنوان صاحب (رفیق) پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نمود که حاکی از درجه بالای ابوبکر است. (اذا يقول لصاحبه).



ایمان) او (ثروتمند مغرور و بی ایمان) که با او به گفتگو پرداخته بود گفت: آیا به خدائی که تو را از خاک آفریده کافر شدی».

۴. اما این که پیامبرﷺ به ابوبکر فرمود: «لاتحزن» محزون مباش این دلیل خطای ابوبکر است نه دلیل فضیلت او، زیرا حزن ابوبکر، یا اطاعت بود یا گناه اگر اطاعت بود؛ پیامبرﷺ از آن نهی نمی کرد پس گناه بود که پیامبرﷺ از آن نهی کرد.

۵. اما این که پیامبرﷺ فرمود: «ان الله معنا» (خدا با ماست) دلیل آن نیست که منظور هر دو باشند؛ بلکه منظور شخص پیامبرﷺ به تنهایی می باشد، پیامبر خودش تعبیر به جمع می کند. چنانچه خداوند در قرآن سوره حجر آیه ۹ از خود با لفظ جمع یاد کرده و می فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون»؛ «ما قرآن را فرو فرستادیم و ما قطعاً آن را نگاهبانیم».

۶. اما این که گفتی سکینه و آرامش بر ابوبکر نازل شده با ظاهره سیاق آیه مخالف است، زیرا سکینه بر آن کس نازل شد که طبق قسمت آخر آیه لشکر نامرئی خدا به یاری او شتافت، که پیامبرﷺ می باشد، اگر بخواهی بگویی هر دو یعنی سکینه و یاری لشکر نامرئی برای ابوبکر بود، باید پیامبرﷺ را در اینجا از نبوت خارج سازی؛ پس سکینه بر پیامبرﷺ فرود آمد؛ زیرا او در این مورد (در غار) تنها کسی بود که شایستگی آرامش را داشت ولی در قرآن در مورد (در غار) تنها کسی بود که شایستگی آرامش را داشت ولی در قرآن در مورد دیگر که مؤمنین در شمول سکینه و آرامش، با پیامبرﷺ شرکت داشتند، نام هر دو آمده است؛ چنانچه در قرآن سوره فتح آیه ۲۶ می خوانیم: «فأنزل الله سکینة علی رسوله وعلی المؤمنین»؛ «خداوند آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان فرو فرستاد». بنابراین اگر به این جمله (آیه غار) برای رفیقت استدلال نکنی بهتر است. شیخ مفید «ره» گوید: او (عمر) دیگر نتوانست، پاسخ مرا بدهد و مردم از دورش پراکنده شدند و من از خواب بیدار شدم.

◆ نکته ۲۸۵ (سخن عامر جهنی) ◆

عتبة بن عامر الجهنی نقل می کند که: «بایعنا رسول الله علی قول ان لا اله الا الله وحده لاشریک له وان محمداً نبیه وعلیاً وصیه فای من الثلاثة ترکناه کفرنا».

با رسول خدا ﷺ بیعت نمودیم بر این که شهادت دهیم به وحدانیت خداوند که شریکی برای او نیست و این که محمد پیامبر اوست و علی وصی او، پس هر یک از این سه را ترک نمائیم کافر شده ایم.^۱

* رسول خدا ﷺ فرمود: «اوصیکم بکتاب الله وأهل بیتی ائی سألت الله ان لایفرق بینهما حتی یوردهما علی الحوض فاعطانی ذلک».

شما را به کتاب خدا و اهل سنت خود (منظور علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام...) سفارش می‌کنم بین آن‌ها جدایی نیندازید تا در حوض کوثر بر من وارد شوید چون خدای متعال آن دو امانت بزرگ را به من عطا فرمود.^۲

نکته ۲۸۶ (سخن ابن عباس و ابو سعید خدری)

ابن عباس در تفسیر آیه شریفه «ومن یعرض عن ذکر ربّه...»^۳ گفت: «ذکر رب؛ یعنی ولایت علی بن ابیطالب و ولایت اولاد گرامی اش». و هر کسی از ولایت علی علیه السلام روی بگرداند، او عذابی شدید می‌شود.^۴

حاکم حسکانی در کتابش به نقل از ابوسعید خدری حدیث ذیل را از پیامبر ﷺ بیان فرموده:

آگاه باشید به خدا سوگند هیچ بنده ای اهل بیت مرا دوست نمی‌دارد مگر آن که خداوند عزوجل نوری به او عطا خواهد کرد تا این که در قیامت نزد کوثر مرا ملاقات کند و هیچ بنده ای با اهل بیت من دشمنی نمی‌کند جز آنکه خداوند او را از رحمت خود محروم کند.^۵

۱. مودة القربی نوشته میرسید علی بن شهاب الهمدانی، متوفی ۷۸۲ قمری، فصل چهارم.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۱۹۱؛ ذیل آیه ۵۹ آل عمران.

۳. جن / ۱۷.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۳۲۸ (اما و الله لا یحب اهل بیتی عبد الا اعطاه الله عزوجل نوراً حتی یرد علی الحوض...)

۵. شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۲۲۸.



◆ نکتہ ۲۸۷ (سخن عبد اللہ پسر خلیفہ دوم) ◆

عبد اللہ پسر عمر بن خطاب می گفت: اگر می خواهید موقعیت علی را نزد پیامبر ﷺ بدانید به موقعیت خانۀ او نسبت به خانۀ پیامبر ﷺ نگاه کنید. ۱

◆ نکتہ ۲۸۸ (سخن امام شافعی) ◆

امام شافعی آن گونه که در کتاب رشفة الصادی آمده گفته است:

ولما رأیت الناس قد ذهب بهم
مذاهبهم فی ابحر الغی والجهل
رکبت علی اسم الله فی سفن النجا
وهم أهل بیت المصطفی خاتم الرسل
وامسکت جبل الله وهو ولائهم
كما قد امرنا بالتسمک بالجبل

یعنی:

آن گاه که دیدم مردم در مسئله دین در دریای گمراهی قرار گرفته اند.

من با نام خدا به کشتی نجات سوار شدم که همان اهل بیت مصطفی خاتم پیامبران ﷺ

باشد.

و به جبل الله متمسک شدم که همان والای آنها است بدان گونه که مأمور به

تمسک به آن شده ایم.

◆ نکتہ ۲۸۹ (سخن زید بن ثابت) ◆

زید بن ثابت به امام علیؑ گفت: «أنت من رسول الله ﷺ بالمكان الذي لا يعدله به أحد»؛

موقعیت تو را نسبت به پیامبر ﷺ هیچ احدی ندارد.

◆ نکتہ ۲۹۰ (سخن حاکم نیشابوری) ◆

حاکم نیشابوری در ذیل آیه ۲۰۷ بقره در کتاب خود (مستدرک علی الصحیحین)

ضمن اشاره به مسئله لیلت المبیّت و نقل روایات متعدد، در تمجید جانفشانی امام علیؑ

که در بستر پیامبر ﷺ خوابید تا مشرکان مکه به وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ دست پیدا

۱. حیات فکری، ص ۴۹.



این حدیث نام ۱۱۰ نفر از صحابه رسول خداﷺ را ذکر کرده است که آن‌ها (۱۱۰ نفر) ماجرای غدیر را مفصل یا به شکل مختصر گزارش داده‌اند. در ضمن دربارهٔ هیچ یک از سخنان رسول خدا نمی‌توان این تعداد از صحابه را پیدا کرد که ناقل آن‌ها به این تعداد رسیده باشد.

◆ نکته ۲۹۳ (سخن دارمیه حجونیه) ◆

روزی معاویه زنی به نام دارمیه حجونیة را احضار کرد این زن شیعه بود. معاویه از او سؤال کرد چرا علی را دوست داری و من را دشمن می‌دانی و با او دوستی می‌کنی و با من دشمنی؟

آن زن گفت: آیا مرا از جواب دادن معذور می‌داری؟
معاویه گفت: نه.

آن زن پاسخ داد: حالا که قبول نمی‌کنی پاسخت را ندهم به تو می‌گویم که با علی دوستی دارم به خاطر عدالتش بین مردم و تقسیم مساوی بیت‌المال بین مردم و با تو به خاطر مبارزه ات با کسی که از تو برای حکومتداری شایسته تر بود و به علت این که تو غصب حکومتی کردی که برای تو نبود و من با تو دشمنی می‌کنم.

علت دوستی من با علی به خاطر آن ولایتی است که رسول خداﷺ در روز غدیر خم در مقابل چشم تو برای او قرار داده و او نسبت به نیازمندان محبت داشت و دینداران را ارج می‌نهاد و دشمنی من با تو به خاطر این است که خون ریزی و تفرقه اندازی می‌کنی و تو ستمکار هستی در قضاوت بر اساس هوای نفست...^۱

◆ نکته ۲۹۴ (سخن طبری) ◆

طبری در مورد حضرت علیؑ می‌گوید: از نعمت‌هایی که خداوند به او داده بود این است که علی بن ابیطالب قبل از اسلام در کنار رسول خداﷺ زندگی کرده است.^۲

۱. ربیع الابرار باب ۴۱ نوشته زمخشری از علمای اهل سنت.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۸.

◆◆◆ نکته ۲۹۵ (سخن ابن کثیر) ◆◆◆

ابن کثیر صاحب البدایة والنهائیة در کتابش آورده که حدیفه فرمود:
 «یکون بعد عثمان اثنا عشر ملکا من بنی امیة قیل لهک خلفاء؟ قالک لا بل ملوک».
 حدیفه اشاره می کند که دوازده خلیفه را حمل بر آن دوازده ملوک ستمکار جبار و
 خونخوار بنی امیة ننمائید زیرا آن ها مملوکند نه خلفاء رسول الله ﷺ.

◆◆◆ نکته ۲۹۶ (سخن ام سلمه) ◆◆◆

ابوعمره نقل کرده که قبل از جنگ جمل، ام سلمه برخاست و گفت: «ای امیرمؤمنان!
 اگر نافرمانی و نپذیرفتن تو نبود، همراه تو می آمدم و این پسر عمر - که سوگند به
 خدا از جانم عزیزتر است - همراه تو می آید تا در جنگ تو حضور داشته باشد و عمر، پسر
 ام سلمه همراه او به راه افتاد و همواره با او بود.»^۱

◆◆◆ نکته ۲۹۷ (سخن جابر بن عبد الله انصاری) ◆◆◆

عطیة بن سعد گوید: در زمانی که جابر بن عبد الله پیرمردی بود که ابروانش روی
 چشمانش را گرفته بود - وارد خانه اش شدیم. گفتم: از این مرد، علی بن ابیطالب، به ما
 خبر ده. با دست، ابروانش را بالا زد و گفت: او از بهترین انسان ها بود.»^۲

◆◆◆ نکته ۲۹۸ (سخن حدیفه) ◆◆◆

حدیفة بن یمان گوید: ما سنگ می پرستیدیم و شراب می خوردیم و علی، چهارده ساله
 بود و شب و روز با پیامبر ﷺ به نماز می ایستاد و در آن روزگار، قریش، پیامبر خدا را دشنام
 می دادند و جز علی، کسی از او دفاع نمی کرد.»^۳

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۱.

۲. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۵۶۴.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳ ص ۲۳۴.





◆ نکته ۲۹۹ (سخن مالک اشتر) ◆

بعد از بیت مردم با علی علیه السلام در مسجد، مالک بن حارث اشتر از جا بلند شده و گفت: ای مردم! این جانشین جانشینان و میراث دار دانش پیامبران است، کسی که بزرگ آزمون، نیک سیاست بود؛ که کتاب خداوند به ایمانش و پیامبر، او را به بهشت رضوان گواهی دادند. او کسی است که فضیلت ها را به کمال رسانید و هیچ کس از گذشتگان و آیندگان در سابقه، دانش و برتری اش تردید نکردند.^۱

◆ نکته ۳۰۰ (نقل حدیث در تفسیر فخر رازی) ◆

صاحب تفسیر مفاتیح الغیب در کتاب خویش آورده که: «علی مولی من کان رسول الله مولا»؛ هر کس که پیغمبر بر او ولایت دارد علی نیز بر او ولایت دارد.^۲

◆ نکته ۳۰۱ (سخن شیخ سلیمان قندوزی حنفی) ◆

شیخ سلیمان قندوزی حنفی صاحب کتاب ینابیع الموده در کتاب خود بعد از بیان این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله که ایشان فرمودند: جانشینان من دوازده نفر می باشند می گوید: امکان ندارد منظور از جانشینان، خلفا باشند چون آنها تعدادشان کمتر از دوازده نفر بود و نمی توان گفت مقصود پادشاهان اموی و یا عباسی است زیرا آنها تعدادشان بیشتر از دوازده نفر بوده است و ظلم آنها نسبت به اهل بیت علیهم السلام و سایر مسلمانان بی گناه مشخص است سپس راهی جز این نیست که بگوییم مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از دوازده امام اهل بیت می باشد.^۳

◆ نکته ۳۰۲ (سخن سعد ابی وقاص) ◆

سعد بن ابی وقاص نقل کرده: عمر در شورا کسی را داخل نکرد، جز آن که خلافت برای او روا بود و هیچ کدام از ما به آن، سزاوارتر از دیگری نبودیم، مگر در صورتی که

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. مفاتیح الغیب نوشته فخر رازی، ج ۱۲، ص ۵۰.

۳. ینابیع الموده، ص ۴۴۵.

درباره یکی توافق می‌کردیم جز علی که در او چیزهایی بود که در ما نبود و آنچه که در او بود؛ در ما نبود.^۱

نکته ۳۰۳ (سخن سلمان فارسی)

سلمان نقل کرده: اولین فرد از این امت که بر پیامبرش وارد می‌شود، همان اولین کسی است که اسلام آورد [یعنی] علی بن ابیطالب.^۲

نکته ۳۰۴ (سخن سعید بن مسیب)

سعید بن مسیب نقل کرده که عمر، همواره از این که مشکلی پیش آید و ابوالحسن برای حل آن نباشد، به خدا پناه می‌برد.^۳

نکته ۳۰۵ (سخن یحیی بن عقیل)

از یحیی بن عقیل نقل شده که عمر بن خطاب، هرگاه که [مسئله‌ای] از علی بن ابیطالب می‌پرسید و او مشکلتش را می‌گشود، به وی می‌گفت: خداوند، مرا پس از تو زنده نگه ندارد.^۴

نکته ۳۰۶ (سخن ابن ابی الحدید)

ابن ابی الحدید می‌نویسد: شایسته است خردمند بیندیشد که چرا علی علیه السلام در بیعت با ابوبکر، شش ماه یعنی تا در گذشت فاطمه علیها السلام تأخیر نمود؛ اگر کار او درست بوده پس انتصاب ابوبکر به خلافت خطا بوده است و اگر کار ابوبکر درست بود، پس تأخیر علی علیه السلام در بیعت و حضور در مسجد خطا بوده است.^۵

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲. المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۶۵.

۳. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۳۹ - تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۶.

۴. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۴۹.

۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۴.



◆ نکتہ ۳۰۷ (سخن ابوبکر) ◆

شعبی نقل کرده: ابوبکر، نشستہ بود کہ علی بن ابیطالب علیه السلام از دور پیدا شد. ابوبکر وقتی او را دید، گفت: کسی کہ نگاہ با منزلت ترین مردم، نزدیک ترین آنان [به پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم] با وقارترین آنان و پر بهره ترین آنان از پیامبر خدا شادمانش می کند، باید بہ این کہ می آید بنگردد. ^۱

◆ نکتہ ۳۰۸ (سخن واقدی) ◆

واقدی روایت کرده کہ: علی علیه السلام از معجزہ های پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم است، چون عصا برای موسی علیہ السلام و چون زنده کردن مردہ ها برای عیسی بن مریم علیہ السلام. ^۲

◆ نکتہ ۳۰۹ (سخن عجیب ابو حفص) ◆

ابو حفص عمر بن شاہین متوفای سال ۳۸۵ هجری قمری می گوید: من فضایل مخصوص امیر المؤمنین علی علیه السلام را در یک ہزار جلد گرد آوردم ^۳ ولیکن باید توجہ داشت کہ در طول تاریخ بشری آتش سوزی های کتابخانہ ها کم نبوده برای نمونہ در کتاب سوزی کتابخانہ مدینہ منورہ بہ دستور ابن سعود ۴۰۰۰ جلد کتاب خطی نفیس در آتش سوخت. ^۴

◆ نکتہ ۳۱۰ (سخن صاحب بن عباد) ◆

صاحب بن عباد می گوید:

انا و جمیع من فوق التراب فداء تراب نعل ابی تراب

من و تمامی انسان هایی کہ در کرہ زمین هستند فدای خاک پای امام علی علیه السلام. ^۵

۱. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۱ و ج ۴۲، ص ۷۳.

۲. الفہرست، نوشته ابن ندیم، ص ۱۱۱.

۳. اعلام الوری، ص ۱۸۴.

۴. تاریخ آل سعود، ص ۱۸۰.

۵. مناقب، ج ۳، ص ۱۱۲.

۱۴. حافظ ابوبکر خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ هـ ق.) در کتاب تاریخ خود به نقل از ابوهریره.

نکته ۳۱۲ (سخن عجیب عبدالله بن حسن)

عبدالله بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام نقل کرده که: علی علیه السلام با پینه دست هایش و عرق پیشانی اش هزار خانواده را آزاد ساخت. ^۱

نکته ۳۱۳ (سخن سعید بن جبیر)

مالک بن دینار گوید به سعید بن جبیر گفتیم: صاحب بیرق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چه کسی بود؟ او گفت: تو کم خردی و گرنه می دانستی! معبد جهنمی گفت: من برایت می گویم، در بین راه ها ابن میسره عبسی آن را به دوش می کشید و هنگامی که جنگ می شد، علی بن ابیطالب علیه السلام آن را به دست می گرفت. ^۲

نکته ۳۱۴ (سخن ابوذر غفاری)

معاویه بن ثعلبه نقل کرده:

مردی نزد ابوذر - که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود - آمد و گفت: ای ابوذر! آیا از محبوب ترین مردم نزد خود، مرا خبر می دهی؟ زیرا می دانم که محبوب ترین آنان نزد تو، محبوب ترین آنان نزد پیامبر خداست.

گفت: آری! سوگند به پروردگار کعبه که محبوب ترین آنان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله محبوب ترینشان نزد من است و او این شیخ است (و به علی علیه السلام که جلوی نماز می خواند اشاره کرد). ^۳

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۵.

۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۶۵ و ص ۲۶۴ - ذخائر العقبی، ص ۱۱۸.



نکته ۳۱۵ (سخن عبد الله پسر عمر بن خطاب)

علاء بن عرار از ابن عمر نقل کرده که درباره علی و عثمان از او سؤال شد. گفت: از علی نپرسید؛ بلکه به جایگاه او نزد پیامبر خدا بنگرید. او همه درهای ما به مسجد را بست و در [خانه] او را باز گذاشت. اما عثمان، در روز جنگ احد [با فرار کردن] گناه بزرگی کرد و خداوند از او در گذشت و در بین شما، گناهی کم تر از آن کرد و شما او را کشتید.^۱

نکته ۳۱۶ (سخن ابی ربیع)

سعید بن عمرو بن سعید بن عاص به عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع گفت: ای عمو! چرا مردم به علی گرایش دارند؟
گفت: ای برادرزاده! علی، هر آنچه که بخواهی در دانش از برهان قاطع برخوردار بود و شرافت خانوادگی داشت. در اسلام پیش قدم بود. داماد پیامبر خدا و در سنت او دین شناس بود. در جنگ دلیر و در مال بخشنده بود.^۲

نکته ۳۱۷ (سخن سفیان)

عطاء بن مسلم نقل کرده از سفیان شنیدم که می گفت: هیچ کس با علی علیه السلام مناظره نکرد جز آن که شکست خورد.^۳

نکته ۳۱۸ (سخن عایشه)

جمیع بن عمیر گوید: همراه مادرم به خانه عایشه رفتیم. از پشت پرده شنیدم که مادرم درباره علی علیه السلام از وی پرسید. گفت: از من درباره کسی می پرسد که من، کسی را که از او و زنش به پیامبر خدا محبوب تر باشد، نمی شناسم.^۴

۱. المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۸ - فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۹۵.

۲. اسد الغابة، ج ۶، ص ۹۶ - الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۸ - تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۰۳.

۳. حلیة الاولیاء، ج ۷، ص ۳۴.

۴. خصائص امیر المؤمنین نوشته نسائی، ص ۲۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۱.

نکته ۳۱۹ (سخن میمونه)

ابواسحاق نقل کرده از جداهش میمونه:
 هنگامی که پراکندگی پیش آمد، به میمونه دختر حارث [و همسر پیامبر خدا] گفته شد: [چاره چیست] ای مادر مؤمنان؟
 گفت: با علی بن ابیطالب باشید. سوگند به خدا که او گمراه نیست و کسی به وسیله او گمراه نمی شود.^۱

نکته ۳۲۰ (سخن عبدالله بن عمر)

خلف بن ابی هارون عبدی می گوید: نزد عبدالله بن عمر نشسته بودم که نافع بن ازرق آمد و گفت: سوگند به خدا، من علی را دشمن می دارم.
 ابن عمر، سرش را بلند کرد و گفت: خداوند تو را دشمن بدارد. افسوس بر تو! آیا کسی را دشمن می داری که یک سابقه او از بین سوابقش، از دنیا و آنچه که در آن است، بهتر است؟!^۲

نکته ۳۲۱ (سخن عمر بن خطاب)

ابن عباس گوید:
 در یکی از سفرهای عمر به شام، همراهش رفتم. روزی به تنهایی بر شترش راه می پیمود که دنبالش کردم. سپس به من گفت: «ای ابن عباس! من از پسرعمویت (علیؑ) گله دارم. از او خواستم که با من بیاید، ولی نیامد و پیوسته او را ناراحت چیزی می بینم. تو گمان می کنی دنبال چیست؟ گفتم: ای امیرمؤمنان! تو خود می دانی.
 [عمر] گفت: ای ابن عباس! پیامبر خدا خلافت را برای او خواست و این گونه بود؛ اما چه می توان کرد که خدای متعال، آن را نخواست. پیامبر خدا چیزی خواست و خدا

۱. المصنف فی الاحادیث والاثار، ج ۷، ص ۵۰۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۰ - کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۴۸.



◆ نکته ۳۲۴ (سخن عمر بن خطاب) ◆

ابن عباس می گوید: از عمر بن خطاب شنیدم که می گفت: از علیؑ به بدی یاد نکنید اگر خوبی های او در «آل خطاب» بود برای من بهتر بود از آنچه آفتاب بر آن طلوع می کند...

زیرا که روزی من و ابوبکر و ابو عبیده جراح با عده ای دیگر در خانه ام سلمه بودیم که پیامبرؐ بیرون آمده و تکیه بر علی بن ابیطالب کرد و با دست بر شانه او زد و فرمود: ای علی! با تو به مخاصمه بر می خیزند؛ اما تو نخستین کسی هستی که ایمان آوردی و از همه به ایام الله عالم تری و نسبت به عهد الهی باوفاتری، از همه بهتر تقسیم عادلانه می کنی و نسبت به مردم از همه مهربان تری و مصیبت تو هم از همه بزرگ تر است. ۱

◆ نکته ۳۲۵ (سخن ابوبکر و عمر) ◆

خوارزمی در کتاب مناقب خطیب خود آورده که ابوبکر می گوید: ای مردم بر شما باد! پیروی از علی بن ابیطالب زیرا از رسول خداﷺ شنیدم که فرمود: علی بعد از من بهترین کس باشد که خورشید آسمان بر او تابیده و غروب کرده است.
* عمر بن خطاب در این خصوص می گوید: در زمان پیامبر چنان به علیؑ نگاه می کردیم گویی به ستارگان نگاه می کنیم.

* پیامبرؐ نیز فرمودند: «علی امیر البرة وقاتل الفجرة منصور من نصره مخذول من خذله الاوان الحق معه يتبعه فمیلوا معه»؛ علی پیشوای نیک مردان است و نابود کننده نابکاران، کسی که او را یاری کند از سوی خدا نصرت می یابد و اگر کسی او را خوار کند خوار می شود و حق همراه اوست و از او پیروی می کند پس باید با او همراه شوید.

◆ نکته ۳۲۶ (سخن نسائی) ◆

نسائی عالم بزرگ اهل سنت و از صحاح سته می باشد او در دمشق فضایل امام علیؑ را بیان می کرد روزی اهل دمشق از نسائی خواستند از فضائل معاویه بگویند:

۱. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۷.

نسائی هم می گوید از فضایل او چیزی نمی دانم جز آنچه پیامبر ﷺ درباره اش فرمود که: خداوند هیچ گاه شکم او را سیر نکند.

مردم شام بر سرش ریختند و آنقدر او را زدند و از شهر او را خارج کردند و بر اثر این ضربات کشته شد.

(جهت اطلاع خوانندگان با بررسی های مختصری که در کتب معتبر و قدیمی اهل سنت به عمل آمد شمه ای از ویژگی های معاویه با مستندات تاریخی آن نقل می گردد تا چهره این شخص برای همگان روشن گردد).

جاحظ می گوید: معاویه و مروان و یزید با همدیگر مجالس شبانه و آواز خوانی و رقصایی داشتند همراه با ندیمان «نام یکی از این آوازه خوان ها سائب خاثر بود»^۱ ابن عبدالبر نویسنده سنی کتاب استیعاب درباره معاویه می نویسد:

- او اولین کسی بود که مسلمانی را به قتل صبر (دست و پای کسی را قطع کرده و او را رها می کنند تا جان دهد) اعدام کرد.

- اولین کسی بود که مسلمانی را زنده زنده در گور کرد.

- اولین کسی بود که یک فرد نصرانی را به کار گماشت و او را استاندار قرار داد.^۲

- اولین کسی بود که سر مسلمانی را برید و در شهرها گردانید و آن گاه دستور داد آن سر را در دامن همسر آن مقتول قرار دهند.

- اولین کسی بود که با زن کافری (غیر اهل کتاب) ازدواج کرد.^۳

- زمخشری می نویسد: معاویه جهت به شهادت رساندن امام حسن علیه السلام ۱۰۰/۰۰۰ درهم جایزه برای جعه تعیین کرد.^۴

- معاویه برای مالک بن هبیره ۱۰۰/۰۰۰ درهم به عنوان حق سکوت جهت قتل حجر بن عدی فرستاد.^۵

۱. الفوائد المجموعه، ص ۴۰۷ - العقد الفرید، ج ۶ ص ۵۸ - انساب الاشراف، ج ۵، ص ۳۳.

۲. استیعاب نوشته ابن عبدالبر متوفی قرن پنجم، ج ۲، ص ۳۷۳.

۳. المغازی، ج ۲، ص ۶۳۳.

۴. ربیع الابرار، ج ۴، ص ۲۰۸.

۵. الاغانی، ج ۱۷، ص ۱۵۷.



– ابن ابی الحدید گوید: اصحاب ما به فسق بلکه به کفر معاویه یقین دارند و برای این ادعای خود داستانی را بر بی اعتقادی معاویه بر پیامبر نقل می کند.^۱

◆◆ نکته ۳۲۷ (سخن ابولعینای) ◆◆

ابولعینای شاعر گفته است: اگر من بخواهم فضایل تو را باز گویم (حضرت علی علیه السلام) چنان است که به هنگام ظهر از روشنی روز خبر دهم که بر هیچ کس پوشیده نیست.^۲

◆◆ نکته ۳۲۸ (سخن مسلم و احمد حنبل) ◆◆

احمد حنبل شیانی گوید: درباره هیچ یک از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه علی علیه السلام فضیلت ذکر نشده است. مسلم در کتاب صحیح خود آورده: دوست داشتن علی علیه السلام نشانه ایمان و دشمن داشتن او نشانه نفاق است.^۳

◆◆ نکته ۳۲۹ (سخن ابن ابی الحدید) ◆◆

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود علت مخالفت طلحه و زبیر با امام علی علیه السلام را این گونه بیان کرده که: طلحه و زبیر می خواستند حضرت علی علیه السلام در دادن بیت المال مانند عمر بن خطاب به سابقه افراد نگاه کند ولی امام علی علیه السلام طبق روش پیامبر به طور مساوی بیت المال را تقسیم می نمود.^۴

◆◆ نکته ۳۳۰ (سخن ابوذر) ◆◆

ابورافع می گوید: روزی اباذر به اطرافیان خود گفت: به زودی فتنه ای برپا می شود پس تقوا پیشه کنید و با بزرگ این روزگار حضرت علی علیه السلام باشید و از او پیروی کنید. از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که به حضرت علی علیه السلام می فرمود: ای علی! تو اولین کسی هستی که

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۱۲۹.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸.

۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۸.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۴۲.



من و هفت نفر دیگر به قصد جابجا کردن دری که امام علی علیه السلام کنده بود رفتیم هر چه تلاش کردیم آن را در جابجا کنیم نتوانستیم.^۱

◆◆ نکته ۳۳۵ (سخن عبداللہ بن عمر) ◆◆

در کتاب مودة القربی روایت ذیل آمده است.
عبداللہ بن عمر گوید: روزی در شمارش اصحاب پیامبر ﷺ نام ابوبکر، عمر و عثمان را آوردیم ولی علی علیه السلام را جزء شمارش اصحاب حساب نکردیم. شخصی به من گفت: «یا اباعبدالرحمن فعلی علیه السلام ما هو قال علی من اهل البيت لایقاس به احد هو مع رسول الله ﷺ فی در جنة؟» ای اباعبدالرحمن (کنیه عبداللہ بن عمر) نام علی را چرا در شمارش نیاوردی؟ عبداللہ بن عمر در پاسخ گفت: علی از اهل بیت رسالت است که احدی را نمی توان با او مقایسه کرد او با رسول خدا و در درجه آن حضرت می باشد.

◆◆ نکته ۳۳۶ (سخن طبری) ◆◆

طبری در تاریخ خود آورده که: حضرت علی علیه السلام در کودکی به رسول خدا ﷺ ایمان آورد و وقتی علی اسلام آورد هفت سال داشت.^۲

◆◆ نکته ۳۳۷ (سخن فخر رازی مفسر اهل سنت) ◆◆

فخر رازی از مفسرین بزرگ اهل سنت در حدود ۷ قرن پیش در جلد ۱۰ تفسیرش آورده است که عمر بن خطاب در زمان حکومت ۱۰ ساله خود ۹۴ حلال خداوند را حرام اعلام کرد.^۳

◆◆ نکته ۳۳۸ (سخن امر سلمه) ◆◆

هیثمی در کتاب صواعق المحرقة صفحه ۷۳ به نقل از امر سلمه آورده که: هنگامی

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۸.

۳. تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۴۰.



◆ نکته ۳۴۲ (سخن عایشه) ◆

قندوزی در کتابش ینابیع المودة آورده: ترمذی از حسن غریب نقل کرده که روزی از عایشه پرسیدند چه کسی نزد رسول خداﷺ مقرب تر و عزیزتر بود. گفت: فاطمهؑ. سپس سؤال کردند: از مردان چه کسی را پیامبر بسیار دوست داشت؟ عایشه پاسخ داد: شوهر فاطمهؑ و تا آن جا که من می دانم مردی است که پیوسته در روزه و نماز می باشد.^۱

◆ نکته ۳۴۳ (سخن فخررازی) ◆

صاحب تفسیر کبیر، امام فخررازی در کتابش به تمجید حضرت علیؑ پرداخته، اینگونه می نویسد:

«من اتخذ علیاً اماماً لدینه استمسک بالعروة الوثقی فی دینه ونفسه».

هر که علیؑ را به عنوان پیشوای دینی خود انتخاب کند همانا به ریسمان محکم تمسک جسته که خودش و دینش را حفظ می کند.

او در ادامه می گوید: «ومن اقتدی فی دینه بعلی بن ابی طالبؑ فقد اهتدی والدلیل علیه قولهﷺ اللهم ادر الحق مع علی حیث الدار».

هر کس در دینش به علی بن ابیطالبؑ اقتدا کند هدایت می شود چنان چه رسول خداﷺ فرمود: «خداوند! هر جا که علی هست حق را با او قرار ده».^۲

◆ نکته ۳۴۴ (سخن انس بن مالک) ◆

انس بن مالک که از صحابی مورد اعتماد اهل سنت می باشد و در نزد اهل سنت از جایگاه ویژه ای برخوردار است گوید: روزی رسول خداﷺ نماز صبح را خوانده و تعقیباتش را نیز به اتمام رساند آن گاه چهره اش را به جانب ما نمود، فرمود: مردم (جهت حرکت) از خورشید بهره می برند و هر کسی که خورشید را از دست داد باید فوراً به نور ماه ببینند و هر کسی که از ماه نیز محروم شد فوراً به ستاره ناهید تمسک جوید و اگر ستاره زهره

۱. ینابیع المودة، ص ۲۸۱.

۲. تفسیر کبیر، ص ۲۰۵ و ص ۲۰۷.

نیز از دیدش نهان گردید باید به فرقدین (ستاره نزدیک به قطب شمال که در فارسی به آن دو برادران گویند) چشم بدوزد.

آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمود: من خورشیدم و علی ماه و فاطمه زهره و حسن و حسین فرقدان (دو برادران) که با کتاب خدا از هم جدا نگردند تا این که بر لب حوض (کوثر) بر من وارد گردند.

◆ نکته ۳۴۵ (سخن ابن عباس) ◆

ابن عباس از افراد مورد ثقة اهل سنت می‌باشد که روایات زیادی از ایشان در کتب اهل سنت نقل شده ایشان می‌گوید:

مقصود از خاشعین در آیه کریمه «*واستیعنوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة الآلی الخاشعین*»؛ رسول خدا و حضرت علی ﷺ است که در نماز خود اقبال و خشوع در پیشگاه خداوند را رعایت می‌کردند.^۱

◆ نکته ۳۴۶ (حاکم حسکانی و نقل روایت) ◆

حدیث ذیل را حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۵ به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آورده که ایشان فرمودند: «*احبوا علیاً لحبی واکرموه لکرامتی واللله ما قلت لکم هذا من قبلی ولكن الله تعالی امرنی بذلک...*».

علی را به خاطر من دوست بدارید و برای من به او احترام بگذارید. آن‌گاه فرمود: به خدا قسم هر چه را که گفتم از طرف خداوند تعالی بودو او من را به گفتن آن امر فرمود، ای مردم هر کس بعد از من با علی ﷺ دشمنی کند خداوند در قیامت او را کور محشور خواهد کرد و راه نجاتی نخواهد داشت.

۱. کتاب ما نزل من القرآن فی علی ﷺ، نوشته حسین بن حکم حبری، ص ۲۳۸.



◆ نکته ۳۴۷ (سخن اربلی) ◆

ابن ابی الفتح اربلی صاحب کتاب کشف الغمه متوفی ۶۹۳ هـ ق. در کتاب ۳ جلدیش این حدیث را از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده که:
 قال رسول الله ﷺ: «ما من عبد و لامه یموت و فی قلبه مثقال حبه خردل من حب علی بن ابی طالب ﷺ الا ادخله الله عزوجل الجنة...».

رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ مرد و زنی نیست که از دنیا برود و در قلب او به اندازه یک حبه خردل دوستی علی بن ابیطالب ﷺ باشد مگر این که خدای عزوجل او را به بهشت برین داخل می گرداند. ۱

رسول خدا ﷺ فرمودند: «یا علی! انت و شیعتک و موعدی و موعدمک الحوض اذا جثت الامم للحساب تدعوت غزاً محجلین...»؛ یا علی! تو و شیعیان تو در میعادگاه ما سر حوض خواهید بود وقتی که همه امت ها برای حساب جمع می شوند تو چون خورشید همه دوستان خود را دور خودت در آنجا جمع خواهی کرد. ۲

◆ نکته ۳۴۸ (سخن ابن عباس) ◆

در تفسیر آیه کریمه «ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی الیل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذین معک و الله...» ۳

خدا به حال تو آگاه است که تو و جمعی هم از آنان که با تو هستند (اغلب) نزدیک دو ثلث یا نصف یا (لااقل) ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می پردازی...
 ابن عباس می گوید: منظور علی بن ابیطالب ﷺ است که همیشه و پیوسته همراه تو است مثل تو شب زنده داری می کند.

آن گاه ابن عباس در ادامه گفت: نخستین کسی که با پیامبر اکرم ﷺ نماز خواند علی ﷺ بود. اولین کسی که اسلام آورد علی ﷺ بود. اولین کسی که با پیامبر اکرم ﷺ بیعت کرد علی ﷺ بود اولین مهاجر در راه خدا که همراه پیامبر اکرم ﷺ بود علی ﷺ بود. اولین کسی

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۹.

۳. مزمل / ۲۰.



◆◆ نکته ۳۵۲ (سخن ابن ملجم) ◆◆

بعد از شهادت امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام به مسجد رفته و بعد از بیان خطبه ای طولانی عبدالرحمن بن ملجم به امام حسن علیه السلام گفت: علی بن ابیطالب به تو چه فرموده است؟

امام حسن علیه السلام پاسخ داد: او به من فرمود فقط قاتلش را بکشم و شکمش را سیر کنم و بستر راحتی را برایش فراهم آورم تا اگر زنده ماند خود یا قصاص کند تا عفو کند و اگر شهید شد تو را قصاص کنم.

ابن ملجم گفت: راستی پدرت در حال خشم و خشنودی حق می گفت و به من حکم می کرد. ^۱

◆◆ نکته ۳۵۳ (سخن ربیع بن خيثم) ◆◆

حاکم حسکانی نقل می کند: روزی نام مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام را پیش ربیع بن خيثم ذکر کردند:

او گفت: «لم اهرم یجدون علیه فی حکمه واللہ تعالی یقول ومن یوئ الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً»؛ ندیدم کسی از مردم بتواند ایرادی بر حکم و داوری آن حضرت بگیرد و خداوند متعال می گوید: کسی که دانش به او داده شده است خیر فراوانی به او داده شده است. ^۲

◆◆ نکته ۳۵۴ (سخن سعد ابی وقاص) ◆◆

روزی معاویه به سعد ابی وقاص گفت: تو چرا به علی ناسزا نمی گویی؟ سعد ابی وقاص در پاسخ معاویه گفت: هر وقت به یاد سه فضیلت علی علیه السلام می افتم آرزو می کنم ای کاش من یکی از این سه فضایل را داشتم.

– روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد داشت با سران نجران مباحله کند، دست علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را گرفته و فرمود: «اللهم هؤلاء أهلی»؛ خدایا! اینها اهل من هستند.

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۱۵۰.



پیش‌تاز دانش تفسیر است... و روشن است که ابن عباس شاگرد علی و پیرو او است و تفسیر را از او گرفته و از علی علیه السلام بهره‌ها برده است.^۱

◆ نکته ۳۵۷ (سخن صحابی) ◆

عایشه می‌گوید: علی علیه السلام آگاه‌ترین اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به قرآن می‌باشد و عمر بن خطاب نیز نظرش این بود که حضرت علی علیه السلام از همه ما به معارف قرآن آگاه‌تر بود.

عبدالله بن مسعود این سخنان را تأیید می‌کرد و می‌گفت: در میان اهل مدینه علی علیه السلام آگاه‌ترین افراد به قرآن می‌باشد.^۲

◆ نکته ۳۵۸ (سخن ابن عباس) ◆

ابن عباس برای حضرت علی علیه السلام چهار ویژگی را نقل کرده است که این خصلت‌ها فقط برای ایشان می‌باشد و کسی دیگر از آن برخوردار نیست.

- حضرت علی علیه السلام اولین عرب و عجمی است که با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند.
- حضرت علی علیه السلام در جنگ احد تنها کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها گذاشت و فرار نکرد.

- فقط علی علیه السلام در تمام جنگ‌ها پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را پیروزمندانه در دست داشت.
- تنها صحابی که پیامبر صلی الله علیه و آله را غسل داد و او را در قبر گذاشت حضرت علی علیه السلام بود.^۳

◆ نکته ۳۵۹ (سخن احمد حلی شافعی) ◆

ابوالفرج نورالدین علی بن ابراهیم بن احمد حلی شافعی متوفی ۱۰۴۴ هـ ق. از سیره نویسان مشهور می‌باشد وی در کتاب سیره حلی خود آورده که مرحب به دست علی علیه السلام از پای در آورد و در این موضوع هیچ شک و تردیدی وجود ندارد.^۴

۱. مطالب السوول، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴.

۴. سیره حلی، ج ۳، ص ۴۴.



◆ نکته ۳۶۲ (سخن جاخط) ◆

جاخط در رسائلش آورده است که:

در بین یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی که به اندازه علی علیه السلام دشمنان به دستش کشته شده باشند را نمی‌شناسیم و هیچ کس نیست که روسا و بزرگان و فرماندهان و رهبران را به اندازه ای که توسط علی علیه السلام کشته شده‌اند را کشته باشد او سپس می‌نویسد:

کشتن یک رئیس کار سخت تری است چون کشتن یک رئیس برای مسلمانان سخت تر و کارسازتر از کشتن جنگجویی است که از رئیس قوی تر باشد و علی علیه السلام کسی است که هم رئیسان و هم دلیران را به قتل رسانده است او می‌نویسد:

او (علی علیه السلام) شگفتی دیگری هم دارد هرگز کسی را مجروح نکرده و به کسی ضربه نزد مگر اینکه کشته شد.^۱

◆ نکته ۳۶۳ (سخن ذو‌شهادتین) ◆

خزیمه بن ثابت مشهور به ذو‌شهادتین از یاران ممتاز و برجسته رسول خداست او در جنگ احد و سایر جنگ های همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگید رسول خدا صلی الله علیه و آله گواهی او را در حکم گواهی دو شاهد قرار داد و به همین جهت به ذوالشهادتین مشهور شده است^۲ او در ماجرای غصب خلافت از امام علی علیه السلام دفاع کرد و در مسجد پیامبر به اعتراض پرداخت او در جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین علی علیه السلام بعد از شهادت صحابی بزرگ عمار یاسر به دست سپاه معاویه به شهادت رسید.

عبدالرحمان بن ابی لیلی نقل می‌کند که: من در جنگ صفین بودم مردی ریش سفید را دیدم که عمامه بر سر و صورت بسته و به شدت می‌جنگد.

گفتم: ای پیرمرد با مسلمانان می‌جنگی؟

عمامه‌اش را پائین کشید و گفت: من خزیمه‌ام خودم شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همراه علی با همه کسانی که با آن‌ها می‌جنگد بجنگ.^۳

۱. رسائل، جاخط، ج ۴، ص ۱۲۴.

۲. المعجم الکبیر طبرانی، ج ۴، ص ۸۲.

۳. اصحاب الامام امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۱۹۰.



و حاکم نیشابوری گفته است که: این حدیث به حد تواتر رسیده است.^۱

نکته ۳۶۷ (سخن ابو ثابت غلام ابوذر)

ابو ثابت برده آزاد شده ابوذر غفاری می گوید: در جنگ جمل در سپاه علی علیه السلام بودم وقتی دیدم عایشه در آن سوی میدان جنگ ایستاده است مانند دیگر مردم در دلم تردید افتاد اما خداوند آن تردید را در هنگام نماز ظهر از دلم برد و همراه امیر المؤمنین علی علیه السلام با آن ها جنگیدیم.

وقتی جنگ تمام شد و به مدینه آمدم نزد ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: به خدا سوگند که برای درخواست خوراکی و نوشیدنی نیامده ام من آزاده شده ابوذر. گفت: خوش آمدی.

ماجرایم را برایش گفتم: از من پرسید هنگام ظهر که تردیدت برطرف شد کجا بودی گفتم در سپاه علی علیه السلام گفت: خوب کردی زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: علی با قرآن است و قرآن با علی هرگز از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من در آیند.^۲

نکته ۳۶۸ (سخن ام سلمه)

ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی مشاهده کرد که امام علی علیه السلام برای جنگ جمل به بصره عازم است به او گفت: در حفظ و حمایت خدا حرکت کن که به خدا سوگند تو بر حقی و حق با توست.^۳

نکته ۳۶۹ (سخن ابوسعید خدری)

ابوسعید خدری درباره آیه شریفه «لتعرفنهم فی لحن القول؛ آنان را از آهنگ سخنشان می شناسی؟» منظور دشمنی آنان با علی بن ابیطالب علیه السلام است.^۴

حدیث را نقل کرده اند ولی در طبقه اول یعنی اصحاب پیامبر نزدیک به ده نفر این حدیث را نقل کرده اند که اسامی بعضی از آن ها عبارت است ابن عباس - ابوسعید خدری - ام سلمه - اسماء بنت عمیس - جابر بن عبدالله...
۱. کفایة الطالب، ص ۲۸۳.

۲. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹.

۴. تفسیر الدر المنثور، سیوطی، ص ۵۰۴.

نکته ۳۷۰ (سخن سیوطی)

سیوطی در کتاب الازهار المتناثره فی الاخبار المتواترة می نویسد: حدیث مشهور «من كنت مولاه فعلى مولاه» را ترمذی از زیدبن ارقم و نیز احمدبن حنبل از علی و ابویوب انصاری و نیز بزار از عمر، ذومر، ابوهریره، طلحه، عمار، ابن عباس و بریده و نیز طبرانی از ابن عمر، مالک بن حویرث، حبشی بن جناده، جریر، سعدبن ابی وقاص، ابوسعید خدری و انس و نیز ابونعیم از جندع انصاری نقل کرده اند.^۱

نکته ۳۷۱ (سخن ابن عساکر)

ابن عساکر شافعی مذهب و نویسنده کتاب تاریخ دمشق از عمر بن عبدالعزیز^۲ نقل کرده است:
«چندین نفر برایم نقل کرده اند که شنیده اند پیامبر خدا ﷺ گفت: هر که من مولای اویم علی مولای اوست».

نکته ۳۷۲ (سخن فخر رازی)

فخر رازی که از علمای مفسر اهل سنت در قرن ۷ در تفسیر ۳۲ جلدی اش می نویسد هر کس در دینش به علی بن ابیطالب اقتدا کند بی گمان هدایت می یابد و دلیل آن گفته رسول خداست که فرمود: «خدایا حق را همیشه بر مدار او بگردان».^۳

نکته ۳۷۳ (سخن جارالله زمخشری صاحب تفسیر کشاف)

جارالله زمخشری متوفای ۵۳۸ قمری که از علمای بزرگ علم تفسیر در میان اهل سنت است در تفسیر خود در ذیل (آیه ۵۵ سوره مائده) می نویسد:
این آیه درباره علی - کرم الله وجهه - نازل شد هنگامی که بینوایی از او درخواست کرد و او در حال رکوع نماز خود بود پس انگشترش را برای وی انداخت گویی انگشتر به

۱. الازهار المتناثره فی الاخبار المتواترة، ص ۷۶ این کتاب سیوطی درباره احادیث متواتر است.
۲. عمر بن العزیز که از خلفای بنی امیه بود با نقشه های زیرکانه جریان سب و لعن امام علی علیه السلام را که توسط معاویه علیه الهاویه بپا شده بود را بعد از گذشت سالها متوقف نمود.
۳. تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۲۱۰.



انگشتش تنگ نبود و از این رو برای بیرون آوردنش به کار فراوانی که مستلزم بطلان نمازش باشد نیازمند نشد.^۱

◆ نکته ۳۷۴ (سخن ابن جریر طبری) ◆

طبری در تفسیرش به نقل از مجاهد بن جبر متوفای ۱۰۴ قمری آورده که این آیه «**اِذَا مَا وَلِيَكُمْ اللّٰهُ...** تنها ولی شما خدا و پیامبر اوست و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و در حال رکوع صدقه می‌دهند» درباره علی بن ابیطالب نازل شده که در حال رکوع صدقه داد.^۲

◆ نکته ۳۷۵ (سخن ابوبکر با عایشه) ◆

نعمان بن بشیر گوید: ابوبکر با پیامبر خدا اجازه ورود خواست و داخل شد. صدای بلند عایشه را شنید که به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گفت:
 «به خدا سوگند می‌دانم که علی، محبوب تر از من و پدرم در نزد توست» او دو یا سه بار این جمله را تکرار کرد.
 ابوبکر اجازه خواست و وارد شد و به سوی او رفت و گفت: ای دختر دیگر نشونم که صدایت را بر پیامبر خدا بلند کنی.
 «یا بنت فلانة: ألا اسمک ترفعین صوتک علی رسول الله صلی الله علیه و آله».»^۳

◆ نکته ۳۷۶ (سخن عایشه) ◆

عایشه می‌گوید: خداوند بنده ای نیافریده است که در نزد پیامبر خدا از علی محبوب تر باشد «**ما خلق الله خلقاً کان احبّ الی رسول الله صلی الله علیه و آله من علی**».»^۴

۱. الکشاف عن حقائق التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۷.
 ۲. تفسیر طبری جامع البیان ۳۰ جلدی متوفای ۳۱۰ قمری ج ۴، ص ۲۸۹ - تفسیر ابن کثیر متوفای ۷۷۴، ج ۳، ص ۱۲۹.
 ۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۹، ص ۳۸۸ - خصائص نسایی، ص ۲۰۹ کامل تر آن در مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۱ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۶۳ - المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۳۶ و ۲۶۰ - اسد الغابه، ج ۷، ص ۲۵۹ - ذخایر العقبی، ص ۱۱۸ - مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۰.
 ۴. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۶۰ - کفایة الطالب، ص ۳۲۴ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۹۸ - مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۸ - خصائص نسایی، ص ۲۱۴.



◆ نکتہ ۳۷۷ (سخن احمد حنبل) ◆

محمد بن منصور می گوید: نزد احمد بن حنبل بودیم. مردی به وی گفت: ای ابو عبدالله! نظر تو درباره حدیث «من تقسیم کننده آتشم» که از علی روایت شده چیست؟ گفت: چه شده که این حدیث را انکار می کنید؟ (فقال: وما تنكرون من ذا) آیا روایت نکرده ایم که رسول خدا ﷺ به علی گفت: جز مؤمن تو را دوست نمی دارد و جز منافق تو را دشمن نمی دارد؟ گفتند: آری! گفت: پس جای مؤمن کجاست (در قیامت)؟ گفتند: در بهشت. پرسید: منافق در کجاست؟ گفتند: در آتش. گفت: پس بنابراین علی تقسیم کننده آتش است.^۱

◆ نکتہ ۳۷۸ (سخن عمر بن خطاب) ◆

عمر بن خطاب مردی را دید که در حال بدگویی و دشنام به علی بن ابیطالب بود «انه رأی رجلاً یسب علیاً فقال: انی اظنک منافقاً» به او گفت: من گمان می کنم که تو منافقی چرا که شنیدم پیامبر خدا ﷺ می فرمود: «نسبت علی به من همانند نسبت هارون به موسی ﷺ است جز آنکه پس از من پیامبری نیست».^۲

◆ نکتہ ۳۷۹ (سخن ابوبکر و عایشه) ◆

عایشه از ابوبکر نقل می کند که او گفت: «النظر الی وجه علی عبادة؛ نگاه کردن به چهره علی ﷺ عبادت است».^۳

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۱ - کفایة الطالب، ص ۷۲.
 ۲. تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ قمری، ج ۷، ص ۴۵۳.
 ۳. البدایة والنهاية، ج ۷، ص ۳۹۴ - الموضوعات، ابن جوزی، ج ۱، ص ۱۷ - کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۳۴



نکته برجسته و مهم

۱. اقرار و شهادت علماء اهل سنت در این فصل که با جمع صحابی به بیش از ۳۰۰ مورد می‌رسد را نمی‌توان نادیده گرفت این علماء بعد از تحقیق و بررسی براساس علم این سخنان را درباره امام علیؑ در لابلای کتب خود در قرن‌ها پیش نوشته و برای ما به یادگار گذاشته‌اند اینان عمری را در حدیث‌شناسی و تاریخ و فقه و تفسیر گذارنده‌اند نباید گواهی و شهادت عالمی که ده‌ها سال تحقیق کرده را دست کم گرفت ما با شهادت و گواهی آن‌ها، راه حق و حقیقت را می‌توانیم بیابیم بعضی از آن‌ها راجع به بعضی از صحابی‌رسول خدا نیز مطالبی گفته‌اند اما حجم و تعداد سخنان آنان درباره امام علیؑ خاص و مخصوص به نظر می‌آید.

۲. اگر نماینده شهر شما در مجلس ضعیف عمل کند و حق مردم شهر خود را پایمال کند و به مردم حوزه انتخابیه خود ظلم کند در دوره بعد به او رای نخواهید داد طبیعی است که ما باید بپذیریم که عملکرد امام علیؑ در بعد از رسول خداﷺ از همه خلفاء صحیح‌تر و بهتر بوده و ما نیابستی به آن‌هایی که در روش و منش مخالف قرآن و رسول خداﷺ عمل کردند رای بدهیم و آنان را به عنوان خلیفه بعد از رسول خدا بپذیریم. فخررازی عالم مفسر قرآن کریم در حدود ۸ قرن پیش در تفسیر ۳۲ جلدی خود آورده که عمرین خطاب در طول خلافت چند ساله‌اش بیش از ۹۰ مورد از سنت‌ها و روش پیغمبر و واجب‌های الهی را عوض کرد و آن‌ها را تعطیل اعلام کرد. (تفسیر رازی ج ۱۰، ص ۵۴). و ابن عباس مفسر بزرگ می‌گوید: برای هیچ کس به اندازه علیؑ در قرآن کریم نازل نشده است.

شما با نماینده مجلس شهر خود که حق مردم شما را ضایع کرده و باعث عقب افتادگی مردم شهر شما شده چه می‌کنید ما نباید پیرو کسی باشیم که در قیامت باعث عقب افتادگی و نابودی ما بشود.

۳. یک مثال دیگر:

دیدم از دکتری خیلی تعریف می‌کرد و آن دکتر را تمجید می‌کرد به او گفتم کار دکتر را دیده‌ای گفت: نه. گفتم: پس چرا تعریفش می‌کنی؟ گفت: دو سه نفر از دوستانم آن دکتر را می‌شناسند و تعریف او را می‌کنند من به واسطهٔ حرف آن‌ها به دکتر اعتقاد پیدا کردم.

سؤال: حرف بیش از ۳۰۰ نفر از علمای اهل سنت و صحابی نباید برای ما حقیقت راه علی علیه السلام را روشن کند آیا حرف ۳۰۰ نفر عالم نمی‌تواند باور درست را به ما نشان بدهد. (در این فصل سخن ۴۰۰ نفر از علماء و صحابی آمده است که به بعضی از این سخنان شماره نداده‌ایم).

۴. در این فصل برای اتقان و ایقان منابع و مدارک یک حدیث را به بیش از ۱۰ مورد رسانیده‌ایم تا خواننده بتواند به راحتی آن را قبول نماید و قطعیت آن را به اثبات برسانیم و تکرار بعضی از مطالب به جهت اهمیت و نقل مطلب از منابع متعدد رخ داده است.

۵. با همه تلاش‌هایی که در تاریخ بر علیه امام علی علیه السلام به انجام رسید و لیکن نشانه‌های حقانیت او هنوز پا برجاست ابوحنیفه عمر بن شاهین متوفای سال ۳۸۵ قمری می‌گوید: من فضایل مخصوص امیرالمومنین علی علیه السلام را در یک هزار جلد گرد آوردم (تاریخ آل سعود، ص ۱۸۰).

انتشارات سعید نفیسی



انتشارات سجیدہ نقویہ



فصل چهارم

قال رسول خدا ﷺ:



من كنت مولا فبهذا على مولا.

هرکه من مولای اویمر علی نیز
مولای اوست.

اسنی المطالب، صفحه ۵۰.

حدیث غدیر در کتب اهل سنت





انتشارات سجد نون

١. خطبه نوراني غدِير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ، وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَا يَزَالُ وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ وَمُبْدِنًا وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ.

بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ، وَدَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَّفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ، يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْوَانَةٍ، قَدْ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ، لَا يُعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ، وَلَا اسْتَبْهَتَ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ، لَهُ الْأَعْيَانُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَكَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ، وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ، دَائِمٌ حَتَّى قَائِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَتِهِ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا مَادَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ وَالَّذِي يُغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ.

وَلَا مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ، وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِ صَوْرٍ مَا أَبْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَبَرَأَهَا فَبَانَتْ، فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمُتَّفِقُنِ الصَّنْعَةَ الْخَسَنَ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَالِكُ الْأَمْلاكِ وَمُفْلِكُ الْأَفْلاكِ، وَمَسْحَرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ كُلِّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى، يُكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ، يَطْلُبُهُ حَتِيثًا قَاصِمٌ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُهْلِكٌ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

إِلَهُ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جِئِدٌ، يَشَاءُ فَيُمِضِي، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ





يُفْقِرُ وَ يُغْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ بَدَنِي وَ يَقْصِي وَ يَمْتَنِعُ وَ يُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَّارُ، مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ، وَ رَبُّ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ، الَّذِي لَا يَشْكُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يَضْجِرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يَبْرُمُهُ إِحْالُ الْمُلْحِنِ، الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ. أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَ أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَاءِ وَ الضَّرَاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرِّخَاءِ وَ أَوْمِنُ بِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ، أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَ أَطِيعُ وَ أَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَ اسْتَسْلِمُ لِمَا لِقَضَائِهِ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ، وَ خَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَ لَا يُخَافُ جُورَهُ.

◆◆◆ فرمان برای ابلاغ مطلبی مهم ◆◆◆

[وَ] أَفْرَلُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَجَلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ .
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي [أَنِّي] إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلَيٍّ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمَّنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ، وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ، فَأَوْحَى إِلَيَّ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلَيٍّ - يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^۱

۱. معاشر الناس: ما قصرْتُ في تبليغ ما أنزل الله تعالى إليَّ وأنا أبيتُ لكم سبب نزول هذه الآية.

إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَعْلِمُ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَوَصِيَّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَالْأُمَمِ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ هِيَ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۲.

۱. مائده / ۶۷.

۲. مائده / ۵۵.

وَعَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ. وَسَأَلْتُ جَبْرَيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِنِي لِي السَّلَامُ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، أَيُّهَا النَّاسُ، لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ، وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ، وَإِدْغَالِ الْأُمِّيِّينَ، وَحَيْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ: يَقُولُونَ بِالْإِسْتِغْنَاءِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَهُ هَيْئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ. وَكَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْتِي أُذُنًا وَرَعَمُوا أُنَى كَذَلِكَ، لِكَثْرَةِ مُلَاذِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ. وَهَوَاهُ وَقَبُولُهُ مِنِّي حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ [قُرْآنًا]:

«وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ لِيَ الَّذِينَ يَزْعَمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ - حَيْرَانِكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مَنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^١.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أَوْمِيءَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ، وَأَنْ أَدَّلَ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلِكُنِي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ، وَكُلُّ ذَلِكَ لِإِضْرَافِ اللَّهِ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ ثُمَّ تَلَى: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^٢.

◆◆ اعلام رسمي ولايت و امامت دوازده امام عليه السلام ◆◆

٢. فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ: ذَلِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَعَلَّمُوا إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ، مَا ضَ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

٣. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَاللَّهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْأِيْمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَوَلِدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولَهُ.

١. توبه / ٦١

٢. مائده / ٦٧





لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَسُولُهُ وَهُمْ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، عَرَفَنِ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ مَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

٤. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضْلُوهُ مَا مَنِ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مَنِ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلَيَا وَهُوَ الْأَمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَسٍ: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

٥. مَعَاشِرَ النَّاسِ: لَا تَصَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهِي عَنْهُ وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ وَ[هُوَ] الَّذِي قَدِيَ رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ. وَ [هُوَ] الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ إِنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي فَفَعَلْ فَادِيَا لِي بِنَفْسِهِ.

٦. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

٧. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وِلَايَتَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْآبَادِ، وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصَلُّوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.^١

٨. مَعَاشِرَ النَّاسِ: بِي وَاللَّهِ بَشَرٌ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَنَا خَاتِمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأُمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأُمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَالشَّاكُّ فِيْنَا فِي النَّارِ.

٩. مَعَاشِرَ النَّاسِ: حَبَانِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَامْنُهُ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَّا لَهُ الْحَمْدُ مِنْتِي أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

١٠. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضَّلُوا عَلَيَا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتِي، مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرُّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ، أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ، وَيَقُولُ: مَنْ عَادَى عَلَيَا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَعَضْبِي، فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِعَدِي وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

١. بقره / ١٢٤.



١١. معاشر الناس: إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ: «أَنْ تَقُولَ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا قَرِطُتُ فِي جَنبِ اللَّهِ».

١٢. معاشر الناس: تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ، وَلَا يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ - وَشَأْنِلِ بَعْضِهِ - وَمُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ، وَمَوَالَاتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

١٣. معاشر الناس: إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُلِبَ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَمُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. إِلَّا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ آذَيْتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ لَا أَمِيرًا لِمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا إِلَّا لَاتَجَلَ إِمْرَةٌ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

◆◆ معرفى اميرالمؤمنين عليه السلام به وسيله پيامبر ﷺ ◆◆

ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَضِدِهِ فَرَفَعَهُ وَكَانَ مِنْذُ أَوَّلِ مَا صَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ: إِلَّا قَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ.

١٤. معاشر الناس: هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَاعَى عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَعَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالِدَاعَى إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ، وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالَى عَلَى طَاعَتِهِ، وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَعْمَامُ الْهُدَايَ مِنَ اللَّهِ، وَقَاتِلِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ، يَقُولُ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَى يَا رَبِّ، أَقُولُ: أَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَأَعْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

أَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ وَلِيَّكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ، وَتَضَبَّكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ (الْيَوْمِ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْأَيْسَلَامَ دِينًا) ١ فَقُلْتُ:

١. اشاره به آیه ٣ سوره مائده.



(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) وَقُلْتُ «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^١.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

◆ ◆ تأكيد بر توجه مردم به مسأله امامت ◆ ◆

١٥. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِهْمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَمِنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قَاوَلِنِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ^٢، (لَا يَخْفَى اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ)^٣.

١٦. مَعَاشِرَ النَّاسِ: هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي، وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.

وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضَى فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ بِالْحَقِّ فِي «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

١٧. مَعَاشِرَ النَّاسِ: هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَن رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ، وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.

١٨. مَعَاشِرَ النَّاسِ: ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صَلَّيْهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ.
١٩. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزَلْ أَقْدَامُكُمْ.

فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ، وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.
أَلَا إِنَّهُ لَا يَبْعُضُ عَلَيْنَا إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا يُوَالِي عَلَيْنَا إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.
وَفِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ [وَ] الْعَصْرِ:

١. آل عمران / ٨٥

٢. اشاره به آیه ١٧ سوره توبه.

٣. اشاره به آیه ١٦٢ سوره بقره.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». وَالْعَصْرِ إِنَّ الْأِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ^١ إِلَّا عَلَى الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

٢٠. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي، وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^٢.

٢١. مَعَاشِرَ النَّاسِ: «إِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^٣.

◆◆ کارشکنی های منافقان ◆◆

٢٢. مَعَاشِرَ النَّاسِ: (آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَطْمِسَ وُجُوهًا فَرَدًّا هَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ تُلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ)^٤ بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهِذِهِ الْآيَةَ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِ أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ أَمْرِي عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبَغْضِ.

٢٣. مَعَاشِرَ النَّاسِ: الْتُورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسْلُوكٍ فِي نَمِّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْفَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَيَكُلُّ حَقَّ هُوَانَا.

لَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حِجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَهْمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

٢٤. مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنْذَرَكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلَ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الصَّابِرِينَ^٥.

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا [هُوَ] الْمُؤَصِّفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

٢٥. مَعَاشِرَ النَّاسِ: لَا تَمُوتُوا عَلَى إِسْلَامِكُمْ بَلْ لَا تَمُوتُوا عَلَى اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَيَسْخَطِ عَلَيْكُمْ وَيَتَلِيكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ إِنْ رَبَّكُمْ لِبِالْمِرْصَادِ.

٢٦. مَعَاشِرَ النَّاسِ: [إِنَّهُ] سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ لَا يُنصَرُونَ.

٢٧. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ.

١. سوره عصر، آیه ٣ - ١.

٢. اشاره به آیات ٣٥ سوره نحل و ٥٤ سوره آل عمران، آیه ١٠٢.

٣. آل عمران / ١٠٢.

٤. نساء / ٤٧.

٥. اشاره به آیه ١٤٤ سوره آل عمران.





٢٨. معاشرَ الناسِ: إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَتَوَى الْمُتَكَبِّرِينَ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ. قَالَ: فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمَرَ الصَّحِيفَةَ.

٢٩. معاشرَ الناسِ: إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عُقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَقَدْ بَلَغْتَ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمَغْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا سَتَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ^١، فَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاطِئُ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ^٢.

٣٠. معاشرَ الناسِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَدْرُكْكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ، حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ^٣.

٣١. معاشرَ الناسِ: إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيَّةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمُמْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ.

وَاللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ.

٣٢. معاشرَ الناسِ: قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَنْتُمْ نُهْلِكُ الْأَوَّلِينَ. ثُمَّ نُنْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ. كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ. وَيَوْمَ يُؤْمَدُ لِلْمُكَذِّبِينَ»^٤.

٣٣. معاشرَ الناسِ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيْهَا وَنَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرشُدُوا وَصِرُوا إِلَى مَرَادِهِ، وَلَا يَتَفَرَّقُ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.



١. الرحمن / ٣٠.
٢. الرحمن / ٣٥.
٣. آل عمران / ١٧٩.
٤. مراسلات، آيات ١٦ - ١٩.



أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَيَرُونَ وَلَهَا زَفِيرٌ^١.
 أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتَ أُخْتِهَا حَتَّى إِذَا إِدَارَكُوا فِيهَا
 جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرِيَهُمْ لِأُولِيهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونَا فَاتَّهَمُوا عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضَعْفٍ
 وَلِكِنْ لَا تَعْلَمُونَ).

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ
 نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ وَقَالُوا
 لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسَحَقَ لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ»^٢.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ^٣.
 ٣٥. مَعَاشِرَ النَّاسِ: شَتَانًا مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ عَدُونًا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ
 وَلَعَنَهُ، وَوَلِيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِلَّا وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَعَلِيٌّ الْبَشِيرُ.

٣٦. مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ.

٣٧. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِلَّا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلِيٌّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنَ بَعْدِي وَالْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ إِلَّا وَإِنِّي
 وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ.

◆◆ معرفى حضرت مهدي عليه السلام در خطبه غدیر ◆◆

أَلَا وَإِنَّ خَاتِمَ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا (أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشَّرِكِ وَهَادِيهَا).

أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشَّرِكِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.

١. اشاره به آیات ١٠٦ سوره هود و ١٣٨ سوره اعراف.

٢. ملك، آیات ٨ - ٩.

٣. اشاره به آیه ١٢ سوره ملك.

أَلَا إِنَّهُ الْعَرَافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ.

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ.

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُنْبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ (وَالْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ).

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُقَوِّضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ (مَنْ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ).

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً، وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ، وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ، وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

أَلَا وَإِنَّهُ وَبِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُكْمِهِ فِي خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

◆◆ مطرح كردن بيعت ◆◆

٣٨. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِهِ مِنْ بَعْدِي.

أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «قَمَنْ

تَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^١.

◆◆ بيان واجبات و محرمات ◆◆

٣٩. مَعَاشِرَ النَّاسِ: «إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»، «إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ

فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»^٢.

٤٠. مَعَاشِرَ النَّاسِ: حِجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأَبْشُرُوا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا

بُتْرُوا وَافْتَقَرُوا.

١. فتح / ١٠.

٢. بقره / ١٥٨.





٤٤. معاشر الناس: ما وقف بالموافق مؤمن إلا عقر الله له ما سلف من ذنبه إلى وقته ذلك فإذا انقضت حجتته استؤنف عمله.

٤٢. معاشر الناس: الحجاج معاونون ونفقاتهم مخلقة والله لا يضيع أجر المحسنين.^١

٤٣. معاشر الناس: حجوا البيت بكمال الدين والتفقه ولا تنصرفوا عن المشاهد إلا بتوبته وإفلاح.

٤٤. معاشر الناس: أقيموا الصلوة وآتوا الزكوة كما أمركم الله عز وجل، فإن طال عليكم الأمد فقصرتم أو نسيتم فعلي وليكم ومبني لكم الذي نصبه الله عز وجل لكم بعدي «أمين خلقه إنه مني وأنا منه وهو ومن يخلف من ذريتي يخبرونكم بما تسألون عنه ويبينون لكم ما لاتعلمون»، ومن خلفه الله مني وأنا منه، يخبركم بما تسألون عنه، ويبين لكم ما لاتعلمون. ألا إن الحلال والحرام أكثر من أن أحصيها وأعرفهما، فأمر بالحلال وأنهى عن الحرام في مقام واحد، فأمرت أن أخذ البيعة منكم والصفة لكم، يقبول ما جئت به عن الله عز وجل في علي أمير المؤمنين والأئمة من بعده الذين هم مني ومنه «إمامة»، أئمة قائمة - منهم «خاتمها» المهدي - إلى يوم القيامة الذي يقضى بالحق «يلقى الله الذي يقدر ويفضي».

٤٥. معاشر الناس: [و] كل حلال دللتكم عليه وكل حرام نهيتكم عنه، فإني لم أرجع عن ذلك ولم أبدل، ألا فاذكروا ذلك واحفظوه وتواصوا به ولا تبدلوه ولا تعبروه.

ألا وإني أجدد القول، ألا فأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة وأمروا بالمعروف وأنهوا عن المنكر، إلا وإن راس الأمر بالمعروف أن تنتهوا إلى قولي، وتبلغوه من لم يحضر وتأمروه بقبوله عني وتنهوه عن مخالفتي، فإنه أمر من الله عز وجل ومني، ولا أمر بمعروف ولا نهى عن منكر إلا مع إمام معصوم.

٤٦. معاشر الناس: القرآن يعرفكم أن الأئمة من بعده ولده، وعرفتكم أنهم مني ومنه حيث يقول الله في كتابه:

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»^٢ وَقُلْتُ: «لَنْ تَضَلُّوا مَا إِن مَسَّكُمْ بِهَا».

٤٧. معاشر الناس: اتقوا، اتقوا، إحذروا الساعة كما قال الله عز وجل:

«إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ»^٣.

١. اشاره به آیات ١٢٠ سوره توبه و ١١٥ سوره هود و آیات دیگر.

٢. زخرف / ٢٨.

٣. حج / ١.

أَذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمَحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْثَّوَابَ وَالْعِقَابَ،
فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ [عَلَيْهَا] وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

◆◆ گرفتن بیعت ◆◆

٤٨. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ،
وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْأَعْفَارَ مَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِمَنْ
جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأُمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا
سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَأَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأُمَّةِ.

نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسْتِنَا وَأَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَمَوْتُ عَلَيْهِ وَنُبْعَثُ
وَلَا نَعْبُرُ وَلَا نَبْدُلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا نَجْحَدُ وَلَا نَرْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ مِنْ عَهْدٍ، وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَنُطِيعُ اللَّهَ
وَنُطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدِهِ الْأُمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ» الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي، وَمَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، فَقَدْ
أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، وَأَنْتَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنْتَهُمَا الْأُمَّمَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَأَنَا أَبُوهُمَا
قَبْلَهُ.

وَقُولُوا: أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأُمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا
مَأخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسْتِنَا وَمُصَافَقَةَ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَأَقْرَبَهُمَا
بِلِسَانِهِ وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا، وَلَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا، أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا
وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ، وَكُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَاسْتَتَرَ وَمَلَائِكَةُ اللَّهِ وَجُنُودُهُ وَعَبِيدُهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ «وَعِظْتَنَا بِوَعِظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأُمَّةِ الَّذِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا فَالْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ لَهُمْ مَاخُودَ مِنَّا مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا
وَالْأَسْتِنَا وَصَمَائِرُنَا وَأَيْدِينَا مِنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَالْأَقْرَبَ لِسَانِهِ وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهَ
مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا نَحْنُ نُوَدِي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَاهَالِينَا وَنَشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ
وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

٤٩. مَعَاشِرَ النَّاسِ: مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ «فَمَنْ اهْتَدَى
فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا».





وَمَنْ بَاعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ. «بَدَّاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۱.

۵۰. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي بِبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً، يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى «فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲.

۵۱. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُولُوا: «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۳ وَقُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلًا رَبَّنَا بِالْحَقِّ»^۴.

۵۲. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَّفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

۵۳. مَعَاشِرَ النَّاسِ: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

۵۴. مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلْسَابِقُونَ [أَلْسَابِقُونَ] إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمَوَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

۵۵. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قُولُوا مَا يُرِضِي اللَّهَ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا^۵.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَا أَدَيْتَ وَأَمَرْتَ وَأَغْضَبَ عَلَى الْجَاهِدِينَ الْكَافِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

◆◆ ترجمه خطبه نورانی غدیر خم ◆◆

به نام خداوند بخشنده مهربان^۶

حمد و ستایش پروردگاری را که در عظمت یکتا و در وحدانیت بی‌همتاست، سلطنت او با عظمت و در اداره امور خلاقیت مقتدر و به همه مخلوقات دانا و در همه جا حاضر و

۱. زمر / ۲۱.

۲. فتح / ۱۰.

۳. بقره / ۲۸۵.

۴. اعراف / ۴۳.

۵. آل عمران / ۱۴۴.

۶. ترجمه کامل خطبه نورانی غدیر است که با تیترهایی مناسب بخش بخش شده است.



او خدای یگانه‌ایست که جز او خالق و وجود ندارد. صنع او حکیمانه و آفرینش او نیکوست، دادگری که ظلم و جور ندارد. و بزرگواری که بازگشت همه امور به سوی اوست.

♦♦ مالک تمام ملک وجود ♦♦

و شهادت می‌دهم که هر موجودی در پیشگاه با عظمتش متواضع و فروتن است و هر چیزی در برابر هیبت و قدرتش حقیر و ناچیز است، مالک تمام ملک وجود و گرداننده همه کُرّات موجود است، خورشید و ماه به فرمان او بوده و هر یک در مجرای حرکت خود برای مدتی که خواست اوست در گردشند، روشنایی روز را به تاریکی شب می‌پوشاند و ظلمت شب را به روشنایی روز مبدل می‌نماید، چرخ آفرینش شب و روز شتابان در حرکتند.

او قهاریست که طاعی سرکش را از پای در می‌آورد و هر شیطان متمرد را هلاک می‌گرداند، کسی با او منازعه نکند و برای او شبیه و نظیری وجود ندارد. یگانه‌ایست که نیاز ندارد، نه زاییده و نه زاییده شده و کسی با او همتا نیست.

خدایی که یگانه است و پروردگاری که با عظمت است، آنچه اراده فرماید موجود می‌گردد و به آنچه موجود کرده آگاه است، اوست که می‌میراند و حیات می‌بخشد. تهی دست می‌کند و بی‌نیاز می‌گرداند، می‌خنداند و می‌گریاند، باز می‌دارد و عطا می‌فرماید.

ملک هستی از آن او و ستایش برای او و خیر و سعادت به دست اوست و بر انجام هر کاری قادر است. شب را به روز می‌آورد و روز را شب می‌گرداند؛ نیست خدایی مگر خدای بخشنده و آمرزنده.

دعا را اجابت می‌فرماید و عطای خود را زیاد می‌گرداند. آمار و شماره آفرینش خود را دارد، آفریننده همه خلایق از جن و انس می‌باشد، هیچ کاری بر او دشوار نیست، در فریادرسی بیچارگان ملول نمی‌شود و اصرار درخواست کنندگان او را نمی‌آزارد، حافظ نیکوکاران و توفیق‌بخش رستگاران و ولی نعمت جهانیان است. خداوندی که سزاوار است همه خلایق شکرگزار او باشند.

♦♦ جبرئیل سه بار نازل شد و امر خدا را ابلاغ کرد ♦♦

اعتراف می‌کنم به بندگی خود و گواهی می‌دهم به خداوندی او، و انجام می‌دهم آنچه را که به من وحی فرماید، اگر خودداری نمایم از ابلاغ آنچه به من وحی شده، می‌ترسم به بلائی مبتلا شوم که احدی نتواند از من دفع نماید هرچند تدبیر او زیاد باشد.

خدایی جز او نیست، او به من اعلام فرموده که اگر آنچه وحی شده نرسانم، تبلیغ رسالت نکرده‌ام و خداوند ضمانت نموده که مرا حفظ فرماید و خداوند کریم برای حفظ من کافی است.

خداوند بر من وحی فرستاده است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان» ای پیغمبر! برسان آنچه را که فرستاده شد به سوی تو از پروردگارت (در مورد خلافت حضرت علی علیه السلام) و اگر نرسانی تبلیغ رسالت نکرده‌ای و خداوند تو را از شر مردم حفظ خواهد نمود»^۱.

ای مردم! در ابلاغ آنچه بر من وحی شده کوتاهی نکرده‌ام و برای شما سبب نزول این آیه را بیان می‌نمایم.

جبرئیل علیه السلام سه بار بر من نازل شد و سلام پروردگار را به من ابلاغ نمود و پروردگار نامش سلام است و مرا مأمور نمود که در این محل قیام کنم و آنچه را وحی آورده به شما ابلاغ نمایم. اعلام می‌کنم که همه بدانند و سفید و سیاه آگاه شوند که علی بن ابی طالب برادر من، وصی من و جانشین من و امام بعد از من است و مقام او نسبت به من مانند مقام هارون نسبت به موسی است، جز آنکه پیغمبری بعد از من نخواهد آمد و او بعد از خدا و رسول، ولی و پیشوا بر شماست و این فرمان را خداوند تبارک و تعالی صادر فرموده است.

این آیه از کتاب خداست: «این است و جز این نیست، ولی شما خدا و رسول او هستید و آنان که ایمان آورده‌اند و اقامه نماز می‌نمایند و در حال رکوع زکات می‌دهند»^۲.

۱. مائده / ۶۷

۲. مائده / ۵۵



و علی بن ابی طالب اقامه نماز نمود و در حال رکوع زکات داد و او در هر حال رضای پروردگار را می جوید.

◆◆ از جبرئیل سؤال کردم ◆◆

ای مردم! من از جبرئیل علیه السلام سؤال نمودم آیا ممکن است که خداوند مرا از ابلاغ این امر معاف فرماید؛ برای آن که می دانم پرهیزکاران کم هستند و منافقین بسیارند. و فسادانگیزان گنه کار که به اسلام حيله و استهزا می کنند بی شمارند و خداوند تبارک و تعالی در قرآن آن ها را معرفی می نماید که:

آن ها آنچه با زبان می گویند به آن ایمان ندارند و گمان می کنند این کار کوچکی است در حالی که در پیشگاه خداوند بسیار بزرگ می باشد.

آن ها مرا بسیار اذیت کردند و به من نسبت دادند که به هر سخن گوش می دهم و آن را قبول می نمایم و گمان کردند چنین هستیم، برای آن که با علی ملازم بودم و به او عنایت داشتم تا این که خداوند عزوجل در پاسخ آن ها وحی نازل نمود و چنین فرمود: «از ایشان کسانی هستند که پیغمبر را می آزارند و می گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله فردی خوش باور است، بگو گوش دادن پیغمبر به صحبت دیگران خیر شماست زیرا او به خدا ایمان دارد و گفته های مؤمنین را تصدیق می نماید»^۱.

اگر بخواهم نام آن ها را بیان نمایم، بیان می نمودم و اگر بخواهم آن ها را معرفی کنم معرفی می کردم و اگر بخواهم آن ها را نشان دهم، نشان می دادم ولی به خدا سوگند درباره آن ها بزرگواری می کنم و آن ها را رسوا نمی نمایم و با همه این گذشت ها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه را وحی فرموده ابلاغ نمایم: سپس این آیه را تلاوت نمودند:

«ای پیغمبر! آنچه از خداوند وحی شد به سوی تو آن را برسان (درباره علی) و اگر نرسانی تبلیغ رسالت نکرده ای و خداوند تو را از شر مردم حفظ می نماید»^۲.

۱. سوره توبه / ۶۱

۲. سوره مائده / ۶۷



و تکبر نمایید، او تنها کسی است که شما را به سوی حق رهبری می‌نماید و به حق عمل می‌کند و باطل را محو می‌نماید شما را از باطل باز می‌دارد و از ملامت ملامت‌کنندگان در راه خدا بیمی ندارد.

علی اول کسی است که ایمان به خدا و رسول او آورد و برای حفظ جان رسول خدا جانبازی نمود.

و اول کسی است که با رسول خدا پروردگار را عبادت می‌کرد، هنگامی که احدی از مردان، غیر از او با من خدا را عبادت نمی‌کرد.

ای مردم! علی را بزرگ شمارید که خداوند او را فضیلت داده و به فرمان او باشید که خداوند او را به خلافت منصوب نموده است.

ای مردم! علی پیشوای شما از طرف خداست و خداوند هرگز عذر کسی را که منکر پیشوایی او باشد نمی‌پذیرد و چنین شخصی آمرزیده نخواهد شد.

هر که فرمان پروردگار را درباره پیشوایی علی رد کند بر خداست که او را عذاب نماید عذاب دردناکی که هرگز پایان نداشته باشد. پس ای مردم! بترسید از این که با علی مخالفت کنید و بترسید از آتشی که هیزم آن سنگ و اندام گنهکاران باشد، این آتشی است که بر کافران مهیا شده است.^۱
ای مردم!

به خدا سوگند پیغمبران خدا همه به رسالت من بشارت داده‌اند و من خاتم پیغمبران و رسولان هستم و حجت خدا بر تمام مخلوقات زمین و آسمان‌ها می‌باشم، هر که در رسالت من شک کند کافر است و به کفر زمان جاهلیت خواهد بود و هر که در یکی از گفتارهای من شک کند محققاً در همه گفتارهای من شک خواهد داشت و مأوایش جهنم است.

ای مردم! خداوند با این فضیلت که به من عطا فرموده بر من منت نهاده و این احسانی است از طرف پروردگار من نیست معبودی جز او و تا جهان برقرار و روزگار پایدار است حمد و ستایش من همیشه بر او باد.

۱. بقره / ۱۲۴.



آنان امانت خداوند در میان مردم و فرمانروای خدا در زمین می‌باشند. آگاه باشید که من امر رسالت را ادا کردم، آگاه باشید که آنچه باید برسانم رساندم، آگاه باشید که به شما شنوادم، آگاه باشید که بر شما آشکار نمودم، آگاه باشید که خداوند عزوجل فرمود و من هم از جانب پروردگار تبارک و تعالی گفتم، آگاه باشید که امیرالمؤمنین غیر از برادرم علی نیست و این منصب بعد از من بر احدی غیر از علی نخواهد بود.

♦♦♦ دست امیرالمؤمنین علیه السلام جلوی مردم بالا رفت ♦♦♦

آن‌گاه بازوی علی علیه السلام را گرفت و بلند نمود و این اولین مرتبه‌ای بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست خود را تا این حد بالا برد، سپس فرمود: ای مردم! این علی برادر من و وصی من و مخزن دانش و جانشین من بر امت و مفسر کتاب خداوند عزوجل می‌باشد. او کسی است که شما را به قرآن دعوت می‌نماید و عامل می‌باشد به آنچه مورد رضای پروردگار است او با دشمنان قرآن به جنگ بر می‌خیزد و با آن‌هایی که پیرو قرآن هستند دوستی می‌نماید و مردم را از معصیت خدا باز می‌دارد. او جانشین رسول خدا و امیرمؤمنان و راهنمای مردم است و به امر خداوند با عهد شکنان و ستمگران و آن‌هایی که از دین خارج شده‌اند جهاد می‌نماید، آنچه می‌گوییم از نزد خود نمی‌گوییم، بلکه به فرمان خداوند می‌گوییم.

خدایا! دوست بدار هر که علی را دوست دارد، دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد، و دور گردان از رحمت خود آن‌هایی که پیشوایی او را انکار کنند و غضب فرما بر کسانی که حق او را غضب کنند.

پروردگارا! تو این فرمان را بر من نازل فرمودی و پیشوایی امت را بعد از من مخصوص علی، ولی خود قرار دادی و دستور دادی که مردم را از آن آگاه نمایم و او را به پیشوایی منصوب گردانم و به این سبب دین را بر بندگان کامل و نعمت را بر آن‌ها تمام گردانیدی و از بندگان به داشتن دین اسلام راضی شدی^۱ و فرمودی: «هر کس

۱. اشاره به آیه ۳ سوره مائده.



♦♦ ♦ علی علیه السلام مرز دین داری است ♦♦ ♦

ای مردم! نسل هر پیغمبری از صلب خود اوست و نسل من از صلب علی خواهد بود. ای مردم!

شیطان با حسدی که داشت به وسوسه آدم را از بهشت بیرون کرد، مبادا شما حسد برید که اعمالتان باطل شود و قدم‌هایتان بلغزد.

همانا آدم علیه السلام به سبب یک خطا بر زمین هبوط نمود در حالی که او برگزیده خداوند عزوجل بود، پس چگونه است کفر شما و حال آن که بعضی از شما دشمنان خدا خواهید بود.

آگاه باشید که دشمنی با علی نمی‌کند مگر کسی که بدبخت است و دوستی با او نمی‌ورزد مگر کسی که پرهیز کار است.

ایمان به او نمی‌آورد، مگر کسی که ایمان او خالص باشد. به خدا سوگند که سوره «عصر» در مورد علی نازل شده است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان - قسم به عصر که بشر در زیانکاری است»، تا پایان سوره.^۵

ای مردم! خدا را گواه می‌گیرم که مأموریت خود را انجام دادم و فرمان خدا را به شما رساندم و بر فرستاده خدا وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار نمی‌باشد.^۶

ای مردم! از خداوند بترسید و آنچه را که حق پرهیزکاری است عمل نمایید تا مسلمانان بمیرید.^۷

♦♦ ♦ دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مسلمانان ♦♦ ♦

دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و آنچه را که بایستی مسلمانان اطاعت کنند:

ای مردم! به خدا و رسول او، ایمان آورید و ایمان بیاورید به نوری که نازل شده به رسول او قبل از آن که اعمالتان ناچیز شود و صورت‌هایتان به حسرت به عقب برگردد.^۸

۵. سوره عصر، آیه ۳ - ۱.

۶. اشاره به آیات ۳۵ سوره نحل و ۵۴ سوره آل عمران.

۷. آل عمران / ۱۰۲.

۸. نساء / ۴۷.

ای مردم! نور مطلق از جانب خداوند عزوجل می‌باشد و آن نور در طریق من و بعد از من در طریق علی و بعد از او در طریق نسل او خواهد بود تا زمان حضرت قائم مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه)؛ آن کسی که حق را آشکار نماید و حق از دست رفته ما را به ما برگرداند. خداوند عزوجل ما را حجت خود قرار داده بر آن‌هایی که کوتاهی می‌کنند و دشمنی می‌ورزند و مخالفت و خیانت می‌نمایند و گنه‌کار و ستمکار می‌باشند از بین همه مردم جهان.

ای مردم! شما را از اعمال زشتان می‌ترسانم و من فرستاده خداوند بر شما هستم و پیش از من هم رسولانی آمدند. آیا اگر من مردم یا کشته شدم به آئین پیشینیان خود بازگشت می‌نمایید؟ هر که از اسلام برگشته به گذشتگان خود بپیوندد هرگز به خداوند ضرری نمی‌رساند و خداوند پاداش شکرگزاران را به زودی عطا می‌فرماید.^۱ آگاه باشید که علی به شکیبایی و شکرگزاری موصوف است و بعد از او فرزندان من که از صلب او هستند صبور و شاکر می‌باشند.

ای مردم! بر خدا منت نگذارید که مسلمان شده‌اید و اگر منت نهدید، خداوند بر شما غضب نموده و شما را به عذاب گرفتار می‌نماید، زیرا او مراقب اعمال شماست. ای مردم!

به زودی بعد از من پیشوایانی شما را به آتش دعوت می‌نمایند و آن‌ها در قیامت باوری نخواهند داشت. ای مردم! بدانید که خداوند تبارک و تعالی و من از آن‌ها بیزاریم.

♦♦ صحیفه‌ای پنهانی از قبل نوشته بودند ♦♦

ای مردم! بدانید که آن‌ها با یاران و پیروانشان در درکات پست جهنم جای دارند و متکبران جایگاه بدی خواهند داشت.

آگاه باشند که آن‌ها در صحیفه با هم جمع شوند، پس شما باید در موضوع صحیفه توجه نمایید. زیرا توطئه صحیفه^۲ همه را جز عده معدودی به گمراهی می‌کشاند.

۱. اشاره به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران.

۲. چند نفر از نزدیکان رسول خدا ﷺ پنهانی متنی را نوشته و هم عهد شدند که بعد از رسول خدا ﷺ نگذارند خلافت به دست امیرمؤمنان علی ﷺ افتد محل این قرارداد و نام امضاء کنندگان آن در تاریخ به طور کامل آمده است.



ای مردم! من امامت و پیشوایی امت را به امانت به شما می سپارم و آن را به وارث در فرزندان و اعقاب خود تا روز قیامت قرار می دهم.

ای مردم! آنچه به ابلاغ آن مأمور بودم به شما رساندم و این ابلاغ حجتی است بر کسانی که حاضرند و آنهایی که غائب می باشند و کسانی که شاهدند و حضور دارند و آنهایی که حضور ندارند و کسانی که متولد نشده اند پس باید حاضرین به غائبین و پدرها به فرزندها تا قیامت این پیام را برسانند.^۱

به زودی امامت به صورت زمامداری و کشورداری غصب می گردد، لعنت خدا باد بر غصب کنندگان و آنهایی که غاصبین را یاری می نمایند. و پروردگار به زودی به حساب جن و انس رسیدگی می فرماید^۲ و آن گاه شعله هایی از آتش و مس گداخته بر متمرذین می افروزد که نتوانند از خود دفع نمایند.^۳

◆◆ راه خود را از او جدا نکنید ◆◆

ای مردم!

خداوند عزوجل شما را به حال خود واگذار ننموده که هرچه بخواهید انجام دهید، این آزادی عمل برای آنست که ناپاک از پاک جدا گردد و خداوند شما را به علم غیب آگاه ننموده است.^۴

ای مردم! به خدا سوگند اهل شهرها و قریه ها هلاک نشدند مگر آن که گفتار پیغمبران خود را تکذیب نمودند و خداوند هلاک می نماید کسانی را که ستمکار باشند همچنان که در کتاب خود نام آن ها را ذکر فرموده است.

این علی امام و پیشوای شماست و او از مواعید الهی می باشد و خداوند به آنچه وعده فرموده وفا می نماید.

ای مردم!

۱. پدران و مسئولان فرهنگی کشور بایستی راهی برای گسترش و تبلیغ و ترویج این خطبه به زبان های مختلف و در مراکزی مثل صداوسیما و در کتب درسی و طریقه حفظ آن ببندیشند، این دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

۲. الرحمن / ۳۰.

۳. الرحمن / ۳۴.

۴. آل عمران / ۱۷۹.

بیشتر پیشینیان گمراه شدند و خداوند آن‌ها را هلاک نمود و بازماندگان متمرّد را نیز هلاک خواهد نمود و همچنان که خداوند تبارک و تعالی فرماید:

«آیا هلاک نکردیم گذشتگان را؟ همان طور هلاک می‌نماییم بازماندگان را و با گنهکاران چنین معامله خواهیم کرد. وای بر حال آن‌ها در روز قیامت، اگر گفتار پیغمبران را تکذیب کرده باشند»^۱.
ای مردم!

خداوند به من امر و نهی فرموده و من به علی امر و نهی نمودم و علی آگاه شد به آنچه خداوند عزوجل به من امر و نهی فرموده است، پس بشنوید فرمان او را تا از غضب خداوند ایمن شوید و اطاعت کنید امر او را تا رستگار شوید و از نهی او احتراز کنید تا سعادت‌مند گردید و به میل او عمل نمایید و راه خود را از او جدا نسازید.

◆◆ معرفی پیروان اهل بیت^{علیهم‌السلام} و دشمنان او ◆◆

ای مردم! من صراط مستقیم الهی در میان خلائق هستم که شما را به پیروی از فرمان خدا امر می‌کنم و بعد از من علی صراط مستقیم خداوند می‌باشد و بعد از علی، فرزندان من از صلب او پیشوایان امت‌اند و مردم را به پیروی از فرمان خداوند دعوت نموده و در طریق حق راهنمایی می‌نمایند. سپس فرمود:

«حمد و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، خداوند بخشنده و مهربان است، صاحب روز پاداش است، پروردگارا! تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌طلبیم، ما را به راه راست هدایت فرما، راه کسانی که بر آن‌ها نعمت بخشیدی نه راه کسانی که بر آن‌ها غضب نمودی و نه راه گمراهان»^۲.

سوره حمد درباره من و علی و عترت من نازل شده است و شامل حال آن‌ها بوده و به آن‌ها اختصاص دارد و آن‌ها دوستان خدا هستند و ترس و وحشتی بر آن‌ها نیست و محزون هم نخواهند شد.

آگاه باشید حزب خداوند غالب است.^۳

۱. سوره مرسلات / آیات ۱۶ - ۱۹.

۲. حمد، آیات ۱ - ۷.

۳. اشاره به آیه ۱۱۲ سوره انعام.



آگاه باشید دشمنان علی اهل تفرقه و نفاق و دشمن یکدیگر بوده و از نظر خصلت برادران شیاطین هستند که بعضی بر بعض دیگر وحی و الهام می‌نمایند و گفتار ناهنجار آن‌ها از روی غرور و جهل می‌باشد.^۱

◆◆ وصف پیروان علی علیه السلام ◆◆

آگاه باشید دوستان علی و فرزندان او و ایمان آورندگان به خدا هستند که خداوند عزوجل در کتاب خود آن‌ها را چنین توصیف می‌فرماید:

«ای پیغمبر! نمی‌یابی مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند و با دشمنان خدا و رسول دوستی نمایند اگرچه آن‌ها از پدران یا فرزندان یا برادران یا اقوام ایشان باشند، خداوند ایمان را در دل‌هایشان قرار داده است و آن‌ها را از جانب خود یاری می‌فرماید و آن‌ها به بهشت‌هایی داخل می‌شوند که در زیر درختان آن جوی‌ها روان است و در آنجا جاویدان بوده و خداوند از آن‌ها راضی و آن‌ها هم از خدا راضی می‌باشند و آن‌ها حزب خدا هستند و حزب خدا رستگار خواهد بود».^۲

آگاه باشید دوستان علی و عترت من را خداوند تبارک و تعالی چنین توصیف می‌فرماید:

«آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده و ایمانشان را به ظلم آلوده ننموده‌اند آن‌ها ایمن از عذاب پروردگار می‌باشند و رستگار خواهند بود».^۳

آگاه باشید دوستان علی و عترت من کسانی هستند که داخل بهشت می‌شوند و در امن و امان می‌باشند و فرشتگان را ملاقات می‌نمایند در حالی که به آن‌ها خیر مقدم می‌گویند «و نوید می‌دهند که شما در بهشت جاویدان هستید».^۴

آگاه باشید دوستان علی و عترت من کسانی هستند که بدون حساب داخل بهشت خواهند شد».^۵

۱. اشاره به آیه ۱۱۲ سوره انعام.

۲. مجادله / ۳۲.

۳. انعام / ۸۲.

۴. اشاره به آیه ۷۳ سوره زمر.

۵. غافر / ۴۰.



آگاه باشید او از ظالمین انتقام می‌گیرد.
 آگاه باشید او تمام دژها را فتح نموده و ویران می‌گرداند.
 آگاه باشید او مشرکین را از هر نژاد و ملتی باشند نابود می‌نماید.
 آگاه باشید او انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد.
 آگاه باشید او یاور دین خداوند عزوجل می‌باشد.
 آگاه باشید او کشتیبان دریای مَوّاج و سامان‌بخش زندگی متلاطم خلایق است.
 آگاه باشید او فضل و برتری انسان‌های دانا و جهل و بی‌خردی نادانان را می‌داند.
 آگاه باشید او برگزیده خداوند و منتخب او می‌باشد.
 آگاه باشید او وارث علوم است و علوم او به تمام علوم احاطه دارد.
 آگاه باشید او گزارش دهنده فرمان خداوند عزوجل می‌باشد و احکام الهی را روشن می‌نماید.

آگاه باشید او درست‌کردار است و در انجام امور پایدار و استوار می‌باشد.
 آگاه باشید امور خلایق به او تفویض شده است.
 آگاه باشید پیامبران گذشته همه به وجود او بشارت داده‌اند.
 آگاه باشید او آخرین حجت خداوند است و بعد از او حجتی نخواهد بود و در جهان حقی نیست مگر با او و علم و دانشی نیست مگر نزد او.
 آگاه باشید هیچ کس بر او غلبه نمی‌نماید و کسی بر او پیروز نمی‌گردد.
 آگاه باشید او ولیّ خدا در زمین می‌باشد و حکم و فرمان او، حکم و فرمان خداوند است و پروردگار او را به اسرار آفرینش خود از پنهان و آشکار، آگاه ساخته است.

◆◆ مطرح کردن بیعت ◆◆

ای مردم! آنچه لازم بود برای شما روشن نمودم و به شما فهماندم و بعد از من علی آنچه لازم باشد به شما می‌فهماند. پس از آن که خطبه من پایان یافت شما را به همدستی و بیعت با علی دعوت می‌نمایم و بعد از آن که من با او بیعت نمودم، شما با او بیعت نمایید و به او تبریک گوئید.

آگاه باشید من با خداوند عهد و پیمان بسته‌ام و علی با من بیعت نموده است و من

از طرف خداوند عزوجل از شما برای علی بیعت می‌گیرم پس هر که عهدشکنی کند ضرر آن بر خود اوست.^۱

♦♦ بیان واجبات و محرمات ♦♦

ای مردم! سعی بین صفا و مروه از شعارهای خدایی است، هر کس حج خانه خدا نماید یا عمره به جای آورد گناهی بر او نمی‌باشد که بر صفا و مروه طواف نماید و کسی که کارهای نیک انجام دهد خداوند پاداش او را می‌دهد و به اعمال بندگان آگاه است.^۲ ای مردم! به زیارت خانه خدا روید، هیچ خاندانی وارد مکه نشود مگر آنکه به لطف میزبان مستغنی گردد و هیچ خاندانی سربپیچی ننماید مگر آن که فقیر و مستمند گردد. ای مردم!

هیچ بنده مؤمنی در مواقع حج توقف ننماید مگر آن که خداوند گناهانش را ببخشد و چنانچه زمان وقوف منقضی گردد و حج انجام نشود باید در سال دیگر انجام داده شود. ای مردم! حجاج مورد لطف خاص پروردگار می‌باشند و آنچه در راه خدا خرج نمایند برای آن‌ها ذخیره خواهد بود و خداوند عمل هیچ نیکوکاری را ضایع نمی‌نماید.^۳ ای مردم! زیارت خانه خدا را برای اکمال دین و انفاق در راه او انجام دهید و از آن جایگاه برنگردید مگر آنکه از گناهان خود توبه نمایید و تصمیم بگیرید که دیگر هرگز مرتکب گناه نشوید.

♦♦ ای مردم! نماز ♦♦

ای مردم! نماز به پای دارید و زکات دهید آن چنان که خداوند تبارک و تعالی دستور فرموده است و اگر هر آینه مدت زمانی گذشت و شما در انجام فرامین الهی کوتاهی کردید و یا احکام را فراموش نمودید پس علی پیشوا و روشن کننده احکام الهی بر شماست، خداوند عزوجل او را بعد از من به این سمت منصوب فرموده است. و خداوند او

۱. فتح / ۱۰.

۲. بقره / ۱۵۸.

۳. اشاره به آیات ۱۲۰ سوره توبه و ۱۱۵ سوره هود و آیات دیگر.



را مانند من آفریده، هرچه از او سؤال نمایید به شما پاسخ می‌دهد و بر شما بیان می‌نماید آنچه را که نمی‌دانید. آگاه باشید حلال و حرام احکام الهی بیش از آنست که من همه را یادآور شوم و شما را به تمام آن‌ها آگاه نمایم ولی در این مقام شما را به حلال خدا امر می‌کنم و از حرام او نهی می‌نمایم و من مأمور هستم که به شما اتمام حجت نمایم و برای قبول آنچه را که پروردگار عزوجل بر من نازل فرموده از شما برای علی امیرمؤمنان بیعت بگیرم و پیشوایان بعد از او را که از فرزندان من و نسل او می‌باشند به شما معرفی نمایم؛ پیشوایانی که قائم آن‌ها حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و تا روز قیامت حجت خدا بر خلق خواهد بود و به حق حکومت می‌فرماید.

◆◆ ای مردم! دستورات را تغییر ندهید ◆◆

ای مردم! من شما را به هر حال دلالت کردم و از هر حرامی نهی نمودم و هرگز نمی‌توانم از گفتار خود برگردم و آن را تغییر و تبدیل نمایم، بر شماست که آن‌ها را به یاد آورید و به خاطر بسپارید و به یکدیگر توصیه نمایید و آن‌ها را تغییر و تبدیل ننمایید. آگاه باشید من مجدداً گفتار خود را تکرار می‌نمایم، نماز به پای دارید و زکات بدهید. امر به نیکی کنید و از منکر نهی نمایید و آگاه باشید که بالاترین امر به معروف آنست که در گفتار من استوار و ثابت قدم بمانید و به کسانی که در این محل حضور ندارند گفتار مرا برسانید و آن‌ها را به قبول آن وا دارید و از مخالفت با آن نهی نمایید. این فرمانی است که از جانب خداوند عزوجل صادر شده و من شما را به اطاعت از آن امر می‌نمایم و امر به معروف و نهی از منکر همان امر و نهی امام معصوم می‌باشد.

◆◆ خداوند در قرآن امامان را به شما معرفی کرده است ◆◆

ای مردم! خداوند در قرآن به شما معرفی می‌نماید که امامان بعد از علی فرزندان او هستند. من هم به شما معرفی نمودم که آن‌ها فرزندان من و علی می‌باشند. چنانچه خداوند تبارک و تعالی در کتاب خود فرماید:



نمودی و منزلت آن‌ها را در پیشگاه خداوند بیان داشتی و آن‌ها بزرگواران و آقایان جوانان اهل بهشت می‌باشند و بعد از پدرشان علی و من پیشوایان امت خواهند بود.

◆◆ ای مردم مجدد اقرار کنید ◆◆

ای مردم!

باز هم بگویید اطاعت می‌کنیم خدا و رسول او را و اطاعت می‌نماییم علی و حسنین و امامان پس از ایشان را و عهد و پیمان می‌بندیم با علی امیرمؤمنان با دل‌های خود و جان‌های خود و زبان‌های خود و بیعت می‌نماییم با کسی که با علی بیعت نموده است و اقرار می‌نماییم که هرگز این بیعت را تبدیل نکنیم و هرگز از آن سرپیچی ننماییم و در این بیعت خدا را شاهد می‌گیریم و خداوند برای شهادت کافست و توهم بر ما شاهد باش و تمام کسانی که فرمانبر تو هستند از آن‌هایی که حضور دارند و آن‌هایی که حضور ندارند و فرشتگان و مؤمنین، همه بر ما شاهد باشید و شهادت خداوند بالاترین شهادت‌ها است.

◆◆ خدا صدای اقرار شما را شنید ◆◆

ای مردم! آنچه را که می‌گویید خداوند صدای شما را می‌شنود و از ضمیر شما آگاه است، هر که پیروی نماید رستگار خواهد شد و هر که سرپیچی نماید ضرر آن بر خود اوست^۱، هر که با علی بیعت نماید با خداوند عزوجل بیعت نموده است. و دست قدرت خداوند بالاترین دست‌هاست.^۲ ای مردم! از خدا بترسید و با علی امیرمؤمنان بیعت نمایید و بدانید که او و فرزندان او حسن و حسین و پیشوایان بعد از آن‌ها کلمه پاک و باقیه الهی در زمین می‌باشند، خداوند هلاک می‌نماید کسی را که حيله کند، و ترحم می‌فرماید بر کسی که وفادار بماند، پس هر که عهدشکنی کند به خود ستم کرده است.^۳

۱. زمر / ۲۱.

۲. فتح / ۱۰.

۳. فتح / ۱۰.

ای مردم! آنچه را که با شما گفتم به دیگران بگویید و بر علی سلام دهید و او را امیرالمؤمنین بخوانید و بگویید: «پروردگارا! شنیدیم و اطاعت کردیم و امرش تو را می‌طلبیم و بازگشت ما به سوی تو می‌باشد»^۱ و بگویید: «حمد و ستایش خدا را که ما را راهنمایی فرمود و اگر راهنمایی نمی‌نمود رستگار نمی‌شدیم»^۲.

♦♦ راه کسب رستگاری بزرگ ♦♦

ای مردم! فضائل علی بن ابی‌طالب را خداوند عزوجل در قرآن ذکر فرموده و آن بیشتر از آنست که در یک مجلس بتوان بیان نمود. پس هر که به فضائل او آگاه شود و او را بشناسد، پیشوایی او را تصدیق نماید.

ای مردم! هر که از خدا و رسول و علی امیرمؤمنان و امامان بعد از او که به شما معرفی نمودم اطاعت کند محققا به رستگاری بزرگی نائل شده است.

ای مردم! آن‌هایی که برای بیعت با علی سبقت گیرند و او را دوست بدارند و او را امیر مؤمنین بخوانند به نعم الهی در بهشت سرفراز خواهند شد.
ای مردم!

سخنی گویند که خدا از شما راضی و خشنود گردد و اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید هرگز ضرری به خدا نمی‌رسانید.^۳
پروردگارا! مردان مؤمن و زنان مؤمنه را پیامرز و کافران را مورد خشم خود قرار ده، حمد و ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است.

♦♦ ۲. حدیث غدیر در کتاب اسنی المطالب ♦♦

ابوالخیر محمد جزری شافعی (متوفای ۸۳۳ هـ ق.) در کتاب خود حدیث غدیر را چنین عنوان نموده:

فاطمه دختر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از عمه هایش فاطمه (حضرت فاطمه

۱. بقره / ۲۸۵.

۲. اعراف / ۴۳.

۳. آل عمران / ۱۴۴.



معصومه «س» زینب و ام کلثوم دختران امام موسی بن جعفر نقل می کند که آنان فرمودند: فاطمه دختر امام صادق از عمه اش فاطمه، دختر امام محمد باقر و او از عمه اش فاطمه دختر امام زین العابدین نقل می کند که فاطمه و سکینه دختران امام حسین از عمه اش ام کلثوم دختر امیرمؤمنان علی نقل می کند که مادرش فاطمه زهرا دختر رسول خدا خطاب به مردم فرمود:

«انسیتم قول رسول الله یوم غدیرخم: من كنت مولاہ فعلی مولاہ وقوله: انت منی بمنزله هارون من موسی».

آیا کلام و فرمایش رسول خدا را فراموش کرده اید که در روز غدیر خم فرمود: هر کس من مولای او باشم پس علی نیز مولای اوست. و یا قول دیگر پیامبر که فرمود: یا علی! جایگاه تو نسبت به من همانند موقعیت هارون نسبت به موسی می باشد.^۱ و پیامبر خدا فرمود: ای علی! ایمان با گوشت و خون تو در آمیخته است، چنان که با گوشت و خون من عجین شده است.^۲

۲. حدیث غدیر به نقل از احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در مسند خود جلد ۴، ص ۲۱۸ سلسله روایان خود را به براء بن عازب رسانده و می گوید:

براء بن عازب روایت می کند که در سفر حج با رسول خدا بودیم چون به غدیر رسیدیم زمان نماز را اعلان کردند و زیر دو درخت را نظافت و آماده کردند و پیامبر نماز ظهر را به جای آورد و سپس دست حضرت علی را گرفته و فرمود: آیا نمی دانید که من نسبت به مؤمنین از خود آنها سزاوارترم؟ حاضرین پاسخ دادند: آری! آن گاه دست حضرت علی را بلند کرد و فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم این علی مولا و سرپرست اوست. خدایا! هر که علی را دوست دارد، دوستش بدار و هر که علی را دشمن دارد دشمنش بدار.

۱. کتاب اسنی المطالب فی المناقب سیدنا علی بن ابی طالب، ص ۵۰، حدیث غدیر.

۲. کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۶۵، نوشته ابومحمد بن یوسف بن محمد قرشی گنجی شافعی کشته شده در سال ۶۵۸ هـ ق.



«معاشر الناس ذلک فان الله قد نصبه لکم ولیاً واماماً وفرض طاعته علی کل احد ماض حکمه جائز قوله ملعون من خالفه مرحوم من صدقه».

ای جماعت مردم! خداوند علی را ولی و امام شما قرار داد و واجب کرد اطاعت او را بر هر فردی و حکم او نافذ و جاری است ملعون کسی است که با او مخالفت کند و در رحمت خداست کسی که او را تصدیق کند.
طبری در کتاب دیگر خود چنین آورده:

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «فما جعل الله لاحد بعد غدیر خم من حجة ولا عذر»؛ یعنی: خداوند پس از واقعه بزرگ غدیر خم عذر و بهانه ای را بر کسی باقی نگذاشته است.^۱

طبری در کتاب الولاية ضمن بیان خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر چنین می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اسمعوا واطيعوا فان الله مولاکم وعلی امامکم - ثم الامامة فی ولدی من صلبه الی یوم القيامة - معاشر الناس هذا اخی ووصی وواعی و خلیفتی علی من آمن بی - و علی تفسیر کتاب ربی».

بشنوید و اطاعت کنید - پس همانا خداوند مولای شماست و علی امام شما می باشد - پس امامت از صلب علی تا قیامت در اولاد من است - ای جماعت مردم! علی برادر و جانشین و حافظ علم من و خلیفه من است بر کسی که ایمان به من آورده - و بر تفسیر کتاب پروردگار من.

۷. حدیث غدیر به نقل از احمد بن حنبل

امام احمد حنبل از علمای ممتاز و قدیمی اهل سنت و دارای تألیفات متعددی نیز می باشد و در نزد علمای اهل سنت عالمی مورد اعتماد بوده که متوفی سال ۲۴۱ هـ ق. است او در کتابش این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان فرموده: «من کنت مولاه فأنت علیاً مولاه».

هرکس من مولای اویم پس علی مولای اوست. (مولایی پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث به

۱. دلائل الامامة، ص ۳۹.



امور آن‌ها باشم؟ همه با هم گفتند: آری. بعد فرمود: آیا من سزاوارتر نیستم که ولایت بر هر مسلمانی داشته و حاکم بر سرنوشت او باشم؟ جواب دادند: بلی! آن‌گاه دست علیؑ را گرفته و فرمود: هر کس من ولایت بر او دارم علی نیز بر او ولایت دارد...^۱

۸. حدیث غدیر در کلام صحابی

صحابی بزرگ و مشهور رسول خداﷺ ابوسعید خدری و ابوهیره و انس بن مالک که در منابع و در نزد علمای اهل سنت بسیار اهل وثوق می‌باشند ضمن نقل ماجرای غدیر و اعلام شهادت در این خصوص به نقل روایت مشهور رسول خدا در غدیر اقدام کرده‌اند و تأکید کرده‌اند که حضرت فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه».^۲

ابوهیره از عمر بن خطاب و او از رسول خداﷺ نقل کرد که پیامبرﷺ به علیؑ فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» این روایت را عبدالله بن مسعود، ابویوب انصاری، زید بن ارقم، عطیه عوفی، سعد بن عبیده و ابن عباس نقل کرده‌اند.^۳

۹. حدیث غدیر در کتاب خطیب بغدادی

یکی از علمای معروف و مشهور اهل سنت خطیب بغدادی می‌باشد که در کتاب خود نقل می‌کند هر کس روز ۱۸ ذی الحجه (روز عید غدیر خم) را روزه بگیرد ثواب شصت ماه روزه برایش خواهد بود، سپس این عالم سنی آورده: روز عید غدیر خم پیامبرﷺ دست حضرت علیؑ را گرفت و فرمود: آیا می‌دانید که من نسبت به مؤمنین از خود آن‌ها سزاوارترم. حاضرین گفتند: آری. فرمود: هر کس من مولا و سرپرست اویم علیؑ هم مولا و سرپرست اوست. سپس عمر بن خطاب گفت: «بخ بخ لک یا بن ابی طالب اصبحت مولای و مولی کل مسلم».

به به! ای پسر ابیطالب مولا و سرور من و هر مسلمانی گردیدی، آن‌گاه آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» نازل شد.^۴

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۲.

۲. مناقب نوشته ابن مغزلی متوفی ۴۸۳ هـ ق.، ص ۲۶.

۳. مناقب نوشته ابن مغزلی، ص ۱۵۳ ح ۱۵۲.

۴. تاریخ بغداد نوشته ابوبکر احمد بن علی، خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ قمری، ج ۸، ص ۲۹۰.



ابلیس دشمن خدا چهار بار ناله کرد روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شد و روز عید غدیر. ^۱

۱۲. حدیث غدیر در کلام طلحه

ایاس ضبّی از پدرش نقل کرده که در جنگ جمل همراه با علی علیه السلام بودیم. پس حضرت علی علیه السلام به طلحه پیام داد که به دیدارش بیاید. طلحه آمد. حضرت به او گفت: «تو را به خدا سوگند می‌دهم! آیا شنیدی که پیامبر خدا بگوید: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. خدایا! دوستدارش را دوست و دشمنش را دشمن بدار؟». گفت: آری! حضرت گفت: «پس چرا با من می‌جنگی؟». طلحه گفت: به یاد نمی‌آورم (فراموش کرده بودم). بعد طلحه بازگشت از جنگ. ^۲

۱۳. کینه‌ای شیطانی

بریده گوید:

من از علی علیه السلام کینه و ناراحتی در دل داشتم و همین طور خالد بن ولید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا در میان گروهی با فرماندهی علی علیه السلام به جنگ فرستاد و اسیرانی گرفتیم. علی علیه السلام کنیزی از سهم خمس، برای خود برداشت. خالد بن ولید به من گفت: آن را به خاطر بسپار. چون بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدیم. به بازگو کردن ماجرا پرداختم و سپس گفتم: علی کنیزی از خمس را برگرفت. من مردی سر به زیر بودم. چون سرم را بالا کردم، دیدم که چهره پیامبر خدا دگرگون شده است. سپس گفت: «هر کس من ولیّ اویم علی ولیّ اوست». ^۳

بریده گوید:

من از علی علیه السلام کینه و ناراحتی در دل داشتم و همین طور خالد بن ولید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا

۱. قرب الاسناد، ص ۱۰.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۱۹.

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۹، ص ۱۲.

در میان گروهی با فرماندهی علی علیه السلام به جنگ فرستاد و اسیرانی گرفتیم. علی علیه السلام کنیزی از سهم خمس، برای خود برداشت. خالد بن ولید به من گفت: آن را به خاطر بسپار. چون بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدیم. به بازگو کردن ماجرا پرداختم و سپس گفتم: علی کنیزی از خمس را برگرفت. من مردی سر به زیر بودم. چون سرم را بالا کردم، دیدم که چهره پیامبر خدا دگرگون شده است. سپس گفت: «هر کس من ولی اویم علی ولی اوست».^۱

۱۴. وقایع بعد از بیان خطبه غدیر

بعد از پایان یافتن خطبه غدیر، آیه شریفه: **اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً** نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن زمان خوشحال بودند و فرمودند: الله اکبر از اكمال دين و اتمام نعمت، خداوند به رسالت من و لایت علی بعد از من خشنود گردید. بعد ایشان دستور فرمودند تا مسلمانان به خیمه حضرت علی علیه السلام وارد شوند و این جانشینی را به او تبریک بگویند حتی پیامبر صلی الله علیه و آله به همسران خود امر نمودند که به امام علی علیه السلام تبریک بگویند همچنین یکی از افرادی که به امام علی علیه السلام تبریک گفت و عرض کرد: **هنیئاً یابن ابی طالب**، عمر بن خطاب بود که این مطلب در منابع مهم تاریخی ذکر شده است.

بعد از معرفی امام علی علیه السلام توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان گروه گروه وارد خیمه آن حضرت شده و با ایشان بیعت کردند از جمله این افراد ابوبکر و عمر می باشند.

۱۵. غدیر در کتب اهل سنت (۱۰ مورد)

در منابع مهم اهل سنت به موضوع غدیر اشاره شده است که تعدادی از آن را در ذیل می آوریم.

۱. در کتاب فیض القدیر، نوشته المناوی ج ۶، ص ۳۱۷ متوفای ۱۰۳۱ هـ ق. این گونه آمده است:

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۹، ص ۱۲.



ابوبکر و عمر آن حضرت را مولا و سرور تمام مؤمنین و مؤمنات یاد می‌کنند.
۲. در کتاب ریاض النضره، ج ۳، نوشته محب طبری متوفای ۶۹۴ قمری سه روایت در این باره آمده که در یک روایت عمر، امام علی (ع) را مولا و سرور خود و تمام مسلمین خطاب کرده و در روایت دیگر مولا و سرور خود و در روایت آخر مولا و سرور کسانی که حضرت پیامبر (ص) مولا و سرور آنهاست.

۳. احمد بن حنبل در مسند خود ج ۴، ص ۲۱۸، ج ۵ و ص ۳۵۵ متوفای ۲۴۱ قمری سلسله راویان خود را به براء بن عازب رسانده و چنین آورده که براء بن عازب روایت می‌کند که در سفر حج با رسول خدا (ص) بودیم چون به غدیر رسیدیم اعلام نماز گردید و زیر دو درخت را تمیز و آماده کردند و پیامبر (ص) نماز ظهر را به جای آورد و آن‌گاه دست حضرت علی (ع) را گرفت و فرمود: آیا نمی‌دانید که من نسبت به مؤمنین از خود آن‌ها سزاوارترم؟ گفتند: آری! آن‌گاه دست حضرت علی (ع) را گرفت و فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی هم مولا و سرپرست اوست. خدایا! دوست بدار هر که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد. راوی گفت: در این هنگام عمر حضرت علی (ع) را ملاقات کرد و گفت: خوشا به حال تو ای پسر ابی‌طالب که صبح و شام کردی در حالی که مولا و سرپرست تمام مؤمنین و مؤمنات گردیدی.

۴. خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد ج ۸، ص ۲۹۰ نقل کرده که هر کس روز ۱۸ ذی‌الحجه (عید غدیر) را روزه بدارد برای او ثواب شصت ماه روزه خواهد بود آن‌گاه تأکید می‌کند که روز عید غدیر پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را گرفت و فرمود: آیا می‌دانید که من نسبت به مؤمنین از خود آن‌ها سزاوارتر هستم. گفتند: آری. فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی (ع) هم مولا و سرپرست اوست. آن‌گاه عمر بن خطاب گفت: «بخ بخ لک یابن ابی‌طالب اصبحت مولای و مولی کل مسلم»، به به! ای پسر ابی‌طالب مولای و سرور من و هر مسلمانی گردیدی سپس این آیه نازل گردید: «الیوم اکملت لکم دینکم».^۱

۵. در تفسیر کبیر، نوشته فخر رازی ج ۱۲ ص ۴۹ متوفای ۶۰۶ قمری ماجرای غدیر را ذکر نموده و در پایان آورده عمر به امام علی (ع) تبریک گفت.

۱. مائده / ۳.



۱۷. روایت زیدبن ارقم

(از زیدبن ارقم روایت شده که گفت: چون رسول خداﷺ از حجة الوداع بازگشت، در مکانی به نام «غدیر خم» فرود آمد. پس از آن فرمودند: «کانی دعیت فاجیب قد ترکت فیکم الثقین احدهما اکبر من الآخر کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانظروا کیف تخلفونی فیهما فانهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض. ثم قال: ان الله عزوجل مولای و انا ولی کل مؤمن و مؤمنة. ثم اخذ بید علی، فقال: من كنت ولیه فهذا ولیه»^۱

یعنی: «من، از سوی حق تعالی خوانده شده‌ام و عنقریب اجابت خواهم کرد. اما در میان شما دو چیز گران که یکی از دیگری بزرگتر است، باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. بنگرید که چگونه مرا در رعایت و حرمت آن دو، گرامی می‌دارید و سفارش مرا محترم می‌شناسید. بدانید که این دو را از یکدیگر جدایی نخواهد بود تا آن هنگام که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس از آن فرمودند: خداند عزوجل مولا و سرور من است و من سرور و صاحب اختیار هر مرد و زن مسلمانم. سپس دست علیؑ را بگرفت و گفت: هرکس را که من مولی و سرورم، این مرد، سرور و مولای اوست).

۱۸. روایت ابوسعید خدری

حافظ ابوالقاسم حسکانی به سند متصل از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت: رسول خداﷺ زمانی که آیه (اليوم اكملت لكم دينكم) نازل شد فرمود: الله اكبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من ...^۲

از این روایت و مجموع روایاتی که نقل شده مشخص می‌گردد که آیه ۳ مائده (اليوم اكملت لكم دينكم...) در روز غدیر و به مناسبت اعلام «ولایت و امارت علی بن ابی طالب بر همه مسلمانان بعد از پیامبرﷺ» نازل شده است.

۱. مناقب خوارزمی، ص ۹۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲۱۴/۱ - ۲۱۶ و ۲۱۸ و ۲۱۹.

❖ ۱۹. روایت عمر بن خطاب ❖

عمر بن خطاب گفت: «علی مولی من کان رسول الله ﷺ موله».

هر کس که پیغمبر بر او ولایت دارد علی نیز بر او ولایت دارد. ^۱ و در نقل دیگر از عمر بن خطاب است که گفت: «نصب رسول الله علیاً علماً، رسول خدا علی را آشکارا منصوب کرد».

شبییه همین جمله از ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و... نقل شده است ^۲ باید توجه کرد که معنای نصب در جایی به کار می‌رود که کسی را بر کاری بگمارند و منصوب کنند پس اینکه عده‌ایمی گویند: غدیر خم برای اعلام دوستی با علی علیه السلام است با این سخن عمر بن خطاب چه می‌کنند؟

❖ ۲۰. نقل حاکم حسکانی ❖

حاکم حسکانی حنفی صاحب کتاب شواهد التنزیل می‌باشد او از ابو حمزه ثمالی و او از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: منظور از کفوراً در آیه ۸۹ سوره مبارکه اسراء، کفران نعمت ولایت علی علیه السلام است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم آن حضرت را به عنوان جانشین معرفی نمود.

❖ ۲۱. روایت براء بن عازب ❖

اخ‌طب خوارزمی از براء بن عازب روایت کرده است که: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفر حج بازمی‌گشتیم. در محلی میان مکه و مدینه، فرود آمد و دستور داد که منادی برای اقامه نماز ندا کند. براء گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن هنگام دست علی علیه السلام را بگرفت و فرمود: «الست ^۳ اولی بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا: بلی. قال: فهذا ولی من انا ولیه... الی

۱. ریاض النضرة، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲. الغدیر، ج ۱، ص ۶۶۱.

۳. گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره است به آیه مبارکه «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم...»؛ یعنی اختیار امور مؤمنان بیش از خودشان با پیامبر خداست. (آیه ۶ / احزاب).



ان قال براء: فلقیه عمر بن خطاب بعد ذلك. فقال:؛ هنیئاً لک یابن ابی طالب، اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة».^۱

یعنی: «آیا (به نص قرآن) اختیار امور مؤمنین، بیش از خودشان با من نیست، گفتند: چرا یا رسول الله، فرمودند: پس این مرد، ولی و سرپرست و صاحب اختیار هر کسی است که من ولی و صاحب اختیار اویم... براء گوید: عمر بن الخطاب، بعد از این واقعه به علی بن ابیطالب، تبریک و تهنیت گفت و اظهار داشت: تو دیگر مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان گردیده ای.»

۲۲. روایت زید بن ارقم

طبری در کتاب الولاية فی طرق الحدیث الغدیر، به طور مستند از زید بن ارقم نقل می کند که گفت: زمانی که پیامبر ﷺ در بازگشت از حجة الوداع به غدیر خم رسید، توقف فرمود و ندای نماز جماعت سر داد. پس ما اجتماع کردیم و حضرت خطبه ای بلیغ ایراد نمود و سپس گفت: خدای متعال این آیه را بر من فرو فرستاده است که «بلغ ما انزل الیک من ربک...»^۲؛ و همانا جبرئیل از ناحیه پروردگار به من فرمان داده که در این محل توقف کنم و به هر مسلمان سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی، خلیفه و امام بعد از من بر مسلمان است...

هان ای مردم، بدانید که خداوند علی را ولی و امام شما قرار داده و اطاعت از وی را بر همگان واجب ساخته است... بشنوید و اطاعت کنید...

طبری سپس می افزاید:

در روایت دیگر آمده است که رسول خدا فرمود: بار پروردگارا! دوست بدار هر که وی را دوست می دارد و دشمن بدار هر که او را دشمنی می کند... پروردگار، هنگامی که این حقیقت درباره علی بیان گشت آیه (الیوم اکملت لکم دینکم) را نازل فرمود...

حسکانی در شواهد تنزیل آورده که جابر بن ارقم به نقل از برادرش زید بن ارقم می گوید:

۱. مناقب خوارزمی، ص ۹۴.

۲. ماده / ۶۷.



اقوم بفضلک فقمتم به فی الناس و بلغتهم ما امرنی الله بتبلیغیه و قال له اتق الضغائن التي لك فی صدور من لا یظهرها).

الابعد موتی اولئك یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون. ثم بکی فقیل مما بکاؤک یا رسول الله؟ فقال: اخبرنی جبرئیل علیه السلام انهم یظلمونه و یمنعونه حقه و یقاتلونه و یقتلون ولده و یظلمونهم بعده و اخبرنی جبرئیل عن الله عزوجل ان ذلك الظلم یزول اذا قام قائمهم و علت كلمتهم و اجتمعت الامة علی محبتهم و كان الشانی ء لهم قليلاً و الكاره لهم ذليلاً و كثر المادح لهم و ذلك حين تغیر البلاد و ضعف العباد و الیاس من الفرج فعند ذلك یظهر القائم فیهم.

و قال النبى صلى الله عليه وسلم: «اسمه كاسمى و اسم ابیه كاسم ابى هو من ولدا بنتی فاطمة یظهر الله الحق بهم و یخمد الباطل باسیا فهم و یتبعهم الناس راغباً الیهم و خائفاً منهم قال: و سكن البكاء عن رسول الله فقال: معاشر الناس، ابشروا بالفرج فان وعد الله لا یخلف و قضاء لا یرد و هو الحکیم الخبیر و ان فتح الله قریب. اللهم انهم اهلی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً اللهم اكلأهم و ارعهم و کن لهم و انصرهم و اعزهم و لاتذلهم و اخلفنی فیهم انک علی ما تشاء قدير».^۱

یعنی: «ای علی، تو از منی و من از توام، تو با بی دینان بر تأویل قرآن می جنگی هم چنانکه من بر تنزیل قرآن با آنان در جنگ بودم. بین تو و من همان نسبت است که میان هارون و موسی بود. من با هر که تو به صلح باشی، در صلحم و با هر که در جنگ باشی، در جنگم. تو همان «عروة الوثقی»^۲ و آن رشته استوار هستی که هرگز نخواهد گسست. تو هستی که مسائل و مشکل و موارد اشتباه این امت را پس از من، حل و فصل خواهی کرد. تو امام و پیشوای هر مرد و زن باایمانی و تو هستی که پس از من، ولی و صاحب اختیار همه اهل ایمان از زن و مردی. تو هستی که خداوند آیه مبارکه «واذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بریء من المشرکین و رسوله...»^۳

۱. مناقب خوارزمی - صفحات ۲۳ تا ۲۵.

۲. اشاره است به آیه شریفه «... فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لانیصام لها...» آیه ۲۵۶ / بقره.

۳. چون آیات سوره توبه، مشعر بر برائت و بیزاری خدا و پیامبر از مشرکان نازل گشت رسول خدا ابوبکر را مأمور قرائت آن آیات و اعلام بیزاری فرمود. اما از طرف حق تعالی فرمان رسید که مأمور تبلیغ و قرائت آیات باید که خود تو و یا کسی از تو باشد و ابوبکر را نرسد که چنین امری را تصدیق نماید؛ بنابه فرمان خدا پیامبر دستور داد تا ابوبکر را بازگرداند و علی را برای آن کار مأموریت داد.



آنان را رعایت و حمایت کن. پروردگارا نصرت و عزتشان ده و هرگز خوارشان مساز و ایشان را جانشینان من در ادامه حیات معنوی و دین و شریعت من فرما که تو بر هر چه بخواهی توانایی.

❖ ۲۵. دلیلی روشن ❖

دلیل حقانیت ولایت امام علیؑ تنها حدیث: «من كنت مولاه...» هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست» نیست تا اهل سنت بگویند: حدیث غدیر در صحیح بخاری ذکر نشده است پس ثبات نمی‌شود، اگر چه این حدیث از صحیح مسلم نقل شده است و بخاری حدیث غدیر را در کتاب التاریخ الکبیر ج ۱ ص ۳۷۵ و ج ۴ ص ۱۹۳ و ج ۶ ص ۲۴۱ آورده است.

❖ ۲۶. روایت بریده ❖

بریده می‌گوید: وقتی که به مدینه آمدم، رسول خدا را زیارت کردم و از علی بن ابیطالب شکوه کردم. ناگهان رخسار مبارک پیامبر متغیر شد و به من فرمود: «یا بریده الست اولی بالمؤمنین من انفسهم؟ فقلت: بلی یا رسول الله فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه».^۱ یعنی: «ای بریده، مگر به فرمان حق تعالی، اختیار امر مؤمنین، بیش از خودشان، به دست من نیست؟ گفتم: آری ای رسول خدا. فرمودند: پس بدان هر که او را من مولا و صاحب اختیارم، علی مولا صاحب اختیار اوست».

❖ ۲۷. حدیث غدیر «در کتاب‌های طبرانی محدث بزرگ اهل سنت» ❖

رسول خداﷺ در غدیر خم طبق آیه شریفه «یا ایها النبی بلغ اما انزل الیک» امام علیؑ را به امامت امت و بعنوان خلیفه و سرپرست بعد از خود به مؤمنان معرفی نمود این روایت مشهور را علامه امینی در کتابی ۲۰ جلدی الغدیر نقل کرده و به اسناد آن در کتب اهل سنت پرداخته ایشان در این باره فرمودند برای تألیف این کتاب ۱۰ هزار جلد

۱. مناقب خوارزمی، ص ۷۹، این متن در مسند احمد بن حنبل، ج ۹، ص ۱۲، نیز آمده است.

کتاب از اهل سنت را مورد بررسی قرار داده‌ام لذا باتوجه به محتویات کتاب شریف الغدیر که حاصل سالها تحقیق این عالم بزرگ شیعی است حجت بر همه تمام است احدی نمی‌تواند دلیل بر رد ماجرای غدیر خم اقامه کند اما در این جا ما اقدام به ذکر این ماجرا در کتاب‌های طبرانی عالم و محدث قرن سوم و چهارم اهل سنت می‌نماییم او آورده است که رسول خدا ﷺ در غدیر خم فرمود: ایها الناس! من کنت مولاه فهذا علی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره و اخذل من خذله وأدر الحق معه حیثما دار.^۱

۲۸. برپایی اولین جشن غدیر در ایران

اولین مراسم عید غدیر در سال ۳۵۲ ه. ق توسط خاندان آل بویه برپا شد و بعدها نیز ادامه یافت.

معزالدوله برای بار نخست دستور داد در عید غدیر مردم برخلاف روز عاشورا شاد باشند خیمه برپا کنند و آن را آراسته نمایند در شب عید غدیر در حمله شرطه آتش افروختند طبل و بوق زدند و بامدادان شتری نحر کردند و به زیارت مقابر قریش رفتند.

۲۹. آثار نابود شده غدیر

شیخ سلمان حنفی نویسنده و دانشمند مشهور اهل سنت که متوفی ۱۲۹۴ ه. ق می‌باشد. از اسناد خود ابوالمعالی جوینی نقل می‌کند که: روزی در شهر بغداد در مغازهٔ صحافی در دست صاحب مغازه کتابی را مشاهده کردم که موضوع آن اسناد حدیث مشهور پیامبر اسلام ﷺ در غدیر خم و روی جلد آن نوشته شده بود: (جلد ۲۸ از طرق و اسناد حدیثی که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است در مورد حدیث: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه».)

و عجیب تر آنکه در آن نوشته شده بود: بعد از این جلد (یعنی جلد ۲۸) جلد ۲۹ می‌آید. از نوشتهٔ مذکور این موضوع مشخص می‌شود که احادیث غدیر، در گذشته در

۱. المعجم الکبیر، ج ۳، ح ۳۰۵۲ و ج ۴، ح ۳۵۱۴ و ۴۰۵۲ و ج ۵، ح ۴۹۶۸ و ۴۹۶۹ و ۴۹۸۳ و ۴۹۸۶ و ۴۹۹۶ و ۵۰۵۸ و ۵۰۵۹ و ۵۰۶۶ و ۵۰۶۸ و ۵۰۶۹ و ۵۰۷۰ و ۵۰۷۱ و ۵۰۹۲ و ۵۰۹۶ و ۵۰۹۷ و ۵۱۲۸ و در المعجم الاوسط ج ۱، ح ۳۴۸ و در ج ۲، ح ۱۱۱۵ و ۱۹۸۷ و ۱۳۷۳ و در ج ۳، ح ۲۱۳۰ و ۲۱۳۱ و ۲۲۷۵ و ۲۲۰۴ و در ج ۷، ح ۶۲۲۸ و ح ۶۴۶۴ و ۶۸۷۸ و ج ۹، ح ۸۴۲۹ و در المعجم الصغیر ج ۱، ص ۶۴ و ص ۷۱.



کتابها و جوامع روایی به طور گسترده و وسیع حتی در کتب اهل سنت مطرح شده است ولی به مرور زمان به واسطه آنکه بعضی‌ها به حضرت علی علیه السلام کینه و دشمنی داشته‌اند این آثار را از بین برده‌اند. برای نمونه در دوره معاصر بعضی از کشورهای عربی اقدام به چاپ کتب صحاح اهل سنت نموده‌اند ولیکن تمامی روایاتی که حکایت از منزلت امام علی علیه السلام دارد را از این کتاب‌ها حذف کرده‌اند پس اگر اهل تحقیق به منابع ذکر شده در این کتاب با مراجعه به کتب چاپ جدید دست نیافتند به کتب چاپ قدیم رجوع کنند و مؤلف این کتاب تعجب می‌نماید آنان که روایات امام علی علیه السلام را از کتابهای فوق حذف می‌کنند چرا این همه واهمه و ترس دارند از درج و چاپ این احادیث که اینگونه آن احادیث را حذف می‌نمایند.^۱

۳۰. آثار گم شده غدیر خم

ابوحفص عمر بن شاهین متوفای ۳۵۸ قمری می‌گوید:
من فضایل مخصوص امیرالمؤمنین را در یک هزار جلد گرد آوردم.
ولی باید توجه کرد که در کتاب سوزی‌های کتابخانه‌های شیعه خیلی از این کتب از بین رفته است.
برای نمونه می‌توان به کتاب سوزی کتابخانه مدینه منوره به دستور ابن سعود که ۴۰۰۰ جلد کتاب خطی نفیس در آتش سوخت اشاره کرد.^۲

۳۱. عمامه گذاری رسول خدا صلی الله علیه و آله

عبدالله علی بن عدی گفت:
روز غدیر خم رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را نزد خود نمود و او را مغم نمود و سر عمامه را از پشتش آویخت.^۳
باید توجه کرد که در عرب مرسوم آن است که وقتی می‌خواهند ریاست کسی را

۱. *تنبیغ اليهوده*، ص ۳۶، باب چهارم، چاپ اسلامبول، انتشارات اختر به سال ۱۳۰۱ هـ ق.

۲. *تاریخ آل سعود*، ص ۱۸۰.

۳. *اسدالغابه*، ج ۳، ص ۱۷۰.

بر قبیله یا قومی اعلام کنند یکی از نحوه های اعلام آن بستن عمامه بر سر اوست رسول خدا ﷺ بعد از خطبه غدیر عمامه خودشان که سحاب نام داشت را به عنوان تاج سربلندی و افتخار بر سر امیر مؤمنان علی ﷺ بستند.

معنای این عمل رسول خدا ﷺ آنست که علی ﷺ فرد برگزیده و قابل اعتماد است و این واقعه (بستن عمامه) در تاریخ بعنوان عملی استثنایی از روز غدیر خم به ثبت رسیده است.

به یک معنا طبق روایت رسول خدا ﷺ که فرمود: «العمام، یتجان العرب، عمامه ها تاج عربها است» در روز غدیر علی ﷺ تاج گذاری کرده اند.^۱

۳۲. کتاب غدیر اثری بی نظیر

کتاب شریف الغدیر نوشته علامه امینی رحمه الله علیه بعد از آنکه به چاپ رسید با توجه به عمق مطالب و مستندات محکم آن مورد توجه کثیری از علمای اهل سنت قرار گرفت و حتی غیر مسلمانان نیز سر تعظیم در مقابل این اثر سترگ فرود آوردند که از جمله آن ها می توان به نامه یوسف اسعد داغر نویسنده مسیحی عرب اشاره کرد که طی نامه ای علامه امینی را بسیار ستایش می نماید.

حتی کتاب مذکور توسط دکتر ضاطوی که استاد دانشگاه لندن بود جلد اول الغدیر را به انگلیسی برمی گرداند. البته وزیر فرهنگ دولت مصر در آن زمان به وزیر فرهنگ کشور عراق اعلام می نماید که از چاپ الغدیر جلوگیری شود ولیکن وزیر فرهنگ اول عراق در پاسخ می گوید: چگونه جلوی چاپ آن را بگیریم در حالی که تمامی مدارک آن از کتب خود شما (اهل سنت) می باشد.

کسانی که مدعی اند خطبه غدیر در منابع اهل سنت وجود ندارد می توانند به کتاب شریف الغدیر نوشته علامه بزرگوار امینی مراجعه نمایند تا مستندات این کتاب را از منابع بسیار کهن اهل سنت مشاهده نمایند علامه امینی خود فرموده بودند برای نوشتن الغدیر به ۱۰۰۰۰ جلد کتاب مراجعه نمودم.

۱. احیاء العلوم الدین، غزالی، ج ۲، ص ۳۴۵ - الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۴۱ - سیرة الحلبیة، حلبی شافعی، ج ۳، ص ۳۴۱ - الریاض النضرة، محب طبری جلدی، ج ۳، ص ۱۷۰ - النهایه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۶۰ - جامع الصغیر، سیوطی، ج ۲، ص ۱۹۳.



❖ ۳۳. دعایی که خلافت و امامت علی را ثابت می‌کند ❖

از کلام نورانی رسول الله در بعضی از فقرات خطبه غدیر معنای خاصی به دست می‌آید رسول خدا ﷺ در غدیر خم اینگونه برای امام علی دعا کرده‌اند:

اللهم و ال من و الاله و عاد من عاداه، یعنی خدایا! دوستدار علی را دوست بدار و با دشمنش دشمن).

از این سخن معلوم می‌شود که علی در هر زمان و مکانی موصوف به عصمت و مصون از هر نوع خطا خواهد بود چرا که اگر علی در معرض خطا و گناه و اشتباه قرار گیرد لازمه آن اعتراض به حضرت است و به واسطه عمل نادرست و ناپسند از او بایستی دوری شود و این در حالی است که رسول خدا بدون استثناء کردن زمان و مکان اینگونه دعا کرده است که: **«اللهم و ال من و الاله».**

این کلام رسول خدا ثابت می‌کند که علی مقام عصمت مصون را داراست و امام بر حق می‌باشد چرا که اگر کسی دچار اشتباه شود امامت و تبعیت از کسی که خطاء مرتکب می‌شود امری خلاف عقل محسوب می‌شود لذا خود این دعا دلالت بر عصمت و خلافت و امامت علی را می‌نماید.

❖ ۳۴. غدیر واقعه ای غیر قابل انکار ❖

مرحوم علامه امینی محقق سترگ و نویسنده کتاب شریف غدیر که سالها برای تدوین این کتاب زحمات زیادی را کشیده است، راه هرگونه انکار یا توجیه کسانی که منکر خطبه غدیر هستند را مستندات و کتب کهن اهل سنت بسته است و این کتاب حجت را بر همه ما تمام کرده آنچنان که به هیچ وجه نمی‌توان به خطبه نورانی غدیر شک نمود او در جلد اول این کتاب از ضیاءالدین ثعلبی که از بزرگان و علمای اهل سنت در قرن ۱۱ می‌باشد آورده که او گفته است:

«اگر حدیث غدیر را معلوم و مسلم ندانیم هیچ واقعه ای در دین اسلام قابل اثبات نیست.»

۳۵. غدیر حکمی واجب ❖❖

ابن عباس بعد از آنکه رسول الله ﷺ خطبه غدیر را ایراد فرمود: گفت: «فوجبت والله فی رقب القوم، به خدا سوگند! ولایت علی علیه السلام بر گردن امت واجب شد».^۱

۳۶. اشعار حسان بن ثابت در روز غدیر ❖❖

قبلاً نیز آمد که بعضی از اتفاقات روز غدیر خم دلالت بر آن نمی کنند که رسول خدا ﷺ صرفاً آن جمعیت را برای دوست داشتن علی علیه السلام جمع کرده باشد این ادعایی است که هم اکنون در کتب وسایط های وهابیت به چشم می خورد یکی از حوادثی که ثابت می کند غدیر خم برای امارت و خلافت علی علیه السلام توسط پیامبر اکرم ﷺ بوجود آمده است. ماجرای شعرخوانی شاعر بزرگ عرب حسان بن ثابت است. حسان بن ثابت بعد از اتمام خطبه رسول الله با کسب اجازه از ایشان فی المجلس اشعاری را سرود:

«فقال له قم یا علی و اننی رضیتک من بعدی اماماً و هادياً
فمن کنت مولاہ فهذا اولیئہ فکونوا له اتباع صدق موالیاً»

یعنی: پیامبر ﷺ فرمود: یا علی! برخیز، خوشنودم که تو بعد از من امام و پیشوا باشی پس هر کس من مولای اویم این (علی علیه السلام) مولای اوست ای مردم فرمان بردار و پیرو صادق و راستین او باشید».

این اشعار در مقابل رسول خدا ﷺ خوانده شد اگر رسول خدا ﷺ غیر از ولایت و امامت علی علیه السلام چیز دیگری در نظرشان بود حتماً وقتی که حسان در شعر خود از درک خود به عنوان پیشوایی و رهبری علی علیه السلام تعبیر کرده بود به او اعتراض می کرد و جلوی خطای او را می گرفت چرا که رسول خدا ﷺ برای هدایت مؤمنین آمده است و بایستی جلوی انحراف و کج روی ها را بگیرد اما برعکس رسول خدا نه تنها به شعر و نوع تعبیرات حسان بن ثابت نسبت به علی علیه السلام اعتراض نمی کند بلکه او را تشویق و تأیید هم می نماید. قصیده حسان بن ثابت در بسیاری از منابع قدیمی اهل سنت به چشم می خورد^۲ و خود

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. تذکرة الخواص نوشته ابن جوزی حنفی متوفای قرن ۷ هجری قمری ص ۳۲ - کفاية الطالب فی مناقب



این شعر در اثبات امامت و خلافت علی علیه السلام برای اهل بصیرت مدرکی روشن و متقن به حساب می آید.

❖ ۳۷. وظیفه حاضران در روز غدیر خم چه بود ❖

رسول خدا ﷺ در غدیر خم با یک کلام آب پاکی را بر دستان آن کسانی که ادعا می کنند تجمع مردم در غدیر صرفاً برای محبت و دوستی با علی علیه السلام می باشد، ریخت. رسول خدا ﷺ فرمود:

«الافلیبلغ الشاهد الغائب، حاضران (ماجرای انتصاب علی علیه السلام) را به غایبان خبر دهند و برسانند.»

منظور پیامبر خدا اطلاع رساندن دوستی علی علیه السلام به سایر مردم نبوده چرا که در قرآن کریم مکرراً در آیات مختلف درباره مودت و دوستی و اخوت مؤمنین با یکدیگر سفارش شده است.

آیا رسول خدا ﷺ در آن گرمای طاقت فرسا مردم را جمع کرد تا مطلبی به این آشکاری را بازگو کند و تأکید کند که علی علیه السلام را دوست داشته باشید؟ آیا مسلمانان طبق آیات متعدد قرآن کریم نمی دانستند که باید با یکدیگر و با علی علیه السلام دوستی داشته باشند؟ پس معلوم می شود اینکه رسول خدا ﷺ فرمود: خبر را برسانید منظورشان غیر از دوستی علی علیه السلام بوده و این کلمه که خبر را برسانید یعنی امامت و ولایت علی علیه السلام را برسانید.

❖ ۳۸. سخن شهید مطهری ❖

در پاسخ به افرادی که می گویند ماجرای غدیر صرفاً برای دوست داشتن علی علیه السلام بوده نه مسئله امامت و ولایت او، باید گفت:

مرحوم مطهری می گوید: این حرف انحرافی می باشد و از مصادیق لوث تاریخ تلقی می شود. در تاریخ و سیره رفتاری رسول خدا ﷺ محبت به امام علی علیه السلام و توصیه به آن و

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته علامه گنجی شافعی متوفای قرن ۷، ص ۶۴ - فراند/السمطین نوشته مویذ حمونی جوینی متوفای قرن ۸، ج ۱، ص ۷۳.



شایسته است خوانندگان محترم توجه داشته باشند که بعضی از علمای مذکور دارای تألیفات متعدد و بسیاری هستند که شاید وزن کتب آن‌ها مطابق وزن یک انسان باشد.

❖ ۴۱. مدارک آیه اکمال دین (۹ نکته) ❖

کثیری از علمای مفسر اهل سنت در کتب خودشان نزول آیه شریفه: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دنیا»

درباره واقعه غدیر خم می‌دانند که بعضی از تفاسیر آن‌ها به شرح زیر می‌باشد.

۱. تفسیر روح المعانی نوشته آلوسی بغدادی ج ۳ ص ۲۳۴ متوفای قرن ۳؛
 ۲. تفسیر الخازن نوشته شیخی بغدادی خازن ج ۲ ص ۱۰ متوفای قرن ۸؛
 ۳. تفسیر المنار نوشته شیخ محمد عبده ج ۶ ص ۱۵۴ متوفای ۱۳۲۳ قمری؛
 ۴. تفسیر ثعالبی نوشته ثعالبی ج ۲ ص ۳۴۳ متوفای قرن ۹؛
 ۵. تفسیر ابن کثیر نوشته ابن کثیر دمشقی ج ۲ ص ۱۴ متوفای قرن ۸؛
 ۶. تفسیر جامع البیان نوشته ابن جریر طبری ج ۴ ص ۴۱۹ متوفای قرن ۴؛
 ۷. تفسیر در المنثور نوشته سیوطی ج ۲ ص ۱۵۴ متوفای قرن ۱۰؛
 ۸. تفسیر نیشابوری (غرائب القرآن) نوشته نظام الدین نیشابوری متوفای قرن ۸؛
 ۹. فتح القدیر نوشته شوکانی ج ۳ ص ۵۷ متوفای ۱۲۵۵ قمری؛
- نکته:

شایسته است به تاریخ زندگی علمای فوق که جمگی از بزرگان اهل سنت هستند توجه شود که از قدیم مسئله غدیر و امامت و ولایت امام علی علیه السلام در کتب آن‌ها مطرح بود و سابقه دیرینه داشته است.

❖ ۴۲. مدارک تاریخی غدیر خم (۱۶ نکته) ❖

الف: جمع زیادی از مورخان و محدثان بزرگ اهل سنت در آثار خود به احادیثی که دلالت بر غدیر خم دارد اشاره کرده‌اند که اسامی تعدادی از آنان در ذیل می‌آید.

۱. جلال الدین سیوطی شافعی ۹۱۱ هـ ق در تفسیر الدر المنثور، به نقل از

ابن مردویه، و نیز در الاتقان، در بخش آیات سفریه قرآن، ذیل (اليوم اكملت لكم) به نقل از عمر و با تصریح به صحت و اعتبار سند روایت؛

۲. عماد الدین ابن کثیر دمشقی شافعی (م. ۷۷۴) در تاریخ خویش، به نقل از ابوهریره؛

۳. شیخ الاسلام حموینی (م. ۷۲۲) در فرائد السمطین، به نقل از ابوسعید خدری؛

۴. ابوالفتح نطنزی در کتاب الخصائص العلوویه، به نقل از ابوسعید خدری و

جابر بن عبدالله انصاری؛

۵. سبط ابن جوزی بغدادی (م. ۶۵۴) در تذکره الخواص، به نقل از ابوهریره؛

۶. حافظ ابن عساکر شافعی دمشقی (م. ۵۷۱) به نقل از ابن مردویه؛

۷. حافظ ابوالقاسم حسکانی، به نقل از ابوسعید خدری (م. قرن ۵) در شواهد تنزیل؛

۸. خطیب خوارزمی (م. ۵۶۸) در کتاب مناقب به نقل از ابوسعید خدری؛

۹. حافظ ابوسعید سجستانی (م. ۴۷۷) در کتاب الولاية، به نقل از ابوسعید خدری؛

۱۰. ابوالحسن ابن مغزلی شافعی (م. ۴۸۳) در کتاب مناقب، به نقل از ابوهریره؛

۱۱. حافظ ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰) در کتاب ما نزل من القرآن فی علی، به نقل

از ابوسعید خدری؛

۱۲. حافظ ابوبکر بن مردویه اصفهانی (م. ۴۱۰) به نقل از ابوسعید خدری؛

۱۳. حافظ ابوبکر خطیب بغدادی (م. ۴۶۳) در تاریخش به نقل از ابوهریره؛

۱۴. ابن اثیر صاحب کتاب الكامل فی التاريخ که ۱۲ جلدی می باشد و کتاب اسدالغابه

که در ۸۰۰ سال قبل می زیسته وی در آثارش مطالب مهمی را در مورد غدیر خم آورده؛

۱۵. ابن کثیر می گوید: کتابی در دو جلد ضخیم دیدم که طبری در آن احادیث غدیر

خم را جمع آوری کرده بود؛

۱۶. ابن عساکر نویسنده کتاب بزرگ و مهم ۷۰ جلدی تاریخ مدینه و دمشق که وی

۹۰۰ سال قبل زندگی می کرد در آثارش به مسئله غدیر توجه خاصی داشته؛

۱۷. ثمار القلوب ثعالبی متوفای سال ۸۷۵ و صاحب تفسیر در ۵ جلد ص ۵۱۱.

ب: در کتب تاریخی متعدد:

۱. تاریخ الخلفاء ص ۱۱۴ _ ۱۵۸ _ ۱۷۹؛

۲. تاریخ الكبير ج ۱ ص ۳۷۵؛



۳. تاریخ الخمیس ج ۲ ص ۱۹۰؛

۴. تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۹۰، ج ۷ ص ۳۷۷ و ج ۱۴ ص ۲۳۶؛

۵. تاریخ دمشق ج ۱ ص ۲۳۷، ج ۲ ص ۸۵ و ج ۵ ص ۳۲۱؛

۶. سیره الحلبیه ج ۳ ص ۲۷۴ _ ۳۶۹؛

۷. مروج الذهب ج ۲ ص ۱۱.

۴۳. سلامی واجب و صحیح

در کتب اهل سنت آمده است که:

عده‌ایسه همراه ابویوب انصاری در کوفه با امام علی علیه السلام مواجه شدند و با عبارت «السلام علیک یا مولانا» به امام سلام دادند حضرت به جهت آگاه کردن دیگران از آن‌ها پرسید:

چگونه من مولای شما هستم در حالی که شما طایفه ای از صحرا نشینان عرب هستید؟
عرض کردند: ما از رسول الله ﷺ در غدیر خم شنیدم که فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه».^۱

۴۴. راویان حدیث غدیر از زنان صحابه

راویان حدیث غدیر از زنان صحابه عبارتند از:

۱. فاطمه زهرا علیه السلام؛

۲. اسماء بنت عمیس؛

۳. عایشه بنت ابوبکر؛

۴. فاطمه بنت حمزه سید الشهداء؛

۵. ام‌هانی بنت ابی طالب (خواهر امام علی علیه السلام)؛

۶. ام‌سلمه؛

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید ج ۱ ص ۲۸۹ _ ریاض النضره ج ۳ ص ۱۱۳ / المعجم الکبیر ج ۳ ص ۱۷۳ -

البدایة و النهایة ج ۷ ص ۳۸۴ / مسند احمد حنبل ج ۶ ص ۵۸۳.



ابن عساکر نیز در موارد متعدد در کتاب خود از این حدیث یاد نموده و فقط در یک مورد نود طریق آلو را یاد کرده است.^۱

۴۷. روایت ابوایوب انصاری

خالد بن زید مشهور به ابوایوب انصاری از صحابیان بزرگ رسول خداست که رسول خدا در هنگام ورود به مدینه در خانه وی سکنا گزید او در تمامی جنگ های رسول خدا شرکت داشت او جزء ۱۲ نفری بود که در مسجد به پا خواست و از غضب خلافت و دفاع از حق ولایت علی علیه السلام در هنگام انتخاب ابوبکر دفاع کرد. او از جمله دوات حدیث غدیر^۲ و حدیث ثقلین^۳ است در این فصل مکرر به احادیث اشاره شده است اما حدیث مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله را که به امام علی علیه السلام فرمود یا علی تو با ناکثین، قاسطین و مارقین می جنگی را نقل کرده است^۴ و رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوایوب امر فرمود تا در آینده در این جنگ ها علی علیه السلام را یاری کند.^۵

۴۸. نظر ابن کثیر شافعی

ابن کثیر در کتاب تاریخش می نویسد:
حدیث «هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست» چنان به تواتر نقل شده که متیقن است آن را پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است.^۶

۴۹. نظر ابن حجر عسقلانی

ابن حجر عسقلانی در کتابش آورده است که:
«و اما حدیث (هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست) را ترمذی و نسایی

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۰۴.

۲. اسد الغابة، ج ۳، ص ۴۶۵.

۳. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۴.

۴. البداية والنهاية، ج ۷، ص ۳۰۷ و المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰.

۵. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

۶. تاریخ البداية والنهاية نوشته ابن کثیر شافعی متوفای ۷۷۴ قمری، ج ۵، ص ۲۱۴.

نقل کرده‌اند و آن جداً طرق فراوانی دارد ابن عقده آن‌ها را در کتابی مستقل گرد آورده است و بسیاری از اسناد آن صحیح و نیکوست.^۱

۵۰. روایت عبد الله پسر عمر بن خطاب از واقعه غدیر

عبدالله پسر عمر بن خطاب می‌گوید:

در روز غدیر همراه رسول خدا ﷺ بودم که فرمان داد زیر درختان آن برونند و شنیدم که می‌گوید: «ای مردم! آیا من به مؤمنان از خود آن‌ها نسبت به آن‌ها سزاوارتر نیستم؟!». همه ما پاسخ دادیم: بلی! یا رسول خدا.

آن‌گاه دستش را بر دست علی بن ابیطالب ﷺ نهاد و آن را تا آنجا بالا برد که سفیدی زیر بغل‌های هر دو را دیدیم.

آن‌گاه گفت: هر که من مولای اویم این علی مولای اوست. خدایا! دوستدارانش را دوست بدار و دشمنش را دشمن، یاورش را یاری ده و واگذارنده‌اش را واگذار.^۲ شایان توجه است که عبدالله بن عمر بن خطاب در موقع بیعت مردم با امام علی علیه السلام بعد از کشته شدن عثمان در مسجد بیعت نکرد مالک اشتر به امام عرض کرد اجازه دهید گردنش را بزنم امام فرمود: من از کسی با زور بیعت نمی‌گیرم و رهایش کنید برود.

۵۱. روایت زید بن ارقم از حدیث غدیر

ابوعبدالله میمون می‌گوید: زید بن ارقم می‌گفت و من هم می‌شنیدم او می‌گفت: با رسول خدا ﷺ در سرزمینی به نام غدیر خم فرود آمدیم فرمان به نماز داد و نماز نیم روز را خواندیم سپس در حالی که با انداختن پارچه‌ای بر روی درخت خار سببانی برای رسول خدا ﷺ آماده کرده بودند برایمان سخنرانی کرد و فرمود: آیا نمی‌دانید و آیا گواهی نمی‌دهید که من بر هر مؤمنی از خودش سزاوارترم؟ گفتند: چرا!

۱. فتح الباری، فی شرح البخاری نوشته ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ قمری، ج ۷، ص ۷۴.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۶.





سپس فرمود: هر که من مولای اویم همانا علی مولای اوست خدایا! دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن.^۱

۵۲. روایت ابوسعید خدری

عبدالله بن شریک از سهم بن حصین اسدی نقل می کند که من و عبدالله بن علقمه که روزگاری از دشنام گویان علیؑ بود به مکه وارد شدیم به او گفتم: می خواهی نزد ابوسعید خدری صحابی بزرگ رسول خداﷺ رفته و دیداری تازه کنیم؟ گفت: آری! سپس نزد او رفتیم.

عبدالله به ابوسعید خدری گفت: آیا درباره علی فضیلتی شنیده ای؟ گفت: آری! برایت مطلبی را می گویم می توانی این مطلب را نیز از مهاجران و انصار و قریش هم بپرسی.

در روز غدیر خم رسول خدا برخواست و سخنرانی کرد و گفت: ای مردم! آیا من در اختیار داری مؤمنان از خود آن ها نسبت به خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری! و سه بار این سخن را تکرار فرمود آن گاه فرمود: ای علی! نزدیک بیا آن گاه رسول خداﷺ دو دست او را بالا برد تا آنجا که به سفیدی زیر بغلشان نگریدیم و سه بار فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست.

عبدالله بن علقمه گفت: تو خودت این را از پیامبر خدا شنیدی؟

ابوسعید خدری گفت: آری دو گوشم آن را شنید و دلم آن را حفظ کرد. عبدالله بن شریک می گوید: عبدالله بن علقمه و سهم بن حصین بر من وارد شدند وقتی نماز ظهر را خواندیم عبدالله بن علقمه برخواست و سه بار گفت: من به درگاه خدا از دشنام دادن هایم به علی توبه می کنم و از آن استغفار می طلبم.^۲

۵۳. پیشنهاد یک یهودی به عمر بن خطاب

طارق بن شهاب روایت کرده است که: یکی از یهودیان به عمر بن خطاب گفت: ای

۱. مستند احمد بن حنبل، ج ۷، ص ۸۶.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۲۸.



من یک جلد از طرق حدیث ابن جریر را دیدم و از کار او و فراوانی طرق این حدیث به شگفت آمدم.^۱

۵۷. روایت ابن عقده کوفی

ابن عقده کوفی در کتاب الموالاته از زر بن جیش نقل می کند که او گفت: علیؑ فرمود: از اصحاب محمدﷺ چه کسی اینجاست؟ دوازده تن برخاستند که از جمله آنها قیس بن ثابت و حبیب بن بدیل بن ورقاء بودند آنها شهادت دادند که از رسول خداﷺ شنیدند که فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست.
روایت مشهور: هر که من مولای اویم علی مولای اوست و در کتب مختلف و منابع زیادی از اهل سنت آمده است.

از جمله: تاریخ دمشق ج ۴۲، ص ۲۱۱ - مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۷۰۹ - مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۴ - المعجم الکبیر طبرانی، ج ۵، ص ۱۹۵ - در المعجم الاوسط ج ۲، ص ۲۴ - انساب الاشراف ج ۲، ص ۳۵۷ متوفای ۲۱۳ قمری - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳ - سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵ - صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۵ (متوفای ۲۱۳ ق) - البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۳۴۴ - کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳ - الریاض النضرة، ج ۳، ص ۱۲۸ - فیض القدر، ج ۶، ص ۲۱۸ - اسد الغابة، ج ۱، ص ۶۷۲.

۵۸. نکته ای مهم قابل توجه علمای اهل سنت

حاکم نیشابوری در کتابش (مستدرک) حدیث غدیر را نقل کرده و پس از آن در یک مورد نوشته است:

این حدیث (غدیر) مطابق شرط شیخین (بخاری و مسلم) صحیح است ولی این دو آن را نقل نکرده اند.^۲

(جالب اینکه بخاری این حدیث را نقل کرده و در کتاب تاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۷۵

۱. تذکره الحفاظ، نوشته ذهبی متوفای ۷۴۸ قمری، ج ۲، ص ۷۱۳.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۸.



برپا شده بود و تا غروب مردان و حتی زنان مسلمان با روش مخصوص به خود با امام علی علیه السلام بیعت نمودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید غدیر چه موضوعی را می‌خواست طرح کند که خداوند عزوجل می‌فرماید نترس؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله آن وقتی که تنها در بین کفار مکه بود از اظهار اسلام نترسید حالا چرا در میان مسلمانان آن هم در سفر حج بایستی بترسد؟

چه موضوعی در غدیر خم می‌خواهد بیان شود که اگر بیان نشود زحمات ۲۳ ساله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نابود می‌کند؟

چرا در آیه، به وضوح اعلام نکردن رهبری امام علی علیه السلام را برابر با عدم تبلیغ رسالت و نابودی آن بیان فرمود؟

۶۱. نتیجه ای تلخ

فخررازی که از علمای مفسر در قرن ۷ هجری قمری است تفسیر کبیر در ۳۲ جلد را تألیف نموده او عمری را در راه تحقیق گذرانده است.

وی در جلد ۱۰ صفحه ۵۴ تفسیر خود اینگونه به ما خبر می‌دهد:

عمر بن خطاب در زمان خلافت ۱۰ ساله خود ۹۴ حلال خداوند را حرام اعلام کرد و نسبت به حج تمتع و متعه گفت: تا دیروز حلال بود ولی من از امروز آن‌ها را حرام اعلام می‌کنم. (انا احرمهما).

نکته:

۱. این تحقیق یک عالم مفسر اهل سنت راجع به عمر بن خطاب است و این حرف از علمای شیعه نیست که کسی بگوید مورد قبول ما واقع نمی‌شود.

۲. اینکه شیعه می‌گوید هر کس نمی‌تواند جای رسول الله بنشیند دلیلش همین است که فخررازی نوشته است.

۳. او با چه مجوزی ۹۴ حلال را حرام کرده است در طول زندگی همه امامان شیعه حتی یک مورد هم نمی‌توان یافت که حکمی خلاف قرآن از امامان شیعه علیهم السلام صادر شده باشد.

۴. آیا به راستی خلیفه پیغمبر بودن معنایش اینست که حلال خدا را حرام اعلام نمایند آیا این جزء وظایف و مأموریت خلیفه هر پیغمبر است که بعد از آن احکام و قوانینی که آن پیامبر برای آن مبعوث شده است را تغییر دهد.

۶۲. لطفاً مقایسه کنید

فصل دوم این کتاب شامل احادیث رسول خدا ﷺ و فرزندان ایشان در تبیین جایگاه ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی ﷺ است.

و فصل چهارم نیز متن خطبه غدیر خم در روز ۱۸ ذی حجه است که رسول خدا ﷺ امام علی ﷺ را به خلافت و امامت مردم منصوب می‌نمایند.

سؤال:

آنانی که خطبه غدیر را جعلی می‌دانند و یا مدعی‌اند که خطبه غدیر درباره دوستی نمودن با امام علی ﷺ است اگر بین فصل ۲ و ۴ از حیث متن و محتوا مقایسه ای انجام دهند می‌فهمند مثل دو کفه ترازو خطبه غدیر با احادیثی که از اول بعثت رسول خدا ﷺ ایراد فرمودند و بخشی از آن در فصل دوم این کتاب آمده است. ذره ای ضد و نقیض ندارد و در راستای یکدیگر و در امتداد انتصاب امام علی ﷺ به عنوان خلیفه و وارث و وصی و امام و مولا می‌باشد.

نتیجه آنکه حجم احادیث فصل دوم آنقدر قانع کننده است که می‌توان فهمید علی ﷺ امام بر حق بعد از رسول خداست ولو اینکه کسی خطبه غدیر را نپذیرد ولی باز هم می‌توان با احادیث فصل دوم امامت علی ﷺ را با استفاده از کتب اهل سنت اثبات نمود، آیا بیش از ۴۰۰ حدیث که در فصل دوم آمده است برای روشن شدن راه حق، کافی نمی‌باشد؟



انتشارات سجید نفیسی



فصل پنجم

امام باقر (ع):



منبع: شواهد التنزيل،
جلد ۲، صفحه ۴۵۷.

معاويه را بشناسيم





انتشارات سجد نون



درآمد

۱. شناخت قاسطین که مصداق کامل آن در کلام حضرت رسول اکرم ﷺ معاویه نام گرفته است. امری ضروری در تشخیص حق و باطل است.
۲. رسول خدا ﷺ در احادیث متعدد به امام علی ﷺ خبر جنگ با قاسطین را داده بود.
۳. مقایسه رفتارهای امام علی ﷺ و معاویه نشان می‌دهد چه کسی پیرو قرآن و رسول خدا ﷺ بوده است.
۴. او در جنگ با علی ﷺ بهترین یار رسول خدا ﷺ عمار یاسر را به شهادت رساند.
۵. طرح موضوع شناخت معاویه به آن جهت است که امروز نیز در جوامع اسلامی و ایران اسلامی هنوز از جایگاه معاویه ستایش می‌شود و بعنوان چهره ای حق گرایانه در بین اهل سنت مطرح می‌باشد در این فصل ۹۹٪ متن‌ها از کتب کهن علمای ممتاز اهل سنت استفاده شده است.



۱. جایگاه رفیع و نورانی امام علی علیه السلام در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله

علمای عامه از عایشه نقل می کنند که او گفت از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم ایشان فرمود:

« أَحَبَّ الرَّجَالِ إِلَيَّ عَلِيٌّ وَ مِنْ النِّسَاءِ فَاطِمَةُ »^۱

محبوبترین مردان در نزد من علی علیه السلام و از زنان فاطمه علیه السلام می باشد.

و نیز از او نقل می کنند که درباره حضرت فاطمه علیه السلام گفت:

« كَانَتْ مَشِيَّتَهَا مِثْلَ مِشْيَةِ أَبِيهَا »^۲

راه رفتن او درست مانند راه رفتن پدرش بود.

۲. جایگاه رفیع امام علی علیه السلام در تفسیر اهل سنت

وقتی آیه « قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ فِي الْقُرْبَىٰ » نازل شد عده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله

سؤال کردند قربی چه کسانی هستند که محبت آن ها بر ما واجب است ؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه علیه السلام و فرزندان او.^۳

فخررازی در بیان مقصود آیه فوق اینگونه آورده اند که:

آل پیامبر کسانی هستند که امر آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت می کند و هر کس که

بازگشتش به پیامبر شدیدتر و کامل تر باشد آل محسوب می شود شکی نیست که فاطمه

و علی و حسن و حسین شدیدترین تعلق و وابستگی را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله داشته اند پس

آنان آل پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.^۴

۳. در کتب اهل سنت راجع به عدالت علی علیه السلام چه آمده است

الف) یعقوبی در کتابش آورده است که: علی علیه السلام اموال عمومی را بین مردم به تساوی

تقسیم می کرد و به بردگان و غلامان ایرانی که آزاد شده بودند به همان اندازه از

۱. الغدير، ج ۹، ص ۳۶۵ - امالی شیخ طوسی، ص ۳۳۲ - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۱ - بحار الانوار،

ج ۳۲، ص ۲۶۸ به نقل از عامه..

۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۳ - سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۱۸ - المعجم الكبير طبرانی، ج ۲۲، ص ۴۱۶ و...

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۳.

۴. تفسیر کبیر، ص ۲۷ و ۱۶۶.



زیرا پسر ابوطالب هر ثروت و اموالی را که داری از تو خواهد گرفت همان گونه که پوست را از چوب جدا می‌سازند.^۱

۴. به چه علتی عده‌ای از علی علیه السلام جدا شدند

عبدالله بن عباس در نامه خود به امام حسن علیه السلام اینگونه می‌نویسد: مردم به این دلیل پدرت را رها کردند و به سوی معاویه رفتند که او در تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی عمل می‌کرد.^۲

و از ابی عبدالرحمن بن سلمی سوال شد: چرا از علی علیه السلام جدا شدی؟ تو را به خدا سوگند آیا از آن وقتی که علی علیه السلام بر تقسیم اموال سهمی به تو نداد از او جدا شدی؟ او گفت: حال که مرا قسم دادید مجبورم بگویم: آری.^۳

این نقل قولهای تاریخی در کتب قدیمی اهل سنت آمده و تعداد این نقل‌هایی که گواهی به درستی عمل امام علی علیه السلام می‌دهد خیلی بیشتر از آنچه است که آورده شد.

۵. شروع خلافت امام علی علیه السلام

ابوبکر در سال دهم هجرت خلیفه شد و در سال ۱۳ هجری در ۶۳ سالگی از دنیا رفت. در حالی که ۲ سال و ۳ ماه و ده روز خلافت کرد.

پس از او عمر روی کار آمد و در اواخر ذی‌الحجه ی سال ۲۳ به دست ابولؤلؤ (فیروز ایرانی) کشته شد و مدت خلافت وی ده سال و شش ماه و ۴ روز بود.^۴ عمر به هنگام تعیین خلیفه ی پس از خود دستور تشکیل شورایی را داد که نتیجه آن به سود عثمان؛ منوط به عمل کردن وی به سیره پیامبر اسلام ﷺ و سیره شیخین، تمام شد و عثمان در اوائل محرم سال ۲۴ هجری تا ذی‌الحجه سال ۳۵ هجری خلافت کرد که مجموعاً خلافت وی ۱۲ سال چند روز کم به درازا کشید.^۵

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۹۰.

۲. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۳۲ - الفتوح، ج ۴، ص ۱۹۴.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۱۰۰.

۴. مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۳۰۴.

۵. مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۳۳۱.

در سال ۳۵ هجری مردم اجماع بر خلاف علی علیه السلام نمودند اول کاری که حضرت پس از خلافت خود کرد عمال فاسق و فاجر عثمان و بنی امیه را عزل نمود از کسانی که زیر بار این عزل ها نرفت معاویه بود او در زمان ابوبکر والی شام شده بود. که شرح حالش مفصل می آید اما نکته ای مهم اینکه یاران معاویه به او امیر مؤمنان می گفته اند.

۶. معاویه مفسد فی الارض

طبق منابع اهل سنت خدیج می گوید: معاویه کنیزی (زنی) خرید که من او را عریان و لخت پیش معاویه بردم در حضور ما بعضی حرکات خلاف عفت را انجام داد و سپس آن کنیز را به عبدالله بن سعده فزاری که از دشمنان سرسخت امام المتقین علی علیه السلام بود هدیه کرد تا او نسبت به کارش دلگرم تر شود.^۱

۷. معاویه پادشاهی گمراه

سعدایی وقاص که پدر عمر سعد قاتل امام حسین علیه السلام بود با اینکه خود یکی از اصحاب شورا بود و با علی علیه السلام نیز بیعت نکرد و از حیث سیاسی از معاویه هم مهم تر بود روزی با معاویه مواجه شد و به او گفت: السلام علیک ایها الملک، یعنی: درود بر تو ای پادشاه معاویه به او گفت: چرا به من امیر المؤمنین نمی گویی او گفت: از این راه و روشی که تو به این منصب و قدرت رسیدی اگر به من می دادند آن را نمی پذیرفتم.^۲

۸. شروع مخالفت های معاویه با امام علی علیه السلام

هنگامی که با امیر مؤمنان، علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت شد، به وی خبر رسید که معاویه، از بیعت با امام، خودداری کرده و گفته است: «اگر مرا بر حکومت شام و مسئولیت هایی که عثمان بر آن ها گماشت، گمارد، باوی بیعت می کنم.»

۱. تاریخ تهذیب دمشق، ج ۴، ص ۹۱ - رسائل الجاحظ الکلامیه، ص ۷۰ - التاج فی اخلاق الملوک، ص ۲۹ و الفوائد المجموعه، ص ۴۰۷.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، ص ۳۲۴ نوشته ابن عساکر متوفای ۶ قمری و تاریخ یعقوبی متوفای قرن ۳ قمری، ج ۲، ص ۲۱۷ و کتاب الاربعین ما حوزی، ص ۳۸۷.



بعد از این، مغیره نزد امام علیؑ آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! معاویه را به خوبی می شناسی و عثمان قبل از تو به او حکومت شام را داده است. تو هم بگذار او بر حکومت شام باقی بماند تا کارها از هم گسیخته نگردد. آن گاه اگر نخواستی وی بماند، او را کنار بگذار.

حضرت علیؑ فرمود: «ای مغیره! آیا در فاصله نصب و عزل او، حیات مرا تضمین می کنی؟»

گفت: نه

حضرت فرمود: «آیا خداوند، هیچ از من نپرسد که چگونه او را بر دو مرد مسلمان در شبی تاریک گماردی؟ «وما كنت متخذ المضلین عضدا»^۱؛ و هیچ گاه گمراهان را یاور نگیرم. لیکن به سوی او می فرستم و او را به آنچه از حق نزد من است، فرا می خوانم. اگر اجابت کرد، او یکی از مسلمانان است که حقوق و وظایفی مانند دیگران دارد، و اگر امتناع ورزید، به خدا شکایت می برم.»

مغیره برگشت، در حالی که می گفت: اینک از او به خدا شکایت می کنم.^۲

۹. علت دوری بعضی از صحابه از امام علیؑ

ابن ابی الحدید مورخ اهل سنت از قول مدائنی اینگونه می نویسد: مهمترین علتی که مردم علیؑ را رها کردند و در اطراف معاویه گرد آمدند مسأله مالی و پول بود، زیرا علیؑ در تقسیم مال کسی بر دیگری برتری نمی داد ولی معاویه این گونه نبود...^۳ بعد از بیعت مردم با امام علیؑ و اعلام امام مبنی بر اینکه هر پولی و مالی که از بیت المال در نزد کسی باشد را پس خواهد گرفت.

عمر و عاص یار غار معاویه در نامه ای به معاویه اینگونه می نویسد: هر کار و فکری که داری به کار انداز زیرا پسر ابوطالب هر ثروت و اموالی را که داری از تو خواهد گرفت همان گونه که پوست را از چوب جدا می سازد.^۴ ابن عباس در دوران خلافت امام علیؑ

۱. کهف / ۵۱.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۵.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸۰ متوفای قرن ۷ هجری قمری.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۹۰.

بر حضرت وارد شد، ملاحظه کرد که امام با دست خود کفش کهنه‌اش را وصله می‌زند. امام از ابن عباس پرسید: بهای این کفش چند است؟ ابن عباس گفت: هیچ. امام فرمود: ارزش همین کفش کهنه در نظر من از حکومت بر شما بیشتر است مگر اینکه به وسیله آن عدالتی را اجرا یا حقی را به صاحبش برسانم یا باطلی را از میان بردارم.

۱۰. حکومت صالحین

نمونه یک جامعه‌ای که علی علیه السلام براساس قرآن درست کرد.
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

ما اصبح بالكوفة احد الا ناعما ان ادناهم منزلتا لیاكل البر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات؛^۱ در ناحیه حکومتی من، هیچ کس نیست مگر اینکه در نعمت است همانا فقیرترین مردم از بهترین گندم می‌خورد و همه سایه بالای سر دارند و از آب فرات می‌آشامند.

۱۱. قاسطین گمراه

معاویه مرکزیت این مجموعه گمراه یعنی قاسطین را بر عهده داشت او که در زمان عمر بن خطاب حاکم دمشق و اردن بود، عثمان منطقه حمص و فلسطین و جزیره را بر آن اضافه کرد.^۲

معاویه از همان ابتدای حکومت پر نور امام علی علیه السلام از تبعیت امام خارج شد کلمه قاسطین به معنای ستمکاران آمده است جنگ صفین در طی سالهای ۳۶ و ۳۷ هجری بوده است استاد مطهری در توصیف این گروه می‌گوید:

اما روح قاسطین روح سیاست و تقلب و نفاق بود آن‌ها می‌کوشیدند تا زمام حکومت را در دست گیرند و بنیان حکومت و زمام داری علی علیه السلام را در هم فرو ریزند.^۳

صفین قریه ای ویران از بناهای روم بود و از آنجا تا فرات به قدر سیر یک تیر فاصله

۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳. جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص ۱۱۲.



بود و کنار شط در مقابل صفین قریب دو فرسخ بیشه ای قرار داشت که پوشیده از نی بود و در طول این دو فرسخ تنها یک راه مفروش از سنگ به شط وجود داشت که برای برداشتن آب استفاده می‌شد.^۱

علامت سربازان اسلام در جنگ صفین پارچه های سفیدی بود که به سر و یا بازوهای خود بسته بودند و شعارشان یا الله و یا احد یا صمد یا رب محمد یا رحمن و یا رحیم بود.

ولی نشانه سپاهیان معاویه پارچه زردی بود که به سر و بازوهایشان بسته بودند و شعارشان یا لثارات عثمان بود.^۲

در اولین روز ماه صفر سال سی و هفت جنگ صفین شروع شد. و این جنگ حدود ۱۸ ماه طول کشید مجموعه نیروهای شام ۸۵ هزار نفر بود در مورد رقم لشکر امام علی علیه السلام نیز اختلافی وجود دارد.^۳

۱۲. معاویه را بهتر بشناسید.

پس از قتل عثمان در ۱۸ ذی الحجه سال ۳۵ هجری، معاویه بن ابی سفیان که خود از عاملین تحریک مردم به کشتن عثمان بود معاویه می‌دانست علی علیه السلام حکومت شام را برای حیف و مال بیت‌المال مسلمانان به وی نخواهد داد و از سویی معاویه نیز تابعیت از علی علیه السلام را نیز نمی‌پذیرفت. به ناچار بنای مخالف با حضرت را در پیش گرفت و از خون عثمان به نفع خویش بهره برداری کرد. او با پیراهن خون آلود عثمان و انگشتان قطع شده نائله همسر عثمان احساسات مردم عوام را بر ضد علی علیه السلام شورانید و بی محابا آن حضرت را به قتل عثمان متهم می‌کرد و خود به خون خواهی او برخاست او برای نخستین بار بر بالای منبر، قاتلان عثمان را دشنام داد. معاویه در سب و ناسزا گویی به وجود مقدس حضرت علی علیه السلام اصرار می‌ورزید و تا زنده بود از آن دست برداشت، حتی وقتی امام حسن علیه السلام روی مصالحی با معاویه صلح کرد به هیچ یک از مفاد قطعنامه که یکی از آن عدم سب به حضرت علی علیه السلام بود عمل نکرد. او بعد از گرفتن بیعت از مردم

۱. اخبار الطوال، ص ۱۶۷ نوشته دینوری متوفای قرن ۳.

۲. وقعه صفین (نصرین مزاحم).

۳. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۵ نوشته مسعودی، متوفای قرن چهارم.



مردم از روی ظلم نیستی ابن سمیه درباره آن ها به تو نوشت که اینان بر دین علی علیه السلام هستند و تو به او نوشتی هر که بر دین علی علیه السلام است باید او را به قتل رسانی پس او آن بندگان خدا را به قتل رسانید و به دستور تو گوش و بینی آن ها را برید و شکنجه داد امام حسین علیه السلام در این نامه به زیاد بن سمیه (زنزاده مشهور زیاد بن ابیه) اشاره می فرماید و به معاویه می نویسد: او را بر اهل عراق حاکم نمودی و چون آن بی دین را بر آنان مسلط کردی به او قطع دست و پای مسلمانان و در آوردن چشم های آنان پرداخت و یا چشم های بسیاری از مسلمانان را با میله های داغ سرمه کشید و کور کرد و جمعی را هم به درختان خرما بسته و به دار آویخت.^۱

۱۴. چهره معاویه در کتب اهل سنت

ابن عبدالبر نویسنده سنی مذهب کتاب استیعاب درباره معاویه می نویسد:

۱. او اولین کسی است که ولیعهد (در حیات خود) تعیین کرد.
۲. اولین کسی که مسلمانی را به قتل صبر (دست و پای کسی را قطع کرده و او را رها می کنند تا جان دهد) اعدام کرد.
۳. اولین کسی است که با تشریفات (محافظ و اسکورت) حرکت می کرد.
۴. اولین کسی است که از خواجه ها در حرم سرا استفاده کرد.
۵. اولین کسی است که منبر را به ۱۵ پله رسانید در حالی که منبر پیامبر ۳ پله داشت.
۶. اولین کسی است که مسلمانی را زنده زنده در گور کرد.
۷. اولین کسی است که یک فرد نصرانی را به کار گماشت و او را استاندار قرار داد. ۲
۸. او اولین کسی است که زن مسلمان را به جرم مردهای آنان به گروگان گرفت و زندان کرد. ۳
۹. اولین کسی است که سر مسلمانی را برید و در شهرها گردانید و سپس دستور داد آن سر را در دامان همسر آن مقتول قرار دهند.

۱. انساب الاشراف نوشته بلاذری متوفای ۲۷۹ هـ ق. ۵، ج ۵، ص ۱۲۹.

۲. استیعاب نوشته ابن عبدالبر متوفای قرن ۵، ج ۲، ص ۳۷۳.

۳. تهذیب التهذیب نوشته ابن حجر متوفای ۸۵۲، ج ۸، ص ۲۴.

۱۰. او کسی بود که با زن کافری (غیر اهل کتاب) نیز ازدواج کرد.^۱
۱۱. معاویه برای مالک بن هبیره ۱۰۰۰۰۰ درهم به عنوان حق السکوت برای قتل حجر بن عدی فرستاد.^۲
۱۲. معاویه وقتی می‌خواست برای یزید بیعت بگیرد ۱۰۰۰۰۰ درهم برای عبدالله بن عمر ارسال کرد.^۳
۱۳. ابن ابی الحدید، درباره معاویه می‌نویسد: اصحاب ما به فسق معاویه بلکه کفر او یقین دارند او سپس در استدلال به کفر معاویه داستانی را نقل می‌کند که از بی اعتمادی معاویه بر پیامبر حکایت دارد.^۴
۱۴. زمخشری می‌نویسد: معاویه برای به شهادت رساندن امام حسن علیه السلام ۱۰۰۰۰۰ درهم جایزه برای جعه همسر امام تعیین کرد.^۵
۱۵. ابن ابی الحدید می‌نویسد: معاویه در قنوت نماز و خطبه جمعه، حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و ابن عباس و مالک اشتر لعن می‌کرد.^۶
۱۶. ابن تیمیه رئیس فرقه گمراه وهابیان که از طرفداران بنی امیه است در کتاب خود آورده است که عده‌ای در فضیلت معاویه روایاتی جعل کردند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند ولی تمام آن‌ها دروغ است.^۷ شارح صحیح بخاری می‌گوید: یک حدیث صحیح و مسند در فضیلت معاویه نداریم.^۸
۱۷. حسن بصری می‌گوید: در معاویه ۴ خصلت بود که اگر یکی از آن‌ها در شخصی او را به هلاکت می‌رساند، معاویه با شمشیر به ملت اسلام حمله کرد و با نیرنگ خلافت

۱. المغازی، ج ۲، ص ۶۳۳.

۲. الاغانی، ج ۱۷، ص ۱۵۷ نوشته ابوالفرج اصفهانی متوفای سال ۳۵۶ قمری.

۳. سیر اعلام النبلاء نوشته ذهبی متوفای ۷۴۸، ج ۳، ص ۲۲۵.

۴. نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۱۲۹ (تمامی این متن‌ها و کتب‌هایی که در تنظیم شرح حال معاویه استفاده شده است از کتب قدیمی اهل سنت می‌باشد).

۵. ربیع الابرار، ج ۴، ص ۲۰۸ نوشته زمخشری مفسر اهل سنت.

۶. نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۹۸.

۷. منهاج السنة، ج ۲، ص ۳۰۷.

۸. البدایة و النهایة نوشته ابن کثیر متوفای ۷۴۴، ج ۸، ص ۱۲۳ - فتح الباری، نوشته ابن حجر متوفای ۸۵۲، ج ۷، ص ۸۳ - وفيات الاعیان نوشته ابن خلکان متوفای ۶۸۱، ج ۱، ص ۷۷ - لسان المیزان نوشته ابن حجر متوفای ۸۵۲، ج ۱، ص ۳۷۴ - الموضوعات، ج ۲، ص ۲۴.



را در دست گرفت و با اصحاب مشورت نمی کرد و به اهل فضل توجهی نمی کرد. ۲- معاویه پس از خود شخص شراب خواری را که همیشه مست بود و لباس های حریر می پوشید و با ساز و رقص و آواز دمساز بود را بر جای خود نصب کرد و...

❖ ۱۵. فقط پیامبر ﷺ بین آن ها نبود ❖

گویند روزی عقیل^۱ بر معاویه وارد نمودند از وی سؤال شد که لشکر امام علیؑ و معاویه را چگونه دیدی؟ عقیل جواب داد: از لشکر برادرم گذشتم دیدم شب و روز آن ها مانند زمان پیامبر ﷺ بود در حالی که پیامبر ﷺ در میان آنان نبود و از لشکر تو (معاویه) گذشتم منافقانی را دیدم که می خواستند شتر پیامبر ﷺ را در شب عقبه رم دهند و چون از خود او (شخص معاویه) سؤال کرد؟ عقیل به وی گفت: حمامه را می شناسی (جده معاویه که زنی بدکار بود). معاویه خودش می گوید: **لقد وضعت رجلی فی الرکاب و هممت یوم صفین بالهزیمه**، یعنی: در صفین پایم را در رکاب نگذاشتم و تصمیم به فرار داشتم^۲ معاویه در جنگ خندق نیز وارد میدان شده بود او در جنگ بدر از ترس با پای پیاده به مکه فرار کرد به گونه ای که از پا درد تحت معالجه بود.^۳

❖ ۱۶. عمار معیار راه راست ❖

ابن حجر می گوید:

«ظهر بقتل عمار ان الصواب مع علی».

با کشته شدن عمار [به دست معاویه] روشن شد که حق با علی بود.^۴

۱. عقیل (ابویزید) برادر بزرگ علیؑ است که ۲۰ سال از حضرت بزرگ تر بود وی در علم انساب بسیار توانا بود او در اواخر عمر نابینا شد او در انتخاب فاطمه مادر حضرت ابوالفضلؑ (ام البنین) به همسری علی علیه السلام نقش مؤثری به خاطر شناخت علم انساب خود داشت.
۲. العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۴۰ - تاریخ دمشق - وفيات الاعیان، ج ۵، ص ۲۴۱ نوشته ابن خلکان برمکی اربلی متوفای قرن ۷ قمری.
۳. سیره ابن هشام (السیره النبویه) نوشته ابن هشام متوفای اوایل قرن سوم هجری، ج ۳، ص ۲۴۲ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۸۵.
۴. فتح الباری، ابن حجر، ج ۱۳، ص ۷۴ متوفای قرن ۹.



جمعی از جمله عمرو عاص نزد معاویه نشستند که نامه حضرت علی علیه السلام را به معاویه دادم معاویه گفت: چرا علی قاتلان عثمان را به تحویل نمی‌دهد؟

گفتم ای معاویه: لا تعتل بقتله عثمان فانک لا تطلب الا الملک و السلطان...

یعنی: بهانه و عذر نیاور و قتل عثمان را دست آویز و بهانه مکن تو با این شعار دنبال دست یابی به تاج و تخت و سلطنت و پادشاهی هستی برستی، تو اگر اراده و قصد یاری و کمک به عثمان را داشتی می‌توانستی تا زنده بود او را یاری کنی و لکن عمداً فرصت سوزی و وقت کشی کردی تا او کشته شود و تو قتل او را سکوی پرش برای رسیدن به دنیا و سلطنت خود قرار دادی.

❖ ۲۰. احوالات دیگر معاویه ❖

جهت اطلاع خوانندگان از منابع اهل سنت صفحه‌ای از احوالات معاویه را می‌آوریم. جاحظ که خود از علمای اهل سنت در قرن سوم است با اینکه در کتبش شدیداً از عثمان دفاع می‌کند اما می‌گوید: معاویه و مروان و یزید باهم بزم شبانه و آواز خوانی و رقص و پایکوبی با ندیمان (نام یکی از این آوازه‌خوان‌ها سائب خاثر بود) خود داشتند.^۱

❖ ۲۱. چهره معاویه در نزد یارانش ❖

مغیره بن شعبه که از رهروان راه معاویه می‌باشد در پاسخ به شخصی درباره معاویه می‌گوید:

«جئت من عند اخبث الناس؛ از نزد خبیث‌ترین انسان‌ها می‌آیم».^۲

❖ ۲۲. مظلوم بزرگ تاریخ ❖

امام علی علیه السلام می‌فرماید: من پیوسته مظلوم بوده‌ام از کودکی تا به امروز چنین بوده است. وقتی که برادرم عقیل به چشم درد مبتلا شد او به حکم ضرورت می‌بایست دارو مصرف می‌کرد اما بهانه می‌آورد و تسلیم نمی‌شد و می‌گفت: اگر بناست من دارو مصرف

۱. الفوائد المجموعه، ص ۴۰۷ - العقد الفرید، ج ۶ ص ۵۸ انساب الاشراف، ج ۵، ص ۳۳.

۲. کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۱۸.



را در سر سفره معاویه نشانند و هزاران حدیث در فضیلت شیخین و خاندان بنی امیه و عثمان و معاویه جعل و نقل کردند و برای مردم بر فراز منبر از زبان پیامبر حدیث جعلی می خواندند.^۱

۲۴. داستانی عجیب تر در ظلم و تعدی به خاندان پیامبر

حجاج بن یوسف به عبدالله بن هانی گفت:
به نفع ما رنج ها کشیده ای و ما جبران نکرده ایم سپس دو دختر را تحت فشار به ازدواج با او در آورد سپس از وی پرسید: درباره طائفه خود سخن بگو! عبدالله گفت:
ما مناقبی داریم که هیچ یک از طوایف عرب ندارند. حجاج پرسید: آن مناقب و فضائل چیست؟ قدری برایم بگو!

۱. عبدالله گفت: تاکنون در مجالس ما به عبدالملک بدگوئی نشده است.

حجاج گفت: بخدا سوگند فضیلتی است.

۲. عبدالله: در جنگ صفین ۷۰ نفر در رکاب معاویه شهید دادیم... و این کار را بد نمی دانیم.

حجاج: بخدا فضیلتی است بزرگ.

۳. عبدالله: عده ایاز زنان ما نذر کردند که اگر حسین کشته شود هر کدام ده شتر قربانی کنند و بعد از شهادت او به عهد خود وفا کردند.

حجاج گفت: بخدا این فضیلتی بزرگ است.

۴. عبدالله گفت: هر یک از طایفه ی ما که لعن کردن به علی را می شنوند حسن و حسین و مادرشان زهرا را هم به آن می افزایند و به همه آنها لعن می کنند.

حجاج گفت: بخدا فضیلتی بزرگ است.^۲

لذا در روایت است کسی که بعد از نمازش بنی امیه را لعن نکند نمازش کامل نخواهد بود ولعنة الله على القوم الظالمين.

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۲۹ و کتاب کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۱



۲۶. از گمراهی تا سقوط

روزی شخصی به حجاج گفت:
 پدر و مادرم به من ظلم کرده‌اند و نام مرا علی گذاشته‌اند نام مرا تو عوض کن و به
 من کمک کن زیرا من فقیرم.
 حجاج گفت: به پاس این عمل تو نامت را فلان گذاشتم و ریاست فلان شهر را به
 تو دادم حرکت کن.^۱
 ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: ولید بن عقبه و ضحاک بن قیس و مغیره و بسر بن اریطه،
 حبیب بن مسلمه، ابوموسی اشعری و مروان بن حکم در نماز قنوت می‌گرفتند و علی را
 در آن لعن می‌کردند.

۲۷. مردی که ناشناخته و تنها ماند

مسعودی می‌نویسد: مردی از اخباریها از یک مرد شامی که از بزرگان اهل شام به
 شمار می‌رفت در میان مردم به داشتن درایت و عقل معروف بود پرسید: این ابوتراب
 کیست که در منبر نسبت به او لعن می‌فرستند؟
 او در جواب گفت: به نظر من او از گروه دزدانی است که فتنه به پا می‌کنند.^۲
 روایات جعلی عجیب تر هم در کتب روائی آمده از جمله آن که یحیی بن صالح
 می‌گوید: وقتی پیش حریرز رفتم او یادداشتی به من نشان داد که در آن چنین نوشته
 بود: «فلانی از فلانی به من نقل کرد که وقتی پیامبر از دنیا می‌رفت وصیت کرد دست
 علی بن ابی‌طالب را قطع کنند.»^۳

۱. نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۵۷ - حجاج با حمله به مسجد الحرام و به سنگ بستن بیت الله باعث شد
 سنگی به حجر الاسود اصابت کند لذا علامت ضربه و شکستگی در حجر الاسود هنوز هم دیده می‌شود.
 ۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۲.
 ۳. نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۳۶۰ و این در حالی است که پیامبر اسلام ﷺ به عنوان تبرک دست به
 عرق پیشانی امام علی علیه الام می‌کشید و به بدن شریف خود می‌کشیدند.



آنکه چیزی به او بدهد او را از مجلس بیرون کرد.^۱ (پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حسین منی و انا من حسین).

لذا وقتی قاتلین امام حسین علیه السلام همراه اسراء کربلا با یزید وارد شدند یکی از آنها به یزید گفت:

ای یزید! به پای من طلا و نقره بریزید زیرا که سلطان با عظمتی را کشته‌ام کسی که از نظر پدر و مادر میان همه مردم ممتاز بود و اگر مردم نسب گیری کنند از لحاظ نسبت بهتر از او پیدا نخواهند کرد.

اوفر رکابی فضة او ذهباً فقد قتلت الملك الحجة
قتلت خیر الناس امأ و اباً و خیر هم اذنیسون نسباً

۳۰. حکایتی عجیب تر

در سالی که ابوهریره در معیت معاویه وارد عراق شد ابوهریره به مسجد کوفه آمد و هنگامی که چشمش به انبوه جمعیتی که به استقبال او آمده بودند افتاد روی دو زانو خود نشست و در حالی که مرتب به پیشانیش می زد چنین می گفت:

ای مردم عراق! آیا چنین می بیندارید که من از قول خدا و پیامبرش دروغ گفته و خودم را به آتش و عذاب الهی گرفتار می سازم؟

به خدا سوگند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که گفت: هر پیامبری حرم مخصوص دارد و حرم من در مدینه از «عیر» تا «ثور» است (کوهی است که در میان این دو محل در مدینه قرار دارد).

هر کس در حرم من حادثه ای بیا کند لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد. این را گفت: سپس اضافه کرد: همین خدا را شاهد می گیرم که علی در آنجا حادثه بیا کرد.

۱. *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، ص ۵۸۵ نوشته ابن اثیر و متوفای ۶۳۰ قمری حجاج بن یوسف حاکم عراق بود و برادر سفاک او محمد بن یوسف نیز حکومت یمن را از طرف عبدالملک مروان در دست داشتند هر دو منطقه نیز مردمش از دوستان امام علی علیه السلام بودند حجاج در به شهادت رساندن قتیرو کمیل بن زیاد و... سایر دوستان امام علی علیه السلام سعی وسیع داشت.



برای این با شما جنگیدم که بر شما حکومت می‌کنم.»^۱ (او دنبال حکومت و پادشاهی بود.)

❖ ۳۲. دیدگاه معاویه درباره رسول الله صلی الله علیه و آله ❖

معاویه در نامه ای به امام علی علیه السلام می‌نویسد: چرا اینقدر خود را به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیاء نسبت می‌دهی؟

«إِنَّمَا كَانَ مُحَمَّدٌ رَسُولًا مِنَ الرُّسُلِ إِلَى النَّاسِ كَمَا فَبَلَّغَ رِسَالَتَ رَبِّهِ لَا يَمْلِكُ شَيْئًا غَيْرَهُ؛
او تنها یکی همانند دیگر فرستادگان خدا به سوی عموم مردم بود و هیچ چیز دیگری
غیر از این برای او نیست.»^۲

یعنی: نعوذ بالله! پیغمبر صلی الله علیه و آله هیچ شأن و مقامی نداشته و فقط پست چی و نامه رسان
بوده است و شرافت و معجزات و افضلیت از همه ی مردم هیچ کدام برای او نیست.

❖ ۳۳. میزان بغض معاویه نسبت به علی علیه السلام ❖

معاویه به حجر بن عدی دستور داد که بر بالای منبر برود و علی علیه السلام را لعن کند. وی
بالای منبر رفت و گفت:

«يا ايها الناس، ان اميركم امونى ان العن على بن ابي طالب الا فالفنوه».^۳

ای مردم، امیر شما به من دستور داده است که علی بن ابی طالب را لعن کنم، پس او
را لعن کنید.

و مقصودش این بود که معاویه را لعن کنید.

الْبَشَائِرَاتُ سَعِيدُونَ

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۴۵.

۲. الغارات، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۵۸. النصائح الکافیة، ص ۱۰۰. در این منابع ماجرا به حجر بن عدی
و مغیره بن شعبه، والی کوفه از طرف معاویه نسبت داده شده است. در مورد دیگر همین ماجرا بین حجر بن قیس
صدری و احمد بن ابراهیم جانشین معاویه در مسجد جامع مطرح شده است - لسان المیزان، ج ۴، ص ۱۲۲ و
در مورد دیگر بین صعصعه بن صوحان و معاویه رد و بدل شده است - الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۷۲ - ایضاح
الاشتباه، ص ۲۰۴ - معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۱۵.



۳۶. روند حرکت های انحرافی معاویه

شعبی می گوید: من حدیث را از علی علیه السلام نقل می کنم که فرمود: من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که عمر و ابوبکر از جلوی ما عبور کردند در این لحظه پیامبر رو به من کرد و گفت: یا علی هذان سیدا اهل الجنة من الاولین و الاخرین الا النبیین و المرسلین.

درباره ی این حدیث بحثی میان امام جواد علیه السلام و یحیی بن اکثم کوفی واقع شده است یحیی در مجلسی از امام پرسش هایی می کند یکی از آن ها همین مساله است که می گوید: مگر پیامبر نفرموده است که: (عمر و ابوبکر سیدا اهل الجنة؟)

امام در پاسخ می فرماید: اصلاً کسی پیر وارد بهشت نمی شود^۱ و همه ی بهشتیان جوان هستند آن گاه امام می فرماید:

این حدیث از ساخته های معاویه است که آن را در مقابل حدیث: الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة وضع کرده اند.

۳۷. آل زیاد را بشناسید

زیاد بن ابیه در زمان عمر مورد توجه او بود و در زمان حکومت امام علی علیه السلام در هیچ یک از جنگها به یاری امام نیامد او بعدها بسیاری از شیعیان امام را زندانی کرد و یا به قتل رساند چندین نفر به زنا زاده بودن او در تاریخ شهادت داده اند او قبلاً به جهت آنکه پدرش معلوم نبود کیست به نام مادرش خوانده می شد «زیاد بن سمیه» او مورد لعن و نفرین امام حسن علیه السلام قرار گرفت او مردم کوفه را جلوی در کاخ حکومتی گرد می آورد و آنان را به لعن امام علی و او می داشت و هر کس که خودداری می کرد او را می کشت وی پسری داشت به نام عبیدالله بن زیاد که بعدها قضیه اسف بار عاشورا را به وجود آورد^۲ او یکی از بهترین یاران امام علی علیه السلام به نام جویری به را به شهادت رساند زیاد بن ابیه مورد توجه عمر بود و مدتی او را برای ساماندهی ناهنجاری ها به آنجا فرستاد او ۱۰ سال از طرف معاویه در کوفه به ستمکاری پرداخت و به شیعیان و محبان امام علی علیه السلام بسیار سخت

۱. این مطلب در روایتی در کتاب فیض القدر، نوشته مناوی عالم سنی در قرن ۱۱، ج ۲، ص ۳۵۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است. که: (لا یدخل الجنة عجوز...)

۲. تاریخ دمشق، ج ۱۹، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.



می گرفت و بسیاری از آنها را به قتل رساند معاویه همواره او را برادر خود می خواند در حالی که در کتب تاریخی چندین نفر به زنازاده بودن او شهادت دادند. و در زمان امام علی علیه السلام در هیچ یک از جنگها نیز شرکت نکردند.

❖ ۳۸. کسی جرأت بردن نام علی علیه السلام را نداشت ❖

یونس ابن عبید می گوید: از حسن بصری پرسیدم: تو گاهی می گویی: قال رسول الله... و این در حالی است که تو آن بزرگوار را ندیده ای؟ گفت: فرزند برادرم!

از چیزی سؤال کردی که تاکنون کسی از من نپرسیده بود و اگر نبود حرفی را که تو در نزد من داری هرگز پاسخی از من نمی شنیدی. ما در روزگاری زندگی می کنیم که می بینی (زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی لعنة الله علیه) هر گاه شنیدی که می گویم: قال رسول الله، بدان که سخنی از علی بن ابی طالب است که نقل می کنم.

روزگار به گونه ای است که نمی توانم علی علیه السلام را نام ببرم.^۱

❖ ۳۹. احترام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خانواده او واجب است ❖

آیه شریفه می فرماید: **فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**^۲

پس کسانی که به او (رسول خدا) ایمان آورده اند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند رستگاراند.

نکته: طبق آیات متعدد قرآن کریم حرمت و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واجب و بی احترامی به ایشان باعث نابودی تمامی اعمال نیک آدمی می شود البته این حرمت گذاری شامل خانواده ایشان هم می شود.

۱. تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۶۶ نوشته ابن حجر عسقلانی مصری شافعی متوفای ۸۵۲ قمری.
 ۲. اعراف / ۱۵۷.



معاویه با تبلیغ و ترویج لعن و سب امام علی علیه السلام در منابر و بلاد اسلامی عملاً خود را در دایره کفر و خشم الهی قرار داده است.

۴۰. گناه نابخشودنی معاویه

و این در حالی است که در کتب مختلف اهل سنت روایت «اینکه هر کس علی علیه السلام را دشنام دهد پیامبر خدا را دشنام داده است» دیده می‌شود. از جمله در کتاب المعجم الاوسط نوشته طبرانی در حدود ۱۱ قرن پیش که روایات متعددی حدود ۱۰ روایت در این خصوص نقل کرده است. در روایت دیگری است که نشانه منافق داشتن بغض علی علیه السلام است این روایت در المعجم الاوسط طبرانی ج ۳ ص ۷۶ حدیث ۲۱۴۶ و ص ۸۹ حدیث ۲۱۷۷ و جلد ۵ ص ۸۹ حدیث ۴۱۶۳ و ص ۳۷۷ حدیث ۴۷۴۸ آمده است در کتاب فردوس الاخبار که نویسنده‌اش از محدثین قرن ۵ و ۶ هجری قمری است آمده که رسول خدا فرموده: **من سب علیاً فقد سبني**.^۱

۴۱. دیدگاه علی علیه السلام از دیدگاه ابن ابی الحدید

امیر مؤمنان علی علیه السلام نه تنها بر روی متفکران و اندیشمندان شیعه و پیروان راستین او تأثیر گذاشت، بلکه بزرگان جهان تسنن را نیز شیفته خود ساخت. هرچند در این زمینه مدارک فراوانی وجود دارد، ولی به مصداق مشیت نمونه خروار. به نقل یک نمونه بسنده می‌کنیم ابن ابی الحدید یکی از شخصیت‌های بزرگ اهل تسنن درباره امام علی علیه السلام می‌گوید: «من نمی‌دانم درباره بزرگ مردی که دشمنانش اعتراف به فضائلش کردند و نتوانستند مناقبش را نادیده بگیرند، یا آن‌ها را کتمان کنند چه بگویم؟! بنی امیه در شرق و غرب عالم اسلام، حاکمیت اسلامی را قبضه کردند و در قلمرو حکومت خود با نیرنگ‌های گوناگون سعی در خاموش ساختن نور علی علیه السلام نمودند. حقایق را تحریف کردند و به جای آن روایات دروغ در نکوهش او ساختند. در منبرها زبان به «لعن» او گشودند و کسانی را که از وی به نیکی یاد می‌کردند، با تهدید و حبس و قتل کیفر دادند. از انتشار روایات پیامبر ﷺ که بیانگر فضیلت و یا برتری بخشیدن نام امیر المؤمنین علیه السلام،

۱. فردوس الاخبار، ح ۶۰۹۹.



در نوشتن صحیح خود آورده که احادیثش را از بین ۶۰۰۰۰۰ حدیث جعلی جدا کرده و نوشته است.

۵. جعلی پنداشتن یک حدیث خیلی راحت است اما کار آخرت ما با این انکارهای غیر علمی درست نمی‌شود لذا امثال ابن عساکر بدنبال درج حق و حقیقت بوده‌اند و آخرت خود را نابود نکرده‌اند و معیار عملش را عقل و وجدان علمی قرار داده است.

اگر تعصب را کنار بگذاریم متوجه خواهیم شد پیرو ظالمین یا صالحین هستیم برآستی چرا بعضی‌ها هر مطلبی را که در تمجید و دو ستی و حقانیت علی (ع) در کتب اهل سنت آمده است را جعلی می‌دانند آیا این روش راه ما را روشن می‌کند؟

۶. ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق جلد ۱ ص ۴۱ تا ۱۱۶ بیش از ۸۰ حدیث با سند های صحیح و متواتر که منتهی به بزرگان صحابه مثل: ابن عباس، انس بن مالک، سلمان فارسی، ابوذر، ابویوب انصاری، ابورافع و ابوبکر و... می‌شود را آورده که علی (ع) نخستین کسی بود که اسلام را پذیرفت و ایمان آورد و نماز خوانده است. و معاویه سب و لعن چنین کسی را سال‌های سال در منابر رواج داده است.

۴۳. گمتگوی مروان با امام سجاد (ع)

مروان بن حکم به امام سجاد (ع) گفت: در بین مردم هیچ کس همانند یار شما (علی (ع)) از یار ما (عثمان) دفاع نکرد.

امام به مروان فرمود: پس چرا در منبر وی (علی (ع)) را دشنام می‌گویید؟
گفت: چون حکومت جز با این کار سامان نمی‌یابد.
«قال: لا یستقیم الامر الا بذلک»^۱

۴۴. معاویه! دشمن رسول الله (ص)

معاویه به مغیره بن شعبه می‌گوید: «ان اخا هاشم یصاح به فی کل یوم خمس مرات

۱. تاریخ مدینه دمشق نوشته ابن عساکر متوفای ۵۷۱ قمری، ج ۴۲، ص ۴۳۸ - شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۰ (با بررسی های مستند تاریخی که در جریان قتل عثمان به عمل آمده است و طبق نقل علمای تاریخ اهل سنت یکی از چهره‌های مؤثر در قتل عثمان، مروان و معاویه بودند که بعدها معاویه جنگ صفین را به طلب خونخواهی عثمان به راه انداخت).



معاویه گفت: قرآن را بخوانید و تفسیر کنید ولی از آنچه خداوند درباره شما نازل کرده چیزی را نقل نکنید

ابن عباس گفت: خداوند در قرآن می‌فرماید: «یریدون لیطفؤا نور الله...»^۱ می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خدا نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید»^۲.

۴۶. قاتل اویس قرنی

از تابعین مشهور اویس قرنی است رسول خدا (ص) او را از بهترین و برترین تابعیان نامید.^۳ او در زمان رسول خدا اسلام آورد اما به جهت دستور مادرش به شهر خود بازگشت و نتوانست رسول خدا (ص) را ببیند روایات زیادی در تمجید او وارد شده است بحدی که وی را در روایات جزء حواریان بهشت نامیده‌اند. رسول خدا (ص) در روایتی فرمود: دوست من از میان این امت اویس قرنی است.^۴ اویس با عمر بن خطاب ملاقات داشته، در سیستم حکومتی عمر وارد نشد و عازم کوفه شد در جنگ صفین به حمایت از علی (ع) برخاست در جنگ صفین یکی از یاران معاویه خطاب به یاران علی (ع) گفت: آیا اویس قرنی در میان شماست؟ گفتند: آری. پس مرکبش را راند و به سپاه امام علی (ع) ملحق شد آن‌گاه گفت: شنیدم که رسول خدا (ص) می‌فرمود: بهترین تابعیان اویس قرنی است. او در جنگ صفین به حمایت از علی (ع) و به دست سپاه منحرف معاویه به شهادت رسید.^۵

۴۷. نامه همسر رسول خدا (ص) به معاویه

امسلمه همسر رسول خدا (ص) به ابوعبدالله جدلی فرمود: ای ابوعبدالله! آیا در بین شما به رسول خدا (ص) دشنام می‌دهند و شما غیرت نشان نمی‌دهید؟

۱. صف، آیه ۸.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۶۸.

۴. طبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۶۳.

۵. حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۸۲.

گفتم: چه کسی پیامبر خدا ﷺ را دشنام گفته است؟
گفت: به علی و دوستان دشنام گفته می‌شود در حالی که رسول خدا ﷺ او را همواره دوست می‌داشت؟^۱

لذا طی نامه ای ام‌سلمه به معاویه نوشت: شما خدا و پیامبر او را در منبرهایتان لعن می‌کنید چرا که علی بن ابی طالب و دوستانش را لعن می‌کنید من گواهی می‌دهم خدا و رسولش وی را دوست می‌داشتند معاویه هم به این نامه توجهی نکرد.^۲

۴۸. نامه‌های کفرآمیز

در سال ۴۱ هجری وقتی خلافت با صلح نامه‌ای که فی ما بین امام حسن ﷺ و معاویه نوشته شد به دست معاویه افتاد معاویه نامه ای یکسان به همه استاندارانش نوشت مبنی بر اینکه که کسی حق بیان فضایل ابوتراب و خاندان او را ندارد لذا خطیبان در هر منطقه ای بر روی منابر علی ﷺ را نفرین می‌کردند و از او بیزار می‌جستند و درباره او و خاندانش بد می‌گفتند.^۳

۴۹. کمک به برپایی حکومتی فرعون

زمانی عمر به سمت شام حرکت کرد و معاویه به استقبال او آمد اما با شکوه و جلال دستگاه پادشاهان کسروی، عمر چون موکب عظیم معاویه را از دور دید گفت: این کسرای عرب است و قتی نزدیک او رسیدند به معاویه گفت: این وضع توست، شنیده‌ام که نیازمندان در قصر تو معطل می‌مانند چرا چنین می‌کنی؟
معاویه ضمن عذر خواهی گفت:

۱. خصائص نسایی، ص ۱۶۹ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۶۶.

۲. العقد الفرید، ج ۳، ص ۳۵۵.

۳. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴.



ما در بلادی هستیم که جاسوسان دشمن (رومیان) در آن بسیارند پس ضرورت دارد که شکوه سلطنت خویش را آشکار کنیم تا از ما بهراسند.^۱

۵۰. اصرار بر کفر

معاویه به ابن عباس گفت:

این کار (دشنام و سب علی (علیه السلام)) را رها نخواهیم کرد تا بزرگ ترها با آن بمیرند و کوچک ترها با آن رشد کنند.^۲

۵۱. اقراری که در کتب اهل سنت ثبت تاریخی شد

معاویه در نامه ای به محمد بن ابی بکر استاندار امام علی (علیه السلام) در مصر اینگونه می نویسد: ما و پدرت (یعنی ابوبکر) برتری فرزندان ابوطالب را می دانستیم و حق او را بر خود لازم می شمردیم تا وقتی که خداوند برای پیامبرش که درود خدا بر او باد آنچه را که نزد خود بود اختیار کرد وعده اش که به وی داده بود را وفا کرد و دعوتش را آشکار نمود و حجتش را روشن ساخت و روح او را به سوی خود برد.

پدرت و فاروقش عمر، اولین کسانی بودند که حق علی (علیه السلام) را غصب کردند و با وی مخالفت کردند این دو دست اتفاق به هم دادند سپس علی (علیه السلام) را به بیعت خود خواندند.

وقتی علی (علیه السلام) خودداری کرد تصمیم هایی ناروا گرفتند (می خواستند علی (علیه السلام) را بکشند) و اندیشه هایی خطرناک درباره او نمودند تا در نتیجه علی با آنان بیعت کرد و تسلیمشان گردید.^۳

۱. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۵۳ - الاصابه، ج ۳، ص ۴۱۳.

۲. مناقب، ج ۳، ص ۲۲۲.

۳. مروج الذهب نوشته مسعودی، ج ۲، ص ۶۰ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۴ و ج ۲، ص ۶۵.



شدند او در ادامه می‌نویسد بحث اصلی بر سر سه خلیفه است که شجاعتی از آن‌ها نقل شده و اگر بگویند آنان صاحب رای بودند، مگر می‌پنداری که علی صاحب رأی نبود؟!...^۱

۵۴. نکته‌های پایانی و پرسش چند سوال مهم

۱. نباید هر سخن یا نوشته‌ای که به مذاق ما خوش نمی‌آید را دروغ و جعلی بپنداریم حداقل آنست که این روش، منش عقلایی محسوب نمی‌شود بلکه با تحقیق می‌توان صحت موضوع را پیدا کرد نه با انکار. یکی از علمای اهل سنت نوشته است «سی هزار حدیثی که درباره فضایل علی است همه جعلی است» براستی معیار جعلی بودن سی هزار حدیث آنست که ما نپسندیم.

۲. اگر کسی دل در گرو معاویه داشته باشد در فردای قیامت که طبق احادیث کتب اهل سنت رسول خداﷺ فرموده است علی تقسیم کننده بهشت و جهنم است با علیؑ چگونه روبرو خواهد شد ما باید برای عاقبت خود فکری کنیم.

۳. با یک نگاه اولیه و مقایسه‌ای در رفتار علیؑ و کردار خلفاء و افرادی مثل معاویه و عمروعاص می‌توان حق را پیدا کردند برای روشن شدن حق و حقیقت چند دلیل لازم است.

۴. چرا معاویه بایستی از طرف خلفاء به عنوان استاندار کشور اسلامی منصوب گردد در حالی که طبق گزارش مورخین شبها به رقص و پایکوبی و شرابخوری مشغول بوده و در جنگ بدر و احد با رسول اللهﷺ جنگیده چرا از افرادی مثل عمار یا ابوذر، ابویوب، عبدالله بن مسعود استفاده نمی‌شود بلکه همین افراد توسط بعضی از خلفاء مورد ضرب و شتم و زندان و تبعید می‌شدند آیا این‌ها از ولید، استاندار کوفه که در حالت مستی در مسجد کوفه نماز صبح را چهار رکعت می‌خواند بهتر نبودند.

چرا در کل دوره حکومت خلفاء حتی یک منصب حکومتی در اختیار یاران و صحابی صالح رسول اللهﷺ قرار نمی‌گیرد اگرچه در مدت کوتاهی منصبی به سلمان

۱. تنبیه الغافلین، صفحات ۱۰ - ۱۹ - ۵۳.



قانع کنیم، موضوع عاقبت ابدی ماست که در پیروی از جریان حق و باطل نهفته است. و اینکه چه کسی امام و پیشوای ما بوده است.

معیار کار ما قرآن است قرآن می‌فرماید: **اشداء علی الکفار و رحماء بینهم** باید به کفار غیض و غضب کرد نه به مومنین. و در این فصل خود قضاوت کنید که کافر چه کسی است.

این آیه شریفه معیار عمل ما در دنیاست که خوش عاقبتی را در آخرت به همراه خواهد آورد معاویه لعن کسی مثل علی(ع) را تبلیغ می‌کرد که در فصل اول این کتاب بیش از ۱۰۰ آیه در حق او نازل شده است.

۱۰. مغیره بن شعبه که از رهروان محکم راه معاویه است و از صحابی درجه اول او محسوب می‌شود در وصف معاویه در پاسخ به شخصی می‌گوید «**جئت من عند اخبث الناس**، از نزد خبیث ترین مردم می‌آیم».

۱۱. پیشنهاد می‌نماید اهل تحقیق، تفسیر شجره ملعونه را در تفاسیر اهل سنت بررسی نمایند تا ببینند شجره ملعونه به غیر از آدمکشی که در جنگهای بدر و احد دستش به خون مسلمانان آغشته است به کس دیگری به غیر از معاویه اطلاق شده است.

۱۲. معیار تشخیص حدیث جعلی و اصلی در اسلام قرآن کریم و عقل است هر حدیثی که با آیات قرآن در تضاد باشد مورد قبول نخواهد بود. مثلاً در حدیث است که «فلان کس از پیرهای اهل بهشت هستند» چگونه می‌توان به درستی یا نادرستی این حدیث پی برد آنجا که در قرآن می‌فرماید در بهشت هیچ رنج و سختی وجود ندارد و معلوم است که پیری با خود ضعف و ناتوانی و رنج و مشقت دارد.

همراهان معاویه اگرچه در جعل حدیث بسیار تلاش کردند که به گوشه‌هایی از این تلاش‌ها در این فصل اشاره شد. ولی احادیث آن‌ها چند وجه مهم دارد:

الف: حدیثی بر ضد کسانی که معاویه را استاندار دمشق کرده‌اند به چشم نمی‌خورد (یعنی خلفاء)

ب: اکثر احادیث از حیث محتوا مغایرت جدی با قرآن کریم دارد مثل حدیث فوق لذا بعضی از علمای اهل سنت همانند بخاری که خود از سرآمدترین محدثین اهل سنت در

قرن ۳ می‌باشد است طبق نقل خود او کتاب صحیح را با بررسی حجم زیادی از احادیث جعلی تنظیم نموده است.

اهل سنت فضایل زیادی را بر حضرت علی علیه السلام نقل می‌کنند و همان فضایل را نیز به شکل کم رنگ برای ابوبکر نقل کرده‌اند مثلاً نوشته‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج دید که بر در های بهشت نوشته شده است که «**ابوبکر خلیفه رسول الله**، ابوبکر خلیفه و جانشین رسول خداست»

یک راه دیگر درستی یا نادرستی اینگونه روایات نگاه کردن به عمل و کردار کسانی است که حدیث به نام او وارد شده است ما باید ببینیم و با عقل خود بفهمیم که عمل آن‌هایی که حدیث برای آن‌ها نقل شده است. با قرآن کریم و روش رسول الله صلی الله علیه و آله مغایرت دارد یا خیر.

سؤال:

الف: چرا ابوبکر در مقابل قتل مالک بن نویره اقدامی بر علیه خالد بن ولید نکرد.

ب: چه کس شرابخور آدمکشی مثل معاویه را که در جنگ بدر و احد دستش به خون یاران رسول الله صلی الله علیه و آله آغشته است استاندار دمشق می‌نماید.

ج. چگونه کسی می‌تواند خلیفه رسول الله باشد در حالی که عملش با آیات متعدد قرآن مغایرت دارد قرآن می‌فرماید دشمنان خدا را به دوستی نگیرید آیا خالد یا ولید یا معاویه و زیاد و... دوستان خدا بودند که در حکومت اسلامی مسئولیت گرفتند؟

ه: خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله نبایستی ۹۴ واجب خدا را حرام اعلام نمایند فخررازی نویسنده تفسیر ۳۲ جلدی در قرن ۷ با بررسی های خود این عمل را برای عمر بن خطاب نوشته است که او ۹۴ واجب را حرام اعلام نموده است.

و: معاویه که خود را امیرالمومنین می‌دانست طبق گزارش‌های مورخین اهل سنت نبایستی با شرابخواری‌های شبانه آن هم همراه زنان عریان محفل برپا می‌کرد.

ز: نمی‌توان گفت این‌ها رهبر راه رسول الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند و راه را از بیراهه تشخیص می‌دادند خلیفه یعنی کسی که بتواند به قوانین الهی عمل کند مؤلف می‌تواند عمل



بعضی از همین صحابی که با آیات قرآن کریم ضدیت دارد را در یک مجموعه ۱۰۰۱ مورد تدوین نماید تا معلوم شود عمل آن‌ها ضد قرآن کریم بوده است.

۱۳. شعار عمر بن خطاب «حسبنا کتاب الله، کتاب خدا برای ما کافی است».

قرآن هم می‌فرماید: امانات را به اهل آن بسپارید.

آیا خلافتی که امانت خدا و رسول او بود باید در دستان معاویه قرار گیرد.

چه کسی معاویه را به استانداری دمشق منصوب کرد آیا این عمل، با آیات قرآن مخالف نیست راه درستی عمل هر کسی، حتی پیامبر صلی الله علیه و آله آنست که عمل او مخالف آیات قرآن نباشد چطور می‌شود گفت کتاب خدا ما را کفایت می‌کند بعد به آیات قرآن عمل نکرد بلکه بر ضد آن عمل می‌کنیم.

۱۴. سؤال آخر:

الف) اگر در تلویزیون یک سخنران بی سواد مطالب اشتباهی را بگوید، شما به صدا و سیما اعتراض نمی‌کنید که چرا این سخنران را بکار گرفته است؟

ب) اگر استاندار یا فرماندار شهر شما فردی بی کفایت و بی لیاقت باشد و باعث رکود کارها و عدم پیشرفت شهر شود شما از رفتار غلط آن فرماندار عصبانی نمی‌شود و تلاش نمی‌کنید تا یک فرد شایسته جایگزین او شود؟

ج: چطور می‌توان پذیرفت در حکومت رسول الله صلی الله علیه و آله معاویه شرابخوار آدمکش ۲۵ سال استاندار یک کشور اسلامی باشد؟

علت این کار چیست؟

د: معلم زبان انگلیسی فرزند شما اگر بی سواد بود طبیعتاً نمره درس انگلیسی فرزند شما کم خواهد شد پس چطور ما برای فرزند خود معلم بی سواد را نمی‌پذیریم اما می‌پذیریم کسی همانند ولید بن عقبه به استانداری کوفه نصب شود نتیجه منطقی این نصب خاموش شدن نور هدایت و دوری از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله را بهمراه خواهد داشت.

ه: لوازم دینداری چیست؟ و چگونه می‌توان به کسی دیندار گفت؟ اینکه ابتدا از حق پیروی کنیم و امانات الهی را به اهلش بسپاریم، پیروی از رسول و عمل او نماییم نه اینکه ضد عمل قرآن و رسول عمل کنیم بعد خود را دیندار هم بپنداریم.

و: اگر خلبان یک هواپیما یا راننده یک اتوبوس که سرنوشت مسافران در دست اوست در کار خود مسلط و ناوارد باشد جان مسافران به خطر می‌افتد و نابودی مسافران امری حتمی خواهد بود در مثال رهبر جامعه اسلامی هم خلبان یک هواپیماست که اگر به وظیفه‌اش درست عمل نکند همه مردم را به جهنم و نیستی وارد خواهد کرد اینکه قرآن می‌فرماید: امانات را به اهل آن بسپرید برای تلف نشدن سرمایه های مادی و معنوی و فرهنگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی یک انسان می‌باشد و معلوم است کسانی را که ماجرای تاریخ زندگی آن‌ها را آوردیم صلاحیت عهده داری جامعه اسلامی را نداشتند.



انتشارات سعید نفیسی



انتشارات سجد نون



فصل ششم

قرآن کریم:

قُلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ.

بگو! آیا آن‌هایی که می‌دانند با
آن‌هایی که نمی‌دانند برابرند؟

سوره‌ی زمر، آیه ۹.

پاسخ به شبهات و کتاب راهی دیگر برای کشف حقیقت

﴿چاپ عربستان سعودی به فارسی﴾





انتشارات سجد نون

سؤال ۱: قرآن کریم درباره انتخاب خلیفه و

جانشین رسول خدا ﷺ چه می فرماید؟

عمر بن خطاب گفته است حسبنا کتاب الله، کتاب خدا برای ما کافی است حال ببینیم کتاب خدا در این باره چه می فرماید:

آیه ۱: انتخاب خلیفه و جانشین در اختیار خدای متعال و یا رسول اوست.

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً، مَنْ دَرَّ زَمِينَ خَلِيفَةً أَيْ مَيَّ أفرينم»^۱.

آیه ۲: «إِنِّي جَاعِلٌ لِلنَّاسِ إِمَامًا، مَنْ تَوَّارَا (حضرت ابراهیم) برای مردم امام قرار می دهم»^۲.

آیه ۳: قرآن می فرماید: اگر راجع به هر مسأله ای اختلاف پیدا کردید به خدا و رسول خدا ﷺ مراجعه کنید. «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ، چون در امری اختلاف کردید به خدا و پیامبر او رجوع کنید»^۳.

آیه ۴: قرآن کریم اطاعت از رسول خدا را شرط ایمان بر می شمارد «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحْكَمُوا... نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند مگر آنکه در نزاعی که میان آن هاست تو را داور قرار دهند»^۴.

آیه ۵: قرآن می فرماید: «وَمَا اتَّكَمُ الرَّسُولُ فِخْذُوهُ وَ مَا نَهَنَكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا، هر چه پیامبر به شما داد بستانید و از هر چه شما را منع کرد دوری کنید»^۵.

از آیات فوق نتایج ذیل بدست می آید:

۱. دستور رسول خدا ﷺ حکم خداست.

۲. انتخاب خلیفه در اختیار خدا و رسول اوست.

۳. وقتی که مسلمانان درباره ی مسأله خلافت بعد از رحلت رسول خدا ﷺ اختلاف کردند بنابر دستور صریح قرآن باید به حکم خدا و رسول او رجوع می کردند و آن حکم چیزی جز بیان خلافت و امامت حضرت علی ﷺ در واقعه غدیر خم نبود.

۴. آیه: «إِنِّي جَاعِلٌ لِلنَّاسِ إِمَامًا» انتخاب امام را توسط مردم نفی کرده است. آیا این

آیه خیلی پیچیده است. انتخاب امام بعهده خدا و رسول اوست نه اینکه عده ای بنشینند و امام و خلیفه برای مردم درست کنند.

۱. بقره / ۳۰.

۲. بقره / ۱۲۴.

۳. نساء / ۵۹.

۴. نساء / ۶۵.

۵. حشر / ۷.





سؤال ۲: آیا روایات متعددی که در شأن ابوبکر و عمر در کتب حدیثی اهل سنت وارد شده، نمی‌تواند حکایت از برتری و خوبی آن‌ها بنماید؟

اگر روایتی درباره کسی آمده باشد زمانی می‌توان آن روایت را قبول نمود که عمل آن شخص با متن روایت مطابق باشد نه اینکه عمل آن شخص با متن روایت متضاد باشد. فرض که روایاتی در فضل ابوبکر و عمر در منابع روایی به چشم بخورد آیا عمل ابوبکر و عمر نیز مطابق همان تمجیدهای مندرج در روایات است؟ حال برای اینکه بفهمیم عمل این اشخاص با تعاریفی که در روایات از آن‌ها آمده تطبیق دارد. شما را به مطالعه‌ی متن زیر دعوت می‌کنیم و برای روشن شدن این موضوع اهل بیت را به شما معرفی می‌نماییم، سپس در ادامه می‌آوریم که آن‌ها با اهل بیت چه نوع رفتاری داشته‌اند.

طبق آیه ۳۳ سوره احزاب یعنی همان آیه تطهیر که پیامبر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام را در زیر عبای خود جای داد و آیه ۶۱ سوره آل عمران که خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام را برای مباحله با مسیحیان نجران همراه کند معلوم می‌شود طبق صریح قرآن کریم فاطمه علیها السلام از اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است البته به سایر آیات قرآن کریم که در شأن حضرت زهرا علیها السلام وارد شده و در کتب تفسیری اهل سنت به آن‌ها تصریح شده اشاره نمی‌نماییم.

* رفتار خلفاء با اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

با این اقرار تاریخی چه کنیم:

ابوبکر در هنگام مرگ خود اینگونه گفته است: «اما انی لا آسی علی شیء من الدنیا الاعلی ثلاث فعلتهن و ددت انی ترکتهن...»

فاما الثلاث الاتی و ددت انی ترکتهن فوددت انی لم اکشف بیت فاطمة علیها السلام عن شیء و ان کانوا قد غلقوه علی الحرب...

یعنی: من بر هیچ چیز ناراحت نیستم الا سه کار که انجام دادم و ای کاش آن کارها را نمی‌کردم... ای کاش هرگز در خانه فاطمه علیها السلام را نشگوده بودم گرچه برای جنگ با من آن را بسته بودند.»



۳. با این آیه قرآن چه کنیم؟ «والذین یؤذون رسول الله لهم عذاب الیم». ^۱ ابوبکر یار غار پیامبر خداست ولی آیا تا آخر در مسیر رسول الله صلی الله علیه و آله بود.

۴. به راستی آیا همه این کتبی که ماجرای اذیت کردن دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را به ابوبکر و عمر نسبت داده‌اند شیعه‌اند؟ (در اینجا به ۱۱ جلد از کتاب مختلف اهل سنت اشاره شده است.)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ان فاطمة بضعة منی فمن اغضبها اغضبنی، فاطمه پاره تن من است. پس هرکس او را غضبناک کند مرا به خشم آورده است. ^۲

۵. با این آیه چه کنیم که خداوند به مسلمانان فرمان می‌دهد بدون اذن وارد خانه رسول الله نشنوید «لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم» ^۳ (احزاب ۵۳) و در آیه دیگری می‌فرماید: «لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلماوا علی اهلها». ^۴

۶. در آیه ۲ سوره حجرات خداوند فرمان می‌دهد «لاترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی» خداوند در این آیه اجازه نمی‌دهد کسی صدایش را از صدای رسول خود بلندتر کند اگر کسی صدای خود را بر دختر پیامبر بلند کند اینکار چه حکمی خواهد داشت؟ آیا می‌توان بی حرمتی به دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را با بی حرمتی به رسول الله صلی الله علیه و آله یکسان حساب نکرد؟

۷. مؤرخان قدیمی اهل سنت نام کسانی که طبق دستور ابوبکر به خانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله حمله کرده‌اند را چنین نقل کرده‌اند:

۱- عمر بن خطاب؛

۲- خالد بن ولید؛

۳- عبدالرحمن بن عوف؛

۴- ثابت بن قیس بن شماس؛

۵- زیاد بن لبید؛

۶- محمد بن مسلمه؛

۱. توبه / ۶۱

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۹.

۳. احزاب / ۵۳.

۴. نور / ۲۷.



سؤال ۳: آیا قرآن کریم از ما موده و دوستی و احترام رسول خدا و ذوی القربی او را خواسته است؟!

طبق نقل کثیری از علمای مفسر اهل سنت بعد از نزول آیه ی تطهیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خانواده علی علیه السلام به عنوان السلام علیکم یا اهل البیت سلام می داده است که بعضی از مدارک آن عبارتند از: مستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ قمری، ج ۳ ص ۱۵۸. مسند احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ قمری، ج ۳ ص ۲۵۸ - تفسیر ابن جریر طبری متوفای ۳۱۰ قمری ج ۲۲ ص ۵ ذیل آیه مذکور تفسیر ابن کثیر متوفای ۷۷۴ قمری ج ۳ ص ۴۸۳ تفسیر الدار المنثور سیوطی متوفای ۹۱۱ قمری ج ۵ ص ۱۹۹ - صحیح ترمذی متوفای ۲۷۹ قمری ج ۱۲ ص ۸۵. کنز العمال ج ۷ ص ۱۰۳ - اسد الغابه متوفای ۶۳۰ قمری ج ۵ ص ۱۷۴ - الاستیعاب، نوشته ابن عبدالبر، متوفای ۴۶۳ قمری ج ۲ ص ۵۹۸. مجمع الزوائد نوشته هیشمی متوفای ۸۰۷ قمری ج ۹ ص ۱۶۸ - تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ قمری ج ۲ ص ۲۹۷. سنن بیهقی (سنن الکبری) متوفای ۴۵۸ قمری ج ۲ ص ۱۵۰ - تاریخ بغدادی نوشته خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ قمری ج ۹ ص ۱۲۶ و مسند طرابلسی نوشته طیالسی متوفای سال ۲۰۴ قمری ج ۸ ص ۲۷۴ و...

نکته:

بخاری که کتابش در بین کتب صحاح اهل سنت بیشترین اعتبار علمی را دارد و علمای اهل سنت احترام خاصی برای کتابش قائلند اینگونه می نویسند: «پس از آن که دختر پیامبر میراث خود را از خلیفه خواست و او گفت که از پیغمبر شنیدم که ما میراث نمی گذاریم زهرا دیگر با او سخن نگفت تا مُرد» (صحیح بخاری نوشته امام بخاری متوفای ۲۵۶ قمری ج ۵ ص ۱۷۷).

نتیجه آنکه: احترام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر اساس آیات متعدد همانند احترام رسول الله صلی الله علیه و آله محسوب می شود و خلفاء بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین احترامی را به خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله نگذاشته اند.



عمل آن شخص همان صفات دشمنان انبیای الهی را می بینیم نمی توانیم بپذیریم آن شخص انسان صالح مؤمنی است.

خلاصه آنکه نمی توان در تشخیص افراد صرفاً به شنیده ها اکتفا نمود و قرآن و عقل را رها نمود.

اگر برای کسی ۱۰۰۰ حدیث نقل شود ولی عمل او با آیات قرآن کریم ضدیت داشته باشد این فرد برای ما شخصی مردود و مطرود محسوب خواهد شد.

* طبق آیه تطهیر و آیه مباهله اهل بیت پیامبر علیهم السلام مشخص هستند لذا کسی ابوبکر و عمر را اهل بیت پیامبر علیهم السلام نمی داند.

جالب اینکه روایتی درباره اهل بیت رسول خدا علیهم السلام در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است که «لاتسبقوهم فتضلوا ولا تتاخروا عنهم فتهلكوا» از آنان پیشی نگیرید و گرنه گمراه می گردید و از آنان عقب نمانید و گرنه هلاک می شوید». دلیل آخر:

۱- در میدان فوتبال وقتی بازیکن به طرف مقابل گل می زند در بعضی از مواقع با اینکه بازیکن زحمات زیادی برای گل زدن کشیده است اما داور مسابقه گل او را قبول نکرده و آن را باطل اعلام می کند یعنی می گوید: آفساید.

کار بعضی از صحابی رسول خدا علیهم السلام اینگونه است اگرچه ممکن است بعضی از آن ها در راه دین خدا زحماتی را متحمل شده باشند و احادیثی نیز در فضل آن ها نقل شده باشد ولی کارشان آفساید است و یقیناً بر اساس آیات متعدد قرآن کریم خداوند آن ها را مؤاخذه خواهد نمود. چرا که بعد از رسول خدا علیهم السلام به خانواده ایشان بی حرمتی کرده اند.

۲- پیامبر علیهم السلام بارها خطراتی که ملت را تهدید می کرد، گوشزد کرد، و به مسلمانان اطلاع دادند که بسیاری از اصحابش بعد از رحلتش ایمانشان را از دست خواهند داد. پیامبر علیهم السلام فرمود: «مردانی از اصحاب من در روز رستاخیز نزد من خواهند آمد، درحالی که من نزد حوض هستم، وقتی من آن ها را شناختم، آن ها را از من دور خواهند کرد. من می گویم: خدای من، این ها اصحاب من هستند. او خواهد گفت: تو نمی دانی این ها بعد از تو چه بدعت ها گذاشتند.»^۱

۱. صحیح بخاری، قسمت ۸، ص ۱۴۹ و قسمت ۱۵، ص ۵۹ و ۶۴ بدین مضمون، ص ۱۵۰ و ۱۵۱ و...



دعاهای حضرت است که هیچ یک از صحابی رسول خداﷺ دارای چنین دعاهای پر مغز و معنوی و عرفانی نیستند.

- او دارای لطیف ترین روح بشری است علیؑ می فرماید: اگر همه هستی را بدهید حاضر نیستم پوست جو را از دهان مورچه بگیرم. (عظمت و لطافت روح را بین تا به کجاست).

- او مصداق بارز قرآن ناطق و در روایت رسول اللهﷺ به مثابه سوره توحید محسوب شده است.

- او گوینده زیباترین کلمات و خطبه هاست که خطبه بدون نقطه و خطبه بدون الف او بشریت را به تحیر انداخته است.

- او دارای برترین همسر هاست چه کسی را سراغ دارید که همسرش مانند حضرت زهراؑ باشد بانوی بزرگی که حدود ۶۰ آیه قرآن کریم و سوره کوثر برای او نازل شده است.

- او در عفو و بخشش جزء برترین های عالم وجود است. به امام حسنؑ فرمود: اگر از جراحتی که ابن ملجم به من وارد کرده رهایی یابم او را خواهم بخشید و اگر شهید شدم، جهت قصاص فقط یک ضربه به او بزنید و فرمود همان خوراکی را که به من می دهید به او بدهید او را نترسانید و ناسزایش نگویید.

- او بزرگترین یتیم نواز عصر خود بود آنچنان که در نقل است وقتی پیرمردها می دیدند علیؑ چه محبت و افری به یتیمان می نماید با حسرت می گفتند کاش ما طفل بودیم و پدرمان می مرد آن گاه علیؑ اینگونه به ما محبت می کرد.

- او شجاع ترین مرد اسلام است که به نقل همه زره او اصلاً پشت نداشت و هرگز به دشمن پشت نمی کرد. راوی می گوید: هر کجا علی را در میدان جنگ می دیدم می فهمیدم ملک الموت هم آنجاست (یعنی علی احدی را زنده رها نمی کند).

- او زیبا ترین عدالت ها و قضاوت ها را داشته حتی به برادر خود عقیل بیشتر از سهمش از بیت المال نداده است. (مجموعه این قضاوت های عجیب و بی نظیر حضرت در کتاب ۱۰۰۱ سؤال و پرسش از امام علیؑ به چاپ رسیده است).

- او عزیزترین فرد نزد رسول خداﷺ محسوب می شد چنانچه در روایت است که رسول خداﷺ بدون وضو نام علیؑ را به زبان نمی آورد و عرق پیشانی علیؑ را با دست خود برمی داشت و جهت تبرک به بدن خود می کشید.

- او در صدر اسلام نبردهای بی نظیری داشته است به عنوان مثال: برای کدام



قرآن کریم می‌فرماید: جاهل با عالم یکی نیستند. چه کسی تمام راهها و درها را به روی علی علیه السلام بست به حدی که در طول ۲۵ سال خلافت خلفاء حضرت مشغول کار کشاورزی و زراعت می‌گردد. آیا براستی ولیدبن عقبه که در قرآن بعنوان فاسق معرفی شده است، آن چنان برتری دارد که استاندار کشور اسلامی شود و در حالت مستی نماز صبح را ۴ رکعت بخواند ولی علی علیه السلام با این همه مدالهای درخشان خانه نشین گردد؟ قرآن کریم ما را از خیانت کردن به رسول خدا نهی کرده است. «لاتخونوا الله والرسول»،^۱ آیا توجه نکردن به جایگاه رفیع علی علیه السلام از مصادیق خیانت به رسول الله محسوب نمی‌شود؟ نکته آخر:

جامعه اسلامی بدست عده‌ای خاص چنان در فضای تحریف و انحراف قرار گرفت که باعث شد امام علی علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین شود اما عایشه دختر ابوبکر درباره جایگاه اجتماعی علی علیه السلام در آن ۲۵ سال اینگونه حدیث می‌نماید:

«كان لعلی من الناس وجهه حياة فاطمة، فلما توفيت استنكر علی وجوه الناس... وكان المسلمون إلى علی قریباً حين راجع الأمر بالمعروف».

تا زمانی که فاطمه علیه السلام در قید حیات بود، مردم به علی علیه السلام احترام می‌گذاشتند، ولی وقتی از دنیا رفت مردم از او بدشان می‌آمد.^۲

انتشارات سعید نفیسی

۱. انفال / ۲۷.

۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۸۳ - صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۴ - شرح مسلم نووی، ج ۱۲، ص ۷۷ - فتح الباری ابن حجر، ج ۷، ص ۳۷۸ - المصنف صنعانی، ج ۵، ص ۴۷۲ - صحیح ابن حبان، ج ۱۱، ص ۱۵۳ و ج ۱۴، ص ۵۷۳ - مسند الشامیین طبرانی، ج ۴، ص ۱۹۸ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۲ و ج ۶، ص ۴۶ - البدایة و النهایة ابن کثیر، ج ۵، ص ۳۰۷ و ...



سؤال ۵: آیا اگر کسی جزء صحابی رسول خدا ﷺ باشد، از بقیه ی اعمالش حساب رسی نخواهد شد؟

ج: اهل تسنن از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: «اصحابی کالتَّجُومِ، بایّهم اقتدیتم اهتدیتم»^۱.

اصحاب من، مانند ستارگان هستند، به هر کدام اقتدا کنید، (به سوی خدا) رهنمون می‌گردید.

عبدالله بن عباس نقل می‌کند که پیغمبر اکرم ﷺ بر لب حوض کوثر می‌فرماید: «یا ربِّ اصیحانی».

پروردگارا، به داد اصحاب عزیز من برس!

ولی خداوند در جواب می‌فرماید:

«لأنک لاتدری ما احدثوا بعدک»^۲.

تو نمی‌دانی که اینان بعد از تو چه کارها کردند.

و حضرت آن‌ها را از لب حوض دور می‌کند. این نقل نیز با قول آن‌ها درباره ی اصحاب که «بایّهم اقتدیتم اهتدیتم»، چگونه سازگار است؟!

بنابراین، نظر ما این است که اصحاب رسول خدا ﷺ دو دسته بودند: دسته ی اول افرادی مانند سلمان، ابی ذر، مقداد و عمّار بودند؛ و دسته ی دوم در طرف مقابل آن‌ها افرادی مانند عمرو عاص، معاویه، طلحه و زبیر و... و شرط خوب بودن هر کدام از صحابه این نیست که تنها در زمان حیات صاحب شریعت به او خیانت نکنند، بلکه تا دم مرگ و حتی بعد از رحلت آن حضرت ﷺ باید چنین باشند.

با توجه به نقل های متعددی که درباره ضرب و شتم دختر رسول خدا ﷺ در کتب

۱. تحفة الاحوذی، ج ۱۰، ص ۱۵۵ و ۱۹۶ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۱۱ و ۲۸ - شرح مسند ابی حنیفه، ملا علی قاری، ص ۳۲۸ و ۴۹۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۹۲، ج ۷، ص ۱۹۵ - صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۴۰، ج ۷، ص ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸، ج ۸، ص ۸۷ مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۳ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۰، ج ۷، ص ۶۷ و ۶۸ و ۷۱، ج ۸، ص ۱۵۷ - مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۵۰۱ - فتح الباری ابن حجر، ج ۱۱، ص ۳۳۳ - مسند ابی داود طیالسی، ص ۳۴۳ - المعجم الکبیر طبرانی، ج ۱۷، ص ۲۰۱ - مسند الاثامیین طبرانی، ج ۳، ص ۳۱۰ و... .



کهن اهل سنت آمده است آیا اگر کسی بگوید فلانی صحابی رسول خداست می توان انجام اینگونه رفتارها (یعنی ضرب و شتم دختر پیامبر) را از او پذیرفت؟
 ذهبی در شرح زندگی ابن ابی دارم (متوفای ۳۵۲ قمری) از قول ابن حماد کوفی چنین می نویسد: «ان عمر رفس فاطمة حتى اسقطت بمحسن، عمر چنان ضربه ای به فاطمه زد که او فرزندش محسن را سقط کرد.»^۱

در قرآن شرط یار پیامبر بودن آمده است و آن این است که:

یار پیامبر بایستی «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» باشد. اگر شما ادعا دارید صحابی پیامبر هستید پس چرا با اهل بیت پیامبر علیهم السلام «رحماء بینهم» مهر و محبت نداشتید؟ به مثال های ذیل توجه کنید:

۱- مادری نه ماه زحمت می کشد تا فرزند خود را سالم بدنیا بیاورد اما لحظه ی تولد ممکن است با یک سهل انگاری فرزند بمیرد.

۲- تمام هوای داخل یک بادکنک را می توان با یک سوزن ریز خالی کرد.

۳- صحابی بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی اینکه تا آخر صحابی بماند نه اینکه با یک کبریت جنگل حسنات و نیکی های خود را نابود کند و به آتش بکشد.

۴- اگر کسی سال های سال به رئیس کارخانه ای خدمت کرده باشد اما بعد از گذشت سال ها خوبی عمداً باعث قتل فرزند رئیس کارخانه شود، رئیس کارخانه قطعاً به خدمات چند ساله ی او توجه نخواهد کرد. چراکه عمل آخر او یعنی کشتن فرزند رئیس کارخانه تمامی نیکی های او به رئیس کارخانه را از بین می برد و رئیس کارخانه از او نخواهد گذشت. این مثالها برای اهل معنا مشخص می کند که تعدادی از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله اشتراک و نزدیکی خاصی با این مثال ها دارند و سال ها خدمات خود را به واسطه رعایت نکردن دستور قرآن مبنی بر اشداء علی الکفار و بی حرمتی به دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دست داده اند.

۱. میزان الاعتدال، نوشته ذهبی، ج ۱، ص ۱۳۹ - لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۸ - ملل و نحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۵۷. (هر ۳ کتاب از منابع قدیمی اهل سنت است.)

است: «اتقوا الله في آراءنا ان رسول الله كان يسدّد في الرأى و اما نحن فاراونا تكلف، از نظرات ما بپرهیزید زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله در ارائه نظر از طرف خدا تأیید می گردید اما رأی و نظر ما تکلف و به سختی انداختن خود در ارائه نظر است و این یعنی اینکه ما اشتباه می کنیم از ما تبعیت نکنید.

خود او گفته: «كُلُّ الناس افقه من عمر حتى المخدّرات في الجبال^۱، همه می مردم حتی زنان محجبه در حجله ها از عمر فقیه تر هستند». این اقرار یعنی چه؟



انتشارات سجید نفیس

۱. سنن الکبری نوشته بیهقی، ج ۷، ص ۲۳۳ - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۳۷ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸۲.



و هیچ یک از انبیاء در گذشته اینگونه عمل نکردند که برای خود جانشین انتخاب کرده باشند تا بگویم این مطلب سابقه داشته است.

حضرت موسی علیه السلام وقتی بمدت ۴۰ روز به کوه طور رفت جانشین برای خود انتخاب نمود و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله جانشین برای خود انتخاب نکند خلاف آیات قرآن کریم است چراکه انبیاء گذشته اینگونه عمل نمی کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمل مطابق قرآن کریم رفتار می نمایند.

البته این مطلب دلالت عقلی و نقلی هم دارد در عرف جامعه ی امروز اگر رئیس به جایی رفته یا مسافرت برود برای خود جانشین تعیین می کند. حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواردی چندین جانشین انتخاب می فرمودند.

مثلاً در جنگ موته ابتدا زیدبن حارث را به عنوان فرمانده تعیین کردند سپس فرمودند اگر او شهید شد جعفر بن محمد بعد اگر او شهید شد عبدالله بن رواحه ...

این تهمتی است که به رسول خدا صلی الله علیه و آله می زنند که ایشان از دنیا رفت و کسی را بعنوان جانشین خود معرفی ننمود.

این یک بهانه سیاسی است که می گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را بعد از خود انتخاب نکرد تا بتوانند کار انتخاب ابوبکر را توسط مردم توجیه کنند مگر رسول خدا امور خود را نمی دانست که حالا مردم بیایند کار نبوت را تکمیل نمایند.

برای مثال یک باغبان وقتی به مسافرت می رود کسی را جای خود می گذارد که حاصل زحماتش در باغ از بین نرود؟ این مطلب واضح را یک باغبان می داند ولی (نعوذ بالله) رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی دانست که باید کسی را بعنوان جانشین خود انتخاب کند؟

این پاسخ کسانی است که با نقل روایات و احادیث جعلی مدعی اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی از دنیا رفت که کسی را بعنوان جانشین انتخاب نکرده بود.

می توان باور کرد یک باغبان در غیبت چند روزه اش باغش را رها کند همان گونه نیز نمی توان باور کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله جامعه ی خود را بدون سرپرست رها کند و جانشینی برای بعد از خود انتخاب نکنند تا بعد از او کسانی جمع شوند و در سقیفه جانشین برای رسول خدا صلی الله علیه و آله انتخاب کنند آنهم جانشینی که مکرر خود اقرار کرده چیزی نمی داند ابوبکر در بحث ارث جده می گوید: کاش حکم آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده بودم. واقعاً و انصافاً این مطلب پذیرفتنی است؟



سؤال ۸: چرا نام حضرت علی علیه السلام در قرآن کریم

بعنوان امام نیامده است؟

شاید نام مبارک امام علی علیه السلام در قرآن بدان جهت نیامده است که انسان به تعقل برسد و سطحی نگر نباشد و به ظاهر اکتفا نکند اساساً قرآن مکرر ما را به تفکر دعوت نموده است قرآن برای فهم مطالبش ما را دعوت به انجام تفکر نموده و مطالب را راحت و شفاف در اختیار ما نگذاشته است.

موضوعات قرآن، تفکر عمیق می خواهد اگر خداوند همه مطالب را روشن در قرآن بیان می فرمود پس جای تفسیر و تعقل کجا خواهد بود؟

به چند دلایل دیگر توجه فرمائید:

اولاً روش قرآن این گونه است که به بیان جزئیات نمی پردازد بلکه کلیات را می گوید و تبیین آن را بعهد ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گذارد کما اینکه از نماز، روزه، حج، دیه و... سخن گفته اما کیفیت آن را بیان نکرده و تبیین آن را به عهده ی پیامبرش نهاده در مسئله امامت نیز همین گونه است در موارد متعددی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به برتری علی علیه السلام بر دیگران و حتی خلافت، امامت، وزارت و حجت بودن علی علیه السلام پس از خویش تصریح نموده است.

ثانیاً قرآن اشخاص را با ویژگی ها و خصوصیات آنها معرفی می کند نه با تصریح نام، کما اینکه جانشین حضرت سلیمان را نام نبرده است بلکه او را با عبارت «**وقال الذی عنده علم من الكتاب**»^۱ معرفی کرده است در مورد حضرت علی علیه السلام نیز همین گونه است و در موارد متعددی ایشان را با خصوصیات و مشخصات معرفی نموده است که نمونه ی بارز آن آیه انفاق بخشی علی علیه السلام در رکوع نماز است.

ثالثاً نام بسیاری از چیزها در قرآن به طور صریح نیامده است مثلاً آیا نام تمام انبیای الهی، سرگذشت همه ملت ها و... در قرآن آمده است. آیا نبود این نام ها به طور صریح دلیل بر نفی آنهاست؟

رابعاً اینکه در قرآن اسم علی علیه السلام نیامده دلیل آن این است که یعنی ای مردم پیامبر

۱. نمل / ۴۰.

قرار است برای تکمیل دینتان یک چیزهایی را بگوئید این نیامدن اسم دلیل بر آن است که مسئولیت گفتن بعضی چیزها، برای تکمیل دین به عهده رسول الله ﷺ است و در چندین آیه نیز خداوند تصریح فرموده رسول خدا ﷺ به شما چیزهایی را می گوید. در قرآن به طور کلی آمده است که دست سارق را قطع کنید اما اینکه دست را از کجا باید قطع کرد آن را رسول خدا ﷺ خواهد گفت یا تفصیل احکام نماز و حج و ریز مسائل نماز و یا اینکه چند رکعت و کیفیت اقامه آن در قرآن نیامده است و گفتن آن‌ها به عهده رسول خداست در قرآن آمده: «انی جاعلک للناس اماماً؛ اما گفتن نام و معرفی امام به عهده رسول خداست نه شورای سقیفیه.



انتشارات سعید نفیسی



سؤال ۹: آیا بدون وجود ائمه اطهارؑ کتاب خدا برای ما کافی است؟

رسول خدا ﷺ در حدیث ثقلین که مورد اتفاق فریقین (شیعه و سنی) است فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین، احدهما اکبر من الآخر؛ کتاب الله جبل ممدود من السماء الی الارض وعترتی اهل بیتی وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».^۱

من دو چیز سنگین و گرانبها در میان شما [به یادگار] می‌گذارم که یکی از دیگری بزرگ تر است: یکی کتاب خدا، ریسمانی که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و دیگر بستگان و خاندانم. و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد، تا اینکه در [کنار] حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

ولی با این حال خلیفه دوم گفت:

«حسبنا کتاب الله»^۲؛ کتاب خدا برای ما کافی است.

با اینکه قرآن نیز درباره خود می‌فرماید:

«ذلک الکتب لاریب فیه هدی للمتقین»^۳؛ این کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، مایه هدایت تقوا پیشگان است.

و نیز می‌فرماید:

«لایمسه الا المطهرون».^۴

جز پاک شدگان نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار نموده و آن را بفهمند.

آیا کسی^۵ که اعتراف می‌کند که زنان پرده نشین هم از او افقه و با سوادترند می‌تواند از قرآن استفاده کند در حالی که می‌گوید کتاب خدا ما را بس است یا حضرت علیؑ و اولاد طاهرین او که باب علم و حکمت پیامبر ﷺ و وارث علم او و عالم به تأویل و تنزیل

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴ - مسند احمد، ج ۳، ص ۲۷ و ۵۹ - مجمع الزوائد هیثمی، ج ۹، ص ۱۶۳ - مسند ابن‌جعف، ص ۳۹۷ - منتخب مسند عبدبن حمید، ص ۱۰۸ - خصائص نسایی، ص ۹۳ - مسند ابی‌یعلی، ج ۲، ص ۲۹۷ و ۳۷۶ - معجم صغیر طبرانی، ج ۱، ص ۱۳۱ و...

۲. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۳ و ۴۷۴ - شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۵۵، ج ۶ ص ۵۱، ج ۱۱، ص ۴۹، ج ۱۲ و ص ۸۷.

۳. بقره / ۲.

۴. واقعه / ۷۹.

۵. مقصود عمر خلیفه دوم است.



سؤال ۱۰: چرا امام علیؑ در مقابل حمله و به آتش کشیدن خانه اش سکوت کرد؟

در پاسخ به سوال فوق ابتدا مثال زیر را می آوریم:
پشت در اتاق ای سی یو در بیمارستان ایستاده بود صدای ناله های دردناک همسرش را می شنید و خیلی ناراحت و مضطرب بود. پرسیدم چه خبر شده است؟ گفت قلب همسرم مشکل داشت دکترها سینه اش را شکافته اند و در ران هم شکاف بزرگی داده اند تا برای قلب او رگ بگیرند.

حالا هم منتظر نتیجه ایم تا ببینیم خوب می شود یا خیر؟
به او گفتم دکترها با رضایت شما اینکار را انجام دادند؟ گفت: آری خودم امضاء دادم تا او را عمل کنند.

گفتم: خب تو خودت رضایت دادی قلب همسرت را عمل کنند تا او زیر تیغ عمل جراحی برود پس اصلاً نباید ناراحت باشی!؟

در پاسخ گفت: ای عاقل این اقتضای حکمت و درایت است که انسان برای نجات همسرش چنین اقدام دردناکی را انجام دهد و با دست خود او را به اتاق عمل بفرستد تا متحمل آنهمه درد و سختی شود این کار مقدمه سلامتی اوست.
نکته:

الف- ما نزدیکان خود را در راه درمان مقابل خطر قرار می دهیم و رضایت می دهیم تا برای به دست آوردن سلامتی و درمان به زیر دست جراح بروند. علیؑ نیز با سکوت خود در مقابل حمله به خانه اش برای بیداری مسلمین و روشن شدن جریان حق و باطل سکوت کرد.

ب- یک انسان عادی حاضر است برای بدست آوردن سلامتی عزیزانش از مسیری که در مثال فوق آورده ایم عبور کند آیا علیؑ با سکوت خود جریان حق و باطل را برای ما در ماجرای حمله به خانه اش روشن نکرد حضرت با سکوت خود چهره صحابی دروغین رسول خداﷺ را آشکار کرد تا مردم بدانند آنها با دختر پیامبرشان چه کرده اند ما برای رسیدن به هدفهای خود پای در مسیر سخت و زجرآوری می گذاریم تا به آن اهداف برسیم. این حرکت امری حکمت آمیز است.



صحنه خالی بماند براحتی قصد طرف مقابل مشخص می‌شود. حال اگر هر دو طرف صحنه بهم ریخته شود چطور می‌توان موضوع را تفکیک کرد.

حضرت با سکوتش، شفاف نشان داد چه کسی حمله کننده بود، چه کسی ظلم کننده بود و چه کسی باطل است.

این مفاهیم و مطالب با سکوت دردناک علی علیه السلام بدست آمد اگر امام عکس العملی نشان می‌داد هر کسی یک‌جور ماجرا را به نفع خود می‌نوشت اما حضرت هیچ عملی حتی کوچکترین عکس العملی از خود نشان نداد تا جریان حق و باطل خود را راحت و شفاف نشان دهد.

حضرت حتی به یاران خود اجازه حرکتی نداد اگر یاران حضرت دست به شمشیر می‌بردند امروز ما چگونه می‌فهمیدیم که ماجرا از چه قرار بوده وقتی تعداد زیادی کشته از هر دو طرف روی زمین ریخته شود جبهه حق را چگونه می‌توان پیدا کرد.

اما امروز در کتب اهل سنت آمده (در سوالات قبلی با درج منابع و کتب آن گذشت) که حمله کننده به خانه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله چه کسانی بوده‌اند و علی علیه السلام سکوت کرده و هیچ عکس العملی انجام نداد البته این سکوت علی علیه السلام در جای خود دردناک است ولی این هم از هنرنمایی های علی علیه السلام است که با سکوت خود توانست جریان مهاجم و متعدیان به حریم و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشان دهد. البته برای سکوت علی علیه السلام در جریان حمله به خانه اش دلایل معقول و دقیق و عمیق دیگری هم وجود دارد که در اینجا به همین ۲ دلیل بسنده می‌نماید.

اِنْشِازَاتٌ سَعِيدَةٌ



باید بپذیریم که آن‌ها با تحقیق پیرامون یک موضوع وقتی به درستی آن مطلب برسند اقدام به نقل آن می‌کنند و نباید بگوییم که آن‌ها صرفاً نقل قول کرده‌اند این با جایگاه یک عالم سازگار نیست که تحقیق نکرده صرفاً اقدام به نقل قول نماید اینکار یعنی لکه دار شدن اعتبار علمی یک محقق که هر عالمی از آن پرهیز می‌نماید.

۴- بعضی از علمای اهل سنت که به حقانیت علیؑ پی برده‌اند با تفکر دقیق متوجه شده‌اند که اگر اعلام کنند شیعه شدند اسم و رسم آن‌ها و حتی کتابهایشان از بین خواهد رفت لذا مصلحت دیدند که به ظاهر شرایط خود را حفظ کنند و خود را به عنوان یک عالم سنی نشان دهند تا در آینده محققین بگویند یک عالم سنی این گونه کتاب‌ها را درباره علیؑ نوشته است لذا آن‌ها محاسبه کردند که اثر این روش که خود را سنی جلوه دهند بیشتر خواهد بود تا اینکه مذهب واقعی خود را اعلام نمایند آنهم با آن همه خطرات متعدد، آن‌ها دنبال احیاء جریان حق بودند و این کار را وظیفه می‌دانستند لذا تشخیص دادند که خود را در لباس علمای اهل سنت نگه دارند تا اثر کارشان بیشتر و دائمی تر باشد.

۵- مگر گفتن هر حقی دلالت بر آن می‌کند که الزاماً گوینده آن بلافاصله دینش را عوض کند خیلی‌ها در سایر مذاهب دیگر برای علیؑ کتابها نوشته‌اند در حالی که بر همان دین اولیه خود پایدار بوده‌اند برای نمونه می‌توان به جرج جرداق مسیحی اشاره کرد اساساً در یک کار علمی بیان حق و حقیقت و ارائه راه درست مهم است و لزوماً نیابستی گوینده آن الزامی برای تغییر مذهبش داشته باشد چقدر افراد عرب و غیر عرب برای علیؑ شعر سروده‌اند لزومی ندارد حتماً شیعه شوند آن‌ها حقیقتی را فهمیده‌اند و شعر خود را بر آن اساس سروده‌اند حتی شعرای سنی مذهب مثل جامی مکرر در اشعارشان بطور آتشین علیؑ را ستوده‌اند در حالی که سنی بوده‌اند به نظر مولف احتمالاً تعدادی از علمای اهل سنت در قدیم الایام بواسطه برخورد با زندگی امامان شیعهؑ و فهمیدن جریان حق و حقیقت شیعه شده‌اند ولی به ضرورت به کتمان مذهب خود تن داده‌اند.



سؤال ۱۲: پاسخ به شبهات کتاب راهی دیگر برای کشف حقیقت:

زائران محترم ایرانی خانه خدا در مکه و مدینه با تبلیغات گسترده وهابی‌ها جهت به انحراف کشاندن آن‌ها مواجه می‌شوند بخشی از این تبلیغات ارائه رایگان کتاب‌هایی است که افکار وهابیان در آن کتاب‌ها آمده است در این باره به چند مطلب مهم اشاره می‌نماید:

الف- برای دفع این توطئه‌ها شایسته است زائران محترم از گرفتن کتب مذکور خودداری نمایند و در صورت مواجهه با این شبهات جهت راهنمایی و دریافت مطالب به روحانی کاروان خود مراجعه نمایند.

ب- همه کتبی که توسط مبلغین وهابی‌ها به زائران داده می‌شود با متون حدیثی و تفسیری و تاریخی اهل سنت مغایرت شدیدی دارد که به نمونه‌هایی از این مغایرت‌ها در این فصل اشاره می‌شود.

ج- شایسته است زائران محترم خانه خدا با مطالعه کتبی که ولایت و امامت علیؑ را در منابع اهل سنت بیان می‌کند خود را به طور مختصری بر ضد تبلیغات مسموم وهابیان آماده نمایند نه اینکه صرفاً به دنبال طوافی و زیارتی و خریدی باشند و در میدان تبلیغ وهابیان متحیر و بی‌پاسخ در مقابل آنان تماشای محسوب شوند.

د- کسانی که به مطالعه این کتاب (۱۰۰۱ فضیلت) توفیق یافته‌اند شایسته است از حبس کردن این کتاب در کتابخانه خود خودداری نموده و آن را جهت مطالعه بقیه دوستان و اقوام و همکاران و... در اختیار آن‌ها قرار دهند تا از ناشران علوم آل‌الله محسوب شوند مخصوصاً روحانیون کاروانهای بیت‌الله که مسئولیت بیشتری متوجه آن عزیزان می‌باشد.

* در این بخش به شبهات و دروغ‌گویی‌های کتاب راهی دیگر برای کشف حقیقت که از جمله کتبی است که به صورت رایگان در اختیار زائران محترم بیت‌الله قرار می‌گیرد اقدام می‌نمائیم این کتاب در عربستان به زبان فارسی توسط محمد باقر سجودی و تصحیح اسحاق دبیری در یک جلد تدوین یافته است (در این کتاب حتی یک آدرس از کتب شیعه و سنی به عنوان سند ذکر نشده است)



جمع شدن مردم را برای تبرئه علیؑ داده است نه خواندن خطبه غدیر چرا رسول خداﷺ لشکریان علیؑ را به گوشه‌ای جمع نکرد تا فقط برای آن‌ها سخنرانی نماید و از جایگاه علیؑ دفاع کند پس معلوم می‌شود قصد رسول خداﷺ از جمع کردن مردم رد کردن اعتراض لشکریان علیؑ نبوده و ادعای نویسنده در این خصوص باطل است رسول خدا می‌توانست معترضان امام علیؑ را با یک سخنرانی در جمع کوچکشان قانع کند ولی نویسنده خود در ص ۱۲ می‌نویسد: رسول خدا امر کرد تا تمام افراد کاروان یکجا جمع شوند.

* در دلیل دوم خود می‌نویسد: چرا رسول خداﷺ واضح نگفتند علی خلیفه من است. در پاسخ باید گفت: رسول خداﷺ از چه لغتی باید استفاده کند تا شما بفهمید علیؑ جانشین اوست آیا در کتب اهل سنت روایات متعددی نیامده که رسول خداﷺ علیؑ را با تعبیری مثل وصی، مولا، خلیفه، سید و... معرفی کرده باشد.

به فصل دوم این کتاب مراجعه شود معلوم خواهد شد که دهها روایت با تعبیر مختلف در این زمینه حتی از ابوبکر و عمر و عثمان نقل شده است آیا روایت زیر در کتب شیعه آمده است:

رسول خداﷺ فرمود: **لا ینبغی ان اذهب الاوانت خلیفتی... انت ولیی فی کل مومن بعدی!**^۱

روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی... و تو سرپرست برگزیده‌ی من بر هر مومن بعد از من هستی.

* در دلیل سوم خود می‌نویسد: بعد از رحلت رسول خداﷺ حتی یک نفر نیز خطبه غدیر را نیاورده است!!

پاسخ: خوب بود نویسنده این کتاب حداقل به کتب اهل سنت مراجعه می‌نمود بعد چنین ادعای نادرستی را می‌کرد بهترین دلیل درباره خطبه غدیر در فصل چهارم همین کتاب آمده است که با استفاده از کتب کهن اهل سنت به منابع و مدارک متقن خطبه غدیر در کتب اهل سنت اشاره شده است.

۱. مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱ - السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۱۳ - المستدرک علی الصحیحین نوشته حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۳۴ - مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰.



توسط معتمدان علمای اهل سنت در ۱۲۰۰ سال پیش نوشته است به ذکر این عمل عمرین خطاب مفصل اشاره نشده است؟ (در همین فصل به آدرس این کتب اشاره شده است.)

* در دلیل هفتم نویسنده در کتابش به ذکر احادیثی اقدام می کند که آن احادیث با آیات متعدد قرآن کریم در تضاد است دلیل درستی یک حدیث زمانی ثابت می شود که با آیات ما انزل الله مغایر نباشد.

او می نویسد: ابوبکر و عمر سید بزرگسالان (پیران) در بهشت هستند. پاسخ: باید بپذیریم پیری در نوع خود ذاتاً رنج و ناتوانی ضعف و مشقت به همراه دارد و این در حالی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین چیزی را درباره این دو نفر نفرموده چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند که در قرآن آمده است در بهشت هیچ رنج و مشقت و زحمتی وجود ندارد. بقیه روایاتی را که در بند هفتم آورده اند از همین نوع احادیث است که در جای خود تهمت به رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب می شود قطعاً رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کلماتی را درباره افرادی که بعد از علی علیه السلام ایمان آورده اند و سال های سال بت پرست بوده اند نخواهد فرمود.

* در دلیل هشتم حجم بی اطلاعی نویسنده به اوج خود می رسد او می نویسد: اگر واقعا رسول الله می خواست علی را جانشین خود اعلان کند باید از روز اول چنین می کرد مثل کاری که موسی کرد از روز اول هارون را جانشین خود و همدست و یار خود اعلان کرد و بنی اسرائیل مخالفتی نکردند.

پاسخ: خوب بود نویسنده حداقل سوره طه در قرآن کریم را مطالعه می کرد ما که هرچه حدیث از کتابهای آنها می آوریم بلافاصله می گویند دروغ است ولی در سوره طه آمده است که سامری چگونه بر علیه هارون قیام کرد و بنی اسرائیل را منحرف کرد. در ثانی لازم نیست امثال این نویسنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد دهند که از روز اول علی را به جانشین خود معرفی می کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اول بعثت خود در ماجرای **اندر عشیرتک الاقربین** طبق همین آیه شریفه علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی نمود.

خوب بود حداقل این نویسنده به تفسیر آیه شریفه **اندر عشیرتک الاقربین** در بین



نکرد و امور را رها کرد تا در مجرای ظاهریش جریان پیدا کند تا در موقع لازم اقدامات خود را به انجام برساند و زودتر به عمل پیشگیرانه اقدام نکرد. در قضیه ازدواج حضرت لوط و نوح که در قرآن نیز به همسران گمراه آنها اشاره شده همینطور است که آنها به حسب ظاهر مامور به ظاهرند و با همسران خود ازدواج کردند و آن زنان از درگاه الهی طرد شدند رسول خدا صلی الله علیه و آله در ازدواج هایش آن دلایلی که نویسنده در کتابش به شیعه نسبت داده است را قبول ندارد رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسب ظاهر با زن مسلمان ازدواج کرده است بعدها آنها با عمل خود نشان داده‌اند که چقدر تابع کتاب خدا و فرستاده‌اش بوده‌اند خوب بود نویسنده به عملکرد بعضی از این زنان که در کتاب‌های اهل سنت آمده نگاهی می‌کرد تا بفهمد زن پیامبر بودن زمانی فضیلت محسوب می‌شود که عمل آن زن ضد قرآن کریم و ضد سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نباشد.

* در ص ۲۸ به صراحت ضمن اشاره به عقاید ضد قرآنی خود می‌نویسد:

«اینکه بگویم حضرت حسین و حسن و علی قدرت دخالت در امور را ندارند و حرفهای ما را نمی‌شنوند و باید قبر طلایی آنها ویران و با خاک یکسان شود و کسانی که از آنها حاجت می‌خواهند مشرکند و باید کشته شوند- مهم تر است یا اینکه بگوییم فلان جانشین است؟»

در پاسخ به این ادعای عجیب این نویسنده می‌آوردیم که:

۱- شیعه به بزرگان و علمای همه ادیان احترام می‌گذارد و دستور تخریب و قتل کسی را به علت پیروی از یک مذهب نمی‌دهد. در طول تاریخ حتی یک مورد فتوی بر علیه قتل یک عالم در مکتب تشیع دیده نشده است.

۲- وهابیونسی که به صراحت در کتاب کشف حقیقت (همین کتاب) حکم تخریب اماکن شیعه و قتل آنها را صادر می‌کنند دلیل قرآنی این کار خود را ارائه دهند؟!

۳- توجه نویسنده و وهابیون را در پاسخ به ادعای مذکور به آیه ۶۴ سوره نساء جلب می‌نماید: خداوند می‌فرماید: «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع... هیچ پیامبری را نفرستادیم جز آنکه دیگران به امر خدا باید مطیع فرمان او شوند و اگر به هنگامی که مرتکب گناهی شدند نزد تو (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله) آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برای آنها آمرزش خواسته بود، خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند»



پاسخ: قبلاً نوشتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله با همه حساسیت هایی که به حق الناس داشتند و به اصحاب و یاران خود مکرر رعایت حق الناس را می فرمودند (طبق ادعای این جماعت گمراه) یادشان رفته است که به دختر خود بگویند فدک از آن تو نیست و ما انبیاء ارث باقی نمی گذاریم.

و فدک از بیت المال مسلمین است و از مصادیق حق الناس است لذا ابوبکر به حضرت زهرا علیها السلام یادآوری می کند که فدک حق الناس است و آن را از حضرت زهرا علیها السلام می گیرد. و می گوید: انبیاء از خود ارث باقی نمی گذارند کسی باور نمی کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همه مردم را از حق الناس نهی فرماید اما به دختر خودشان نگفته باشند که فدک از آن حضرت زهرا علیها السلام نیست.

* در ص ۳۵ می نویسد: آنچه که ابوبکر را برخلافت نشانده زور قبیله ای بود نه ارتش منظم صحابه، او را فقط به این خاطر خلیفه کردند، که نزدیکترین یار رسول الله بود و بیش از همه مورد توجه ایشان... پس حرف شیعه دروغ و داستان غدیر افسانه است. پاسخ: سخن شیعه همین جاست که صحابه نمی توانند خلیفه انتخاب کنند خداوند در قرآن می فرماید:

«انی جاعلک للناس اماماً» انتخاب خلیفه و جانشین کدام یک از انبیاء گذشته به دست مردم بوده تا بگوییم طبق آن، مردم خلیفه بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله را انتخاب کردند.

خودتان می گوئید رسول خدا یعنی فرستاده خدا پس کسی که رسول را می فرستد خود نیز به رسولش خواهد گفت چه کسی را بعد از خود قرار دهد احتیاجی به آن ندارد که صحابه زحمت انتخاب خلیفه را بکشند چرا که محمد رسول الله است، رسول مردم نیست تا مردم خلیفه رسول را انتخاب کنند رسول خدا، فرستاده خداست و خدا هم به رسولش مثل بقیه احکامی که کلیات آن در قرآن آمده و رسول مامور به تبیین جزئیات آن است ابلاغ خواهد فرمود چه کسی را خلیفه بنماید.

در قرآن کریم کجا آمده که سگ نجس است در کجای قرآن آمده دست دزد را از کجا قطع کنید، کلیات احکام مثل نماز و حج و... در قرآن آمده اما جزئیات و ابعاد آن توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ و تعیین می گردد.

در مسئله امامت هم همینطور است کلیات آن در قرآن آمده ولی رسول خدا ﷺ مابقی آن را برای مردم می گوید.

* در ص ۳۶ می نویسد: تشیع می گوید وقتی ماجرا به انتخاب جانشین رسید رسول خدا ﷺ سکوت کرد علی ﷺ سکوت کرد بلکه خدا هم در قرآن سکوت کرد.

پاسخ: این چه تهمت عجیبی است که به تشیع می زنید ما می گوئیم براساس مدارک موجود در کتب تفسیری اهل سنت پیامبر ﷺ سکوت نکرد و علی ﷺ هم سکوت نکرد و خدا هم سکوت نکرده است حداقل به خودتان زحمت مطالعه فصل ۱ و ۲ این کتاب را بدهید تا بدانید که با قیامت خود چه می کنید!؟

* در ص ۳۸ مقایسه ای می آورد که رسول خدا ﷺ در مقابل کفار مکه سکوت نکرده است پس بر علی ﷺ هم لازم بود مثل رسول خدا ﷺ از مخالفت عمر و ابوبکر نترسد و (در مقابل غصب خلافت) سکوت نکند.

پاسخ: در سوره طه هارون در پاسخ به حضرت موسی مبنی بر اینکه چرا جلوی حرکت انحرافی سامری را نگرفت می گوید: نخواستم بین مردم بنی اسرائیل شکاف و اختلاف به وجود آید. لذا علی ﷺ طبق این آیه قرآن کریم عمل نمود اما نویسنده این کتاب نمی داند که شمشیر بر روی کفار مکه می توان کشید اما در اختلافات درونی جامعه اسلامی به همان شیوه مقابله با کفار نمی توان به جهاد اقدام نمود او مطلب به همین سادگی را نمی تواند درک کند در جریان انحرافی درون جامعه که توسط منافقان هدایت می شود کار با شمشیر کشی درست نمی شود روش کار روشنگری اذهان مردم خواهد بود و در این بخش علی ﷺ تا توانست اقدامات روشنگرانه خود را انجام داد.

او در ادامه ضمن بی ادب به علی ﷺ می نویسد: وقتی عمر به زنش (یعنی حضرت فاطمه بنت رسول الله ﷺ) جلوی چشمش حمله کرد چرا اقدامی نکرد؟

پاسخ: علی ﷺ در سیره و سنت خود مطابق قرآن کریم عمل نموده است ضمن اینکه پاسخ این ادعای نویسنده مبنی بر علت سکوت علی ﷺ در حمله به خانه اش را در همین فصل به طور مستقل جواب داده ایم تأکید می کنیم که علی ﷺ در این حادثه همانند حضرت هارون در ماجرای سامری عمل کرد.



* در ص ۳۹ ضمن به کار بردن الفاظ زشت و نامبارک و برخلاف آیه شریفه «قولوا للناس حسنا» می‌نویسد:

چرا علیؑ در مجالس عمر رفت و آمد می‌نمود و او را نصیحت می‌کرد و این حرکت علیؑ را دلیل بر حقانیت عمر محسوب می‌نماید؟

پاسخ: علیؑ به مجالس خلفاء می‌رفت تا آن‌ها را در مشکلات حکومت اسلامی بر اساس سنت و سیره رسول خداﷺ راهنمایی کند تا اساس و آبروی حکومت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام حفظ شود و اینکار علیؑ نیز به جهت حفظ آبرو خود خلفاء هم بود چرا که مکرر در کتب اهل سنت آمده که خلفاء گفته‌اند که اگر علی نبود هلاک می‌شدیم اینکار علیؑ دلالت بر این دارد که اصل اسلام برای او مهم بوده نه اینکه تأکیدی بر حقانیت ابوبکر و عمر باشد علیؑ وقتی مشاهده می‌کرد که ابوبکر در ابتدایی‌ترین مسائل جنگی و سیاسی و قضاوت‌های قضایی و سؤالات پادشاهان سایر بلاد بی جواب مانده به کمک او می‌آمد برای حفظ جایگاه اسلام و این نمی‌تواند دلیل و به معنای قبول داشتن حاکمیت خلیفه وقت محسوب شود.

* در ص ۴۱ و ۴۲ و ۴۹ و ۵۰ می‌نویسد: ابوبکر و عمر وقتی به پیامبر ایمان آوردند که اسلام آوردن بازی کردن باجان بود اما آن‌ها تمام خطرات را به جان خریدند... نویسنده در ادامه به بعضی از کارهای آن دو اشاره می‌نماید (در ص ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲).

پاسخ: شیعه می‌گوید: معیار کار، قرآن کریم است. خداوند در آیه ۱۷۳ آل عمران می‌فرماید: از میان آن کسانی که پس از زخم خوردن باز هم فرمان خدا و رسولش را اجابت کردند آنان که نیکوکار باشند و از خدای بترسند مزدی بزرگ دارند.

در این آیه خداوند می‌فرماید: اگر تا آخر کسی خوب ماند مزد بزرگ دارد و گرنه در مراحل مختلف ممکن است کسی خوب نماند و اگر کسی تا آخر کار خود را تحفظ کرد و در مسیر حق باقی ماند این شرط تا آخر ماندن، مهم است آن وقت خداوند مزد بزرگ به آن‌ها خواهد داد بر فرض که ابوبکر و عمر در اوایل بعثت کارهایی کرده باشند.

با این آیه قرآن چه خواهید کرد که خداوند می‌فرماید: «والذین یؤذون رسول الله لهم



اخلاقی قرآن کریم که دستور فرموده با زبان نیک با مردم سخن بگوئید معلوم شد او در کتاب خود ده بار با الفاظ زشت و توهین آمیز علمای شیعه و پیروان آن‌ها را مورد هتاک قرار می‌دهد بعد خود را عالم به قرآن می‌داند!!!

* در ص ۵۹ می‌نویسد: برای مردم چه فرقی داشت که علی خلیفه باشد یا ابوبکر؟ آن‌هایی که (یعنی مردم) از ابوجهل و ابولهب نترسیدند چرا باید از عمر و ابوبکر و عثمان بترسند؟

پاسخ: درست است مردم از دشمن بیرون و کفار ترسی ندارند ولی اینکه در قرآن کریم دشمن دومی به عنوان منافق معرفی شده است را چه باید کرد قرآن ما را به هوشیاری و شناخت دشمن درون دعوت فرمود نمی‌توان ادعا کرد با این همه آیاتی که در قرآن کریم درباره منافقین آمده است در عصر رسول خدا ﷺ دشمن درونی وجود نداشته و مسلمانان از شر منافقین راحت بوده‌اند سوره ای مستقل به نام منافقین پس برای چه نازل شده است؟

شناخت دشمن بیرون راحت است و می‌توان با آن جنگید اما دشمن درون یعنی منافقین ضربات کاری تری را می‌توانند به پیکر اسلام وارد کند کسی نمی‌تواند ادعا کند که تمامی صحابی رسول خدا ﷺ انسان‌های ممتاز و خوبی بودند قطعاً عده‌ای از آن‌ها منافق بودند اگر نپذیریم که عده‌ای از آن‌ها منافق بودند پس این آیاتی که درباره منافقین است برای چه کسی نازل شده است؟

جالب اینکه نویسنده نمی‌تواند برای دشمن درون (یعنی منافقین) و دشمن درون فرق قائل شود.

* در ص ۶۴ نویسنده به تعطیلی نوروز و اینکه در بانک‌های ایران ربا وجود دارد و جهاد و... اشاره دارد که این مطالب را با دلایل بی محتوا خود و جلوه دادن جایگاه به حق خود دوخته و بافته که پاسخ به هر بخش آن بخشی مفصل را می‌طلبد یا اصلاً جواب ندارد او می‌نویسد: شیعه در عید نوروز ۱۵ روز تعطیلات دارد ولی ما عید قربان را جشن می‌گیریم پس این دلیل مجوسی بودن شیعه و آن دلیل مؤمن بودن وهابیون است!!!

پاسخ: بله ما هم دیده‌ایم در عصر امروز خادمین حرم را که با صهیونیست‌ها و ملکه انگلستان و زنان اجنبی مشروب می‌خورند و دست می‌دهند شما و علمایتان حتی

یک سنگ هم به دشمن مسلمانان یعنی صهیونیست ها پرتاب نکرده‌اید لطفاً از فضایل خودتان در این باره مقداری توضیح دهید.

* در ص ۷۰ نویسنده به تمجید امام حسین علیه السلام و نقل روایتی در تمجید جایگاه ایشان آورده است و این در حالی است که در چند صفحه قبل می‌نویسد: قبر طلایی حسین را باید با خاک یکسان کرد.



انتشارات سجید نفیس





انتشارات سجید نفیس



فصل هفتم

امام شافعی:

ان كان حبّ الوصّی رفضاً
فانّی ارفض العباد

اگر معنی رفض (شیعه) دوستی
وصّی پیغمبر است پس بدرستی که
من رافضی تر از همه مردم هستم.

شمیمی از گلشن شیدایی





انتشارات سجد نون



روز جنات است و غلمان و قصور
 باغها از قدرت حق ساخته
 گر بگویم تا ابد من روز روز
 بازگو آخر چه بود ای جان دل
 که پس از پیری تو خندانی و خوش
 رو تو خاک خویش آماده بکن
 گفت از آن شادم که اللهم خدا است
 از چه پزمان کردم و آشفته رنگ
 پیر بودم گشتم از یوسف جوان
 بس به ملک فقر عین سلطنت
 سر بنهفته همان ناگفته به
 بانگ نای و چنگ و گوش گاو و خر
 همچو کس کو بمرداری خوش است
 لوز و شکر طوطی خوش لهجه راست
 شرح نهج و آن حکایتها بین
 یا پیامبر یا که قرآن مجید
 جمله عالمهای جاوید خدای
 خویش را مسکین رها کن زین مقال
 خویش را می کن فدای خاندان

سلسبیل جاری از عرش کیبر
 نه در او حروه منندش ز مهریر
 اندکی گر گفته آید از کثیر
 از چه از شادی نتابی گشت سیر
 ای عجب سور و سرور از کهنه پیر
 تا یکی وردی کنی موی چو شیر
 پس پیمبر احمد و حیدر وزیر
 می رسد در سر بشارات بشیر
 کور بودم گشتم از نورش بصیر
 می زیم به از کیان وارد شیر
 حوروش آن به که باشد در ستیر
 خوش نیاید صوتشان صوت الحمیر
 هست از لوز و شکر بی میل و سیر
 که شد از صوت حسن در دارو گیر
 بشنوی تا شر شر شر شیر
 با علی کاری ندارد این نفیر
 پیش اینان خورده تر از یک فقیر
 حیف میدان یاد سگ در نزد شیر
 حسبک الرحمن ذوالعرش الکبیر

۳. سروده‌ای از امام شافعی

امام شافعی طی اشعاری می گوید:

قالوا ترفضت قلت كلاً	ما الرفض دینی ولا اعتقادی
لكن توئيت غير شك	خير امام و خير هاد
ان كان حبّ الوصی رفضا	فاننى ارفض العباد

یعنی: به من گفتند رافضی (شیعه) شدی گفتیم ابداء، رفض دین من نیست و نه اعتقاد

من، لیکن دوست می‌دارم بدون شک بهترین امام و بهترین هادی، اگر معنی رفض (شیعه) دوستی وصی^۱ پیغمبر است پس بدرستی که من رافضی‌تر از همه مردم هستم.^۲

۴. سروده‌ای از سنائی غزنوی^۳

کار عاقل نیست در دل مهر دلبر داشتن
جان نگیں مهر شاخ بی برداشتن
از پی سنگین دل نامهربانی روز و شب
بر رخ چون زر نثار گنج گوهر داشتن
چون نگردی گرد معشوقی که روز وصل او
بر تو زبید شمع مجلس مهر انور داشتن
هر که چون کرکس به مرداری فرو آورد سر
کی تواند همچو طوطی طمع شکر داشتن؟
رایت همت زساق عرش بر باید فراشت
تا توان افلاک زیر سایه برداشتن
تا دل عیسی مریم باشد اندر بند تو
کی روا باشد دل اندر سمّ هم خر داشتن؟!
یوسف مصری نشسته با تو اندر انجمن
زشت باشد چشم را در نقش آزر داشتن
احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد
دل اسیر سرت بوجهل کافر داشتن؟
بحر پر کشتی است لیکن جمله در گرداب خوف
بی‌سفینه نوح نتوان چشم معبر داشتن

۱. جناب وصی در کتب قدیم به القاب امام علی علیه السلام گفته می‌شد چرا که وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود معاویه تلاش بسیاری کرد تا این لقب و صفت زیبا را که صرفاً اختصاص به امام علی علیه السلام را دارد را در تاریخ و احادیث حذف کند.

۲. ینابیع المودة، ص ۳۵۵.

۳. سلطان سنجر بن ملک‌شاه در باب مذهب از حکیم سؤال کرد: سنائی جواب او بدین قصیده فرستاد:
از شعرهای سنائی غزنوی شاعر قرن ششم.



من سلامت خانه نوح نبی بنمایم
 تا توانی خویشتن را ایمن از شر داشتن
 شو مدینه علم را در جوی و پس در وی خرام
 تا کی آخر خویشتن چون حلقه بر در داشتن
 چون همی دانی که شهر علم را حیدر دراست
 خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر داشتن
 کی روا باشد به ناموس و حیل در راه دین
 دیو را بر مسند قاضی اکبر داشتن
 از تو خود چون می‌پسندد عقل نابینای تو
 پارگین را قابل تسنیم و کوثر داشتن
 مرمر را باری نکو ناید ز روی اعتقاد
 حق حیدر بردن و دین یمبر داشتن
 آن که او را بر سر حیدر همی خواند امیر
 کافر مگر می‌تواند کفش قنبر داشتن
 تا سلیمان وار باشد حیدر اندر صدر ملک
 زشت باشد دیو را بر تارک افسر داشتن
 گر همی خواهی که چون مهرت بود مهرت قبول
 مهر حیدر بایدت با جان برابر داشتن
 جز کتاب الله و عترت زاحمد مرسل نماند
 یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن
 از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی
 عالم دین را نیارد کس معمر داشتن
 از پس سلطان ملکشه چون نمی‌داری روا
 تاج و تخت پادشاهی جز که سنجر داشتن
 از پی سلطان دین پس چون روا داری همی
 جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن؟

هشت پستان را کجا هرگز توانی یافتن
 جز به حبّ حیدر و شبّیر و شبّیر داشتن
 علم دین را تا نیایی چشم دل را عقل ساز
 تا نباید حاجتت، بر روی معجر داشتن
 تا تو را جاهل شمارد عقل سودت کی کند
 مذهب سلمان و صدق و زهد بوذر داشتن
 علم چبودک فرق دانستن حقی از باطلی
 نی کتاب زرق شیطان جمله از برداشتن
 ای «سنائی» وارهان خود را که نازیبا بود
 دایه را بر شیرخواره مهر مادر داشتن
 بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر
 همچو بی‌دینان نباید روی اصغر داشتن
 زیور دیوان خود ساز این مناقب را از آنک
 چاره نبود نوعروسان را ززیور داشتن^۱

۵. بی‌قراری‌های مولانا در اشعار ستایشی‌اش

ستایش‌های مولانا از پیشوای تقوا پیشگان هم در دیوان شمس تبریزی فراوان است و هم در مثنوی معنوی. اگرچه برخی در صحت انتساب چند شعر ستایشی او از امام علی علیه السلام به مولانا تردید کرده و آن اشعار را از الحاقات دوره صفویه به دیوان شمس و مقدمه‌چینی برای شیعه‌پنداری مولانا دانسته‌اند، که اگر چنین هم باشد، چیزی از ارادت مولانا به امام علی علیه السلام نمی‌کاهد. از معروف‌ترین ستایش نامه‌های مولانا از امام علی علیه السلام، غزل قصیده‌ای است که در مجموعه‌ها و جنگ‌ها و بیاض‌ها بسیار آورده‌اند و در محافل و مجامع بسیار می‌خوانند:

تا صورت پیوند جهان بود، علی بود
 تا نقش زمین بود و زمان بود، علی بود

۱. دیوان سنائی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرّس رضوی انتشارات سنائی، ۱۳۵۴ ه. ش، تهران، ص ۴۶۷ قصیده به اختصار نقل شد.



آن قلعه گشایی که در قلعه خیبر
 آن گرد سرافراز که اندر ره اسلام
 آن شیر دلاور که برای طمع نفس
 این کفر نباشد، سخن کفر نه این است
 شاهی که ولی بود و وصی بود، علی بود
 هم آدم و هم شیت و هم ادریس و هم الیاس
 هم موسی و هم عیسی و هم خضر و هم ایوب
 مسجود ملایک که شد آدم، ز علی شد
 آن عارف سجاد، که خاک درش از قدر
 هم اول و هم آخر و هم ظاهر و باطن
 آن لحمک لحمی، بشنو تا که بدانی
 موسی و عصا و ید بیضا و نبوت
 چندان که در آفاق نظر کردم و دیدم
 خاتم که در انگشت سلیمان نبی بود
 آن شاه سرافراز که اندر شب معراج
 آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن
 علاوه بر این، در دیوان شمش سه غزل قصیده، با ردیف الله مولانا علی آمده است.

«ای شاه شاهان جهان، الله مولانا علی

ای نور چشم عاشقان، الله مولانا علی
 حمد است گفتن نام تو، ای نور فرخ نام تو
 خورشید، مه هندوی تو، الله مولانا علی

خورشید مشرق خاوری، در بندگی بسته کمر

ماهت غلام نیک پی، الله مولانا علی
 خورشید باشد ذره‌ای، از خاکدان کوی تو

دریای عمان شبنمی، الله مولانا علی
 موسی عمران در غمت، بنشسته بد در کوه طور

داوود و می خواندت زبور، الله مولانا علی



آدم که نور عالم است، عیسی که پور مریم است
 در کوی عشقت در هم است، الله مولانا علی
 داوود را آهن چون موم، قدرت نموده کردگار
 زیرا به دل اقرار کرد، الله مولانا علی
 آن نور چشم انبیا، احمد که بد بدر دُجا
 می گفت در قرب دنی، الله مولانا علی
 قاضی و شیخ و محتسب، دارد به دل بغض علی
 هر سه شدند از دین بری، الله مولانا علی
 گر مقتدای کاهلی کرده است در دین جاهلی
 تو مقتدای کاملی، الله مولانا علی
 شاهم علی مرتضی، بعدش حسن نجم سما
 خوانم حسین کربلا، الله مولانا علی
 آن آدم آل عبا، دانم علی زین العباد
 هم باقر و صادق گوا، الله مولانا علی
 موسی کاظم هفتمین، باشد امام و رهنا
 گوید علی موسی الرضا، الله مولانا علی
 سوی تقی آی و نقی، در مهر او عهدی بخوان
 با عسگری رازی بگو، الله مولانا علی
 مهدی سوار آخرین، بر خصم بگشاید کمین
 خارج رود زیر زمین، الله مولانا علی
 تخم خوارج در جهان، ناچیز و ناپیدا شود
 آن شاه چون پیدا شود، الله مولانا علی
 دیو و پری و اهرمن، اولاد آدم مرد و زن
 دارند این سر در دهن، الله مولانا علی
 اقرار کن، اظهار کن مولای رومی این سخن
 هر لحظه سر من لدن، الله مولانا علی



ای شمس تبریزی بیا، بر ما مکن جور و جفا
 رخ رابه مولانا نما، الله مولانا علی»
 «ای مرغ خوش الحان بخوان، الله مولانا علی
 تسبیح خود کن بر زبان، الله مولانا علی
 خواهی که یابی زندگی، بشتاب اندر بندگی
 تا بخشدت زبندگی، الله مولانا علی
 اسمش عظیم و اعظم است، غفران فرد و عالم است
 مولا و حق آدم است، الله مولانا علی
 خواهی که یابی زو نشان، جان در ره او برفشان
 کاو جان ده است و جان ستان، الله مولانا علی
 سبحان حیّ لاینام، پیدا ز تو هر صبح و شام
 حج و نماز است و صیام، الله مولانا علی
 رزاق رزق بندگان، مطلوب جمله طالبان
 مأمور امر «کن فکان» الله مولانا علی
 سلطان بی مثل و نظیر، پروردگار بی وزیر
 دارنده برنا و پیر، الله مولانا علی
 در جای جای دیوان شمس ابیاتی در ستایش امام علی علیه السلام هست:

ای عشق خندان همچو گل، وی خوش نظر چون عقل کل
 خورشید را در کش به جل، ای شهسوار «هل اتی»
 امروز ما مهمان تو، مسست رخ خندان تو
 چون نام رویت می برم، دل می رود والله زجا
 کو بام غیر بام تو؟ کو نام غیر نام تو؟
 کو جام غیر جام تو؟ ای ساقی شیرین ادا؟»
 ستایش امام علی علیه السلام در مثنوی معنوی بازتاب بیشتری دارد و این از آن روست که
 سیمای انسان کامل در این کتاب، همه جانبه تر و دقیق تر است. بنابراین، ستایش مولای
 متقیان در این شعر به یقین بر آمده از جان مولانا و در راستای تصویر و ویژگی‌های



باز گو دانم که این اسرار هوست
صانع بی آلت و بی جارحه
صد هزاران می چشاند هوش را
باز گو ای باز عرش خوش شکار
چشم تو ادراک غیب آموخته
راز بگشا ای علی مرتضی
یا تو وا گو آنچه عقلت یافته است
چون تو بابی آن مدینه علم را
باز باش ای باب بر جویای باب
باز باش ای باب رحمت تا ابد

در محل قهر این رحمت زچیسست؟
گفت: «من تیغ از پی حق می زنم
شیر حقم، نیستم شیر هوا
«ما رمیت اذ رمیت» در جراب
رخت خود را من زره برداشتم
سایه ام من، کدخدایم آفتاب
پیش من این تن ندارد قیمتی
خنجر و شمشیر شد ریحان من
آن که او تن را بدین سان پی کند
زان به ظاهر کوشد اندر جاه و حکم
تا امیری را دهد جانی دگر

گفت: امیرالمؤمنین با آن جوان
چون خدو انداختی بر روی من
نیم بهر حق شد و نیمی هوا
گفت: «من تخم جفا می کاشتم

زان که بی شمشیر کشتن کار اوست
واهب این هدیه های رابحه
که خبر نبود دو چشم و گوش را
تا چه دیدی این زمان از کردگار؟
چشم های حاضران بر دوخته
ای پس از سوء القضا حسن القضا
یا بگویم آنچه بر من تافته است
چون شعاعی آفتاب حلم را
تا رسد از تو قشور اندر لباب
بارگاه «ماله کفوا أحد»

اژدها را دست دادن راه کیست؟
بنده حقم، نه مأمور تنم
فعل من بر دین من باشد گوا
من چو تیغم و ان زنده آفتاب
غیر حق را من عدم انگاشتم
حاجبم من، نیستم او را حجاب
بی تن خویشم فتی بن الفتی
مرگ من شد بزم و نرگسدان من
حرص میری و خلافت کی کند؟
تا امیران را نماید راه و حکم
تا دهد نخل خلافت را ثمر

که: «به هنگام نبرد، ای پهلوان
نفس جنبید و تبه شد خوی من
شرکت اندر کار حق نبود روا
من تو را نوعی دگر پنداشتم



۷. قصر جلال^۱

أصبحتُ زیرا لک یا شحنةً النجف
 بهر نثار مرقد تو نقد جان بکف
 تو قبله دعائی و اهل نیاز را
 روی امید سوی تو باشد زهر طرف
 می‌بوسم آستانه قصر جلال تو
 در دیده اشک عذر زتقصیر ما سلف
 گر پرده‌های چشم مرصع به گوهرم
 فرش حریم قبر تو گردد زهی شرف
 خوشحالم از تلاقی خدّام روضهات
 باشد کنم تلافی عمری که شد تلف
 رو کرده‌ام ز جمله اکناف سوی تو
 تا گیریم ز حادثه‌ی دهر در کَنف
 دارم توقّع اینکه مثال رجای من
 یابد ز کلک فضل تو توقیع لاتحف
 مه بی کَلَف ندیده کسی وین عجب که هست
 خورشید وار ماه جمال تو بی کَلَف
 بر روی عارفان ز تو مفتوح گشته است
 ابواب کُنْتُ کنز به مفتاح من عرف
 جز گوهر ولای ترا پرورش نداد
 هر کس که با صفای درون زاد چون صدف
 خصم تو سوخت در تب تبّت چو بولهب
 نادیده از زبانه قهرت هنوز تف
 رفت از جهان کسی که نه پی بر پی تو رفت
 لب پر نفیر با اسفا دل پر از اسف

۱. عبدالرحمن جامی.



صورت حالش چو نمودند باز
 طایر من سدره نشین شد چه باک
 باشد از آن خاک بگردی رسی
 تیر مخالف به تنش جاگرفت
 پشت بدرد سراسحاب کرد
 آمد از آن گلبن احسان برون
 ساخته گلزار مصلاّی من
 گرچه زم من نیست خبردارتر
 در قدم پاکروان خاک شو
 کز الم تیغ، ندارم خبر
 «جامی» از آرایش تن پاک شو
 صیقلی ذکر خفیّ و جلی
 صد گل راحت زگل او شکفت
 چاک بر آن چون گلش انداختند
 گفت چو فارغ ز نماز آن بدید
 گفت که سوگند بدانای راز
 گر شوم تن چو قفس چاک چاک
 گرد شکافی و بمردی رسی

۱۰. گوهر ولّای

اصبحت زائراً لک یا شحنة النجف
 تو قبله دعایی و اهل نیاز را
 می بوسم آستانه قصر جلال تو
 گر پرده های چشم مرصع ز گوهرم
 خوشحالم از تلافی خدام روضه ات
 رو کرده ام ز جمله اکناف سوی تو
 دارم توقع این که مثال رجای من
 مه بی کلف ندیده کسی، وین عجب که هست
 بر روی عارفان تو مفتاح گشته است
 جز گوهر ولای ترا، پرورش نداد
 خصم تو سوخت در تب تبّت چوبولهب
 نسبت کنندگان کف جود تو به امر
 رفت از جهان کسی که نه پی برپی تورفت
 اوصاف آدمی نبود در مخالفت

۱. سروده‌ی عبدالرحمان جامی.

ز آن پایه برتری تو که گنه کمال تو
 ناچنس را چه حد، که زند لاف حبّ تو
 مشکل شود زخوان نواله یاب
 بر کشف سرّلو کشف آنرا کجاست دست
 «جامی» برآستان تو کانجا پی سجود
 گردی بدیده رُفت و به حبیب صبا نهف
 بهر نثار مقدم تو نقد جان بکف
 روی امید سوی تو بجشد زهر طرف
 در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف
 فرش حریم قبر تو باشد، زهی شرف
 باشد، کنم تلافی عمری که شد تلف
 تا گیریم ز حادثه دهر در کنف
 یابد ز کلک فضل تو توقیع لا تخفف
 خورشید وار ماه جمال تویی کَلَف
 ابواب کنت کنز بمفتاح من عرف
 هر کس که با صفای درون زاد چون صدف
 نادیده نَز زبانه قهرت هنوز تف
 از بحر جود تو شناسند غیر کف
 لب پرنفیر یا اسفا، دل پر از اسف
 سرّ پدر که یافت ز فرزند ناخلف
 داند شدن سهام خیالات را هدف
 او را بود بجانب موهوم خود شعف
 خرسیرتی، که دیده برآبست و برعلف
 کز پوست پا برون نهاده است چون کشف
 هر صبح و شام بهر صفا می کشند صف
 اهدی الی احبته اشرف التحف



۱۱. پنجه قدرت نما

چون شاه زنگ تیغ مُهَنَد کند عَلم
 یعقوب لیل از مژه گوهر فشان شود
 ماهی شرق یونس مه را برافکنند
 نیلوفری شود فلک از شبینم نجوم
 سَرّاف صبح بر زبر نطع نیلگون
 دوشیزگان پرده ی شب رخ نهان کنند
 بازار شام را چو فروزان بود چراغ
 وانگه مداد سازد از آن دوده و کند
 الله شکل پنجه ی قدرت نمای تست
 در عرصه مصاف جز آن محتشم کسی
 باجان حق شناس و دلی خالی از هراس
 در طاعت خدای شب و روز، روز و شب
 ای آنکه نقد عمر به غفلت سپرده ای
 بشنو حدیث قصّه ی قدرت نمای او
 ناگاه قصد گوهر آن گنج حسن کرد
 بر لوح سینه بازوی خیر گشای او
 افتاد بر یمین و یسارش دو پارپار
 خیل سپاه خواب بر آمد به ترکشش
 مادر نهاد دیده ی سرزیر پای او
 برخاست تا که شکر او تر کند به شیر
 زان صورتش مشاهده افتاد و درفتاد
 افغان کنان دوید بر مهد مرتضی
 مادر چو ابر گریه کنان بود و بوالحسن
 چون شاخ گل نهاد سر شکر بر زمین

۱. سروده ی عبدالرحمان جامی.

حیدر بدان سبب شده نام مبارکش
 جا در جوار او کن و فارغ شو از بلا
 از عاصیان امت احمد کمینه است
 (جامی) غلام تست نه مدّا یا علی
 دارای روم باز گذارد سریر جم
 چون یوس نهار فتد در چه ظلم
 ثعبان غرب ضیغم خود را کشد به دم
 مانند سبزه زار ارم در صبح نم
 ریزد نقود ثابت و سیّاره چون درم
 چون دیده بان صبح برآرد سر از عدم
 عطار صبح جمع کند دوده ی ظلم
 مدح و ثنای شاه ولایت علی رقم
 این است فی الحقیقه بدالله فوقهم
 تنها مبارزت نکند با دو صد حشم
 روز غزا غضنفر و روز دعا غنم
 چون آفتاب راست شود چون هلال خم
 عمر از برای بندگی اوست مغتتم
 روزی که بود در حرم مهد محرم
 ماری به تن چو کوه دُم و کام پر ز سم
 شق کرد بر میان تن او چون شق قلم
 یک پاره اش نبود ز یک کوه خاره کم
 چون در میان جان ز نسیم بهار نم
 گوش خرد ز پنبه ی خواب گران اصم
 گویا بد حکایت شیر و شکر بهم
 در خاک و خون ز پیکر آن اژدر دژم
 بیدار شد امیر عرب خسرو عجم



خنده کنان چو برگ گل از باد صبحدم
 منت خدای را که بر او کرد این کرم
 تکرار نام او بکن ار نیستی بکم
 دم از ولای او زن و فارغ شو از ندم
 بر وی ترحمی بکن ای قبله اُمم
 او را چه حدّ لاف غلامیت بلکه کم

❖ ۱۲. کعبه ی شرف^۱ ❖

آنانکه فلان است و فلان رهبر ایشان
 ما را که کند عیب چو گوئیم که رهبر
 بر ما امرا کیست جز آنانکه بر امت
 آنانکه به فرمان خدا از پدر و جدّ
 آنانکه به تأیید الهی به ره دین
 آنانکه مرایشان را اندر شرف و فضل
 آنها که به تقدیر جهان داور ما را
 آنها که جهان را به چراغی که خداوند
 آنها که گواهند بر این خلق و بر ایشان
 آنها که مرایشان را ما جمله عبیدیم
 حجّ علما اند و حکیمان جهانند
 کعبه شرف و علم و حصنات کتاب است
 بر اهل ولا نیک صلاح اند و بر آنهاک
 یارب چه شد این خلق که با آل پیامبر
 آنها که همه دشمن اولاد رسولند
 ای امت برگشته ز اولاد پیامبر

۱. سروده‌ی حکیم ناصر خسرو قبادیانی.



آن قوم که این راه نمودند شما را
 گر احمد مرسل پدر امت خویش است
 ما بر اثر امت پیغمبر خویشیم
 اسلام رثائی رسول است و امامان
 نزدیک حکیمان ز در عیب وهجانند
 در دین حق از عترت پیغمبر مانند
 خیر البشرند و خلف آل عبانند
 میمون خلفا اند بر امت خلفانند
 اندر شب گمراهی اجرام سماوند
 مردان و زنان جمله عییدند و امانند
 از درد جهالت بنکوهن و شفانند
 بفروختش اندر شب این روز ضیائند
 ز ایزد پدر و جد بحق عدل و گوانند
 میراث نیائیم که میراث نیانند
 زیرا زره حکمت قبله ی حکمانند
 و اینان به مثل کعبه ورکنند و صفانند
 نزا اهل صلاحند همه باد و بلانند
 چون کژدم و مارانند و چو گرگان فلانند
 از مادر اگر هیچ نیانند روانند
 اولاد پیغمبر حکم روز جزانند
 زی آتش جاوید و کیلان شمانند
 جز شیعت و فرزند وی اصحاب ریانند
 و اولاد زنا بر اثر رای هوانند
 از عترت او حافظ این شهره ردانند



۱۳. حضور قبل امیر المؤمنین علی در نماز

ماند پیکان تیر درپایش
چونکه جراح آن جراحت دید
هیچ طاقت نداشت با دم گاز
جمله پیکان ازو برون آورد
گفت: کمتر شد آن الم، چونست؟
گفت: چون در نماز رفتی تو
گفت حیدر: بخالق الاکبر
این چنین کن نماز و شرح بدان
اقتضا کرد آنزمان رایش
گفت: باید بتیغ باز برید
گفت: بگذار تا بوقت نماز
و او شده بیخبر ز ناله و درد
وز چه جای نماز پر خونست
بر ایزد فراز رفتی تو
که مرا زین الم نبود خبر
ورنه برخیز و خیره ریش ملان

در احد میرحیدر کرار
که برون آرد از قدم پیکان
تا که پیکان مگر پدید آید
چون شد اندر نماز، حجامش
چون برون آمد از نماز علی
گفت با او جمال عصر حسین
گره پیکان برون ز تو حجام
این شده در نماز بس معروف
یافت زخمی قوی در آن پیکار
که همان بود مرورا درمان
قفل آن زخم را کلید آید
ببرید آن لطیف اندامش
آن مر او را خدای خوانده ولی
آن بر اولاد مصطفی شده زین
باز نا داده از نماز سلام
بعبادت بر کسان موصوف

۱۴. فرمان خدا

حکمت آبی است کجا مرده بدو زنده شود
شجر، حکمت پیغمبر باشد پس از او
پسران علی امروز مر او را بسزد
پسران علی آنانکه امامان حقند
سپس آن پسران رو، بره، از آنکه تو را
سپری کرد توانند ترا ز آتش تیز

۱. مثنوی ص ۱۴۰ حدیثه الحقیقه حکیم ثنائی غزنوی.

۲. سروده‌ی حکیم ناصر خسرو قبادیانی.

ای پسر، دین محمد بمثل چون جَسَد است
 چون شب دین سیه و تیره شود آل علی
 شیر دادار پدرشان به جهان بد نشگفت
 سودمندند همه خلق جهان را چو شکر
 آن شکر سود همی داد به تیمار درست
 منگر سوی گروهی که چو مستان از خلق
 پندچه دهی و چگوئی سخن از حکمت و پند
 سخن خوب خردمند پذیرد نه حَجَر
 اگر این کوردلان را تو به مردم شمری
 چون پری چون بیریدند گه صلح ولیک
 زپس آل علی رو که به فرمان خدای
 جدشان رهبر دیو و پری و مردم بود
 پسرت گر جگر است از تن تو ال علی
 شیعت آل علی یافته اند آب حیات
 سخن خوب بیاموز که این ناصبیان
 حکما بر لب این آب مبارک شجرند
 هر یک از عترت او نیز درختی به برند
 پسرانند چو مر دختر او را پسرند
 به امامت به هان همچو پدر مشتهرند
 پسران علی و فاطمه، ز آتش سپرند
 که بر آن شهره جَسَد فاطمیان همچو سرند
 صبح مشهور و مه و زهره ستاره سحرند
 گر از ایشان برمد آنکه یکایک حَمَرند
 جان من باد داشان که به طبع شکرند
 دشمن و دوست از ایشان همگان سود برند
 پرده بر خویشتن از بی خردی می بدرند



این خران را که چو خر یکسره از پند کردند
 سفها جمله ز مردم به قیاس حجرند
 من نخواهم که مرا خلق ز مردم شمرند
 بگه شر این همه ابلیس لعین را
 امتان را ز پس جدّ و پدر راهبرند
 سوی رضوان خدای و پسران زان پدرند
 مر نبی را و علی را به حقیقت جگرند
 خضر این دور شدستند که هرگز نمردند
 سخن خوب نداند و بسی بی هنرند

❖ ۱۵. معنی ران ❖

هر که را دردی بود در راه دن درمان علیست
 مرهم چشم موالی میخ چشم خارجی
 آن سرافرازی که پا بر کتف پیغمبر نهاد
 شاه مکه میر یثرب آفتاب شرق و غرب
 آدم و نوح و خلیل الله و عیسی در سخن
 هود و لوط و خضر و داوود و سلیمان و شعیب
 مصطفی بُد شهریار و مرتضی بُد شهریار
 سنبل و سرو و صنوبر، سوسن باغ صفا
 (شمس تبریزی) بود از جان غلام مرتضی
 دُر دریای حقیقت بحر بی پایان علیست
 مؤمنان را روز محشر رهبر و رهبان علیست
 آنکه در منبر سلونی گفت در کیهان علیست
 خواجه ی شرع و شریعت، معنی قرآن علیست
 یونس و هارون و یوشع موسی عمران علیست

۱. سروده‌ی شمس تبریزی.

یحیی و ادریس و لقمان یوس کنعان علیست
مصطفی بُد با صفا ولایق و با جان علیست
در سرابستان عصمت لاله و ریحان علیست
زانکه اندر دو جهان فرمانده و سلطان علیست

❖ ۱۶. عترت^۱ ❖

کار عاقل نیست در دل مهر دلبر داشتن
از پی سنگین دل نامهربانی روز و شب
چون نگردي گرد معشوقی که روز وصل او
هر که چون کرکس بمررداری فرود آورد سرد
رایت همّت زساق عرش بر باید فراشت
بندگان را بندگی کردن نشاید تا توان
تا دل عیسای مریم باشد اندر بند تو
یوسف مصری نشسته با تو اندر انجمن
احمد مرسل نشسته، کی روا دارد خرد
ای به دریای ضلالت در، گرفتار آمده
جان نگیں مهر مهر شاخ بی بر داشتن
بر رخ چون زر نثار گنج گوهر داشتن
بر تو زبید شمع مجلس مهر انور داشتن
کی تواند همچو طوطی طمع شکر داشتن
تا توان افلاک زیر سایه ی پر داشتن
پاسبان بام و در، فقفور و قیصر داشتن
کی روا باشد دل اندر سمّ هر خر داشتن
زشت باشد چشم را در نقش ازر داشتن
دل اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن
زین برادر یک سخن بایست باور داشتن

۱. سروده‌ی حکیم ثنایی غزنوی.



۱۷. پاسخ حضرت علی بذم کنندة دنیا

آن یکی در پیش شیر دادگر
هست دنیا بر مثال کشتزار
تخم امروزینه فردا بر دهد
دایما در غصه خواهی ماند باز
تو دنیا در مشو مشغول خویش
هیچ بیکاری نبیند روی او
بد توئی، زیرا که دوری از خرد
جمله از دنیا توان برد، ای پسر
زندگی نادیده خواهی مرد تو
زانکه دنا توشه عقبای تست
پس برای دین تو دنیا دار دوست

حیدرش گفتا که دنیا نیست بد
زانکه عز و دولت دین سر بسر
گر ز دنیا دین نخواهی برد تو
پس نکوتر جای تو دنیای تست
چون چنین کردی ترا دنیا نکوست
ذم دنیا مرد بسیاری مگر
هم شب و هم روز باید کشت و کار
ورنکاری، ای دریغا بردهد؟
کار سخت و مرد سست وره دراز
لیک در وی کار عقبی گیر پیش
کار کن تا ره دهند سوی او

یک سؤال مهم

به راستی در کدامیک از مذاهب چهارگانه اهل سنت شکستن حریم امن الهی جایز شمرده شده است کدامیک از علمای اهل سنت مربوط به هریک از مذاهب اهل سنت فتوای داده‌اند که کشتن حجاج در حرم امن الهی و در محدوده بیت الله الحرام جایز است، نه شیعه نه هیچ یک از فرقه های چهارگانه اهل سنت این کار را جایز نمی‌دانند الا مذهب وهابیت.

نویسنده کتاب کشف حقیقت یادشان نرود که شما خادمین حرم در کنار بیت الله فقط ۴۰۰ ایرانی را به جرم مرگ بر اسرائیل گفتن به رگبار بستید از فضایل خودتان بیشتر توضیح دهید تا مردم مسلمان بدانند شما کارهایی می‌کنید که در هیچ یک از مذاهب چهارگانه اهل سنت هم از حیث فقهی و شرعی حکمی وجود ندارد.

کشتن حاجیان بیت الله الحرام در محدوده حرم الهی در مکه به جرم برائت از مشرکین که در قرآن آمده است در تفکر شما جایز است.

۱. سروده‌ی عطار نیشابوری.



باطل بی طرف باشیم پس در تقویت هریک از این دو جریان که تلاش کنیم جزء آن گروه حساب خواهیم شد.

حسن ختام

در پایان علی الرسم به چند نکته اشاره می نماید:
الف. برای همه علمای خوبی که از کتاب های ایشان در این مجموعه استفاده شده علو درجات و اجری وافر از خدای بزرگ می طلبم.

ب. شاید خیلی از مؤمنین بخواهند بدانند که راه نیکی کردن به حضرت زهرا علیها السلام در چه کاریست؟ و چگونه می توان حق اهل بیت علیهم السلام را اداء نمود؟! پاسخ این سؤال در روایتی از امام صادق علیه السلام اینگونه آمده است:

«هر کس می خواهد به مادر ما، فاطمه بخشش و احسان و نیکی کند پس بر جد شهید ما گریه کند کسی که بر جد شهید ما حسین علیه السلام گریه کند حق ما اهل بیت را اداء کرده است». (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۶).

ج. آیا به غیر شبهای قدر در ماه رمضان که اعمال در آن شبها ۱۰۰۰ برابر می شود عمل دیگری وجود دارد که با انجام آن پاداش و اجر آن ۱۰۰۰ برابر بشود؟ پاسخ این سؤال در روایتی امام صادق علیه السلام در کتاب کامل الزیارات صفحه ۴۱۸ اینگونه آمده است:

راوی (ابن سنان) از امام صادق علیه السلام پرسید: یا بن رسول الله اگر کسی یک درهم برای زیارت جد شما حسین بن علی علیه السلام خرج کند نزد خدا چه پاداشی دارد؟ امام فرمود: «یک درهم او برابر با ۱۰۰۰۰ درهم خواهد بود».

پس شایسته است مومنین در برپایی مجلس روضه و زیارت عاشورا تلاش وافر و بعمل آورند تا بدینوسیله رضایت و خشنودی چهارده معصوم علیهم السلام را ذخیره قبر و قیامت خود نمایند.

د. این کتاب را با توسل به کوچک ترین سرباز کربلا و بزرگ ترین مظلوم کربلا؛ باب الحوائج الی الله، حضرت علی اصغر علیه السلام به پایان می برد.

حضرت ام کلثوم علیها السلام وقتی شهادت برادرزاده اش حضرت علی اصغر علیه السلام را دید در دو بیت شعر، عمق غم های دل خود را جای داده است.

فطمته السهام قبل الفطام

لهف قلبی علی الصغیر الظامی

لهف قلبی علیه فی کل عام

غر غروه بدمه وهو طفل

علی اصغر پسر برادرم!
مردم در همه جای دنیا بعد از دو سال بچه هایشان را از شیر می گیرند.
اما مردم کوفه تو را در شش ماهگی از شیر گرفتند.
(همه جا بچه کوچک را با مهر و محبت از شیر می گیرند سابقه نداشته کسی با تیر
سه شعبه بچه را از شیر بگیرند).

صلی الله علیک یا ابا عبدالله و رحمة الله وبرکاته

محمد رضا رمزی اوحدی

قم المقدس



انتشارات سعید نفیسی



انتشارات سجد نون



فہرست را ہنما

الف۔ اشخاص

ب۔ مکان ہا

ج۔ جنگ ہا

انتشارات سعید نفیس



اشخاص

ابن جوزی: ۵۵، ۶۰، ۹۵، ۱۵۱، ۲۴۱، ۳۴۷، ۳۵۷، ۴۰۱، ۴۲۵، ۴۷۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۱۷، ۵۴۹

ابن حجر: ۲۹، ۳۹، ۴۳، ۸۶، ۹۳، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۸، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۹۵، ۴۸۹، ۴۷۵، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۱۴، ۵۵۸، ۵۵۹

ابن شبرمه: ۲۸، ۲۸۵، ۳۸۵

ابن عباس: ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۱، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۰، ۱۶۹، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۷۰، ۴۷۷، ۴۸۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۳۴، ۵۳۶

ابن عساکر: ۳۱، ۳۳، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۵۵، ۷۱، ۱۴۱، ۱۷۶، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۳۲، ۲۶۵، ۳۲۵، ۳۳۹، ۳۴۹، ۳۸۰، ۳۸۰، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۲۳، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۴۹

ابن عطیه: ۲۸، ۲۸۷

ابن قتیبه دینوری: ۵۵، ۵۵۱، ۵۸۷

آدمؑ: ۱۸۸، ۲۳۳، ۲۶۳، ۴۵۴

آسیه: ۱۲۸

آلوسی: ۹۸، ۱۰۲، ۱۱۷، ۳۳۳، ۴۸۹، ۴۹۰

آل یاسین: ۱۰۲، ۱۳۸، ۱۴۶

ابراهیمؑ: ۱۸۵، ۱۸۸

ابن ابی الحدید: ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۷، ۴۹۲، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۸، ۵۶۹

ابن ابی حاتم: ۷۱، ۴۷۵

ابن اثیر: ۵۵، ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۵۷، ۳۷۸، ۴۸۵، ۴۹۱، ۵۲۴

ابن تیمیه: ۵۱۵

ابن جریر طبری: ۵۵، ۴۹۰، ۴۹۷، ۵۵۲



مروه: ٢١٩، ٤٤١

مسعودي: ١٧٤، ٢٠٤، ٢٩٢، ٣١٤، ٥١٢، ٥٢٢، ٥٥٣، ٥٥١، ٥٤٩، ٥٣٦

مصر: ٦، ٧، ٣٠٩، ٣٢١، ٣٢٧، ٤٨٥، ٥٢٧، ٥٣٦، ٥٩٨

معاذ بن جبل: ٢١٣، ٢٢٤

معاوية بن ثعلبة: ٤٠٢

معاوية: ٦١، ٦٢، ٧٢، ٨١، ١٠٧، ١٢٦، ١٥٣

١٦٣، ٢٥٢، ٢٧٤، ٢٨٢، ٢٨٤، ٢٨٥، ٢٨٨، ٢٩٢

٢٩٣، ٢٩٤، ٢٩٥، ٢٩٧، ٣١١، ٣١٤، ٣١٨، ٣١٩

٣٣٢، ٣٣٥، ٣٣٦، ٣٣٩، ٣٤٢، ٣٤٣، ٣٤٧، ٣٥٧

٣٥٩، ٣٦٤، ٣٧٣، ٣٧٨، ٣٩٦، ٤٠٦، ٤٠٧، ٤٠٨

٤١٦، ٤٢٠، ٤٢١، ٤٢٣، ٤٠٥، ٤٠٧، ٤٠٨، ٤٠٩

٥١٠، ٥١١، ٥١٢، ٥١٣، ٥١٤، ٥١٥، ٥١٦، ٥١٧

٥١٨، ٥١٩، ٥٢٠، ٥٢١، ٥٢٣، ٥٢٤، ٥٢٥، ٥٢٦

٥٢٧، ٥٢٨، ٥٢٩، ٥٣٠، ٥٣١، ٥٣٢، ٥٣٣، ٥٣٤

٥٣٥، ٥٣٦، ٥٣٧، ٥٣٨، ٥٣٩، ٥٤٠، ٥٤١، ٥٤٢

٥٥٩

مغيره: ٣٣٥، ٣٥٦، ٣٥٧، ٥١٠، ٥١٧، ٥٢٢، ٥٣٧

مقداد: ٥٢، ٦٥، ٢٧١، ٣٠١، ٣٥٩، ٣٨٠، ٥٥٩

موسى عليه السلام: ٦٠، ٩١، ١١٨، ١٣٦، ١٣٩، ١٤٤

١٤٨، ١٥٠، ١٨٣، ١٨٤، ١٩١، ٢٢٩، ٢٣٤، ٢٣٥

٢٤٤، ٢٩٣، ٣٦٠، ٣٨٨، ٤١٧، ٤٦٦، ٤٦٩، ٤٨٠

٥٨٥، ٥٨٠

ميثم قمار: ٢٢٣

ميرسيد علي بن شهاب الهمداني: ١٤٦، ١٨٩

٢٣٣، ٢٥٦، ٢٩٣

ميكائيل عليه السلام: ٥٨، ١٦٩، ١٨٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢٢٦

٢٦١، ٢٧٢

نجران: ٦١، ١٩٤، ٢٠١، ٢٠٢، ٢٨٢، ٢١٦، ٤٨٨

نسائي: ٥٥، ٧٠، ٧٥، ٩٥، ١٠٠، ١٣٠، ١٥٥

٢١٠، ٢٤٣، ٢٧٣، ٣١٦، ٣٢٦، ٣٣٤، ٣٨٦، ٤٠٣

٤٠٦، ٤٠٧

نوح عليه السلام: ٧، ٢٠٨، ٢١٩، ٢٢٩، ٢٣١، ٢٣٢، ٥٨٢

٥٩٦، ٥٩٦، ٦١٤

هارون: ١٩، ٦٠، ١٢٣، ١٣٦، ١٣٩، ١٤٠، ١٤٤

١٤٨، ١٩١، ١٩٢، ٢٢٩، ٢٣٤، ٢٣٤، ٢٨٨، ٢٩٣

٣٥٩، ٣٨٨، ٤١٧، ٤١٩، ٤٢٥، ٤٤٧، ٤٦٦، ٤٧٩

٤٨٠، ٥٨٠، ٥٨٥، ٦١٤

هيثمي: ٩٠، ٩٣، ١٠٤، ١١٤، ١٢٧، ١٧٦، ١٨٩

١٩٠، ١٩١، ٢٢٣، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٩٥، ٤١٠، ٤٧٥

٤٨٩، ٤٥٢، ٥٥٣، ٥٤٨

واقدي: ٢٨، ٣٨، ٢٨٦، ٤٠٠

واقدي: ٢٨٦، ٢٩١، ٢٩٢، ٣٣٧، ٤٠٠

وكيع بن جراح: ٥١

وليد بن عقبه: ٥٢٢، ٥٥٨

يل صراط: ١٣٧، ٢١٨، ٢٣٤

كميل بن زياد: ٣٢٣، ٥٢٤

كوه صفا: ٢١٩

يحيى عليه السلام: ١٤٨، ٤٠٩، ٥٢٨

يزيد: ١٦٣، ٢٧٠، ٢٧٠، ٤٠٧، ٥١٥، ٥١٨، ٥٢٤، ٥٣٩

يعقوبي: ٥٥، ٢١٢، ٢١٥، ٢٢٧، ٢٩٢، ٣٠٩



۳۰۸، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۹، ۳۳۹، ۳۴۴، ۳۵۹،
 ۳۶۱، ۳۸۲، ۳۹۵، ۴۹۲، ۵۰۷، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۲۴،
 ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۹،
 مدینه: ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱،
 ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۷، ۲۱۲،
 ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۹۷، ۳۰۱، ۳۰۸،
 ۳۱۰، ۳۲۹، ۳۲۵، ۳۵۱، ۳۶۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۴۰۰،
 ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۷۷، ۴۸۲،
 ۴۸۴، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۹، ۵۲۱، ۵۲۴،
 ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۵۵، ۵۶۳،
 ۵۷۶

جنگ ها

مقام: ۵۷، ۶۱، ۶۸، ۷۳، ۷۶، ۹۹، ۱۱۳، ۱۳۷،
 ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۵، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۲،
 ۲۰۵، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۳،
 ۳۰۹، ۳۲۵، ۳۵۰، ۳۶۹، ۳۷۴، ۳۸۵، ۴۱۷، ۴۴۵،
 ۴۴۷، ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۶، ۵۱۹، ۵۲۷، ۵۳۱،
 مکه: ۵۵، ۷۵، ۷۸، ۸۸، ۹۱، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۳،
 ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۹، ۲۵۵، ۲۹۷، ۳۱۶، ۳۲۹،
 ۳۴۹، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۷۷، ۴۹۶،
 ۵۰۰، ۵۱۶، ۵۲۷، ۵۳۹، ۵۶۳، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۵،
 ۶۱۶

۲۶۳، ۲۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۲۱،
 ۴۲۲، ۴۷۲، ۶۳۱
 حنین: ۷۶، ۱۳۰، ۱۶۰، ۲۴۹
 خندق: ۷۴، ۹۸، ۱۹۹، ۳۳۰، ۳۶۶، ۴۱۹، ۵۱۶
 صفین: ۲۴۹، ۲۷۴، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۴۲،
 ۳۷۶، ۴۲۰، ۴۲۱، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۳۲،
 ۵۳۴، ۵۳۹

احد: ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۸۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۱۹،
 ۲۲۸، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۶۰، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۳،
 ۳۴۸، ۳۶۴، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۰، ۴۱۸، ۴۱۹،
 ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۶۸، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۵۷،
 ۶۰۳، ۶۱۲
 بدر: ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۸۰، ۲۴۹، ۲۵۲، ۳۰۶، ۳۱۰،
 ۳۴۲، ۳۶۶، ۴۰۹، ۴۱۹، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۳۸، ۵۳۹،
 ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۹۹
 جمل: ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۲۳،